



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

تحلیلی از زندگانی

علیه السلام

امام سجاد



جلد ۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام

نویسنده:

باقر شریف قرشی

ناشر چاپی:

کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۷	تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام جلد ۱
۱۷	مشخصات کتاب
۱۷	پیشگفتار
۱۸	مقدمه مترجم
۱۹	تقدیم
۲۰	مقدمه مؤلف
۲۷	بانو، شاه زنان
۲۸	اشاره
۲۸	صفات روحی
۲۹	روایات مربوط به زمان ازدواج
۲۹	اشاره
۲۹	الف- در زمان عمر
۲۹	ب- در زمان عثمان
۳۰	ج- زمان خلافت امیر المؤمنین
۳۰	بررسی روایات
۳۱	نظرات نادرست
۳۲	نام مادر امام (ع)
۳۲	ارتباط مقدّس
۳۳	ندای جاهلیت
۳۴	محبت امام علی (ع) به شاه زنان
۳۵	توجه امام حسین به شهربانو
۳۶	ستایش مورّخان

۳۶	اشاره
۳۶	الف- میزّد
۳۶	ب- ابن شذقم
۳۶	ج- گنجی
۳۶	نوزاد بزرگ
۳۷	اشاره
۳۷	مراسم ولادت
۳۷	جای ولادت
۳۸	زمان ولادت
۳۸	نامگذاری امام
۳۹	نظریه ابن تیمیه
۴۰	کنیه امام
۴۰	القاب امام
۴۰	اشاره
۴۰	۱- زین العابدین
۴۱	۲- سید العابدین
۴۱	۳- ذو الثّفنات
۴۱	۴- سّجاد
۴۲	۵- زکی
۴۲	۶- امین
۴۲	۷- ابن الخیرتین
۴۳	وفات مادر امام
۴۴	دایه امام
۴۴	اوصاف جسمانی امام

- ۴۴ هیبت و شکوه امام
- ۴۵ نقش انگشتریش
- ۴۵ دوران رشد و راه و رفتار امام علیه السلام
- ۴۵ اشاره
- ۴۵ رشد امام (ع)
- ۴۷ رفتار امام
- ۴۷ رفتار امام در خانه
- ۴۷ احسان امام به دایه‌اش
- ۴۸ روایت ساختگی
- ۴۹ امام (ع) با والدینش
- ۴۹ دعای امام به والدین
- ۵۳ امام علیه السلام با پسرانش
- ۵۳ وصایای امام به پسرانش
- ۵۶ دعای امام علیه السلام به پسرانش
- ۶۰ امام با بردگانش
- ۶۰ امام با همسایگان
- ۶۰ دعای امام برای همسایگان
- ۶۳ رفتار امام با همنشینان
- ۶۴ رفتار امام با شیعیان
- ۶۵ روایتی ساختگی
- ۶۶ امام (ع) تقیه را برای شیعه ضروری می‌داند
- ۶۶ استغفار امام برای گنهکاران شیعه
- ۶۶ رفتار امام (ع) با دشمنان
- ۶۸ خصوصیات روحی امام علیه السلام

۶۸	اشاره
۶۸	بردباری
۷۰	صبر امام
۷۲	عزت و بزرگواری امام
۷۳	شجاعت امام
۷۳	تواضع امام
۷۴	احسان به مردم
۷۵	بخشنده‌گی امام
۷۵	داستان محمد بن اسامه
۷۵	اطعام عمومی
۷۵	اداره کردن صد خانواده
۷۶	توجه به مستمندان
۷۶	اشاره
۷۶	الف- احترام امام به فقرا
۷۶	ب- توجه امام به فقرا
۷۷	نهی امام، از رد سائل
۷۸	صدقات امام
۷۸	اشاره
۷۸	الف- امام (ع) جامه‌هایش را صدقه می‌دهد
۷۸	ب- آنچه را دوست داشت صدقه می‌داد
۷۹	ج- تقسیم اموال
۷۹	صدقات پنهانی امام
۸۰	تنها رضای خدا را می‌جست
۸۱	پارسایی در دنیا

۸۲	امام با صوفیان
۸۳	تنقیر امام از بیهوده کاری
۸۳	توجه به خدا
۸۴	موارد دلپذیر از توجهات امام
۸۴	اشاره
۸۴	۱- توسل به خدا
۸۵	۲- تنها توجه به خدا
۸۶	۳- عرض حاجت به پیشگاه خدا
۸۸	۴- تضرع در پیشگاه خداوند
۹۰	۵- اظهار ذلت در پیشگاه خدا
۹۱	امامت
۹۱	اشاره
۹۲	معنای امامت
۹۲	ضرورت امامت
۹۲	پیامبر و امامت
۹۳	مقام والای ائمه
۹۵	باید به ائمه مراجعه کرد
۹۶	اطاعت امام واجب است
۹۷	عصمت امام
۹۸	امامت آن حضرت
۹۸	نص بر امامت
۹۹	امامت در عصر آن حضرت
۱۰۰	امامت محمد بن حنفیه
۱۰۱	امام سجاد با محمد بن حنفیه

- ۱۰۳ بازگشت کابلی به دامن حق
- ۱۰۴ قسمتی از دلایل امامت آن حضرت
- ۱۰۴ اشاره
- ۱۰۵ ۱- خبر شهادت زید
- ۱۰۵ ۲- خبر دادن امام از حکومت عمر بن عبد العزیز
- ۱۰۶ ۳- خبر دادن امام از حکومت عباسیان
- ۱۰۷ اظهارات دیگران راجع به شخصیت امام
- ۱۰۷ اشاره
- ۱۰۷ نظرات معاصرین امام
- ۱۰۷ اشاره
- ۱۰۸ ۱- جابر انصاری
- ۱۰۸ ۲- عبد الله بن عباس
- ۱۰۸ ۳- زهری
- ۱۰۹ ۴- سعید بن مسیب
- ۱۱۰ ۵- زید بن اسلم
- ۱۱۱ ۶- حماد بن زید
- ۱۱۱ ۷- یحیی بن سعید
- ۱۱۱ ۸- مالک
- ۱۱۲ ۹- ابو بکر بن برقی
- ۱۱۲ ۱۰- ابو ذرعه
- ۱۱۲ ۱۱- ابو حازم
- ۱۱۲ ۱۲- ابو حاتم اعرج
- ۱۱۲ ۱۳- ابو حمزه ثمالی
- ۱۱۳ ۱۴- امام صادق (ع)

- ۱۱۳ ۱۵- عمر بن عبد العزیز
- ۱۱۳ ۱۶- یزید بن معاویه
- ۱۱۴ ۱۷- عبد الملك بن مروان
- ۱۱۴ ۱۸- منصور دوانیقی
- ۱۱۴ ۱۹- فرزدق
- ۱۱۵ ۲۰- حمیری
- ۱۱۵ ۲۱- ابن شهاب
- ۱۱۶ ۲۲- ابن زید
- ۱۱۶ مورخان
- ۱۱۶ اشاره
- ۱۱۶ ۱- ابن عساکر
- ۱۱۷ ۲- ابن سعد
- ۱۱۷ ۳- ابن حجر عسقلانی
- ۱۱۷ ۴- ابن هبش
- ۱۱۷ ۵- ذهبی
- ۱۱۸ ۶- ابو الفتح
- ۱۱۸ ۷- ابو نعیم
- ۱۱۸ ۸- یعقوبی
- ۱۱۸ ۹- واقدی
- ۱۱۹ ۱۰- صفی الدین
- ۱۱۹ ۱۱- نووی
- ۱۱۹ ۱۲- عماد الدین
- ۱۱۹ ۱۳- ابن عنبه
- ۱۲۰ ۱۴- شیخ مفید

- ۱۵- جاحظ ۱۲۰
- ۱۶- شراوی ۱۲۰
- ۱۷- قلیویی ۱۲۰
- ۱۸- ابن تیمیه ۱۲۱
- ۱۹- شیخانی ۱۲۱
- ۲۰- ابن خلکان ۱۲۱
- ۲۱- ابن شدقم ۱۲۱
- ۲۲- منوفی ۱۲۱
- ۲۳- ابو الفتوح ۱۲۲
- ۲۴- مناوی ۱۲۲
- ۲۵- محمد بن طلحه ۱۲۲
- ۲۶- محمد بن سعد ۱۲۳
- ۲۷- سید عباس ۱۲۳
- ۲۸- سید محسن ۱۲۳
- ۲۹- نویری ۱۲۳
- ۳۰- شافعی ۱۲۴
- ۳۱- علی بن عیسی اربلی ۱۲۴
- ۳۲- بستانی ۱۲۵
- ۳۳- وجدی ۱۲۵
- ۳۴- آغا بزرگ ۱۲۶
- ۳۵- ابن جوزی ۱۲۶
- ۳۶- تاج الدین ۱۲۶
- ۳۷- عارف تامر ۱۲۶
- ۳۸- زرکلی ۱۲۶

- ۱۲۷ ۳۹- احمد محمود صبحی
- ۱۲۷ ۴۰- احمد فهیمی
- ۱۲۷ ۴۱- حسین علی محفوظ
- ۱۲۸ چند نکته مهم
- ۱۲۹ امام سجاد و مصائب کربلا
- ۱۲۹ اشاره
- ۱۲۹ امام در سرزمین کربلا
- ۱۳۰ امام خبر از شهادت خود می‌دهد
- ۱۳۲ روز عاشورا
- ۱۳۲ خطبه امام
- ۱۳۵ جنگ
- ۱۳۶ شهادت نیکان
- ۱۳۷ یاری خواستن امام
- ۱۳۷ شهادت امام حسین
- ۱۳۸ آتش زدن خیمه‌ها
- ۱۳۸ هجوم دشمن به سمت امام
- ۱۳۹ بی‌تابی امام زین العابدین
- ۱۳۹ دفن کردن امام سجاد بدنهای شهدا را
- ۱۴۰ اسیران اهل بیت در کوفه
- ۱۴۱ خطابه امام زین العابدین
- ۱۴۲ ابن زیاد طاغوت با امام سجاد
- ۱۴۳ ربودن امام
- ۱۴۴ حرکت اسرای اهل بیت به جانب دمشق
- ۱۴۴ مرد شامی با امام زین العابدین

۱۴۵	امام سجاد در مجلس یزید
۱۴۶	خطبه امام زین العابدین (ع)
۱۵۰	امام (ع) با منهل
۱۵۰	عذرخواهی طاغوت از امام
۱۵۱	گفتگوی اسقف یهودی با یزید
۱۵۱	امام علیه السلام با یزید
۱۵۲	حرکت به سمت مدینه
۱۵۳	بشیر و خبر شهادت امام
۱۵۴	خطابه امام زین العابدین
۱۵۵	اندوه امام زین العابدین
۱۵۷	پرداخت دیون پدر
۱۵۷	همدردی امام با آل عقیل
۱۵۷	اقامت امام سجاد در مدینه
۱۵۸	عبادات امام سجاد علیه السلام
۱۵۸	اشاره
۱۵۹	وضوی امام
۱۶۰	نماز امام سجاد
۱۶۰	معطر کردن امام برای نماز
۱۶۰	لباس امام در حال نماز
۱۶۰	خشوع امام در نماز
۱۶۲	هزار رکعت نماز
۱۶۲	قضای نماز نافله
۱۶۳	سجده‌های زیاد
۱۶۳	تسبیح زیاد امام

- ۱۶۳ مداومت امام بر نماز شب
- ۱۶۳ دعای امام پس از نماز شب
- ۱۶۹ ضعیف و لاغری امام
- ۱۶۹ اشاره
- ۱۷۰ ۱- یکی از پسران امام
- ۱۷۰ ۲- جابر بن عبد الله انصاری
- ۱۷۱ ۳- عبد الملک
- ۱۷۳ روزه امام
- ۱۷۳ در ماه رمضان
- ۱۷۳ دعای امام وقت رؤیت هلال ماه رمضان
- ۱۷۸ کارهای خیر امام در ماه رمضان
- ۱۷۹ اشاره
- ۱۷۹ الف- اطعام به مستمندان
- ۱۷۹ ب- آزادسازی بردگان
- ۱۸۱ دعای امام سجاد در وقت سحر
- ۱۸۴ دعای امام در وداع ماه رمضان
- ۱۸۴ اشاره
- ۱۸۵ ۱- بخشندگی و کرم خدا
- ۱۸۵ ۲- عفو و مجازات خدا
- ۱۸۵ ۳- قضای الهی
- ۱۸۵ ۴- سپاس خدا از سپاسگزاران
- ۱۸۵ ۵- پرده‌پوشی از گناه
- ۱۹۲ در روز عید فطر
- ۱۹۶ حج امام

- حج پیاده ۱۹۷
- حج سواره ۱۹۷
- همراهی قاریان با امام ۱۹۸
- توشه سفر حج ۱۹۸
- نگرانی امام در وقت احرام ۱۹۸
- دعای امام کنار حجر الاسود ۱۹۹
- نماز امام زیر ناودان رحمت ۱۹۹
- امام با هشام بن عبد الملک ۲۰۰
- تشکیک ابو الفرج اصفهانی ۲۰۴
- دستگیری فرزندق ۲۰۵
- مناجات امام در بیت الحرام ۲۰۶
- امام سجاد با مردی که طواف می کرد ۲۱۱
- اعتراض امام بر گدایان در عرفه ۲۱۲
- آزاد کردن بردگان در عرفات ۲۱۲
- دعای امام در عرفات ۲۱۲
- روز عید قربان ۲۲۸
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۲۳۳

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام جلد ۱

مشخصات کتاب

سرشناسه: قرشی، باقر شریف، - ۱۹۲۶
 عنوان و نام پدید آور: تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام / تالیف باقر شریف قرشی؛ ترجمه محمدرضا عطائی
 مشخصات نشر: [مشهد]: کنگره جهانی حضرت رضا(ع)، ۱۳۷۲.
 مشخصات ظاهری: ج ۲
 فروست: (کنگره جهانی حضرت رضا(ع)؛ ۴۸، ۴۷)
 شابک: بها: ۱۳۰۰۰ ریال (جلد گالینگور)، ۱۵۰۰ ریال (جلد شمیم)؛ بها: ۱۳۰۰۰ ریال (جلد گالینگور)، ۱۵۰۰ ریال (جلد شمیم)؛
 بها: ۱۳۰۰۰ ریال (جلد گالینگور)، ۱۵۰۰ ریال (جلد شمیم)؛ بها: ۱۳۰۰۰ ریال (جلد گالینگور)، ۱۵۰۰ ریال (جلد شمیم)
 وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی
 یادداشت: عنوان اصلی: حیاة الامام زین العابدین: دراسه و تحلیل.
 یادداشت: کتابنامه
 موضوع: علی بن حسین(ع)، امام چهارم، ۹۴ - ۳۸ ق. -- سرگذشتنامه
 شناسه افزوده: عطائی، محمدرضا، مترجم
 شناسه افزوده: کنگره جهانی حضرت رضا(ع)
 رده بندی کنگره: BP۴۳/ق ۴ح ۹۰۴۱ ۱۳۷۲
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۴
 شماره کتابشناسی ملی: م ۷۴-۶۴۸۱

پیشگفتار

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عبد السلام بن صالح الهروی قال: سمعت أبا الحسن الرضا عليه السلام يقول: رحم الله عبدا احیی امرنا، فقلت له: کیف یحیی امرکم؟ قال:

یتعلم علومنا و یعلمها الناس، فانّ الناس لو علموا محاسن کلامنا لا تبعونا.

مسند الامام الرضا علیه السلام دوران زندگانی امام سجاد علیه السلام از ادوار شگفت تاریخ تشیع و به لحاظ نهضت‌های شیعی و نمودارهای مجاهدت و تلاش توانفرسای آن حضرت و یارانش، یکی از پر بارترین، تنه آفرین‌ترین و عبرت‌انگیزترین دوران تاریخ تشیع به شمار می‌رود.

کتاب گرانقدر علامه آقای باقر شریف قرشی، اطلاعات گسترده و سودمندی از دوران امامت و ابعاد مختلف زندگانی آن حضرت در اختیار ما می‌نهد.

در جلد اول این کتاب، ابعاد عظیم شخصیت علی بن الحسین (ع) و امامت آن بزرگوار، همگامی آن حضرت در قیام مقدس و خونین حضرت ابا عبد الله الحسین (ع) و جلوه‌های زیبای عبادت آن بزرگوار بررسی شده است و در جلد دوم از علم امام (ع)،

مواعظ و حکمت‌های دربردارش سخن رفته است در این جلد در ذیل عنوان مؤلفات امام (ع) به تفصیل از صحیفه سجاده، مناجات خمس عشر، رساله الحقوق و از آنچه در منابع به عنوان: «کتاب علی بن الحسین» آمده است بحث شده و محتوای این مجموعه و ابعاد زندگی ساز معارف اسلامی در آنها آورده عنوان شده است.

تحلیلی از زندگانی سیاسی امام (ع) و حاکمان زمان امام سجاد (ع) و نیز چگونگی موضع امام در مقابل حاکمان و حوادث روزگار از دیگر مباحث مفید کتاب است گزارشی از اصحاب و راویان امام نیز در این جلد آمده است.

کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام به منظور استفاده عموم از این کتاب گرانقدر

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۶

ترجمه آن را به دانشمند محترم آقای محمد رضا عطائی پیشنهاد کرد و نامبرده به انجام این مهم همت گماشت و ترجمه این اثر نفیس را به عهده گرفت خوشوقتم که این کتاب هم اکنون در اختیار دوستان اهل بیت (ع) قرار می‌گیرد. برای نویسنده محترم و مترجم ارجمند آن سعادت و توفیق روزافزون آرزومندیم.

کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۷

مقدمه مترجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الهی احمدک و انت للحمد اهل، و الصیلة علی محمد نبیک الّذی مننت علینا به دون الامم الماضیه، امینک علی وحیک، امام الرّحمه و علی آله ائمه الهدی و قاده اهل التّقی.

الهی و انطقنی بالهدی و ألهمنی التّقی و وفّقنی للّتی هی از کی و استعملنی بما هو ارضی. (۱)

نگرش به تعالیم پیشوایان عظیم الشان اسلام این نکته را به خوبی روشن می‌سازد که برای آنها هیچ هدفی جز ذات مقدس پروردگار و هیچ مقصدی جز رسیدن به بارگاه مقدس او وجود نداشته است، در نظر آن ذوات مقدسه، توحید نه تنها اولین قدم بلکه آخرین قدم نیز هست. مروری در تعلیمات عالیّه و زندگانی عملی آنان به روشنی نشان می‌دهد که آنان در تمام مراحل زندگی چشم دل به سوی درگاه خدا داشتند و هر عمل و حرکتی که از آنها سر می‌زد صرفاً به قصد تقرب به خدا و خشنودی او بوده است، رسیدن به درگاه الهی غایه القصوایی بوده است که تمام فعالیتها و حرکات آنها را جهت داده و وحدت می‌بخشیده است و زبان حال و مقال یکایک آنان این بود:

... إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲)

(۱) صحیفه سجاده/ دعای بیستم.

(۲) انعام/ ۱۶۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۸

... نماز و تمام عبادات من و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند، پروردگار جهانیان است.

آنان که مثل اعلای بندگی و کمالاتند، چنان مجذوب حق بودند و آن چنان در یاد خدا و انس با او که هیچ چیز نمی‌توانست آنان را از این حضور بازدارد و توجهشان را به خود معطوف سازد و در مقام انقطاع الی الله هیچ علاقه‌ای که معارض با حب الهی باشد در وجود آنان نبود و این درخواست قلبی ایشان بود، چنان که امیر المؤمنین علیه السلام در مناجات شعبانیه، چنین انقطاع کاملی را

از درگاه خدا مسألت داشت و عرض می‌کرد:

«الهی هب لی کمال الانقطاع الیک.»

«خدایا! کمال انقطاع به سوی خودت را به من عطا کن.»

امام سجاد علیه السلام نیز همانند سایر پیشوایان آسمانی، تنها دل در گرو یک محبت قدسی ملکوتی نهاده و از همه چیز به خاطر رسیدن به آن در گذشته، و آن حبّ الهی است، موج عشق و محبت الهی را در تمام سخنان و مناجاتهایش که حاصل غایت مراتب معرفت به ذات مقدس پروردگار است، می‌توان مشاهده کرد. در مناجات الذاکرین عرض می‌کند:

«و استغفرک من کلّ لذّه بغیر لذّه ذکرک.»

«از هر لذتی جز لذت یاد تو، آمرزش می‌طلبم.»

نگاهی به مناجاتهای امام علیه السلام در صحیفه سجادیه، بیانگر این مطلب است که چگونه توجه و اعتماد به خدا و تلاش برای تحصیل رضا و خشنودی او در تمام مراحل و در کلیه احوال هدف والایی بوده است که لحظه‌ای مورد غفلت و فراموشی واقع نمی‌شده است، در دعای سیزدهم صحیفه عرض می‌کند:

«اللهمّ انّی اخلصت بانقطاعی الیک و اقبلت بکلیّ

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۹

علیک ...»

«خدایا! من با بریدن از غیر و پیوستنم به تو دل را پیراسته‌ام و سراپا به سوی تو رو آورده‌ام ...»

او یاد خدا را آبرو و شرف و عزّت خود می‌داند و مانند جدش علی علیه السلام که می‌گفت:

«الهی کفی بی عزّا ان اکون لک عبدا و کفی بی فخرا ان تکون لی ربّا.»

«پروردگارا! این عزّت مرا بس که بنده تو باشم، و این افتخار برایم کافی است که تو پروردگار منی!» او نیز در دعای بیست و هفتم صحیفه می‌گوید:

«یا من ذکره شرف للذاکرین و یا من شکره فوز للشاکرین ...»

«ای خدایی که یادت مایه آبروی یاد کنندگان و شکرست موجب رستگاری شاکران است ...»

اولین و آخرین سخن آن حضرت مانند همه ائمه اهل بیت علیهم السلام ذکر خدا بود، چنان که در دعوات راوندی آمده است که آن بزرگوار در وقت وفات عرض می‌کرد: «اللهمّ ارحمنی فانّک کریم، اللهمّ ارحمنی فانّک رحیم» و این کلمات را تکرار می‌کرد تا این که وفات یافت.

الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایتهم.

اللهم اجعل هذا ذخرا لیوم فقری و فاقتی مشهد مقدس اول جمادی الثانی ۱۴۱۳ محمد رضا عطائی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۱

(۱)

تقدیم

به قلب امت اسلام و پیشاهنگ کرامت و آگاهی ایشان، به سرور آزادگان و سالار شهیدان امت حسین علیه السلام، با نهایت خضوع و احترام، این مقدار بررسی از زندگانی فرزندش امام زین العابدین علیه السلام را که فضایل و علوم او تمام دنیا را پر کرده است، به پیشگاه رفیعش تقدیم می‌دارم بدان امید که بر من منت بگذارد و به لطف و رحمتش از من بپذیرد تا ذخیره عالم آخرت و روز

حضور در پیشگاه آفریدگارم قرار گیرد.

مؤلف

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۲

مقدمه مؤلف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ
«۱» خداوند متعال، آدم، نوح، خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید. بعضی از آنان فرزندان بعضی هستند، خداوند به گفتار و احوال همگان شنوا و داناست.

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا «۲» همانا اراده خداوند چنین تعلق گرفته است که هر نوع آرایش را از شما خاندان نبوت بر طرف کند و شما را از هر عیب و نقص منزه گرداند.

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَ مَنْ يَفْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ «۳» بگو ای پیامبر! از شما مردم مزد رسالت نمی‌خواهم مگر مودت و محبت در حق خویشاوندان (که این خود به نفع امت و لازمه هدایت آنهاست) و هر که کار نیکو انجام دهد ما بر نیکویش می‌افزاییم، خداوند بسیار آمرزنده و پذیرنده شکر بندگان است.

(۱) آل عمران / ۳۳-۳۴.

(۲) احزاب / ۳۳.

(۳) شوری / ۲۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۳

۱- (۱) در تاریخ مشرق زمین که مهد نبوتهاست کسی در ورع و تقوا و توجه عمیق به پروردگار، در مقام امام زین العابدین علیه السلام نیست مگر پدران بزرگوارش که زندگی معنوی بشر را با نور توحید و ایمان راستین روشنی بخشیدند.

براستی که سرگذشت این امام بزرگوار، تاریخ زندگانی انبیا و مرسلین را به خاطر می‌آورد و از هر جهت همانند آنهاست، زیرا که او در زهد و تقوا و توجهش به خدا همچون حضرت مسیح عیسی بن مریم و در گرفتاری و صبر و تحملش نظیر حضرت ایوب و در عزم راستین و اخلاق و الایش همانند رسول خدا محمد- صلی الله علیه و آله- است.

صفات نیک و برجستگیهای معنوی و روحی او بی‌شمار است و همین قدر در عظمت او بس که در تاریخ دنیا او تنها به زین العابدین معروف گشته و جز او کسی زیننده این لقب نبوده است.

۲- (۲) امام زین العابدین علیه السلام همچون برازنده‌ترین شخصیت سیاسی که تاریخ سراغ داشته در صحنه زندگی جامعه اسلامی ظاهر شد، با وجود این که در

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۴

قید بیماری و اسارت امویان بود، توانست با مهارت فوق العاده‌ای اهداف انقلاب بزرگی را که پدر بزرگوارش امام حسین علیه السلام- آن رهبر آسمانی برای حرکت پیروزمندانه اسلامی- به وجود آورده بود، همه جا منتشر کند و با روشی روشن که بسیار حساب شده و اصیل و ابتکاری بود ارزشهای اصیل این قیام را روشن سازد.

براستی که این امام بزرگ به روشن کردن افکار عمومی و زدودن آثار تخدیر اجتماعی اقدام نمود که امت اسلامی در روزگار سیاه حکومت اموی گرفتار آن بود، حکومتی که مصمم بود تا هر نوع حرکت انقلابی را در جهان اسلام فلج کند و توانسته بود

زندگی جامعه اسلامی را به زندگی مردمی سست و از هم پاشیده و بی‌روح و بی‌احساس مبدل سازد، اما در حقیقت این امام بزرگوار بود که انفجار عظیمی را در کاخهای سیاست اموی به وجود آورد تا پیروزی خیالی آنها را در هم ریخت و آثار خودبینی و جبروت ایشان را به باد داد و حیات و شادابی اسلام را دوباره بازگردانید.

امام علیه السلام تمام این پیروزیهای درخشان را با سخنرانیهای پرشور و بلند خود جامه عمل پوشاند؛ خطبه‌هایی که در کوفه، دمشق و مدینه در برابر انبوه جمعیتها ایراد کرد، اثر شگرفی در بیداری و آزاد کردن امت از دست عوامل وحشت و هراس داشت.

۳- (۱) امام زین العابدین علیه السلام از جمله نیرومندترین عوامل بقا و جاودانگی نهضت حسینی و ارتباط آن با عواطف و احساسات جامعه بوده است، به دلیل موضعگیریهای عجیبی که تاریخ نظیر آنها را در دنیای شجاعت و حماسه‌ها سراغ ندارد و از جمله، وقتی که آن حضرت را در حال اسارت نزد پسر مرجانه- که پلیدترین دژخیم روی زمین بود- بردند، امام علیه السلام او را تحقیر کرد و جرم و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۵

جنایت بزرگی را که مرتکب شده بود به رخ او کشید، آن طاغوت، متقابلاً حضرت را به قتل تهدید کرد، اما امام علیه السلام به تهدید او اعتنایی نکرده با منطق رسای خود همچون تیری قلب او را هدف گرفت. برآستی که سخن امام علیه السلام انعکاس عجیبی در دولتمردان و توده‌های مردم داشت و همواره اشعه تابناک آثار نهضت حسینی و امواج آن را در سراسر زمان و طول تاریخ می‌گسترده.

اما خطابه امام علیه السلام در کاخ یزید، از ارزشمندترین ودایع سیاسی اسلام است و من خطابه سیاسی به این بلاغت و با این همه تأثیر در بیداری توده‌ها و توجه افکار عمومی سراغ ندارم، برآستی تمام روزنه‌ها را برای دفاع یزید و بی‌گناه جلوه دادن آن ملعون در کشتن سرور جوانان اهل بهشت و تار و مار کردن خاندان پیامبر (ص)، بروی او بست و همه مردم- پس از این سخنرانی- با تعجب و شگفتی از خطابه امام سخن می‌گفتند که خود یکی از ثمرات نهضت حسینی و صفحه‌ای از صفحات درخشان آن بود.

۴- (۱) از جمله مظاهری که امام سجاد بدان وسیله نهضت حسینی را جاودانه ساخت، گریه‌های فراوان آن حضرت بر مصائبی بود که در روز عاشورا بر پدر و خاندان و یاران آن امام رسید؛ در نتیجه امام علیه السلام، شادمانی و سرور را پیوسته بر خود حرام کرد و از تأثر و اندوه گداخته شد و یکی از پنج تن گریه‌کنندگان شد «۱» که در طول تاریخ، ضرب المثل غم و اندوه و سوگواری

(۱) ابن بابویه به سند معتبر این روایت را نقل کرده است که بکائین پنج نفر بودند: آدم، یعقوب، یوسف، فاطمه زهرا و علی بن الحسین علیهم السلام؛ آدم در مفارقت بهشت، یعقوب در فراق یوسف و یوسف نیز در مفارقت پدر و فاطمه زهرا (ع) پس از وفات رسول خدا (ص)، آن قدر گریست که مردم مدینه از گریه او به تنگ آمدند و امام علی بن الحسین (ع) بیست سال- و به قولی بیشتر- بر مصیبت پدر بزرگوارش گریه کرد- م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۶

بودند.

من گمان می‌کنم که زیاد گریستن آن حضرت، نه از آن جهت بود که گرفتار شداید و مصائب طاقت‌فرسایی شد که در کربلا بر سر آن حضرت آمد، بلکه به خاطر جاودانه ساختن نهضت پدر بزرگوارش بود که آن هم به خاطر آزادسازی انسان از زیر ظلم و بردگی و طغیان صورت گرفت. برآستی که گریه امام علیه السلام بر پدر بزرگوارش، سوز و گدازی در دل مسلمین ایجاد کرد و شاید همین پدیده یکی از عواملی بوده است که توده‌های مسلمان را به پایان دادن به حکومت ننگین اموی وادار کرد، نخستین جرقه از مدینه برخاست و فرزندان صحابه، قیام مسلحانه خود را در برابر حکومت یزید- که ارزشها و مقدرات امت اسلامی را به

بازیچه گرفته بود- اعلان کردند.

۵- (۱) امام بزرگوار حضرت زین العابدین علیه السلام پس از حادثه کربلا، توجه خاصی به علم و دانش مبذول کرد، زیرا که آن را بهترین وسیله انجام رسالت اصلاحی خود یافت، همان گونه که آن را بهترین ضامن آسایش روحی خود- که حوادث کربلا آن را خرد کرده بود- می دانست. فرزندان اصحاب و دانشمندان و فقها از هر سو برای استفاده از زلال دانش آن حضرت به خدمتش شتافتند و همگی به برخورداری از علوم و معارف آن بزرگوار پرداختند تا این که در جهان اسلام شاخصهای علم و ادب شدند که ما در این کتاب شمه‌ای از شرح حال ایشان را بازگو خواهیم کرد.

امام علیه السلام با انواع علوم و معارفی که از پدران بزرگوار خود آموخته بود به روشنگری افکار مردم عرب و مسلمان پرداخت و مردم مسلمان را بر توجه به دانشجویی تشویق فرمود و دانشجویان را گرمی داشت و عالمان را حرمت نهاد تا

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۷

این که به برکت آن حضرت درخت پربرکت علمی که جدش رسول اکرم- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله- غرس فرموده بود، بالیدن گرفت و مردم، با شور و هیجان به دنبال علم و دانش رفتند، و بحق آن بزرگوار از برجسته‌ترین چهره‌های مؤسس علم و فرهنگ در جهان اسلام است.

۶- (۱) اما سرمایه‌های فکری و علمی که از امام زین العابدین به جا مانده است که بحق نمونه ابداع و ترقی و تکامل است و به علمی خاص منحصر نیست بلکه بر بسیاری از علوم، از قبیل: فقه، تفسیر، کلام، فلسفه و علوم تربیتی و اجتماعی مشتمل است و در آن میان به علم اخلاق توجه خاصی مبذول فرموده و فوق العاده اهمیت داده است، و این توجه خاص از آن جهت است که آن حضرت تباهی اخلاق اسلامی و دور افتادن مردم را از دینشان از دست حکومت جابر اموی می دید که دارند تمام ارزشهای اخلاقی را نابود می کنند، این بود که به اصلاح جامعه و تهذیب اخلاق اجتماعی پرداخت، و شیعه معتقد است: موقعی که مردم به پیروی از پادشاهان خود تسلیم شهوات و هواهای نفس خود بودند، امام علیه السلام به وسیله فضایل اخلاقی و کرامات برجسته خود، نفوس بیمار را شروع به معالجه نمود «۱».

براستی که امام علیه السلام از لحاظ موضوعی و همه جانبه، به امور تربیتی و اخلاقی مردم پرداخت که بحثهای مربوط به این بخش از ارزشمندترین مباحث اسلامی و در نوع خود از همه ظریف تر است.

(۱) نظریه الامامیه: ۳۵۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۸

۷- (۱) شاید بهترین سرمایه‌های به جا مانده از امام علیه السلام، بلکه مهمتر و مؤثرتر از همه در رشد فکری جامعه اسلامی، دعا‌های گرانقدری باشد که به صحیفه سجاده معروف است و دانشمندان گاهی آن را زبور آل محمد (ص) و گاهی انجیل آل محمد (ص) می نامند و پس از قرآن کریم و نهج البلاغه در درجه دوم اهمیت می دانند و بحق برنامه کامل زندگی عالی اسلامی است و تمام اینها به خاطر اشتغال آن بر آثار اخلاقی و قواعد اجتماعی آن می باشد. و شایان ذکر است که صحیفه سجاده در بین طبقات مختلف علمی شیعه از مقام قابل توجهی برخوردار است، از این رو به مطالعه و بررسی و شرح آن پرداخته‌اند و تاکنون بیش از شصت و پنج شرح بر آن نوشته‌اند «۱». همچنین از جمله دلایل اهمیت دادن دانشمندان به این کتاب شریف، آن است که امام علیه السلام نسخه‌های زیادی از آن را با خطوط زیبا نوشته‌اند که خود از نفیستین خطوط عربی به شمار می رود. همان گونه که بعضی از این نسخه‌ها را با تزئینات گرانمایی تزئین کرده‌اند که در میان خطوط عربی از نفیستین ذخایر به شمار می آیند.

۸- (۲) بار دیگر، بر سر سخن از صحیفه سجاده بر می گردیم و می گوئیم: اهمیت این کتاب شریف منحصر به جهان عرب و

اسلام نیست، بلکه به جهان غرب نیز رسیده و به زبانهای انگلیسی، آلمانی و فرانسوی نیز ترجمه شده و دانشمندان آنها نیز به مطالعه و دقت در مطالب آن پرداخته و گنجی از گنجهای اندیشه و دانش را

(۱) الذریعه الی تصانیف الشیعه.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۹

در آن یافته‌اند همان طوری که آن را به گونه منبع سرشاری دیده‌اند که تربیت و تهذیب نفوس را به وسیله فضایل اخلاقی افزای می‌کند. برآستی که این کتاب علاوه بر ذخایر اندیشه بشری، سرمایه‌ای است بی‌پایان و هرگز نمی‌توان برای آن بهائی قائل شد و مشتمل است بر انواع مسائل آموزش عالی که نظیر آنها در کتابهای دینی و اخلاقی اندک است، چنان که این کتاب، راجع به تحقیقات و بررسیهای ما نسبت به شخصیت امام علیه السلام نیز از مهمترین منابع و مآخذ می‌باشد.

۹- (۱) اما صفات برجسته و عناصر روحی امام زین العابدین علیه السلام از جمله اموری است که عقلها را به حیرت واداشته و برای هر مسلمان، بلکه هر انسان معتقد به انسانیت، باعث سربلندی و افتخار است و انسان قلبا در برابر آن همه برازندگیها و ارزشهای والا سر تعظیم فرود می‌آورد.

برآستی این امام بزرگوار به تمام آداب نیکو و فضیلت و شرف آراسته بوده و از هر نوع خودخواهی مبرا، و از تمام پیرایه‌های زندگی و زرق و برق آن بدور بود، از درخشانتین و ویژه‌گیهای وی توجه به خدا و پیوستن به او بوده است؛ قلب شریفش به نور یقین و ایمان راستین به خدا منور، و وجود نازنینش از امید و دل بستگی به رحمت خدا سرشار بود.. و از جمله چیزهایی که تمام مورخان در آن باره هم عقیده‌اند، این است که وی آنچه در توان داشت در راه عبادت و اطاعت خدا به کار برد و در این باره هر مشقتی را متحمل شد.

مردم کسی را در آن روزگار عابدتر و پرهیزگارتر از آن حضرت ندیدند، و به خاطر همین عبادت کثیرش بود که به سید الساجدین، زین العابدین و امام المتقین ملقب شد.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۰

- ۱۰ -

(۱) آن قدر عبادت کرد که دل اعضای خانواده‌اش به حال او سوخت و ترسیدند که آن بزرگوار دچار زحمت و مشقت گردد و مخفیانه به نزد صحابی بزرگ پیامبر- صلی الله علیه و آله- جناب جابر بن عبد الله انصاری که مورد توجه آن حضرت بود، شتافتند و از او خواستند که از امام علیه السلام خواهش کند که خودش را آن قدر در راه عبادت به زحمت نیندازد، تا این که جابر با آن حضرت گفتگو کرد و صمیمانه از او درخواست نمود و از جمله عرض کرد: شما یادگار خاندان نبوت و بقیه الله روی زمین هستید و آن کسی که توسط او بلا و گرفتاری از مردم بر طرف می‌شود! با این همه امام علیه السلام به همان روش بر عبادت و ملازمت بر طاعت پروردگار، ادامه داد. جابر با تعجب و حیرت از آن حالات می‌گفت:

«کسی در میان اولاد انبیا علیهم السلام همچون علی بن الحسین علیهما السلام دیده نشده است!» برآستی که در میان اولاد پیامبران نظیر امام علی بن الحسین علیهما السلام در پارسایی و تقوا و توجه زیاد به خدای تعالی دیده نشده است.

۱۱- (۲) از صفات برجسته دیگری که امام علیه السلام بدان متصف بود، نیکی و احسان آن حضرت نسبت به بردگان و غلامان بود، که درباره ایشان محبت زیادی مبذول می‌داشت و از بالاترین آرمانهای امام علیه السلام در سراسر زندگیش آزادسازی غلامان از قید بندگی و بردگی بود و تعداد زیادی از ایشان را نیز آزاد کرد و اگر فرصتی پیدا می‌کرد، برده‌ای را باقی نمی‌گذاشت و شاید علت

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۱

این عمل امام علیه السلام خاتمه دادن به بردگی و بهره‌کشی انسان از دیگر انسانها و آشنا کردن مسلمانها با حقیقت آیین بزرگشان بود که برای آزادی انسان و نجات دادن او از زیر بار ذلت و بردگی و رهاسازی جان و تن آدمیان از هر نوع اطاعت و فرمانبرداری دیگران، آمده است (۱).

۱۲- (۱) سزااست که بگویند: این امام و رهبر آسمانی بزرگوار، تنها رهبر گروه خاصی از مردم و فرقه معینی از فرقه‌های اسلامی نیست، بلکه امام و رهبر همه مردم در تمام زمانها با همه اختلافات فکری و گرایشها و عقاید مختلف است زیرا که آن بزرگوار- سلام الله علیه- نمونه ارزشهای والا- و کرامت انسانی بوده و تمام افتخارات آدمی از کمالات و آداب و اخلاق انسانی را تجسیم می‌بخشید.

به خاطر همین شخصیت والا- و اهمیت فوق العاده‌ای که در دل و جان مسلمین داشت، بسیاری از فرقه‌های اسلامی گفتند او از ماست از جمله معتزله که از جمله متخصّص‌ترین فرقه‌های اسلامی در مباحث کلامی هستند، با نهایت افتخار و مباهات گفتند: آن بزرگوار از ماست! همچنان که صوفیه مدعی شدند آن حضرت یکی از بزرگان ایشان است و شرح حال او را در کتابهای مهم خود آورده‌اند (۲).

۱۳- (۲) مسلمانان، در سیره زندگی امام زین العابدین علیه السلام ارزشهای اسلام

(۱) طبقات معتزله: ۱۵-۱۶.

(۲) حلیه الاولیاء: ۳/۱۷۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۲

را زنده و مجسم می‌دیدند و او را جلوه مداوم نور جدش رسول خدا- صلی الله علیه و آله- می‌شمردند، زیرا که در تمام راه و روش و سیره زندگی پا به جای پای پیامبر نهاده بود، و با اخلاق والای خود دلها و عواطف مردم را قبضه کرده بود، کسی را جز او، شایسته رهبری روحی و مادی خود نمی‌دیدند. نسبت به پادشاهان اموی که هیچ فضیلتی از فضایل انسانی را نداشتند بی‌اعتنا بود، دلیل بر این مطلب داستانی است که در موسم حج در بیت الله الحرام اتفاق افتاد، موقعی که کاروانهای زیادی از تمام گوشه و کنار دنیا آمده بودند، امام علیه السلام به منظور طواف خانه کعبه در انتظار نمایان شد گویی که پیامبر- صلی الله علیه و آله- تشریف آورده است، همگی آوای تهلیل و تکبیر برآوردند و به طرف آن حضرت هجوم آوردند به نحوی که بر حجر الأسود هجوم می‌برند، خوشبخت‌تر از همه کس، آن کس بود که جامه امام را لمس کند و یا دست آن حضرت را ببوسد و یا این که خاک زیر پای آن بزرگوار را برای تبرک بردارد، در صورتی که دشمن آن حضرت، هشام بن عبد الملک بزرگ خاندان اموی از جمله حاجیان آن سال بود، هیچ کس به او اعتنا نکرد و مردم شام با بی‌اعتنایی به او می‌پرسیدند که این مرد بزرگ که انبوه جمعیت این همه بدو احترام و تعظیم می‌کنند، کیست؟ آن طاغوت- با این که امام را خوب می‌شناخت- خود را به نادانی زد تا مبادا مردم شام او را تنها بگذارند، این بود که شاعر دربار اموی یعنی فرزذق شروع کرد به معرفی آن حضرت، و آن قصیده غزای جاودانه خود را که حکایت از آزاداندیشی و بیداردلی او دارد در حضور جمع، بیان کردن، به گونه‌ای که بیت الحرام را به بازار عکاظ (۱) مبدل کرد و از همه اطراف مسجد آوای ستایش و آفرین و تقاضای تکرار

(۱) عکاظ، نام یکی از بازارهای زمان جاهلیت است، در محلی بین نخله و طایف به فاصله سه روز مسافت تا مکه قرار داشت و همه‌ساله مردم به مدّت بیست روز در ماه ذی‌قعدة الحرام در آنجا جمع می‌شدند و شعرا و سراینندگان قبایل مختلف عرب در آن

مکان حضور می‌یافتند و اشعار تازه‌ای را که سروده بودند می‌خواندند و بهترین اشعار انتخاب می‌شد که معلقات سبع از جمله اشعار برگزیده آن دوران است - م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۳

قصیده و دعای بر فرزدق بلند شد و هشام بشدت خشمگین گشت و رگهای گردنش پر شد! امویان بخوبی می‌دانستند که خود را بر این امت تحمیل کرده‌اند و لیاقت زمامداری ایشان را ندارند بلکه با نیروی اسلحه بر آنان سلطنت می‌کنند و معدن حکومت و رهبری، امام علی بن الحسین علیهما السلام است، از این رو نسبت به آن حضرت کینه داشتند و ولید بن عبد الملک به این مطلب اقرار کرده، می‌گفت: «تا وقتی که علی بن الحسین در دنیا وجود دارد، من آسایش ندارم!» (۱) این بود که تصمیم گرفتند تا آن حضرت را از پای در آوردند، همان طوری که دیگر ائمه مسلمین و بزرگان اسلام را - که به عنوان یک خطر برای خود احساس می‌کردند - به شهادت رساندند.

- ۱۴ - (۱) در این بخش از بحثمان لازم است که «به بررسی دورانی پردازیم که امام علیه السلام در آن روزگار رشد کرد، زیرا که بررسی آن عصر از اموری است که یک محقق از آن بی‌نیاز نیست، برای این که استقرار و یا عدم استقرار سیاسی را چنین بحثی تجسم می‌بخشد، همچنان که از اوضاع اجتماعی با پیشرفتها و نوآوریها و یا جمود و انحطاطش می‌تواند، تصویری بدهد. طبیعی است که بررسی و تحقیق از این پدیده در اطلاع و آگاهی از شئون مختلف شخصیتی دخالت مستقیمی دارد که مورد بحث و بررسی است.

اما به اعتقاد من عصر امام علیه السلام در طول تاریخ از بدترین دورانهای اسلامی است، زیرا که در آن دوران بسیاری از رویدادهای مهم اتفاق افتاد که مسلمانان گرفتار آنها شدند و برای ایشان غم و رنجهایی در پی داشت که از

(۱) حیاة امام باقر (از همین مؤلف): ۵۱ / ۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۴

بدترین و دشوارترین و مخوفترین آنها مصائب کربلا - بود که خود از فجع‌ترین قضایای عالم است، زیرا که در این جریان حرمت پیامبر - صلی الله علیه و آله - درباره اولاد و خاندانش در هم شکسته شد و به هیچ وجه حرمت آن بزرگوار رعایت نشد. براستی که امام علیه السلام شاهد مصیبتی شد که بالاتر از تمام مصائب بود، آن مصیبت بزرگی که در میان تمام غمهای دنیا جاودانه و ماندنی است، مصیبتی که هر دم بخشی از آن در طول زندگانی امام علیه السلام بر قلب امام وارد می‌شد و دل آن حضرت را می‌آزرد تا آن که دار دنیا را وداع گفت، و از جمله حوادث دردناکی که بر امام علیه السلام وارد شد، واقعه حرّه بود که حرمت پیامبر - صلی الله علیه و آله - در مدینه الرسول و مرکز دعوت آن حضرت درهم شکسته شد و مأموران یزید بن معاویه همه چیز را در آنجا بر خود مباح شمردند و هر جرم و جنایتی را که خداوند، حرام کرده بود، مرتکب شدند و تمام ارزشها و فضایل را از میان بردند ... علاوه بر آن، انقلاب توأبیین و قیام سردار بزرگ مختار بن - ابو عیبه - یوسف ثقفی و دیگر نهضتها که ما در لابلاهای این کتاب از آنها صحبت خواهیم کرد، همه اینها در امتداد نهضت سالار شهیدان امام حسین علیه السلام بود.

از جمله رویدادهای قابل توجه آن روزگار، قیام عبد الله بن زبیر بود که با انگیزه سیاسی به وجود آمد، و به اعتقاد من، قیام ابن زبیر هرگز برای آزادی امت و نجات جامعه از زیر بار ظلم و جور امویان نبود، بلکه وی قیام کرد تا سلطنت را از چنگ بنی امیه بیرون آورد و خود به حکومت و سلطنت برسد و از مزایای کشور پهناور و مقام سلطنت بهره‌مند شود و چنین کسی نمی‌تواند پایبند مصالح امت و استقلال و کرامت آنان باشد.

- ۱۵ - (۱) در عصر امام زین العابدین علیه السلام مشکل دیگری وجود داشته است و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۵

آن برخورد گروه‌های سیاسی و به نابودی کشیدن یکدیگر با دستیاری به حکومت و رسیدن به قدرت بوده است، سراسر کشور گرفتار مصائب و شداید بود. بطور یقین، این گروه‌های سیاسی موجود در آن زمان به هیچ هدفی از اهداف امت اسلامی پایبند و در صدد چاره‌جویی هیچ قضیه‌ای از قضایای سرنوشت‌ساز نبوده‌اند و تنها به خاطر مطامع و مصالح مادی خود، تلاش می‌کردند ... و مهمتر از همه این احزاب، حزب اموی بود که دولت پشتیبانش بود و با تمام قدرت آن را تأیید می‌کرد و سران و طبقه مرفه در همه جا جزو این حزب بودند. و از جمله احزاب، حزب زبیری بود که بسیاری از مردم حجاز به آن پیوستند به این امید تلاش می‌کردند که پایتخت حکومت اسلامی به سود ایشان برگردد و آنها به تنهایی حکومت را به دست بگیرند ... و در بین این احزاب، حزب خوارج بود که حزبی آشوبگر بود و نسبت به این که حکومت در انحصار قبیله قریش باشد، کینه داشت، این حزب دچار جمود و انحطاط فکری بود و امور (اجتماعی و مذهبی) بر ایشان مشتبه شده و در وادیهای گمراهی مهلکی افتاده بودند، با این حال از روی حماقت و نادانی معتقد بودند، راهی که در پیش دارند حق است و از جمله نادانیهای آنان دشمنی با امام امیر المؤمنین، تنها رهبر حق و عدالت اجتماعی در روی زمین، بود و همچنین ریختن خون مسلمانانی را که با آنان همفکر نبودند، مباح می‌دانستند که ما در آینده، آنجا که از زندگانی سیاسی دوران امام علیه السلام سخن می‌گوییم درباره تمام این احزاب بحث خواهیم کرد.

۱۶- (۱) از جمله رویدادهای مهم عصر امام علیه السلام چیزی بود که حکومت اموی بر آن همت گمارده بود و آن واجب دانستن دشنام و ناسزاگویی بر امام امیر المؤمنین و عترت طاهره علیهم السلام بر روی منابر و مأذنه‌ها و خطبه‌های نماز جمعه بود و کینه و دشمنی با ایشان را جزئی از زندگی دینی مسلمانان قرار

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۶

دادن، به علاوه آواره کردن شیعیان اهل بیت علیهم السلام در هر کجا که بودند و بطور گسترده کشتن و سرکوب کردن ایشان، برآستی که شیعه در دوران بنی امیه سخت‌ترین امتحان را داد. و تمام اینها را امام زین العابدین علیه السلام می‌دید و می‌شنید در حالی که نمی‌توانست از ایشان جانبداری کند و از آن گرفتاریها نجات دهد، و این خود از دردناکترین و سخت‌ترین مصائب امام علیه السلام بود.

۱۷- (۱) ما ناگزیریم تصویر مشخصی از زندگانی پادشاهانی بدهیم که در عصر امام علیه السلام بر امت اسلامی حکومت می‌کردند، و همچنین لازم است اهداف سیاسی و فکری آنان و برخورد ایشان با امام علیه السلام را بیان کنیم که به عقیده من این مطالب از جمله متممات بحث و بررسی از شخصیت والای امام است.

البته وقتی که ما درباره این پادشاهان صحبت می‌کنیم، تعصب و موضعگیری خاصی نداریم، همان طوری که بی‌محابا درباره هیچ کدام از آنها قضاوت نمی‌کنیم، بلکه تنها و تنها اعمال فجیعی را که از ایشان سرزده، مطرح می‌کنیم، و کردارهای ناشایستی که مرتکب شدند و خود را در مقابل محکمه تاریخ قرار دادند، طبیعی است که صحیح جلوه دادن و توجیه نمودن اعمال ایشان، تخلف از منطق و مخالفت با ادله و براهین دور از حقیقت و انحراف از حق است.

۱۸- (۲) اما تحقیقات ما در این کتاب بر اساس موثقتترین منابع خطی و چاپی است که مجموعه دانشهای مورخان و راویان می‌باشد. و شایان ذکر است که در

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۷

بیشتر رویدادها و چهره‌هایی که ما ترسیم می‌کنیم به یک منبع بسنده نکرده‌ایم بلکه از مآخذ و منابع مختلف نقل می‌کنیم تا بیشتر در دلها جا بگیرد و به مقصود مورد نظر بهتر دلالت کند.

برآستی که در مورد مراجعه به کتابهای خطی و عکس‌برداری شده زحمت زیاد و رنج فراوانی را متحمل شدم تا توانستم این مباحث

را به دست آورم و در پاورقیهای کتاب به کتابخانه‌های مربوطه اشاره کرده‌ام.

۱۹- (۱) من در پایان این مقدمه- به صورت قطعی و مسلم- اعلام می‌کنم که در این کتاب، علاوه بر مواردی که نمی‌دانستم و تتبع لازم را نکرده‌ام، جز مقدار بسیار اندکی از زندگانی این امام بزرگی را که دنیا را فضایل و علوم او پر کرده است، نیآورده‌ام، زیرا که من هیچ کتابی از کتابهای اخلاق، حدیث، تفسیر، فقه و دیگر علوم اسلامی را بررسی نکرده‌ام مگر این که سخنی زرّین و یا نظریه‌ای اصیل و یا حدیثی بسیار مفید را در آنجا یافتیم، بنا بر این کتاب- با همه وسعت و گستردگی- جز صفحه‌ای مختصر از صفحات زندگانی آن حضرت و یا اشاره‌ای کوتاه نسبت به برخی از آثار زندگی و شخصیت والای آن امام بزرگ نمی‌باشد.

البته این سخن و یا نظیر آن را در بیشتر مقدمات کتابهایی که درباره زندگانی ائمه طاهرین علیهم السلام نوشته‌ام، تکرار کرده‌ام و خدا می‌داند که از راه غلو در محبت ایشان و یا به انگیزه عاطفی وراثت از نیاکانم نیست که به ولای اهل بیت علیهم السلام دل بسته بودند، بلکه این سخن برخاسته از تحقیق و بررسی مجدّانه و تتبع دقیق زندگانی ایشان است. و آنچه مسلم است، هر کسی که شرح زندگی اهل بیت علیهم السلام را بخواند، به این مطلب ایمان راسخ پیدا می‌کند و هیچ‌گونه تردیدی به خود راه نمی‌دهد که ائمه- سلام الله علیهم- تجسم بخش

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۸

زندگانی انبیا علیهم السلام با تمام تابندگی و عظمتش می‌باشند و آنان مثل اعلای کمالات عقلانی انسان و نمونه کامل همه ارزشها و آدابی هستند که باعث افتخار آدمی می‌باشد.

۲۰- (۱) ناگزیریم به این مطلب نیز اشاره کنیم که ما به انتشار این قبیل مباحث درباره زندگانی ائمه طاهرین علیهم السلام نیازمندیم زیرا که در روزگاری زندگی می‌کنیم که انسانیت در مردابی گندیده فرو افتاده، و در انتهای سراسیمگی و در تاریکی محض دست و پا می‌زند، از سنتهای عالم وجود منحرف شده و فطرت پاکی را که خداوند با آن فطرت از دست داده و با سرکشی، ظلم، شکنجه، دلهره و سرگردانی روبروست.

براستی بشریت با تمام اضطراب، سرگشتگی و پریشانی در بیابانهای خطرناک مادیت و جهنم سوزان جنگها و عطش جان و دلها به سر می‌برد و سخت به استنشاق نسیمهای حیات بخش از فضای هدایت عترت پاک پیامبر (ص) نیازمند است که آنانند نسیم رحمتهای الهی که وزیدن آنها را بر بندگان عنایت فرموده است و آنان چون جدشان رسول خدا- صلی الله علیه و آله- می‌باشند که خداوند او را برای بشریت از مؤمن و غیر مؤمن، بطور یکسان، رحمت قرار داده است.

۲۱- (۲) اکنون که دارم این مقدمه را به پایان می‌برم، لازم می‌بینم به تلاش و کوشش خلاق برادرم جناب حجه الاسلام شیخ هادی شریف قرشی که در راه تألیف این کتاب به کار برده‌اند اشاره کنم برآستی که زحمات زیادی در راه

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۹

مراجعه به کتابهای بزرگ و دیگر منابع متحمل شدند که مورد استفاده این جانب قرار گرفت، مضافاً بر توجهات ارزشمندی که در این بحثها مبذول داشتند و من- خدا می‌داند- که از اظهار تشکر لازم نسبت به این برادر بزرگوارم عاجزم لیکن پاداش او را به خدا وامی‌گذارم، زیرا او صاحب جزا و پاداش است و او را همچون بندگان خالص خود پاداش خواهد داد.

نجف اشرف- باقر شریف قرشی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۱

(۱)

اشاره

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۳

بانو، شاه زنان اینک ما در برابر بانوی بزرگواری از بزرگ بانوان اسلام که در عفت، شرافت و پاکیزگی سرآمد بود، قرار گرفته‌ایم. وی بانوی بزرگوار «شاه زنان» از دودمان شاهان، مادر امام زین العابدین علیه السلام است، این بانوی بزرگوار در عالم زن مسلمان، از جایگاه والایی برخوردار است زیرا که او از جمله بزرگ زنان عصر خود بلکه در طلیعه بزرگ بانوان مسلمان بوده است این بانو به صفات برجسته‌ای آراسته بوده که از آن میان:

(۲) الف- نسب پرفروغ آن مخدّره است که نواده کسری پادشاه دادگستر [!] است که پیامبر (ص) نیز، در مقام افتخار می‌گوید: «من در زمان پادشاه دادگستر، به دنیا آمدم» «۱».

(۱) مؤلف محترم، در اینجا تحت تأثیر شهرت کاذبی قرار گرفته و بر خلاف مشی تحلیل و تحقیقی خود این حدیث را آورده است. و تا آنجا که بنده تحقیق کردم، از مورخان مشهور عامه طبری این حدیث را مرسل نقل کرده و در بحار الانوار (ج ۱۵ / ۲۵۰) آمده است: «و ذکر الطبری انّ مولده (ص) کان لاثنتی و اربعین سنه من ملک انوشروان و هو الصحیح لقوله (ص): ولدت فی زمن الملك العادل انوشروان». و نیز در بحار الانوار (ج ۱۵ / ۲۵۴) از قصص الانبیای خطی نقل کرده است: «ولدت فی زمن الملك العادل» یعنی انوشروان بن قباد. امام راحل، رهبر کبیر انقلاب اسلامی- رضوان الله تعالی علیه- در ضمن بیانات خود در تاریخ ۵۷ / ۸ / ۴ می‌فرماید: «... این که می‌گویند «انوشیروان عادل» این از اساطیر است. یک مرد ظالم سفاکی بوده است، منتهی شاید پیش سلاطین دیگر وقتی گذاشتند

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۴

ب- این بانو همسر سرور آزادگان و سالار شهیدان امام حسین علیه السلام است.

ج- وی مادر امام زین العابدین و سید الساجدین علیه السلام است.

د- مادر بزرگ ائمه طاهرین علیهم السلام است، امامانی که از نسل امام زین العابدین می‌باشند.

ه- وسیله ارتباط مقدس بین عرب و فارس است. آری این جهات، شرف و بزرگی بیشتری بر شرافت و عظمت ذاتی وی افزوده است.

(۱)

صفات روحی

اما در میان صفات روحی این بانو برجسته‌تر از همه: عفت، پاکی، کمال و آداب بلند و تیزهوشی اوست. به خاطر همین ویژگی‌های فراوان و خصال نیکو و صفات کریمه او بود که امام امیر المؤمنین علیه السلام به تزویج آن بزرگوار با فرزندش امام حسین علیه السلام اقدام فرمود، همچنان که به او نظر لطف و احسان داشت ...

در اینجا بطور مختصر به برخی از حالات این بانو- تا آنجا که منابع موجود تصریح دارند- اشاره می‌کنیم:

به او گفتند عادل! و الا کجایش انوشروان عادل بوده است؟! (صحیفه نور: ۲ / ۲۱۴). و نیز روز میلاد پیامبر (ص) در تاریخ ۶۴ / ۹ / ۹ می‌فرماید: «... انوشیروان به خلاف آن چیزهایی که به واسطه شعرا، و به واسطه درباری‌های آن وقت و موبدان (آخوندهای

درباری آن وقت درست کردند، یکی از ظالم‌های ساسانیان و دنبال او یک حدیثی هم جعل شده است و به حضرت رسول (ص) نسبت داده شده است، که من متولد شدم در عهد سلطان عادل انوشیروان! این اولاً سند ندارد و مرسل است و ثانیاً کسانی که اهل تفتیش در امور هستند تکذیب کرده‌اند، معلوم است که یک دروغی است که بسته‌اند. انوشیروان ظالم باید گفت، نه عادل...» - نقل از صحیفه نور: ۱۹/۲۴۷-م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۵

(۱)

روایات مربوط به زمان ازدواج

اشاره

روایات درباره زمانی که مادر امام سجاد علیه السلام با امام حسین علیه السلام ازدواج کرد اختلاف دارند و این روایات به شرح ذیل می‌باشند:

(۲)

الف- در زمان عمر

کلینی به سند خود از امام ابو جعفر باقر علیه السلام نقل کرده، می‌فرماید:

«وقتی که دختر یزدگرد نزد عمر آمد، دختران مدینه از او شرف گرفتند. و مسجد به نور او درخشیدن گرفت، وقتی که عمر به سمت او نگریست او صورتش را پوشاند و گفت: روز هرمز سیاه باد که دخترانش چنین اسیر شدند! عمر [به تصور این که او را ناسزا می‌گوید] گفت: این زن مرا دشنام می‌دهد؟ خواست او را تنبیه کند که امیر المؤمنین علیه السلام به عمر فرمود: تو حق نداری چنین رفتار کنی! او را آزاد بگذار تا هر کسی از مسلمین را که می‌خواهد انتخاب کند و از سهم او حساب کن، عمر او را آزاد گذاشت و او آمد دست روی سر امام حسین علیه السلام گذاشت» (۱).

قریب به این روایت، مطلبی است که بعضی از مورّخین نقل کرده‌اند:

یزدگرد دو دختر داشت که هر دو در زمان عمر اسیر شدند، امام امیر المؤمنین آن دو را گرفت یکی را به پسرش امام حسین علیه السلام داد و از او امام زین العابدین علیه السلام به دنیا آمد و دیگری را به محمد بن ابی بکر داد که از او، قاسم متولد شد (۲). ابن خلکان نیز همین طور نقل کرده است با این تفاوت که او اضافه

(۱) اصول کافی: ۱/۴۶۷، دلائل الامامه: ۳۷۰.

(۲) شذرات الذهب: ۱/۱۰۴، نزهة المجالس: ۲/۱۹۲ و زهرة المقول: ۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۶

می‌کند: آنها سه خواهر بودند و سومی را به عبد الله بن عمر داد (۱).

ب- در زمان عثمان

شیخ صدوق روایت کرده است وقتی که عبد الله بن عامر در زمان عثمان خراسان را فتح کرد، دو دختر یزدگرد به دست او افتادند

و آنها را نزد عثمان فرستاد عثمان، یکی از آنها را به حسن علیه السلام و دیگری را به حسین علیه السلام بخشید و هر دوی آنها بر سر زایمان مردند «۲».

(۲)

ج- زمان خلافت امیر المؤمنین

گروهی از مورخان و راویان گفته‌اند، وقتی که امام امیر المؤمنین علیه السلام عهده‌دار خلافت شد، حریث بن جابر را به حکمرانی بخشی از مشرق زمین فرستاد، حریث، دختران یزدگرد پسر شهریار را نزد امام فرستاد و او شاه زنان را به پسرش امام حسین علیه السلام تزویج کرد و از او امام زین العابدین علیه السلام متولد شد و آن دیگری را به همسری محمد بن ابی بکر در آورد و از او قاسم به دنیا آمد که فقیه مشهوری بود.

این بود روایاتی که در مورد زمان ازدواج مادر امام سجاد با سید الشهداء علیه السلام رسیده و ما نقل کردیم. و شایان ذکر است که دو روایت اخیر، صراحت ندارند که شاه زنان و خواهرش اسیر شده باشند، فقط تصریح دارند بر این که آنها را نزد خلیفه فرستادند، آری روایت اولی به اسارت ایشان صراحت دارد.

(۱) وفیات الاعیان: ۲ / ۴۲۹.

(۲) عیون الاخبار و فنون الآثار: ۱۴۳، روضة الواعظین: ۱ / ۱۳۷، تحفه الرّاعب: ۱۳، اعلام الوری:

۱۵۱ و ارشاد.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۷

(۱)

بررسی روایات

ناگزیریم اندکی تأمل کنیم تا این روایات ضد و نقیض را بررسی نماییم، که پس از دقت زیاد می‌بینیم، روایت اول به دلایل دیگر از صحت بدور است:

اولاً- یزدگرد در تمام مدت خلافت عمر زنده بود و پس از وفات او از دنیا رفت و در سال (۳۰هـ-) در مرو کشته شد و این تاریخ مصادف با ششمین سال خلافت عثمان است، به احتمال قوی شاه زنان با خواهرش پس از قتل پدرشان تا زمان خلافت امام امیر المؤمنین در خفا می‌زیستند و چون حریث بن جابر حکمران آن ناحیه شد بر ایشان دست یافت و آنها را نزد امام علیه السلام فرستاد. ثانیاً- از دلایلی که نادرستی روایت اول را تأیید می‌کند، چیزی است که ابو حنیفه نقل می‌کند؛ وقتی که دختر یزدگرد را نزد امیر المؤمنین علیه السلام آوردند، فرمود:

«هر که را از مسلمانان مایلی به همسری خود انتخاب کن.»

دختر یزدگرد با دورانیشی و بزرگ‌منشی پاسخ داد:

«من سری را طالبم که همتا نداشته باشد.»

این سخن دلیل بر دورانیشی آن بانو بود، امام علیه السلام با لطف و مهربانی در جواب او گفت:

«علی خود پیرمرد است...»

معنای این سخن آن بود که امام علیه السلام رغبتی به زنان نداشت به دلیل آن که پیر و سالخورده است، به علاوه گرفتاری امور

مردم که او را به خود مشغول کرده بود.

آن بانو به دنبال اظهار عقیده خود با فشاری می‌کند و می‌گوید:

«من سربسته سخنم را گفتم...»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۸

یکی از کشاورزان ایران به خدمت حضرت آمد و از امام تقاضا کرد تا او را به ازدواج وی در آورد، امام علیه السلام در ردّ پیشنهاد او فرمود:

«او خود می‌داند، اگر نخواست نمی‌پذیرد و اگر خواست می‌پذیرد.»

آری امام، درباره ازدواج او حق حاکمیت ندارد، بلکه ازدواج تابع تمایلات روحی اوست و کسی حق ندارد او را مطابق میل خودش مجبور کند و آن بانو نیز از قبول درخواست وی خودداری کرد. «۱» به احتمال قوی این بانو، همان (شاه زنان) باشد و زمان ازدواج وی در دوران حکومت امام امیر المؤمنین علیه السلام، صورت گرفته است.

ثالثاً- روایت سوم از دو روایت اول مشهورتر است و شهرت- بطوری که اکثر فقها گفته‌اند- یکی از مرجحات روایت است و محقق ارجمند آقای مقرر نیز این روایت را پذیرفته است.

(۱)

نظرات نادرست

بعضی از مورخان درباره نسبت بانو شاه زنان سخنان کژاندیشانه‌ای را اظهار کرده‌اند که عبارتند از:

الف- آن بانو از سرزمین سند بود «۲».

ب- وی از اسیران کابل بوده است. «۳»

که این اقوال با نظرات تمام روایان و مورخان که گفته‌اند: وی دختر یزدگرد پادشاه ایران بوده است، مخالفت دارد. در صورتی که این قول، حتی در

(۱) اخبار الطوال.

(۲) مرآة الجنان: ۱/ ۱۹۰، النجوم الزاهرة: ۱/ ۲۲۹، المنمق فی اخبار قریش: ۴۳۷.

(۳) تاریخ یعقوبی: ۳/ ۴۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۹

زمان خود امام سجاد علیه السلام مشهور بود و همه مردم می‌دانستند، ابو الأسود دؤلی در آن باره می‌گوید:

و انّ ولیدا بین کسری و هاشم لأکرم من نیطت علیه التّمائم

هو النور نور الله موضع سرّه و منبع ینبوع الامامة عالم «۱».

- همانا مولودی که به دو خاندان کسری و هاشم مربوط است، از تمام مولودهایی که به گردنشان (جهت چشم زخم) حرز آویخته‌اند، گرامی‌تر است.

او نور است؛ نور خدا و گنجینه اسرار الهی، سرچشمه اصل امامت و عالم و داناست-.

امام زین العابدین علیه السلام، در معرفی خود، به این مطلب اشاره فرموده، می‌گوید: «من پسر دو برگزیده‌ام» که به حدیث نبوی مشهور اشاره دارد که می‌فرماید: «خدای تعالی از میان بندگان، دو گروه زبده دارد: زبندگان از عرب، قریش و زبندگان از عجم،

مردم فارس می‌باشند...» (۲). بعضی از مورخان گفته‌اند: علی بن حسین علیهما السلام، بین نبوت و سلطنت را از طرف نیاکانش جمع کرد.

(۱)

نام مادر امام (ع)

این مخدره- مادر امام علیه السلام- به شاه زنان معروف بود، البته این

(۱) بحار الأنوار: ۱۶۶/۴۶. شیخ حر عاملی در ارجوزه خود چنین می‌فرماید:

و أمه ذات العلی و المجدو هو بن شهریار ابن کسری

شاه زمان بنت یزد جردذو سؤدد لیس یخاف کسری - م.

(۲) وفيات الأعیان: ۲/ ۴۲۹، الائمة الاثنا عشر: ۷۵ نوشته ابن طولون.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۰

لفظ اسم آن بزرگوار نبود بلکه لقبی برای آن حضرت بود که در زبان عربی به معنای ملکه یا بانوی زنان است «۱». اما اسم شریف آن بزرگوار مورد اختلاف است بعضی اقوال مورخان از این قرار است:

۱- سلامه «۲»، ۲- سلافه «۳»، ۳- غزاله «۴»، ۴- سلمه «۵»، ۵- سادره «۶»، ۶- شهربانویه «۷».

این بود بخشی از اقوالی که درباره اسم این بانو، که نقل کرده‌اند اما تحقیق درباره این که کدام یک از اینها درست است به دلیل این که برای خوانندگان فایده‌ای نداشت صورت نگرفت.

(۱)

ارتباط مقدس

وجود این مخدره (شاه زنان) در حقیقت رابطه مقدسی میان عرب و عجم به وجود آورد که از همین ارتباط حضرت زین العابدین علیه السلام پا به عرصه گیتی نهاد که وی فرزند برگزیدگان و پدر ذرّیه پاکی شد که جهان عرب و عالم اسلام را با تمام عوامل آگاهی و شرف و ترقی و کمال آشنا کردند.

(۱) نور الابصار: ۱۲۶، از شبلنجی.

(۲) اصول کافی: ۱/ ۴۶۶، تهذیب الکمال م ۷/ ق ۲ فتوگرافی، کتابخانه آیه الله حکیم، سیر اعلام النبلاء: ۴/ ۲۳۷، طبقات: ۲۳۸ از خلیفه خیاط، الأسامی و الکنی از نیشابوری.

(۳) تاریخ اسلام ذهبی: ۲/ ق ۴۶ فتوگرافی، کتابخانه آیه الله حکیم، الامامة فی الاسلام: ۱۱۶، انساب الأشراف: ۱۰۲، دائرة المعارف بستانی: ۹/ ۳۵۵، نور الابصار: ۱۳۶، الکامل: ۲/ ۴۶۴.

(۴) صفة الصّفوة: ۲/ ۵۲، شذرات الذهب: ۱/ ۱۰۴، سرّ السلسله العلویة: ۳۱، نهاية الارب:

۲۱/ ۳۲۴، خلاصة الذهب المسبوك: ۸.

(۵) الائمة الاثني عشر: ۷۵.

(۶) الاتحاف بحب الاشراف: ۴۹.

(۷) روضة الواعظین: ۱/ ۲۳۷، عیون المعجزات خطی: ۳۱، غایه الاختصار: ۱۵۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۱

سید عبد العزیز سید الأهل، می گوید: «امام زین العابدین علیه السلام وسیله ارتباط محکمی در میان ما عربها و مردم فارس شد و سپس رابطه استواری ما بین تمام انسانها گردید و گویا او یکی از وسایل نیرومندی است که دست قدرت حق برای از بین بردن جداییها و ایجاد الفت و ارتباط مردم به وجود آورده است» (۱).

براستی که این رابطه از محکمترین و پرفایده‌ترین روابط برای عرب و عجم بود که ما بین ایشان دوستی و محبت و الفت ایجاد کرد. (۱)

ندای جاهلیت

اسلام تمام عوامل تفرقه زمان جاهلیت را که باعث از هم پاشیدن وحدت جامعه بود، از بین برد، از جمله جلوگیری از ازدواج عرب با غیر عرب را که به منظور حفظ خون و نژاد عربی مانع از ازدواج با اقوام دیگر می‌شدند. بطور قطع این پدیده یکی از عوامل جدایی مسلمین و از هم پاشیدن وحدتشان بود، زیرا که اسلام با کمال افتخار و سر بلندی این خودخواهیهای جدایی افکنانه و عناوین پوچ را بدور انداخت و مردم را به شرافت انسانی و آرایش روح و روان دعوت کرد. پیامبر گرامی - صلی الله علیه و آله - فرمود:

«همانا پرهیزگارترین شما، گرامی‌ترین فرد شماست.»

براستی که اسلام، مساوات و برابری عادلانه‌ای را به گونه‌ای مثبت بین مسلمین برقرار کرد و اختلاف طبقاتی و سایر عناصر (از آن قبیل) را از میان برد.

شخص رسول خدا - صلی الله علیه و آله - خویشاوند خود، زینب بنت جحش را که یکی از بانوان بنی هاشم بود به همسری غلامش زید بن حارثه در آورد؛ با این عمل خواست که جامعه اسلامی درسی از آن حضرت بیاموزند و از این راه راست

(۱) زین العابدین: ۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۲

و روشن حرکت کنند و ائمه اهل بیت علیهم السلام نیز در پرتو همین راه و روش رسالت، حرکت کرده و با نژادپرستی مبارزه کردند و در برابر امتیازات جاهلی ایستادند و با کنیزان، پس از آزادسازی و یا از طریق ملکیت، پیش از آزادی ازدواج کردند که این خود اثر عمیقی در نفوس مردم عرب داشت که باعث بازگشتن آنها از طرز نگرش جاهلی خود شد. مورخان می‌گویند: موقعی که امام حسین علیه السلام با بانو شاه زنان ازدواج کرد و از او پرچم هدایت، امام زین العابدین علیه السلام به دنیا آمد و مردم عرب متوجه کمال و برازندگی ذاتی او شدند، قریش به ازدواج با کنیزان «امّ ولد» رو آوردند «۱» و جالب است که مبرّد راجع به مردی از قبیله قریش که مادرش کنیز بوده است نقل می‌کند؛ می‌گوید: من با سعید بن مسیب مجالست داشتم، روزی به من گفت:

«دائیهای تو کیستند؟ ...»

«مادر من، کنیز است.»

سعید، با شنیدن این سخن روی گرداند و آن مرد در نظرش خوار و بی‌مقدار آمد اما آن مرد چون باهوش بود به دنبال فرصتی ماند تا این که روزی سالم بن عبد الله بن عمر که از برجسته‌ترین شخصیت‌های قریش بود و مادرش هم کنیز بوده است بر سعید وارد شد و با وی به گفتگو پرداخت و بعد که خداحافظی کرد و رفت آن مرد، رو به سعید کرد و گفت:

«عمو! این مرد، که بود؟» سعید برآشفت و فریاد زد و گفت:

«سبحان الله!! آیا تو براستی چنین مرد بزرگی را نمی‌شناسی این سالم بن عبد الله بن عمر بن خطاب بود...»

آن مرد فوراً پرسید:

«مادر وی کیست؟»

(۱) تاریخ دمشق.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۳

«مادرش کنیز بود.»

(۱) روزی دیگر، قاسم بن محمد بن ابی بکر که مادر او نیز کنیز بود وارد شد، بین سعید بن مسیب و او سخنانی رد و بدل شد و همین که از نزد او رفت آن مرد دوباره همان سؤال قبلی را تکرار کرد و سعید نیز جواب مشابهی داد تا این که امام زین العابدین و سید الساجدین وارد شد و سعید با نهایت احترام و تعظیم با او برخورد کرد، وقتی که امام علیه السلام تشریف برد، آن مرد رو به سعید کرد و گفت:

«عمو! این مرد که بود؟» سعید با ناراحتی برگشت و به او گفت:

«این کسی است که هیچ مسلمانی نیست که او را نشناسد، این علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (ع) است...»

آن مرد فوراً پرسید:

«مادرش کیست؟» «کنیزی است...»

آن مرد بلافاصله گفت:

«عمو! پس چرا وقتی که به تو گفتم مادرم کنیز است و من بستگان و خویشاوند مادری ندارم از نظر تو افتادم؟» سعید به اشتباه خود پی برد و از آن روز آن مرد را گرامی می‌داشت و به دیده احترام می‌نگریست. (۱)

براستی این خو و خصلت پست که در آن زمان در همه جا سایه گسترده بود از بازمانده‌های عصر جاهلیت بود که از نظر فکری و اجتماعی هنوز اثرش برجا مانده بود. در این که مادر کسی رومی یا ایرانی و یا از نژادی دیگر باشد چه نقصی برای او محسوب می‌شود، شاعری در این باره می‌گوید:

(۱) کامل مبرّد: ۲/ ۴۶۲، نزهة الجلیس: ۲/ ۲۳، الاثمة الاثنا عشر: ۷۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۴ لا تشمتن امرأ فی ان تکون له امّ من الزوم او سواد عجماء

فانما امهات القوم اوعیه مستودعات و للأحساب آباء - کسی را به جرم این که مادرش رومی و یا سیاه غیر عرب است، نکوهش مکن! زیرا که مادران ظرفهای گیرنده امانتند، شرافت نسبت مربوط به پدران است - آنچه که مقام انسانی را بالا می‌برد تنها اعمال پسندیده او و خدمت‌هایی است که به مردم و وطنش می‌کند و عظمت ذاتی اوست هر چند که مادرش سیاهپوست غیر عرب باشد اما اگر اعمالش ناپسند و ذاتا پست و فرومایه باشد اگر چه سید قرشی باشد بی‌ارزش است و این مطلب را اسلام مقدّس که جز به اعمال آدمی، به چیز دیگری توجه ندارد و تنها ملاک بلندی و پستی آن را می‌داند و بس، مقرر فرموده و مورد تأکید قرار داده است.

(۱)

امام امیر المؤمنین علیه السلام به بانو شاه زنان محبت خاصی داشت و این به خاطر ایمان و عقل فراوانش بود و اخباری از آن حضرت بجا مانده است که بیانگر فضیلت این بانوی بزرگوار است، از جمله خبرهای ذیل می‌باشد:

الف- امیر المؤمنین علیه السلام به فرزندش امام حسین سفارش می‌کند که نسبت به آن بانو نیکی و احسان کند و می‌فرماید:

«به شهربانو، نیکی کن که او پسندیده است و برای تو بهترین فرد روی زمین بعد از تو را به دنیا خواهد آورد.» (۱)

ب- امام علی علیه السلام به کسانش خبر داد که شهربانو مادر پاکی

(۱) عیون المعجزات خطی در کتابخانه امیر المؤمنین نجف، اثبات الهداء: ۱۴/۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۵

برای ائمه طاهرين خواهد شد و همچنین می‌فرماید:

«او مادر اوصیاء، ذراری پاک است.» (۱)

آری از این بانوی بزرگوار ائمه طاهرين پدید آمدند که خداوند پلیدی را از ایشان دور ساخته و ایشان را پاک و پاکیزه قرار داده است.

(۱) امام امیر المؤمنین علیه السلام به شاه زنان توجه خاصی داشت، زیرا که به تواناییهای فضل و کمال و ادب آن بانو واقف بود، روزی از او پرسید:

«پس از داستان فیل از پدرت چه به خاطر داری؟» شهربانو در پاسخ امام علیه السلام با این عبارات زرنگار پاسخ داد که حاکی از وسعت اندیشه و آگاهی پدرش از شئون زندگی است:

«او همواره می‌گفت: هرگاه اراده خداوند تعلق بگیرد که بر امری غلبه کند، تمام خواسته‌ها در برابر او نقش بر آب است و هرگاه اجل سر آید تنها راه چاره به مرگ و نابودی انجامد.»

امام علیه السلام از این سخن حکیمانه‌ای که پرده از واقعیت زندگی بر می‌دارد در شگفت شد و با این سخن شگفتی خود را ابراز داشت:

«چه خوب گفته است پدرت! تمام امور در برابر مقدرات الهی تسلیمند تا آنجا که مرگ آدمی نیز در تدبیر او خواهد بود...» (۲)

براستی که همه چیز در عالم هستی مقهور مشیت و اراده خداوند است و خدای تعالی قاهر و غالب است و هرگاه انسان به وسایل مطمئن و محکمی دل ببندد به امید این که خطرها را از او دفع می‌کنند، هیچ سودی به حال او نخواهند داشت زیرا که گاهی نتیجه معکوس داده و همان وسایل باعث مرگ و نابودی او می‌گردند.

(۱) بصائر الدرجات: ۹۶، اثبات الهداء: ۲۱۴/۵، ناسخ التواریخ: ۱۳/۱.

(۲) ارشاد: ۱۶۰، بحار الانوار: ۱۱/۴۶-۱۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۶

(۱)

توجه امام حسین به شهربانو

امام حسین علیه السلام، برای همسرش بانو شاه زنان هاله‌ای از توجه و احترام قائل بود و بر دیگر زنانش مقدم می‌داشت و این بانو

در حمایت و زیر سایه امام از حرمت و احترام خاصی برخوردار بود تا آنجا که ناز و نعمتهای زمان سلطنت پدرش را از یاد برد زیرا امام علیه السلام او را با تعلیمات و روحانیت اسلام تغذیه فرمود به حدی که از تشریفات سلطنت و پادشاهی بیزار شد، به قول سید عبد العزیز سید الاهل:

«امام حسین علیه السلام به قدری از تعلیمات اسلامی بدو آموخت که کاخهای مداین و برج و باروی کابل را فراموش کرد...» (۱).
(۲)

ستایش مورخان

اشاره

مورخان از این بانوی بزرگوار تعریف کرده‌اند که در ذیل گفتار ایشان را می‌آوریم:

الف - مبرّد

مبرّد، درباره این بانوی گرامی چنین می‌گوید: «شاه زنان از بهترین زنان عالم بود...» (۲)
براستی که شاه زنان در عفت و پاکدامنی، و فراوانی عقل و بلندای ادب از بزرگترین زنان جهان بوده است.

(۱) زین العابدین: ۱۶.

(۲) الکامل: ۲ / ۴۶۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۷

ب - ابن شدقم

ابن شدقم گوید: «شاه زنان دارای فضایل زیادی بود...» (۱)

ج - گنجی

امام حافظ محمد بن یوسف گنجی می‌گوید: «خداوند تبارک و تعالی ائمه مهدیین را از نسل امام حسین علیه السلام، از دختر کسری قرار داده است، نه از دیگر زنان...» (۲).

براستی که خداوند منان این بانوی بزرگوار را مورد الطاف و عنایت خاص خود ساخت و این فضیلت را به او ارزانی داشت که مادر بزرگوار امام زین العابدین و جدّه طیّبه گرامی ائمه طاهرین علیهم السلام باشد که آنان کلمه توحید را در روی زمین برافراشتند....
در اینجا سخن ما درباره فضایل و ویژگیهای این بانوی گرامی پایان می‌گیرد.

(۱) زهره المقول: ۱۶.

(۲) کفایه الطالب: ۴۵۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۹

نوزاد بزرگ

اشاره

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۵۱

(۱) نوزاد بزرگ دنیا به ولادت امام زین العابدین علیه السلام درخشیدن گرفت امامی که چشمه‌سارهای دانش و حکمت را در زمین شکافت و با راه و روش زندگی خود برجسته‌ترین نمونه‌ها و بالاترین درسها را- در زمینه خود را به حساب نیاوردن و دل بستن به دنیا و توجه به خدا- به مردم داد.

خاندان نبوت، مقدم نوزاد مبارک را که پیامبر- صلی الله علیه و آله- آمدنش را مژده داده بود با نهایت شادمانی و مسرت استقبال کردند، و این شادمانی همه افرادی را که با اهل بیت علیهم السلام ارتباط داشتند- از صحابه و فرزندانشان- فرا گرفته بود، مورخان نوشته‌اند موقعی که امام به دنیا آمد، ضعیف و لاغر بود. سید عبد العزیز سید الاهل می گوید: «حضرت سجاد لاغر و ضعیف‌اندام به دنیا آمد در حالی که در نگاه‌هایش برقهایی آرام می‌جست گویی که برقهایی اندوه فرو نشسته‌ای است، و این برقهایی درهم شکسته اگر به چیزی دلالت کند باید دلیل بر غم و اندوهی باشد که در آینده فرا می‌رسد...» (۱)

آری مصائب و آلام از همان آغاز تولد به همراه او بودند، زیرا که هنوز او در گهواره بود که اراده حق، مادر پاکش را از او گرفت و از آن روز غمها یکی پس از

(۱) امام زین العابدین: ۱۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۵۲

دیگری به سراغ او آمدند، و هیچ کس به قدر این امام بزرگ دچار مصائب نشده است.

(۱)

مراسم ولادت

امام امیر المؤمنین علیه السلام و یا فرزندش امام حسین علیه السلام مراسم دینی ولادت را برای این مولود مسعود اجرا کردند، به گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفتند که بدان وسیله در دل نوزاد عبادتگاهی پیا کرد که با احساسات تقوا و درستی می‌تپید که در حقیقت نغمه حیاتی بود که او را به سمت نیکی و عمل صالح سوق می‌داد.

آری نخستین آوایی که امام زین العابدین علیه السلام در این دار دنیا شنید، صدای «الله اکبر» بود که با دل و جان در آمیخت و جزو ذات و ارکان وجودش قرار گرفت. و در روز هفتم تولدش پدر بزرگوارش گوسفند نری را عقیقه کرد و سر مبارکش را تراشید و به وزن آن نقره، یا طلا- مطابق سنت مقدس اسلام- به فقرا داد.

(۲)

جای ولادت

مورخان درباره مکانی که افتخار زادگاه امام زین العابدین علیه السلام را پیدا کرد، اختلاف نظر دارند که در ذیل نظرات آنها را بیان می‌کنیم:

الف- امام علیه السلام در کوفه به دنیا آمد. «۱»

ب- آن حضرت در مدینه به دنیا آمده است. «۲»

(۱) شذرات الذهب: ۱/۱۰۴.

(۲) فصول المهمه ابن صباغ: ۱۸۷، بحر الأنساب فتوگرافی کتابخانه امام امیر المؤمنین: ۵۲، دائرة المعارف بستانی: ۳۵۵/۹، الامامة فی الإسلام: ۱۱۶، نور الابصار: ۱۳۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۵۳

به نظر من، ولادت آن حضرت در کوفه بوده است به دلیل اجماع راویان و مورخان بر این که آن بزرگوار دو سال پیش از وفات جدش امیر المؤمنین به دنیا آمده است «۱»، بدیهی است که امام حسین علیه السلام و اعضای خانواده آن حضرت با امام امیر المؤمنین علیه السلام در کوفه بوده‌اند، و هیچ یک از ایشان در طول خلافت امیر المؤمنین در مدینه اقامت نداشته‌اند.

(۱)

زمان ولادت

اقوال مختلفی درباره زمان ولادت آن حضرت به شرح ذیل وجود دارد:

الف- امام علیه السلام در روز پنجم شعبان سال (۳۸ هـ-) «۲» مصادف با روز پنجشنبه «۳» به دنیا آمده است.

ب- در روز جمعه نهم شعبان سال (۳۸ هـ-) به دنیا آمده است. «۴»

ج- روز نیمه جمادی الاولی، سال (۳۸ هـ-) به دنیا آمده است. «۵»

د- روز جمعه بیست و ششم جمادی الثانی سال (۳۸ هـ-) به دنیا آمد. «۶»

ه- در یکی از ماههای سال (۳۳ هـ-) به دنیا آمده است. «۷» که این قول نادرست و مخالف اجماع راویان و مورخان است که همگی سال ولادت آن حضرت را سال سی و هشتم از هجرت می‌دانند.

(۱) اخبار الدول: ۱۰۹، نور الابصار: ۱۳۶، مطالب السؤل: ۴۱/۲، تاریخ الائمه ابن ثلج: ۴، دائرة المعارف: ۳۵۵/۹.

(۲) تحفة الرّاعب: ۱۳، مطالب السؤل: ۴۱/۲، فصول المهمه ابن صباغ: ۲۱۲، كشف الغمه.

(۳) صراط سوی: ۱۹۲ فتوگرافی کتابخانه امیر المؤمنین، مطالب السؤل: ۴۱/۲، نور الابصار: ۱۳۶.

(۴) روضة الواعظین: ۱/۲۲۲.

(۵) بحر الانساب: ص ۵۲.

(۶) الامامة فی الاسلام: ص ۱۱۶.

(۷) التّفحّة العنبریة (عکسبرداری شده) موجود در کتابخانه آقای حکیم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۵۴

همان قول اول در نزد علمای شیعه مشهور است زیرا که جشنهای عمومی خود را به یاد زاد روز آن حضرت در پنجم شعبان برگزار می‌کنند.

(۱)

نامگذاری امام

آنچه مسلم است تمام مورخان و راویان اتفاق نظر دارند بر این که پیامبر اکرم (ص) نواده‌اش علی بن حسین را نامگذاری کرد و به

او لقب زین العابدین داد و این جریان ده سال پیش از به دنیا آمدن آن حضرت اتفاق افتاد که خود از نشانه‌های بارز نبوت است. اخبار زیادی در این باره رسیده که از آن جمله اخبار ذیل است:

(۲) ۱- صحابی بزرگ جابر بن عبد الله انصاری نقل کرده می‌گوید: در خدمت رسول خدا- صلی الله علیه و آله- نشسته بودم، در حالی که امام حسین علیه السلام نیز در دامن آن حضرت بود و با او شوخی می‌کرد، فرمود:

«ای جابر! از این (پسر) مولودی به دنیا می‌آید به نام علی، وقتی که روز قیامت فرا می‌رسد، منادی ندا می‌دهد؛ سرور عابدان از جا برخیزد، پسر او از جا بر می‌خیزد، و بعد از او نیز پسری به نام محمد متولد می‌شود که تو ای جابر اگر او را درک کردی، سلام مرا به او برسان...» (۱)

جابر این حدیث را برای همه نقل کرد، همچنان که امام محمد باقر علیه السلام را دید و سلام جدش رسول خدا (ص) را به او رسانید و امام علیه السلام نیز با شادی و مسرت فراوان پذیرا شد.

(۳) ۲- حافظ، ابن عساکر به سند خود از سفیان بن عیینه از قول ابن زبیر نقل کرده می‌گوید: نزد جابر بودیم، ناگهان علی بن حسین علیه السلام وارد شد، جابر

(۱) وسیلة المآل فی مناقب الآل: ص ۷، عکسبرداری شده، در کتابخانه امیر المؤمنین.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۵۵

عرض کرد: در خدمت رسول خدا- صلی الله علیه و آله- بودم که امام حسین علیه السلام وارد شد پیامبر او را در بغل گرفت و بوسید و در کنارش نشاند، سپس فرمود:

«از این (فرزندم) پسری به دنیا خواهد آمد به نام علی بن حسین وقتی که روز قیامت شود منادی از بطون عرش ندا دهد؛ سرور عابدان بپاخیزد، و او از جا بر می‌خیزد.» (۱)

(۱) ۳- سعید بن مسیب از ابن عباس نقل کرده است که رسول خدا- صلی الله علیه و آله- فرمود:

«وقتی که روز قیامت شود، منادی ندا دهد، کجاست زین العابدین؟»

گویی که من به فرزندم علی بن حسین می‌نگرم، در حالی که میان صفوف جمعیت با عظمت تمام حرکت می‌کند...» (۲)

این بود برخی از روایاتی که رسیده و صراحت دارد بر نامگذاری پیامبر (ص) نواده‌اش را به نام علی (ع) و همچنین بر ملقب ساختن او به لقب زین العابدین علیه السلام. همچنان که در این روایات اشاره به اهمیت و منزلت آن حضرت در پیشگاه خدای تعالی است.

(۲)

نظریه ابن تیمیه

ابن تیمیه، از این که پیامبر (ص) فرزندش علی (ع) را به این نام، نامگذاری کرده انکار می‌کند و می‌گوید: «این سخن بی‌اساسی است و هیچ کس از اهل دانش آن را نقل نکرده است.» (۳)

(۱) تاریخ دمشق: ۱۴۲/۳۶، عکسبرداری شده، در کتابخانه امیر المؤمنین.

(۲) علل الشرائع: ص ۸۷، بحار الأنوار: ۳/۴۶.

(۳) منهاج السنّة: ۱۲۳/۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۵۶

براستی ابن تیمیه چشمانش را نسبت به آنچه حافظان و مورخان و راویان برجسته نقل کرده‌اند، بسته است ... آری این مرد دچار انحراف از حق و حقیقت گشته و دشمنی با اهل بیت علیهم السلام را - که خداوند بر همگان محبت ایشان را واجب دانسته و رسول خدا (ص) آنان را کشتیهای نجات و ایمنی قرار داده - آشکار و علنی کرده است و هر فضیلتی از فضایل ایشان را نادیده گرفته و تمام آنچه را که حافظان حدیث از روایات آنان نقل می‌کنند، انکار کرده است «۱» «۲»

(۱)

کنیه امام

امام زین العابدین علیه السلام، کنیه‌هایی به شرح ذیل داشته است:

۱- ابو الحسن.

۲- ابو الحسین.

۳- ابو محمد! ۴- ابو عبد الله «۳».

(۱) - این حالت، از خصوصیات اشقیای امت است و این قبیل اشخاص چون شب‌پره‌هایی هستند که خود زیان می‌برند و بی‌تردید اینان مصداق «خسر الدنيا والآخرة، ذلك هو الخسران المبین» بوده و زیان جبران‌ناپذیری می‌برند، چه به قول سعدی:

شب‌پره گر وصل آفتاب نخواهد رونق بازار آفتاب نکاهد» - م.

(۲) تهذیب اللغات و الاسماء: بخش اول صفحه ۳۴۳، نور الابصار: ص ۱۳۷، صفة الصفوة: ۵۲ / ۲، تحفة الراغب: ص ۱۳.

(۳) تهذیب الکمال: م ۷ / ق ۲ ص ۳۳۴ عکسبرداری شده در کتابخانه آقای حکیم، سیر اعلام النبلاء:

۴ / ۲۳۷، تاریخ اسلام: ۶۶ / ۲، تاریخ دمشق: ۱۴۲ / ۳۶، عکسبرداری شده در کتابخانه امام امیر المؤمنین نجف.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۵۷.

(۱)

لقاب امام

اشاره

اما القاب شریف امام علیه السلام که بیانگر خصلتهای نیکو، و گویای صفات برجسته و مکارم اخلاق آن حضرت و عظمت طاعت و عبادت او برای خداست چنین است:

(۲)

۱- زین العابدین

این لقب را - همان طوری که گذشت - جدّ بزرگوارش رسول خدا (ص) به او مرحمت کرد و به دلیل عبادت فراوانش بود که این لقب را به وی داد «۱». و به قدری به این لقب معروف و مشهور شد که به صورت نام آن حضرت در آمد و جز او کسی به این لقب نامیده نشد، و حقاً که او زینت هر عبادت‌کننده و باعث افتخار هر فرمانبر و مطیع خدا بود.

(۳)

۲- سید العابدین

از جمله القاب برجسته آن حضرت، «سید العابدین» بود و این به خاطر آن همه اطاعت و فرمانبرداری از خدا بود که از آن بزرگوار سر زد و از هیچ کسی - جز جدش، امیر المؤمنین علیه السلام - آن همه عبادت صورت نگرفت.

(۴)

۳- ذو الثنات

امام علیه السلام از آن رو به این لقب نامیده شد که بر مواضع سجده‌اش آثاری چون پینه‌های زانوی شتر ظاهر شد. «۲» امام ابو جعفر باقر علیه السلام، فرمود:

(۱) تهذیب التهذیب: ۳۰۶/۷، شذرات الذهب: ۱/۱۰۴، و در آنجا آمده است که «زین العابدین» گفتند به خاطر عبادات فراوانی که داشت.

(۲) صبح الاعشی: ۱/۴۵۲، بحر الانساب: ورق ۲۵، تحفه الرّایب: ص ۱۳، الاضداد فی کلام

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۵۸

«پدرم در مواضع سجده‌اش، آثاری برآمده داشت که هر سال دو نوبت آنها را می‌برید؛ در هر نوبت پنج پینه را، از این جهت او را ذو الثنات گفتند.» (۱)

و در روایت دیگری آمده است که آن حضرت این پینه‌ها را در کیسه‌ای جمع کرده بود و وصیت کرد تا به همراه بدن مقدّسش دفن کنند.

(۱)

۴- سجّاد

از جمله القاب شریف آن حضرت که بدان شهرت داشتند، لقب «سجّاد» (۲) بود. و این به خاطر سجده‌های فراوانش بود، زیرا آن حضرت از کسانی بود که سجده فراوان و بیشترین اطاعت پروردگار را داشتند. امام ابو جعفر باقر علیه السلام درباره سجده‌های زیاد پدرش می‌فرماید:

«نزد حضرت علی بن حسین علیهما السلام هیچ نعمتی از نعمتهای الهی یاد نمی‌شد مگر آن که به سجده می‌افتاد و هیچ آیه‌ای از آیات کتاب خدای عز و جل که دارای سجده باشد، تلاوت نمی‌شد مگر آن که سجده می‌کرد و از هیچ شر و بدی بیمناک نبود که خداوند از او برطرف کرده باشد مگر آن که سجده می‌کرد و هیچ گاه از نماز واجب فارغ نشد، مگر آن که سجده کرد، و اثر سجده در تمام مواضع سجده‌اش نمودار بود، از این رو وی را سجّاد نامیدند.» (۳)

(۲) ابن حماد سجده‌های زیاد و عبادت آن حضرت را در این اشعار لطیف بیان کرده و می‌گوید:

و راهب اهل البیت کان و لم یزل یلقّب بالسّجّاد حین تعیده

العرب: ۱/۱۲۹، ثمار القلوب: ص ۲۹۱، در این کتاب آمده است که به علی بن حسین (ع) و علی بن عبد الله بن عباس - به خاطر آن که در مواضع سجده‌شان در اثر عبادت زیاد، پینه‌هایی چون زانوان شتر پیدا شد - ذو الثنات گفتند.

(۱) علل الشرائع: ص ۸۸، بحار الانوار: ۶/۴۶، وسائل الشیعه: ۴/۹۷۷.

(۲) علل الشرائع: ص ۸۸.

(۳) وسائل الشیعه: ۴/۹۷۷، علل الشرائع: ص ۸۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۵۹. یقزی بطول الصوم طول نهاره منبیا و یقزی لیله بتهجده
فاین به من علمه و وفائه و این به من نسکه و تعبدیه «۱» - پارسای اهل بیت علیهم السلام بود و به خاطر عبادت مداومش سجاد
نامیدند؛ تمام روزها با حالت توجه به خدا روزه دار بود و شبها را به تهجد و عبادت می گذراند؛ بنا بر این چه کسی در دانش و
وفای به عهد نظیر اوست؟ و کجا در عبادت و نیایش کسی را مثل او می توان یافت؟ -

(۱)

۵- زکی

به آن حضرت لقب زکی دادند، چون خداوند او را از هر آلودگی پاک و پاکیزه فرموده بود، همان گونه که از پدران بزرگوارش
پلیدی را برداشته و پاک و پاکیزه قرار داده است.

(۲)

۶- امین

از جمله القاب شریف آن حضرت که بدان معروف بود، لقب «امین» «۲» است، زیرا که امام علیه السلام نمونه والای این صفت
ارزنده بود، فرمود:

«اگر قاتل پدرم، شمشیری را که بدان وسیله پدرم را به قتل رسانده در نزد من به امانت گذارد، به او باز می گردانم.»

(۳)

۷- ابن الخیرین

از القابی که امام علیه السلام بدان شهرت داشت لقب «ابن الخیرین» بود و خود به این لقب افتخار می کرد و می فرمود:

(۱) مناقب ابن شهر اشوب.

(۲) فصول المهمه از ابن صباغ: ص ۱۸۷، بحر الانساب: ورق ۵۲، نور الابصار: ص ۱۳۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۶۰.

«منم فرزند دو برگزیده.»

اشاره به قول جدش رسول خدا- صلی الله علیه و آله- دارد که فرمود:

«خدای تعالی از بندگانش دو گروه را برگزیده است: گزیده او از عرب، هاشم و از عجم فارس است.» «۱»

(۱) شیراوی این اشعار را که بیانگر افتخار او به این لقب است، به آن حضرت نسبت داده است:

خیره الله من الخلق ابي بعد جدی و أنا ابن الخیرین

فضة قد صیغت من ذهب فأنا الفضة ابن الذهبین

من له جد كجدي فی الوری أو كابی و أنا ابن القمرین

فاطمه الزهراء أمی و أبی قاصم الکفر بیدر و حنین و له فی یوم أحد وقعة شفت الغل بعض العسکرین - برگزیده خدا از میان خلق، پس از جدم، پدر من است و من پسر دو برگزیده‌ام، نقره‌ای که از طلا ریخته شده است که من آن نقره فرزند دو طلایم، کیست که در تمام عالم جدی چون جد من و پدری چون پدر من داشته باشد؟ در حالی که من فرزند دو ماه تابانم، فاطمه زهرا مادر من و پدرم درهم شکننده کفر در جنگ بدر و حنین است،

(۱) کامل میزد: ۲۲۲/۱، و فیات الأعیان: ۴۲۹/۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۶۱

و او را در روز جنگ احد، رویدادی است که عطش یکی از دو سپاه (یعنی سپاه اسلام) را برطرف کرد. «۱» «۲» این بود برخی از القاب امام علیه السلام، البته القاب دیگری را نیز نقل کرده‌اند «۳» که همگی حکایت از اوصاف والا و خصلتهای مهم آن حضرت دارد.

(۱)

وفات مادر امام

اولین گرفتاری که برای امام علیه السلام پیش آمد و آن در مرحله آغازین کودکی آن حضرت بود، وفات مادر بزرگوارش بود که پس از ولادت امام در دوران بیماری زایمان اتفاق افتاد و امام علیه السلام از همراهی مادر محروم ماند.

هر چند در آن حالت امام حسین علیه السلام کوشید تا سوز و گداز و آن تب شدید همسر گرامیش شاه زنان را برطرف سازد اما نتوانست، حال آن مخدره و وخیم شد و بیماری خیلی زود بر او غلبه کرد و او را پژمرده ساخت و چون کالبدی بی‌روح در بستر افتاد، در حالی که با درد و حسرت، نگاه‌های محبت‌آمیزش را به کودک خردسالش دوخته بود زیرا آن کودک ارجمند از زلال چشمه عواطف و مهر مادر سیراب نشده بود.

آری تب شدت یافت، و درد و رنج شدید بر او چیره شد و روزی چند با بیماریهای سخت، دست به گریبان بود تا این که مرغ روحش همچون ارواح بلند

(۱) الاتحاف بحب الأشراف: ص ۴۹. ملاحظه می‌فرمایید که در اول بیت دوم، ثقل و به اصطلاح عروضی «زحاف» وجود دارد.

(۲) - خواننده گرامی ملاحظه می‌فرمایید که این اشعار به انتساب امام سجاد به عجم هیچ ارتباطی ندارد و از خیرترین، جز امام علی و حضرت زهرا علیهما السلام، در هیچ جا مصداق دیگر به نظر من، منظور نشده است، و حدیث قبل نیز جای تأمل است - م.

(۳) ناسخ التواریخ (احوال امام سجاد (ع)).

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۶۲

به ملکوت اعلا و به پیشگاه خداوند یکتا پرواز کرد. «۱» و با درگذشت این بانو صفحه درخشانی از صفحات فضیلت، پاکدامنی و حیا و هر آنچه از ادب و کمال مایه افتخار یک زن است، درهم پیچیده شد. و خاندان پیامبر (ص) با وفات این بانوی بزرگوار که نمودار شرف و فضیلت بود، مصیبت‌زده شد. تشییع با شکوهی در حضور امام حسین علیه السلام و بزرگان اسلام و توده‌های مسلمان برگزار شد و پیکر مقدسش را در کوفه به خاک سپردند و امام حسین علیه السلام برای فقدان این بانوی بزرگوار که چند روزی بیش با او معاشرت نکرده بود سخت متأثر شد.

امام زین العابدین علیه السلام از مرحله آغازین کودکیش به مصیبت مادر دچار شد و این خود موجبی بود برای غمها و گرفتاریهای

پای پی زیرا که برای هیچ کسی جز او چنین مصایبی رخ نداده است.

(۱)

دایه امام

امام حسین علیه السلام به بانوی بزرگواری از مادر فرزندانش دستور داد تا فرزندش زین العابدین را سرپرستی کند و شیر دهد و آن زن صالحه نیز تا جایی که ممکن بود توجه لازم را داشت و همچون مادر مهربانی که جگر گوشه خود را مورد عنایت قرار می‌دهد، توجه می‌کرد و امام علیه السلام را در فضای بی‌خبری از مرگ مادرش نگهداشتند و کسی او را از درگذشت مادرش مطلع نساخت- مگر پس از آن که بزرگ شد- برای این که مبادا دل آن بزرگوار بسوزد و خاطرش آزرده شود. (۲)

(۱) اثبات الوصیه مسعودی: ص ۱۴۳، امام زین العابدین: ص ۱۸.

(۲) امام زین العابدین: ص ۱۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۶۳

(۱)

اوصاف جسمانی امام

اما صفات و برآزندیهای جسمانی آن بزرگوار، مورخان نوشته‌اند که آن حضرت گندمگون، کوتاه قد و لاغر اندام «۱» و باریک بود. «۲» و چنان بود که هر چه عمر آن بزرگوار زیاد می‌شد بیشتر لاغر و ضعیف می‌گشت و این به خاطر عبادت زیاد آن حضرت بود و از سویی غمها و مصیبت‌های عظیم قتلگاه کربلا- او را در خود غرق ساخته بود و همواره آن مصائب دلش را می‌آزرد تا وقتی که به ملأ اعلا پیوست.

(۲)

هیبت و شکوه امام

اما شکوه امام چنان بود که همگان در مقابلش سر تعظیم فرود می‌آوردند و در خطوط چهره‌اش انوار انبیاء و شکوه و جلال اوصیاء می‌درخشید. شاعر بزرگ عرب، فرزدق در قصیده زیبای خود هیبت امام را به شرح زیر توصیف کرده می‌گوید:

یکاد یمسکه عرفان راحته رکن الحطیم اذا ما جاء یتسلم

یغضی حیاء و یغضی من مهابتة فلا یکلّم الاّ حین یتسم.

- موقعی که او برای استلام می‌آمد، رکن حطیم، «۳» می‌خواست کف دستش را بگیرد، چشمش را از حیا بر هم می‌نهاد و دیگران از شکوه و جلال او

(۱) نور الأبصار: ص ۳۶.

(۲) اخبار الدول: ص ۱۰۹، الصراط السوی فی مناقب آل النبی: ص ۱۹۲ از کتب عکسبرداری شده کتابخانه امام امیر المؤمنین.

(۳) حطیم، دیوار کعبه که حجر الاسود در آنجا است و یا جایی ما بین رکن، زمزم و مقام است که به علت ازدحام جمعیت حطیم گفته‌اند (المنجد) م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۶۴

چشمها را می‌بستند، جز موقعی که او لبخند می‌زد تکلم نمی‌کردند.

شیخانی قادری می‌گوید: از دیدن جلوه و زیبایی سیمایش چشم بیننده سیر نمی‌شد. «۱» برآستی که شکوه و جلال او حکایت از شکوه جدش رسول گرامی - صلی الله علیه و آله - داشت. جنایت پیشه خونخوار، مسلم بن عقبه که تمام ارزشها و مقدرات را ناچیز و بی‌ارزش می‌دانست موقعی که امام را دید، مبهوت شد و به خود لرزید و بیش از حد، احترام و تعظیم کرد و به اطرافیاناش گفت: زین العابدین سیمای انبیاء را دارد.

(۱)

نقش انگشتری

اما نقش انگشتری امام علیه السلام بیانگر میزان توجه و ارتباط آن حضرت بود، زیرا که این جمله - «و ما توفیقی الا - بالله» یعنی توفیقی برای من جز به خواست خدا ممکن نیست - در آن نقش بسته بود. «۲» بعضی گفته‌اند: نقش انگشتری امام علیه السلام این عبارت بود: «علمت فاعمل» «۳» یعنی دانستم پس عمل می‌کنم.

(۱) الصراط السوی فی مناقب آل النبی: ص ۱۹۲.

(۲) فصول المهمه ابن صباغ: ص ۱۸۷، اخبار الدول: ص ۱۰۹، الصراط السوی: ورق ۱۹۲.

(۳) عیون الاخبار ابن قتیبه: ۳۰۲ / ۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۶۵

دوران رشد و راه و رفتار امام علیه السلام

اشاره

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۶۷

(۱) دوران رشد و راه و رفتار امام علیه السلام برآستی که تمام عوامل سازنده و مفید برای یک تربیت والا، که کسی جز او را میسر نبود، بطور فراوان در اختیار امام زین العابدین علیه السلام قرار گرفت و در ساختار و بنای شخصیت آن حضرت به گونه خاصی به کار گرفته شد و شخصیت او را در ردیف اول از امامان جامعه اسلامی قرار داد، کسانی که پیامبر اسلام آنان را امین خود و رهبر امتش قرار داده و ادای رسالتش را به ایشان سپرده بود ...

آری در دوران و رشد و راه و رفتار امام علیه السلام تمام عناصر خیر و فضیلت و کمال تجسم یافته بود، که ما به اختصار به این دو ویژگی از خصوصیات زندگی آن حضرت اشاره می‌کنیم:

(۲)

رشد امام (ع)

امام زین العابدین علیه السلام در خاندان نبوت و امامت بزرگ شد، آن خانه‌ای که خداوند اجازه فرمود تا برافراشته گردد و نام مقدسش در آنجا برده شود، در دوران اولیّه کودکیش امام امیر المؤمنین علیه السلام از او مواظبت می‌کرد

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۶۸

و شعاعهایی از روح پاکش را- که بوی خوشش سراسر عالم را گرفته بود- به آن حضرت بتاباند، بطوری که نواده اش بحق، صورتی راستین از جدش و در تمام عناصر و خصوصیات روحی نظیر و همگون او بود.

(۱) اما آن مدتی که امام زین العابدین در سایه جدش به سر می برد، بسیار کوتاه بود، مورخان آن مدت را به دو سال محدود کرده اند و آن دو سال نیز از سنگین ترین اوقاتی بود که بر امام امیر المؤمنین علیه السلام گذشت؛ مشکلات او را احاطه کرده بود و رویدادها عجیب به صورت خطرناک و کشنده یکی پس از دیگری بر آن حضرت وارد می شد که دشوارتر و سنگین تر از همه، این بود: سپاهی که بدان وسیله با جبهه باطل معاویه می جنگید دچار تفرقه و سرکشی و نافرمانی شد به حدی که امام علیه السلام دست به دعا برداشت و در پیشگاه خدا می نالید تا او را به جوار رحمت خود ببرد و از آن جامعه فرومایه ای که به آرمانهای آن حضرت توجه ندارند، نجات دهد و خداوند دعایش را مستجاب کرد و شقی ترین فرد اولین و آخرین، فرد خطرناک جانی عبد الرحمن بن ملجم پیدا شد و او را در حالی که میان خانه خدا و در محراب نماز ایستاده بود به قتل رساند و در آخرین ساعات زندگیش اعضای خانواده و فرزندان او در اطراف بستر آن حضرت از جمله امام زین العابدین حلقه زده بودند، پیمان امامت را به پسرانش حسن و حسین علیهما السلام سپرد و بر امامت نواده خردسالش، زین العابدین تصریح فرمود و دروهای پیامبر- صلی الله علیه و آله- را به آن حضرت و به پسرش امام محمد باقر، بزرگ و رهبر نهضت فکری و علمی این امت ابلاغ کرد.

(۲) از جمله کسانی که عهده دار تربیت امام زین العابدین علیه السلام شدند، عموی بزرگوارش امام حسن سرور جوانان اهل بهشت و ریحانه رسول خدا- صلی الله علیه و آله- و سبط اکبرش بود که توجه و محبت خاصی نسبت به آن حضرت داشت و در وجود او صفات والا و خصلتهای بی نظیری را بنیان نهاد و همواره با وی بود تا این که به سر حد جوانی رسید در حالی که در اعماق وجود و ژرفای ذاتش سیره عموی بزرگوارش قهرمان اندیشه و اصلاح مسلمین، ریشه

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۶۹

دوانید. و از دیگر کسانی که به تربیت امام زین العابدین علیه السلام پرداختند پدر بزرگوارش، سرور آزادگان، سید الشهداء امام حسین علیه السلام بود که در وجود فرزندش امتداد ذاتی و درخشش روحانیت و تجسم امامت را می دید این بود که بیشترین توجه و عنایت را نسبت به او مبذول داشت و تمام ارزشها و تواناییهای ارزنده خود را در قالب وجود او ریخت و او را بر دیگر فرزندان او مقدم داشت و بیشتر اوقات در کنارش بود. مورخان می گویند: امام زین العابدین علیه السلام مریض شد امام حسین علیه السلام با عجله به دیدار او شتافت در حالی که دلجویی می کرد و می گفت:

«پسرم چه میل داری؟» زین العابدین علیه السلام در پاسخ پدر جوابی داد که هر بنده مخلص و متوجه به خدا می دهد، عرض کرد:

«دوست دارم از کسانی باشم که آنچه را پروردگارم درباره من مصلحت بداند، بدان راضی باشم...»

امام حسین علیه السلام از شنیدن این سخنان تابناک که بیانگر معرفت زیاد و ایمان عمیق وی بود، در شگفت شد و از روی تعجب فرمود:

«مرحبا که تو همانند ابراهیم خلیلی آنجا که جبرئیل عرض کرد: (ای ابراهیم) آیا از من حاجتی داری؟ ابراهیم گفت: من کسی را بر پروردگارم مقدم نمی دارم، بلکه خداوند برای من کافی است و نیکو سرپرستی است!!» (۱) «(۱) براستی که زین العابدین علیه السلام در ایمان زیاد و توجه عمیق و ارتباطش با خدا نظیر ابراهیم خلیل الله بود.

(۱) بحار الانوار: ۶۶/۴۶، دعوات قطب راوندی خطی کتابخانه امیر المؤمنین.

امام زین العابدین علیه السلام به حکم تربیت و کمالی که داشت نمونه‌های عالی هر نوع افتخاری از کمالات ارزنده و ارزشهای اخلاقی بود.

(۱)

رفتار امام

اما راه و رفتار امام زین العابدین علیه السلام، همچون رفتار پدران بزرگوارش - سرچشمه تابش و هدایت انسانها - بود و در راه و رفتارش، راه جدش امیر المؤمنین علیه السلام را می‌پیمود و از سیره و رفتار او پیروی می‌کرد. راویان اخبار می‌گویند: امام علیه السلام، موقع اشتغال به عبادت، با دقت تمام سیره جدش را مطالعه می‌کرد و نفسی عمیق و آهی سرد از دل بر می‌آورد و می‌گفت: «چه کسی توانایی دارد عبادت جدّم امیر المؤمنین را به جای آورد؟» برآستی که در وجودش، حامل روح جدش؛ امام امیر مؤمنان و سرور عارفان بود و بر همان روش سیر می‌کرد و در تمام مراحل راه و رفتارش از او پیروی می‌کرد که ما بعضی از خصوصیات زندگی او را از این جهت نقل می‌کنیم:

(۲)

رفتار امام در خانه

امام زین العابدین علیه السلام از مهربانترین و نیکوکارترین و دلسوزترین فرد به خانواده‌اش بود و هیچ امتیازی برای خود قائل نبود بلکه خود را یکی از ایشان می‌دید و از آن حضرت نقل کرده‌اند که فرمود:

«اگر به بازار بروم و مبلغی پول همراهم باشد، بدان وسیله برای اعضای خانواده‌ام - در حالی که اشتیاق به خوردن گوشت دارند - گوشتی بخرم،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۷۱

برای من محبوبتر از آن است که بنده‌ای را آزاد کنم.» (۱)

همیشه، صبح زود، برای تحصیل ما یحتاج خانواده‌اش از منزل بیرون می‌شد، عرض می‌کردند: کجا تشریف می‌برید؟ می‌فرمود:

«از راه حلال برای خانواده‌ام، صدقه فراهم می‌کنم، زیرا کسب حلال صدقه‌ای است از جانب خدا برای ایشان.» (۲)

امام علیه السلام همواره در امور خانه، به خانواده‌اش کمک می‌کرد. و هیچ‌گاه به کسی از ایشان در کارهای شخصی فرمان نمی‌داد، همچنان که در امور عبادی خود شخصا کارهایش را انجام می‌داد زیرا که در این امور نمی‌شود از کسی کمک گرفت و یا به کسی محوّل کرد.

امام علیه السلام به گونه‌ای در خانه رفتار می‌کرد که نظیر آنها را کسی ندیده است و برآستی تجسم دهنده رحمت، همکاری و محبت و خود را به حساب نیاوردن بود.

(۱)

احسان امام به دایه‌اش

امام زین العابدین علیه السلام پس از آن که بزرگ شد و از فوت مادرش آگاهی یافت و فهمید که این زن صالحه (دایه‌اش) چقدر به او نیکی و احسان کرده و تمام آنها هم فقط برای خدا بوده است، در صدد برآمد که به انواع نیکیهای ممکن جبران کند و تا توانست به او احسان کرد و از هم غذا شدن با او خودداری می‌کرد، بعضی ملامت کرده و مصرّانه از او پرسیدند و گفتند: «تو

بهترین مردم

(۱) بحار الانوار: ۴۶/۴۷.

(۲) همان مأخذ.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۷۲

هستی و از همه کس بیشتر صله رحم می‌کنی، با این همه چرا با مادرت هم غذا نمی‌شوی؟» امام علیه السلام جوابی داد بمانند کسی که دنیا نظیر ادب و کمال او را ندیده، فرمود:

«می‌ترسم که دستم جلوتر از او به سمت چیزی برود که چشم او پیش از من متوجه آن بوده است» (۱) و در نتیجه من عاق او گردم ...» (۲)

کدام انسان نظیر آن است؟ و کدام نفس ملکوتی چنین است؟ در فضیلت این امام همین قدر بس که او فرزند امام حسین است آن کسی که شرافت و عظمتش تمام دنیا را پر کرده است.

(۱)

روایت ساختگی

ابن کثیر، روایتی را نقل کرده است که هیچ اساس صحیحی ندارد؛ روایت کرده است که امام زین العابدین علیه السلام، مادر خود را به غلامش تزویج کرد و کنیزی را آزاد کرد سپس با او ازدواج نمود، عبد الملک این خبر را شنید، نامه‌ای نوشت و آن حضرت را ملامت کرد، امام در پاسخ وی نوشت:

«البته شما را در پیروی از رسول خدا (ص) خیر و سعادت بسیار است، برای کسی که به ثواب روز قیامت امیدوار باشد و خدا را زیاد یاد کند (۳)»، پیغمبر (ص) صفیه را آزاد کرد، سپس به همسری خود در آورد و دختر عمه‌اش زینب بنت جحش را به همسری غلامش زید بن حارثه

(۱) شذرات الذهب: ۱/۱۰۵، کامل میبَرَد: ۱/۳۰۲.

(۲) عیون الاخبار ابن قتیبه: ۳/۹۷.

(۳) احزاب/ ۲۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۷۳

در آورد.» (۱)

اما اول این روایت با آخرش متفاوت است و آن قسمت ساختگی است و دلیل بر مجعول بودن آن:

اولاً- آن بانو، یعنی مادر امام علیه السلام در ایام زایمان از دنیا رفت و این مطلب را تمام مورخان و راویان نقل کرده‌اند و ما نیز در صفحات گذشته به مصادر آن در پاورقی اشاره کردیم.

دوم، این که امام ابو الحسن الرضا علیه السلام در حدیث خود این مطلب را به سهل بن قاسم نوشجانی بصراحت فرموده است، وی- یعنی مادر امام علی بن حسین علیهما السلام- در دوران زایمان از دنیا رفت و او را یکی از کنیزان پدرش تکفل کرد که مردم او را مادر امام می‌خواندند در صورتی که کنیز امام بود و آنها تصور کردند که امام علیه السلام، بعدها مادر خودش را به همسری غلامش در آورد! پناه به خدا! بلکه امام (ع) این زن را- کنیزی که متکفل او بود- به آن غلام تزویج کرد. سهل می‌گوید: کسی از

جویندگان در خراسان نماند مگر این که این سخن امام رضا علیه السلام را نوشت. «۲»
این روایت مطلقاً اساس درستی ندارد و اما آزادسازی امام علیه السلام یکی از کنیزانش را و ازدواج کردن با او، کاری است که با روح اسلام و راهنماییهای آن موافقت دارد و هیچ مانعی هم وجود ندارد.

(۱)

امام (ع) با والدینش

امام زین العابدین علیه السلام به پدر و مادری که او را تربیت کردند از

(۱) البداية و النهاية: ۱۰۸/۹.

(۲) عیون اخبار الرضا: ص ۲۷۰.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۷۴

همه بیشتر نیکی می‌کرد و بال محبت و رحمت را در برابر آنها می‌گسترده و هیچ نیکی و خدمتی نماند مگر این که تقدیم ایشان نمود و از جمله نیکیهای مهمی که نسبت به پدر بزرگوارش ابراز داشت این بود که در روز عاشورا از عمه‌اش زینب قهرمان کربلا، خواست که عصا و شمشیرش را به او بدهد، تا به عصا تکیه دهد و با شمشیر از پدرش دفاع کند در حالی که بیماری او را از پا در آورده بود و نمی‌توانست یک قدم روی زمین راه برود اما عمه‌اش او را از این کار بازداشت تا مبادا ذریه پیامبر (ص) قطع شود، بنا بر این چه نیکی از این بالاتر می‌شود؟ و از جمله خدمات آن حضرت به پدر بزرگوارش آن بود که پس از شهادتش به پرداخت انبوه وامهایی اقدام کرد که پدرش به مستمندان و محرومان انفاق کرده بود ... و از جمله نیکیهای وی به والدینش دعا برای آنهاست.

(۱)

دعای امام به والدین

اما دعای امام زین العابدین علیه السلام برای والدینش که از درخشانترین قوانین تربیت اسلامی است که به منظور اصلاح خانواده و سعادت‌مندی آنان و گسترش محبت و احترام بین افراد خانواده مقرر شده است. طبیعی است که اگر خانواده اصلاح شود تمام جامعه اصلاح شده است، همچنین اگر خانواده فاسد باشد تمام جامعه فاسد می‌شود، زیرا که خانواده ماده اصلی در بنا و ساختار اجتماعی است. در ذیل عین عبارت این نوشتار زرین از دعای امام را می‌آوریم:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ، وَرَسُولِكَ وَاهْلِ بَيْتِ الطَّاهِرِينَ، وَاخْصِصْهُمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبِرِكَاتِكَ، وَسَلَامِكَ وَ

اخْصِصْ اللَّهُمَّ وَالِدِي بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ، وَالصَّلَاةَ مِنْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ...

«خداوندا بر محمد بنده خاص و رسول گرامی‌ات و خاندان پاکش، درود

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۷۵

بفرست و آنان را به بهترین درود و رحمت و برکات و سلامت مخصوص گردان، و والدین مرا هم با بهترین کرامت خود و درود ویژه خود مورد لطف خاص قرار ده، ای بخشنده‌ترین بخشاینده‌گان.»

(۱) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَالْهَمْنِي عِلْمَ مَا يَجِبُ لَهَا عَلَى الْهَامَا، وَاجْمَعْ لِي عِلْمَ ذَلِكَ كُلَّهُ تَمَامًا، ثُمَّ اسْتَعْمَلْنِي بِمَا تَلْهَمْنِي مِنْهُ، وَوَقِّنِي لِلتَّفُؤُذِ فِي مَا تَبْصُرْنِي مِنْ عِلْمِهِ، حَتَّى لَا يَفُوتَنِي اسْتِعْمَالُ شَيْءٍ عِلْمْتِيهِ، وَلَا تَثْقُلَ أَرْكَانِي عَنِ الْحَفُوفِ فِي مَا الْهَمْتِيهِ ...

(۱) «خداوندا بازهم بر محمد و آلش درود فرست، و مرا با لطف الهام خود به تمام حقوقی که والدینم به گردن من دارند آگاه ساز، و مرا به انجام همان وظایفی مشغول ساز که به من الهام می‌فرمایی، و مرا توفیق ده که مشتاقانه مطابق همان آگاهی خود عمل کنم تا هیچ یک از حقوق آنان در گردنم باقی نماند، اعضا و جوارح مرا در انجام تکالیف پدر و مادرم که به من الهام می‌کنی سنگین مفرما.»

این کلمات نورانی آداب والا و اخلاق بلند امام علیه السلام و بزرگداشت آن حضرت را نسبت به والدینش تجسم می‌بخشد، آری امام علیه السلام از خداوند درخواست می‌کند تا والدینش را به فضل و کرامت خود مخصوص گرداند و از حقوق واجبه‌ای که به گردن او دارند آگاه سازد تا آنها را ادا کند سنگینی آن موجب نگردد که از ادای آن بازماند. اینک به بخش دیگری از دعای امام علیه السلام گوش فرا می‌دهیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا أَوْجِبْتَ لَنَا الْحَقَّ عَلَى الْخَلْقِ بِسَبَبِهِ ...
«پروردگارا بر محمد و آلش درود فرست چنان که ما را بدان شرف و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۷۶

افتخار بخشیدی و بر محمد و آلش درود فرست که به وسیله او ما را امام واجب الطاعة بر خلائق قرار دادی.»

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابَهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعُسُوفِ، وَ أَبْرَهُمَا بَرَّ الْأُمِّ الرَّؤُوفِ، وَ اجْعَلْ طَاعَتِي لَوَالِدَيْ، وَ بَرِّي بِهِمَا أَقْرَبَ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدَةِ الْوَسْنَانِ، وَ اثْلَجْ لَصَدْرِي مِنْ شَرْبِهِ الظَّمآنَ حَتَّى أُوَثِّرَ عَلَى هَوَايَ هَوَاهُمَا، وَ اقْدِمْ عَلَيَّ رِضَايَ رِضَاهُمَا، وَ اسْتَكْثِرْ بَرَّهُمَا بِي وَ انْ قَلِّ، وَ اسْتَقَلِّ بَرِّي بِهِمَا وَ انْ كَثُرْ ...

«خداوندا! هیبت و جلال پدر و مادرم را در نظرم چون هیبت پادشاه جبار جلوه گر ساز و مهر و رأفت آنها را مانند مادر بسیار مهربان، و اطاعت و نیکی به ایشان را در دیده‌ام از علاقه مریض زکام به خواب، روشن‌بخش‌تر و نشاط‌افزاتر و در دلم از آب گوارا برای تشنگان گواراتر قرار ده تا بتوانم خواست آنها را بر خواست خودم و خشنودی آنان را بر خشنودی خودم مقدم دارم، و احسان و لطف آنها را- اگر چه اندک باشد- زیاد، و نیکی خودم را نسبت به آنها- اگر چه زیاد باشد- اندک بشمارم.»

(۱) در دنیا هیچ نیکی و احسانی درباره والدین آن چنان که امام علیه السلام در این فرازها نسبت به پدر و مادرش بیان کرده، وجود ندارد؛ از خدای متعال درخواست کرده است که هر چه بیشتر بر آنها هیبت و جلال دهد تا فرمان آنان را ببرد و از فرمان ایشان مخالفت نکند و بداند همچون مادر مهربانی نسبت به فرزندش نیکی کند و خواسته آنها را به خواسته خودش ترجیح دهد و خشنودی آنان را بر خشنودی خویش مقدم بدارد و از نیکی و احسانی که نسبت به او روا می‌دارند، سپاسگزاری کند و هر خوبی که به آنها می‌کند ناچیز شمارد. طبیعی است که چنین آدابی از طرف فرزندان نسبت به پدران از چیزهایی است که باعث از یاد بردن سختیهای زندگی و مشکلات پیری می‌گردد، همچنان که باعث خوشبختی خانواده و درخشش زندگی اجتماعی می‌شود. دوباره بر می‌گردیم به

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۷۷

(۱) نقل فرازهای پر نور دیگری از دعای امام علیه السلام برای والدینش:

اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِي وَ اطْبِ لَهُمَا كَلَامِي وَ الزِّنْ لَهُمَا عَرِيكَتِي وَ اعْطِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِي، وَ صَيِّرْنِي بِهِمَا رَفِيقًا، وَ عَلَيْهِمَا شَفِيقًا، اللَّهُمَّ اشْكُرْ لَهُمَا تَرْبِيَّتِي، وَ اثْبِتْهُمَا عَلَيَّ تَكْرَمَتِي، وَ احْفَظْ لَهُمَا مَا حَفِظَاهُ مِنِّي فِي صَغُرِي، اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهَمَا مِنِّي مِنْ اِذِي اَوْ خَلَصَ إِلَيْهِمَا عَنِّي مِنْ مَكْرُوهِ اَوْضَاعِ قَلْبِي لَهُمَا مِنْ حَقِّ فَاجِعِهِ حَطَّةً لِدُنُوبِهِمَا، وَ عَلَوْا فِي دَرَجَاتِهِمَا وَ زِيَادَةً فِي حَسَنَاتِهِمَا، يَا مَبْدُلَ السَّيِّئَاتِ بِاَضْعَافِهَا مِنْ الْحَسَنَاتِ ...

«پروردگارا به من توفیق بده که هیچ‌گاه با صدای بلند و خشن با ایشان سخن نگویم بلکه با صدای آرام و متواضعانه با آنان صحبت

کنم. و تمام اخلاق و رفتار مرا نسبت به ایشان در نظر آنها نیکو و دلپسند و قلب مرا نسبت به آنان رءوف و مهربان کن و چنان کن که خود را رفیق و شفیق آنان بدانم و در عوض زحماتی که برای تربیت من کشیده‌اند به آنان جزای نیکو مرحمت فرما و همچنین اجر و ثواب دو دنیا را به ایشان کرامت کن، و پاداش آن همه زحمتهای را که در دوران کودکیم برای نگهداری و تربیت و حفظ سلامتی من کشیده‌اند، آنان را مشمول دعایت فرما! خداوندا آنچه که از من بر ایشان آزار و اذیت رسیده و یا حقی بر گردن من دارند که دانسته یا ندانسته آنها را ضایع کرده‌ام تو از لطف و کرمات اینها را وسیله بخشش گناهانشان قرار ده و چون تو خداوند بخشنده‌ای که گناهان مخلوق را به چندین برابر حسنات و ثواب مبدل می‌کنی، آنها را وسیله علو درجات و افزونی حسنات ایشان قرار ده.»

این بند از دعای امام علیه السلام، آداب اهل بیت علیهم السلام و اهمیت تربیت ایشان را تجسم می‌بخشد. امام علیه السلام در این فرازاها به آنچه قبلا از

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۷۸

حقوق پدر و مادر بیان کرده بود، حقوق دیگری را افزوده است که عبارتند از:

۱- فرزند باید در حضور پدر و مادر صدایش را آرام کرده و با آنها بلند حرف نزند.

۲- اخلاق و رفتار دلپسند بوده و با ایشان با درشتی و تندی برخورد نکند.

۳- دلش نسبت به ایشان از مهر و محبت و رأفت آکنده باشد.

۴- به خاطر نیکبختیها و محبتها که در دوران خردسالی کشیده‌اند- در آن حال که او سخت نیازمند به مراقبت و تربیت ایشان بوده است- برای آنها طلب مغفرت و آمرزش کند.

۵- از خداوند به خاطر اذیت و آزاری که به ایشان رسانیده و یا باعث نارضایتی آنها شده و یا در ادای حقوق آنان کوتاهی نموده است، درخواست کند تا اجر و ثواب فراوان مقرر فرماید. در عالم تربیت، نمونه‌ای از این آداب که باعث افتخار انسانند و زندگی آدمی را روشن می‌سازند، وجود ندارد و دوباره به بند دیگری از سخنان امام علیه السلام گوش فرا می‌دهیم:

(۱) اللَّهُمَّ و ما تعدّیا علیّی فیه من قول او اسرفا علیّی فیه من فعل، او ضیعاه لی من حقّ، او قصّرا بی عنه واجب فقد وهبته لهما، وجدت به علیهما، و رغبت الیک فی وضع تبعته عنهما، فأنّی لا أتھمهما علی نفسی، و لا استبطنهما فی برّی، و لا أکره ما تولّیاه من امری یا ربّ، فهما أوجب حقّما علیّی، و اقدم احسانا الّیّ، و اعظم منّهُ لدیّ من ان اقاصیهما بعدل او اجازیهما علی مثل، این اذا یا الهی طول شغلها بتربیتی؟! و این شدّه تعبهما فی حراستی؟! و این اقتارهما علی انفسهما للتوسعه علیّی؟! هیات ما یستوفیان منّی حقّهما، و لا أدرك ما یجب علیّی لهما، و لا انا بقاض وظيفه خدمتهما ... فصل علی محمّد

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۷۹

و آله، و اعنی یا خیر من استعین به، و وفّقنی یا اهدی من رغب الیه، و لا- تجعلنی فی اهل العقوق للآباء و الامهات یوم تجزی کلّ نفس بما کسبت و هم لا یظلمون ...

«خداوندا! آنچه را که پدر و مادرم در گفتارشان نسبت به من تعدی کرده‌اند و یا در تربیت من در مقام عمل و مراقبت کوتاهی نموده‌اند و یا حقی از حقوق مرا ضایع کرده‌اند و یا حق واجبی را که تو بر آنها واجب و مقرر کرده بودی بطور کامل ادا نموده‌اند، از همه آنها گذشتم و از تو هم برای محو گناهان ایشان با شوق و علاقه طلب مغفرت می‌کنم، زیرا که من تصور نمی‌کنم، آنها در حق من کوتاهی کرده باشند، و در تمام مدتی که عهده‌دار امور من بوده‌اند هیچ کدام از کارهای آنان به نظر من ناپسند نمی‌آید، وانگهی در نظر تو حقوق والدینم بزرگتر از حقوقی است من به آنها دارم، بنا بر این اگر غفلی از آنان درباره من شده باشد باز هم حق آنها بیشتر و بالاتر از آن است که من به اندازه جبران کنم و یا نظیر حق آنان را ادا نمایم، پروردگارا کجا ممکن است آن همه

رنج و گرفتاری که آنها درباره تربیت من متحمل شدند و یا سختی‌هایی که در راه مراقبت و نگهداری من دیدند، تلافی کنم؟ هیئات که من بتوانم حق آنها را ادا کنم و نمی‌توانم حقوق واجبی را که بر من دارند و وظیفه خدمتی که نسبت به آنان دارم ادا کنم.

بنا بر این خداوند! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا در ادای کامل حقوق والدینم و رضایت خاطر ایشان یاری و موفق کن، ای که بهترین یاری کننده‌ای و هر که به سوی تو راغب شد بهترین هدایت کننده‌ای، مرا از کسانی که عاق والدین اند قرار مده، در آن روزی که هر کس باید سزای کار خوب و بد خود را ببیند و تو در آن روز درباره هیچ کس ستم روا نمی‌داری.»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۸۰

(۱) برآستی این تربیت آسمانی، نسیمی از روح خداست، تا آن که تجسمی باشد برای امتهای و ملت‌ها برای رسیدن به ارزش‌های والای انسانی و ارتقای به مقام عالم ملکوت ... حقا که این امام و مربی انسانها تا آنجا مطلب را شکافته و بر فرزندان لازم دانسته است که اولاد می‌باید نسبت به تعدی در گفتار و یا تندروری در رفتار و یا کوتاهی در مقدار لازم از مراقبت و تربیت پدران، در گذرند و به پاداش تربیت و عنایت و احسان ایشان آنها را ببخشند زیرا هر چند فرزند نیکوکار باشد و نسبت به ایشان خدمت کند، نمی‌تواند بیش از اندکی از وظایف واجبش را انجام دهد و حقوقی را که به گردن دارد ادا کند. باز گردیم به آخرین بند از دعای امام علیه السلام و گوش فرا می‌دهیم:

(۲) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، وَاخْصِصْ أَبُوِيْ بِأَفْضَلِ مَا خَصَّصْتَ بِهٖ آبَاءَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ، وَامَّهَاتِهِمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ لَا تَسْنِي ذِكْرَهُمَا فِي أَدْبَارِ صَلَوَاتِي، وَفِي آتِيٍّ مِنْ أَنْاءِ لَيْلِي، وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ نَهَارِي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ لِي بَدْعَائِي لَهُمَا، وَاغْفِرْ لَهُمَا بِبِرِّهِمَا بِي مَغْفِرَةً حَتْمًا، وَارْضَ عَنْهُمَا بِشَفَاعَتِي لَهُمَا رِضَى عِزْمًا، وَبَلِّغْهُمَا بِالْكَرَامَةِ مَوَاطِنَ السَّلَامَةِ. اللَّهُمَّ وَانْ سَبَقْتَ مَغْفِرَتَكَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِيَّ، وَانْ سَبَقْتَ مَغْفِرَتَكَ لِي فَشَفِّعْنِي فِيهِمَا حَتَّى نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ كِرَامَتِكَ، وَمَحَلِّ مَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ أَنْتَكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَالْمَنَّ الْقَدِيمِ، وَانْتَ أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.» تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام ج ۱

۸۰ دعای امام به والدین ص: ۷۴

خداوندا بر محمد و اهل بیت عصمت و ذریه پاکش درود فرست، و به پدر و مادر من، بهترین عطایایی که پدران و مادران بندگان مؤمن را مخصوص گردانیده‌ای مرحمت کن ای بخشنده‌ترین بخشاینده گان.

خداوندا! پشت سر هر نماز و در ساعاتی از اوقات شب و در هر لحظه‌ای از لحظات روزانه‌ام، آنان را از خاطر من مبر. خداوندا بر محمد و آل محمد

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۸۱

درود فرست و این دعایی را که در حق آنها می‌کنم موجب آموزش ایشان قرار ده، و به خاطر احسانی که به من کرده‌اند مغفرت و رحمت خودت را شامل حال ایشان بفرما! و با این شفاعت و درخواست من رضایت حتمی از آنان داشته باش و با لطف جاودانه‌ات آنها را به سر منزل سلامت و عافیت دنیا و آخرت برسان. خداوندا! اگر مغفرت و رحمت تو در روز ازل بر آنها تعلق گرفته است، پس گناهان مرا به خاطر شفاعت آنان ببخش و اگر از روز ازل مغفرت تو شامل حال من بوده است پس آنها را با شفاعت من مورد لطف خود قرار ده تا این که در عالم آخرت در اثر عنایت تو در سرای کرامت و جایگاه مغفرت و رحمت تو (بهشت برین) با هم و در کنار هم باشیم، زیرا تو خداوند صاحب فضل بی‌پایان و احسان قدیمی و تو مهربانترین مهربانانی.» (۱)

(۱) برآستی که انسان تا به این مرحله از اخلاق بلند می‌رسد و به این مرتبه از تشخص اخلاقی می‌رسد که مقصدش جامعه کمال یافته متحد، در سایه محبت و الفت و احترام متقابل است بویژه در زندگی خانوادگی که تهذیب فرد و بنای شخصیت وی از آنجا نشأت می‌گیرد.

امام علیه السلام در این فرازهای آخر از دعا از خداوند درخواست کرده تا پدر و مادرش را مشمول آمرزش و رضوان خود سازد و به برکت دعای برایشان، آنان را ببخشد و به خاطر احسانی که به او کرده‌اند آنان را بیامرزد، راستی کدام محبت و رحمت به پدر و مادر نظیر این در جهان یافت می‌شود؟

(۱) صحیفه سجاده: دعای بیست و چهارم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۸۲

(۱)

امام علیه السلام با پسرانش

اما رفتار امام زین العابدین علیه السلام با فرزندانش چنان است که، به امتیاز تربیت والای اسلامی آنان ممتاز است، زیرا در دل‌های آنان نهال خصلت‌های نیک را غرس کرده و آنان را با هدف‌های والای اصلاحی آراسته نموده است تا بدان جا که به حکمت تربیت آن حضرت از چهره‌های درخشان رجال متفکر و دانشمند و فرزندان اسلام گردیدند؛ فرزندش امام محمد باقر علیه السلام از مشهورترین رهبران اسلام و از دانشمندترین آنهاست؛ وی صاحب مدرسه فقهی بزرگ است که از آنجا فقها و دانشمندان بزرگی امثال ابان بن تغلب و زرارۀ بن اعین و دیگر از روشنگران فضای زندگی معنوی جهان اسلام بیرون آمدند. و اما پسرش عبد الله باهر، از برجسته‌ترین علمای اسلام در فضیلت و مرتبه علمی بوده است، وی علوم زیادی را از پدر بزرگوارش نقل کرده است. «۱» و دیگر مردمان از قول او این علوم و مسائل را نوشته‌اند. اما پسر دیگر امام، جناب زید که از بزرگترین دانشمندان اسلام بوده و در علوم زیادی، مانند علم فقه، حدیث، تفسیر، کلام و دیگر علوم تخصصی داشته است و او بود که حقوق ستم‌دیدگان و محرومان را بنیان نهاد و در راه مبارزه آنان را رهبری کرد؛ در انقلاب جاودانه‌اش که آوازه‌سیاسیش در تمام جامعه بزرگ اسلامی پیچید و اثر مثبت و فعالی در نابود ساختن حکومت بنی امیه گذاشت.

به هر حال ما بطور اختصار به برخی از جهات رفتار و سلوک امام علیه السلام با پسرانش را بیان می‌کنیم:

(۱) غایه الاختصار: ص ۱۰۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۸۳

(۱)

وصایای امام به پسرانش

امام زین العابدین علیه السلام با برخی از سفارش‌های تربیتی خود که خلاصه تجربیات دوران زندگی آن حضرت می‌باشد ایشان را بهره‌مند ساخته است تا فرا راه زندگی آنها باشد و بر اساس آن حرکت کنند، که ما در ذیل به برخی از آن سفارش‌ها اشاره می‌کنیم:

(۲) ۱- امام علیه السلام به یکی از پسرانش به گونه‌ای سفارش می‌کند که بر همه دوستان و یاران پرتو افکنده و اجتناب از هر کسی که دارای خصلت‌های ناپسند است - از بیم آن که مبدا تجاوز و پلیدی از او به دوستانش سرایت کند - گوشزد می‌نماید و اینک عین عبارت امام:

«یا بنی انظر خمسة فلا تصاحبهم، ولا تحادثهم، ولا ترافقهم فی طریق، فقال له ولده: من هم؟ قال (ع) ایاک و مصاحبة الکذاب فإنه بمنزلة السراب یقرب لک البعید، و یبعّد لک القریب، و ایاک و مصاحبة الفاسق فإنه بایعک بأکله أو أقلّ من ذلک، و ایاک و

مصاحبه البخیل فإنه یخذلک فی ماله، و أنت أحوج ما تكون إليه، و إیاک و مصاحبه الأحمق فإنه یرید أن ینفعک فیضرک، و إیاک و مصاحبه القاطع لرحمه فإنی وجدته ملعونا فی کتاب الله...» (۱)

«- پسر عزیزم! پنج کس را در نظر داشته باش و با آنان همنشینی مکن و همصحبت و رفیق راه مشو! عرض کرد: آنها چه کسانی هستند؟ فرمود:

زنهار که با دروغگو همنشین شوی زیرا دروغگو چون سراب است، دور را نزدیک می‌نماید و نزدیک را دور. و مبادا با فاسق و بدکار همنشین شوی که تو را به یک لقمه و یا کمتر بفروشد. و مبادا با بخیل مصاحبت کنی

(۱) تحف العقول: ص ۲۷۹، البدایة و النّهایة: ۱۰۵/۹، وسائل الشیعه.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۸۴

که او تو را در وقت حاجت و اگذار. و زنهار از رفاقت با احمق که او به گمان خود می‌خواهد به تو سود رساند، زیان می‌رساند. و زنهار از مصاحبت با قاطع رحم که من او را در کتاب خدا (قرآن مجید) ملعون یافتم.»

(۱) ۲- از جمله وصایای بلند امام به پسرانش این وصیت است که محتوای عمیقی را در بر دارد، و مشتمل بر وصایای مهمی می‌باشد با این عبارت:

«یا بنی اصبر علی النائبة، و لا تتعرض للحقوق، و لا تجب أخاک إلی شیء مضرته علیک اعظم من منفعتک لک...» (۱)

«پسر من در برابر مصیبت بردبار باش، به حقوق دیگران تجاوز مکن و درخواست برادر مسلمانان را در موردی که زیانش برای تو بیش از منفعت آن است مپذیر.»

امام حکیم علیه السلام فرزندش را به استقامت و صبر در برابر مصائب و رویدادهایی که بر او وارد می‌شود و پایداری در برابر آنها سفارش کرده است زیرا که این خصلت از اموری است که به حفظ شخصیت و صلابت و استواری آن می‌انجامد، همان طور که به تعدی و تجاوز نکردن به حقوق مردم سفارش فرموده است زیرا این روش برای سلامت شخص اطمینان‌بخش‌تر است تا تجاوز به دیگران و مقابله به مثل، و همچنین سفارش کرده است که درخواست دوست را که زیانش بیش از منفعت آن است نباید پذیرفت.

(۲) ۳- از جمله وصایای امام علیه السلام به یکی از فرزندانش، این وصیت ارزشمند است که می‌فرماید:

«یا بنی إن الله لم یرضک لی فأوصاک بی، و رضینی لک فحذرنی

(۱) البیان و التبین: ۷۶/۲، عقد الفرید: ۸۸/۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۸۵

منک، و اعلم أن خیر الآباء للابناء من لم تدعه المودة إلی التفریط فیه، و خیر الابناء للآباء من لم یدعه التقصیر إلی العقوق له...» (۱)

«پسر من، خدای تعالی تو را نسبت به من راضی ندیده است از این رو (محبت) مرا به تو سفارش کرده و محبت و رضای مرا نسبت به تو ملاحظه فرموده است بدین جهت مرا از تو بر حذر داشته، بدان که بهترین پدران نسبت به پسران کسی است که محبت فرزند او را از وظیفه‌اش باز ندارد و بهترین پسران برای پدران فرزندی است که محبت پدر باعث تقصیر او از وظیفه و در نتیجه عاق شدن او نگردد.»

(۱) این وصیت، مشتمل بر نکات ارزنده ذیل است:

الف- فرزندان در اعماق دلشان، آن محبتی که پدران نسبت به آنها دارند، آنها نسبت به پدرانشان ندارند، از این رو خدای تعالی در آیات زیادی از قرآن مجید تأکید بر ضرورت رعایت و اطاعت از ایشان را فرموده است.

ب- خدای تعالی به پدران هشدار داده است که مبادا پسرانشان منشأ فتنه و بدبختی ایشان گردند.

ج- آن تربیتی مؤثر است که پدران در محبت و علاقه به فرزندان راه افراط را بپیمایند که این خود یکی از عوامل بی‌بنیادی شخصیت کودک می‌گردد و باعث می‌شود که کودک در برابر رویدادها توانایی ایستادگی و استواری را نداشته باشد که دانشمندان علوم تربیت و روان‌شناسی بر این مطلب سخت تأکید کرده‌اند.

د- بهترین پسران آنهایی هستند که به خدمت و احسان بر پدران کمر بسته‌اند و بدین وسیله از حدود تقصیر و عاق شدن پرهیز کرده‌اند.

۴- از جمله وصایای گرانقدر امام علیه السلام، این وصیت است که تنها

(۱) عقد الفرید: ۸۹ / ۳

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۸۶

به پسرش امام باقر علیه السلام فرموده و او را از مصاحبت احمق و نادان بر حذر داشته است و در این وصیت چنین آمده است:

(۱) «یا بنی ایماک من مصاحبه الأحمق أو تخالطه، و اهجره، و لا تحادثه فإن الأحمق هجنه عیاب، غایب کان أو حاضر، إن تکلم فضحه حمقه، و إن سکت قصر به عیه، و إن عمل أفسد، و إن استرعی اضاع، لا علمه من نفسه یغنیه، و لا علم غیره ینفعه، و لا یطیع ناصحه، و لا یستریح مقارنه، تود أمه أنها ثکلته، و امرأته انها فقدته، و جاره بعد داره، و جلیسه الوحده من مجالسته، إن کان اصغر من فی المجلس أعنی من فوقه، و إن کان أكبرهم أفسد من دونه ...» (۱)

«پسر! از دوستی و همنشینی با احمق پرهیز و با او معاشرت مکن و از او دوری کن و هم صحبت مشو، زیرا که احمق در حضور و غیاب در پی عیبجویی است؛ اگر سخن بگوید، نادانیش او را رسوا کند و اگر سکوت کند ناتوانیش در گفتار او را ناچیز جلوه دهد و اگر کاری انجام دهد آن کار را تباه و ضایع سازد، و اگر مسئولیتی را بر عهده گیرد آن را به تباهی کشد، دانش او باعث بی‌نیازیش نشود و دانش دیگران هم به وی سودی نرساند، نصیحت ناصحان را نپذیرد و دوستش از دست او در آسایش نباشد، مادرش (به خاطر نارضایتی از رفتار او) دوست دارد (تا او بمیرد) و در عزایش بنشیند، و همسرش مایل است چنان شوهری را نداشته باشد و همسایه‌اش می‌خواهد از او دور باشد، و دوستش تنهایی را بر همنشینی با او ترجیح می‌دهد، اگر در مجلسی از دیگران کوچکتر است دیگران را ناراحت کند و اگر از اهل مجلس بزرگتر است (با گفتار و رفتار ناپسندش) آنها را فاسد گرداند.»

امام علیه السلام در این سفارش به ضرورت دوری جستن از احمق تأکید

(۱) وسائل الشیعه: ۴۲۱ / ۵

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۸۷

کرده است بدین جهت که در ارتباط با او بدیها و خلفهای چند برابری است که به نکبت و بیچارگی می‌انجامد و در ضمن عیبا و کاستیهای احمق را نیز بیان کرده است.

(۱) ۵- از جمله وصایای بلند امام علیه السلام این وصیت است که پسرانش را نصیحت فرموده است:

«جالسوا أهل الدین و المعرفة، فإن لم تقدروا علیهم فالوحده أنس و اسلم فإن ایتم إلا مجالسه الناس فجالسوا أهل المروءات فإنهم لا یزمتون فی مجالسهم ...» (۱)

«با دینداران و اهل معرفت همنشینی کنید و اگر به آنها دسترسی نداشتید تنها بودن برای شما بهتر و سالم‌تر است و اگر چاره‌ای نداشتید مگر این که با مردم همنشین شوید در آن صورت با جوانمردان همنشینی کنید که آنان در مجالس خود چیزی را تحمیل

نمی‌کنند.»

این بود برخی از سفارش‌های تربیتی امام علیه السلام به پسرانش که در این سفارش‌ها راه‌های درست را برای سلوک و رفتار ایشان در زندگی این دنیا نشان داده است.

(۲)

دعای امام علیه السلام به پسرانش

اما دعای امام درباره پسرانش، در نهایت شکوه و جلال است، درباره رفتار دلپذیر امام علیه السلام با ایشان و آداب والا و مکارم اخلاقی که برای ایشان آرزو داشت، مطالبی را نقل کرده‌اند که ما باید گوش فرا دهیم و توجه کنیم که آنها از گرانبهاترین سرمایه‌های تربیت اسلامی می‌باشند، از جمله می‌گوید:

(۱) رجال کشی: ص ۴۱۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۸۸

(۱) «اللَّهُمَّ وَ مَنْ عَلِيَ ببقاءِ و لدی، و یا صلاحهم لی، و بامتاعی بهم، الهی امدد لی فی اعمارهم، و زد لی فی آجالهم، و ربّ لی صغیرهم، و قوّ لی ضعیفهم، و اصحّ لی ابدانهم و ادیانهم و اخلاقهم، و عافهم فی انفسهم، و فی جوارحهم، و فی کلّ ما غنیت به من امرهم، و ادرر لی، و علی یدئی ارزاقهم، و اجعلهم ابرارا اتقیاء بصراء سامعین، مطیعین لک و لأولیائک محبّین مناصحین، و لجمیع اعدائک معاندین و مبغضین آمین ...

«خداوندا! با دادن عمری طولانی به فرزندانم و صالح قرار دادن ایشان برایم و بهره‌مند ساختن من از ایشان به من منت بگذار. خدایا به خاطر یاری کردن به من، عمر ایشان را زیاد کن و بر روزگار زندگیشان بیفزا و خردسالانشان را برایم پرورش ده و ضعیفانشان را نیرومند کن و بدنهای آنان و دین و اخلاقشان را قوی گردان، و در جان و اعضای بدنشان و در همه اموری که برای ایشان مهم است عافیت مقرر فرما. خداوندا روزی آنها را که بر عهده من و به وسیله من باید به آنها برسد زیاد کن، و آنان را از نیکان و پرهیزگاران بینا و شنوای حق قرار بده و از مطیعان خود و اولیائت و دوستداران و خیرخواهان گردان تا با دشمنان تو در ستیز بوده و دشمن آنان باشند، آمین ...»

(۲) این فرازهای دعای امام علیه السلام تجسم‌بخش روحانیت امام علیه السلام در روش تربیت کردن فرزندان می‌باشد که تربیت آنان را بر اساس اصلاحی فراگیر و تهنید نامحدود استوار کرده است و مطالب زیر را برای آنان خواسته است:

الف- خداوند با دادن عمری طولانی بر ایشان و صالح قرار دادن آنان تا باعث روشنی چشمش گردند منت گذارد.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۸۹

ب- خداوند بر آنان احسان کند و به وسیله تندرستی و سلامتی جسم و جان و دین و اخلاقشان مورد لطف قرار دهد.

ج- جانها و ارواح آنان را عافیت بخشد و این کار را به وسیله پاک کردن ایشان از رذایل اخلاقی و گناهان انجام دهد.

د- خداوند بر اعضای بدن ایشان عافیت مرحمت کند تا به بیماری و آفت جسمانی که باعث از کار افتادن آنهاست مبتلا نگردند.

ه- خداوند روزی را بر امام و فرزندان ارزانی بدارد و تلخی فقر و تنگدستی را بر ایشان نچشانند که از بدترین و نکبت‌آورترین مصیبت‌هاست.

و- خداوند بر آنچه رضای اوست، آنان را وادارد و ایشان را از کسانی قرار دهد که به سوی نیکبها می‌شتابند و به دستور خداوند متعال عمل می‌کنند.

ز- خداوند محبت دوستانش را بر دل آنها اندازد و آنها را دشمن دشمنان خود قرار دهد.

این توجه است که باعث همبستگی و انسجام خانواده می‌گردد، وقتی که فرزند بر این روش از اخلاق والا تربیت شد، نور چشم پدر می‌گردد.

و اینک به بخش دیگری از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

(۱) اللَّهُمَّ اشدد بهم عضدی، و اقم بهم أودی، و کثر بهم عددی، و زین بهم محضری، و أحي بهم ذکری، و اکفنی بهم فی غیبتی، و اعنی بهم علی حاجتی و اجعلهم لی محبّین، و علیّ حدیین مقبلین، مستقیمین لی، مطیعین غیر عاصین، و لا عاقین و لا مخالفین و لا خاطئین، و اعنی علی تربیتهم و تادیبهم و برّهم، و هب لی من لدنک معهم اولادا ذکورا، و اجعل ذلک خیرا لی، و اجعلهم لی عوناً علی ما سألتک، و اعذنی و ذرّیتی من الشّیطان الرّجیم، فانّک خلقتنا و امرتنا و رهبتنا عقابه، و جعلت لنا عدوّا یکیدنا، سلّطته منّا علی ما لم تسلّطنا علیه منه، اسکنته

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۹۰

صدورنا، و اجریته مجاری دمانا لا یغفل ان غفلنا و لا ینسی ان نسینا یؤمننا عقابک، و یخوفنا بغیرک، ان همنا بفاحشه شجعنا علیها، و ان همنا بعمل صالح ثبّطنا عنه، یتعرّض لنا بالشّهوات و ینصب لنا بالشّبهات، ان وعدنا کذبنا، و ان منّا اخلفنا و الاّ تصرف عنّا کیده یضلّنا، و الّا تقنا خباله، یسترلنا اللّهم فاقهر سلطانه عنّا بسلطانک حتّی تحبسه عنّا بکثرة الدّعاء لک فصبح من کیده فی المعصومین بک ...»

«خداوندا! به وسیله آنان قدرت بازوان مرا بیشتر کن و به کمک آنها خرابی امور زندگیم را سامان ده. و شمار خانواده‌ام را با آنها زیادتر کن و انجمنم را با آنها بخش، و به وسیله ایشان نام مرا حفظ کن، و در نبودن من به وسیله ایشان زندگی مرا کفایت کن و آنان را دوستدار من قرار ده، و همواره دلهاشان را به سوی من معطوف فرما، در حالی که مطیع من باشند و سرپیچی نکنند و راه خطا را نپویند و مرا در تأدیب و تربیت و نیکی به حقشان یاری فرما. و افزون بر آن فرزندان ذکور دیگری مرحمت کن و وجود آنان را برای من مایه خیر و برکت قرار ده و ایشان را در راه آنچه از تو درخواست کردم یار و یاور من گردان، خداوندا من و فرزندانم را از شر شیطان رجیم حفظ کن که تو ما را آفریده و به امور نیک فرمان داده‌ای و از کارهای بد نهی کرده‌ای و به پاداش و ثواب ما را راغب ساخته‌ای و با وعده کیفر و عذاب بیم داده‌ای و از طرفی خودت برای ما دشمنانی (از جن و انس) قرار داده‌ای که می‌توانند ما را بفریبند و آنها را- در حالی که ما بر ایشان تسلط نداریم- بر ما مسلط کرده‌ای، به حدی که وارد جان و دل ما شده و همچون خون در رگهای ما بدونند، هر چند ما از آنها غافل باشیم آنها لحظه‌ای غافل نیستند و اگر ما آنها را فراموش کنیم، آنها ما را فراموش نمی‌کنند و ما را از عذاب تو (به فریب)

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۹۱

ایمن می‌سازند ولی در مقابل از عذاب دیگران می‌ترسانند، و اگر ما به کار زشتی گرایش پیدا کنیم آنها به انجام آن تشویق می‌کنند و اگر به سمت کار نیکی برویم ما را با فریب خود به شک و تردید وامی‌دارند و شهوات نفسانی را در نظر ما جلوه می‌دهند و کارهای ناپسند را خوب جلوه گر می‌سازند، هر وعده‌ای که بدهند، دروغ می‌گویند و اگر به چیزی امیدوار سازند از انجام آن سرباز می‌زنند. خداوندا اگر تو مکر و فریب آنها را بازنگردانی، آنها ما را سخت گمراه می‌سازند و اگر تو به رحمت و لطف ما را حفظ نکنی آنها ما را می‌لغزانند و به نابودی می‌کشاند.

خدا! قدرت و غلبه آنها را به قدرت خود مغلوب و مقهور فرما تا با دعای بسیار ما به درگاہت ما را از شر ایشان حفظ کنی و ما به لطف تو از کید دشمن در امان مانیم و از جمله پاکان و معصومان گردیم ...»

(۱) این بخشهای نورانی از دعای امام علیه السلام مشتمل بر دو امر است:

اولاً- امام علیه السلام از خداوند متعال درخواست کرده تا آنچه را که امیدوار است و درباره اولاد پاکش آرزو دارد، عملی سازد و از جمله آرزوها و امیدهای امام درباره اولادش موارد ذیل است:

۱- به وسیله آنان توان بازویش را افزون و نیرومند گرداند، زیرا که فرزند صالح قوت و توان پدر است.

۲- به کمک آنان کجیها و نابسامانیها امور زندگیش را سر و سامان بخشد.

۳- بدان وسیله تعداد خانواده‌اش را زیاد کند، تا خاندانی پرجمعیت و از نظر مردم قابل ملاحظه باشند.

۴- با آنها انجمنش را زینت بخشد که این خود با آداب و اخلاق برجسته ایشان میسر است.

۵- در نبود امام، به وسیله آنان امور زندگیش را بچرخانند و این نیز با

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۹۲

اقدام بر انجام کارها میسر است.

۶- در موارد نیاز به او کمک کنند و تنها نگذارند.

۷- خدای متعال مهر و محبت پدرشان را در دل آنان قرار دهد تا مطیع اوامر او باشند و از نافرمانی او و نارضایی‌اش دوری کنند.

براستی فرزندان اگر به این صفت شایسته آراسته باشند و چنین اخلاصی نسبت به پدرانشان داشته باشند، تمام مشکلات و مصائب دنیا بر آنها هموار می‌شود و در دوران پیری که زمان ضعف و ناتوانی است در رفاه و آسایش خواهند زیست.

(۱) ثانیاً- امام علیه السلام خود و فرزندانش را از شرّ شیطان رجیم که دشمن شماره یک انسان است و آدمی را در منجلاهای بدبختی و معاصی و گناهان می‌افکند به خدا پناه برده است. امام علیه السلام به تسلط شیطان و سیطره او بر انسان اشاره می‌کند و می‌فرماید: که او در اعماق نفوس آدمیان جا گرفته و در تمام زوایای وجودش نفوذ دارد و مطالب دیگری را بیان کرده است، از جمله:

۱- شیطان آدمی را با فریب و نیرنگ به ارتکاب معاصی وامی‌دارد و مجازاتی را که خداوند به بندگان گنهکار وعده داده، آسان وانمود می‌کند همچنان که انسان را از غیر خدا بیمناک می‌سازد بطوری که بیش از آن که از خداوند خوف و خشیت داشته باشد از آنان می‌ترسد.

۲- انسان، وقتی که در پی معصیت برود، شیطان او را نسبت به خدا گستاخ می‌کند و هر چه بیشتر او را به ارتکاب گناه وامی‌دارد تا آنجا که غرق در گناه می‌گرداند.

۳- انسان وقتی که به کار خیر توجه کرد و به آنچه باعث تقرب به خداست همت گمارد، شیطان از او می‌رمد و دلگیر می‌شود تا آن که سرانجام از او دست بر می‌دارد.

۴- شیطان به وسیله شهوت نفسانی انسان را فریب می‌دهد و شهوات را در چشم انسان جلوه‌گر می‌سازد تا این که مطیع و تسلیم آنها شود.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۹۳

۵- شیطان شبهات و اوهام را که باعث دوری انسان از درگاه خدا می‌گردد، در دل آدمی می‌افکند.

(۱) پس از اینها، امام علیه السلام می‌گوید تمام وعده‌های شیطان به آدمیان دروغ و فریب و بی‌اساس است و هیچ گونه واقعییتی ندارد سپس از خداوند درخواست می‌کند تا کید و مکر شیطان را از همه مؤمنان برطرف کند تا این که به دام او گرفتار نشوند ... اکنون به آخرین فراز از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

اللّٰهُمَّ اعْظِنِي كُلَّ سَوْئِي، و اقْضِ لِي حَوَائِجِي، و لا تَمْنَعْنِي الْإِجَابَةَ، و قد ضَمَنْتَهَا لِي و لا تَحْجِبْ دَعَائِي عَنكَ، و قد امرتني به، و امن عليّ بكلّ ما يصلحني في دنياي و آخرتي ما ذكرت منه، و ما نسيت، و اظهرت، و اجعلني في جميع ذلك من المصلحين بسؤالي

ایاک، المنجحين بالطلب اليك غير الممنوعين بالتوكّل عليك المعوّذين بالتعوّذ بك، الزابحين في التجارة عليك المجارين بعزك الموسع عليهم الرزق الحلال من فضلك الواسع بوجودك وكرمك، المعزّين من الدّل بك، و المجارين من الظلم بعدلك، و المعافين من البلاء، برحمتك، و المغنين من الفقر بغناك، و المعصومين من الذنوب و الزّلل و الخطا بتقواك و الموفقين للخير و الرشد و الصواب بطاعتك، و المحال بينهم و بين الذنوب بقدرتك، الثاركين لكلّ معصيتك، الساكنين في جوارك، اللهم اعطنا جميع ذلك بتوفيقك و رحمتك، و اعذنا من عذاب السّعير، و اعط جميع المسلمين و المسلمات، و المؤمنين و المؤمنات مثل الذي سألتك لنفسی و لولدی، فی عاجل الدنيا و آجل الآخرة، أنّك قريب

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۹۴

مجیب، سمیع علیم، عفو غفور، رءوف رحیم، و آتنا فی الدّنيا حسنة، و فی الآخرة حسنة، و قنا عذاب النار...» (۱)

«خداوندا آنچه را که درخواست کردم، مرحمت کن، و حوائج من را برآورده ساز و از قبول شدن دعایم محروم مگردان، زیرا که خود اجابت دعا را ضمانت کرده‌ای. خداوندا میان من و قبولی دعایم که خود امر فرموده‌ای، حجابی قرار مده، و با اصلاح امور دنیا و آخرت که در دعا، یاد کردم و یا فراموشم شد، به زبان آوردم یا نیاوردم، ظاهر کردم و یا مخفی داشتم بر من منت بگذار و مرا در تمام این موارد از جمله صالحان درخواست کننده قرار بده، از کسانی که با درخواست از پیشگاه تو رستگار شدند و با تو کلی که داشتند از اجابت دعایشان محروم نمانند. و از جمله پناهندگان به درگاهت و کسانی که در معامله با تو سود بردند و نیز از جمله کسانی که از ظلم و ستم ستمگران در امان بوده و در اثر فضل تو روزی وسیع و حلال نصیبشان شده است قرار ده. و مرا در زمره بندگانی قرار ده که در اثر اظهار ذلت و خواری در بندگیت به عزت رسیده‌اند و در سایه عدل تو از هر ظلمی رسته‌اند و به رحمت و لطف تو از هر بلایی نجات یافته و با توسل به غنای ذاتی تو از کابوس فقر رها شده‌اند و در اثر ترس از عذابت از هر لغزش و خطا پاک گشته‌اند و به وسیله اطاعت و بندگیت توفیق کار خیر و صواب نصیبشان شده است و با رحمت خود بین آنها و گناهان فاصله انداخته‌ای بطوری که معاصی را ترک گفته و در جوار رحمت تو آرمیده‌اند. ای خدای مهربان! آنچه را که در این دعا از درگاهت طلبیدم به توفیق و لطفت به من عطا کن و مرا از عذاب آتش دوزخ نگهدار و به همه مردان و زنان مسلمان و با ایمان نظیر آنچه را که من برای خود و فرزندانم درخواست کردم، در دنیا و آخرت مرحمت فرما زیرا که تو به همه کس نزدیک و اجابت کننده

(۱) صحیفه سجادیه: دعای بیست و پنجم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۹۵

دعایی، شنوا و دانا، بخشنده و آمرزنده، مهربان و رءوفی! و در دنیا و آخرت نیکی به ما عطا کن و ما را از آتش جهنم بازدار.»

(۱) درود بر تو ای زین العابدین! به قدری حکمت و فصل الخطاب بر تو ارزانی داشته‌اند که جز به پدران که در قله فصاحت، بلاغت و حکمت در جهان عرب و اسلام قرار دارند، به هیچ کس دیگری نداده‌اند.

امام علیه السلام در این فرازها دعایش از اخلاص فراوان و توجه و طاعت و دلبستگی به خدا و از همه چیز بریدن و به او پیوستن خود پرده برداشته است زیرا که از خداوند درخواست کرده تا آنچه را که خواسته مرحمت کند و تمام حوائجش را برآورد و با اصلاح امور دنیا و آخرتش بر او منت بگذارد و او را از کسانی قرار دهد که هدف از استجاب دعایش اصلاح امور او باشد و بیشتر در درگاه او تذلل کند و خود را به خدایی بسپرد که حقایق همه اشیاء در دست اوست. آنگاه از خدای متعال درخواست کرده تا به همه مردان و زنان مسلمان و مؤمن نظیر آنچه را که به او و فرزندان او در دنیا و آخرت مرحمت کرده است، عنایت کند.

آری امام علیه السلام فرزندان او را نیز با چنین روش راهنمایی و هدایت که تجسم بخش جوهره اسلام و واقع ایمان است تربیت فرموده است از این رو فرزندان آن حضرت از پرهیزگارتترین فرزندان اسلام و در امور دینی از همگان برازنده تر بوده‌اند.

(۲)

امام با بردگانش

امام زین العابدین علیه السلام با بردگان خود با رفق و مدارا و محبت و احسان و همچون پسران خود رفتار می‌کرد و آنها را مشمول نیکی و خیرخواهی و احسان خود قرار می‌داد، بطوری که در سایه محبت آن حضرت به قدری مدارا و تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۹۶

احسان می‌دیدند که در سایه پدرانشان ندیده بودند. راویان اخبار می‌گویند، هرگز آن بزرگوار کنیز یا غلامی را مجازات نکرد حتی اگر مرتکب گناهی هم شده بودند. «۱» امام علیه السلام غلامی داشت، روزی دو مرتبه او را صدا زد، او جواب نداد، مرتبه سوم امام (ع) با لطف و مدارا به او فرمود:

«پسرم! آیا صدای مرا نشنیدی؟» - «چرا شنیدم» - «پس چرا جواب ندادی؟» - «چون می‌دانستم از مجازات در امانم.»

امام علیه السلام با شنیدن این سخن از خانه بیرون شد در حالی که خدا را حمد و سپاس می‌گفت و می‌فرمود:

«سپاس خدای را که برده مرا از من در امان قرار داده است.» «۲»

امام علیه السلام خوش حال بود که سخت دل و ستمگر نیست تا مردم از او بترسند و یا از او بر حذر باشند.

(۱)

امام با همسایگان

امام زین العابدین علیه السلام از همه کس به همسایگانش مهربانتر بود، همواره چنان رعایت حال آنان را می‌کرد که از خانواده خودش رعایت می‌کرد به ضعف و تنگدستان ایشان رسیدگی می‌کرد، از بیمارانشان عیادت می‌فرمود و جنازه مردگانشان را تشییع می‌نمود و هیچ نوع از احسان نبود که نسبت به همسایگان

(۱) بحار الانوار: ۱۰۳/۴۶.

(۲) تاریخ دمشق: ۱۵۵/۳۶.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۹۷

انجام ندهد، حتی در دل شبهای تاریک. چنان که زهری نقل کرده است «۱» برای همسایگان ناتوان و افتاده‌اش آب می‌برد و در تاریخ انسانیت چنین نیکی و نیکوکاری نظیر ندارد.

(۱)

دعای امام برای همسایگان

امام زین العابدین علیه السلام به نیکی و احسان و انواع محبت به همسایگان اکتفا نمی‌کرد بلکه برای آنها دعا می‌کرد و از خداوند برای ایشان توفیق و نیکی و تقوا می‌طلبید همان طوری که برای خود و اعضای خانواده‌اش دعا می‌کرد و این خوبیها را از خداوند مسألت می‌نمود. و براستی همسایگان مورد توجه امام بودند و در دعاهای شریف خود بخصوص آنان را مورد توجه قرار داده و به شرح ذیل به آنها دعا می‌کرد:

(۲) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَوَلَّنِي فِي جِيرَانِي، وَ مَوَالِيَّ وَ الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا، وَ الْمُنَابِذِينَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَ لَائِتِكَ، وَ وَفَّقِهِمْ لِإِقَامَةِ

سنتک، و الأخذ بمحاسن ادبک، فی ارفاق ضعیفهم، و سدّ خلّتهم، و عیاده مریضهم، و هدایه مسترشدهم، و مناصحه مستشیرهم، و تعهد قادمهم، و کتمان اسرارهم، و ستر عوراتهم، و نصره مظلومهم، و حسن مواساتهم بالماعون، و العود علیهم بالجدّه و الإفضال، و اعطاء ما یجب لهم قبل السّؤال ...

«خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و مرا در کمک و مساعدت به همسایگانم و شیعیانی که عارف بر حق ما هستند و از دشمنان ما بیزارند،

(۱) بهجّه الابرار.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۹۸

به لطف خاص خودت موفق بدار و به آنان توفیق عنایت فرما تا سنتهای تو را پابرجا دارند و دستوره‌های نیک تو را با یاری ضعیفان و رفع حوایج آنان و عیادت از بیماران و راهنمایی یکدیگر به خیر و صلاح، بخوبی ادا کنند، و هنگام مشورت، راه حق را به یکدیگر نشان دهند و در مشورت با هم خیانت نکنند و هر کدام که برای حاجتی مراجعه کرد دیگری به تعهد خویش عمل کند و اسرار یکدیگر را فاش نکنند و عیب یکدیگر را بر ملا نسازند و از ستمدیدگان یاری کنند و در وقت کمک به یکدیگر گذشت و مؤاسات کنند، و حاجت هم را پیش از آن که اظهار کنند برآورده سازند.»

امام علیه السلام با این دعاها با برکت، همسایگان خود را مشمول دعای خویش فرموده و بخصوص آنانی را که عارف و مؤمن به حق اهل بیت علیهم السلام هستند که خدای تعالی محبت آنان را فرض کرده و پیامبر خدا- صلی الله علیه و آله- ایشان را کشتیهای نجات و ایمن بندگان خدا و راهنمایان بر طریق رضا و طاعت خدای تعالی دانسته است مورد دعای خاص خود قرار داده است.

(۱) و از جمله در فرازهای دعای امام آمده است:

۱- خداوند آنان را برای برپا داشتن سنت اسلام و احیای واجبات و تعلیمات دینی موفق بدارد.

۲- خداوند ایشان را توفیق دهد و برای کسب محاسن آداب الهی به شرح ذیل، هدایت کند:

الف- به ضعیفان یکدیگر ارفاق و محبت کنند.

ب- برای برآوردن احتیاجات همسایگان خود همت گمارند و در امور دنیوی به ایشان کمک کنند.

ج- هر کدام از برادر دینیش بهنگام بیماری عیادت کند.

د- اگر کسی راهنمایی خواست او را ارشاد و راهنمایی کند.

ه- به کسانی که نظرخواهی و رایزنی می کنند، از نظر خیرخواهانه و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۹۹

نصیحت کامل دریغ نوزد.

و- برادران همسایه که از سفر می آیند، به دیدارشان بشتابند و تجدید دیدار کنند.

ز- اگر کسی از همسایگان راز دلش را به او گفت باید سر او را پوشیده دارد و نزد مردمان فاش نکند.

ح- هر کدام معایب دیگری را ببوشاند و بر ملا- نکند زیرا بر ملا- کردن عیب، باعث هتک حرمت و از میان رفتن کرامت او می گردد.

ط- به کمک و یاری همسایگان ستمدیده بشتابند و آنها را تنها نگذارند زیرا در آن صورت ستمگری گسترش می یابد و عدالت رخت می بندد.

ی- در امور اقتصاد با یکدیگر مواسات کنند و نگذارند که فقر و تنگدستی ضعیفان و تهیدستان را رنج دهد.

ک- با پرداخت کمکهای مالی و برآوردن حاجت نیازمندان پیش از آن که اظهار کنند، به کمک ایشان بشتابند زیرا که درخواست باعث ذلت شخص فقیر می‌گردد.

این بخشهای از دعای امام در حقیقت مهمترین مواد نظام اجتماعی اسلام است که هدفش فراهم آمدن جامعه‌ای در فضای آکنده از محبت و انس و علاقه به یکدیگر است و همچنین تمام عوامل تفرقه و موجبات فساد اجتماعی را از میان می‌برد.

(۱) اینک به بخش دیگری از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

و اجعلنی اللهم اجزی بالإحسان مسیئهم، و اعرض بالتجاوز عن ظالمهم، و استعمل حسن الظنّ فی کافتهم، و اتولّی بالبرّ عامتهم، و اغضّ بصری عنهم عفتة، و الین جانبی لهم تواضعا، و ارقّ علی اهل البلاء منهم رحمة، و اسرّ لهم بالغیب مودة، و احبّ بقاء النعمة عندهم نصحا، و اوجب لهم ما اوجب لحامتی، و ارعی لهم ما ارعی

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۰۰

لخاصّتی، اللهم صلّ علی محمّد و آله، و ارزقنی مثل ذلك منهم و اجعل لی أوفی الحظوظ فی ما عندهم، و زدهم بصیره فی حقّی و معرفة بفضلی حتّی یسعدوا بی، و أسعد بهم آمین ربّ العالمین.» (۱)

«ای خداوند مهربان به من توفیق بده تا بتوانم در مقابل بدی برادران دینی ام احسان کنم و با احسان آنان را از کار بد بازدارم و از ستمی که نسبت به من روا می‌دارند درگذرم، و نسبت به همه آنان خوشبین باشم، و با همه آنان به مهربانی رفتار کنم و چشمم نسبت به همه چیز آنان پاک باشد و رفتارم با همگی نرم و مهربان باشد و درباره آنان متواضع باشم و به آن دسته از همسایگان که به مصیبتی دچار شده‌اند دلسوز باشم و در نبودن ایشان مدافع و دوست آنان بوده و بقای نعمت ایشان را خیرخواهانه از تو مسألت نمایم. و درباره آنان همان محبت و رفتار را داشته باشم که در هنگام ضرورت درباره خانواده ام دارم. خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست و همسایگانم را نسبت به من همان‌طور قرار ده که از درگاهت خواستار شدم، تا من هم از نعمتهایی که در دست آنهاست بهره‌مند شوم.

به آنان بینش بیشتری درباره من و اطلاع از فضیلت من مرحمت فرما تا با استفاده از من خوشبخت گردند و من هم به وسیله ایشان خوشبخت شوم، دعای مرا اجابت فرما ای پروردگار عالمیان!» (۱) براستی مهمترین درخواست امام در این فرازهای دعا، این است که مراحم خود را به ایشان برساند و هر چه بیشتر آنها را مشمول خدمات خویش بفرماید، از جمله موارد زیر است:

۱- به کسی که بدی کرده، در برابر نیکی و احسان کند، تاریشه

(۱) صحیفه سجادیه: دعای بیست و ششم.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۰۱

شرارت را از دل و جان کسی که بدی کرده برکند.

۲- از کسی که به او ستم روا داشته و به حق او تجاوز کرده درگذرد و مقابله به مثل نکند، این همان سیره و رفتار جدش رسول خدا- صلی الله علیه و آله- است که به افرادی که نسبت به آن حضرت ستم کرده بودند کمال گذشت و چشم‌پوشی را داشت.

۳- نسبت به همسایگان خوشبین باشد و به کسی از ایشان سوء ظن نداشته باشد که خوشبینی باعث می‌شود تا مردم با محبت و همدلی و همیاری زندگی کنند.

۴- نسبت به همه همسایگان- چه ضعیف و یا توانمند و چه دشمن و یا دوست- نیکی و احسان فرماید.

۵- از باب تواضع با ایشان به نرمی و مدارا رفتار کند نه آن که تندخو و خشن باشد.

۶- نسبت به کسانی که دچار مصیبتی هستند دلسوز باشد و به ایشان احسان کند و برای آنان دعای خیر نماید.

۷- در اعماق قلبش محبت و رحمت نسبت به همسایگان داشته باشد.

۸- (با وسعت نظر) بقا و دوام نعمت آنان را دوست بدارد.

۹- با ایشان به احسان و نیکی رفتار کند همچون رفتاری که با خویشان و بستگان خود دارد.

۱۰- چنان از ایشان مواظبت کند که از نزدیکان خود مواظبت می‌نماید.

براستی این اخلاق برجسته و بلند که تجسم‌بخش جوهر و واقعیت اسلام است، به گونه مثبتی انسانها را به ساختن جامعه‌ای تکامل یافته و همفکر و با عاطفه دعوت می‌کند.

به هر حال امام علیه السلام پس از آن که این عواطف ارزنده را در برابر همسایگانش ابراز می‌دارد آرزو می‌کند آنان نیز نسبت به آن حضرت چنان باشند که او نسبت به ایشان با محبت و مودت است، همان گونه که از خداوند مسألت

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۰۲

نموده تا از نعمتهای آنان بهره‌مند شود و به ایشان ببینش و آگاهی بیشتری نسبت به فضیلت آن حضرت مرحمت کند و آنان را برای رعایت حقوق آن بزرگوار موفق بدارد.

(۱)

رفتار امام با همشنان

اما راه و رفتار امام علیه السلام با همشنانش، از برجستگی ویژه آداب بلند و خلق عظیم اسلامی برخوردار بود، بطوری که به تمام معاشران خود احترام می‌کرد و آنان را گرامی می‌داشت، چنان که خود آن حضرت فرمود:

«هرگز کسی با من ننشست مگر فضیلت او را پاس داشتم.» (۱)

امام علیه السلام همشنان خود را گرامی می‌داشت و به آنها الطاف زیادی می‌کرد و با اخلاق والای خود برخورد می‌نمود. روزی نضر بن اوس بر آن حضرت وارد شد، امام علیه السلام خوش آمد گفت و فرمود:

- «از کدام قبیله‌ای؟» - «از قبیله طی» - «مرحبا به تو و مرحبا به قومی که تو به آنها نسبت داری، خوب قبیله‌ای است قبیله تو!» مرد طائی نگاهی به امام کرد و عرض کرد:

- «شما خودتان را معرفی کنید؟» - «من علی بن حسین هستم» - «آیا علی بن حسین با پدر بزرگوارت در کربلا کشته نشد؟» امام علیه السلام با محبت‌هایی شیرین فرمود:

«اگر شهید شده بود که تو هم اکنون او را نمی‌دید!» (۲)

(۱) بهجة المجالس و انس المجالس: ۱/ ۴۶ از یوسف قرطبی.

(۲) تاریخ دمشق: ۳۶/ ۱۴۵.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۰۳

مورخان می‌گویند: امام علیه السلام به خود اجازه نمی‌داد تا کسی از همشنانش نسبت به کسی که به او بدی کرده جسارتی کند، روزی یکی از دشمنان امام علیه السلام بر آن حضرت وارد شد رو به امام کرد و گفت:

«آیا تو با نماز آشنایی داری؟» ابو حازم که یکی از اصحاب امام در خدمت آن حضرت بود خواست تا طرف را تنبیه کند، امام ابو حازم را منع کرد و فرمود:

«ابو حازم دست نگهدار! همانا دانشمندان بردبار و مهربانند.»

سپس رو به آن مرد کرد و با محبت فرمود:

«آری با نماز آشنایم.»

آن مرد بعضی از مسائل نماز را پرسید، امام علیه السلام جواب داد، شرمند شد و شروع به عذرخواهی کرد و گفت: «شما حجت را بر همه تمام کردید.» «۱» حقا که روش امام علیه السلام با همنشینان خود و دیگران همان رفتار جدش رسول گرامی (ص) بود که برای کامل ساختن مکارم اخلاق مبعوث گشته بود.

(۱)

رفتار امام با شیعیان

امام زین العابدین علیه السلام با شیعیان خود چنان رفتار می‌کرد تا آنان برای دیگر مسلمانان در پارسایی و تقوا و زهد دینی سرمشق شایسته‌ای باشند، در راه تربیت و تهذیب اخلاق والای اسلامی شیعیان کوشید و مواظب و نصایح زیادی فرمود و آنان را بر تقوا و عمل نیک واداشت تا آنجا که به یکی از شیعیان خود فرمود:

(۱) بهجة الابرار.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۰۴

«أبلغ شیعتنا أنه لن یغنی عنهم من الله شیء، و ان ولایتنا لا تنال الا بالورع.» «۱»

«به شیعیان ما بگو! هیچ چیز ایشان را در برابر خداوند بی‌نیاز نمی‌کند و همانا ولایت ما اهل بیت شامل حال کسی نمی‌شود مگر کسی که دارای تقوا باشد.»

براستی پرهیز از محرمات الهی از جمله مهمترین وسایل نجات انسان از عذاب و کیفر الهی است همان طوری که از موفقترین راههای رسیدن به ولایت اهل بیت علیهم السلام که خود دژی از دژهای الهی بودند.

(۱) گروهی به خدمت امام سجاد علیه السلام شرفیاب شدند و خودشان را معرفی کردند که از شیعیان هستند، امام علیه السلام بدقت به سیمای آنان نگریست و در چهره آنها آثار تقوا و صلاح ندید، فرمود:

«نشانه چهره‌های شما و اثر عبادتتان کجاست؟ آثار سجده‌هایتان کو؟»

شیعیان ما به عبادت و اضطرابشان شناخته می‌شوند، آثار عبادت در ایشان پیدا و پیشانی و مواضع سجده‌شان پهن شده و شکم‌هایشان خالی و لب‌هایشان پژمرده، چهره‌هایشان برافروخته است، بیدار خوابی شبها آنها را فرسوده و ترک آمال و امور دنیا رغبت را از ایشان بریده است موقعی که دیگران خاموشند ایشان خدا را تسبیح می‌گویند و در هنگامی که مردمان در خوابند، آنان نماز می‌گذارند و در وقت شادی مردم آنان غمگینند، ایشان را به تقوا می‌توان شناخت، و دل آنان به بهشت مشغول است.» «۲»

براستی، این صفاتی را که امام علیه السلام بیان فرموده است بطور چشمگیر و فراوان در خواص شیعه و اطرافیان ائمه علیهم السلام، وجود داشت؛

(۱) در التنظيم: ص ۱۷۳.

(۲) صفات الشیعه، از جمله کتابهای خطی کتابخانه آقای حکیم در نجف.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۰۵

امثال عمار بن یاسر، ابو ذر، سلمان فارسی، میثم تمار و نظایر ایشان، آن کسانی که نفوس خود را به تقوا و صلاح آراسته و به جان

و دل پیام اسلام را پذیرا شده بودند.

اما اکثریت قاطع از شیعیان که بی تردید از پیروان و دوستان اهل بیت علیهم السلام هستند، شکی نیست که دوستی ائمه علیهم السلام باعث آموزش است و دلیل بر این مطلب روایتی است که از آن حضرت نقل شده است، موقعی که بیمار بود و جمعی از اصحاب پیامبر - صلی الله علیه و آله - برای عیادت آمدند و عرض کردند.

- «فدایت شوم، حالتان چطور است؟» - «خوبم، خدا را برای عافیتم شکر گزارم، حال شما چطور است؟» - «یا بن رسول الله، ما در حال دوستی و محبت شما هستیم.»

آنگاه امام علیه السلام آنان را به خاطر دوستی اهل بیت (ع) به بهشت بشارت داد و فرمود:

«هر کس ما را به خاطر خدا دوست بدارد، در روز قیامت که سایه‌ای جز سایه خدا نیست در سایه گسترده خود، جای دهد و هر که ما را به خاطر پاداشی از جانب ما دوست بدارد، خداوند بهشت را پاداش او قرار دهد و هر کس به خاطر دنیا ما را دوست بدارد، خداوند او را از جایی که انتظار ندارد روزی دهد.» (۱)

(۱)

روایتی ساختگی

از جمله روایات ساختگی که ابن عساکر آن را نقل کرده این است که

(۱) نور الابصار: ص ۱۲۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۰۶

گروهی از مردم عراق به حضور امام زین العابدین علیه السلام شرفیاب شدند، امام، رو به ایشان کرد و فرمود:

«ای مردم عراق ما را به محبتی که زیننده اسلام است دوست بدارید و چون دوست داشتن بتها دوست مدارید، چنان نباشید که محبت شما نسبت به ما باعث ننگ ما باشد!» (۱)

بدیهی است که این روایت را ساخته‌اند تا مقام شیعه را پایین بیاورند و بگویند که شیعه در محبت و دوستی اهل بیت علیهم السلام غلو می‌کند و آنان را تا مقام خدای بزرگ می‌رساند، این تهمتی است ناروا که هیچ سند درستی ندارد.

همانا محبت شیعه نسبت به ائمه طاهرين علیهم السلام بر اساس اندیشه و آگاهی و مستند به قرآن و سنت متواتره است و هیچ گونه شائبه غلو وجود ندارد. مهمترین ویژگی دوستی شیعیان نسبت به ائمه اهل بیت (ع) آن است که احکام دینی خود را از ایشان می‌گیرند و به آنچه از ایشان رسیده است در دوران زندگی خود پای بند می‌باشند و تردیدی نیست که پیروی از فقه اهل بیت (ع) و

استناد به آن در مقام عمل، ما را نسبت به واقعیت کفایت می‌کند، آیا این مطلب، غلو و باعث انحراف از دیانت است؟

همین روایت به صورت دیگری که در آن کنایه زدن به شیعه هم نیست، نقل شده، یحیی بن سعید می‌گوید: نزد علی بن حسین علیهما السلام بودم، گروهی از مردم کوفه آمدند، امام علی بن حسین (ع) به ایشان فرمود:

«ای مردم عراق! ما را به محبت اسلامی دوست بدارید، زیرا که من از پدر بزرگوارم شنیدم که می‌فرمود: رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرموده است ای مردم! مرا بالاتر از حد خودم نبرید، که خدای عز و جل مرا بنده خود قرار داده، پیش از آن که پیامبر خود

سازد.» (۲)

(۱) تاریخ دمشق: ۱۵۷/۳۶.

(۲) الذَّرِيَّةُ الطَّاهِرَةُ: ص ۲۹ خطی موجود در کتابخانه امام امیر المؤمنین به شماره: ۴۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۰۷.

در این روایت چیزی که باعث تردید شود وجود ندارد.

(۱)

امام (ع) تقیه را برای شیعه ضروری می‌داند

امام زین العابدین علیه السلام، با توجه به شرایط دشوار و خفقان‌آوری که وجود داشت، تقیه را برای شیعیانش لازم می‌دانست، زیرا که حکومت اموی با دقت تمام دستداران اهل بیت علیهم السلام را زیر نظر داشت تا همه آنان را از صفحه روزگار براندازد، این بود که دستور امام علیه السلام، بر اساس حکمت و مطابق با روح و حقیقت اسلام مبنی بر لزوم تقیه و مخفی داشتن شیعیان خود به شرح زیر صادر شد:

«خداوند هر گناهی را از مؤمن می‌آمرزد و او را در دنیا و آخرت پاک و پاکیزه می‌سازد، غیر از دو گناه: یکی ترک تقیه و دیگری ضایع کردن حقوق برادران دینی.» (۱)

براستی که تقیه باعث شد تا در آن روزگار سیاه خون شیعیان حفظ شود.

حکومت اموی در همه جا در پی شیعیان و در تعقیب آنها بود، و کشتار و نابودی را بین آنان گسترش داده بود، تا بدان جا که اگر کسی را به یهودی و نصرانی بودن متهم می‌کردند بهتر بود تا آن که متهم شود، شیعه آل محمد- صلوات الله علیه- است، از این رو شیعه به کسی می‌گفتند که نسبت به اهل بیت علیهم السلام- به خاطر تقیه- کینه ورزیده و هیچ توجهی به آنان ندارد، و نمی‌دانستند که این یک ضرورت مسلم اسلامی است و اگر آنان پایبند تقیه نبودند هیچ کس با اعتقاد به ولایت ائمه طاهرين (ع) باقی نمی‌ماند.

(۱) امام زین العابدین: ص ۲۰۲ به نقل از محاسن برقی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۰۸.

(۱)

استغفار امام برای گنهکاران شیعه

محبت امام زین العابدین علیه السلام به شیعیان و دستدارانش تا بدان جا رسیده بود که همه روزه برای گنهکاران ایشان طلب مغفرت می‌کرد، امام، به ام فروه دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر فرمود:

«من هر روز و هر شب برای گنهکاران از شیعیانم صد مرتبه دعا می‌کنم، زیرا ما در برابر مصائبی صبر می‌کنیم که از آنها باخبریم، اما شیعیان ما در برابر مصائبی که از (نتایج) آنها بی‌خبرند، شکیبایند.» (۱)

این حدیث شریف بر میزان دل‌بستگی امام علیه السلام و محبتش نسبت به شیعیان دلالت دارد، که برای گنهکارانشان طلب مغفرت و رضوان می‌نمایند، براستی کدام نیکی و احسان بالاتر از این نیکی و احسان است؟!

(۲)

رفتار امام (ع) با دشمنان

اما رفتار امام علیه السلام با دشمنان و کینه‌توزان و ستمکاران با گذشت و بخشش و احسان و نیکی همراه بوده است. مورخان می‌گویند: اسماعیل بن هشام مخزومی، والی مدینه بشدت کینه و عداوت اهل بیت علیهم السلام را در دل داشت و در اذیت و آزار امام زین العابدین علیه السلام بسیار کوشا بود و به خاطر تقرب به حاکمان دمشق، پدران بزرگوار امام را بر روی منبر دشنام می‌داد، موقعی که ولید بن عبد الملک روی کار آمد، به دلیل اختلافاتی که پیش از رسیدن به

(۱) وافی: ۱۸۳/۲، عیون المعجزات: ص ۷۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۰۹

ملک و سلطنت بین آنها بود، او را برکنار ساخت و از او به بدی یاد کرد و به مردم اعلام کرد تا هر کس هر حقی دارد از او بازپس گیرد. ابن هشام بیش از همه کس از امام زین العابدین علیه السلام - به خاطر دشمنی و عداوت زیادی که داشت - نگران بود و می‌گفت: من از هیچ کس بجز علی بن حسین علیهما السلام نمی‌ترسم، زیرا که او مرد صالحی است خلیفه حرف او را درباره من می‌پذیرد.

اما امام علیه السلام به یاران و دوستانش فرمود مبدا باعث ناراحتی او شوید. با او ملاقات کرد و با چهره‌ای گشاده با وی روبرو شد و پیشنهاد کرد تا در مدت گرفتاریش نسبت به رفع حوائجش کمک نماید، فرمود:

«ای پسر عم! خدا ترا عافیت دهد، من از آنچه بر سر تو آمده است ناراحت شدم، آنچه دوست داری از ما بخواه!» هشام از دیدن این همه محبت پریشان شد و از روی تعجب عرض کرد:

«خداوند بهتر می‌داند که رسالت خود را در کجا قرار دهد و به کسی که اراده‌اش تعلق گرفته است بسپارد.» (۱)

اکنون به دعایی گوش فرا می‌دهیم که برای دشمنان و ستمکارانی که به آن حضرت ستمها کرده‌اند طلب مغفرت می‌کند و می‌گوید:

(۱) «اللَّهُمَّ وَايْمَا عَبْد نَالِ مَنِّي مَا حَضَرْتَ عَلَيْهِ، وَانْتَهَكَ مَنِّي مَا حَجَرْتَ عَلَيْهِ فَمَضَى بِظِلْمَتِي مَيْتًا، وَحَصَلَتْ لِي قَبْلَهُ حَيًّا، فَاعْفُ رَهْمًا لِي مَا أَلَمَّ بِهِ مَنِّي، وَاعْفُ لَهُ عَمَّا ادْبَرَ بِهِ عَنِّي، وَلا تَقْفِهِ عَلَيَّ مَا ارْتَكَبْتُ فِيَّ، وَلا تَكْشِفْهُ عَمَّا اكْتَسَبْتُ بِهِ، وَاجْعَلْ مَا سَمَحْتَ بِهِ مِنْ الْعَفْوِ عَنْهُمْ، وَتَبَرَّعْتَ بِهِ مِنَ الصَّدَقَةِ عَلَيْهِمْ مِنْ صَدَقَاتِ الْمُتَصَدِّقِينَ وَاعْلَى صَلَاتِ الْمُتَقَرَّبِينَ، وَعَوْضِي مِنْ عَفْوِي عَنْهُمْ عَفْوُكَ، وَ مِنْ

(۱) حیاة الامام محمد الباقر: ۱/ ۳۵، طبقات ابن سعد: ۵/ ۲۲۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۱۰

دعائی لهم رحمتك حتى يسعد كل واحد منا بفضلك، و ينجو كل منا بمنك...» (۱)

«خداوندا به هر کدام از بندگان که به وسیله ارتکاب گناهی آزاری رسیده و یا نتوانسته‌ام از عیبهای آنان پرده‌پوشی کنم و از دنیا رفته‌اند در حالی که نتوانسته‌ام از ایشان عذرخواهی کنم و یا از جانب آنها به من آزاری رسیده و اکنون در قید حیاتند، اگر من حقی دارم آنها را بخشیدم تو هم با لطف و رحمت آنان را عفو فرما و به وسیله آن عمل بدی که درباره من کرده‌اند آنها را در عالم برزخ متوقف مفرما و پرده از خلافتی که کرده‌اند بر مدار و به لطف و احسانت این بخشش مرا نسبت به آنان صدقه و احسان قرار ده و این صدقه مرا بالاترین صدقه مقربان در گاهت مقرر فرما و در عوض گذشت من از ایشان تو هم از تقصیرات من درگذر و به جای دعای خیر من در حق آنان، تو نیز کرم و رحمت را شامل حال من بفرما! تا این که همه ما با فضل و کرم تو سعادت‌مند شویم و در اثر جود و بخشش نجات یابیم..»

حقا که امام زین العابدین علیه السلام در تاریخ بشریت - بجز پدران - نسخه بی‌نظیری است، که در رفتار و سلوکش دنیایی از

شرف و بزرگی و انسانیت می‌باشد بعدی که زبان از توصیفش عاجز و کلمات از احاطه و یا اشاره به آن قاصر است.

(۱) صحیفه سجادیه: دعای سی و هشتم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۱۱

خصوصیات روحی امام علیه السلام

اشاره

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۱۳

(۱) خصوصیات روحی امام خداوند هیچ فضیلت و یا موهبت والایی را نیافریده است که باعث تشخص انسان باشد مگر این که آن فضیلت از جمله عناصر شخصیت و ذاتیات امام زین العابدین علیه السلام بود، هیچ کس در ویژگیها و خصوصیات روحی که بیانگر آداب بلند و اخلاق والا و تقوای شدید دینی است، همتای آن حضرت نمی‌باشد. و ممکن نیست کسی سیره ارزشمند امام علیه السلام را مطالعه کند مگر این که در برابر آن حضرت سر تسلیم و تعظیم فرود آورد و بیش از حد در شگفتی بماند و تمام بزرگان اسلام از معاصران آن بزرگوار را در برابر انبوهی از فضایل و برازندگیهای آن حضرت ناچیز بشمارد. سعید بن مسیب که یکی از بزرگان علمای مدینه است می‌گوید:

«من هرگز کسی را بالاتر از علی بن الحسین علیهما السلام ندیده‌ام، و هیچ‌گاه او را ندیدم مگر آن که از خودم بیزار شدم.» (۱)
آری صفات والای وی، او را تا قله شرف و بزرگی رسانیده بود، تا آن حد که پدران بزرگوارش رسیده بودند، آنانی که زندگی خود را در راه اصلاح اجتماعی گذراندند. و ما اینک از بعضی خصوصیات روحی و عناصر نفسانی آن

(۱) تاریخ یعقوبی: ۴۶/۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۱۴

حضرت گفتگو می‌کنیم.

(۱)

بردباری

اما بردباری که یکی از صفات انبیا و مرسلین و از مهمترین و برجسته‌ترین صفات انسانی است، و از سیطره آدمی بر نفس و تسلیم نشدن وی در برابر انگیزه‌های خشم و انتقام سرچشمه می‌گیرد به وفور در آن امام به چشم می‌خورد جاحظ می‌گوید:

«علی بن حسین بهنگام شدت خشم با وجود قدرت، انتقام نمی‌گرفت.» (۱)

امام زین العابدین علیه السلام از همه کس بردبارتر بود و بیش از هر کسی خشم خود را فرو می‌خورد، راویان و مورخان رویدادهای زیادی از شکیبایی آن حضرت را نقل کرده‌اند که از آن جمله است:

(۲) ۱- امام علیه السلام کنیزی داشت که هر وقت می‌خواست برای نماز وضو بسازد، آب به دست آن حضرت می‌ریخت (روزی می‌خواست آب بریزد) ظرف آب از دستش به روی سر و صورت آن حضرت افتاد و شکست، کنیز بلافاصله گفت:

«خدای عز و جل می‌فرماید: وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ.» (۲)

و امام علیه السلام در پاسخ فرمود:

«من خشمم را فرو خوردم.»

کنیز، از بردباری و بزرگواری امام، در طمع شد و درخواست مراحم بیشتری نموده و عرض کرد:

(۱) تهذیب الاخلاق: ص ۱۹.

(۲) بخشی از آیه ۱۳۴ سوره آل عمران، که از جمله صفات پرهیزگاران می‌فرماید: «و فروخورند گان خشم».

تعلیلی از زندگانی امام سجّاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۱۵

«و العافین عن النَّاسِ» (۱) امام علیه السلام از روی لطف و محبت فرمود:

«خداوند از تو بگذرد.»

کنیز با شنیدن جمله امام، عرض کرد:

«و الله يحبّ المحسنین» (۲) امام علیه السلام با لطف و احسان بیشتری رو به کنیز کرد و فرمود:

«برو، تو آزادی...» (۳)

(۱) ۲- از جمله رویدادهای مربوط به بردباری امام علیه السلام، داستان مردی بی‌شرم و فرومایه است که با امام روبرو شد و بی‌دلیل

شروع کرد به ناسزا و دشنام دادن، امام علیه السلام با نهایت لطف فرمود:

«ای جوان! عقبات سختی در پیشروی ماست، اگر من از آن عقبات بگذرم از آنچه تو گفتی باکی ندارم اما اگر در آنجا سرگردان

بمانم، حال من بدتر از آن است که تو گفتی...» (۴)

امام سجّاد علیه السلام با تمام وجود و عواطفش به خدا و گرفتاریهای عالم آخرت که جز پرهیزگاران کسی از آنها در امان نیست،

متوجه بود و چنان دلش را مشغول می‌داشت که هرزه‌گویی آن شخص فرومایه- سخنی برخاسته از باطنی فاقد اخلاق و ادب-

کمترین تأثیری در او نگذاشت.

(۲) ۳- از جمله آثار حلم امام علیه السلام آن که روزی از مسجد بیرون آمد، مردی شروع کرد به ناسزا گفتن، مردم خواستند انتقام

بگیرند و به او صدمه‌ای

(۱-۲) بخش دیگری از آیه ۱۳۴ سوره آل عمران، یعنی: ... آنانی که از بدی مردم در گذرند، خداوند دوستدار نیکوکاران است.

(۳) تاریخ دمشق: ۱۵۵/۳۶، نهاییه الادب: ۳۲۶/۲۱.

(۴) بحار الانوار: ۹۶/۴۶.

تعلیلی از زندگانی امام سجّاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۱۶

بزنند، امام علیه السلام آنها را منع کرد و رو به آن مرد کرد و فرمود:

«آنچه را که از اعمال ما نمی‌دانی و خداوند از تو پوشیده داشته بیشتر است! آیا حاجتی داری که برآورده سازم؟» آن مرد با شنیدن

سخنان امام، شرم‌منده شد و می‌خواست که زمین او را فرو ببرد، امام علیه السلام وقتی که آن حال را دید، رقت کرد، عبای سیاهی را

که بر دوش داشت به سمت او انداخت و دستور داد تا هزار درهم به او دادند. به این ترتیب ریشه عداوت بی‌دلیل نسبت به مردم را

از دل آن مرد بیرون آورد و او را به راه حق و راستی بازگرداند و چنان شد که هرگاه امام علیه السلام را می‌دید، عرض می‌کرد:

براستی که شما از اولاد پیامبرانید. (۱)

(۱) ۴- داستان دیگری از حلم امام علیه السلام نقل کرده‌اند که مرد فرومایه‌ای به امام علیه السلام جسارت کرد و او را دشنام داد،

امام صورت مبارکش را از او برگرداند، آن مرد با مشاهده آن عمل، رگهای گردنش پر شد و رو به امام کرد و گفت: «با تو هستم...»

امام علیه السلام فوری در پاسخش فرمود:

«من هم (با توجه به برخورد تو) از گناه تو چشم پوشیدم.»

امام، او را ترک کرد و رفت و مقابله به مثل نکرد، «۲» در حالی که آن مرد سخت برآشفته و خشمگین بود.

(۲) ۵- از جمله دلایل عظمت حلم آن حضرت داستان مردی است که به امام علیه السلام تهمت زد و هر چه توانست جسارت کرد، سپس امام رو به آن مرد کرد و فرمود:

(۱-۲) البدایة و النّهایة: ۱۰۵ / ۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۱۷

«اگر آنچه درباره من گفתי، چنانم، از خدا می‌خواهم که مرا بیامرزد و اگر نه، آنچه گفتمی در من نیست، خدای تعالی از گناه تو بگذرد.»

آن مرد با شنیدن سخنان امام متحیر شد و شروع کرد به عذرخواهی و عرض کرد:

«فدایت شوم، آنچه گفتم، شما چنان نیستید، بلکه من سزاوارتر بدانهایم، مرا ببخشید.»

امام علیه السلام پس از مشاهده این حالت با لبخندی که حکایت از رضایت و بخشش آن حضرت داشت رو به آن مرد کرد و فرمود:

«خداوند از تو درگذشت.»

آن مرد در حالی که از محضر امام علیه السلام بر می‌گشت که سخت شکفت زده و قلبش آکنده از بزرگداشت و عظمت امام بود و با خود می‌گفت: خدا می‌داند که مقام رسالت خود را در خاندانی قرار دهد که خود می‌خواهد. «۱»

(۱) ۶- داستان دیگری از بردباری امام علیه السلام نقل کرده‌اند: مردی از دودمان زبیر در خدمت حضرت بود، مردی به او رسید، ضمن تعدی به او، دشنام و ناسزا گفت، آن مرد زبیری صورت از او برگرداند. وقتی که آن مرد رفت، زبیری از جا برخاست و شروع کرد به دشنام دادن به امام علیه السلام و جسارت می‌کرد در حالی که امام ساکت بود و جوابی نمی‌داد، زبیری رو به امام کرد و گفت:

«چه باعث شده است که جواب مرا نمی‌دهی؟» امام از روی لطف و مدارا فرمود:

«آنچه که باعث شد تو جواب آن مرد را ندهی همان باعث شد که من هم جواب تو را ندهم!» «۲»

(۱) صفة الصّفوة: ۵۴ / ۲.

(۲) الکامل مبرّد: ۸۰۵ / ۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۱۸

این بود برخی از حالات کم‌نظیری که مورخان درباره شکیبایی آن حضرت نقل کرده‌اند که خود بیانگر وسعت فضایل بی‌مانند امام علیه السلام و اوصافی است که آن بزرگوار تا برترین درجه کمال انسانی بالا برده است.

(۱)

از جمله عناصر روحی امام علیه السلام، صبر در برابر مصائب و گرفتاریهای دردناک است. آنچه مسلم است هیچ کسی در این دنیا بمانند این امام بزرگوار گرفتار مصیبتها نشده است؛ مصائب و شداید از آغاز تا پایان عمر آن بزرگوار را احاطه کرده بود؛ هنوز در نخستین مراحل کودکی بود گرفتار مصیبت بی‌مادری شد در حالی که هنوز از سرچشمه زلال مهر و محبت او سیراب نشده بود و هنوز در اوان کودکی بود که شاهد سوز و گداز خاندان و فامیل خود در فقدان جدش امام امیر المؤمنین شد که عبد الرحمن بن ملجم جنایتکار، او را به قتل رساند و در پی بی‌آن، شاهد بود که عمویش امام بزرگوار حسن بن علی علیه السلام بناچار به مصالحه با جانی فرزند جانی؛ معاویه بن ابی سفیان که لکه ننگی بر دامن جهان اسلام و عرب بود تن داد زیرا وقتی که وی بر اریکه حکومت تکیه زد، تمام انگیزه‌های جاهلیت دوباره زنده شد و کینه‌توزی فوق العاده وی نسبت به اسلام و مسلمین آشکار گردید؛ او تمام امکانات دولت خود را برای نابودسازی اسلام از عرصه وجود به کار گرفت و سخت‌ترین راه و روش را بر ضد اهل بیت علیهم السلام به اجرا در آورد دشنام و ناسزا را روی منابر و مأذنه‌ها بر آنان مقرر داشت و همچنین دستور داد تا تمام شیعیانی را که نمونه‌ها و تجسم عینی دین و سیاست اسلامی بودند از صفحه روزگار براندازند.

هنگامی که امام زین العابدین در بهار جوانی بود به مصیبت وفات عمویش

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۱۹

امام حسن ریحانه رسول خدا (ص) دچار شد که توسط کسرای عرب، «۱» معاویه فرزند هند به آن حضرت زهر دادند و این حادثه در وجود امام و دیگر افراد خاندان پیامبر (ص) اندوهی عمیق به جا گذاشت و این غم بزرگ دل آنان را گداخته نمود.

(۱) و از جمله مصائب بزرگی که امام علیه السلام بدان مبتلا شد، مشاهده شمشیرهای جنایتکاران در بیابان کربلا بود در حالی که سرهای پاکان از اهل بیت عصمت علیهم السلام را به صورت دردناکی که در تاریخ هیچ ملت و امتی سابقه نداشت از تنها جدا می‌کرد و پس از به خاک و خون کشیدن این منادیان حق و عدالت، خیانتکاران فرومایه از مردم کوفه و شام، امام زین العابدین و خاندان عترت را محاصره کردند و خیمه و خرگاه پرده‌نشینان نبوت را آتش زدند و آن بزرگواران را به اسارت نزد طاغوتی پست فرومایه (پسر مرجانه) بردند و آن نابکار با دشنام و زخم زبان و جسارت با آن حضرت برخورد کرد در حالی که امام علیه السلام صبر کرده و امر خود را به خدا واگذارده بود و پس از آن او را به نزد نابکاری دیگر یعنی یزید بن معاویه بردند و غمها و مصیبت‌هایی که دلها را می‌گذاخت یکی پس از دیگری بر قلب مقدس امام وارد می‌شد و آن حضرت تمام این مصائب کشنده را- در حالی که راضی به قضای الهی بود- تحمل می‌فرمود. کجا روح و جانی چون روح و روان امام و کدام دل چون دل امام (ع) است؟

اما روح و روانش در وقت هر گرفتاری که پیش می‌آمد متوجه آفریدگار هستی و خداوند هستی‌بخش بوده و دلش همواره پاک و پاکیزه و از هر چیز استوارتر و نستوه‌تر بود.

براستی صبر و مقاومت در برابر مصائب از جمله ویژگیها و ذاتیات آن حضرت بود، و از آن بزرگوار است که در توصیف و تعریف صبر و ایستادگی فرمود:

«صبر و مقاومت در رأس طاعت خداست.» (۲)

(۱) این عنوان را خلیفه دوم به معاویه داد.

(۲) امام زین العابدین للمقرم: ص ۱۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۲۰

و از جمله دلایل عظمت صبر آن حضرت آن است که روزی صدای ناله و شیونی از اندرون خانه‌اش شنید در حالی که جمعی در خدمت آن بزرگوار نشسته بودند از جا بلند شد تا ببیند چه خبر است، عرض کردند یکی از پسرانش دار دنیا را وداع گفته است، برگشت و جریان را به اطلاع اصحابش رساند، همگی از صبر آن حضرت در شگفت ماندند امام علیه السلام رو به ایشان کرد و فرمود:

«ما خانواده‌ای هستیم که درباره آنچه دوست داریم مطیع فرمان الهی بوده و در پیشامدهایی که باعث ناخشنودی ماست، حمد و سپاس خدا را می‌گوییم.» (۱)
و آن بزرگوار، صبر را یکی از غنیمتها و بی‌تابی را از آثار ضعف و ناتوانی می‌دانست. (۲)
براستی که نیرو و توان شخصیت امام و از پا در نیامدنش در برابر حوادث کشنده، از جمله نوادر شخصیت‌های تاریخ به شمار می‌آید. (۱)

عزت و بزرگواری امام

از جمله خصلتهای ذاتی امام زین العابدین علیه السلام، عزت و بزرگواری آن حضرت است که از پدر بزرگوارش سید الشهداء علیه السلام به ارث برده است که در راه عزت و کرامتش با اشتیاق و رغبت به استقبال مرگ شتافت، در حالی که اراذل و اوباش او را بین شهادت و زبونی و ذلت مخیر کرده بودند آن بزرگوار، شهادت را برگزید و با این جمله آن فرومایگان را مخاطب قرار داد: «به خدا قسم، من هرگز چون افراد زیون دست ذلت و خواری به شما نمی‌دهم و چون بردگان تسلیم شما نمی‌شوم...»

(۱) حلیه الاولیاء: ۳ / ۱۳۸.

(۲) الدر النظیم: ص ۱۷۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۲۱

در امام زین العابدین علیه السلام، این خصلت ارزنده بخوبی تجسم یافته بود، می‌فرمود:

«من دوست ندارم که خودم را به خاطر نعمتهای رنگارنگ دنیا خوار کنم.» (۱)

و درباره عزت نفس می‌گوید:

«هر که شخصیت خودش را گرامی دارد، دنیا در نظر او خوار گردد.» (۲)

(۱) وقتی که امام سجاد علیه السلام را به شام به اسارت بردند، به هیچ کدام از مأموران نگهبان خویش کمترین پیشنهادی نکرد، چنان که با هیچ یک از ایشان به اهانت و تحقیر سخن نگفت.

مورخان می‌گویند: یکی از عموهای امام علیه السلام بناحق بعضی از حقوق او را تصرف کرد، آن بزرگوار در آن زمان در مکه بود و ولید بن عبد الملک هم که پادشاه زمان بود، در موسم حج به مکه آمده بود، به حضرت عرض کردند:

اگر شما به ولید بفرمایید حق شما را به شما بر می‌گرداند؟ در پاسخ کسانی که این پیشنهاد را کردند، این سخن جاودانه را که در دنیای شرف و بزرگواری مانده است به ایشان فرمود:

«آیا می‌گویید که در حرم خدای عزّ و جلّ، از غیر خدای عزّ و جلّ من چیزی درخواست کنم؟! من دوست ندارم که دنیا را از آفریننده دنیا درخواست کنم تا چه رسد که آن را از مخلوقی همانند خودم بخواهم.» (۳)

از جمله آثار عزت نفس آن بزرگوار آن است که از راه خویشاوندی و

(۱) خصال شیخ صدوق: ص ۲۴.

(۲) بحار الأنوار: ۱۳۵ / ۷۸.

(۳) بحار الأنوار: ۶۴ / ۴۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۲۲.

انتسابش به رسول خدا- صلی الله علیه و آله- هرگز درهمی نخورد. «۱» مورخان داستانهای زیادی از عزت نفس و بزرگواری امام را نقل کرده‌اند که حکایت از زیر بار ذلت و خواری نرفتن وجود مقدس آن حضرت است.

(۱)

شجاعت امام

از جمله ویژگیهای روحی امام علیه السلام شجاعت و دلاوری است و امام سجاد از همه مردم شجاع تر و بی باکتر بود، براستی که او فرزند امام حسین علیه السلام می باشد که شجاعترین فرزندان آدم است.

از جمله موارد شجاعتش، موقعی بود که او را به عنوان اسیر بر طاغوت زمان عبید الله پسر مرجانه، وارد کردند، آن طاغوت ستمگر ابتدا شروع کرد به سخنان تسلی بخش گفتن، اما امام علیه السلام در مقابل، با کلماتی آتشین پاسخ داد بطوری که برای طاغوت فرومایه، از فرود آمدن شمشیرها و ضربات تازیانه بدتر بود، در صورتی که امام علیه السلام کمترین توجهی به سلطنت و قدرت او نکرد پسر مرجانه به شدت خشمگین شد و رگهای گردنش پر شد؛ دستور داد تا آن حضرت را بکشند. اما امام علیه السلام هیچ ترس و بیمی به خود راه نداد و بی تابى نکرد بلکه با کمال آرامش فرمود:

«کشته شدن عادت ما خانواده، و شهادت برای ما کرامتی از جانب خداست.»

همچنین موقعی که او را بر یزید بن معاویه هم وارد کردند، امام علیه السلام با نهایت جرأت با وی روبرو شد و جرم بزرگی را که او مرتکب شده

(۱) مجالس ثعلب: ۴۶۲ / ۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۲۳.

بود گوشزد کرد و تمام راههایی را که او برای دفاع از خود و صحیح جلوه دادن جنایت خود داشت بر او بست.

براستی که امام سجاد وارث شجاعت پدرانیش: علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام بود که از همه کس شجاع تر بودند و در دنیای اسلام و غیر اسلام کسی به شجاعت ایشان نبوده و در قهرمانی و دلاوری و نیروی اراده و صلابت در دفاع از حق و حقیقت نظیر نداشته و ندارند.

(۱)

تواضع امام

از جمله خصوصیات بارز روحیه امام، برکناری آن حضرت از هر نوع خودخواهی است، و خودخواهی هیچ گونه نفوذی در آن بزرگوار نداشت.

مورخان داستانهای زیادی از تواضع آن حضرت نقل کرده‌اند، از آن جمله وقتی که قصد سفری داشت با افرادی مسافرت می کرد که او را شناسند تا خود شخصا به خدمت و احسان به آنان بپردازد نه آن که کسی از ایشان به وی خدمت کند، یک بار با گروهی

مسافرت کرد که او را نمی‌شناختند اما در آن میان مردی به آن حضرت نگاه کرد و آن حضرت را به جای آورد فریاد برآورد:

«وای بر شما آیا می‌دانید این مرد کیست؟» - «نه نمی‌دانیم.»

«این علی بن حسین (ع) است.»

افراد کاروان با شنیدن این سخن همگی به سمت امام علیه السلام دویدند و دست و پای مبارک آن حضرت را بوسیده و عرض می‌کردند:

«پسر پیغمبر! آیا می‌خواهید ما را در آتش دوزخ بسوزانید؟ چه چیز باعث شد که شما خودتان را معرفی نفرمایید؟» امام علیه السلام با صدای آرام و رقت‌آوری فرمود:

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۲۴

«زمانی با جمعی مسافرت کردم که مرا می‌شناختند، آنان برای خشنودی رسول خدا (ص) بیش از آن چه مستحق بودم به من محبت و مهربانی کردند، از این رو من ترسیدم که شما هم مثل آنها رفتار کنید، از این جهت مخفی داشتن حال خود را دوست‌تر داشتم.» (۱)

از جمله دلایل برکناری امام از صفت ناپسند خودخواهی این است که هر وقت از راهی می‌گذشت و چیزی از سنگ و کلوخ در راه می‌دید که باعث ناراحتی رهگذران می‌شود، از مرکب پیاده می‌شد و با دست مبارکش آن را از سر راه دور می‌کرد. (۲) و هر وقت سوار بر استر عبور می‌فرمود؛ به کسی نمی‌گفت: کنار برو، و می‌گفت:

«راه مال همه است و من حق ندارم کسی را از راه کنار بزنم.» (۳)

حقا که در آن وجود مقدس تمام صفات پیامبر (ص) که بدان وسیله بر همه انبیا رجحان داشت - تجسم یافته بود، که از برجسته‌ترین آن صفات آداب والا و مکارم اخلاق بود.

(۱)

احسان به مردم

از ویژگی‌های امام زین العابدین علیه السلام، احسان و نیکی به مردم است؛ قلب شریفش آکنده از مهر و محبت به مردم بود. مورخان می‌گویند: ممکن نبود که امام بداند کسی وامی‌دارد مگر این که وامش را می‌پرداخت. (۴) و او از

(۱) عیون اخبار الرضا: ۱۴۵ / ۲ و قریب به این مضمون در الکامل مبرد: ۴۸۲ / ۲ آمده است.

(۲) امام زین العابدین: ص ۷۰.

(۳) سیر اعلام النبلاء: ۲۴۰ / ۴، تاریخ دمشق: ۱۶۱ / ۳۶.

(۴) الامام زید از ابو زهره: ص ۲۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۲۵

همه کس زودتر به رفع نیاز دیگران اقدام می‌کرد تا مبادا دیگری زودتر اقدام نماید و او از اجر و ثواب آن کار خیر محروم بماند و می‌فرمود:

«اگر دشمن من حاجتی داشته باشد و به من عرضه کند، من هر چه زودتر نیاز او را بر طرف خواهم کرد تا مبادا دیگری بر من پیشی بگیرد و او را از من بی‌نیاز کند و من از فضیلت آن محروم شوم.» (۱)

از جمله داستانهای محبت آن بزرگوار به مردم روایتی است که زهری نقل کرده، می‌گوید: در خدمت امام علی بن حسین علیهما

السلام بودم، مردی از اصحابش شرفیاب شد، عرض کرد: من مردی عیالوارم چهار صد دینار مقروضم و قادر به پرداخت آن نیستم. در آن زمان نزد امام علیه السلام چیزی موجود نبود تا به او بپردازد این بود، که اشک از چشمانش سرازیر شد و فرمود: «کدام غم و مصیبت از این بالاتر که مؤمن آزاده‌ای ببیند برادر مؤمنش مشکلی دارد و نتواند آن را برطرف کند.» «۲»

(۱)

بخشندگی امام

اما بخشندگی نیز یکی از ویژگیها و صفات ذاتی آن بزرگوار بود، تمام مورخان بر آنند که آن حضرت از همه مردم بخشنده‌تر و دست و دل بازتر و نسبت به فقرا و مستمندان نیکوکارتر بود. داستانهای فراوانی از بخشش و کرم آن بزرگوار نقل کرده‌اند که از جمله موارد زیر است:

(۲)

داستان محمد بن اسامه

محمد بن اسامه مریض شد، امام علیه السلام به عیادت او رفت. وقتی که

(۱) ناسخ التواریخ: ۱۳/۱.

(۲) امالی صدوق.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۲۶

کنار بستر او نشست، محمد شروع به گریستن کرد، امام علیه السلام فرمود:

- «چرا گریه می کنی؟» - «وامی دارم.»

- «چقدر وام داری؟» - «پانزده هزار دینار.»

- «من قبول می کنم.»

و امام علیه السلام از مجلس برنخواست، مگر آن که آن مبلغ را پرداخت، «۱» و کابوس وحشتناک وام و اندوه او را برطرف ساخت.

(۱)

اطعام عمومی

از آثار بزرگوار و بخشندگی آن حضرت این است که همه روزه در مدینه اطعام عمومی می کرد و در وقت ظهر در منزل خودش بار عام می داد. «۲»

(۲)

اداره کردن صد خانواده

از آثار جود فراوان امام آن که صد خانوار را در مدینه بطور پنهانی «۳» اداره می کرد که هر خانوار شامل چند تن بودند. «۴»

(۱) البداية و النهاية: ۹/۱۰۵، سیر اعلام النبلاء: ۴/۲۳۹، تاریخ اسلام: ۲/۲۶۶، الحلیة: ۳/۱۴۱.

(۲) تاریخ یعقوبی: ۶/۳.

(۳) تهذیب اللغات و الأسماء: ص ۳۴۳.

(۴) بحار الأنوار: ۸۸/۴۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۲۷

براستی سخاوت دلیل بر آن است که شخص بخشنده از بخل برکنار است و نسبت به مردم احساس محبت دارد و سپاسگزار خدا در برابر نعمتهای اوست.

(۱)

توجه به مستمندان

اشاره

از خصوصیات ذاتی و ویژگیهای آن حضرت توجه و محبت به مستمندان و محرومان و بیچارگان بود که بخشی از موارد آن را نقل می‌کنیم:

(۲)

الف - احترام امام به فقرا

امام علیه السلام برای مستمندان احترام قائل بود و عواطف و احساسات ایشان را در نظر داشت و هرگاه به سائلی چیزی می‌داد آن را می‌بوسید تا اثر ذلت و نیازمندی را در آن احساس نکند. «۱» و چنان بود که هرگاه کسی به او مراجعه می‌کرد، می‌فرمود:

«خوش آمدی، مرحبا به کسی که بار مرا برای سفر آخرت به دوش می‌کشد و به سرای آخرت می‌رساند.» «۲»

براستی احترام مستمند، آن هم تا این حد از مهر و محبت باعث همبستگی جامعه و گسترش محبت در میان افراد جامعه می‌گردد.

(۳)

ب - توجه امام به فقرا

امام سجاد علیه السلام نسبت به فقرا و مستمندان بسیار مهربان و رؤوف بود و دوست داشت که بر سر سفره‌اش یتیمان و بیچارگان، از کار افتادگان و

(۱) حلیة الأولیاء: ۳/۱۳۷.

(۲) صفة الصفوة: ۲/۵۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۲۸

مستمندانی که هیچ راهی برای ادامه زندگی ندارند، حضور پیدا کنند و خود شخصا به دست مبارکش از آنها پذیرایی می‌کرد، «۱» همان طوری که برای ایشان غذا و هیزم به پشت می‌گرفت و به خانه آنها می‌برد و به ایشان می‌رساند. «۲» و تا آنجا حال فقرا را رعایت می‌کرد و به ایشان توجه می‌فرمود که راضی نبود محصول درخت خرما را شب - به خاطر آن که فقرا در آن وقت حضور نداشتند - جمع کند تا مبادا آنها از استفاده آن محروم بمانند. روزی به آن کسی که امور منزل امام را اداره می‌کرد به خاطر این که

محصول درخت خرمایی را آخر شب جمع کرده بود فرمود:

«این کار را مکن مگر نمی‌دانی که رسول خدا- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- از چیدن میوه و بریدن درخت خرما در شب نهی کرده است. و بارها می‌فرمود: یک خوشه را به هر کس که خواست می‌دهی و روز چیدن محصول، این حق اوست.» (۳)

(۱)

نهی امام، از رد سائل

امام علیه السلام از رد کردن سائل و محروم داشتن او نهی می‌فرمود، به این دلیل که چندین پیامد بد دارد، از جمله نابودی نعمت و فرا رسیدن بلا و گرفتاری است. سعید بن مسیب روایت کرده می‌گوید روزی در خدمت امام علی بن حسین علیهما السلام شرفیاب بودم، موقعی که نماز صبح را خواند، سائلی در زد، امام علیه السلام فرمود:

«به سائل چیزی بدهید و او را دست خالی رد نکنید.» (۴)

(۱) بحار الانوار: ۶۲/۴۶.

(۲) بحار الانوار: ۶۲/۴۶ و در دائرة المعارف بستانی (۹/۳۵۵) نیز قریب به این عبارات آمده است.

(۳) وسائل الشیعه: ۱۳۸/۶.

(۴) کافی: ۱۵/۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۲۹

و امام علیه السلام در روایات زیادی بر این مطلب تأکید فرموده است.

(۱) ابو حمزه ثمالی روایت کرده می‌گوید: روز جمعه‌ای در مدینه نماز صبح را در خدمت امام علی بن حسین علیهما السلام خواندم، وقتی که امام از نمازش فارغ شد برخاست و به داخل منزل رفت و من هم در خدمت او رفتم، کنیزی داشت به نام سکینه، او را صدا زد و فرمود:

«نباید گدایی از در خانه من عبور کند مگر آن که او را اطعام کنید، آخر امروز روز جمعه است.»

ابو حمزه می‌گوید: عرض کردم: مولای من همه گداها مستحق نیستند، فرمود:

«ابو حمزه! من از آن می‌ترسم که بعضی از افراد سائل مستحق باشند و ما او را غذا ندهیم و دست رد به سینه او بزنیم و در نتیجه آنچه بر یعقوب و اهل بیتش نازل شد بر ما اهل بیت نازل شود، به آنها اطعام کنید، اطعام کنید! همانا حضرت یعقوب هر روز گوسفند نری را سر می‌برید و مقداری را صدقه می‌داد و بقیه را خود و خانواده‌اش می‌خوردند اتفاقاً سائلی با ایمان و روزه‌داری مستحق- که در نزد خداوند متعال مقامی داشت- روز جمعه‌ای موقع افطار به در خانه یعقوب آمد و فریاد زد: به من سائل غریب گرسنه مقداری از زیادی خوراکتان را بدهید! افراد خانواده یعقوب، صدای او را شنیدند، اما نمی‌دانستند که او مستحق است یا نه و حرف او را باور نکردند، وقتی که او ناامید شد در تاریکی شب دست خالی از آنجا رفت و آن شب را با شکم گرسنه به سر برد، در حالی که از گرسنگی خود به پیشگاه خدا شکوه داشت، از طرفی یعقوب و خانواده‌اش آن شب براحتی خوابیدند و در حالی که مقداری غذا که از خوراکتان زیاد آمده بود در نزد آنها موجود بود، بامداد آن شب خداوند به حضرت یعقوب وحی کرد؛ تو بنده ما را خوار کردی و با این عمل باعث خشم من شدی و باید تو را ادب کنم و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۳۰

عقوبت و بلایم را بر تو و بر اولاد تو نازل گردانم، ای یعقوب! محبوبترین انبیا در نزد من و از همه گرامیتر آن پیامبری است که بر

بندگان درمانده‌ام رحم کند و آنها را به خود نزدیک سازد و در صورتی که جا و منزلی دارد- به ایشان اطعام نماید. ای یعقوب! چرا به بنده من که در عبادت خود کوشا و از ظاهر دنیا به اندکی قانع بود، رحم نکردی ... به عزت و جلالم سوگند که بلائیم را بر تو نازل کنم و تو را و فرزندان تو را هدف مصائب گردانم.» (۱)

ابو حمزه می‌گوید: عرض کردم: مولای من! فدایت شوم، چه وقت حضرت یوسف آن خواب را دید؟ «۲» فرمود:

«در همان شب که یعقوب و خاندانش به راحتی خوابیدند و آن فقیر با شکم خالی و گرسنه شب را به سر آورد.» (۳)
براستی محرومیت فقیر محتاج و کمک نکردن به او از جمله عوامل زوال نعمت و فرا رسیدن خشم خداست، اخبار متواتره از ائمه هدی علیهم السلام در این باره فراوان است بنابراین کسی که دوست دارد نعمت الهی برایش باقی بماند، شایسته نیست که سائل را ناامید کند و یا مستمند و فقیری را از آنچه امانتی است در دست وی، محروم گرداند.

(۱)

صدقات امام

اشاره

از جمله چیزهایی که امام زین العابدین علیه السلام در زندگیش به آن

(۱-۲) آن شب همان شبی بود که حضرت یوسف در خواب دید یازده ستاره و خورشید و ماه او را سجده می‌کنند.

(۳) دار السلام علامه نوری: ۲ / ۱۴۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۳۱

بسیار علاقه‌مند بود صدقه دادن به فقرا برای کمک و رفع گرفتاری ایشان بود، همواره دیگران را به دادن صدقه تشویق می‌کرد، به خاطر اجر فراوانی که صدقه دارد، فرمود:

«هیچ کس بر بیچاره درمانده‌ای صدقه نمی‌دهد مگر آن که هر دعایی را که آن بیچاره در آن ساعت برای صدقه دهنده بکند خداوند برآورده می‌سازد.» (۱)

اینک بعضی از موارد صدقات آن بزرگوار را نقل می‌کنیم:

(۱)

الف- امام (ع) جامه‌هایش را صدقه می‌دهد

امام سجاد علیه السلام لباسهای فاخر می‌پوشید، در زمستان لباس خز بر تن می‌کرد، تابستان که فرا می‌رسید آنها را صدقه می‌داد و یا می‌فروخت و پول آنها را صدقه می‌داد. و در تابستان دو جامه از جامه‌های مصری می‌پوشید، در زمستان آنها را صدقه می‌داد. «۲» و بارها می‌فرمود:

«من از پروردگارم خجالت می‌کشم که بهای لباسی را بخورم که با آن لباس خدا را عبادت کرده‌ام.» (۳)

(۲)

ب- آنچه را دوست داشت صدقه می‌داد

امام علیه السلام از آنچه دوست داشت، صدقه می داد. راویان اخبار می گویند: امام علیه السلام، بادام و شکر به فقرا صدقه می داد از علت آن پرسیدند، در پاسخ این آیه را تلاوت کرد:

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ.

(۱) وسائل الشیعه: ۶/ ۲۹۶.

(۲) تاریخ دمشق: ۳۶/ ۱۶۱.

(۳) ناسخ التواریخ: ۱/ ۶۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۳۲

«هرگز به نیکی نمی رسید، مگر آن که از آنچه دوست می دارید در راه خدا انفاق کنید.» (۱)

(۱) مورخان می گویند: امام علیه السلام، موقع افطار انگور را دوست داشت، روزی روزه دار بود، کنیزش خوشه انگوری در وقت افطار به خدمت امام آورد ناگهان گدایی به در خانه آمد، دستور داد تا آن خوشه انگور را به آن گدا دادند، کنیز دوباره رفت انگور خرید، همین که خوشه انگور را به خدمت امام آورد، سائل دیگری در زد، امام دستور داد، خوشه انگور را به او دادند باز کنیز رفت و انگور خرید و به حضور امام علیه السلام آورد، گدای سومی در زد، امام علیه السلام خوشه انگور را به او داد. «۲»

براستی که در این کار خیر نظیر پدران بزرگوارش بود که سه روز پیاپی خوراکشان را به مسکین و یتیم و اسیر می دادند در حالی که خود روزه دار بودند و درباره آنها سوره هل اُتی نازل شد که این نشان بزرگواری و شرف برای ایشان در سراسر تاریخ تا پایان دنیا باقی است.

(۲)

ج- تقسیم اموال

امام سجاد علیه السلام دو مرتبه تمام اموال خود را تقسیم کرد، یک قسمت را برای خودش نگهداشت و بخش دیگر را به فقرا و درماندگان صدقه داد. «۳» در این خصلت نیز نظیر عمویش امام حسن، ریحانه رسول خدا- صلی الله علیه و آله- بود که آن بزرگوار نیز دو یا سه مرتبه اموال خود را با فقرا تقسیم کرد.

(۱) بحار الانوار: ۴۶/ ۸۹.

(۲) محاسن برقی: ص ۵۴۷، فروع کافی: ۶/ ۳۵۰.

(۳) خلاصه تهذیب الکمال: ص ۲۳۱، حلیه الاولیاء: ۳/ ۱۴۰، جمهره الاولیاء: ۲/ ۷۱، البدایه و النهایه: ۹/ ۱۰۵، طبقات ابن سعد: ۵/ ۱۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۳۳

(۱)

صدقات پنهانی امام

محبوبترین چیز از نظر امام علیه السلام، صدقه پنهانی بود که هیچ کس از آن باخبر نباشد و می خواست خود و فقرایی را که به آنها چیزی می دهد به محبت خدا ارتباط دهد و هدفش رابطه استوار با برادران مسلمان فقیر و تهیدست بود و همواره دیگران را به صدقه

پنهانی تشویق می‌فرمود و می‌گفت:

«صدقه نهانی آتش خشم خدا را خاموش می‌کند.» (۱)

بارها در ظلمت شب از خانه بیرون می‌شد و هدایا و عطا‌های خود را به مستمندان می‌رساند در حالی که صورتش را پوشانده بود و از آنها پنهان می‌داشت و فقرا با مرحمت آن حضرت در شب هنگام عادت کرده بودند، از این رو در خانه‌ها می‌ایستادند تا وقتی که امام را می‌دیدند خوش حال می‌شدند و بهم مژده می‌دادند و می‌گفتند صاحب انبان آمد. «۲» امام علیه السلام پسر عمویی داشت، شبانه به نزد او می‌رفت و شخصا به او مبلغی می‌داد اما او که نمی‌دانست می‌گفت:

علی بن حسین از من دستگیری نمی‌کند! و نفرین می‌کرد، امام نیز می‌شنید و چشم‌پوشی می‌نمود و خودش را به او معرفی نمی‌کرد، چون امام علیه السلام از دنیا رفت آن وقت متوجه شد آن کسی که شبانه به او کمک می‌رسانیده، امام علیه السلام بوده است، این بود که بعدها بر سر قبر امام می‌رفت و گریه می‌کرد و عذرخواهی می‌نمود. «۳»

ابن عایشه می‌گوید: از مردم مدینه شنیدم که می‌گفتند: صدقه نهانی از ما

(۱) تذکره الحفاظ: ۷۵/۱، اخبار الدّول: ص ۱۱۰، نهاییه الأرب: ۳۲۶/۲۱.

(۲) بحار الانوار: ۸۹/۴۶.

(۳) بحار الانوار: ۱۰۰/۴۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۳۴

قطع نشد مگر وقتی که علی بن حسین (ع) از دنیا رفت. «۱» مورخان نقل کرده‌اند که گروهی از مردم مدینه از این راه زندگی می‌کردند و نمی‌دانستند که چه کسی وسایل زندگی آنها را فراهم می‌کند، وقتی که امام علی بن حسین علیهما السلام از دنیا رفت دیدند آنچه شبها برای آنها می‌آوردند قطع شد. «۲» امام علیه السلام نماز و کمکهای خود را بشدت از چشم مردم پنهان می‌داشت و هرگاه چیزی به کسی می‌داد، صورتش را می‌پوشاند تا او را نشناسد. «۳»

ذهبی می‌گوید: امام سجاد (ع) صدقه فراوان، آن هم دور از انظار مردم می‌داد. «۴»

امام علیه السلام، غذایی را که بین فقرا تقسیم می‌کرد در انبانی قرار می‌داد و به پشت مبارکش می‌گرفت و می‌برد، از این رو در پشت حضرت اثر آن باقی بود. «۵» یعقوبی نقل می‌کند: وقتی که امام سجاد علیه السلام را غسل می‌دادند، روی شانه‌های آن حضرت پینه‌ای مانند پینه زانوی شتر دیدند، از اعضای خانواده‌اش پرسیدند که این اثر چیست؟ گفتند: اثر بردن غذا در شهاست که به منازل فقرا می‌برد. «۶»

به هر حال، صدقات آن حضرت در پنهانی یکی از بزرگترین امور خیریه بوده و بیش از همه در پیشگاه خدا اجر و مزد دارد

(۱)

تنها رضای خدا را می‌جست

امام علیه السلام در کارهای خیر و احسانی که به مستمندان می‌کرد جز

(۱) صفة الصفوة: ۴۵/۲، الاتحاف بحب الاشراف: ص ۴۹.

(۲) الاغانی: ۳۲۶/۱۵.

(۳) بحار الانوار: ۶۲/۴۶.

(۴-۵) تذکره الحفاظ: ۱/ ۷۵.

(۶) تاریخ یعقوبی: ۳/ ۴۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۳۵

رضای خدا و هدفی جز برای عالم آخرت نداشت، به این ترتیب از بارزترین مصادیق این آیه شریفه بود:

«الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.» (۱)
«آنان که مالشان را در راه خدا انفاق کنند و به دنبال آن منتی نگذارند و آزاری نرسانند، پاداشی نیکو در نزد خدا دارند و از هیچ پیشامدی بیمناک نباشند.»

(۱) براستی بخششها و صدقات امام به فقرا تنها و فقط برای رضای خدا بود بدون شائبه هیچ غرضی از اغراض دنیوی که سرانجام آن به خاک مربوط می‌شود.

زهری نقل کرده، گوید: شب سردی امام علی بن حسین علیه السلام را دیدم انبان آردی بر دوش حمل می‌کرد، عرض کردم:

«پسر پیغمبر! این بار، چیست؟» امام (ع) در جواب من با صدای ضعیفی فرمود:

«عازم سفری هستم، توشه آن سفر را به محل امنی می‌برم.»

عرض کردم:

«اجازه بفرمایید غلام من برساند.»

امام علیه السلام جوابی نداد، زهری خواهش کرد: اجازه بفرمایید، خودم شخصا حمل کنم! اما امام به راه خود ادامه داد و فرمود:

«آری من از آنچه در سفر باعث نجات من و موجب راحتیم در طول مسافرت است دست بر نمی‌دارم تو را به حق خدا به کار خودت برس.»

زهری از امام علیه السلام جدا شد و پس از چند روز با آن حضرت ملاقات کرد و تصور می‌کرد که عازم سفر بوده است اما موفق نشده! عرض کرد:

(۱) بقره/ ۲۶۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۳۶

«یا بن رسول الله! گویا به آن مسافرتی که در نظر داشتید نرفته‌اید؟!» امام علیه السلام، قضیه را به او گفت و مطلع ساخت؛ سفری که آماده می‌شد و توشه لازم را فراهم می‌کرد، سفر آخرت بود، فرمود:

«زهری قضیه آن طور نیست که تو تصور کرده‌ای، بلکه مقصود من سفر مرگ بود که باید آماده شوم، آمادگی برای مرگ، دوری از محرمات و بذل و بخشش و تلاش در کار خیر است.» (۱)

انفاق امام علیه السلام به مستمندان برخاسته از طلب رضای خدا و کوشش برای رسیدن به مغفرت و رضوان الهی بود.

(۱)

پارسایی در دنیا

یکی دیگر از خصلت‌های والای امام سجاد، پارسایی در دنیا و بی‌اعتنایی به هر نوع دلخوشی دنیوی بود، براستی که امام زهد و پرهیز کامل از دنیا را پیشه کرده بود فریب و نیرنگ دنیا در او اثر نداشت و او واقعیت و حقیقت دنیا را بخوبی می‌شناخت و می‌دانست که انسان وقتی که در خوشیها و رفاه دنیا غرق می‌شود ناگزیر باید از این دنیا برود و جز عمل خیر چیزی را با خود نخواهد برد.

امام علیه السلام در عصر خود در میان مردم به زاهدترین مردمان شهرت داشت. از زهری پرسیدند که زاهدترین مردم کیست؟ گفت: علی بن حسین علیه السلام. روزی دید فقیری گریه می‌کند، متأثر شد و فرمود: «۲» «اگر تمام دنیا در دست این مرد بود و بعد از دست او می‌افتاد، سزاوار نبود که به خاطر آن گریه کند!» «۳». برآستی زهد امام به خاطر تحمل فقر و یا از

(۱) علل الشرائع: ص ۸۸، بحار الانوار: ۴۶/۶۵-۶۶.

(۲) بحار الانوار: ۴۶/۶۲.

(۳) فصول المهمه: ص ۱۹۲.

تعلیلی از زندگانی امام سجاده علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۳۷

باب اعتراف به عجز و یا قناعت بدون کار و کوشش نبود بلکه بر اساس تقوا و پرهیز از محرمات الهی بود و به خاطر آن که در امور دینی سخت جانب احتیاط را داشت، روش آن حضرت درست همان راه و روش جدش و پدر بزرگوارش بود که دنیا را طلاق داده بودند و جز به مقداری که برای عبادت و در راه رسیدن به فضیلت و پشتیبانی از حق لازم بود به امور دنیا اهمیت نمی‌دادند.

(۱)

امام با صوفیان

با توجه به پارسایی و اعراض کامل از دنیا صوفیان او را یکی از بزرگان خود دانسته‌اند و شرح حال مفصّلی از او را در کتابهای خود نوشته‌اند. «۱» از جمله کلاباذی از علوم و فضایل امام سخن گفته و مقامات آن حضرت را شرح داده است و پس از نقل احوال صحابه، حالات امام را در گفتار و رفتار توصیف نموده است. «۲» به عقیده من این مطلب اهمیت ندارد و در نهایت یک نگرش سطحی است زیرا که روش صوفیان ترک کامل زندگی دنیا و زیستن در غارها و لباسهای خشن بر تن کردن و غذاهای سخت خوردن و امور دیگری است که با واقعیت دین اسلام سازگار نیست، دینی که هیچ قانونی را مقرر نکرده است که باعث عسر و حرج برای مردم شود، در صورتی که آن زندگی که امام زین العابدین علیه السلام داشت با تصوّف متفاوت است؛ امام بهترین لباس را می‌پوشید، راویان نقل می‌کنند که آن حضرت جبّه خز و ردای خز می‌پوشید و عمامه‌ای از خز بر سر می‌نهاد «۳» و بعضی از محققانی که درباره تصوّف تحقیقاتی دارند عقیده کسی را که می‌گوید امام سجاده از صوفیه است به این ترتیب مردود شمرده می‌گویند: «زهد و

(۱) جمهره الاولیاء: ۲/۷۱، حلیه الاولیاء: ۳/۱۳۳.

(۲) التّعرف: ص ۱۱.

(۳) الصّلة بین التّشیع و التّصوّف: ۱/۱۶۹.

تعلیلی از زندگانی امام سجاده علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۳۸

پارسایی علی بن حسین علیهما السلام معنوی و عقلی و باطنی بوده است و این نوع زهد، بهتر و بالاتر از آن زهدی است که تنها به گرسنگی و لباس پشمینه پوشیدن مربوط می‌شود، زیرا که نوع اول برخاسته از عقل و ادراک بوده و بر اساس فطرت عمیق زندگی استوار است در صورتی که لباس (ممکن است) نوعی تظاهر باشد.» «۱»

(۱) برآستی سیره ائمه اهل بیت علیهم السلام در رد روش صوفیان بسیار روشن و واضح است. مورّخان می‌گویند: امام رضا علیه

السلام وقتی که مقام ولایتعهدی را قبول فرمود و مردم با وی به این عنوان بیعت کردند یکی از صوفیان عرض کرد: امامت نیاز به خوردن نان سبوس نگرفته و پوشیدن لباس خشن دارد. امام علیه السلام که به بالشی تکیه داده بود با شنیدن این سخن راست نشست و به این سخن ناروا چنین پاسخ داد:

«یوسف بن یعقوب، پیامبر بود و لباسهای فاخر با کمر بند زرین و پارچه‌های مصری زربفت به تن می‌کرد، جز این نیست که خداوند از امام و رهبر، عدالت و انصاف می‌خواهد، خداوند هیچ لباس و غذایی را بر او حرام نکرده است.» پس این آیه مبارکه را تلاوت فرمود: قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ ﴿۲﴾ یعنی: بگو ای پیامبر! چه کسی زینتهای خدا را که برای بندگانش آفریده، حرام کرده است؟!... ﴿۳﴾

براستی که این خلق و خوی والا هرگز و به هیچ صورت با تصوّفی که با طبیعت اسلام ناسازگار است، تطبیق نمی‌کند.

(۱) عیون اخبار الرضا.

(۲) اعراف / ۳۲.

(۳) عیون اخبار الرضا.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۳۹

(۱)

تنفر امام از بیهوده کاری

از جمله صفاتی که امام علیه السلام طبعاً متنفر بود، بیهوده کاری بود از زندگی بی‌هدف و بیهوده سخت ناراحت و متنفر بود و هرگز بدان گرایش نداشت و در تمام دوران زندگی کسی ندید که آن بزرگوار کاری بیهوده کند و یا بلند بخندد. و می‌فرمود:

«هر کسی یک بار بخندد، دانشی را از خود دور کرده است.»

در مدینه مرد هرزه‌گرایی بود که مردم را می‌خندانند، گفت: این مرد - یعنی امام زین العابدین علیه السلام - مرا عاجز کرده و نتوانسته‌ام او را بخندانم، تا این که روزی آن حضرت عبور می‌کرد و دو تن از غلامان همراهش بودند، آن مرد ردای حضرت را (از راه شوخی) از دوش مبارکش برداشت و فرار کرد امام علیه السلام بدون توجه به کار زشت او به راه خود ادامه داد، همراهان امام به دنبال او رفتند و ردای حضرت را از دست او گرفتند و بر دوش مبارکش انداختند، امام علیه السلام از ایشان پرسید:

«این مرد که بود؟» عرض کردند: او مرد دلچکی است که مردم مدینه را می‌خندانند! امام علیه السلام فرمود: «از قول من به او بگویید: خداوند روزی را آفریده است که در آن روز هر که عمرش را به بطلت بگذراند، زیان می‌برد.» ﴿۱﴾

(۱) امالی صدوق: ص ۲۲۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۴۰

(۱)

توجه به خدا

از بارزترین خصلتها و خصوصیات ذاتی امام علیه السلام توجه به خدا و گسستن از خلق بود و این ویژگی در مناجاتها و دعاها و عبادات آن حضرت که بیانگر نهایت ارتباط وی با خداوند آفریدگار و هستی‌بخش می‌باشد، تجسم یافته است.

امام علیه السلام کمال توجه را به خدا داشته و تمام امور و مقاصد خود را به او واگذار کرده بود و هیچ مشکلی برای او پیش نمی‌آمد مگر آن که به درگاه خدا می‌نالید و یقین داشت که توسل به دیگری جز ناامیدی و خسران نتیجه‌ای ندارد. مورخان نقل کرده‌اند که امام علیه السلام عبور می‌کرد، مردی را دید که بر در خانه یکی از ثروتمندان نشسته است، رو به او کرد و فرمود: «چرا در منزل این خوش گذران ستمگر نشسته‌ای؟» - «به خاطر گرفتاری - یعنی تنگدستی و بیچارگی» - «برخیز! تا تو را به در خانه کسی ببرم که از در این خانه بهتر است و به صاحب خانه‌ای راهنمایی کنم که از این بهتر است.»

آن مرد از جا برخاست و امام (ع) او را به همراه خود برد تا در مسجد پیامبر خدا (ص) رساند، آنگاه رو به وی کرد و فرمود: «رو به قبله بنشین، و دو رکعت نماز بخوان، سپس دست به دعا به پیشگاه خدای تعالی بردار و بر پیامبر (ص) صلوات بفرست و آنگاه تا آخر سوره حشر و شش آیه از اول سوره حدید و دو آیه از اول سوره آل عمران را بخوان و بعد از خدای سبحان حاجتت را بخواه که چیزی نخواهی خواست مگر آن که برآورده می‌سازد.» «۱»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام ج ۱ ص ۱۴۰ توجه به خدا ص : ۱۴۰

(۱) الجنّة الواقیة و الجنّة الباقیه کفعمی: ص ۱۹۰ خطی موجود در کتابخانه آقای حکیم بشماره مسلسل ۱۲۷۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۴۱

(۱)

موارد دلپذیر از توجهات امام

اشاره

نمونه توجه و اخلاص فوق العاده امام زین العابدین علیه السلام به درگاه خدا صحیفه سجادیه است که انجیل آل محمد (ص) و تجسم میزان تمسک و دلبستگی امام (ع) به خدای متعال است که ما ذیلاً مواردی از آن را نقل می‌کنیم:

(۲)

۱- توسل به خدا

امام سجاد علیه السلام با قلبی پاک و تمام وجود به خدا ملتجی می‌شد و تمام امور خود را از خرد و کلان به او واگذار می‌کرد، دعای ذیل بیانگر این حالت امام است:

«اللّهُمَّ انْ تَشَأْ تَعَفَّ عَنَّا فَبِفَضْلِكَ، و انْ تَشَأْ تَعَذِّبْنَا فَبِعَدْلِكَ، فَسَهِّلْ لَنَا عَفْوَكَ بِمَنِّكَ، و اجْرنا منْ عذابِكَ بتجاوزِكَ، فَانّه لا طاقَةَ لَنَا بِعَدْلِكَ، و لا نِجاةَ لِأحدٍ مِّنَّا دُونَ عَفْوِكَ، يا غَنِيّ الأَغْنِياءِ ها نحنْ عبادُكَ بينَ يَدَيْكَ، و انا افقرُ الفقراءِ اليكَ، فاجبرْ فاقْتنا بوسْعِكَ، و لا تَقطعْ رِجاءنا بِمَنعِكَ، فَتكونْ قَدْ اشقيتْ منْ اسْتسعدْ بِكَ، و حرمتْ منْ اسْتَرْفدْ فَضْلَكَ فاليّ منْ حينئذٍ منْقَلبنا عَنكَ و اليّ اينْ مذهبنا عَن بابِكَ، سبحانَكَ نحنُ المْضطرونّ الَّذينَ اوجبتْ اجابْتهم، و اهلُ السُّوءِ الَّذينَ وعدتْ بالكشفِ عنهم، و اشبهُ الأشياءِ بِمشيْتِكَ، و اوليّ الامورِ بِكَ في عِظْمَتِكَ، رحمةً منْ اسْترحمَكَ، و غوثٌ منْ اسْتغاثْ بِكَ، فارحمْ تضرّعنا اليكَ و اغننا إذْ طرَحنا انفسنا بينَ يَدَيْكَ، اللّهُمَّ انّ الشَّيْطانَ قَدْ شمتْ بنا اذْ شايَعناه على معصيتِكَ، فَصَلِّ على مُحَمَّدٍ و آلِهِ، و لا تَشمتْ بنا بعدْ ترْكنا اِيّاهُ لَكَ، و رَغبتنا عنه اليكَ.» «۱»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۴۲

تشمته بنا بعد ترکنا اياه لک، و رغبتنا عنه اليک.» «۱»

«پروردگارا تو اگر بخواهی از گناهان ما بگذری به خاطر لطفی است که بر ما داری و اگر بخواهی ما را عذاب کنی، به اقتضای عدل خود عذاب کرده‌ای. پس (حال که به هر دو توانایی) بر ما منت بگذار و عفو و بخشش را شامل حال ما گردان و با گذشت خود ما را از عذاب نجات ده، زیرا که ما طاقت تحمل عدالت تو را نداریم و هیچ کدام از ما را نیز از عذاب تو جز آن که ببخشی راه نجاتی نیست ای بی‌نیازترین بی‌نیازها ما بندگان محتاج در پیشگاه تو ایستاده‌ایم در حالی که بیچاره‌ترین بیچارگانیم، نیاز ما را به کرم و بزرگواریت بر آورده فرما و ما را ناامید مگردان، زیرا اگر امید ما را قطع کنی و از لطف خود محروم گردانی، بیچاره و محروم خواهیم بود، در آن صورت به چه کسی رو آوریم و به درگاه که پناه ببریم، ای خداوند تو منزهی و ما بندگان در مانده‌ای هستیم که به واسطه بزرگواریت اجابت دعای آنان را بر خود لازم گردانیده‌ای، و از آن بدکارانی هستیم که وعده رفع گرفتاری از ایشان را داده‌ای، خداوند! شبیه‌ترین امور به مشیت تو و باسابقه‌ترین کارها در ذات مقدس تو، گذشت و بخشش نسبت به کسی است که از تو طلب بخشش کند و کمک به کسی است که از تو یاری بطلبد، پس خداوند! به آه و ناله ما رحم کن و ما را بی‌نیاز گردان زیرا که ما خود را به عنایت تو سپرده‌ایم. خداوند! همان شیطانی که ما در ارتکاب معصیت از او پیروی کردیم ما را سرزنش می‌کند، پس تو بر محمد و آلش درود بفرست و اجازه مده که شیطان پس از آن که از او رو گردانده و به درگاه تو رو آورده‌ایم ما را ملامت کند...»

(۱) صحیفه سجادیه: دعای دهم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۴۳

براستی در این دعای شریف میزان توجه امام علیه السلام به درگاه خدا و توسل آن حضرت نمودار است، زیرا می‌بینیم که امام نیازمندی و حاجت مبرم خود را به عفو و کرم خداوند ابراز داشته و از او می‌طلبد تا از فیض و کرمش محروم نفرماید و امیدش را ناامید نسازد تا این که پس از سعادت‌مندی به وسیله معرفت خدا به شقاوت گراید، امام علیه السلام خواری و زاری خود را در پیشگاه آفریدگار بزرگ چنان ابراز داشته که بالاترین پرهیزگاران و پناهندگان به خدای تعالی، ابراز می‌دارند.

(۱)

۲- تنها توجه به خدا

امام علیه السلام از غیر خدا گسسته و فقط به خدا توجه و ایمانی راسخ و بدون شائبه داشت و معتقد بود که تمام سرچشمه‌های سود و توانایی به دست خداست و بس و پناهندگی به ما سوای او، در حقیقت پناه بردن به چیزی بی‌سود و زیان است. اینک به دعای آن حضرت گوش فرا می‌دهیم:

(۲) «اللَّهُمَّ اِنِّي اَخْلَصْتُ بِانْقِطَاعِي اليكَ، و اقبلت بكلي عليك، و صرفت وجهي عمّن يحتاج، الي رفدك، و قلبت مسألتي عمّن لم يستغن عن فضلك، و رايت انّ طلب المحتاج الي المحتاج سفه من رايه، و ضلّه من عقله، فكم قد رايت يا الهى من اناس طلبوا العزّ بغيرك فذلوا، و راموا الثروة من سواك فافتقروا، و حاولوا الارتفاع فأتضعوا، فصحّ بمعانته امثالهم حازم، وفقه اعتباره، و ارشده الي طريق صوابه اختباره، فانت يا مولاي دون كلّ مسؤل موضع مسألتي، و دون كلّ مطلوب اليه وليّ حاجتي، انت المخصوص قبل كلّ مدعوّ بدعوتي، لا يشر كك احد في رجائي، و لا يتفق احد معك في دعائي، و لا ينظمه و اياك ندائي، لك يا الهى وحدائيّة العدد، و ملكه القدرة»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۴۴

الصّمد، و فضيلة الحول و القوّة، و درجة العلوّ و الزّفعة، و من سواك مرحوم في عمره، مغلوب على امره، مقهور على شانه، مختلف

الحالات، منتقل فی الصفات، فتعالیت عن الأشباه والأضداد، و تکبرت عن الأمثال والأنداد، فسبحانک لا اله الا انت.» (۱)

«خداوندا من به خاطر اخلاصی که به تو دارم از همه کس بریده و رو به تو آورده‌ام و تمام وجودم متوجه به سوی لطف و کرم توست و از کسانی که خود به فضل تو نیازمندند رو گردانیده و به سوی تو آمده‌ام، و دریافتم که اظهار نیاز به کسی که خود نیازمند است دلیل بی‌خردی و کج‌اندیشی است، پس چه بسیار مردمی را دیدم که از غیر تو عزت خواستند و ذلیل و خوار شدند و از دیگران ثروت خواستند، فقیر شدند و خواستند تا به وسیله دیگران به مقامات والا برسند، پست و زبون شدند. خداوندا با وجود دیدن چنین مردمانی سزاوار است که عاقل راه دوراندیشی و پندآموزی را در پیش گیرد و راه صحیح را برای رسیدن به هدف انتخاب کند، پس ای مولای من از همه عالم تنها از تو مسألت می‌نمایم و حاجت می‌طلبم که نسبت به هر مطلوبی تو برآورنده حاجت من هستی و تو پیش از همه مخصوص به دعای منی، و در امیدواریم به درگاهت کسی را شریک تو نمی‌دانم و هیچ کس را در دعایم به همراه تو نمی‌خوانم، پس ندای من تنها به جانب توست ای خداوندی که در خدایی یگانه‌ای و ملک و قدرت و بی‌نیازی در هر کار مخصوص تو و فضیلت و برتری نیرو و توان و مقام بلند و عظمت از آن توست. و جز تو تمام موجودات در هستی خود نیازمند رحمت تو و مقهور آفرینش تو هستند و تمام موجودات متغیّرند و صفات گوناگون دارند، تنها تویی که از مثل و مانند مبرا و منزهی پس تو شایسته تسبیح و تقدیسی زیرا که غیر از تو خدایی نیست.»

(۱) صحیفه سجاده: دعای بیست و هشتم.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۴۵

در این صفحه زرّین بخوبی میزان توجه امام علیه السلام به خدای تعالی احساس می‌شود که چگونه آن حضرت با تمام وجود و همه عواطفش متوجه خدا بوده و روی دلش را از غیر خدا و همه مخلوقات که خود محتاج به بخشش و عطای او هستند بر تافته است، زیرا که امیدوار بودن و آرزو داشتن به غیر خدا از نادانی و کج‌اندیشی است. امام علیه السلام تمام امور سودبخش و همه نیرو را منحصر به خدای تعالی دانسته و کسانی که عزّت و ثروت و مقام را از راه غیر خدا می‌طلبند، سرزنش کرده است زیرا همه آنان سرانجام ناامید گشته و زیان می‌برند، همگی خوار، محتاج و درمانده می‌شوند، بنا بر این هر که طالب خیر، عزّت و کرامت است باید به خدا چنگ بزند و از غیر خدا بگسلد که حقیقت همه چیز در دست اوست و اما غیر او در تمام دوران زندگیش قابل ترحم است و در تمام امور و افعالش مقهور است ... این دعای شریف بیانگر ایمان راستین و حقیقت توحید و یکتاپرستی است.

(۱)

۳- عرض حاجت به پیشگاه خدا

از جمله آثار توجه آن حضرت به خدای تعالی آن است که فقط حاجت خود را از او می‌طلبد زیرا او منبع فیض، رحمت و احسان است و همواره متوجه خدا بوده و به وسیله این دعای شریف او را می‌خواند:

«اللّهُمَّ یا منتهی مطلب الحاجات، و یا من عنده نیل الطّلبات، و یا من لا یبیع نعمه بالأیمان، و یا من لا یکدر عطایاه بالامتنان، و یا من یستغنی به، و لا یستغنی عنه، و یا من یرغب الیه، و لا یرغب عنه، و یا من لا تفنی خزائنه المسائل، و یا من لا تبدل حکمته الوسائل، و یا من لا تنقطع عنه حوائج المحتاجین، و یا من لا یعتبه دعاء الدّاعین، تمدّحت بالغناء عن خلقک، و انت اهل الغنی عنهم، و نسبتهم الی الفقر، و هم اهل الفقر الیک،

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۴۶

فمن حاول سدّ خلّته من عندک، و رام صرف الفقر عن نفسه بک، فقد طلب حاجته فی مظانّها، و اتی طلبته من وجهها، و من توجه

بحاجته الی احد من خلقک، او جعله سبب نجاتها دونک فقد تعرّض للحرمان، و استحقّ من عندک فوت الإحسان ...

«ای خداوندی که آخرین مقصد حاجتمندانی و ای خدایی که تنها به لطف تو حاجتمندان به حاجت خود می‌رسند، و ای خدایی که نعمتهایت را با پول و مادیات نمی‌فروشی و ای آن که نعمتهایت را به وسیله منت تیره و ناگوار نمی‌سازی و ای خداوندی که با کمک تو می‌توان از همه کس بی‌نیاز شد ولی کسی از تو بی‌نیاز نمی‌گردد، ای خدایی که همه (به حکم فطرت) به تو گرایش دارند و کسی از تو رو گردان نیست، ای بخشنده‌ای که درخواست بندگان گنجینه‌های تو را تمام نکند و ای خدایی که هیچ اسباب و عللی نمی‌تواند در حکمت تو تغییری به وجود آورد، و ای آن که نیازمندان از تو قطع نگرند و ای کسی که اجابت دعای درخواست کنندگان باعث زحمت نشود. خداوند! تو خودت را به بی‌نیازی از خلق ستوده‌ای، در حالی که از ایشان بی‌نیازی و خلق را به فقر و نیاز توصیف کرده‌ای در حالی که ایشان به تو نیازمندند، پس هر کس از تو حاجت طلبید، خوب فهمیده و حاجتش را از کسی خواسته که سزاوار بوده است و هر که به کس دیگری از مخلوقات عرض نیاز کرد و دیگری را وسیله نجات دانست، بطور یقین خود را در معرض نومیدی قرار داده و سزاوار است تا از احسان تو محروم گردد.»

(۱) اللَّهُمَّ وَلِيَّ الْيَكِّ حَاجَةٌ قَدْ قَصِرَ عَنْهَا جَهْدِي، وَ تَقَطَّعَتْ دُونَهَا حِيلِي، وَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي رَفْعَهَا إِلَيَّ مِنْ يَرْفَعُ حَوَائِجَ الْيَكِّ، وَ لَا يَسْتَعْنِي فِي طَلْبَاتِهِ عَنكَ، وَ هِيَ زَلَّةٌ مِنْ زَلَلِ الْخَاطِئِينَ، وَ عَثْرَةٌ مِنْ عَثْرَاتِ الْمَذْنِبِينَ، ثُمَّ

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۴۷

انتهت بتذکیرک لی من غفلتی، و نهضت بتوفیقک من زلتی، [و رجعت] و نکصت بتسدیدک عن عثرتی، و قلت: سبحان ربّی کیف یسال محتاج محتاجا و ائی یرغب معدم الی معدم؟ فقصدتک یا الهی بالزغبه، و اوفدت علیک رجائی بالثقة بک، و علمت انّ کثیر ما اسالک یسیر فی وجدک، و انّ خطیر ما استوهبک حقیر فی وسعک، و انّ کرمک لا یضیق عن سؤال احد، و انّ یدک بالعطاء اعلی من کلّ ید ...

«خداوند! به درگاه تو نیازی دارم که خود از انجام آن ناتوانم و چاره‌ای برای آن ندارم و آن حاجت مرا بیچاره و درمانده کرده است، و هوای نفس مرا وادار می‌کرد تا رفع آن حاجت از دیگری بخواهم، در صورتی که او نیز به وقت حاجت در خانه تو می‌آید و از تو بی‌نیاز نیست، در صورتی که رفتن به در خانه کسی غیر از در خانه تو از لغزشهای خطاکاران و خود گناهی از جمله گناه گنهکاران است سپس به خود آمدم و توفیقی که تو به من دادی از لغزشم بازداشت و بازگشتم و به لطف تو به اشتباهم پی بردم و با خود گفتم: منزّه است پروردگارم، چگونه ممکن است بنده محتاج از محتاج دیگری و تهیدستی از تهیدست دیگری حاجت بخواهد؟ این بود که خداوند! با اشتیاق تمام آهنگ درگاه تو را کردم و با منتهای امیدواری به درگاه تو شتافتم در حالی که می‌دانستم نیازهای من - هر چند زیاد است در نزد دریای کرم تو ناچیز است و بزرگترین بخششی که من درخواست دارم در مقابل رحمت واسعه تو اندک است و کان بخشندگی تو از انجام درخواست کسی، کم نشود و دست عطا و بخشش بالاترین دستهاست.»

(۱) اللَّهُمَّ فَضَّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ آلَهُ وَ احْمِلْنِي بِكَرَمِكَ عَلَيَّ التَّفَضُّلِ، وَ لَا تَحْمِلْنِي بِعَدْلِكَ عَلَيَّ الْاِسْتِحْقَاقِ، فَمَا اَنَا

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۴۸

بأول راعب راعب الیک فاعطيته، و هو یستحقّ المنع، و لا بأول سائل سائلک فأفضلت علیه، و هو یستوجب الحرمان ...

«خداوند! بر محمد و آل محمد درود فرست، و به فضل و کرمت بار تکلیف را بر دوشم نه، نه آن که بر اساس عدالت خود مرا مکلف گردانی، زیرا من نخستین کسی نیستم که با پای اراده و اشتیاقم به درگاه تو رو آورده‌ام و تو هم مشمول فضل خود فرموده‌ای در صورتی که استحقاق آن لطف را نداشته‌ام. و نیز من اول فردی نیستم که از درگاه تو مسألت دارم و تو با وجود عدم استحقاق احسان کرده‌ای.»

(۱) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ آلَهُ، وَ كُنْ لِدَعَائِي مُجِيبًا، وَ مِنْ نَدَائِي قَرِيبًا، وَ لِتَضَرُّعِي رَاحِمًا، وَ لِصَوْتِي سَامِعًا، وَ لَا تَقْطَعْ رَجَائِي عَنكَ،

و لا تبت سببی منک، و لا توجهنی فی حاجتی هذه و غیرها الی سواک، و تولّنی بنجح طلبتی و قضاء حاجتی و نیل سؤلی قبل زوالی عن موقفی هذا بتیسیرک لی العسیر، و حسن تقدیرک لی فی جمیع الأمور، و صلّ علی محمّد و آله صلاة دائمة نامیة لا انقطاع لأبدها، و لا منتهی لأمدها، و اجعل ذلك عوناً لی و سبباً لنجاح طلبتی، انّک واسع کریم.

«خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست: و به خاطر ایشان دعای مرا اجابت فرما و به نوای من توجه کن و به ناله و زاریم رحم کن و به صدای من گوش فراده و مرا از فضل و کرم محروم مفرما و این توسّل مرا از عنایت خود قطع مکن و در این حاجت و دیگر حاجت‌هایم به دیگران متوجه مساز و با رفع حاجتم به خواسته‌هایم موفق گردان قبل از آن که از اینجا به در خانه دیگری بروم، و با آسان کردن مشکلات و حسن تقدیرت در تمام کارهایم درود و رحمتی که روزافزون و بی‌پایان باشد و این دعای تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۴۹»

مرا وسیله توسّل و اجابت و برآوردن حاجتم قرار ده زیرا که رحمت تو فراگیر است و تو خود کریمی.»

امام علیه السلام، پس از این دعا، حاجت خود را می‌طلبید آنگاه به سجده می‌رود و در حال سجده می‌گوید:

«فضلک آنسنی و احسانک دلّنی، فاسالک بک و بمحمّد و آله صلواتک علیهم ان لا تردّنی خائباً.» (۱)

«خداوندا! فضل و کرم تو باعث شده تا من با تو انس بگیرم، بنا بر این از تو تقاضا دارم به خاطر محمد و آل محمد- درود و رحمت تو بر ایشان باد- مرا از درگاهت ناامید بازنگردان.»

(۱) این دعای شریف از شدت توسّل و تمسک امام علیه السلام به خدا و ایمان فوق العاده او حکایت دارد، برآستی که او به یکتایی خداوند یقین دارد که او آخرین مقصد حاجتمندان است و اوست که نعمتها و الطافش را به بندگان ارزانی می‌دارد، و در برابر پول و مال معامله نمی‌کند و با منت نهادن بر آنها تیره نمی‌سازد، با بخشش و کرم اوست که آدمی بی‌نیاز می‌گردد و تمام مردم به احسان او نیازمندند و به کرم او محتاجند، در حالی که او از همه گان بی‌نیاز است. و برآستی که هوشیار و آگاه آن کسی است که برای برطرف کردن مشکلات و رفع نیاز خود تنها به خدای یکتا پناه ببرد و اما آن کسی که برای رفع مهمات و قضای حاجاتش به دیگری رو آورد خود را در معرض ناامیدی و از دست دادن احسان و بخشش قرار داده است. امام علیه السلام ناله و زاری در درگاه خدا را با درخواست آمرزش و رضوان از او، آغاز می‌کند و عرض می‌کند، هر چند درخواست او از خدای تعالی مهم باشد نسبت به کرم نامتناهی او که صاحب

(۱) صحیفه سجادیه: دعای سیزدهم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۵۰

عطایا و احسان گسترده می‌باشد، ناچیز و اندک است و دست فیض و بخشایش و کرمش از هر دست بخشنده و سخاوتمند بالا و برتر است.

حقاً که این امام بزرگوار، سید العارفین و امام المتّقین است و در دعا‌های این بزرگوار و راز و نیازهایش با خدا دیدگاه‌های جالبی برای اصلاح نفوس از گمراهی و سرکشی و انحراف به چشم می‌خورد.

(۱)

۴- تضرع در پیشگاه خداوند

از نمونه‌های توجه به خدا این است که آن حضرت همواره به درگاه خدا اظهار عجز و لابه می‌کرد و از جمله دعای شریف ذیل را می‌خواند:

«الهی احمدک - و انت للحمد اهل - علی حسن صنعک الی، و سبوغ نعمائک علی، و جزیل عطائک عندی، و علی ما فضّلتنی من رحمتک، و اسبغت علی من نعمتک، فقد اصطنعت عندی ما یعجز عنه شکری، و لو لا احسانک الی و سبوغ نعمائک علی ما بلغت احراز حظی، و لا اصلاح نفسی، و لکنک ابتدأتنی بالإحسان، و رزقتنی فی اموری کلّها الکفایه، و صرفت عنی جهد البلاء، و منعت عنی محذور القضاء ...»

«خداوندا! تو را حمد و سپاس می گویم، چه تو تنها سزاوار حمد و سپاسی که در آفرینش من به نیکی خلق کرده‌ای و نعمتهایت را بر من ارزانی داشته‌ای و بخشش زیادی به من فرموده‌ای و به قدری به من احسان کرده‌ای که از شکر آنها عاجزم و اگر لطف و احسان تو و انواع نعمتهای تو نبود هرگز به این مرحله از بهره نرسیده بودم و نمی توانستم نفس خویش را اصلاح کنم اما تو از آغاز خلقتم در حقم احسان فرموده و در تمام کارها مرا کفایت فرموده‌ای و رنجها و مشقتها را از من برطرف کرده‌ای و قضا و قدر بد را از من دور کرده‌ای.»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۵۱

(۱) الھی: فکم من بلاء جاهد قد صرفت عنی، و کم من نعمه سابقه اقررت بها عینی، و کم من صنیعه کریمه لک عندی، انت الذی أجب عند الاضطرار دعوتی، و اقلت عند العثار زلتی، و اخذت لی من الأعداء بظلامتی الھی، ما وجدتك بخيلا حين سألتک، و لا منقبضا حين أردتک وجدتك لدعائي سامعا، و لمطالبی معطيا، و وجدت نعماک علی سابقه فی کلّ شان من شانی، و کلّ زمان من زمانی، فانت عندی محمود، و صنعک لدی مبرور، نعمدک نفسی و لسانی و عقلی حمدا يبلغ الوفاء و حقیقه الشکر حمدا یکون مبلغ رضاک عنی، فنجنی من سخطک یا کهفی حين تعیننی المذاهب، و یا مقیلی عثرتی، فلولا - سترک عورتی لکنت من المفضوحین، و یا مؤیدی بالنصر، فلولا نصرک ایای لکنت من المغلوبین، و یا من وضعت له الملوک نیر المذله علی اعناقها، فهم من سطواته خائفون و یا اهل التقوی، و یا من له الأسماء الحسنی، أسألك ان تعفو عنی، و تغفر لی، فلست بریئا فاعتذر، و لا بدی قوه فانتصر، و لا مفز لی فافز، و استقیلک عثراتی، و أنتصل الیک من ذنوبی الّتی قد أوبقتنی، و احاطت بی فاهلکتنی، منها فررت الیک ربّ تائباً، فتب علی متعوذاً، فاعذنی مستحیراً، فلا تخذلی سائلاً، فلا تحرمنی معتصماً، فلا تسلمنی داعياً، فلا تردنی خائباً، دعوتک یا ربّ مسکیناً مستکیناً مشفقاً خائفاً، و جلا فقیراً، مضطراً الیک، اشکو الیک یا الھی ضعف نفسی عن المسارعه فی ما وعدته اولیاءک و المجانبه عما حذرته أعداءک، و کثره همومی، و وسوسه نفسی ...»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۵۲

«خداوندا! چه بسیار بلاهای طاقت فرسا را که از جان من دور کرده‌ای و چه بسیار نعمتهایی که مرحمت فرموده و چشم و دلم را با آنها روشن نموده‌ای و چه بسیار عنایتها و رفتار کریمانه‌ای که در وجود من داشته‌ای. تو آن خدایی هستی که در وقت بیچارگی هر گاه به تو پناه آوردم دعایم را اجابت کرده‌ای و از لغزشهایم در گذشته‌ای و حقم را از دشمنانم بازستانده‌ای، خداوندا! تو را از هر درخواستی که کرده‌ام، بخیل و ممسک نیافته‌ام بلکه هر گاه رو به تو آورده‌ام دعایم را مستجاب و درخواستم را اجابت کرده‌ای همواره نعمتهایت را بیش از آنچه استحقاق داشته‌ام به من داده‌ای و پیش از رسیدن وقت، هر نعمتی که لازم بوده مرحمت کرده‌ای پس خداوندا تو در نظر من ستوده و آنچه با من کرده‌ای شایسته شکر و سپاس است؛ به جان، زبان و عقلم تو را سپاس می گویم چنان حمد و سپاسی که فوق العاده و شایسته ذات مقدس تو باشد و باعث خشنودی تو گردد. پس خداوندا! مرا از غضب خودت نجات ده آن هنگام که من از هر سو وامانده باشم و ای آن که از لغزشهای من می گذری که اگر این پرده پوشی تو نبود من از جمله رسواشدگان بودم. ای خداوندی که خودت مرا یاری کردی که اگر کمک تو نبود هر آینه در برابر مشکلات مغلوب بودم، ای آن که گردن پادشاهان زیر یوغ مذلت تو قرار دارد و همه آنان در برابر قهر و شوکت تو بیمناکند، ای خداوندی که اهل تقوا و بخششی و ای آن که اسماء نیکو داری، خداوندا از تو تقاضای عفو دارم گناهانم را ببخشی زیرا من خودم را مبرّا نمی دانم از این رو

پوزش می‌طلبم و نیرو و قدرتی ندارم، تا به آن متکی باشم و راه فراری ندارم تا از کیفر تو فرار کنم، پس از درگاهت تقاضای عفو می‌کنم و برای عذرخواهی به درگاهت آمده‌ام، گناهانم را اگر نبخشی مرا هلاک می‌کنند و از آن گناهان با حال توبه رو به درگاه تو آورده‌ام، تو هم از لطف و کرمت توبه مرا بپذیر و مرا پناه ده و خوارم بر مگردان و در حالی که به لطف تو رو

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۵۳

آورده‌ام مرا محروم مفرما و مرا همچنان وامگذار و دست رد به سینه‌ام مزن.

خداوندا در حال درماندگی، بیچاره و هراسان، فقیر و ناتوان و مضطرب تو را می‌خوانم و از ناتوانیم به تو شکایت دارم که نه قدرت آن را دارم که سوی آن مقام والایی که به دوستانت وعده فرموده‌ای بشتابم و نه نیرویی که از وعده‌های عذابی که به دشمنانت داده‌ای دوری کنم و از زیادی غمها و وسوسه‌های هوای نفسم به تو شکایت می‌کنم.»

(۱) الهی: لم تفضحنی بسریرتی و لم تهلکنی بجریرتی، ادعوک فتجیننی و ان کنت بطیثا حین تدعونی، و اسالک کلّ ما شئت من حوائجی، و حیث ما کنت وضعت عندک سرّی فلا ادعو سواک، و لا ارجو غیرک لییک، لییک تسمع من شکا الیک، و تلقی من توکل علیک، و تخلّص من اعتصم بک، و تفرّج عمّن لاذبک ...

«خداوندا! مرا به اخلاق زشتم و گناهان پنهانم رسوا مکن، از تو درخواست می‌کنم مرا اجابت فرما هر چند که من سست و کاهلم در وقتی که تو مرا به اطاعت خود می‌خوانی. خداوندا! هر حاجتی که دارم از تو درخواست می‌کنم و هر جا که باشم راز دلم را به تو می‌سپارم و جز تو کسی را نمی‌خوانم و غیر از درگاه رحمت تو به هیچ کس امیدوار نیستم، خدایا! لییک لییک! هر که به پیشگاه تو شکایت کند می‌شنوی و هر که به تو توکل کند او را کفایت می‌کنی و هر که از درگاهت ایمنی بخواهد نجات می‌دهی و هر که به تو پناه آورد گشایشی می‌بخشی.»

(۲) الهی: فلا- تحرمنی خیر الآخرة و الأولى لقلمة شکری، و اغفر لی ما تعلم من ذنوبی، و ان تعذب فانا الظالم المفترط المضیع الآثم المقصر المضجع المغفل حظّ نفسی، و ان تغفر فانت ارحم الراحمین.»

«خدایا به خاطر سپاس اندکم مرا از نیکیهای دنیا و آخرت محروم

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۵۴

مکن و تمام گناهانی را که تو می‌دانی ببامرز، اگر تو مرا عذاب کنی به آن جهت است که من شایسته عذابم و بر خود ستم کرده‌ام و به راه خطا و قصور رفته و گنهکارم ولی اگر از راه لطف مرا ببخشی که تو بخشنده‌ترین بخشندگانی.» (۱)

امام علیه السلام این دعای شریف را با نهایت درماندگی و زاری و افتادگی در پیشگاه خداوند بزرگ عرضه می‌کند، در حالی که از روی ایمان و معرفت و اخلاص او را می‌ستاید و به ناتوانی خود از ادای شکر نعمتهایی که به او ارزانی داشته و الطاف فراوانی که به او فرموده، اعتراف می‌کند و پس از آن با حالت پناهندگی و تمسک به درگاهش از او آمرزش و بخشش می‌طلبد. و امام علیه السلام آن چنان خوف و ترس از عذاب خدا را اظهار کرده است که اعماق جانها و بند بند دلها را می‌لرزاند.

(۱)

۵- اظهار ذلت در پیشگاه خدا

امام سجاد علیه السلام در محبت خدا غرق بود و حد اعلاّی اخلاص را داشت، در پیشگاه خداوند می‌نالید و در برابر عظمت او اظهار ذلت می‌کرد که از جمله مظاهر ابراز ذلتش در درگاه خدا این دعای شریف است:

«ربّ افحمتنی ذنوبی، و انقطعت مقالتی، فلا- حجة لی، فانا الأسیر بیلیتی، المرتهن بعملی، المتردد فی خطیثی، المتحیر عن قصدی، المنقطع بی، قد اوقفت نفسی موقف الأذلاء المذنبین، موقف الأشقیاء المتجرین علیک، المستخفین بوعدک، سبحانک ایّ جرأة

اجترات علیک، و ایّ تغریر غرّرت بنفسی؟! مولای ارحم

(۱) صحیفه سجاده: دعای پنجاهم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۵۵

کبوتی لحرّ وجهی، و زلّمه قدمی، و عد بحلمک علی جهلی، و باحسانک علی إساءتی، فانا المقرّ بذنبی، المعترف بخطیّتی، و هذه یدی و ناصیتی استکین بالقدود من نفسی، ارحم شیبتی، و نفاذ ایامی، و اقتراب اجلی، و ضعفی، و مسکنتی، و قلّه حیلتی، مولای: و ارحمنی اذا انقطع من الدنیا اثری، و امحی من المخلوقین ذکری، و کنت فی المنسین کمن قد نسی، مولای و ارحمنی عند تغیر صورتی و حالی اذا بلی جسمی، و تفرّقت اعضائی، و تقطّعت اوصالی، یا غفلتی عمّا یراد بی، مولای و ارحمنی فی حشری و نشری و اجعل فی ذلک الیوم مع اولیائک موقفی، و فی احبائک مصدری، و فی جوارک مسکنی یا ربّ العالمین.» (۱)

«پروردگارا! گناهانم مرا مغلوب کرده و از سخن گفتن بازمانده‌ام، از این رو حجت و برهانی ندارم به رنج و سختی گرفتار و در گرو اعمالم و در گرداب گناهان سرگردان، و در راه خویش وامانده‌ام، نفس خود را در جایگاه گنهکاران واداشته‌ام و در جای آن نگون‌بختانی که بر تو گستاخی نموده‌اند؛ آنان که وعده تو را ناچیز شمرده‌اند، خداوندا! تو منزّه و پاکی به کدام جرأت و بی‌باکی بر تو جرأت کردم و به کدام گستاخی خود را به هلاکت و تباهی در افکندم! ای مولای من به افتادن با تمام رخسارم و به لغزیدن پایم رحم کن و به حلم و بردباریت بر نادانیم، و به احسان و نیکیت بر بدکرداریم عفو فرما، زیرا که من به گناه خود معترفم و به خطای خویش اعتراف می‌کنم، اینک این دست و موی پیشانی من است که در اختیار توست و من زاری می‌کنم و خود را برای کیفر و مجازات تو

(۱) صحیفه سجاده: دعای پنجاه و سوم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۵۶

آماده کرده و تسلیمم. بر پیریم و پایان رسیدن روزهای زندگی و نزدیک شدن مرگم و ناتوانی و نیازمندیم و درماندگیم رحم کن. ای مولای من! وقتی که نشان من از دنیا بریده و نامم از میان خلائق محو شود و مانند شخص فراموش شده از جمله فراموش شدگان باشم به من رحم کن. مولای من هنگام دگرگونی شکل و احوالم و هنگام پوسیدن بدنم و از هم پاشیدن جسمم و پاره شدن مفاصلم به من رحم کن، ای وای از غفلت و بی‌خبری من از هدفم! ای مولای من! مرا در برانگیخته شدن و زنده گشتنم و ایستادن با دوستان در قیامت و بازگشتنم در میان یاران و منزل گزیدن در جوارت رحم کن ای پروردگار جهانیان.»

(۱) براستی که ایمان به خدا تمام دل و تمایلات فطری و حرکات جسمانی و دیدگاههای اعضا و جوارح و رفتار و سلوکش را پر کرده است و به خاطر همین جنبه فوق العاده ایمان است که سزاوار لقب امام المتّقین و سید المنینین را یافته است. در اینجا سخن ما درباره برخی از خصلتهای روحی و خصوصیات ذاتی آن حضرت پایان گرفت.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۵۷

امامت

اشاره

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۵۹

(۱) امامت امامت در ساختار تفکر سیاسی و فرهنگی اسلام، عنصر فعال و حیاتبخش است و از رسالت جاودانه اسلامی جدایی ناپذیر بلکه جوهره و حقیقت آن است، به گونه‌ای که اسلام بدون امامت، فاقد واقعیتها و فعالیت‌های لازم، بلکه آیینی جامد و نمایی بی‌محتوا و کالبدی بدون حیات و احساس می‌باشد.

اکنون بطور اختصار درباره شئون امامت و همچنین امامت امام زین العابدین علیه السلام و سخنان آن حضرت درباره امامت بحث و گفتگو می‌کنیم.

(۲)

معنای امامت

معنای امامت- بطوری که دانشمندان علم کلام و دیگران گفته‌اند- عبارت از رهبری معنوی و مادی امت به وسیله کسی است که از خصلت‌های والا- و صفات برجسته فراوانی برخوردار است؛ مهمتر از همه دارای عدالت، ترک شهوات و دوری از خودبینی بوده و تحت تأثیر عواطف و احساسات و سایر عوامل خارجی قرار نگیرد مگر آن عواملی که باعث ارتباط با حق و عدالت گردد.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۶۰

(۱)

ضرورت امامت

امامت در اسلام امری است ضروری که حیات جامعه اسلامی بدون آن غیر ممکن است، امامت عنصر اصلی در اقامه عدل اجتماعی و ساختن جامعه برین است بطوری که اثری از بی‌عدالتی اجتماعی و فقر و محرومیت در جامعه نماند.

براستی که هدف امامت در اسلام رساندن خیرات و برکات الهی بر بندگان خدا و برخوردار نمودن همگان از فرصت‌های برابر و پشتیبانی آنان در برابر بهره‌کشی و برده‌گیری است، امامت از بالاترین مراتبی است که سیر تفکر بشری در عالم حکومت و سیاست بدان رسیده و تنها در صورتی میسر است که در مسیر تعیین شده از طرف اسلام حرکت کرده و رهبران تقوایی از عترت پیامبر (ص) عهده‌دار آن مقام گردند که همتای قرآن کریم و کشتی‌های نجات این امتند. و ما در مبحث بعدی این مطلب را به وضوح بیان خواهیم کرد.

(۲)

پیامبر و امامت

آنچه مسلم است و نقطه ابهامی در آن نیست، این است که پیامبر (ص) خط خلافت و امامت را پس از خود ترسیم کرده و امت را بلا تکلیف و بی‌سرپرست رها ننموده است تا در معرض خطرات و مشکلات قرار گیرد. آری دوازده تن از اهل بیتش را بصراحت به عنوان خلفا و جانشینان خویش نام برده که در پیشاپیش همه، بزرگ آنان امام امیر المؤمنین علیه السلام قرار دارد؛ او را شاخص و مرجع این امت تعیین کرده و در این مورد هیچ انگیزه عاطفی از نوع عواطف تقلیدی نداشته است و تنها به خاطر کفایت و صفات برجسته و ویژگی‌های امام

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۶۱

علیه السلام و نهایت احتیاط دینیش بود که پیامبر- صلی الله علیه و آله- این مقام را به او سپرد. دانشمندان اسلامی با اختلاف گرایشها و مذاهب همگی در این مطلب اتفاق نظر دارند که امام علی علیه السلام پس از پیامبر (ص) از همه کس دانشمندتر و به

امور شریعت و احکام دین آگاهتر و به شئون سیاسی، نظامی و اجتماعی واردتر بود؛ بخصوص که امت هنوز تازه مسلمان بودند و قبل از هر چیز به بیان محاسن احکام شریعت اسلام و شرح و تفصیل مسائل مورد ابتلا از قبیل عقود، ایقاعات و مواریث و حدود و امثال اینها نیاز داشتند. طبیعی است که تعیین نکردن آن حضرت برای این مقام باعث محرومیت امت از مواهب این بزرگمرد می‌شد و آن هم چیزی است که عقلاً نباید از پیامبری که به فرموده خدای تعالی نسبت به امت سخت علاقه‌مند و مهربان بود صادر می‌شد:

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ. «۱»

«براستی که پیامبری از جنس شما برای هدایت خلق آمد که از فرط محبت، فقر و پریشانی و جهل و نادانی شما بر او گران است و بسیار علاقه‌مند به شما و نسبت به مؤمنان رءوف و مهربان است.»

(۱) اما نصوصی که از پیامبر (ص) درباره امامت امیر المؤمنین علیه السلام رسیده، مجموعه بزرگی است که راویان و مورخان همگی نقل کرده‌اند و از همه مهمتر حدیث متواتر غدیر است که پیامبر - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - در آن حدیث امام علی علیه السلام را جانشین خود قرار داد و به مسلمین دستور داد تا به عنوان امیر المؤمنین با وی بیعت کنند، و در آن حدیث است که فرمود:

«هر کس را که من سرپرستم، علی سرپرست اوست، خداوندا دوست بدار هر که او را دوست بدارد و دشمن بدار هر که او را دشمن بدارد.»

(۱) توبه/ ۱۲۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۶۲

از امام زین العابدین علیه السلام از معنای این حدیث پرسیدند، فرمود:

«رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - امام و رهبر بعد از خودش را به مردم معرفی کرده است.» «۱»

علمای بزرگ شیعه در کتابهای کلامی و دیگر کتابهایشان آن قدر دلایل علمی اقامه کرده‌اند که هیچ گونه مجادله و تردیدی را درباره امامت دوازده امام باقی نمی‌گذارد و این که آنان اوصیا و جانشینان پیغمبرند و سیره و رفتار و آثار علمی ایشان دلیل بر امامت آنان و نیابت عامه ایشان از پیامبر (ص) است، چنان که دلیل بر داشتن مقام والایی از دانش، تقوا و احتیاط دینی آنها می‌باشد به حدی که هیچ کس دیگر را چنین مقامی نیست.

(۱)

مقام والای ائمه

اما منزلت و مقام والای ائمه را در پیشگاه خدا کسی جز ایشان نمی‌داند.

امام زین العابدین علیه السلام در چندین مورد راجع به آن سخن گفته، از آن جمله است:

(۲) ۱- فرمود:

«همانا خداوند محمد (ص) و علی (ع) و یازده تن از فرزندان او را از پرتو عظمت خود آفرید و پیش از آفرینش مخلوقات آنان را به صورت اشباحی در پرتو نور خود قرار داد که او را عبادت می‌کردند و تسبیح و تقدیس می‌نمودند و آنان پیشوایان از اولاد رسول خدا (ص) می‌باشند.» «۲»

(۱) معانی الاخبار صدوق: ص ۶۵.

(۲) اصول کافی: ۱/ ۵۳۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۶۳

حکیم معزّه، ابو العلاء معزّی که جز به اهل بیت علیهم السلام به همه کس بدین بود، همین عقیده را دارد و می‌گوید:

«و الشّخص الّتی اضاء سناها قبل خلق المرّیخ و المیزان

قبل ان تخلق السّیماوات و تؤمر افلاکهن بالدّوران» - آن شخصیت‌هایی که نورانیت ایشان پیش از آفرینش مرّیخ و میزان و پیش از آن که آسمانها آفریده شوند و افلاک به گردش درآیند، پرتوافکن بود-

(۱) ۲- فرمود:

«مایم ائمه مسلمین و حجت‌های خدا بر جهانیان و بزرگ مؤمنان و پیشوای رو سفیدان و سرپرست مؤمنان. و همچنان که ستارگان و سیله ایمنی اهل آسمانند، ما وسیله ایمنی اهل زمین هستیم، به وسیله ماست که آسمان بر زمین - جز به اذن خدا- واژگون نگردد و به وسیله ماست که زمین اهلهش را نلرزاند و از روزی که خداوند زمین را آفریده است از حجت آشکارا و یا غایب دور از انظار خالی نبوده است و خالی از حجت نخواهد بود تا وقتی که قیامت بپا شود، و اگر چنین نبود، عبادت خدا انجام نمی‌گرفت.» پس از شنیدن این سخنان، کسی رو به آن حضرت کرد و گفت:

«چگونه مردم از امام غایبی که دور از انظار است بهره‌مند می‌شوند؟» امام علیه السلام، با برهان قاطعی شبهه را رد کرد و فرمود:

«از حجت غایب، چون خورشیدی که در پشت ابر پنهان است، بهره می‌برند.» (۱)

آری به خدا قسم که ائمه اهل بیت علیهم السلام، رهبران اسلام و

(۱) امالی صدوق: ص ۱۱۲، ینابیع المودّة: ۳/ ۱۴۷، روضه الواعظین: ص ۱۷۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۶۴

حجت‌های الهی بر تمام خلقتند و اگر آنها نبودند خدا را کسی عبادت نمی‌کرد و کسی او را به یکتایی نمی‌پرستید و هیچ سنت اسلامی بپا داشته نمی‌شد و هیچ کس پایبند آن نمی‌بود و هیچ یک از شعائر اسلامی بلند نمی‌شد. آنان آیت اندوخته الهی و دروازه ورودی هستند که مردم بدان وسیله آزمون شوند؛ هر که ولایت آنان را قبول داشت نجات یافت و هر که منکر و مخالف آنان شد، هلاک گردید.

(۱) ۳- و نیز می‌گوید:

«ربّ صلّ علی اطائب اهل بیته الّذین اخترتهم لأمرک، و جعلتهم خزنة علمک، و حفظة دینک، و خلفاءک فی ارضک، و حججک علی عبادک، و طهرتهم من الرّجس و الدّنس تطهیرا بارادتک، و جعلتهم الوسیله الیک، و المسلك الی جنتک، ربّ صلّ علی محمّد و آله صلاة تجزل لهم بها من تحفک و کرامتک، و تکمل لهم الأشیاء من عطایاک و نوافلک و توفّر علیهم الحظّ من عوائدک، و فوائدک، ربّ صلّ علیه و علیهم صلاة لا- امد فی أولها، و لا- غایة لأمدها، و لا- نهایة لآخرها، ربّ صلّ علیهم زنة عرشک، و ما دونه، و ملء سمواتک و ما فوقهنّ و عدد اراضیک، و ما تحتهنّ و ما بینهنّ صلاة تقرّبهم منک زلفی، و تکون لک و لهم رضی، و متّصلة بنظائرهنّ ابداء.» (۱)

«پروردگارا! بر پاکان و پاکیزگان از اهل بیت پیامبر (ص) درود فرست که آنها را برای هدایت مردم برگزیده‌ای و گنجینه‌دار علم خود و نگهبانان

(۱) صحیفه سجاده: دعای چهل و ششم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۶۵

دینت و خلفای خود در روی زمین انتخاب کرده‌ای و حجت‌های خویش بر بندگانت قرار داده‌ای و آنان را از هر ناپاکی و پلیدی به اراده خود پاک ساخته‌ای و ایشان را وسیله ارشاد مردم به درگاهت و سلوک به سوی بهشت رضوانت مقرر فرموده‌ای، پروردگارا! بر محمد و آلش درود بفرست، درود و رحمتی که کرامت و بخشش خود را بر آن بیفزایی و به وسیله آن رحمت بهترین عطایا و بالاترین فضلت را کامل کنی و بهره ایشان را از لطف و احسانت افزون گردانی. پروردگارا! بر محمد و آلش درود بفرست، درودی که بی‌حد و بی‌نهایت باشد. خداوندا! بر ایشان به مقدار عرش اعظمت و هر چه پس از آن است و به قدر تمام آسمانها و مافوق آنها و زمینها و آنچه در زیر آنها و بین آنهاست درود و رحمت فرست، رحمتی که باعث افزایش قرب آنان در پیشگاه او گردد و مورد رضای تو و آنان باشد و همواره نیز درود و رحمتی همچنان در پی داشته باشد.»

براستی که خدای متعال، ائمه اهل بیت علیهم السلام را برای انجام رسالت خود برگزیده و آنان را خزانه‌دار علم خود و نگهبانان دین خود و خلفای خود در زمین و حجت‌های خویش بر بندگان مقرر فرموده و به ایشان مقام والایی در پیشگاه خود داده است، پس ایشان وسیله ارشاد مردم به سوی خدا و راهنمایان به سوی بهشت برین و درهای رحمت الهی هستند.

(۱) ۴- امام علیه السلام می‌گوید:

«نحن خلفاء الأرض، و نحن أولى الناس بالله، و نحن المخصوصون في كتاب الله، و نحن أولى الناس بالله، و نحن الذين شرع الله لنا دينه، فقال: «شرع لكم في الدين ما وصى به نوحا، و الذين أوحينا إليك و ما وصينا به إبراهيم و موسى و عيسى» فقد علمنا، و بلغنا و استودعنا علمهم و نحن ورثة الأنبياء، و نحن ذرية أولى العلم،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۶۶

أن أقيموا الدين بآل محمد (ص) و لا تتفرقوا فيه...» (۱)

«ما یمیم خلفای پروردگار در روی زمین و ما از همه کس به خدا نزدیک‌تریم و ما یمیم آن کسانی که در کتاب خدا از ویژگی برخورداریم و ما یمیم آن کسانی که خداوند حقایق دین خودش را برای ما مقرر کرد و فرمود:

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى (۲) و دانستیم و به حقیقت رسیدیم و علم انبیا را در نزد ما به امانت گذاردند و ما وارثان انبیاییم و ما فرزندان صاحبان دانشیم، بنا بر این دینتان را به وسیله آل محمد (ص) بپا دارید و در این راه پراکنده نشوید.

اما ای ائمه اهل بیت، شما بحق خلفای خدا در روی زمین و سزاوارترین مردم به خدایید و براستی برای شما حقایق دین خود را مقرر کرده و شما را برای تبلیغ آن برگزیده است و همچنین شما را برای ادای امانتش انتخاب کرده است هیچ کسی فضیلت شما را منکر نیست مگر آن که کافر و یا از دین منحرف باشد و کسی شما را دوست نمی‌دارد مگر آن مؤمنی که خداوند قلبش را به وسیله ایمان آزموده است.

(۱)

باید به ائمه مراجعه کرد

در آموختن احکام دینی باید به ائمه اهل بیت علیهم السلام مراجعه کرد.

زیرا که آنان به امور شرع واردتر و به احکام دین از دیگران داناترند، امام زین العابدین علیه السلام در سخنان خود به این مطلب تأکید کرده و می‌فرماید:

(۲) شوری/۱۳ یعنی: خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی نیز سفارش نمودیم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۶۷

«إن دین الله عزّ و جلّ لا یصاب بالعقول الناقصه و الآراء الباطله، و المقایس الفاسده، و لا یصاب إلا بالتسلیم، فمن سلم لنا سلم، و من اقتدی بنا هدی، و من کان یعمل بالقیاس و الزّأی هلك، و من وجد فی نفسه شیئا مما نقوله أو نقضی به حرجا کفر بالذی انزل السبع المثانی، و القرآن العظیم، و هو لا یعلم...» (۱)

«محققاً دین الهی با عقلهای ناقص و اندیشه‌های باطل و قیاسات نادرست، درست نمی‌شود و جز با تسلیم شدن در برابر حق مقرون به مصلحت نخواهد بود بنا بر این هر کس تسلیم نظر ماست، در سلامت است و هر که از ما پیروی کرد، هدایت شده است و هر که به قیاس و رأی عمل کرد هلاک شد و هر که نسبت به آن چه ما می‌گوییم و یا قضاوت می‌کنیم تردیدی به دل راه دهد به آیات قرآن و مفاهیم کتاب آسمانی ناخودآگاه، کفر ورزیده است.»

(۱) بحثهای فقهی و اصولی که دانشمندان شیعه امامیه مطرح کرده‌اند، در امور شریعت اسلام، ثابت کرده‌اند که عمل مطابق قیاس و استحسان عقلی باطل است و همچنین ثابت کرده‌اند که علم فقه علم توقیفی است و تنها باید مطابق نص عمل کنند و تعبداً بپذیرند اما اگر نصی نرسیده و یا مجمل و یا معارض به مثل باشد در آن صورت باید به اصول عملیه مراجعه کنند، زیرا این اصول در مقام عمل، مرجع و راهگشای هر کسی است که مردّد مانده و شک در صحت عمل خود دارد، اما رجوع به مرجع دیگر از قبیل قیاس و نظایر آن کافی نیست و مورد بازخواست است.

(۱) ناسخ التواریخ: ۱/ ۱۴۱ به نقل از اکمال الدین.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۶۸

(۱)

اطاعت امام واجب است

اسلام به اطاعت از امام اهمیت فراوانی قائل است زیرا که پایداری نظام اجتماعی اسلام در گرو آن است و روش زندگی اسلام متوقف بر آن می‌باشد همچنان که سرپیچی از طاعت امام باعث اختلال نظام و گسترش هرج و مرج گشته و باعث آن می‌شود که امت در معرض مشکلات و خطرات قرار گیرد، امام زین العابدین علیه السلام بر لزوم اطاعت از امام تأکید فرموده و اهمیّت و ارزشمندی این مسأله را یادآور شده، می‌گوید:

(۲) «اللّهم انک ایدت دینک فی کلّ اوان یامام اقمته علما لعبادک، و منارا فی بلادک، بعد أن وصلت حبله بحبلک، و جعلته الذریعه الی رضوانک و افترضت طاعته، و حدّرت معصيته، و امرت بامتثال امره، و الانتهاء عند نهیه، و الاّ یتقدّمه متقدّم و لا یتأخّر عنه متأخّر، فهو عصمه اللّائذین، و کهف المؤمنین، و عروه المتمسکین و بهاء العالمین ...

اللّهم فاوزع لولیک شکر ما انعمت به علیه، و اوزعنا مثله فیه، و آته من لدنک سلطانا نصیرا، و افتح له فتحا یسیرا، و اعنه برکنک الاعزّ، و اشدّد ازره، و قوّ عضده، و راعه بعینک، و احمه بحفظک، و انصره بملائکتک و امدده بجندک الأغلب و اقم به کتابک، و حدودک و شرائعک، و سنن رسولک صلواتک اللّهم علیه و آله، و احی به ما اماته الظّالمون من معالم دینک، و اجل به صدأ الجور عن طریقتک، و ابن به الضّراء من سبیلک، و ازل به التّاکیین عن صراطک، و امحق به بغاه قصدک عوجا،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۶۹

و الن جانبه لأولئائك، و ابسط يده على اعدائك، و هب لنا رأفته، و رحمته و تعطفه و تحننه، و اجعلنا له سامعين مطيعين، و في رضا ساعين، و الى نصرته و المدافعة عنه مكنفين و إليك و الى رسولك صلواتك اللهم عليه و آله بذلك متقربين...» (۱)

«خداوندا! تو دین خودت را در هر زمانی به وسیله امام و پیشوایی که او را برای بندگانت شاخص و در شهرها و سرزمینها نشان و راهنما قرار داده‌ای و پس از آن که پیمان آن امام را به پیمان خود پیوسته‌ای او را تأیید نموده‌ای و سبب خشنودی خویش گردانیده‌ای و اطاعت او را بر بندگان واجب ساخته‌ای و از سرپیچی فرمانش بر حذر داشته‌ای و به اطاعت از دستوره‌ای او و خودداری در مواردی که او نهی کرده و پیشی نگرفتن از او و واپس نماندن از او فرمان داده‌ای، پس اوست نگهدار بندگان و پناه مردم با ایمان و دستاویز علاقه‌مندان و باعث زینت و نیکویی جهانیان.»

«بار خدایا! شکر و سپاس بر نعمتهایی که ارزانی داشته‌ای به ولی خود الهام کن و نظیر همان شکر و سپاس را به واسطه آن حضرت بر قلب ما بیفکن. و او را از جانب خود قدرت و تسلطی که پشتوانه است مرحمت فرما و برای او هر مشکلی را آسان و هر گرهی را بگشا و او را به تواناترین تکیه‌گاه خود یاری کن و قدرتش را استوار و بازویش را توانایی بخش و با مراقبت خود حفظش کن و به نگهداریت نگهدار و به وسیله فرشتگانت یاریش کن و بالشکر و سپاه خود که پیروزترین سپاهیانند کمک فرما و کتاب خود و احکام و حدود آن و سنتهای پیامبرت - خداوندا درودت بر او و آتش باد- را به وسیله او اجرا کن و آن احکام و دستوره‌ای دینی را که ستمگران از بین برده‌اند، به وسیله او بیا دار و فساد و تبهکاری ستمگران را از سر راه دینت بزدا و به وسیله او دشواری

(۱) صحیفه سجاده: دعای چهل و هفتم.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۷۰

را از راه دین خود بر طرف کن و به وسیله او منحرفان از راه را نابود کن و به دست او کجاندیشان و بدعتگذاران در دین را نابود گردان و دل ولی خود را بر دوستانت نرم و مهربان و دستش را بر دشمنانت باز کن و رحمت و شفقت او را شامل حال ما گردان و ما را برای شنیدن سخنان او شنوا و مطیع قرار ده و چنان کن که در راه رضا و خشنودیش کوشا و در یاری و دفاع و پشتیبانی از او آماده باشیم و به وسیله آنچه درخواست شد به سوی تو و پیامبرت - خداوندا درودهایت بر او و آل او باد- ما را مقرب گردان.»

امام علیه السلام در این بخش از سخنان خود ضرورت اطاعت از امام را بخوبی روشن کرده و حرمت مخالفت امام و ضرورت حرکت در خط و راه و روش او را آشکارا بیان نموده است، همچنان که پرده از مقام والای امام و اهمیت آن وجود مقدس برداشته است زیرا که او پناه پناهندگان و پشتیبان مؤمنان و دستاویز متمسکان است. امام علیه السلام از خداوند نگهداری، نصرت و پیروزی آشکار ولی خدا و استواری او را در اجرای واجبات دینی و سنتهای پیامبرش را که نیروی ستمگر و منحرفان از راه اسلام در برابر آنها بسیج شده‌اند، درخواست نموده است.

(۱)

عصمت امام

از جمله صفاتی که لازم است امام علیه السلام برخوردار باشد، پاک بودن از هر نوع آلودگی و گناه است چه آشکارا باشند و یا پنهان و لازم است که در تمام مراحل زندگی از آن مبرا باشند، امام زین العابدین علیه السلام به ضرورت این که امام صفت عصمت را دارا باشد، اشاره کرده، می‌فرماید:

«إن الإمام منّا لا یكون إلا معصوما...»

«امام از دیدگاه ما باید معصوم و پاک باشد.»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۷۱

و از معنای معصوم می‌پرسند، در پاسخ می‌فرماید:

«و هو المعتصم بحبل الله، و حبل الله هو و القرآن لا یفترقان إلى یوم القیامة.» «۱»

«معصوم کسی است که به ریسمان خدا چنگ زند، و ریسمان خدا همان قرآن مجید است، در حالی که تا روز قیامت آن دو، از یکدیگر جدایی ناپذیرند.»

در صورتی که جمعی از آن سلسله مردمانی که در امور دینی باکی ندارند و به شیعه در این عقیده که معتقد به عصمت رهبران و ائمه خود هستند اعتراض کرده و این باور را بر ایشان خرده گرفته‌اند و ائمه را با دیگر مردمانی که در برابر هوا و هوسهایشان تسلیمند مقایسه کرده‌اند و چنین عقیده‌ای یا از کینه‌توزی نسبت به اهل بیت علیهم السلام نشأت گرفته است و یا از ناآگاهی به مقام آنهاست، زیرا که بطور قطع کسی که سیره ائمه اهل بیت علیهم السلام را بدقت مطالعه کند بدون هیچ گونه شائبه، ایمان خالصانه‌ای پیدا می‌کند که آن بزرگواران مقام والایی از تقوا و ایمان را دارند که از ارتکاب هر گناهی ایشان را باز می‌دارد، مگر سرور اهل بیت امام امیر المؤمنین علیه السلام نفرموده است:

«به خدا سوگند اگر حکومت بر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمانهاست (همه عالم هستی) به من بدهند در برابر این که من خدا را با گرفتن سبوس جوی از دهان ملخی، نافرمانی کنم، چنان معامله‌ای را نخواهم کرد!» آیا این حالت، همان عصمت نیست؟ اما مخالفان شیعه و معترضان حجابی بر عقلهایشان کشیده‌اند- و مطلب به این روشنی را- درک نمی‌کنند!

(۱) تاریخ التریب عند الامامیه: ص ۱۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۷۲

(۱)

امامت آن حضرت

پس از سخن درباره احادیثی که از امام زین العابدین علیه السلام درباره امامت رسیده بود، بازمی‌گردیم به امامت خود آن حضرت که خود از بدیهیات اولیه غیر قابل بحث و تردید است. از آن جهت که امام سجاد به قدری از خصلتهای والا- و صفات عالی برخوردار است که این مقدر اوصاف حمیده جز در کسانی که خداوند قلب آنان را به ایمان آزموده باشد یافت نشود و ما در آنجا که راجع به اخلاق و رفتار امام و ویژگیهای معنویش بحث می‌کردیم بدانها اشاره کردیم، و از جمله دلایل امامت آن حضرت موارد ذیل است:

(۲)

نصّ بر امامت

از نظر شیعه امامیه تعیین امام باید به عبارت صریح و روشن باشد و جای هیچ تردیدی را باقی نگذارد و درباره امامت امام زین العابدین علیه السلام نصوص و روایت صریح به تواتر رسیده است که ما به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- پیامبر اکرم- صلی الله علیه و آله- اوصیا و جانشینان بعد از خود را دوازده تن مشخص کرده و از ایشان بصراحت نام برده است که از آن جمله امام زین العابدین است و نصوص فراوانی در این باب رسیده است. «۱»

۲- امام امیر المؤمنین علیه السلام بر امامت نوادش زین العابدین علیه السلام تصریح کرده است؛ موقعی که در آستانه وفات قرار

داشت به پسرش امام زکی حضرت حسن علیه السلام وصیت کرد و او را امام بعد از خود معین کرد

(۱) کفایه الاثر: ص ۳۱۱، غیبه شیخ طوسی: ص ۱۰۵، مختصر البصائر: ص ۳۹، سلیم بن قیس: ص ۹۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۷۳

و موارث انبیاء را به او سپرد و پسرانش امام حسین و محمد بن حنفیه و تمام اولاد خود و سران شیعه را بر آن گواه گرفت و به امام حسین فرمود:

«... همانا تو بعد از برادرت حسن امام و رهبر مردمانی و رسول خدا- صلی الله علیه و آله- به تو فرمان می‌دهد که موارث را پس از خود به پسر زین العابدین بسپاری که او حجت بعد از تو می‌باشد و آنگاه دست زین العابدین را که هنوز طفلی بود گرفت و فرمود: رسول خدا- صلی الله علیه و آله- تو را موظف می‌کند که امامت را بعد از خود به پسر محمد باقر بسپاری و از طرف رسول خدا و از جانب من به او سلام برسانی.» (۱)

(۱) ۳- امام حسین علیه السلام به امامت فرزندش زین العابدین علیه السلام تصریح نموده و عهد امامت را بعد از خود به او سپرد، زهری روایت کرده می‌گوید:

در خدمت حضرت حسین بن علی علیهما السلام بودم ناگاه علی بن حسین، خردسال- یعنی زین العابدین علیه السلام- وارد شد، امام حسین او را طلبید و به سینه چسبانید و پیشانیش را بوسید، زهری رو به امام حسین کرد و عرض کرد:

«یا بن رسول الله! پناه به خدا اگر دستمان به تو نرسید، به چه کسی مراجعه کنیم؟...»

امام حسین علیه السلام فرمود:

«به این پسر مراجعه کنید که او امام و پدر دیگر امامان است.» (۲)

نظیر این حدیث را عبد الله بن عتبه نقل کرده (۳) و راویان شیعه می‌گویند:

امام حسین علیه السلام وقتی که آهنگ سفر عراق نمود، موارثی را که از برادرش امام حسن علیه السلام دریافت کرده بود به ام سلمه همسر پیامبر (ص) تسلیم کرد و

(۱) اصول کافی: باب نص بر امامت حسن (ع)

(۲) روضة الجنات: ص ۲۴۷-۲۴۸.

(۳) اثبات الهداة: ۲۱۴/۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۷۴

به او فرمود تا پس از شهادت وی به زین العابدین علیه السلام بدهد و موقعی که امام سجاد پس از شهادت پدر بزرگوارش به مدینه برگشت ام سلمه آن ودایع را که در نزد وی بود به آن حضرت تقدیم کرد. (۱) این ودایع از جمله نشانه‌های امامت و ولایت ائمه است و بسیاری از قبیل این نصوص را که نویسندگان پیشین شیعه در کتابهای خود آورده‌اند، در صورتی که اگر این نصوص هم نبودند، شخصیت والا و صفات برجسته امام سجاد علیه السلام خود دلیل امامت آن حضرت بود.

(۱)

اما امامت در جنبه فکری و فرهنگی آن، مطابق عقیده شیعه در عصر امام زین العابدین علیه السلام ندرخشید و عموم مردم مفهوم امامت را ندانستند و به آن نگرییدند جز اندکی از خواص شیعه از آن کسانی که وجودشان را در راه تعالیم و ارزشهای اسلام فدا کرده بودند، حسین بن عبد الوهّاب می گوید: «امامت - در عصر امام سجّاد (ع) پوشیده و مخفی بود، جز در نظر آن گروه از مؤمنان که از آن حضرت پیروی می کردند.» (۲)

براستی گروهی از عوامل خطرناک دستگاه جور، امام علیه السلام را احاطه کرده بودند و مانع از اظهار مسائل و مطالب مربوط به امامت و بیان اصول و فروع حق و حقیقت می شدند مگر به گروه اندکی از خواص و شیعیان اظهار می فرمود. (۳) کشتی در شرح حال سعید بن مسیب نقل می کند که فضل بن شاذان گفت: «در زمان علی بن حسین علیهما السلام در آغاز کار جز پنج تن: سعید بن جبیر، سعید بن مسیب، محمد بن جبیر بن مطعم، یحیی بن ام طویل و ابو خالد

(۱) اصول کافی: باب نصّ بر امامت علی بن حسین (ع).

(۲) عیون المعجزات خطی: ص ۳۱.

(۳) روضات الجنّات: ۴/۴۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجّاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۷۵

کابلی، کسی نبود و تنها این پنج نفر معتقد به امامت بودند و جز اینها کسی بر این عقیده نبود. (۱)

امام سجّاد علیه السلام مدتی از مردم کناره گرفته و همچون جدش امام امیر المؤمنین علیه السلام در زمان خلفا عزلت گزیده و خانه نشین بود، امام زین العابدین علیه السلام برای خودش در بیرون شهر مدینه خیمه‌ای زده بود (۲) و به عبادت و نشر علوم مشغول بود و بدین وسیله خون خود و باقیمانده اهل بیت علیهم السلام را حفظ کرد و آنان را از شرّ کین حکومت سیاه اموی که مسلمانان بشدت گرفتار آن بودند، نجات داد.

به هر حال جامعه اسلامی با اهداف فروزان امامت آشنا نبودند همچنان که با صفات والایی که باید در امام علیه السلام باشد؛ از قبیل عصمت و علم فراوان و آگاهی کامل از آنچه امت اسلامی در امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیاز داشتند، نیز آشنا نبودند و علت این امر نیز به فشار و شکنجه رسمی شیعه و کشتار و بازداشت ایشان در زندانهای تاریک و مانع شدن از دیدار امام زین العابدین علیه السلام مربوط می شود و این همه ظلم و جنایت از طرف دولت پست اموی سر می زد چون از هیچ گونه ظلم و جور فروگذار نمی کرد مگر آن که بر مسلمانان روا می داشت.

(۱)

امامت محمد بن حنفیه

مورّخان در وصف محمد بن حنفیه گفته‌اند که او در علم، پارسایی، عبادت و دلاوری از مردان برجسته روزگار بود و او بعد از امام حسن و امام حسین

(۱) رجال کشتی.

(۲) فرحۃ الغری: ص ۳۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجّاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۷۶

علیهما السلام از همه اولاد امام امیر المؤمنین بالاتر بود. (۱) مردی پرهیزگار و دانشمند (۲) بود (۳) و چنان بود که دلها را به خود

جذب کرده و گروهی از مسلمانان به امامت او معتقد شدند که به کیسانیه معروف شدند و از قدیمترین فرقه‌های اسلامی هستند و این گروه به محمد بن حنفیه لقب مهدی داده بودند که پیامبر گرامی - صلی الله علیه و آله - بشارت آمدنش را داده و او قائم آل محمد (ص) است که پیامبر فرمود در آخر الزمان قیام می‌کند و زمین را پس از آن که از ظلم و جور پر شده باشد پر از عدل و داد می‌کند. از جمله کسانی که معتقد به امامت محمد بن حنفیه شدند، شاعر بزرگ اسلام سید حمیری است که معتقد بود او زنده و در کوه رضوی اقامت دارد و آب و عسل در نزد اوست که در اشعار معروف خود این مطالب را بیان کرده است.

ألا إن الأئمة من قریش ولأه الحق اربعة سواهم

علی و الثلاثة من بنیه هم الاسباط لیس بهم خفاء

فسبط سبط ایمان و بزّو سبط غیبه کربلاء

و سبط لا یذوق الموت حتی یقود الخیل یقدمها اللواء

تغیب لا یری فیهم زمانا برضوی عنده عسل و ماء «۴» «۵» - بدانید که تمام ائمه و زمامداران حق از قریش هستند، چهار تن از ایشان عبارتند از:

علی و سه تن از پسران آن حضرت که ایشان اسباطند و بر کسی مخفی و پوشیده نیستند؛ یکی همان سبط ایمان و نیکی - امام مجتبی (ع) است و دیگری همان است که در کربلا به شهادت رسید.

(۱) عمده الطالب.

(۲) حلیه الاولیاء: ۳ / ۱۷۴.

(۳-۴) الاغانی: ۷ / ۲۴۵، البدایه و النهایه: ۹ / ۳۸.

(۵) ناگفته نماند که شیخ مفید سراینده این اشعار را کثیر بن غره می‌داند - م.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۷۷

و سبطی که طعم مرگ را نمی‌چشد (منظورش محمد بن حنفیه است) تا وقتی که آن سپاه را رهبری کند و آن پرچمها پیشاپیش او حرکت کند.

مدتی در کوه رضوی در حالی که عسل و آب در نزد اوست از انظار مردم غایب است و کسی او را نمی‌بیند.

اما وقتی که بر این شاعر بزرگ حقیقت روشن شد از این عقیده برگشت و به امامت ائمه طاهرین علیهم السلام معتقد شد و عقیده خود را به مذهب جعفری ابراز کرد و گفت:

جعفرت باسم الله و الله اکبر و أیقنت ان الله یعفو و یغفر «۱» «به نام خدا - در حالی که خداوند بزرگتر از آن است که به وصف در آید - من جعفری مذهب شدم و یقین دارم که خداوند از گناهم می‌گذرد و مرا می‌بخشد.»

(۱)

امام سجاد با محمد بن حنفیه

آنچه مسلم است، محمد بن حنفیه به امامت امام زین العابدین علیه السلام معتقد بوده و درباره خود قائل به امامت نبوده است و مردم بودند که چنان عقیده‌ای را درباره او داشتند و ممکن نبود که ادعای ناحقی کند زیرا که او از پرهیزگارترین افراد بود و از همه کس احتیاط دینیش بیشتر و مسأله امامت برای او مبرهن بود که کسی اختیار آن را ندارد و او یقین داشت که امام زمانش، امام زین العابدین علیه السلام است. راویان اخبار می‌گویند: روزی بین او با امام سجاد بحث صوری در پیرامون امامت در گرفت و با هم

توافق کردند که کنار کعبه بروند تا در نزد حجر الاسود هر کدام ادعای خود را طرح کند و حجر الاسود ما بین آنها داوری کند و این توافق را به آن دلیل کردند تا نظر کلی را روشن کنند و قائلین به

(۱) الأغانی: ۲۳۵/۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۷۸

امامت محمد بن حنفیه را به راه حق بازگردانند، و هر دوراهی مکه شدند، وقتی که به مکه رسیدند آهنگ بیت الله الحرام کردند؛ امام علیه السلام رو به حجر الاسود کرد و این دعا را خواند:

(۱) «اللهم إني أسألك باسمك المكتوب في سرادق المجد، و أسألك باسمك المكتوب في سرادق البهاء، و أسألك باسمك المكتوب في سرادق العظمة و أسألك باسمك المكتوب في سرادق الجلال، و أسألك باسمك المكتوب في سرادق العزة، و أسألك باسمك المكتوب في سرادق القدرة، و أسألك باسمك المكتوب في سرادق السرائر، السابق، الفائق الحسن النضير، رب الملائكة الثمانية، و رب العرش العظيم، و بالعين التي لا تنام، و بالاسم الأكبر، و بالاسم الأعظم، الأعظم، المحيط بملكوت السموات و الأرض و بالاسم الذي اشرفت به الشمس، و أضاء به القمر، و سخرت به البحار، و نصبت به الجبال، و بالاسم الذي قام به العرش و الكرسي، و بأسمائك المقدسات المكرمات، المكنونات، المخزونات في علم الغيب عندك أسألك بذلك كله أن تصلي علي محمد و آله محمد...» (۱)

(۱) «بار خدایا تو را به آن نامت که در اوج عظمت و به آن نامی که بر فراز خیمه مجد و شکوه نوشته شده است می خوانم، و تو را به آن نامی که در بالای خیمه بزرگی و جلال و بر روی کاخ عزت و قدرت نگاشته است مسألت دارم و به آن نامت که بر فراز پرده رازها نوشته شده و پیش از هر چیز و بالاتر از همه، نیکو و درخشان است می خوانم، ای پروردگار فرشتگان هشتگانه و خداوند عرش عظیم، تو را به آن چشمی که هرگز خواب نبرد و به نام بس بزرگ و بزرگتر و اسم اعظم اعظم که بر ملکوت آسمانها

(۱) ادعیه فاضل مقداد، خطی در کتابخانه آقای حکیم: ص ۱۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۷۹

و زمین احاطه دارد و به آن نامی که خورشید و ماه از آن روشنی گرفته و دریاها به وسیله او رام گشته و کوهها به سبب او پابرجا شده‌اند مسألت دارم و به آن نام می خوانم که عرش و کرسی به وسیله او استوار گشته و به نامهای مقدس و مکرم و نهفته که در علم غیب تو، در نزد تو اندوخته است، به تمام اینها تو را می خوانم که بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرستی.»

(۱) همین طور که امام علیه السلام نیایش می کرد ناگهان حجر الاسود از باب اعجاز و به امر الهی به زبان آمد- همان طوری که عیسی بن مریم علیه السلام در گهواره با این که کودکی بیش نبود، به سخن آمد- گفت: امام بر حق تنها زین العابدین است و او حجت خداست بر مردم و امین الهی درباره دین اوست.

بدین وسیله حق آشکار شد «۱» و گروه زیادی از کسانی که قائل به امامت محمد بن حنفیه بودند به امامت امام زین العابدین برگشتند، این رویداد را شاعر بزرگ سید حمیری به شعر در آورده، می گوید:

علی و ما کان مع عمه برد الإمامة عطف العنان

و تحکیمه حجرا أسودا و ما کان من نطقه المستبان

بتسليم عم بلا مرية إلى ابن أخ منطلقا باللسان

شهدت بذلك صدقا كما شهدت بتصديق آي القرآن

علی امامی لا اُمتری و خلیت قولی بکان و کان «۲» داستان علی بن حسین که با عمویش (محمد بن حنفیه) درباره بازگرداندن زمام امامت و رهبری به وی و بردن داوری به نزد حجر الاسود پیش آمد و رویداد سخن گفتن حجر الاسود که بی‌تردید، تسلیم شدن عمو (محمد بن حنفیه) را بطور آشکار به برادرزاده (امام سجاد علیه السلام) به زبان گویا بیان کرد.

(۱) بحر الانساب: ص ۴۲، اثبات الوصیه: ص ۱۱۹.

(۲) محمد بن حنفیه: ص ۷۲ به نقل از دیوان خطی سید حمیری.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۸۰

به این مطلب گواهی دارم همان طوری که به راستی و درستی آیات قرآن گواهی دارم؛ علی بن حسین امام من است و تردیدی بر آن ندارم. در حالی که تو بر خلاف نظر من مطالبی را اظهار کردی!

(۱)

بازگشت کابلی به دامن حق

ابو خالد کابلی به امامت محمد بن حنفیه معتقد بود اما وقتی که حق و حقیقت بر او روشن شد از آن عقیده برگشت و به امامت امام زین العابدین علیه السلام اعتقاد یافت و علت این رویداد- بطوری که راویان نقل کرده‌اند- از این قرار است: روزی ابو خالد به محمد بن حنفیه گفت: «فدایت شوم! من برای شما احترام و محبتی قائلم و تنها به شما دل بسته‌ام، شما را به حرمت رسول خدا- صلی الله علیه و آله- و امیر المؤمنین علیه السلام سوگند می‌دهم، بفرمایید که آیا آن امامی که خداوند اطاعت او را بر بندگانش فرض کرده است شما هستید یا خیر؟» محمد در جواب این سؤال همان پاسخی را داد که یک مؤمن طرفدار حق می‌دهد، گفت:

«ای ابو خالد، قسم بزرگی دادی، امام علی بن حسین، امام و رهبر من و تو و هر مسلمان است ...»

ابو خالد فوراً به حضور امام علی بن حسین علیهما السلام شتافت و اجازه ورود خواست، امام اجازه فرمود و با محبت و احترام او را پذیرفت و فرمود:

«کنکر! خوش آمدی، تو هیچ وقت به دیدن ما نمی‌آمدی چه اتفاق افتاده است؟» ابو خالد با تواضع و احترام عرض کرد:

«سپاس خدا را که مرا از دنیا نبرد تا وقتی که امامم را شناختم.»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۸۱

امام علیه السلام، بلافاصله پرسید:

«چگونه امامت را شناختی؟» ابو خالد عرض کرد:

«مولای من! شما مرا به نامی خواندید که مادرم مرا به آن (کنکر) نامیده بود! در حالی که من خود آن را فراموش کرده بودم، مدتی از عمرم را در خدمت به محمد بن حنفیه گذراندم و تردیدی نداشتم که او امام است تا این که او را به حرمت خدا و رسول خدا و

امیر المؤمنین قسم دادم و او مرا راهنمایی کرد و گفت: امام من و تو و همه مردم علی بن حسین است.» (۱)

سید حمیری این داستان را به شعر در آورده، می‌گوید:

عجبت لکنکر صروف الزمان و أمر ابی خالد ذی البیان

و من رده الامر لا ینثنی الی السید الطهر نور الجنان «۲» دگرگونی روزگار و جریان امر ابو خالد که خود بیانگر حقیقت است.

و داستان بازگرداندن بدون تردید عقیده خویش به امامت آقای پاک و مایه روشنایی بهشت، شگفت‌آور است.

(۱)

قسمتی از دلایل امامت آن حضرت

اشاره

از جمله دلایل امامت آن حضرت اخباری است که از پیشامد بعضی از رویدادهای آینده خبر داده است و پس از دهها سال همچنان که فرموده بود تحقق یافته و این از نظر شیعه امامیه یکی از دلایل امامت به شمار می‌آید، زیرا که خبر دادن از امور غیبی یکی از مکنونات علم خدای تعالی است و خداوند آن را جز به

(۱) کشی: ص ۷۹-۸۰.

(۲) محمد بن حنفیه: ص ۷۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۸۲

انبیا و اوصیا نمی‌دهد. از جمله آنها اخباری است که امام امیر المؤمنین علیه السلام راجع به بسیاری از امور غیبی اطلاع دادند و تمامی آنها در صحنه زندگی اتفاق افتاد، راجع به کشته شدن خوارج نهروان و هلاکت ذوالثدیه (رهبر خوارج) و همچنین از زوال حکومت بنی امیه و بسیاری از رویدادها خبر داد که اگر تمام آنها را جمع کنند خود کتاب مستقلی خواهد شد و تمام آنچه خبر داده بود به وقوع پیوست، بارها آن بزرگوار به یارانش می‌فرماید:

«پیش از آن که مرا از دست بدهید، هر چه می‌خواهید پرسید ... به خدایی که جان علی در قبضه قدرت اوست چیزی راجع به زمان حال تا به قیامت از من نخواهید پرسید مگر آن که به شما خبر خواهم داد ...»

و بار دیگر به اصحابش فرمود:

«اگر بخواهم به شما از حوادث آینده و رویدادهای روزگار و مصائب زمان و گرفتاری ایام و کشمکش و رنج اوقاتتان خبر می‌دهم ...»

استاد عبد الفتاح عبد المقصود در شرح این سخن امام علی علیه السلام می‌گوید: «امام علیه السلام از روی گمان سخن نمی‌گفت و به پشتوانه علم نجوم و کهنات این حرف را نمی‌زد بلکه او ماورای دانستنی‌ها و دیده‌های معمولی را که بخشی از مجهولات و مطالب پنهان را آشکار می‌سازند، به چشم خود می‌دید.

او پیوسته از حق و حقیقت سخن می‌راند و هیچ شک و تردیدی نداشت زیرا که وی بر قسمتی از علم پیامبر (ص) که از میان همه مردم تنها به او آموخته بود، آگاهی داشت ...» (۱)

براستی که خدای تعالی بخشهای عظیم و تابناکی از علوم را به ائمه اهل بیت علیهم السلام مرحمت کرده بود و آنان را به خاطر این که حاجتی بر

(۱) الامام علی بن ابی طالب: ۸ / ۱۶۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۸۳

امامت و رهبری معنوی و مادی این امت باشد، محرم اسرار غیبی خود فرموده بود و از جمله آن کسانی که خداوند مخصوص به این فضیلت گردانیده، امام زین العابدین علیه السلام است که از بسیاری امور غیبیه خبر داد که بعدها تمام آنها به وقوع پیوست از جمله

آن امور، موارد ذیل است:

(۱)

۱- خبر شهادت زید

از جمله اخبار غیبی که امام سجاد علیه السلام بیان کرد؛ این بود که از شهادت فرزندش شهید عالیقدر جناب زید خبر داد، ابو حمزه ثمالی می گوید:

سالی یک بار در موسم حج خدمت امام سجاد علی بن حسین برای دیدار آن حضرت شرفیاب می شدم، تا این که سالی به خدمت آن بزرگوار رسیدم در حالی که کودکی را بر روی زانویش نشانده بود وقتی که من وارد شدم کودک از جا برخاست و می خواست از در خانه بیرون رود که پایش به آستانه در، برخورد و خون از صورت مبارکش جاری گشت امام علیه السلام با عجله جلو رفت و خون از سر و صورت او پاک کرد در حالی که می فرمود:

«من تو را به خدا می سپارم و پناه به خدا از آن که تو را در کناسه به دار آویزند!» ابو حمزه می گوید: عرض کردم.

«پدر و مادرم فدایت باد! کدام کناسه؟» فرمود:

«کناسه کوفه.»

- «فدایت شوم آیا چنین چیزی حتمی است؟» - «آری به خدایی که محمد (ص) را به حق فرستاده است اگر تو پس از من زنده بمانی خواهی دید که این پسر بچه را در ناحیه کوفه کشته‌اند و پس از دفن، دوباره قبر او را شکافته و بدنش را در کناسه کوفه به دار آویخته و سپس از دار پایین آورده، بسوزانند و خاکسترش را به دریا

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۸۴

بریزند....»

ابو حمزه از شنیدن این سخنان سخت نگران و حیرت زده شد، آنگاه نام آن بچه را پرسید و عرض کرد:

«فدایت شوم: نام این پسر بچه چیست؟» امام علیه السلام فرمود: «زید، است.» «۱»

آری تمام آنچه را که امام فرموده بود به وقوع پیوست و چند سالی نگذشت که زید شهید که از برجسته‌ترین پیشوایان آزاده نهضتها بود، در برابر طاغوت اموی به منظور برپا داشتن عدالت اسلامی و احقاق حقوق انسانی پیاخت، و نیروهای ستمگر در برابر او تجهیز شدند و او را به شهادت رساندند، گروهی از یارانش توانستند بدن او را از معرکه بیرون برند و سرانجام دفن کنند اما حکومت اموی آن بدن مقدس را از قبر بیرون آورده و در کناسه کوفه به دار آویخت تا چهار سال روی چوبه دار بود در حالی که راه آزادی و شرف و کرامت انسانی را به مردم نشان می داد و پس از چهار سال آن پیکر مقدس را از بالای دار به زیر آوردند و در آتش سوزاندند و بخشی از خاکستر آن را به آب فرات ریختند تا به عقیده امویان مردم آن را بنوشند.

براستی تمام آنچه را که امام علیه السلام درباره فرزند بزرگوارش خبر داده بود به وقوع پیوست و بیقین این حادثه از علایم و نشانه‌های قطعی امامت آن حضرت است.

(۱)

۲- خبر دادن امام از حکومت عمر بن عبد العزیز

از جمله خبرهای غیبی که امام علیه السلام سالها پیش خبر داد این بود

(۱) فرحهُ الغری.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۸۵

که فرمود: عمر بن عبد العزیز زمام امور مسلمین را به دست خواهد گرفت ولی مدت زیادی حکومتش نخواهد پایید که او از دنیا می‌رود «۱». که این قضیه نیز اتفاق افتاد و عمر بن عبد العزیز به خلافت رسید و مدت کمی زمام امور را در دست داشت تا این که به اجل طبیعی از دنیا رفت.

(۱)

۳- خبر دادن امام از حکومت عباسیان

امام سجاد علیه السلام از حکومت عباسیان خبر داد و از روی علم غیب فرمود که حکومت ایشان بر اساس ظلم و جور و فسق و فجور استوار می‌شود و آنان مسلمانان را از دین بیرون خواهند کرد و در آینده گروه‌هایی از علویان برای مطالبه برقراری عدالت و حق در میان مردم بر ضد ایشان قیام خواهند کرد و سرانجام آنان به دست این طاغوتها به شهادت می‌رسند و عین حدیث امام به شرح زیر است.

امام ابو جعفر (امام باقر) علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل کرده است که آن بزرگوار فرمود:

«بدانید که در نسل ابن عباس فرزندی برای آتش جهنم به ودیعت نهاده شده است و بزودی آنان، مردمان زیادی را دسته دسته از دین بیرون خواهند کرد و بزودی زمین از خون فرزندان آل محمد- صلی الله علیه و آله- رنگین می‌شود، چه آن که این بزرگان بی‌موقع قیام کرده و در پی چیزی خواهند بود که برای آنها ممکن نیست و مؤمنان ایستادگی می‌کنند و صبر و استقامت در پیش می‌گیرند تا وقتی که خداوند حکم خود را به اجرا در آورد.» «۲»

البته گروه زیادی از علویان مجاهد در برابر طاغوتهای عباسی قیام کردند؛ محمد و ابراهیم پرچم انقلاب را در برابر منصور دوانیقی که سرکشترین پادشاه

(۱) دلائل الامامة: ص ۸۸، بصائر الدرجات.

(۲) اثبات الهداة: ۵ / ۲۴۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۸۶

تاریخ مشرق زمین بود، بر افراشتند و همچنین حسین بن علی صاحب واقعه فخ بر ضد هادی عباسی برخاست و دیگر فرزندان پیامبر (ص) قیام کردند و پرچم آزادی و کرامت را به منظور مطالبه حقوق ستمدیدگان و محرومان بر افراشتند و با خون پاکشان درخت اسلام را که عباسیان می‌خواستند از بیخ و بن برکنند آبیاری نمودند.

این بود بخشی از خبرهای غیبی که امام زین العابدین علیه السلام از رویداد آنها پیشاپیش خبر داده، و همان طور که فرموده بود به وقوع پیوست.

(۱) براستی که خداوند به امام زین العابدین علیه السلام علم بی‌حد و بی‌پایانی را مرحمت کرده بود چنان که به پدران بزرگوارش عنایت فرموده بود اما آن بزرگوار علوم خود را پنهان می‌داشت و برای این که مبادا نادانان به خاطر عدم تحمل حقایق به گمراهی افتند، اظهار نمی‌کرد، اما در اشعار ذیل (که منسوب به آن حضرت است) پرده از علوم خود برداشته و می‌فرماید:

أني لاكتم من علمي جواهره كيلا يرى الحق ذو جهل فيفتتنا

يا ربّ جوهر علم لو ابوح به لقليل لي أنت ممّن يعبد الوثنا

و لاستحلّ رجال مسلمون دمی یرون اقبیح ما یأتونه حسنا

و قد تقدم فی هذا ابو الحسن الی الحسین و اوصی قبله الحسن «۱» البته من حقایق علم خویش را پوشیده می‌دارم تا نادانان مبادا حق را ببینند (و تاب تحمل آن را نداشته) و گمراه شوند.

چه بسیار حقیقت علمی که اگر اظهار کنم خواهند گفت تو از جمله بت پرستانی، و هرآینه افراد مسلمان خون مرا مباح خواهند شمرد و نظرات مرا در برابر عقاید خود، زشت و عقاید خود را نیک خواهند دانست، در حالی که ابو الحسن (علی) علیه السلام در این شرایط بود و آن حضرت این را به امام حسین و پیش از او به امام حسن علیهما السلام سفارش کرد.

(۱) منهاج العابدین (فتوکی): ص ۲ از ابو حامد غزالی، الاتحاف بحب الاشراف: ص ۵۰ روح المعانی آلوسی: ۱۹۰ / ۶، روضات الجنّات: ۱۳۳ / ۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۸۷

اظهارات دیگران راجع به شخصیت امام

اشاره

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۸۹

(۱) اظهارات دیگران راجع به شخصیت امام تمام مسلمین درباره بزرگداشت امام زین العابدین علیه السلام اتفاق نظر دارند و به فضیلت آن حضرت اعتراف نموده و معتقدند که او نسخه منحصر به فردی بود در این دنیا که هیچ کس در فضایل، علوم و تقوا به او نمی‌رسید، و از جمله مظاهر بزرگداشت ایشان از آن حضرت این بود که به بوسیدن دست آن بزرگوار تبرک می‌جستند و بر چشمشان می‌کشیدند. «۱» و تعظیم و احترام آن حضرت منحصر به اصحاب و کسانی نبود که با وی برخورد داشتند بلکه تمام مورّخین را با همه اختلاف در نظرات و گرایشهایشان شامل می‌شود که با اعجاب و تعظیم سیره زندگی آن بزرگوار را نقل کرده و تمام عناوین برجسته و اوصاف ارزنده را به او داده‌اند. به اعتقاد من هیچ کسی نیست که شرح زندگی درخشان آن بزرگوار را مطالعه کند مگر این که سر تسلیم و تعظیم در برابر آن حضرت فرود می‌آورد بنا بر این، کسی در خصصتهای والا و سایر صفات برجسته به پای آن بزرگوار نمی‌رسد، و آن حضرت در دل هر انسان شریفی که علاقه‌مند به اوصاف والای بشری و انسانهای نمونه است و به انسانیت احترام می‌گذارد، جا دارد.

اینک به نظرات و سخنان معاصران آن حضرت و مورّخانی که درباره

(۱) عقد الفرید: ۲ / ۲۵۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۹۰

شخصیت آن بزرگوار اظهار نظر کرده‌اند، می‌پردازیم:

(۱)

نظرات معاصرین امام

اشاره

بعضی از دانشمندان و شخصیت‌های گوناگون معاصر امام زین العابدین (ع) درباره شخصیت آن حضرت سخن گفته‌اند که تمامی آنها حاکی از بزرگداشت و تعظیم است چه آن کسانی که خالصانه دوستدار آن حضرت بودند و چه کسانی که در دل نسبت به آن بزرگوار، عداوت و دشمنی داشتند، ما در ذیل سخنان همه را می‌آوریم:

(۲)

۱- جابر انصاری

صحابی بزرگ پیامبر (ص) جابر بن عبد الله انصاری که ارادت خاصی به اهل بیت علیهم السلام داشته و از موالیان ایشان بود، شگفتی فوق العاده خود را نسبت به مقام امام علیه السلام با عبارت ذیل اظهار می‌کند:

«در میان اولاد انبیاء علیهم السلام کسی همچون علی بن حسین دیده نشده است.» (۱)

راستی که چنین است در میان اولاد انبیاء کسی در تقوا و پارسایی و تضرع در پیشگاه خدا چون امام علی بن حسین علیه السلام دیده نشده، همان طوری که هیچ کس چون او گرفتاری ندیده است؛ بیشتر دوران زندگانش گرفتار مصائب و بلاها بود.

(۳)

۲- عبد الله بن عباس

عبد الله بن عباس با همه عظمت شأن و مقام و عمر زیادی که داشت، از

(۱) حیاة الامام محمد الباقر (ع): ۱ / ۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۹۱

امام زین العابدین علیه السلام تجلیل می‌کرد و در مقابل آن حضرت با خضوع و تکریم خم می‌شد و همین که آن بزرگوار را می‌دید تمام قد از جا بر می‌خواست و با صدای بلند می‌گفت: «مرحبا به دوست دوست.» (۱)

(۱)

۳- زهری

محمد بن مسلم قرشی معروف به زهری فقیه، یکی از پیشوایان برجسته و عالم حجاز و شام، «۲» از کسانی است که به امام علیه السلام اخلاص داشت و سخت علاقه‌مند بود، سخنان ارزشمندی را درباره امام علیه السلام گفته که بیانگر اوصاف آن حضرت و ارزشهای والا و صفات برجسته‌ای است که در آن بزرگوار جمع بوده، از جمله می‌گوید:

الف- «هیچ فرد هاشمی را همچون علی بن حسین ندیدم.» (۳)

ب- «هیچ مرد قرشی را پارسا تر و بالاتر از امام سجاد ندیده‌ام.» (۴)

ج- «هیچ فرد قرشی را برتر از علی بن حسین ندیدم.» (۵)

د- «در مدینه کسی را بالاتر از او سراغ ندارم.» (۶)

ه- «در میان اهل بیت مردمی را بالاتر از علی بن حسین نیافتم.» (۷)

و- «من با علی بن حسین علیه السلام زیاد مجالست داشتم، کسی را فقیه‌تر از او ندیدم.» (۸)

- (۱) تاریخ دمشق: ۱۴۷/۳۶.
- (۲) تهذیب التّهذیب: ۴۴۵/۹.
- (۳) خلاصه تهذیب الکمال: م ۷/ق ۲، الاغانی: ۳۲۵/۱۵.
- (۴) البدايه و النّهاية: ۱۰۴/۹.
- (۵) سير اعلام النبلاء: ۳۷/۴، تاريخ اسلام: ۲۶۶/۲، الكاشف: ۲۸۲/۲، طبقات الفقهاء: ۳۴/۱۰.
- (۶) تهذیب اللّغات و الاسماء؛ بخش اول ص ۳۴۳.
- (۷) الجرح و التّعديل: بخش اول از جلد سوم ص ۱۷۸.
- (۸) خلاصه تهذیب الکمال: م ۷/ق ۲ ص ۳۳۶، تذکره الحفاظ: ۷۵/۱، شذرات الذهب: ۱۰۵/۱، العبر فی خبر من غیر: ۱۱۱/۱.
- تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۹۲
- ز- «علی بن حسین از همه مردم زمان خود بالاتر و در اطاعت خداوند بهتر بود.» «۱»
- ح- «روز قیامت، منادی ندا می‌دهد؛ امروز باید آن کسی که سرور عابدان زمان خود بوده است بپاخیزد! آنگاه علی بن حسین علیه السلام بپا می‌خیزد.» «۲» این سخن زهری اشاره به حدیث مشهور نبوی دارد که می‌فرماید:
- «وقتی که روز قیامت فرا رسد منادی از فراز عرش فریاد می‌زند: باید سرور عابدان بپاخیزد، و امام سجاد بر می‌خیزد.» «۳»
- ط- «از زهری پرسیدند: زاهدترین فرد دنیا چه کسی است؟ گفت:
- علی بن حسین علیه السلام.» «۴»
- ی- سفیان بن عینه می‌گوید: از زهری پرسیدم: علی بن حسین را دیده‌ای؟ گفت: آری او را دیده‌ام و کسی را بالاتر از او ندیده‌ام، به خدا سوگند من برای او هیچ دوست نهانی و دشمن علنی سراغ ندارم! پرسیدند: چطور چنین چیزی ممکن است؟ گفت: چون من کسی را ندیدم، مگر با وجود این که او را دوست می‌داشت اما به دلیل اطلاع از فضیلت زیاد آن حضرت رشک می‌برد و همچنین کسی را ندیدم هر چند که دشمن او بود اما به دلیل مدارا و رفتار خوب آن حضرت با وی، او نیز مدارا می‌کرد.» «۵»
- یقیناً زهری این مطالب را بر زبان نیآورده مگر پس از ارتباط زیاد با امام علیه السلام و معرفت کامل به اوصاف آن حضرت و آشنایی با خلق و خوی والا و صفات برجسته امام، و شیفتگی وی تا بدان جا رسیده بود که هر وقت به یاد امام

(۱) سير اعلام النبلاء: ۲۳۸/۴، تاريخ دمشق: ۱۹/۱۲.

(۲) روضات الجنّات: ۲۴۸/۷، كشف الغمّه.

(۳) تاريخ دمشق: ۱۴۰/۳۶.

(۴) بحار الانوار.

(۵) علل الشّرائع: ص ۸۸، وسائل الشّيعه: ۵/۵۴۱، بحار الانوار: ۶۴/۴۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۹۳

می‌افتاد گریه می‌کرد و می‌گفت: زین العابدین. «۱»

(۱)

۴- سعید بن مسیب

سعید بن مسیب از فقهای برجسته مدینه بود، راویان می‌گویند: کسی از تابعین دانشمندتر از او نبود، «۲» وی با امام زین العابدین

علیه السلام مصاحبت داشت و از پارسایی و تقوای دینی آن حضرت آگاه بود و آنچه از امام دیده بود ضبط کرده و می‌گفت: چه کسی مثل او یافت می‌شود! و نیز چنین می‌گوید:

الف- «من کسی را پارسا تر از علی بن حسین علیه السلام ندیدم.» «۳»

ب- «هرگز کسی را بالا-تر از علی بن حسین ندیدم، و هرگز با او روبرو نشدم مگر در خود احساس کوچکی کردم و هرگز او را خندان ندیدم.» «۴»

ج- مردی به سعید بن مسیب گفت: پارسا تر از فلانی ندیده‌ام، سعید از او پرسید: آیا علی بن حسین را دیده‌ای؟ گفت: نه، آنگاه سعید گفت: من پارسا تر از او را ندیده‌ام.» «۵»

د- روزی سعید بن مسیب نشسته بود و در کنار او جوانی بود از مردم قریش ناگاه امام زین العابدین علیه السلام نمایان شد، آن جوان قرشی از سعید پرسید: او کیست؟ سعید گفت: «او سید و سرور عابدان، علی بن حسین است.» «۶»

ه- «من کسی را متواضع تر و پارسا تر از زین العابدین علی بن حسین ندیده‌ام.» «۷»

(۱) تاریخ دمشق: ۱۹/۱۲، کشف الغمّه: ۲/۲۸۸، روضات الجنّات: ۷/۲۶۴.

(۲) تهذیب التهذیب: ۸۵/۴.

(۳) العبر فی خبر من غیر: ۱/۱۱۱، خلاصه تهذیب الکمال: ص ۲۳۱.

(۴) تاریخ یعقوبی: ۳/۴۶.

(۵) سیر اعلام النبلاء: ۴/۳۸، کشف الغمّه: ۳/۳۹۲.

(۶) فصول المهمه: ۱۸۹.

(۷) جمهره الاولیاء: ۲/۷۴.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۹۴

این سخنان که از زبان این مرد فقیه بیرون آمده است، به برخی از صفات امام علیه السلام از قبیل پارسایی، طاعت خدا، تواضع در سلوک و رفتارش با مردم اشاره دارد که تمام اینها از صفات کم نظیر و ارزشمند و در پیشگاه خدا بالاترین صفاتند.

(۱)

۵- زید بن اسلم

زید بن اسلم که سرآمد فقهای مدینه، و همچنین از جمله مفسران قرآن کریم بوده است «۱» از خاصان امام زین العابدین علیه السلام و شیفته فضل، پارسایی و تقوای آن حضرت بود، پرده از شگفتیهای صفات و مقامات فوق العاده امام برداشته و جملاتی در این باره دارد که از آن جمله است:

الف- «من با کسی از اهل قبله مجالست نکردم که نظیر امام علی بن حسین باشد.» «۲»

ب- «مانند علی بن حسین علیه السلام را در میان اهل بیت ندیدم.» «۳»

ج- «همانند علی بن حسین در فهم و قدرت حافظه کسی را ندیده‌ام.» «۴»

معنای سخنان زید این است که امام سجاد بالاتر از همه مسلمانان و برترین فرد هاشمی عصر خود است و همچنین او می‌گوید که کسی را در فهم و سرعت ادراک و قوه حافظه همانند امام ندیده است و این همان مطلبی است که شیعه بر آن تأکید می‌کند و معتقد است امام باید از همه مردم زمان در ویژگیها و صفات والا برجسته تر باشد.

(۲)

۶- حماد بن زید

اما حماد بن زید جهشی که از برجسته‌ترین فقهای بصره و رهبر مسلمین

(۱) تهذیب التّهذیب: ۳/ ۳۹۵.

(۲-۳) تاریخ دمشق: ۱۲/ ق ۱/ ص ۱۹.

(۴) طبقات الفقهاء: ۲/ ۳۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۹۵

آن سامان بود، «۱» با امام زین العابدین علیه السلام ارتباط داشت و از صفات والای آن حضرت سخت در شگفت بوده و می گفت:

«علی بن حسین بالاترین فرد هاشمی بود که من دیده‌ام.» «۲»

براستی که امام علیه السلام بر تمام هاشمیان دوران خود در آداب و اخلاق و کمالات برجسته خود امتیاز داشت.

(۱)

۷- یحیی بن سعید

اما یحیی بن سعید بن قیس انصاری مدنی که از جمله بزرگان تابعین و از بالاترین فقها و علما بوده است، «۳» با امام علیه السلام

مصاحبت کرده و به فضیلت آن حضرت آشنا بود و کلمات ارزشمند ذیل از اوست:

«من از علی بن حسین علیه السلام مطالبی را شنیده و استفاده کرده‌ام و او بالاترین فرد هاشمی است که دیده‌ام.» «۴»

براستی که امام علیه السلام با ایمان، تقوا و علم و فضیلت فراوانش بالاترین فرد هاشمی بود.

(۲)

۸- مالک

مالک می گوید: «کسی در میان اهل بیت همچون علی بن حسین وجود نداشت.» «۵»

(۱) تهذیب التّهذیب: ۳/ ۹.

(۲) تهذیب اللغات و الاسماء بخش اول: ص ۳۴۳.

(۳) تهذیب التّهذیب: ۸/ ۲۲۲.

(۴) تهذیب الکمال م ۷/ ق ۲/ ص ۳۳۶، تهذیب اللغات و الاسماء بخش اول: ص ۳۴۳ تاریخ کبیر بخش دوم از جلد سوم: ص ۲۶۶،

طبقات ابن سعد: ۱/ ۲۱۴، الجرح و التّعدیل ق/ ۱ از جلد سوم:

ص ۱۷۸.

(۵) سیر اعلام النبلاء: ۴/ ۲۳۸ و در تهذیب التّهذیب: ۷/ ۳۰۵ چنین آمده است: «در میان اهل بیت رسول خدا (ص) کسی همانند

علی بن حسین نبود.»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۹۶

(۱)

۹- ابو بکر بن برقی

ابو بکر بن برقی می‌گوید: «علی بن حسین بالاترین فرد زمان خود بوده است.» (۱)
براستی که امام علیه السلام در علم، تقوا و اطاعت خدا بالاترین فرد روزگار بوده است و کسی همانند او در کمال و شخصیت
والایش در آن روزگار نبود.

(۲)

۱۰- ابو ذرعه

ابو ذرعه گوید: «من کسی را فقیه‌تر از علی بن حسین ندیده‌ام.» (۲)

(۳)

۱۱- ابو حازم

ابو حازم می‌گوید: «هیچ فرد هاشمی را بالاتر از علی بن حسین ندیده‌ام.» (۳)

و نیز می‌گوید: «فقیه‌تر از علی بن حسین را سراغ ندارم.» (۴)

(۴)

۱۲- ابو حاتم اعرج

ابو حاتم اعرج می‌گوید: «من کسی از هاشمیان را بالاتر از علی بن حسین ندیده‌ام.» (۵)

(۱) سیر اعلام النبلاء: ۴/ ۲۳۸.

(۲) تاریخ دمشق: ۱۲/ ق ۱/ ص ۱۸.

(۳) همان مدرک.

(۴) تهذیب الکمال م ۷/ ق ۲/ ص ۳۳۶، کشف الغمه: ۳/ ۲۹۲.

(۵) تذکره الحفاظ: ۱/ ۷۵، شذرات الذهب: ۱/ ۱۰۵، العبر فی خبر من غیر: ۱/ ۱۱۱، تاریخ اسلام:

۱۶/۲.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۹۷.

(۱)

۱۳- ابو حمزه ثمالی

ثابت بن ابی صفیه مشهور به ابو حمزه که فردی موثق و امین بود، می‌گوید: «من از مردم را نشنیده‌ام که کسی پارسا‌تر از علی بن
حسین باشد مگر آنچه را که از علی بن ابی طالب نقل کرده‌اند.» (۱) و در جای دیگر می‌گوید: «هرگز کسی را زاهدتر از علی بن
حسین نشنیده‌ام که بهنگام سخن گفتن از زهد و وقت موعظه کردن دیگران، همه حاضران محضرش را به گریه آورد.» (۲)

(۲)

۱۴- امام صادق (ع)

نواده امام سجاد علیه السلام یعنی امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«کسی از فرزندان امام امیر المؤمنین علیه السلام و از اهل بیت آن حضرت که در لباس پوشیدن و فقاہتش شبیه‌تر از علی بن حسین علیهما السلام به آن بزرگوار باشد.» (۳) براستی که امام زین العابدین در عبادت، علم و دیگر صفات شبیه‌ترین فرد به جدش امام امیر المؤمنین بود و بحق تجسمی از آن شخصیت والا بود که با علوم و معارفش آسمان دنیا را روشن کرده است.

(۳)

۱۵- عمر بن عبد العزیز

عمر بن عبد العزیز از جمله کسانی است که معاصر امام زین العابدین علیه السلام بوده و از مقام والای او مطلع بود، روزی امام (ع) با وی دیدار کرد و چون برگشت، عمر رو به یارانش کرد و پرسید:

«شریفترین مردم کیست؟» جمعی از افراد چاپلوس حاضر در جلسه گفتند:

(۱) سفینه البحار: ۱/ ۵۷.

(۲) امالی شیخ مفید: ص ۱۱۷.

(۳) حاشیه دیوان حمیری: ص ۳۶۲.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۹۸.

«شما».

عمر، با تمام صراحت حقیقت را بیان کرد و گفت:

«هرگز! همانا شریفترین مردم این آقا بود که از نزد ما رفت- یعنی امام زین العابدین- و آن کسی که مردم دوست دارند که از پیروان او باشند، اما او دوست ندارد که پیرو دیگری باشد.» (۱)

معنای سخنان عمر، آن است که امام علیه السلام به مقامی از شرافت و بزرگی رسیده است که هیچ کسی از طبقات مختلف مردم نرسیده و همه دوست دارند که نوعی پیوستگی و ارتباط با آن حضرت داشته باشند، و این هم به خاطر مقام و منزلت والای اجتماعی آن بزرگوار است در حالی که او مایل نیست و دوست ندارد وابسته به کسی باشد زیرا همه در درجه‌ای پایین‌تر از آن حضرت قرار دارند و بزرگداشت و تجلیل عمر از امام تا بدان جا رسیده بود وقتی که خبر وفات امام را شنید، جملات زیر را در سوک آن بزرگوار گفت:

«چراغ روشنی‌بخش دنیا و زینت و جمال اسلام و زیور عبادت کنندگان دست رفت.» (۲)

(۱)

۱۶- یزید بن معاویه

اعتراف به فضیلت امام زین العابدین علیه السلام، منحصر به شیعیان و پیروان آن حضرت نبود بلکه دشمنان و مخالفان او نیز به عظمت او اعتراف دارند، این یزید بن معاویه است که از سرسخت‌ترین دشمنان اهل بیت علیهم السلام بوده است، به صفات و

ویژگیهای برجسته آن حضرت اعتراف دارد و این در موقعی اتفاق افتاد که مردم شام اصرار کردند تا اجازه دهد، امام علیه السلام سخنرانی کند، آن طاغوت ستمگرترس و هراس خود را با این عبارت ابراز داشت:

(۱) بحار الانوار: ۴۶/۳-۴ و قریب به این مضمون در محاضرات الادبای راغب اصفهانی: ۱/۱۶۶ آمده است.

(۲) تاریخ یعقوبی: ۳/۴۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۹۹

«او از خانواده‌ای است که از شیرخوارگی به علم و کمال آراسته‌اند و اگر بالای منبر برود، من و تمام آل ابو سفیان را رسوا خواهد کرد.»

یزید، با این جملات پرده از میزان علمی و تواناییهای خطابی امام علیه السلام پرده برداشته و اعتراف دارد که او به قدری از توانایی بیان و استدلال قوی برخوردار است که می‌تواند موقعیت او را در جهت مخالف با مصالح حکومت او دگرگون کند.

(۱)

۱۷- عبد الملک بن مروان

دشمن دیگری از دشمنان اهل بیت علیهم السلام یعنی عبد الملک بن مروان نیز به فضیلت امام علیه السلام اعتراف نمود، موقعی که با او ملاقات کرد و دید در اثر عبادت زیاد نحیف و لاغر شده است، از روی تعجب رو به آن حضرت کرد و گفت:

«براستی که مقام اجتهاد و کوشش در راه خدا بر تو روشن گشته و تفضلات الهی از قبل شامل حال تو شده است و تو پاره تن رسول خدا و خویشاوندی نزدیک و رابطه قطعی با آن حضرت داری و تو بر دیگر افراد اهل بیت و مردم روزگار فضیلت زیادی داری و به تو فضل و دانش و دین و تقوای فراوانی داده شده به حدی که مثل آن را به کسی نداده‌اند و پیش از تو کسی جز نیاکانت به آن حد نرسیده‌اند.» (۱)

(۲)

۱۸- منصور دوانیقی

در اینجا دشمن دیگری از دشمنان اهل بیت علیهم السلام است که به فضیلت امام اعتراف کرده و آن منصور دوانیقی است که در نامه‌ای که به صاحب نفس زکیه می‌نویسد، می‌گوید:

(۱) بحار الانوار: ۷۵/۴۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۰۰

«در میان شما، علویان پس از وفات رسول خدا- صلی الله علیه و آله- کسی چون زین العابدین به دنیا نیامده است.» (۱)

(۱)

۱۹- فرزددق

فرزددق، شاعر بزرگ عرب کسی که صفات ارزشمند امام زین العابدین علیه السلام او را در خود غرق کرده و به والایی و قداست شخصیت آن بزرگوار ایمان داشت، و در قصیده غرای جاودانه‌ای که بالبداهه برای بیان شخصیت امام و سایر ویژگیها و صفاتش

سروده، این مطلب پیداست و این قصیده را موقعی سرود که طاغوت زمان؛ هشام بن عبد الملک در برابر مردم شام تجاهل کرد و اظهار داشت که امام را نمی‌شناسد تا مبدا مردم فریفته معرفت او گردند، اما فرزددق آن حضرت را به مردم چنین معرفی کرد:

هذا الذى تعرف البطحاء وطأته و البيت يعرفه و الحل و الحرم
 هذا ابن خیر عباد الله کلهم هذا التقى التقى الطاهر العلم
 إذا رأته قریش قال قائلها: إلى مکارم هذا ينتهى الحرم
 یرقى إلى ذروة المجد التى قصرت عن نیلها عرب الإسلام و العجم
 یکاد یمسکه عرفان راحته رکن الحطیم إذا ما جاء یتسلم
 یغضى حیاء و یغضى من مهابته فلا یکلم إلا حین یتسم
 بکفه خیزران ریحها عقب من کف اروع فى عرنینه شمم
 من جده دان فضل الأنبیاء له و فضل امته دانت له الأمم
 ینشق نور الهدى عن نور غرته کالشمس تنجاب عن اشراقها الظلم
 مشتقه من رسول الله نبعته طابت عناصرها و الخیم و الشیم
 هذا ابن فاطمة إن كنت جاهله بجده أنبیاء الله قد ختموا
 الله شرفه قدما و فضله جرى بذاک له فى لوحه القلم

(۱) کامل مبرد: ۲/ ۴۶۷، عقد الفرید: ۵/ ۳۱۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۰۱

براستی که امام بالاترین چهره‌ای بود که فرزددق در دنیای شرف و فضیلتها دیده بود، این بود که دل به محبت و ولای او سپرد. ما در آینده ضمن بحثهای آتی، تمام این قصیده را ذکر خواهیم کرد. «۱»

(۱)

۲۰- حمیری

اما سید حمیری که تمام ذوق و استعداد خدادادیش را وقف ستایش اهل بیت علیهم السلام نموده است زیرا یقین داشت که ایشان معدن رحمت و فضیلتند در زمین و هیچ خصوصیت و فضیلتی از فضایل ایشان را فروگذار نکرده مگر آن که در اشعاری نغز سروده است و امام زین العابدین علیه السلام را با این بیت توصیف کرده، می‌گوید:

و رابعهم علی ذو المساعی به للذین و الدنیا قوام «۲» - چهارمین فرد از ایشان علی بن حسین علیه السلام است که کمکهای فراوان به فقرا داشت و به وسیله او دین و دنیا قوام گرفته و استوار گشته است.

(۲)

۲۱- ابن شهاب

ابن شهاب می‌گوید: «من هیچ فرد قرشی را بالاتر از علی بن حسین

(۱) از این رو ما نیز در اینجا به خاطر عدم تکرار از ترجمه این قسمت خودداری کردیم. عبد الرحمن جامی در کتاب سلسله الذهب

این قصیده را به شعر فارسی در آورده و می‌گوید زنی از مردم کوفه پس از مرگ فرزّدق شبی او را در خواب دید و از او پرسید که خدا با تو چه کرد؟ گفت: خدا مرا به خاطر آن قصیده‌ای که در مدح و ثنای حضرت علی بن حسین علیه السلام گفته بودم، آمرزید. جامی می‌گوید: سزاوار است که خدای تعالی همه مردم عالم را به برکت این قصیده بیامرزد. اشعار ذیل از اوست:

صادقی از مشایخ حرمین چون شنید این نشنید دور از شین

گفت نیل مراضی حق رابس بود این عمل فرزّدق را

مستعد شد رضای رحمن رامستحق شد ریاض رضوان را

زان که نزدیک حاکم جابر کرد حق را برای حق ظاهر... م.

(۲) دیوان حمیری: ص ۳۶.

تعلیلی از زندگانی امام سجّاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۰۲

علیه السلام ندیده‌ام. «۱»

(۱)

۲۲- ابن زید

ابن زید می‌گوید: پدرم همواره می‌گفت: «من هرگز شخصیتی به عظمت علی بن حسین علیه السلام ندیده‌ام.» (۲) اینها بودند جمعی از معاصران امام که در آن میان هم دوستان بودند و برخی هم از دشمنان که جملگی بر این عقیده‌اند که امام علیه السلام یکی از استوانه‌های تقوا و دانش در جهان اسلام است.

(۲)

مورّخان

اشاره

اما مورّخان با تمام اختلاف در اندیشه‌ها و گرایشهایی که دارند، همگی بر بزرگداشت و تجلیل از امام سجّاد علیه السلام اتفاق نظر دارند زیرا که به آن حضرت خصلتها و ویژگیهایی داده شده که او را تا بلندترین قله شرف و بزرگی رسانده، بدان جا که پدران بزرگوار او رسیده‌اند، و در ذیل بعضی از اقوال ایشان را می‌آوریم.

(۳)

۱- ابن عساکر

حافظ ابو القاسم علی بن حسن شافعی معروف به ابن عساکر در شرح حال امام علیه السلام، می‌گوید: «علی بن حسین مورد اعتماد و امین بوده و احادیث زیادی نقل کرده، او عالیقدر، بلند مقام و پارسا بوده است.» (۳) و این صفات از ارزشمندترین و بالاترین اوصافی هستند که در دنیای

(۱-۲) المعرفة و التاریخ از بسوی: ۱ / ۳۶۰.

(۳) تاریخ دمشق: ۳۶ / ۱۴۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۰۳

اسلام وجود دارد.

(۱)

۲- ابن سعد

محمد بن سعد، می گوید: «علی بن حسین شخصیتی مورد اطمینان و امین بوده، احادیث زیادی نقل کرده، بلند مقام و رفیع منزلت و پارسا بوده است.» (۱)

ملاحظه می فرمایید که ابن عساکر و ابن سعد در توصیف امام علیه السلام به این اوصاف اتفاق نظر دارند.

(۲)

۳- ابن حجر عسقلانی

ابن حجر عسقلانی می گوید: «علی بن حسین بن علی بن ابی طالب زین العابدین شخصیت مورد اعتماد و استواری است، او عابد فقیه فاضل مشهور است، ابن عیینه از قول زهری درباره او گفته است: من کسی را در بین مردم قریش بالاتر از او ندیده‌ام.» (۲)

(۳)

۴- ابن هبیشی

شهاب الدین احمد بن حجر هبیشی می گوید: «و زین العابدین آن کسی است که در علم و زهد و عبادت جانشین پدران خویش است ... و می افزاید:

زین العابدین گذشت و عفو و اغماض زیادی داشت.» (۳)

براستی که امام زین العابدین علیه السلام جانشین پدرانش بوده و بالاترین صفات ایشان یعنی علم و زهد و عبادت را از ایشان به ارث برده است، علاوه بر آن که وی از گذشت و عفو و اغماض زیادی نسبت به کسانی که به آن حضرت بدی کرده بودند، برخوردار بوده است.

(۱) طبقات الکبری: ۵ / ۲۲۲.

(۲) تقریب التّهذیب: ۲ / ۳۵.

(۳) الصّواعق المحرقة: ص ۱۱۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۰۴

(۱)

۵- ذهبی

محمد بن احمد بن عثمان ذهبی می گوید: «امام زین العابدین دارای شکوه و جلال فوق العاده‌ای بود، به خدا سوگند که بجا بود و آن بزرگوار شایستگی بالاترین مقام امامت و رهبری را داشته است و این شایستگی را به خاطر بزرگی و سروری و دانش و خداپرستی و عقل و کاملش احراز کرده بود.» (۱)

ذهبی به جنبه واقعیت درخشانی که امام علیه السلام حائز بوده و همچنین به شایستگی آن حضرت برای بالا-ترین مقام امامت و رهبری مادی و معنوی امت اعتراف نموده است که اینها از بالاترین و مهمترین مراتب اسلام است.

(۲)

۶- ابو الفتح

ابو الفتح بن صدقه می گوید: «امام علی بن حسین بن علی بن ابی طالب- رضوان خدا بر همه ایشان باد- معروف به زین العابدین، یکی از دوازده امام و از جمله سادات و بزرگان تابعین است.» (۲)

(۳)

۷- ابو نعیم

حافظ ابو نعیم گوید: «علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام، زین العابدین و شاخص مطیعان و خاشعان فردی عابد و وفادار، بخشنده و خوش خو بود.» (۳)

براستی ابو نعیم راجع به برخی از صفات نمونه امام علیه السلام از قبیل عبادت، وفاداری و بخشندگی سخن گفته است.

(۱) سیر اعلام النبلاء: ۴ / ۲۴۰.

(۲) درر الابکار (فتوگرافی): ص ۷۰.

(۳) حلیه الاولیاء: ۳ / ۱۳۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۰۵

(۱)

۸- یعقوبی

احمد بن ابی یعقوب می گوید: «امام زین العابدین بالا-تر از همه مردم و عبادتش بیشتر از همه بود، او را زین العابدین و نیز ذو الثنات می گفتند به خاطر آثار سجده‌ای که در صورتش نمودار بود.» (۱)

براستی که امام زین العابدین از همه مردم بالاتر و والامقام‌تر بوده و از همه کس عبادت و طاعت پروردگار را بیشتر داشت.

(۲)

۹- واقدی

واقدی گوید: «زین العابدین علیه السلام از پارساترین و عابدترین مردم بوده و از همه کس تقوای الهیش بیشتر بود، او وقتی که راه می رفت دستش را حرکت نمی داد ... «۲» «۳»

براستی که واقدی به پارسایی، عبادت و تقوای و تواضع امام علیه السلام توجه داشته و آن حضرت با این اوصاف برجسته بحق بالاتر و گرامتر از همه مردم بوده است.

(۳)

۱۰- صفی الدین

صفی الدین می گوید: «زین العابدین (ع) هدایتگر بزرگ و دارای راه و روش شایسته بوده است، خطیب در جامع خود از ابن عباس نقل کرده است که پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود: همانا هدایت و روش صالح و میانه روی یک جزء از بیست و پنج جزء نبوت است.» (۴)

(۱) تاریخ یعقوبی: ۳/ ۴۶.

(۲) کنایه از این که متواضعانه حرکت می کرد- م.

(۳) البدایة و النهایة: ۹/ ۱۰۴.

(۴) وسیله المآل فی عد مناقب الآل: ص ۲۰۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۰۶
(۱)

۱۱- نووی

نووی می گوید: «تمام مسلمین بر عظمت امام زین العابدین در هر جهت اتفاق نظر دارند.» (۱) تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام ج ۱، ص ۲۰۶ - نووی ص: ۲۰۶
استی که تمام مسلمین درباره بزرگداشت و تعظیم امام علیه السلام اتفاق دارند و این تجلیل به خاطر برخورداری آن حضرت از صفات برجسته‌ای می باشد که جای گرامیداشت و افتخار برای همه مسلمانان است.
(۲)

۱۲- عماد الدین

داعی عماد الدین ادریس قرشی می گوید: «امام علی بن حسین، زین العابدین علیه السلام پس از امام حسن و امام حسین علیهما السلام از تمام اهل بیت- علیهم جمیعا الصلاة و السلام- بالاتر و گرامیتر بوده و پارسایی و زهد و عبادتش بیشتر بوده است.» (۲)
(۳)

۱۳- ابن عنبه

نسب شناس مشهور به ابن عنبه می گوید: «فضایل امام زین العابدین علیه السلام بیشتر از آن که به شمار آید و یا امکان توصیف باشد.» (۳) براستی که خوبیها و فضایل امام زین العابدین را نمی توان توصیف کرد و بیرون از شمار است زیرا که خوبیهای امام علیه السلام در امتداد ذاتی سیره پدرانیش بود که تمام دنیا را نیکبها و فضایل ایشان روشن کرده است.

(۱) تهذیب اللغات و الاسماء: ق ۱/ ۳۴۳.

(۲) عیون الاخبار و فنون الآثار: ص ۱۴۴.

(۳) عمدة الطالب: ص ۱۹۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۰۷

(۱)

۱۴- شیخ مفید

شیخ مفید می‌گوید: «علی بن حسین علیهما السلام پس از پدرش از نظر علم و عمل بالاتر از همه خلق خدا بود، فقهای اهل تسنن به قدری از مسائل علوم مختلف از آن بزرگوار نقل کرده‌اند که قابل شمارش نیست و به قدری مواعظ و ادعیه و فضایل قرآن، حلال و حرام و مطالب مربوط به جنگها و حوادث ایام ضبط کرده‌اند که بین دانشمندان مشهور و زبانزد همگان است.» (۱)

حقا که امام زین العابدین علیه السلام یکی از سرمایه‌های فکری اسلامی بوده و علوم و معارف را در دنیای اسلام گسترش داده است و از آن حضرت، دانشمندان و فقها، احکام اسلام و آداب شرعی و دیگر فنون مختلف را نقل کرده‌اند.

(۲)

۱۵- جاحظ

ابو عثمان عمرو بن بحر جاحظ می‌گوید: «اما علی بن حسین، هیچ کس دیگر را درباره او ندیده‌ام مگر همچون یک نفر شیعه، و هیچ شیعه را ندیده‌ام مگر چون یک معتزلی و هیچ معتزلی را ندیده‌ام مگر یک نفر سنی (اشعری) و هیچ سنی را ندیده‌ام مگر یک نفر از شیعیان خاص آن حضرت و هیچ فردی را ندیده‌ام که در گرامیداشت و برتری دادن او حرفی داشته باشد و در مقدم داشتن او بر دیگران شک و تردید به خود راه دهد!» (۲)

معنای این سخن جاحظ آن است که مسلمین با اختلاف افکار و گرایشها همگی بر تعظیم امام علیه السلام و اعتراف به فضیلتش و اظهار محبت و دوستیش اتفاق نظر دارند.

(۱) ارشاد مفید.

(۲) عمده الطالب: ص ۱۹۳-۱۹۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۰۸

(۱)

۱۶- شراوی

شراوی می‌گوید: «امام زین العابدین - رضی الله عنه - عابد، زاهد، پارسا، متواضع و خوش خوی بود.» (۱)

این اوصاف است که امام سجاد علیه السلام را تا اوج بزرگی و عظمت بالا برده و مردم را شیفته محبت و اخلاص نسبت به او کرده است.

(۲)

۱۷- قلیوبی

احمد قلیوبی شافعی گوید: «فضایل امام بیشتر از آن است که قابل شمارش باشد و در وصف بگنجد.» (۲)

(۳)

۱۸- ابن تیمیه

حتی ابن تیمیه که از راه اهل بیت علیهم السلام منحرف و از دشمنان ایشان است، بر فضیلت و مقام و منزلت والای آن حضرت اعتراف نموده و می‌گوید: «امام علی بن حسین از بزرگان و سادات تابعین در علم و دیانت است ... دارای مقام خشوع بوده و صدقات نهانی داشته و دیگر فضائلی که معروف و مشهور است.» (۳)

(۴)

۱۹- شیخانی

شیخانی قادری می‌گوید: «مولای ما زین العابدین علی بن حسین بن علی بن ابی طالب، فضایل و مکارمش مشهور است وجود و احسانش به همه جا رسیده، والامقام و گرانقدر و دارای سعه صدر بوده، کرامات ظاهریش را همه کس

(۱) الاتحاف بحب الاشراف: ص ۴۹.

(۲) تحفه الرّاعب: ص ۱۳.

(۳) منهاج السنه: ۲/ ۱۲۳، چاپ اول.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۰۹

به چشم دیده و در کتب آثار بطور متواتر ضبط شده است.» (۱)

دسته دسته مردم از فضایل و نیکیها و مناقب امام زین العابدین سخن گفته و مکارم و فضایلش همه جا مشهور است، علاوه بر همه اینها امام علیه السلام از کرامات خدادادی که خداوند تنها به بندگان مخلصش ارزانی می‌دارد، به وفور برخوردار بود.

(۱)

۲۰- ابن خلکان

ابن خلکان می‌گوید: «وی- یعنی امام زین العابدین علیه السلام- یکی از دوازده امام و از جمله بزرگان تابعین است؛ زهری گوید: من هیچ فرد قرشی را بالاتر از او ندیدم.» (۲)

(۲)

۲۱- ابن شدقم

ابن شدقم می‌گوید: «امام بزرگوار، زاهد علی بن حسین زین العابدین ...» (۳)

(۳)

۲۲- منوفی

سید محمود منوفی می‌گوید: «زین العابدین، عابد، وفادار، بخشنده با صفا بود، وقتی که راه می‌رفت دستش از ران پا به سمت عقب نمی‌رفت.» (۴) (۵)

(۱) الصّراط السّوی: ص ۱۹ فتوگرافی کتابخانه امام امیر المؤمنین.

(۲) وفيات الأعیان: ۴۲۹ / ۲.

(۳) زهرة المقول: ص ۶.

(۴) کنایه از این که متکبرانه حرکت نمی کرد- م.

(۵) جمهرة الاولیاء و اعلام اهل التّصوف: ۷۱ / ۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۱۰

(۱)

۲۳- ابو الفتوح

ابو الفتوح حسینی می گوید: «نام جاودانه و شهرت همگانی از آن علی اوسط، زین العابدین ملقب به سجاد است ... او نخستین فرزند

از فرزندان امام حسین و چهارمین معصوم- به عقیده شیعه دوازده امامی- و زاهد و پارسا- به عقیده دیگران- است ...» (۱)

(۲)

۲۴- مناوی

مناوی می گوید: «زین العابدین امام استوار و مورد اعتماد است و خوبیها و مکارم او در همه جا مشهور و فضایلش در فضای هستی

پراکنده، والامقام و دارای سعه صدر و کرامت بوده، او بمنزله سر نسبت به پیکره ریاست و در خور زمامداری و تدبیر امور امت بود

...» (۲)

براستی این صفات برجسته‌ای را که امام علیه السلام داشته است او را به اجماع مسلمین در خور امامت و زمامداری همگان و اداره

امور مسلمانان نموده است و کسی در عصر آن حضرت نظیر و مشابه وی در صفات نیک و ملکات گرانقدرش نبوده است.

(۳)

۲۵- محمد بن طلحه

کمال الدین محمد بن طلحه قرشی شافعی می گوید: «این زین العابدین، سرمشق زاهدان، سرور پرهیزگاران و امام و رهبر مؤمنان

است که خو و خصلتش گواهی دهند که او از دودمان رسول خدا (ص) است و آثار او ثابت می کنند که او مقرب درگاه خدا و

وصله‌های پیشانی‌ش بیانگر نماز و تهجد فراوان اوست. و بی‌اعتنائیش به متاع دنیا حکایت از زهد او دارد، از نیاکانش به غذای تقوا

تغذیه

(۱) التّفحّة العنبریّة (فتوگرافی).

(۲) الکواکب الدرّیّه: ۱۳۹ / ۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۱۱

شده تا این که به حد اعلای از تقوا رسیده و انوار ابدیت بر او تائیده و بدان وسیله راه هدایت را پیموده و اوراد و اذکار عبادت با او

قرین شده و او همواره با این اوراد انس گرفته و وظایف طاعت پروردگار ندیمش گشته و بدانها آراسته است، آری چه شبهای

بسیاری را که برای پیمودن راه آخرت چون مرکب سواری با شب‌زنده‌داری گذرانده، و چه بسیار کاروانهای تشنه که

کاروانسالارش در موضع دیده‌بانی مسافر از او راه را جسته است، او معجزات و کراماتی دارد که با چشمان بینا دیده شده و در آثار متواتره به ثبت رسیده؛ براستی که او از پادشاهان روز جزا و عالم آخرت است...» (۱)

۲۶- محمد بن سعد

محمد بن سعد می‌گوید: «امام زین العابدین فردی مورد اعتماد و امین، پرحديث، عالیقدر، والامقام و پارسا بوده است.» (۲)

۲۷- سید عباس

سید عباس موسوی می‌گوید: «زین العابدین علیه السلام از همه مردم خوش‌سیماتر و خوشبوتر، و بزرگوارتر و از نظر شخصیت و شرافت از همگان بالاتر و گران‌قدرتر بود...» (۳)

۲۸- سید محسن

سید محسن امین عاملی می‌گوید: «امام زین العابدین علیه السلام بالاترین فرد زمان خود بوده و از همه کس داناتر، فقیه‌تر، پارساتر، عابدتر، گرامی‌تر بردبارتر و استوارتر، فصیح‌تر، خوش‌خوتر و همچنین صدقاتش بیشتر و به

(۱) مطالب السؤل: ۲ / ۴۱.

(۲) البدايه و النّهاية: ۹ / ۱۰۴.

(۳) نزهة الجليس: ۲ / ۲۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۱۲

مستمندان مهربانتر بوده و خیرخواه‌ترین فرد برای مسلمانان و در نزد آشنا و بیگانه، دوست و دشمن به عظمت یاد می‌شد، تا آنجا که یزید بن معاویه وقتی که دستور داد مردم مدینه به عنوان این که برده و خدمتکاران او هستند، کسی را جز علی بن حسین علیهما السلام استثنا نکرد تنها به او دستور داد که به عنوان برادر و عموزاده با وی بیعت کند.» (۱)

براستی که مرحوم امین، امام علیه السلام را به تمام اوصاف والا ستوده است زیرا هیچ فضیلتی نیست که باعث امتیاز و شرافت یک انسان باشد مگر این که آن فضیلت یکی از اوصاف و فضایل آن حضرت بوده چنان که درباره‌اش گفته‌اند:

خلقت مهدّبا من کل عیب کأنّک قد خلقت کما تشاء - تو چنان پاکیزه و بدور از هر نقص و عیبی آفریده شده‌ای، که گویی همان گونه که خود می‌خواستی آفریده شده‌ای.

(۱)

۲۹- نویری

شهاب الدین احمد بن عبد الوهّاب نویری می‌گوید: «علی بن حسین - رحمه الله - فردی ثقه، پارسا، امین، پرحديث و از بافضیلت‌ترین افراد اهل بیت و نیک‌طاعت‌ترین آنها بوده است.» (۲)

(۲)

۳۰- شافعی

امام شافعی می‌گوید: «براستی که علی بن حسین از همه دانشمندان مدینه فقیه‌تر بود.» (۳)

(۱) اعیان الشیعه: ۴/ ق ۱/ ۳۰۸.

(۲) نهایه الارب فی فنون الادب: ۲۱/ ۳۲۴.

(۳) رسائل الجاحظ: ص ۱۰۶، نهج البلاغه: ۱۵/ ۲۷۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۱۳

(۱)

۳۱- علی بن عیسی اربلی

ابو الحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح اربلی می‌گوید: «مناقب امام علی بن حسین از شمار ستارگان بیشتر است، و کسی که بخواهد اوصافش را بگوید تا بی‌نهایت می‌کشاند، وی در آسمان مناقب همچون ستارگان برای طالبان هدایت می‌درخشد، چرا ندرخشد در حالی که از همه مردم جهان- جز علی، فاطمه، حسن، حسین و محمد (ص) بالاتر است و این مقدم داشتن به دلیل هماهنگی با طبع آدمی و برخاسته از سرشت اوست. بنا بر این هیچ تردیدی به خود راه مده، و هرگاه اندیشه را چنان که باید به کار اندازی خواسته خویش را از افتخارات و سروری هر چه بخواهی می‌یابی زیرا که امام و رهبر ریانی و مجسمه‌ای از نور، بزرگ بزرگان و زاهد زاهدان و قطب اقطاب، عابد عابدان، نور مشکات رسالت، نقطه دایره امامت فرزند دو قوم نیکو، از دو سو بزرگوار، دارای قلبی آرام و نور چشم، علی بن حسین علیه السلام است، آیا می‌دانی که علی بن حسین کیست؟! کسی که بیش از هر کس در درگاه خدا می‌نالد و روی دل به آن درگاه داشت، به سنت پیامبر و کتاب خدا عمل می‌کرد و سخن شایسته می‌گفت:

همواره در محراب عبادت به سر می‌برد و در معارفش بی‌نظیر بود، کسی که امروزش از دیروز بالاتر و در معارف بر همه خلائق برتری داشت و زمام اختیار شرف و بزرگی را به دست گرفت و بر بلندای آن صعود کرد و در زادگاه و اصالت و پاکی ریشه و ذاتش کسی به مرتبه او نمی‌رسد و زبان از وصف او عاجز و ناتوان است؛ در خلوت‌های راز و نیاز با خدا بی‌همتا بود، فرشتگان از نحوه حضور وی در پیشگاه خدا متعجب بودند و از موضع خوف و خشیت او در برابر خدا در شگفت بودند که چگونه سیل اشک از دیدگان می‌بارید، پس خدا تو را تأیید کند، درست در شرح حال آن حضرت دقت کن و با چشم عبرت بین آثار شگفت‌آور آن بزرگوار را بنگرد و در زهد و عبادت و خضوع و خشوع و تهجد و صلوات مداوم و دعا‌های آن بزرگوار در اوقات مناجات با خدا و استمرار بر ملازمت در عبادتش و ایثار،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۱۴

صدقات و بذل و بخشش فکر کن و درباره توسلاتش که با همه فصاحت و بلاغتی که دارد که حکایت از خضوع و خشوع آن حضرت در پیشگاه خدا می‌کند و به عجز و ناله‌اش تفکر کن و همچنین ایستادن آن حضرت را در محضر خدا- با همه طاعت فراوانش- نظیر گنهکاران و اعتراف به گناهان برای بخشش و گریه و زاری و بی‌تابی و دل شکستگی از ترس و خشیت الهی و بیم و هراسش را ببین، تمام شب او مشغول ذکر خدا و پیشانی بندگی بر خاک می‌سایید در حالی که به تقدیس پروردگار و مناجات خدای تعالی مشغول بود، خدا را مخاطب قرار می‌داد و در خانه او را می‌کوبید و خود را در محضر خدا می‌دید و از همه چیز رو

می‌گردانید و تنها به درگاه او متوجه بود؛ از دنیای دون بریده و از این پیکر بشری جدا شده؛ جسمش در زمین به حال سجده افتاده و روحش به ملائکه‌ای پیوسته بود و چون آیات عذاب را تلاوت می‌کرد چنان به خود می‌پیچید که گویا مقصود آیه، اوست در حالی که آن بزرگوار بدور از عذاب الهی و مبرا از آن است. آری در حالات آن حضرت اموری عجیب و حالاتی غریب مشاهده می‌کنی؛ می‌بینی که وجودش در پیشگاه خدا مقرب بوده و یقین پیدا می‌کنی که هرگز شک و ریبی در او راه نداشت و معرفتش چون کسی بود که حجابها بر طرف شده و درهای معرفت به روی او گشوده و این همه میوه آن درخت است، همچنان که این یکی از ده گوهر و این نطفه پاک از آن چشمه جوشان است و این پدیده و تازه‌ای از آن کهن و قدیم می‌باشد و بحق این در گرانها، از آن دریای متلاطم است و این ستاره تابان از آن ماه فروزان است و این شاخه سر برآورده از آن اصل ثابت و استوار می‌باشد و این نتیجه و حاصل آن مقدمه است و براستی این جانشین محمد، علی، حسن، حسین و فاطمه مجلله و معظّمه است، این است اصل و نسب پاک امام زین العابدین علیه السلام...» (۱)

(۱) علامه محقق اربلی به برجسته‌ترین صفات امام سجاد علیه السلام، که

(۱) کشف الغمه: حالات امام علی بن الحسین علیهما السلام.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۱۵

باعث افتخار هر مسلمانی هستند، اشاره کرده است بر راستی که صفات نورانی آن حضرت استمرار و امتداد صفات و خصوصیات پدران و نیاکانش است که بدان وسیله مسیر تاریخ را عوض کردند و با آن صفات راه بشریت را روشن ساختند و آدمی را پس از آن که در بیابانهای مهلک و نادانسته‌های این زندگی دنیوی سرگردان بوده با راه و رسم حق و حقیقت آشنا کردند. البته فضایل و نیکیهای امام علیه السلام چنان است که در وصف ننگجد و زبان از بیان تمام آنها عاجز است زیرا او شاخه‌ای از شجره نبوت و درخت امامت است که خداوند کمال مطلق را در آنها به ودیعت نهاده تا در روی زمین جلوه گر حق و حقیقت باشند.

(۱)

۳۲- بستانی

بستانی گوید: «زین العابدین همان ابو الحسن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب است که به خاطر عبادت فراوانش به زین العابدین ملقب شد و نیز او را سید العابدین، زکی، امین و ذی الثّنات گفتند...» (۱)

(۲)

۳۳- وجدی

محمد فرید و جدی می‌گوید: «زین العابدین همان ابو الحسن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب معروف به زین العابدین است، بعضی به او علی اصغر گفته‌اند، حسین بن علی جز از اولاد زین العابدین، اعقابی نداشته است... وی در مذهب امامیه یکی از دوازده امام است، از جمله بزرگان و رؤسای تابعین می‌باشد.» (۲)

(۱) دائرة المعارف بستانی: ۳۵۵/۹.

(۲) دائرة المعارف قرن بیستم: ۷۹۳/۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۱۶

(۱)

۳۴- آغا بزرگ

شیخ المحققین، شیخ محمد حسن مشهور به آغا بزرگ تهرانی می گوید:

«امام زین العابدین و سید الساجدین علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام چهارمین امام شیعه امامیه کسی است که تمام مورخان اسلامی بر آنند که او از جمله مشهورترین مردان تقوا و زهد و عبادت است.» (۱)

(۲)

۳۵- ابن جوزی

ابن جوزی می گوید: «این زین العابدین و رهبر پارسایان، سرور پرهیزکاران و پیشوای مؤمنان است که راه و رسم زندگی او نشان می دهد که وی از دودمان رسول خدا- صلی الله علیه و آله- و آثار او مقام قرب و نزدیکی او را به خدا ثابت می کند و وصله های موضع سجده اش بیانگر نماز و تهجد فراوان اوست و اعراضش از متاع دنیا حکایت از پارسایی او دارد.» (۲)

(۳)

۳۶- تاج الدین

تاج الدین بن محمد بن حمزه حسینی نقیب حلب می گوید: «علی بن حسین بزرگ بنی هاشم و جایگاه علم و برجسته ترین فرد ایشان بوده است.» (۳)

(۴)

۳۷- عارف تامر

عارف تامر گوید: «امام زین العابدین به زهد و عبادت شهرت داشت و در این صفات بی نظیر بوده است و از این رو به زین العابدین و سجاد ملقب گشت.» (۴)

(۱) الذریعة: ۱۳ / ۳۴۵.

(۲) تذکره الخواص.

(۳) غایة الاختصار: ص ۱۰۶.

(۴) الامامة فی الاسلام: ص ۱۱۶.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۱۷

(۱)

۳۸- زرکلی

خیر الدین زرکلی می گوید: «علی بن حسین بن علی بن ابی طالب هاشمی قرشی، ابو الحسن ملقب به زین العابدین چهارمین امام- از نظر شیعه امامیه- از دوازده امام و یکی از کسانی که در حلم و پارسایی ضرب المثل است و به او «علی اصغر» می گویند تا از

برادرش علی اکبر «۱» مشخص گردد.» «۲»

(۲)

۳۹- احمد محمود صبحی

دکتر احمد محمود صبحی می‌گوید: «این همان علی بن حسین است که وارث امامت وی از طریق انتساب به فاطمه زهرا (ع) بوده و برای شیعه راه رهبری معنوی را ترسیم کرده است و تشیع را با اندوهی دائمی و گریه مداوم بر امام حسین تربیت کرده و همواره در حال عبادت بوده از این جهت، به لقب سجاد و زین العابدین مشهور شد و چون به پیامبر- صلی الله علیه و آله- و از طرفی به کسری- پادشاه ایران- منتسب بود، ابن‌الخیرین، گفتند.» «۳»

در اینجا لازم است که اندکی توقف کنیم و درباره گفته‌های دکتر احمد صبحی به بحث و بررسی بپردازیم؛ او می‌گوید: امام زین العابدین (ع) امامت را از جهت انتساب به جدش فاطمه زهرا (ع) بانوی زنان جهان به ارث برده است، این مطلب درست نیست زیرا که امامت هرگز به خاطر وراثت نبوده و یک عمل موروثی نیست بلکه تنها از راه نصّ میسر است و آن هم به دست خدای تعالی است، اوست که هر که را از بندگانش مصلحت بداند از کسانی که بطور فراوان از خصلتهای نیک و صفات والا برخوردارند برای این مقام بلند انتخاب

(۱) احتمالاً کسانی که علی اصغر گفته‌اند در مقایسه با جدش امام امیر المؤمنین باشد، اگر نه آن حضرت از نظر محققان اسلامی بخصوص شیعه «علی اوسط» است، نه علی اصغر- م.

(۲) الاعلام: ۸۶/۵.

(۳) نظریه الامامه: ص ۳۰۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۱۸

می‌کند این همان عقیده‌ای است که شیعه دارد و در کتابهای کلامی خود بر آن استدلال می‌کند. و همچنین امام زین العابدین علیه السلام نبود که تشیع را با اندوه و غم نسبت به امام حسین سرور جوانان اهل بهشت بار آورد بلکه حادثه کربلا بود که از غم خود دلها را گداخت و آن [حادثه عظیم] بود که تشیع را به عالم رنج و غم برد، البته امام زین العابدین علیه السلام، به دلیل آن که شاهد تمام صحنه‌های غم‌انگیز فاجعه کربلا بوده است در پیشاپیش همه افراد متأثر و غمگین است.

(۱)

۴۰- احمد فهمی

شیخ احمد فهمی می‌گوید: «وی- یعنی امام زین العابدین علیه السلام- برترین فرد زمان و داناتر، فقیه‌تر، پارساتر، عابدتر، گرامیتر، بردبارتر، فصیحتر و باشخصیت‌ترین فرد روزگار خود بوده، به مستندان محبت می‌کرد و یاور ضعیفا بوده است...» «۱»

(۲)

۴۱- حسین علی محفوظ

دکتر حسین علی محفوظ می‌گوید: «زین العابدین پس از پدر بزرگوارش از نظر علم و عمل بالاتر از همه خلق خدا بود و در لباس، فقاقت و عبادتش شبیه‌ترین فرد اهل بیت علیهم السلام به امیر المؤمنین علیه السلام بود...» «۲»

چند نکته مهم

سخنان این بزرگان از معاصران و مورخان درباره امام علیه السلام مشتمل بر چند نکته مهم است، از جمله:

- (۱) امام زین العابدین: ص ۶۵.
 - (۲) مجله‌ البلاغ شماره ۷ سال اول: ص ۵۴.
- تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۱۹
- ۱- امام سجاد علیه السلام از تمام فقهای عصر خود فقیه‌تر و به امور دینی و احکام شرع آگاه‌تر بوده است.
 - ۲- امام علیه السلام بالاترین هاشمی زمان خود بلکه برترین فرد قرشی دوران خود بوده است، و این همه مقام به خاطر صفات والا و ویژگیهای برجسته‌ای بود که جز در پدران بزرگوارش کمتر کسی از آنها برخوردار است.
 - ۳- وی برترین فرد روزگار خود بوده و از همه کس والامقام‌تر و برجسته‌تر بود و این عظمت به دلیل نسب والای او بود که علاوه بر خصلتها و صفات بلندش از دو سو نسب نیکو داشت و «ابن الخیرتین» بود.
 - ۴- وی از همه مردم پارسا‌تر و از زر و زیور زندگانی این دنیا روگردان‌تر بود و هیچ گونه توجه و اعتنایی بدانها نداشت.
 - ۵- آن بزرگوار پارسا‌ترین و باتقواترین و محافظت‌ترین فرد در دین بوده است.
 - ۶- آن حضرت چراغ روشنی‌بخش دنیا و زینت اسلام بوده است «۱» و این عظمت به خاطر راه و روش بزرگوارانه و عطرآگین وی بود که خود نفحه‌ای از نفحات نبوت و امامت بوده است.
 - ۷- وی از بهترین، خوشبوترین، بزرگوارترین و باشرف‌ترین مردمان روزگاران بود.
 - ۸- آن حضرت از همه کس فصیح‌تر و بلیغ‌تر بوده است، دعاها، نصایح و کلمات حکیمانانه‌اش از معیارهای ادبیات عرب و از جمله گرانبها‌ترین اندوخته‌های فرهنگی جهان اسلام است.
 - ۹- امام علیه السلام از بخشنده‌ترین مردمان نسبت به مستمندان و از همه کس دلسوزتر و مهربانتر نسبت به درماندگان و محرومان بود.
 - ۱۰- آن بزرگوار از همه کس عبادت و اطاعتش نسبت به خدا بیشتر و کسی در عبادت و اطاعت از خدا- جز پدران بزرگوارش- به پای آن حضرت

(۱) عمر بن عبد العزیز با این اوصاف آن حضرت را ستوده است.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۲۰

نمی‌رسید.

۱۱- امام علیه السلام از همه مردم خوش‌خوتر بوده و در اخلاق و آدابش نظیر جد بزرگوارش رسول خدا- صلی الله علیه و آله- بود.

۱۲- آن حضرت برای ریاست و زمامداری امت و رهبری معنوی و مادی جامعه اسلامی بحق شایستگی داشته است.

۱۳- تمام مسلمین بر بزرگداشت آن حضرت و اقرار بر فضیلتش متفق القولند و کسی از مخالفان آن بزرگوار در این باره خدشه نکرده و اختلاف ندارد.

این بود برخی از نکات و دقایقی که در کلمات معاصران راجع به امام وجود داشت و مورخان با تمام اختلاف گرایشها و اهدافشان ابراز داشته‌اند که خود دلیل بر تفکر والایی است که شیعه معتقد است و می‌گوید امام باید از تمام مردم زمان خود برتر و داناتر باشد.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۲۱

امام سجاد و مصائب کربلا

اشاره

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۲۳

(۱) امام سجاد و مصائب کربلا امام زین العابدین علیه السلام، همراه پدر بزرگوارش امام حسین علیه السلام ایام حکومت معاویه و یزید با غم و اندوه سختی زندگی را گذراند و در تمام غمها و مصائب با آن حضرت شریک بود و از جمله دشوارترین مصائبی که در آن روزگار سیاه، امام حسین علیه السلام دید، آن بود که به چشم خود می‌دید، سیاست حکومت اموی مصمم بر کوبیدن اسلام و از بین بردن اساس و ارکان دین و به ذلت کشیدن افراد مسلمان و جلوگیری از رشد فکری و عقلانی مسلمین و جدایی انداختن میان مسلمانان و اصول والای دینی آنهاست و از طرفی در روزگار حکومت معاویه نمی‌توانست آن نهضت عظیم خویش را بیا کند و این بدان جهت بود که می‌دانست در آن زمان به نتیجه نمی‌رسد و قادر بر دگرگون ساختن اوضاع موجود در جهان اسلام نمی‌باشد زیرا که معاویه از یک دیپلماسی مجهز و سیاست خاصی برخوردار بود که غلبه بر آن و درهم ریختن خطوطی را که او ترسیم کرده بود، غیر ممکن بود اما وقتی که آن طاغوت به هلاکت رسید و پس از وی یزید زمام امور را به دست گرفت، امام حسین علیه السلام وظیفه دینیش را چنین تشخیص داد که به خاطر حفظ مصالح مسلمین و رعایت حقوق ایشان و احیای دین جد گرامش، باید با یزید مبارزه کند و حکومت او را ساقط نماید، این بود که نهضت عظیم خود را اعلام کرد، آن نهضتی که خداوند بدان وسیله

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۲۴

قرآن مجید را نشر داد و آن را وسیله بیداری خردمندان گردانید. ما در اینجا بطور اختصار، گزیده‌هایی را از آن نهضت تاریخی و حوادث سهمگینی که به همراه داشت؛ از آنچه که امام زین العابدین علیه السلام خود دیده و شنیده است نقل می‌کنیم، علی‌رغم بیماری شدیدی که امام علیه السلام بدان مبتلا بود، تمام لحظات آن فاجعه را با احساسات رقیق و عواطف بیدارش لمس کرده است به شرح ذیل می‌آوریم:

(۱)

امام در سرزمین کربلا

کاروان عترت طاهره که به منظور احقاق حقوق مظلومان و محرومان قیام کرده بود، به سرزمین کربلا رسید، در حالی که غمها و شاداید در پیشاپیش ایشان حرکت می‌کرد و هاله‌ای از مصائب و بلاها در اطراف ایشان حلقه زده بود و بخوبی مصیبتی خردکننده را در برابر خود می‌دیدند، زیرا که قوای ستمگر و دشمنان ایشان را محاصره کرده بودند و تصمیم داشتند تا خون ایشان را بریزند و یا این که آنان را به ذلت و خواری وادار کنند در حالی که خداوند ذلت را بر ایشان نمی‌پسندید.

امام حسین علیه السلام به جوانان اهل بیت خود که در بحران جوانی بوده و بهار زندگی را می‌گذراندند، نگریست و اشک از

چشمانش سرازیر شد رو به سمت آسمان کرد و گفت:

«خداوندا! ما عترت پیامبرت محمد- صلی الله علیه و آله- هستیم که ما را از حرم جدمان بیرون کرده و بدور ساخته‌اند و آزرده‌اند و بنی امیه بر ما ستم کرده‌اند، خداوندا! حق ما را از ایشان بگیر و ما را بر گروه ستمگران پیروز گردان...» «۱»

(۱) حیات الامام الحسین: ۹۷/۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۲۵

سپس رو به آن دلاور مردان از اهل بیت و اصحابش کرد و فرمود:

«مردمان بندگان دنیایند و دین لقلقه زبان ایشان است و آن را بر محور زندگانی دنیای خود می‌گردانند و بهنگام آزمایش و گرفتاری دینداران اندکند...» «۱»

این سخنان تابناک بیانگر حقیقت و واقعیت عملی از زندگی مردم در مراحل مختلف تاریخ است که ایشان در هر زمان و در هر جا برده دنیایند و در دل‌های مردم از دیانت خبری نیست و هنگامی که مصائب و گرفتاریها رو می‌آورد آنها از دین رو گردانده و فاصله می‌گیرند و برآستی که بازیچه‌ای است بر سر زبانهای مردم.

(۱) آنگاه امام علیه السلام رو به یاران خود کرد و فرمود:

«اما بعد، پیشامدها را مشاهده می‌کنید، دنیا دگرگون شده و به زشتی گراییده است، و خوبیهای دنیا پشت کرده و از زندگی دنیا بجز اندکی چون باقیمانده ظرف و زندگی پستی همچون چراگاه ناهنجار، نمانده است، مگر نمی‌بینید که بحق رفتار نمی‌کنند و از باطل جلوگیری نمی‌شود، جا دارد که شخص مؤمن در این روزگار ملاقات با خدا را بر این زندگی ترجیح دهد، برآستی که من مرگ را جز خوشبختی و زندگی با ستمگران را جز ننگ و عار نمی‌بینم...» «۲»

امام علیه السلام در این بخش از سخنانش پرده از روی بلایا و مصائب وارده، برداشته و می‌فرماید که منطق دنیا با ایشان دگرگون شده است و دست تقدیر انواع حوادث سهمگین را متوجه ایشان کرده است اما نواده پیامبر بزرگ اسلام (ص) به آن اعتنا و توجهی ندارد زیرا که او راه خود را آگاهانه انتخاب

(۱) حیات الامام الحسین: ۹۷/۳.

(۲) معجم طبرانی، تاریخ ابن عساکر: ۷۴/۱۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۲۶

کرده است چه او حق را می‌بیند که کسی به آن عمل نمی‌کند و کسی از باطل روی نمی‌گرداند، اوضاع به گونه‌ای است که زندگی بر او ناگوار و مرگ و شهادت در راه خدا برای او خوشبختی است.

همین که سخن امام علیه السلام پایان یافت تمام اصحاب- در حالی که به خاطر برپا داشتن حق و عدالت زیباترین نمونه‌های قربانی و فداکاری را به نمایش در می‌آورد- از جا برخاستند و هر کدام از ایشان سخنی در اخلاص و صمیمیت خود نسبت به امام علیه السلام اظهار داشت و امام از ایشان تشکر و قدردانی کرد.

(۱)

امام خبر از شهادت خود می‌دهد

در شب دهم محرم امام حسین علیه السلام وارد خیمه خود شد، و مشغول اصلاح کردن و آراستن شمشیرش بود در حالی که به

شهادت خود یقین داشت، چنین می‌گفت:

یا دهر اف لک من خلیل کم لک بالاشراق و الأویل

من صاحب و طالب قتیل و الدهر لا یقنع بالبدیل

و ائما الامر الی الجلیل و کل حی سالک سبیلی ای روزگار! اف بر دوستی تو باد! چه بسا لبخند و مهربانی از خود نشان می‌دهی و دم از دوستی می‌زنی.

(اما ناگهان دگرگون شده) در پی قتل بر می‌آیی، آری روزگار بر این قانع نیست که کسی را به جای کسی در مسیر حوادث پذیرا باشد.

پایان کار دست خداست و هر کسی - خواه و ناخواه - راه مرا خواهد پیمود (و روزی از این دنیا خواهد رفت).

آری امام علیه السلام با این اشعار خبر از شهادت خود می‌داد در حالی که

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۲۷

امام زین العابدین علیه السلام و نواده پیامبر (ص) حضرت زینب دختر امیر المؤمنین علیه السلام در آن خیمه بودند، همین که امام زین العابدین علیه السلام سخنان پدر بزرگوارش را شنید دانست که امام چه می‌گوید: گریه گلویش را گرفت و سکوت اختیار کرد - بطوری که خود آن حضرت می‌گوید - دانست که بلا نازل شده است و اما عقیده بنی هاشم احساس کرد که برادر عزیزش و دیگر کسانش آماده شهادتند و تن به مرگ داده‌اند، قلبش درهم فشرده شد، به جانب آن حضرت شتافت در حالی که جامه بر تن چاک زده و اشک از چشمانش فرو می‌بارید در مقابل برادر ایستاد و سخنانی را که از پاره‌های جگرش برمی‌خاست بر زبان آورد (۱) و گفت:

«ای وای من! کاش مرگ، مرا نابود می‌ساخت و زندگانی را از من می‌گرفت، حسین جان مولای من! ای یادگار گذشتگان! تو تن به مرگ داده‌ای و از زندگانی ناامید شده‌ای؟ امروز جدم رسول خدا - صلی الله علیه و آله - و مادرم فاطمه زهرا و پدرم علی مرتضی و برادرم حسن از دنیا رفتند! ای یادگار گذشتگان و فریادرس بازماندگان!» امام حسین علیه السلام از روی مهر و محبت نگاهی به خواهر کرد و فرمود:

«خواهرم مبادا! شیطان؛ حلم و بردباری تو را از میان ببرد.»

حضرت زینب (ع) در حالی که رنگ از چهره‌اش پریده بود و مصیبت قلب رءوف و غم‌زده‌اش را درهم می‌فشرده رو به برادر کرد و گفت:

«این مصیبت بیشتر دل مرا می‌آزارد و بر غم می‌افزاید که تو راه چاره را بر خود منقطع و بسته بینی.»

زینب علیها سلام پس از آن که یقین پیدا کرد که برادرش کشته خواهد

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۲۸

شد صبر و تحمل از دست داد و دست برد و یقه پیراهن چاک زد و لطمه به صورت نواخت و بی‌هوش به روی زمین افتاد، و دیگر بانوان حرم نیز با او در این مصیبت جانگداز شرکت کردند، ام کلثوم فریاد برآورد:

«وا محمداه، وا علیاه، وا اماماه، وا حسیناه، برادر! پس از تو بر سر ما چه خواهد آمد!» این منظره سهمگین در دل امام حسین علیه السلام سخت اثر کرد و دل مبارکش از غم و غصه گداخت و به جانب آن مخدرات؛ خواهران و دخترانش شتافت و آنان را به صبر و شکیبایی و تحمل رنجها و مصائبی که از این حادثه بزرگ پیش می‌آید، دستور داد و گفت:

«خواهرم زینب، ام کلثوم، فاطمه، رباب! توجه کنید، وقتی که من کشته شدم مبادا در شهادت من گریبان پاره کنید و صورت بخراشید و ناله و شیون بپا کنید!» (۱) آری همه آن بانوان حرم را به صبر و تحمل و خودداری از ناله و شیون مأمور ساخت و دستور

داد که مبادا در برابر آن مصائب دشواری که بر ایشان می‌گذرد عنان صبر از دست بدهند.

(۱)

روز عاشورا

در تمام تاریخ، رویدادی که در شدت مصائب و آلام، نظیر ماجرای امام حسین علیه السلام در روز عاشورا باشد وجود ندارد؛ آری هیچ غمی از غمهای دنیا

(۱) حیاة الامام الحسین: ۳/ ۱۷۲-۱۷۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۲۹

و هیچ مصیبتی از مصائب روزگار نبود مگر این که بر ریحانه رسول خدا- صلی الله علیه- گذشت، امام زین العابدین علیه السلام درباره آن روز بسیار دشوار و در دنیای غمها و مصائب فراموش نشدنی چنین می‌گوید:

«هیچ روزی همچون روز جنگ احد بر رسول خدا- صلی الله علیه و آله- سخت نگذشت که در آن روز عمویش حمزه بن عبد المطلب شیر خدا و شیر رسول خدا (ص) کشته شد و پس از آن هیچ روزی همانند روز جنگ موته بر پیامبر (ص) سخت نگذشت که پسر عمویش جعفر بن ابی طالب به شهادت رسید- آنگاه فرمود- و هیچ روزی از روزها چون روز شهادت پدرم امام حسین نبود، زیرا که سی هزار نفر که همگی به خیال خود مسلمان بودند و به قصد آن که با ریختن خون آن حضرت به خدا تقرب می‌جویند در مقابل آن بزرگوار ایستادند و پدرم آنها را به یاد خدا می‌انداخت و آنها توجه نمی‌کردند تا این که به ظلم و ستم و از روی دشمنی و عداوت او را کشتند!» (۱) «۱» در سراسر تاریخ در تمام دنیای اسلام روزی سخت‌تر و سهمگین‌تر از روز عاشورای امام حسین علیه السلام پیدا نمی‌شود، زیرا که در آن روز این امام بزرگوار برای آن که قوانین زندگی شرافتمندانه را بپا دارد و آزادی و آسایش و امنیت و آرامش را برای همه طبقات و تمام مردم عالم فراهم آورد، قیام کرد و در برابر آن فرومایگان از تفاله‌های بشری ایستاد و آنان وحشیانه و با نهایت سنگدلی خون پاک آن حضرت را ریختند به گونه‌ای که تاریخ نظیر آن را در شدت و مرارت ندیده است و این جنایات را به خاطر آن مرتکب شدند تا این که زیر کابوس بندگی و ظلم و جنایت به سر برند.

(۱) بحار الانوار: ۹/ ۱۴۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۳۰

(۱)

خطبه امام

هنگامی که آتش جنگ شعله‌ور می‌شد، امام بزرگوار تصمیم گرفت تا حجت را بر آن مسخ‌شدگان تمام کند و راه هر نوع عذر و بهانه را بر ایشان ببندد و آنها را بی‌گانه کند که چه جنایتی را می‌خواهند مرتکب شوند، این بود که مرکبش را خواست و سوار بر مرکب شد و به سمت آن قوم روانه گشت، و چنان بود که هیبت و شکوه جدش رسول خدا- صلی الله علیه و آله- را در خاطره‌ها زنده می‌کرد و در برابر آن مردم خطبه تاریخی خود را ایراد کرد که از بلیغترین و باشکوهترین خطبه‌هایی است که در زبان عربی ایراد شده است، با صدای رسایی که تمام آن مردم می‌شنیدند، فرمود:

«أیها الناس اسمعوا قولی، ولا تعجلوا حتی أعظکم بما هو حق لکم علی، و حتی أعتذر إلیکم، من مقدمی علیکم، فإن قبلتم عذری و

صدقتم قولی و أعطیتمونی النصف کنتم بذلک أسعد، و لم یکن لکم علی سبیل، و إن لم تقبلوا منی العذر، و لم تعطوا النصف من أنفسکم فاجمعوا أمرکم و شرکاءکم ثم لا یکن أمرکم علیکم غمۀ، ثم اقصوا إلی و لا تنظرون، إن ولیی اللّٰه الذی نزل الکتاب و هو یتولی الصالحین...»

«ای مردم به سخنان من گوش فرا دهید و شتاب نورزید تا شما را موعظه کنم موعظه‌ای که حق شماسست بر من و تا آن که دلیل خودم را در آمدن به عراق به شما بازگویم، آنگاه اگر عذر مرا پذیرفتید و سخنم را باور کردید و از راه عدل و انصاف وارد شدید راه خوشبختی خود را هموار ساخته‌اید و شما را بر من راهی نباشد و اگر هم عذر مرا نپذیرفتید و از راه انصاف منحرف شدید آنگاه تصمیم خودتان را با همراهانتان یکی کنید تا کاری که می‌کنید از روی بی‌فکری نباشد، سپس به کشتن من اقدام کنید و تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۳۱»

درنگ نکنید، براستی که پشتیبان من خدایی است که قرآن را فرو فرستاده و او بندگان شایسته خود را سرپرستی می‌کند.»
(۱) سخنان امام علیه السلام به گوش بانوان و پرده‌نشینان حرم وحی و نبوت رسید آواز گریه و شیون برآوردند، امام علیه السلام برادرش حضرت عباس و پسرش علی اکبر را فرستاد و فرمود: آنها را خاموش کنید و بگویید که شما پس از این، زیاد گریه خواهید کرد. وقتی که زنان ساکت شدند، امام علیه السلام، سخنان خود را دنبال کرد؛ حمد و سپاس خدای را به جای آورد و درود و تحیت بر پیامبر (ص) فرستاد و مطالبی گفت که در وصف نگنجد؛ هیچ سخنوری پیش از آن و نه بعدها سخنی شیواتر و رساتر از آن نگفته است: «۱» فرمود:

«أیها الناس: إن اللّٰه تعالی خلق الدنیا فجعلها دار فناء و زوال، متصرفه بأهلها حالا بعد حال، فالمغرور من غرته، و الشقی من فتنته، فلا تغرنکم هذه الدنیا فإنها تقطع رجاء من رکن إلیها، و تخبب طمع من طمع فیها، و أراکم قد اجتمعتم علی أمر قد أسخطتم اللّٰه فیہ علیکم، و أعرض بوجهه الکریم عنکم، و أحل بکم نعمته، فنعم الرب ربنا، و بئس العبید أنتم، أقررتم بالطاعة، و آمنتتم بالرسول محمد (ص) ثم إنکم زحفتن إلی ذریته و عترته تریدون قتلهم، لقد استحوذ علیکم الشیطان فأنساکم ذکر اللّٰه العظیم، فتبا لکم و لما تریدون، إنا اللّٰه و إنا إلیه راجعون، هؤلاء قوم کفروا بعد إیمانهم فبعدا للقوم الظالمین...»

«ای مردم! خدای تعالی دنیا را آفرید و آن را سرای فنا و زوال قرار داد در حالی که مردمانش به یک حال نیستند و دنیا همواره در دگرگونی بوده و پرفرازونشیب است بنا بر این کسی را که بفریب فریب خورده است و هر که را گول بزند نگون‌بخت است، پس زنهار که این دنیا شما را نفریبد زیرا

(۱) طبری: ۶/ ۲۴۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۳۲

که هر که دل به دنیا ببندد، امیدش را ناامید سازد و هر که طمع بر آن بندد مأیوس گرداند، آری می‌بینم همه شما بر کاری تصمیم دارید که باعث خشم خدا بر شما می‌شود و عنایت ذات مقدّسش را از شما بر می‌گرداند و عذابش را بر شما روا می‌دارد، البته پروردگار ما نیکو پروردگاری است و شما بد بندگان هستید که طاعت او را قبول کردید و به پیامبرش محمد (ص) ایمان آوردید، سپس به فرزندان و عترت او شوریدید و می‌خواهید خون آنها را بریزید، براستی که شیطان بر شما مسلط گشته و یاد خدای بزرگ را از دلهای شما برده است، مرگ بر شما و هدفی که در پیش دارید! إنا لله و إنا الیه راجعون، اینان گروهی هستند که پس از ایمان آوردن، دوباره کافر شدند، دور باد از رحمت خدا گروه ستمگران! (۱) امام علیه السلام با این بیانات آن مردم را موعظه کرد و از فریب و غرور دنیا بر حذر داشت و بر پیامدهای جبران‌ناپذیر اعمالشان توجه داد و از اقدام بر کشتن اولاد پیامبرشان ترساند و فرمود که با این عمل ایشان از اسلام بیرون گشته و کافر و مستحق عذاب و کیفر الهی می‌شوند، سپس امام بزرگوار سخنان خود را با این

جملات ادامه داد و فرمود:

«أیها الناس انسونی من أنا؟ ثم ارجعوا إلی أنفسکم و عاتبوها، و انظروا هل یحل لکم قتلی و انتهاک حرمتی؟ أ لست ابن بنت نبیکم، و ابن وصیه و ابن عمه؟ و أول المؤمنین بالله، و المصدق لرسوله بما جاء من عند ربه، أ و لیس حمزہ سید الشهداء عم أبی؟ أ و لیس جعفر الطیار عمی؟ أ و لم یبلغکم قول رسول الله (ص) لی و لأخی! «هذان سیدا شباب أهل الجنة» فإن صدقتمونی بما أقول: و هو الحق، و الله ما تعدت الکذب منذ علمت أن الله یمقت علیه أهله، و یضربه من اختلقه، و إن کذبتمونی فإن فیکم من إذا سألتموه أخبرکم، سلوا جابر بن عبد الله الأنصاری، و أبا سعید الخدری، و سهل بن سعد

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۳۳

الساعدی و زید بن أرقم، و أنس بن مالک یخبروکم أنهم سمعوا هذه المقالة من رسول الله (ص) لی و لأخی، أما فی هذا حاجز لکم عن سفک دمی؟» «ای مردم مرا بشناسید و بدانید که من که هستم؟ آنگاه به خود آید و خود را ملامت کنید و نیک بیندیشید که آیا کشتن من و پایمال کردن حرمت من بر شما حلال است؟ مگر من فرزند دختر پیامبر شما و پسر وصی و فرزند عموزاده او نیستم؟ و آیا کسی که پیش از همه به خدا و رسولش ایمان آورد و آنچه پیامبر از طرف خدا آورده بود تصدیق کرد، پدر من نیست؟ مگر حمزه سید الشهداء عموی پدر من نیست؟ مگر جعفر طیار عموی من نیست؟ و آیا نشنیده‌اید که رسول خدا درباره من و برادرم فرمود «این دو پسر سرور جوانان اهل بهشتند»؟ اگر سخن مرا باور دارید که درست است، به خدا قسم از روزی که دانسته‌ام خدا دروغگو را دشمن می‌دارد هرگز دروغ نگفته‌ام، و اگر هم گفتار مرا باور ندارید و مرا تکذیب می‌کنید، در میان شما کسانی هستند (از یاران پیامبر) که اگر از آنها پرسید به شما خواهند گفت، از جابر بن عبد الله انصاری، ابو سعید خدری، سهل بن سعد ساعدی، زید بن ارقم و انس بن مالک پرسید تا به شما خبر دهند که خود این سخنان را از زبان رسول خدا- صلی الله علیه و آله- درباره من و برادرم شنیده‌اند، آیا همین یک حدیث کافی نیست که شما را از کشتن من بازدارد؟» (۱) براستی سزاوار بود که این سخنان، افراد آن سپاه را به عواقب وخیم خواب و خیالشان توجه دهد و در صفوف آن سپاه انقلابی ایجاد کند، زیرا که این خطابه آنها را به خود و عقل و وجدانشان- اگر داشتند!- بازگردانده است تا درباره آن حضرت درست بیندیشند که وی نواده پیامبر و فرزند وصی اوست، و از همه مردم نزدیکتر و وابسته‌تر به پیامبر (ص) و او سرور جوانان اهل بهشت است، و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۳۴

اینها مانع از ریختن خون وی و پایمال کردن حرمت اوست، اما آن سپاه هرگز به این سخنان ارزشمند توجه نکردند زیرا غرق در جنایت و گمراهی خود بودند.

شمر بن ذی الجوشن ناپاک پلید رو به آن حضرت کرد و گفت: «او خدا را از روی تردید بندگی کند اگر فهمیده باشد که تو چه می‌گویی.»

حیب بن مظاهر که از جمله ذخایر ایمان و اسلام بود در جواب شمر چنین گفت: «به خدا سوگند که من تو را چنین می‌بینم که خدا را با هفتاد مرتبه شک و تردید می‌پرستی و من گواهی می‌دهم که تو راست می‌گویی و تو نمی‌فهمی که امام (ع) چه می‌گوید و خدا مهر شقاوت بر دلت نهاده است.»

آنگاه امام حسین علیه السلام به سخنان خود ادامه داد و فرمود:

«فإن کنتم فی شک من هذا القول، أفتشکون أنى ابن بنت نبیکم فو الله ما بین المشرق و المغرب ابن بنت نبی غیرى فیکم، و لا فی غیرکم، و یحکم أطلبونی بقتیل منکم قتلته، أ و مال استهلکته، أ و بقصاص جراحه...»

«ای مردم! شما اگر در این سخنان من تردید دارید، آیا در این که من پسر دختر پیامبر هستم نیز شک و تردید دارید؟ به خدا قسم که ما بین شرق و غرب عالم جز من پسر دختر پیامبر، نه در میان شما و نه در بین دیگران وجود ندارد، وای بر شما به من بگویید آیا

کسی از شما را کشته‌ام و یا مالی از شما را از بین برده‌ام و یا جراحی به کسی وارد کرده‌ام که می‌خواهید دادخواهی کنید و مرا بکشید؟» (۱) زمین زیر پای مردم به لرزه در افتاد و مات و مبهوت ماندند که در پاسخ آن حضرت چه بگویند! سپس امام علیه السلام سران سپاه دشمن را مخاطب قرار داد آنهایی را که نامه نوشته بودند و اصرار کرده بودند تا آن حضرت به کوفه بیاید، فرمود:

«یا شبت بن ربعی، و یا حجار بن ابحر، و یا قیس بن الأشعث، و یا

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۳۵

زید بن الحرث، ألم تکتبوا إلی أن قد أینعت الثمار، و اخضر الجناب، و إنما تقدم علی جند لک مجندة...»

«ای شبت بن ربعی و ای حجار بن ابحر و ای قیس بن اشعث، ای یزید بن حرث! آیا شما نبودید که به من نامه نوشتید؛ میوه‌های درختان رسیده و بستانها سرسبز شده است، به اینجا بیا که برای تو سپاه آراسته‌ایم.»

براستی که آن فرومایگان از خیانت و پیمان‌شکنی خود خجالت نکشیدند که همگی در پاسخ، امام را تکذیب کردند و گفتند: «ما چنین کاری نکرده‌ایم؟» امام علیه السلام، از سخن آنها تعجب کرد و فرمود:

«سبحان الله، بلی و الله لقد فعلتم...»

«سبحان الله! آری و الله که نوشتید.»

(۱) امام علیه السلام صورت خود را از ایشان برگرداند و روی سخنش را به افراد سپاهیان کرد و فرمود:

«أیها الناس إذا کرهتونی فدعونی أنصرف عنکم إلی مأمّن من الأرض.»

«ای مردم! اکنون اگر ناراضی هستید پس بگذارید تا برگردم و به سرزمین امنی برده‌ام!» قیس بن اشعث که از جرثومه‌های گناه و فساد کوفه و از خانواده‌هایی که هرگز شرافت را بو نکرده بود در پاسخ امام علیه السلام چنین گفت:

«مگر تو نمی‌خواهی به حکومت پسر عمویت تن در دهی؟ زیرا که آنها جز محبت بر تو روا نمی‌دارند و هرگز از ایشان بر تو گزندی نخواهد رسید...»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۳۶

امام علیه السلام در پاسخ قیس فرمود:

«أنت أخو أخیک؟ أترید أن یطلبک بنو هاشم بأکثر من دم مسلم بن عقیل؟ لا و الله لا أعطیکم بیدی إعطاء الذلیل، و لا أفر فرار العبید» (۱) «عباد الله! اینی عذت بر بی و ربکم آن ترجمون، أعود بر بی و ربکم من کل متکبر لا یؤمن بیوم الحساب.» (۲)

«ای قیس! تو برادر برادرت هستی؟ آیا می‌خواهی که بنی هاشم بیش از خون مسلم بن عقیل از تو مطالبه کنند؟ نه به خدا قسم هرگز چون افراد ذلیل و خوار دست ذلت بر شما ندهم و چون بردگان از مقابل شما فرار نکنم! ای بندگان خدا به خدایی پناه می‌برم که پروردگار من و شماست از این رفتار شما و از هر متکبری که به روز جزا ایمان نیاورده است.»

جای تأسف است که این سخنان نورانی بر دل ایشان نفوذ نکرد و مهر جهالت بر دلشان نقش بسته بود و آنان چون چهار پایان، بلکه گمراهتر بودند.

(۱)

جنگ

وقتی که تمام وسایل و راههایی که امام علیه السلام برای جلوگیری از جنگ و خونریزی به کار برد، اثر نکرد، ابن سعد جنگ عمومی را بر ضد امام اعلام نمود و خود به نزدیکی سپاه امام آمد و تیری را به سمت امام رها کرد در حالی که فریاد می‌زد:

(۱) در بعضی از روایات بجای «لا افر فرار العیید» «لا اقرّ بکم اقرار العیید» آمده است یعنی چون بردگان به بردگی اعتراف نکنم.

(۲) حیاة الامام الحسین: ۳/ ۱۸۴-۱۸۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۳۷

«ای مردم! در نزد امیر شهادت دهید که من نخستین کسی هستم که تیر به سمت اردوی حسین رها کردم...»

آن ستمگر فرومایه از سپاهیان خواست تا در نزد امیر و رئیسش پسر مرجانه گواهی دهند که او نخستین کسی است که به سمت اردوگاه حق، کرامت و شرف تیراندازی کرده است و پشت سر او تیرها همچون باران از جانب تیراندازان سپاه پسر سعد به روی امام حسین و یارانش باریدن گرفت و کسی از ایشان نماند مگر این که تیری بر او رسید، اینجا بود که امام علیه السلام رو به یارانش کرد و فرمود:

«قوموا یا کرام فهذه رسل القوم إلیکم...»

«بپاخیزید، این تیرها پیامهای این قوم بر شماست.»

پیشاهنگان حق و بزرگان اصحاب امام به آستانه جنگ شتافتند و بدین ترتیب معرکه جنگ بین دو سپاه آغاز گردید جنگی که از بدترین و سهمگین‌ترین جنگهای روی زمین بود.

(۱)

شهادت نیکان

سپاهیان حق با لشکریان ضلالت و باطل در برابر هم قرار گرفتند در حالی که یاران امام حسین علیه السلام با شوق و رغبت با جوانان اهل بیت هر یک به دیگری پیشی می گرفتند تا هر چه زودتر به نعمتهای ابدی آخرت برسند و بدین وسیله جنبش ایمان را رهبری کردند و در هیچ یک نشانی از ضعف و سستی اراده و ایمان مشاهده نشد. و با فداکاریهای عظیم خود عظمت اسلام را ثابت کردند، آن اسلام که چنین روح پر جنبش را بر ایشان داده بود که با همه کمی جمعیتشان در برابر آن همه درندگان وحشی بایستند و سنگین‌ترین ضربات را بر

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۳۸

آنها وارد کنند.

براستی که یاران و اهل بیت امام حسین علیه السلام قهرمانیها و دلاوریهای را از خود بروز دادند که به حد و وصف نمی آید، بویژه حضرت ابو الفضل العباس علیه السلام که با برادرش امام حسین مؤاسات کرد و جان عزیزش را فدای او کرد که در تمام مراحل تاریخ برادری بالاتر از این و باوفاتر و عالی تر مشاهده نشده است و امام زین العابدین علیه السلام، این مطلب را بیان کرده و می فرماید:

«خداوند رحمت کند عمویم عباس را که برادرش را بر خود مقدم داشت و جان عزیزش را فدای آن حضرت کرد تا این که در راه یاری او دو دستش قطع شد و حق تعالی در عوض آن دو دست دو بال به او مرحمت کرد که با فرشتگان در بهشت پرواز کند همان طوری که به جعفر بن ابی طالب مرحمت کرد، و برای عمویم عباس مقامی در نزد خداست که در روز قیامت تمام شهیدان بر آن مقام رشک برند...» (۱)

(۱) حضرت ابو الفضل آخرین فردی است از برادران امام حسین که به شهادت رسید در حالی که امام علیه السلام کنار پیکر پاکش آمد و از سویدای دلش که مصائب سخت آن را درهم می فشرد صدا زد:

«الآن کمرم شکست و رشته تدبیر و چاره‌ام گسسته شد.»

امام علیه السلام پس از فقدان برادرش احساس تنهایی و ضایعه جبران‌ناپذیری را کرد، برادری که در هیچ جا و هیچ وقت خود را بر امام مقدم نداشت، اما اخبار شهادت و مصیبت بزرگ آن بزرگوار را در کتاب خود «حیاء الامام الحسین» آورده‌ایم.

(۱) بحار الانوار: ۱۴۷/۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۳۹.

(۱)

یاری خواستن امام

امام علیه السلام که در دریایی از مصائب گرفتار شده بود نگاهی از روی غم و حسرت به اهل بیت و یارانش انداخت و دید همه آنها مانند گوشت قربانی قطعه‌قطعه روی خاک کربلا- افتاده‌اند و آفتاب بر پیکر پاره‌پاره‌شان می‌تابد و از طرفی صدای زنان و کودکان به گوشش می‌رسید که ناله و شیون برآورده و بر کشتگان خود می‌گریند و نمی‌دانند که پس از شهادت امام حسین علیه السلام از دست دشمن بر سر آنها چه خواهد آمد، تمام این مصایب بر قلب مقدس امام اثر فوق‌العاده‌ای گذاشت و آن حضرت شروع به استغاثه نمود، و برای دفاع از حرم رسول خدا- صلی الله علیه و آله- کمک و یاری طلبید، فرمود:

«آیا کسی هست که از حرم رسول خدا (ص) دفاع کند؟ و آیا کسی هست که خدای یکتا را بپرستد و از خدا بترسد و به ما کمک کند؟ و آیا کسی هست که به خاطر خدا ما را یاری نماید؟» (۱) «(۲) وقتی که امام زین العابدین علیه السلام صدای استغاثه شورانگیز پدر بزرگوارش را شنید از بستر بیماری برخاست و با وجود بیماری شدیدی که داشت به عصا تکیه داد (تا به یاری پدرش بشتابد) امام حسین علیه السلام چشمش به فرزند بیمارش افتاد، فریاد برآورد، خواهرم ام کلثوم! مگذار پسر من به میدان بیاید، مبادا که زمین از نسل آل محمد (ص) خالی شود. این بود که عمه‌اش مبادرت کرد و حضرت سجاد را به بسترش بازگرداند در حالی که بیش از رنج و اندوه بیماری از مصائب و آلام رنج می‌برد، آری غمها و گرفتاریها در اطراف آن حضرت حلقه زده بود؛ از طرفی ستارگان درخشان آسمان ولایت؛ برادران و عموزادگانش را می‌دید که بدن مقدسشان بر روی زمین افتاده و پیکر اصحاب با وفای پدرش چون

(۱) حیاء الامام الحسین: ۲۷۴/۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۴۰.

گوشت قربانی پاره پاره شده است و از سویی پدر بزرگوارش را می‌دید که در محاصره دشمنان خدا قرار گرفته و آنها کمر قتل آن حضرت را بسته‌اند و از دیگر سو، پرده‌نشینان و مخدّرات وحی و نبوت در حال بیم و هراسند و چنان مضطربند که زبان یارای گفتن ندارد، چاره‌ای جز صبر ندید و تمام آن مصائب جانگداز را تحمل کرد و جریان امور را به خدا واگذار نمود.

(۱)

شهادت امام حسین

ستمگران جنایتکار ریحانه رسول خدا (ص) را در میان گرفتند؛ با شمشیر و تیر و سنان حمله کردند و بعضی با سنگ آن حضرت را می‌زدند تا این که در اثر خونریزی زیاد، ضعف بر آن بزرگوار مستولی شد، در این میان جانی پلید شمر بن ذی الجوشن مبادرت کرد و سر مقدسش را از بدن جدا کرد. راویان خبر می‌گویند در حالی سر مقدسش از پیکر جدا شد که لبخند رضا و پیروزی بر

لب داشت، پیروزی وصول به جاودانگی و ابدیت که نصیب امام علیه السلام شده بود. براستی امام حسین علیه السلام از آن جهت شربت شهادت نوشید که در سراسر گیتی حکومت حق را برپا کند و به ظلم و جنایت خاتمه دهد و نعمتهای الهی را بین محرومان و ستمدیدگان تقسیم کند و امت را از چنگال حکومت امویان نجات دهد که حقوق انسانها را پایمال کرده و کشور را به کشتزاری برای خود تبدیل کرده بودند که هر چه می‌خواستند به سود خود بهره‌برداری می‌نمودند.

(۲)

آتش زدن خیمه‌ها

اراذل و اوباش، بدون کمترین توجه بر این که در میان خیمه‌ها بانوان و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۴۱

زنان خاندان نبوت و کودکان اهل بیت علیهم السلام هستند، به سمت خیام حرم حمله‌ور شدند، گروهی آتش به دست و یک نفر صدا می‌زد:

«خانه‌های ستمگران! را آتش بزنید.»

آری در عرف این اوباش خیمه‌های حسینی خیمه‌های آل پیغمبر خانه‌های ظلم و ستم بود و خانه‌های امویان و مزدورانشان خانه‌های عدل و داد! در حالی که اینان تمام کشور را غرق در ظلم و ستم کرده بودند.

موقعی که آتش در خیمه‌ها زبانه کشید، دختران رسول خدا (ص) رو به بیابانها گذاشتند و آتش دامن بعضی را گرفته بود، کودکان یتیم فریاد وا ویلا برآورده و رو بیابانها فرار می‌کردند و کمک می‌خواستند و کسی نبود که به آنها کمک کند و از آنها حمایت نماید، براستی که این منظره از دردناکترین مناظری بود که امام زین العابدین به چشم خود می‌دید و در تمام مدتی که پس از پدر بزرگوارش زندگی کرد هرگز از خاطر نبرد و همیشه می‌گفت:

«به خدا سوگند که عمه‌ها و خواهرانم را به خاطر نمی‌آورم مگر این که غم و گریه گلویم را می‌گیرد و همواره به یاد فرار آنها در بیابان کربلا- می‌افتم که از خیمه‌ای به خیمه‌ای و از اینجا به آنجا فرار می‌کردند و منادی آن گروه ستمگر فریاد می‌زد: خانه‌های ستمگران را آتش بزنید!» (۱)

(۱)

هجوم دشمن به سمت امام

کافران جفاکار به سمت امام زین العابدین علیه السلام هجوم بردند در حالی که از شدت بیماری سخت ناتوان شده بود و حوادث سهمگین عاشورا قلبش را در هم می‌فشرد، جانی ناپاک شمر بن ذی الجوشن خواست امام سجاد را

(۱) حیاة الامام الحسین: ۳/ ۲۹۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۴۲

بکشد که حمید بن مسلم فریاد برآورد؛ «سبحان الله! آیا می‌خواهی بچه‌ها را هم بکشی؟ آخر او بیمار است!» شمر، به سخن او اعتنایی نکرد، تا این که عقيله بنی هاشم حضرت زینب دوید و خودش را روی آن حضرت انداخت و فرمود: نمی‌گذارم او کشته شود مگر اول مرا بکشید، «۱» این بود که آن فرومایگان از کشتن امام سجاد دست برداشتند و به طرز عجیبی از چنگال آنان نجات

یافت.

(۱)

بی‌تابی امام زین العابدین

امام زین العابدین بشدت متأثر بود و از غم مصائبی که بر اهل بیت رسیده بود، آرزوی مرگ می‌کرد و موقعی که چشمش به پیکر مقدس پدرش و دیگر جوانان اهل بیت و اصحاب افتاد که برهنه و عریان در برابر آفتاب و بر روی خاکهای گرم کربلا افتاده بودند و کسی نیست تا آن بدنهای پاک را دفن کند نزدیک بود جان از بدنش مفارقت کند، عمه‌اش زینب عقیله بنی هاشم چشمش به آن حالت امام سجاد افتاد فوری خودش را رساند و گفت:

«ای یادگار جد و پدر و برادرانم ترا چه می‌شود می‌بینم که نزدیک است جان از بدنت مفارقت کند؟ به خدا سوگند که این عهد و پیمانی از جانب خدا بر جد و پدر توست، خدای متعال از مردم پیمان گرفته از جماعتی که فرعونهای روی زمین آنها را نمی‌شناسند اما در نزد اهل آسمانها آنان معروفند، ایشان این اعضای پاره پاره و بدنهای در خون‌طپیده را جمع‌آوری کرده و دفن می‌کنند، و در سرزمین طف روی قبر پدرت سید الشهداء (ع) گنبد و بارگاهی می‌سازند که اثر آن هرگز از بین نرود و با گذشت شب و روز محو نگردد، هر چند که سردمداران کفر و پیروان

(۱) تاریخ قرمانی: ص ۱۰۸.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۴۳

گمراهان در محو آثار و علائم آن بکوشند، نه تنها از بین نمی‌رود بلکه بر رفعت و عظمت آن افزوده می‌شود...» (۱) حضرت زینب یادگار برادرش را با این بیانات و نظایر آنها تسلی داد تا این که از آن همه غم و اندوه که نزدیک بود طومار زندگیش را درهم پیچد کاسته شد.

(۱)

دفن کردن امام سجاد بدنهای شهدا را

اوباش فرومایه کوفی لاشه‌های کشتگان خویش را دفن کردند اما پیکر پاک ریحانه رسول خدا (ص) و اهل بیت و اصحاب بزرگوارش را روی خاکهای گرم کربلا به جا گذاشتند، تا این که گروهی از بنی اسد که در آن جنگ شرکت نداشته آمدند و برای دفن کردن آن بدنهای مقدس قبرهایی کردند اما چون آن پیکرهای پاک سر نداشتند، متحیر ماندند و نمی‌دانستند هر بدنی متعلق به کیست؛ در آن میان- چنان که بعضی از مآخذ شیعه نوشته‌اند- دیدند که امام زین العابدین علیه السلام آمد و یکایک شهدا را بر بنی اسد معرفی کرد، و شهدای اهل بیت و اصحاب را مشخص کرد و خود پیکر مقدس پدر بزرگوارش را در حالی که اشک از چشمانش می‌بارید در جایگاه ابدیش دفن کرد و می‌گفت:

«خوشا به حال زمینی که پیکر پاک تو را در آغوش گرفت، براستی که دنیا پس از تو تاریک و ظلمانی گشت و آخرت به نور جمالت روشن و نورانی شد، اما شبم، به بیدار خوابی و غم و اندوهم ابدی شد و یا آن که خدا برای ما اهل بیت تو سرای آخرتی را که تو هستی برگزیند، ای فرزند رسول خدا! درود و سلام من بر تو و رحمت و برکات الهی بر تو باد!»

(۱) کامل الزیارات: ص ۲۶۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۴۴

و روی آن قبر شریف این کلمات را نوشت:

«این قبر حسین بن علی بن ابی طالب است که او را با لب تشنه در غربت کشتند.»

فرزند دلبندهش علی اکبر را در پایین پای امام علیه السلام دفن کرد و پیکر شهدای دیگر از هاشمیان و غیر هاشمی را در یک جا به خاک سپرد، سپس به همراه بنی اسد روانه نهر علقمه شد و در آنجا قبری آماده کرد و قمر بنی هاشم ابو الفضل العباس پسر امیر المؤمنین علیه السلام را در آن مدفون کرد و بشدت اشک می‌ریخت و می‌گفت:

«ای قمر بنی هاشم! پس از تواف بر این دنیا و از من به تو کسی که از شهادت استقبال کرد، درود و سلام و رحمت و برکات الهی بر تو باد...» (۱)

این قبرهای مقدس در طول تاریخ رمز و راز کرامت انسانی و هر نوع فداکاری در راه شرافت و عدالت و حق گردید و از جمله مقدسترین و بالاترین مراکز عبادت در جهان اسلام شد.

(۱)

اسیران اهل بیت در کوفه

بانوان و پرده‌نشینان وحی و نبوت را به صورت اسیران وارد کوفه کردند در حالی که طبل و شیپور سپاه نواخته و پرچمهای سپاهیان یزید به علامت پیروزی و دست یازی بر کشتن ریحانه رسول خدا (ص) و سید جوانان اهل بهشت در اهتزاز

(۱) حیاة الامام الحسین: ۳/ ۳۲۴-۳۲۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۴۵

بود، این منظره را مسلم جصاص (گجج کار) توصیف کرده، می‌گوید: ابن زیاد مرا برای مرمت دار الاماره کوفه احضار کرده بود و در آن میان که مشغول گجج کاری در گاهیهای کاخ بودم ناگهان سر و صدا از تمام شهر کوفه بلند شد، از یکی از خدمت‌گزاران کاخ پرسیدم:

- «چه خبر است، می‌بینم کوفه یک پارچه سر و صداست؟» - «الآن سر یک فرد خارجی را می‌آورند که بر یزید خروج کرده بوده است!» - «آن خارجی اسمش چه است؟» - «حسین بن علی...»

مسلم، می‌گوید، همین که نام حسین را شنیدم از آن خدمتگزار فاصله گرفتم و بطوری لطمه به صورت خود زدم که ترسیدم چشمانم از کاسه بیرون شوند دست از گجج کاری کشیدم و از کاخ بیرون آمدم تا به کناسه کوفه رسیدم، همین طور که ایستاده بودم و مردم انتظار رسیدن اسیران و سرهای بریده را می‌کشیدند، ناگهان چهل شتر نمودار شد که زنان و کودکان را حمل می‌کردند و چشمم به علی بن حسین علیهما السلام افتاد که بر شتر برهنه‌ای سوار بود و از رگهای گردنش خون جاری بود و او اشک می‌ریخت و می‌فرمود:

(۱)

یا امة السوء لا سقیا لربعمکم یا امة لم تراع جدنا فینا

لو ائنا و رسول الله یجمعنا یوم القیامة ما کنتم تقولونا

تسیرون فینا علی الاقتاب عاریة کائنا لم نشید فیکم دینا. (۱)

ای مردم بد کردار خداوند باران رحمتش را بر سرزمین شما نبارد، ای

(۱) حیاة الامام الحسین: ۳/ ۳۳۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۴۶
امتی که شما رعایت حرمت جدّ ما را درباره ما نکردید.

اگر در روز قیامت، ما و شما در حضور پیامبر خدا (ص) قرار گیریم، جواب پیامبر را چه خواهید داد؟

چنان ما را برهنه و عریان شهر به شهر می گردانید که گویا ما خانواده بنیانگذاران دین اسلام نبودیم! (۱) جذلم بن بشیر می گوید: در سال (۶۱ هجری) موقع آمدن علی بن حسین از کربلا به کوفه، من وارد کوفه شدم، دیدم به همراه آن حضرت بانوانی هستند در حالی که سپاهیان یزید اطراف ایشان را گرفته‌اند و مردم کوفه برای تماشای آنها از خانه‌ها بیرون شده‌اند و آنان بر شتران بی‌جهاز سوارند، زنان کوفه از مشاهده آن منظره به گریه درآمدند و ناله و شیون سر دادند، علی بن حسین را دیدم که از رنج بیماری لاغر شده در حالی که غل به گردن داشت و دستهای مبارکش را به گردنش بسته بودند. «۱» و او با صدای ضعیفی می گوید:

«اگر این مردم به حال ما گریه می کنند و به خاطر ما نوحه‌سرای می نمایند پس چه کسی ما را کشته است؟!» (۲)

(۲)

خطابه امام زین العابدین

توده‌های مردم اطراف امام زین العابدین علیه السلام حلقه زده بودند، امام علیه السلام تصمیم گرفت تا در میان آن جمعیت سخنرانی کند و آنها را به جرم بزرگی که مرتکب شده‌اند توجه دهد، و بفهماند که چه جنایتی نسبت به خود و به تمام امت اسلامی مرتکب شده‌اند، این بود که رو به آن مردم کرد و پس از حمد و

(۱) امالی شیخ مفید خطّی: ص ۱۴۳.

(۲) مقتل الحسین خطّی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۴۷

ثنای الهی فرمود:

(۱) «أیها الناس من عرفنی فقد عرفنی، و من لم یعرفنی فأنا علی بن الحسین بن علی بن اَبی طالب، أنا ابن من انتهکت حرمته، و سلبت نعمته، و انتهب ماله، و سبى عیاله، أنا ابن المذبوح بشط الفرات من غیر ذحل، و لا ترات، أنا ابن من قتل صبیرا، و کفی بذلک فخرا.

أیها الناس ناشدتکم الله هل تعلمون أنکم کتبتم إلی اَبی و خدعتموه، و اعطیتموه من أنفسکم العهود و الميثاق و البیعة، و قاتلتموه، فتبا لما قدمتم لأنفسکم و سواءه لرأیکم، بأیه عین تنظرون إلی رسول الله؟ إذ یقول لکم: قتلتم عترتی و انتهکت حرمتی، فلستم من أمتی ...»

(۱) «ای مردم! هر که مرا می شناسد، می شناسد و هر که نمی شناسد بداند که منم علی بن حسین بن علی بن اَبی طالب، منم پسر آن کسی که حرمت او را هتک کرده و مال و نعمتش را به غارت بردند و زن و بچه‌اش را اسیر کردند، منم فرزند آن کسی که او را در کنار شط فرات بی جرم و گناه سر بریدند، منم فرزند آن که او را با شکنجه و عذاب کشتند و همین افتخار مرا کافی است.

ای مردم! شما را به خدا سوگند آیا می دانید که شماها به پدرم نامه نوشتید و او را فریب دادید به خاطر دارید که با او عهد و پیمان بستید و دست بیعت به سوی او دراز کردید، و به جنگ او برخاستید پس مرگ بر شما برای آنچه پیش از خود به آخرت فرستادید

و بدا به اندیشه شما، با چه دیده‌ای به روی رسول خدا می‌نگرید؟ زیرا به شما خواهد گفت: عترت مرا کشتید، هتک حرمت مرا کردید پس از شما از امت من نیستید.»

آن مردم زبون و خود فروختگانی که روی تاریخ را سیاه کردند با شنیدن سخنان امام سجاد علیه السلام صدای گریه و شیونشان بلند شد در آن میان یکی از

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۴۸

ایشان فریاد زد: «ای مردم! شما نمی‌دانید بیچاره شدید!» امام علیه السلام به سخنانش ادامه داد و فرمود:

«رحم الله امرأ قبل نصیحتی، و حفظ وصیتی، فی الله و فی رسوله و أهل بیته، فإن لنا فی رسول الله (ص) أسوة حسنة.»

«خداوند پیامرزد آن کسی را که نصیحت مرا بپذیرد و سفارش مرا درباره خدا و پیامبر خدا و اهل بیت پیامبر (ص) پاس بدارد، زیرا که ما را از رسول خدا پیروی نیکویی است.»

همه مردم با شنیدن این جمله همصدا فریاد برآوردند:

(۱) «ای فرزند رسول خدا (ص) ما همگی سخن شما را گوش می‌دهیم و اطاعت می‌کنیم و دستور شما را بر عهده می‌گیریم و از

شما دوری نمی‌کنیم، دل به سوی شما داریم، هر امری دارید بفرمایید، خداوند شما را مورد عنایت خود قرار دهد، ما با دشمنان شما

در ستیزیم و با هر که با شما در صلح باشد، در صلحیم و از کسانی که به شما و ما ستم کرده‌اند بیزاریم...»

امام علیه السلام این ابراز دوستی کوفیان را تکذیب کرده و فرمود:

«هیئات، هیئات، أیها الغدره المکره، حیل بینکم، و بین شهوات انفسکم، أتریدون أن تأتوا إلی کما أتیتم إلی أبی من قبل، کلا و

رب الراقصات فإن الجرح لما یندمل، قتل أبی بالأمس و أهل بیته، و لم ینس ثکل رسول الله (ص) و ثکل أبی، و بنی أبی، إن وجده

و الله بین لهاتی، و مرارته بین حناجری و حلقی، و غصته تجری فی فراش صدری...» (۱)

«هیئات، هیئات! ای فریبکاران حيله گر، که جز حيله و مکر خصلتی ندارید، آیا می‌خواهید مرا نیز همچون پدرم فریب دهید و با من

نیز چنان

(۱) مثير الاحزان، از ابن نما و لهوف از سید بن طاووس.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۴۹

رفتار کنید که با پدرم کردید. هرگز، به خدا قسم هنوز زخمهایی که از شهادت پدرم در دل نشسته است بهبود نیافته؛ پدرم با دیگر

اهل بیتش هنوز دیروز کشته شدند و هنوز درد مصیبت رسول خدا (ص) و مصیبت پدر و برادرانم فراموشم نشده است، به خدا

سوگند غم ایشان گلویم را گرفته و تلخیش حنجره تا حلقم را می‌آزارد و اندوه و غصه‌اش در سینه‌ام می‌جوشد.»

امام علیه السلام، از سخن گفتن خودداری کرد در حالی که صورتش را از آن مردم پرمکر و آن تبهکارانی که لکه ننگی بر دامن

بشریت بودند، برگرداند زیرا که آنها بودند که ریحانه رسول خدا (ص) را که برای نجات آنها آمده بود کشتند، آمده بود تا ایشان

را از زیر ظلم و جور امویان نجات دهد و اینک پس از کشتن وی پشیمان شده و بر او می‌گیرند!

(۱)

ابن زیاد طاغوت با امام سجاد

وقتی که اهل بیت رسول خدا-صلی الله علیه و آله- را به دار الاماره آن جایی که پسر مرجانه حاکم کوفه اقامت داشت، وارد

کردند همین که چشم آن طاغوت به امام زین العابدین علیه السلام افتاد در حالی که رنج بیماری او را بشدت ضعیف کرده بود،

پرسید:

«تو کیستی؟» - «من علی بن حسینم...»

«مگر خداوند علی بن حسین را نکشت؟» امام علیه السلام با آرامش تمام فرمود:

«من برادری به نام علی داشتم که شماها او را کشتید و در روز قیامت از

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۵۰

شما بازخواست خواهند کرد.»

ابن زیاد با شنیدن این سخنان برآشفته و با وقاحت و خودسری از جا برخاست و رو به امام فریاد زد:

«خدا برادر تو را کشت، نه ما!» امام علیه السلام با نهایت شجاعت و استواری فرمود:

«خداوند هر که را اجلش فرا رسد، بموقع می‌میراند و هیچ کسی جز به اذن خدا نمی‌میرد.»

(۱) زمین به دور سر پسر مرجانه چرخید و عظمت جنایت و گناه او را فرا گرفت و از این که یک جوان اسیر با این گشاده‌زبانی و

برهان قاطع و استشهاد از قرآن با او صحبت کند و حرف او را رد کند، خشمناک شد، فریاد زد:

«تو چگونه جرأت می‌کنی جواب مرا بدهی!! و به خود اجازه می‌دهی که حرف مرا رد کنی؟!» آن ناپاک پست فطرت یکی از

جلادانش را صدا زد و گفت:

«این بچه را بگیر و ببر، سرش را از تنش جدا کن...»

در این حال نواده پیامبر (ص) زینب کبرا علیها سلام دامن صبر از دست بداد و با چنان شجاعتی که از هیچ قدرت و سلطه‌ای باک

نداشت حمله برد و دست به گردن امام سجاد علیه السلام انداخت و رو به پسر مرجانه کرد و فرمود:

«ای پسر زیاد! همین قدر که خون از ما خانواده ریختی بس است آیا کسی جز این را باقی گذاشته‌ای؟ اگر می‌خواهی این تنها

باقیمانده را بکشی، مرا هم با او بکش.»

آن طاغوت از این منظره متحیر شد و با تعجب گفت:

«نکشید، او را نیز با این زن، واگذارید، شگفتا از این خویشاوندی که

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۵۱

می‌خواهد به همراه وی کشته شود!» و اگر این موضوع قهرمانانه حضرت زینب نبود، هرآینه امام زین العابدین علیه السلام کشته

شده بود و بقیه نسل امام حسین علیه السلام که منبع هر خیر و شرافتند در روی زمین از بین رفته بود.

جاحظ در رسائل خود می‌گوید: پسر مرجانه درباره علی بن حسین به اصحابش گفت:

«بگذارید تا من او را بکشم که او بازمانده این دودمان - یعنی نسل امام حسین - است و بدین وسیله این شاخه را قطع کنم و این

گرفتاری را برطرف کنم و این ماده را ریشه کن سازم...»

اما اطرافیانش پیشنهاد کردند که خودداری کند و معتقد بودند که رنج بیماری، خود در آینده نه چندان دور او را از پا در می‌آورد.

(۱)

(۱)

ربودن امام

یکی از کوفیان امام زین العابدین علیه السلام را ربود و او را در منزل خود مخفی کرد و نسبت به آن حضرت اکرام و احسان

می‌کرد و هر وقت چشمش به آن حضرت می‌افتاد گریه می‌کرد و امام علیه السلام نیز به او خوش گمان بود اما دیری نپایید که

منادی ابن زیاد اعلام کرد هر کس علی بن حسین را یافت به دار الاماره بیاورد، سیصد درهم جایزه دارد، وقتی که آن مرد کوفی صدای منادی را شنید به خدمت امام علیه السلام شتافت و ریسمانی به گردنش انداخت و دستهایش را با طناب بست و به دار الاماره برد و سیصد درهم را گرفت. «۲» این اتفاق عجیب- اگر درست باشد- حکایت از پول‌پرستی مردم کوفه و خودفروشی آنان در راه به دست

(۱) حیاة الامام الحسین: ۳/ ۳۴۵-۳۴۷.

(۲) مرآة الزمان فی تواریخ الاعیان: ص ۹۸، المنتظم ابن جوزی جلد پنجم، طبقات ابن سعد.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۵۲

آوردن مادیات دارد از هر راهی که ممکن بوده است.

(۱)

حرکت اسرای اهل بیت به جانب دمشق

یادگارهای رسالت و مخدرات وحی و نبوت را به دمشق پایتخت بنی امیه حرکت دادند در حالی که چنان غرق اندوه و غم بودند که دل هر بیننده را آب می‌کرد، مردم کوفه از هر طبقه از خانه‌هایشان بیرون آمدند تا با اسیران اهل بیت پیامبرشان خداحافظی کنند، و مرد و زنشان صدای ناله و شیون بلند کرده بودند، امام زین العابدین علیه السلام این حالت ایشان را عجیب دانسته و می‌فرمود:

«همین‌ها ما را می‌کشند و بر ما می‌گریند!!» «۱» شمر بن ذی الجوشن ناپاک فرومایه دستور داد تا غل جامعه بیاورند و به گردن امام علیه السلام بیندازند، امام را در غل کردند. «۲» کاروان در مسیر خود به سمت شام حرکت کرد. مورخان می‌گویند: امام زین العابدین علیه السلام با آن ستمگرانی که همراهش بودند، حتی یک کلمه حرف نزد و در تمام طول راه یک درخواستی نمود زیرا که امام علیه السلام آن مردم ناپاک و آن فرومایگان را می‌شناخت و می‌دانست که هر درخواستی هم بکند پاسخ مثبت نخواهند داد.

کاروان بدون وقفه حرکت می‌کرد تا این که به نزدیکی دمشق رسید و در آنجا توقف کرد تا شهر را چراغانی و آذین‌بندی کنند. همین که شهر شام با بهترین تزئین آراسته شد اسیران اهل بیت پیامبر (ص) را در میان هاله‌ای از تهلل و تکبیر به خاطر پیروزی که نواده ابو سفیان بر نواده رسول خدا- صلی الله علیه و آله- یافته بود، وارد شهر کردند.

(۱) مرآة الزمان: ص ۹۹.

(۲) انساب الاشراف: ق ۱/ ج ۱.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۵۳

(۱)

مرد شامی با امام زین العابدین

پیرمردی از مردم شام که در اثر تبلیغات دروغ و ناروا فریب خورده بود به نزد امام زین العابدین علیه السلام شتافت و رو به آن حضرت کرد و با صدای بلند گفت:

«سپاس خدا را که شما را هلاک ساخت و یزید را بر شما پیروز گردانید!» امام علیه السلام نگاهی به او کرد و دانست که او را فریب داده‌اند و حق و حقیقت بر او پوشیده است، مبلغان بنی امیه او را گول زده‌اند، فرمود:

- «ای پیرمرد! آیا قرآن خوانده‌ای؟» - «آری خوانده‌ام» - «آیا این آیات را در قرآن تلاوت کرده‌ای: وَآتَ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ (۱)، وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ (۲)» پیرمرد، بهت زده شد و با صدای آرامی گفت:

«آری این آیات را خوانده‌ام! اما بگو ببینم این آیات با شما چه ربطی دارد؟» امام علیه السلام فرمود:

«به خدا سوگند که ماییم آن خویشاوندان پیامبر که در این آیات آمده است.

ای پیرمرد! آیا این آیه را خوانده‌ای که خداوند می‌فرماید:

(۱) اسراء / ۲۶: حقوق خویشاوندان و ارحام خود را ادا کن.

(۲) انفال / ۴۱: بدانید هر چه به شما غنیمت و فایده رسد خمس آن متعلق به خدا و پیامبر و خویشان اوست.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۵۴

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا. (۱)

- «آری خوانده‌ام.»

- «ماییم آن اهل بیت، که خداوند آنان را به این تطهیر مخصوص گردانیده است.»

لرزه بر اندام پیرمرد افتاد و می‌خواست که زمین دهان باز می‌کرد و او را در کام خود فرو می‌برد تا زنده نبود و آن حرفها را نزده بود، آنگاه رو به امام علیه السلام کرد و گفت:

«شما را به خدا شما همان اهل بیت پیغمبرید؟» - «آری به حق جدّمان رسول خدا (ص) که ما بدون هیچ تردیدی همان اهل بیت پیامبریم.»

پیرمرد شامی پس از شنیدن این سخنان، خود را روی پاهای امام علیه السلام انداخت، دست و پای امام را می‌بوسید و قطرات اشک بر گونه‌هایش جاری بود و می‌گفت: «به خدا که از قاتلان شما بیزارم.»

پیرمرد از امام علیه السلام درخواست کرد تا توبه او را بپذیرد و از گناه او بگذرد، امام علیه السلام نیز او را مورد عفو و بخشش قرار داد. (۲)

(۱)

امام سجاد در مجلس یزید

مزدوران اوباش یزید، خاندان وحی و نبوت و اطفال امام حسین

(۱) احزاب / ۳۳: خداوند چنین اراده دارد که هر نوع آلائش را از شما اهل بیت پیامبر ببرد و شما را از هر عیبی پاک و منزّه بدارد.

(۲) حیات الامام الحسین: ۳ / ۳۷۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۵۵

علیه السلام را همچون گوسفندان گردن به گردن به ریسمانی بستند، یک سر ریسمان در گردن امام زین العابدین علیه السلام و یک سر دیگرش به گردن عمه‌اش زینب بود و باقی دختران رسول خدا (ص) را در آن میان بسته بودند و هرگاه یکی از آنها در راه رفتن عقب می‌ماند او را با تازیانه می‌زدند و آنان را با این حالت - حالتی که کوهها از هول و هراس آن از هم فرو می‌ریخت -

آوردند و در برابر یزید نگاه داشتند، امام زین العابدین علیه السلام رو به یزید کرد و فرمود:

«چه گمان می‌بری به رسول خدا (ص) اگر ما را بر این حال ببیند؟!» (۱) یزید با شنیدن این سخن، رو برگرداند و کسی در مجلس نماند مگر این که صدای گریه و ناله‌اش بلند شد و یزید از دیدن آن منظره اسفبار متأثر شد و چنین گفت:

«خدا روی پسر مرجانه را زشت گرداند، اگر بین شما و او خویشاوندی بود با شما چنین رفتار نمی‌کرد.»

آنگاه دستور داد تا ریسمانها را باز کردند و رو به امام زین العابدین علیه السلام کرد و گفت:

«آی علی بن حسین می‌دانی که پدرت خویشاوندی مرا ملاحظه نکرد و حق مرا نادیده گرفت و در سلطنت من به مخالفت برخاست این بود که خداوند با او چنین کرد که می‌بینی!» امام سجاد علیه السلام با نهایت آرامش و وقار، چنین پاسخ داد:

«ما أصاب من مصيبةٍ فی الارض و لا فی انفسکم الا فی کتاب من قبل ان نبرأها انّ ذلک علی الله یسیر. لکیلا تأسوا علی ما فاتکم و لا تفرحوا بما آتاکم و الله لا یحب کلّ مختال فخور.» (۱)

(۱) حدید / ۲۲، ۲۳: هر رنج و مصیبتی که در روی زمین یا در خودتان بر شما وارد شود همه در کتاب (لوح محفوظ ما) پیش از آن که در دنیا ایجاد کنیم ثبت شده و خلق آن برای خدا آسان است. تا هرگز بر

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۵۶

یزید طاغوت خشمگین شد و آثار شادمانی از چهره‌اش محو گشت و این آیه را قرائت کرد:

ما أصابکم من مصيبةٍ فیما کسبت أیدیکم. (۱)

امام علیه السلام فوری سخن او را رد کرد و فرمود:

«این آیه درباره ستمکاران است، نه درباره ستمدیدگان و مظلومان.»

یزید با شنیدن این جواب کوبنده، صورتش را از باب تحقیر و توهین به امام از آن حضرت برگرداند. (۲)

(۱)

خطبه امام زین العابدین (ع)

یزید، به مردم بار عام داد، و طبقات مختلف به سمت کاخ طاغوت هجوم آوردند در حالی که به خاطر پیروزی کاذبش تبریک می‌گفتند و او سرخوش و شادمان بود که دنیا به کام او گشته و سلطنت و پادشاهیش رقیبی ندارد و به خطیب خود دستور داد تا بر منبر برود و هر چه می‌خواهد درباره امام حسین و پدرش امام امیر المؤمنین بگوید، خطیب، بالای منبر رفت و هر چه توانست در نکوهش عترت پاک پیامبر گفت و بر یزید و پدرش مدایح و ستایشهای دروغین بسیار نثار کرد، یک مرتبه امام زین العابدین علیه السلام از جا بلند شد و فریاد برآورد:

«ویلک ایها الخاطب اشتریت رضاء المخلوق بسخط الخالق فتبوا مقعدک من النار.»

آنچه از دست دادید دلتنگ نشوید و به آنچه به شما رسد دلشاد نگردید و خداوند هیچ متکبر خودستا را دوست نمی‌دارد.

(۱) شورا / ۳۰: هر گرفتاری که به شما می‌رسد به سبب رفتار خود شماست.

(۲) حیات الامام الحسین: ۳ / ۳۷۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۵۷

«وای بر تو ای خطیب! که برای خشنودی مخلوق، خدا را به خشم آوردی جایگاه خودت را در آتش دوزخ فراهم کردی ...»

و آنگاه رو به یزید کرد و فرمود:

«آیا اجازه می‌دهی که بر این چوبه‌ها بالا روم و سخنانی بگویم که خدا را خوش آید و برای حاضران مجلس اجر و ثوابی داشته باشد؟» (۱) حاضران مجلس همگی متحیر شدند و از سخن این جوان بیمار تعجب کردند که چگونه با وجود این که اسیر است سخن خطیب و امیر را رد کرد! یزید از قبول پیشنهاد امام سرباززد اما حاضران مجلس اصرار کردند که اجازه دهد، یزید در جواب آنها گفت:

«اگر او بر منبر برود، ما و تمام آل ابی سفیان را تا رسوا نکند، به زیر نخواهد آمد.»

مردم از سخن یزید تعجب کردند و گفتند:

«از این جوان علیل چه بر می‌آید؟» براستی که آنها امام علیه السلام را نمی‌شناختند و او را همچون مردم دیگر تصور می‌کردند اما یزید طاغوت او را می‌شناخت، رو به مردم کرد و گفت:

«او از خانواده‌ای است که از شیرخوارگی به علم و دانش آراسته‌اند.»

با این همه مردم، پیوسته اصرار می‌کردند تا اجازه دهد او حرفهایش را بزند یزید چاره‌ای ندید، سرانجام پذیرفت و اجازه داد، امام علیه السلام بر فراز چوبه‌های منبر رفت و چنان خطبه غزایی ایراد کرد که تاریخ نظیر آن را در زیبایی و بلاغتش ندیده بود، چشمها را گریان و حاضران را نالان کرد و بر دلها و اندیشه‌های آنان سیطره افکند، از جمله سخنان آن حضرت این بود که فرمود:

(۲) «أیها الناس اعطینا ستا، و فضلنا بسبع: اعطینا العلم و الحلم، و السماحة و الفصاحة، و الشجاعة، و المحبة فی قلوب المؤمنین،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۵۸

و فضلنا بأن منّا النبى المختار محمد (ص) و منّا الصدیق، و منّا الطیار، و منّا أسد الله، و أسد الرسول (ص) و منّا سیده نساء العالمین فاطمة البتول، و منّا سبطا هذه الأمة و سیدا شباب اهل الجنة.»

«ای مردم! خدای تعالی به ما اهل بیت شش خصلت مرحمت کرده است و با هفت فضیلت ما را به دیگران برتری داده است: به ما علم، بردباری، جوانمردی، فصاحت، دلاوری و محبت در دل‌های مؤمنان را داده است و همچنین ما را به این اوصاف برتری بخشیده است که پیامبر برگزیده خدا محمد- صلی الله علیه و آله- از ماست و صدیق اعظم- علی علیه السلام- از ماست و جعفر طیار و شیر خدا و رسول- حمزه سید الشهداء- از ماست و بانوی زنان جهان فاطمه بتول از ماست و دو سبط این امت، سرور جوانان بهشت- امام حسن و امام حسین علیهما السلام- از ماست.»

پس از این مقدمه‌ای که در معرفی خاندان خود فرمود، شروع کرد به بیان فضائل ایشان و گفت:

(۱) «فمن عرفنی فقد عرفنی، و من لم یعرفنی انبأته بحسبی و نسبی، أنا ابن مکة و منی، أنا ابن زمزم و الصفا، أنا ابن من حمل الزکاة بأطراف الرداء، أنا ابن خیر من ائترر و ارتدی، أنا ابن خیر من اتعل و احتفی، أنا ابن خیر من طاف و سعی، أنا ابن خیر من حج و لبی، أنا ابن من حمل علی البراق فی الهوا، أنا ابن من أسرى به من المسجد الحرام إلى المسجد الأقصى، فسبحان من أسرى، أنا ابن من بلغ به جبرئیل إلى سدره المنتهی، أنا ابن من دنا فتدلی فکان قاب قوسین أو أدنی، أنا ابن من صلی بملائکة السماء، أنا ابن من أوحى إليه الجلیل ما أوحى، أنا ابن محمد المصطفی، أنا ابن علی المرتضی، أنا ابن من ضرب خراطیم الخلق حتی قالوا: لا إله إلا الله، أنا ابن من ضرب بین

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۵۹

یدی رسول الله (ص) بسیفین، و طعن برمحین، و هاجر الهجرتین، و بایع البیعتین، و صلی القبلتین، و قاتل بیدر و حنین، و لم یکفر بالله طرفه عین، أنا ابن صالح المؤمنین و وارث النبیین، و قاطع الملحدین، و یعقوب المسلمین، و نور المجاهدین و زین العابدین، و تاج البکائین، و اصبر الصابریین، و أفضل القائمین من آل یاسین، و رسول رب العالمین، أنا ابن المؤید بجبرئیل، المنصور بمیکائیل، أنا

ابن المحامی عن حرم المسلمین، و قاتل الناکثین و القاسطین و المارقین، و المجاهد اعداءه الناصبین، و أفر من مشی من قریش أجمعین، و أول من أجاب و استجاب لله من المؤمنین، و أقدم السابقین، و قاصم المعتدین، و مبیر المشرکین، و سهم من مرامی الله علی المنافقین، و لسان حکمة العابدین، ناصر دین الله، و ولی أمر الله، و بستان حکمة الله، و عیبه علم الله، سمح، سخی، بهلول، زکی، ابطحی، رضی، مرضی، مقدم، همام، صابر، صوام، مهذب، قوام، شجاع قمقام، قاطع الأضلاب، و مفرق الأحزاب، أربطهم جنانا، و اطلقهم عنانا، و اجرأهم لسانا، و أمضاهم عزیمة، و أشدهم شکیمه، أسد، باسل، و غیث هاطل، یطحنهم فی الحروب، و یدرهم ذرو الريح الهشیم، لیث الحجاز، و صاحب الاعجاز، و کبش العراق، الإمام بالنص، و الاستحقاق، مکى مدنی ابطحی، تهامی، خیعن عقبی، بدری، احدی، و شجرى مهاجرى، من العرب سیدها، و من الوغى لیثها، وارث المشعرین و أبو السبطين الحسن و الحسین، مظهر العجائب، و مفرق الکتائب و الشهاب الثاقب، و النور العاقب، اسد الله الغالب مطلوب کل طالب، غالب کل غالب، ذاک جدی علی بن أبی طالب، (۱) أنا ابن فاطمة الزهراء، أنا ابن سیده النساء، أنا ابن الطهر البتول، أنا ابن بضعة الرسول صلّی الله علیه و آله و سلم أنا ابن المرمل بالدماء أنا بن ذبیح کربلاء، أنا بن من بکی علیه الجنّ من الظلماء و ناحت علیه الطیر فی الهواء ...»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۶۰

«ای مردم! هر که مرا می‌شناسد، می‌شناسد و هر که نشناخته است، او را از حسب و نسب خویش آگاه سازم؛ منم فرزند مکه و منی، منم پسر زمزم و صفا منم پسر آن کسی که زکات و صدقات را به دامن ردای خود می‌کرد و به مستمندان می‌رساند، منم فرزند بهترین کسی که محرم شد و ردا بر دوش گرفت، منم پسر بهترین کسی که نعلین و کفش به پا کرد، منم فرزند بهترین کسی که طواف کرد و سعی بین صفا و مروه را انجام داد، منم پسر بهترین کسی که حج خانه خدا را به جا آورد و تلبیه گفت، منم فرزند کسی که از مسجد الحرام تا مسجد الاقصی شب هنگام سیر داده شد، پاک و منزّه است خدایی که او را سیر داد، منم فرزند آن کسی که جبرئیل او را تا سدره المنتهی رساند، من فرزند آن کسی هستم که به قرب مقام عظمت ربوبی نزدیک شد و تا قاب قوسین یا کمتر پیش رفت. منم پسر آن که با فرشتگان آسمان نماز خواند، منم فرزند آن کسی که خداوند جلیل آنچه خواست بر او وحی کرد منم پسر محمد مصطفی، منم پسر علی مرتضی، منم فرزند آن که به خرطوم مردمان خدانشناس زد تا آن که لا اله الا الله گفتند، منم پسر کسی که در حضور رسول خدا- صلّی الله علیه و آله- با دو شمشیر جنگید و با دو نیزه مبارزه کرد و دو بار هجرت نمود و دو مرتبه با پیامبر بیعت کرد و به دو قبله نماز خواند و در بدر و حنین با دشمنان پیکار نمود و یک چشم بر هم زدن به خداوند کفر نورزید. منم فرزند شایسته‌ترین مؤمنان و وارث پیامبران و قطع کننده ریشه ملحدان و فرمانروای مسلمانان و مشعلدار مجاهدان و زینت عبادت کنندگان و افسر گریه کنندگان و بردبارتر از همه بردباران و بالاترین شب‌زنده‌دار از آل یاسین و فرستاده پروردگار عالمین، منم فرزند آن که خداوند توسط جبرئیل به او کمک کرد و توسط میکائیل یاری نمود، منم پسر آن کسی هستم که از حریم مسلمین دفاع کرد و با ناکثین و قاسطین و مارقین پیکار نمود و با دشمنان ناصبی خود مبارزه کرد و پرافتخارترین فرد از تمام مردم

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۶۱

قریش که بر روی زمین پا نهاده‌اند و نخستین کسی که از مؤمنان، خدا را لیبیک گفت و سر در اطاعتش نهاد و پیشگام سابقین و درهم شکننده تجاوزگران و بنیانکن مشرکان و تیری از جانب خدا بر ضد منافقان و زبان حکمت عابدان، یاری کننده دین خدا و ولی امر الهی و بوستان حکمت خداوندی، و منبع علم خدا، جوانمرد، بخشنده، بزرگوار، پاکیزه، از سرزمین بطحاء، رضای به رضای خدا و مورد رضای پروردگار، پیشاهنگ، رادمرد، شکیب، بسیار روزه‌دار، پاکیزه و استوار، دلاور، پربخشش، برنده ریشه ستمگران، از هم پاشنده گروههای مخالف از همه کس مهربانتر و بخشنده‌تر و زبان آورتر و مصمم‌تر (در برابر دشمنان) و از همه کس سرسخت‌تر بود، شیر دلاور، و ابر پربران. در میدانهای جنگ دشمنان را درهم می‌شکست و همچون تندبادی دشمنان را بسان خار

و خاشاک از هم می‌پاشید، شیر سرزمین حجاز و صاحب معجزات و سپهسالار عراق، امامی که امامتش منصوص و از روی شایستگی بود، مکی، مدنی، ابطحی، تهامی و جنگجویی که در عقبه و بدر و احد حاضر بود و در بیعت شجره حضور داشت و مهاجرت کرد، سرور مردم عرب و شیر میدان کارزار، وارث مشعر و منی و پدر دو سبط پیغمبر؛ حسن و حسین، مظهر عجایب و پراکنده‌ساز سپاهیان زنده و برق جهنده و نور شتابان، شیر پیروز حق و خواسته هر جوایای حقیقت و بر هر پیروزی پیروز، این شخص جد من علی بن ابی طالب است، (۱) منم فرزند فاطمه زهرا منم پسر بانوی زنان، منم پسر طاهره بتول، منم پسر پاره تن رسول - صلی الله علیه و آله و سلم - «۱» منم فرزند آن که به خون آغشته شد، منم پسر سر بریده صحرای کربلا، منم فرزند آن که جنیان روی زمین و مرغان هوا بر او نوحه‌سرایی کردند... «۲»

(۱) حیاة الامام الحسین: ۳/ ۳۸۷.

(۲) نفس المهموم: ص ۲۴۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۶۲

و همچنان امام علیه السلام می‌گفت: «من» تا آنجا که مردم صدای ناله و شیون برآوردند و یزید ترسید از این که فتنه و آشوبی پاشود و پیامد ناگواری داشته باشد، زیرا که سخنان امام علیه السلام یک انقلاب فکری در مردم به وجود آورد؛ به خاطر آن که امام، خود را به مردم شام معرفی کرده بود و از آنچه نمی‌دانستند آنها را آگاه ساخته بود. این بود که یزید ناچار به مؤذنش دستور داد تا اذان بگوید و بدان وسیله سخن امام را قطع کند، مؤذن شروع کرد به اذان گفتن همین که گفت: «الله اکبر».

(۱) امام علیه السلام رو به مؤذن کرد و گفت:

«خدایی را بزرگ شمردی که هیچ چیز با او قابل قیاس نیست و او با هیچ یک از حواس درک نشود و هیچ چیز بزرگتر از خدا نمی‌باشد.»

همین که مؤذن گفت: «شهد ان لا اله الا الله».

امام علی بن حسین علیه السلام فرمود:

«به این کلمه گوشت، پوست و خون، مغز و استخوانم گواهی می‌دهند.»

و چون مؤذن جمله «شهد ان محمدا رسول الله» را بر زبان آورد، امام علیه السلام رو به یزید کرد و فرمود:

«ای یزید! بگو ببینم این محمد جد من است یا جد تو؟ پس اگر بگویی جد توست دروغ گفته‌ای و اگر می‌گویی جد من است، پس چرا عترت او را کشتی...؟» «۱»

(۲) یزید با شنیدن این سخنان خاموش ماند و جوابی نداد، زیرا که پیامبر گرامی اسلام جد امام زین العابدین علیه السلام بود اما جد یزید، ابو سفیان، دشمن

(۱) مقتل الخواری: ۲/ ۲۴۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۶۳

شماره یک پیامبر (ص) بوده است. برای مردم شام روشن شد که این خانواده غرق در گناه و جنایتند و حکومت امویان در راه گمراهی و انحراف مردم از هیچ جنایتی کوتاهی نکرده‌اند.

البته سخنرانی امام علیه السلام منحصر بود به معرفی خاندان نبوت و آن مقام والایی که در پیشگاه خدا دارند و همچنین مبارزات و جهادی که در راه اسلام داشته‌اند و از طرفی مشتمل بود بر آنچه از قتل و شکنجه و آزار از طرف دشمن بر سر آنها آمده است و

چیزی غیر از اینها نفرمود، به نظر من اکتفا کردن به این مقدار از زیباترین نوع التفات و از ظریفترین انواع بلاغت است زیرا که مردم شام هیچ چیز راجع به اهل بیت علیهم السلام نمی‌دانستند جز آنچه را که گویندگان درباری و وعاظ السلاطین به خورد آنها داده بودند. حکومت جور و مزدورانشان از دشمنی اهل بیت و دوستی بنی امیه هر چه توانسته بودند آنها را تغذیه کرده بودند. به هر حال، خطابه امام چنان تأثیر عمیقی در توده مردم نهاد که بعضی آهسته به یکدیگر از دغلبازی سران بنی امیه و ضرر و زیان جبران‌ناپذیری که گریبان ایشان را گرفته بود سخن می‌گفتند، بطوری که همگی نسبت به یزید بدبین شده و به چشم حقارت و پستی به او می‌نگریستند. (۱)

امام (ع) با منهال

امام زین العابدین علیه السلام در شام به منهال بن عمر برخورد، منهال پرسید:
«یا بن رسول الله! چگونه بر شما گذشت؟»

(۱) جوهره الکلام فی صلاح السادة الاعلام: ص ۱۲۸.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۶۴

امام علیه السلام نگاهی به او کرد، فرمود:

«همچون بنی اسرائیل در میان آل فرعون گذرانیدیم که پسران ایشان را می‌کشتند و زنانشان را اسیر می‌کردند، ای منهال! مردم عرب بر عجم افتخار می‌کرد که محمد (ص) از عرب است و مردم قریش بر سایر مردم عرب مباحثات می‌کرد که محمد (ص) از ایشان است، ما که اهل بیت آن بزرگواریم، در میان اینان، کشته و پراکنده‌ایم پس (ما راضی به رضای الهی بوده و می‌گوییم): انا لله و انا الیه راجعون...» (۱)

براستی که پیامبر گرامی اسلام ریشه و منبع اصلی شرافت امت عرب بوده و اوست که زندگی شرافتمندانه را برای ایشان ترسیم کرد و بزرگترین دولت و والا-ترین حکومت را برای این امت بنیان نهاد، آیا پاداش عمل او این بود مردم قریش که به وجود حضرت محمد (ص) افتخار می‌کردند که پیامبر از آنهاست، اکنون باید فرزندان او را بکشند و ریشه آنان را از بیخ و بن برکنند و زنانشان را اسیر کنند!

(۱)

عذرخواهی طاغوت از امام

وقتی که مردم به خاطر کشتن ریحانه رسول خدا- صلی الله علیه و آله- یزید را زیاد ملامت کردند و اعتراضات روزافزون گشت، یزید، امام زین العابدین علیه السلام را خواست و شروع کرد به عذرخواهی و مسئولیت تمام جنایات را به گردن پسر مرجانه انداخت و گفت:

«خداوند پسر مرجانه را لعنت کند، به خدا سوگند که اگر من به جای او بودم، پدرت هر پیشنهادی می‌کرد، قبول می‌کردم و تا آنجا که می‌توانستم

(۱) حیاة الامام الحسین: ۳/ ۲۹۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۶۵

می‌کوشیدم، هر چند به قیمت کشته شدن بعضی از فرزندانم تمام می‌شد، نمی‌گذاشتم او را بکشند، و لیکن تقدیر الهی چنین بود که دیدی، پسر! هر حاجتی که داشتی از مدینه با من مکاتبه کن. «۱» البته در میان خاندان تو و مردم مسلمان ممکن است مسائلی اتفاق بیفتد، تو در آن مسائل با ایشان همکاری مکن. «۲»

امام علیه السلام با شنیدن این سخنان صورت مبارک از یزید برگردانید و جوابی نداد زیرا که او از باطن این معذرت‌خواهی یزید، آگاه بود و می‌دانست که تمام این حرفها جهت فرار از کیفر و مجازات جنایاتی است که او مرتکب شده است.

(۱)

گفتگوی اسقف یهودی با یزید

در مجلس یزید طاغوت، مردی از علمای یهود بود که بسیار تحت تأثیر امام زین العابدین علیه السلام قرار گرفت و رو به یزید کرد و پرسید:

- «این جوان کیست؟» - «علی بن حسین است.»

- «حسین کیست؟» - «پسر علی بن ابی طالب.»

- «مادر حسین کیست؟» - «دختر حضرت محمد است.»

- «سبحان الله! این پسر دختر پیغمبر شماست که کشته‌اید، چه بد مردمی هستید و رفتار بدی نسبت به بازماندگان پیامبران روا داشته‌اید! به خدا سوگند که اگر موسی بن عمران نواده‌ای در بین ما به یادگار گذاشته بود، گمان

(۱) تاریخ ابن اثیر: ۳/ ۳۰۰.

(۲) تهذیب التهذیب: ۱/ ۱۵۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۶۶

می‌کنم که مردم یهود به جای خدا او را پرستش می‌کردند در صورتی که شما هنوز فاصله‌ای نشده‌است که پیغمبرتان از دنیا رفته، به پسرش حمله برده‌اید و او را کشته‌اید! چه بد امتی هستید! یزید طاغوت از شنیدن این سخنان خشمگین شد و دستور داد تا او را کتک زدند، عالم یهودی فریاد برآورد و گفت:

«اگر بخواهید می‌توانید مرا بکشید زیرا که من در تورات خوانده‌ام: هر که فرزند پیغمبرش را بکشد، برای همیشه از رحمت خدا دور است و چون بمیرد خداوند او را در آتش جهنم اندازد.» «۱»

(۱)

امام علیه السلام با یزید

روزی یزید ملعون امام زین العابدین علیه السلام را احضار کرد و پیشنهاد کرد تا هر حاجتی دارد از او بخواهد، امام علیه السلام فرمود:

«حاجت اول من آن است که سر مقدس پدرم را به من بازگردانی و دیگر این که آنچه را که سپاهیان تو از اموال زنان به غارت برده‌اند به ایشان بازگردانند، زیرا در آن میان بعضی از یادگارهای پدران و مادران ما هست و حاجت دیگرم آن است که اگر می‌خواهی مرا بکشی، شخص امینی را همراه اهل بیت پیامبر کن تا ایشان را به مدینه برساند.»

آری امام علیه السلام سر مقدس پدرش را خواست تا یک بار دیگر آن را ببیند و آخرین وداع را با آن سر مقدس بنماید و یا آن که آن را با پیکر شریفش یکجا دفن کند، اما طاغوت در این باره پاسخی نداد و دستور داد تا آن سر مقدس را همه جا بگردانند و هدفش آن بود که مردم بترسند و برای کسانی که قصد

(۱) حدائق الوردیه: ۱/ ۱۳۱، فتوح البلدان: ۵/ ۲۴۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۶۷
خروج و نهضت دارند، عبرتی باشد.

اما درخواست دیگر امام علیه السلام یعنی بازگرداندن اموالی را که روز عاشورا از زنان و کودکان حرم به غارت برده بودند و مقصودش زر و زیور نبود بلکه مقصود آن حضرت بازگرداندن یادگارهای نفیسی بود که از جد بزرگوارش رسول خدا- مانند عمامه، زره و شمشیر و دیگر چیزهایی که بالاتر از هر ثروتی بودند- به یادگار مانده بود.

طاغوت زمان ابتدا سر به زیر انداخت و درباره درخواستهای امام اندیشید و پس از لحظه‌ای سر برداشت و گفت:

«اما روی پدرت را هرگز نخواهی دید، و اما آنچه را که از شما به غارت برده‌اند به شما بازمی‌گردانند و اما زنان را جز خودت کس دیگری به مدینه بر نمی‌گرداند و من از کشتن تو صرف نظر کردم.» (۱)

(۱)

حرکت به سمت مدینه

یزید بن نعمان بن بشیر مأموریت داد تا همراه یادگارهای رسول خدا و پرده‌نشینان رسالت باشد و آنان را به مدینه برساند. (۲) و دستور داد تا شب هنگام آنان را از شام بیرون ببرد که مبادا فتنه‌ای بپا شود و اوضاع شهر دگرگون گردد. (۳)

کاروان بیابانها را درمی‌نوردید و هیچ جا درنگ نمی‌کرد، همچنان به راه خود ادامه می‌داد تا این که زنان بنی هاشم از مأمورانی که برای پاسداری ایشان همراه کاروان بودند، درخواست کردند که ایشان را از راه کربلا ببرند تا یک بار دیگر با قبر سید الشهداء علیه السلام تجدید دیدار کنند، همین که به کربلا

(۱) حیاة الامام الحسین: ۳/ ۴۱۴.

(۲) جوهره الکلام فی مدح السادة الاعلام: ص ۱۲۸.

(۳) تفسیر المطالب فی امالی ابی طالب: ص ۹۳، الحدائق الوردیه: ۱/ ۱۳۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۶۸

رسیدند، مخدّرات علویّه صدا به ناله و شیون بلند کردند و چون سیل، اشک از دیدگان فرو باریدند و سه روز در کربلا ماندند و در تمام این مدت هر چه توانستند نوحه‌سرایی کردند به حدی که صداها گرفت و دلها بریان شد، بعضی از مآخذ نوشته‌اند که صحابی جلیل پیامبر؛ جابر بن عبد الله انصاری همان وقت به زیارت قبر ابی عبد الله علیه السلام آمد و با امام زین العابدین علیه السلام ملاقات کرد و درباره مصائب و شدایدی که بر اهل بیت علیهم السلام گذشته بود صحبت کرد، آنگاه اهل بیت، کربلا را به مقصد مدینه ترک گفتند. (۱)

موکب اهل بیت علیهم السلام بسرعت رهسپار مدینه بود و جایی توقف نمی‌کرد تا این که به نزدیکی مدینه رسید، در حالی که غمها و مصائب سخت گلوی افراد کاروان را می‌فشرد و اشک از چشم مخدّرات به خاطر شهادت امام حسین و یارانش جاری بود و

مصائب و شداید فراوانی را که در دوران اسارت بر آنها گذشته بود، خاطر آنها را می‌آزرد.

(۱)

بشیر و خبر شهادت امام

وقتی که امام زین العابدین علیه السلام به نزدیکی مدینه رسید، از مرکب

(۱) تفسیر المطالب فی امالی ابی طالب: ص ۹۳ و الحدائق الوردیه: ۱/۱۳۳.

هر چند که این مطلب را در کتب بسیاری نقل کرده‌اند، اما بعضی از بزرگان به دلایلی ورود اهل بیت (ع) را در سال اول، به کربلا بعید دانسته‌اند؛ از جمله خود سید بن طاووس - که از جمله ناقلان این مطلب است - در کتاب اقبال و علامه نوری در کتاب لؤلؤ و مرجان آن را رد کرده‌اند. و صاحب کتاب بشاره المصطفی که از قول عطیه بن سعد بن جناده شرح زیارت خود، با جابر بن عبد الله انصاری را نقل کرده است، به ملاقات ایشان با اهل بیت (ع) اشاره نکرده است. خلاصه آن که هیچ یک از بزرگان حدیث و مورخان زبده در کتاب خود به این مطلب اشاره نکرده‌اند و بدیهی است که با مسیر طولانی کربلا تا شام و حدود یک ماه توقف اهل بیت در دمشق، رسیدن ایشان روز بیستم صفر (روز اربعین) به کربلا بسیار بعید است - م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۶۹

پیاده شد و دستور داد تا خیمه‌ها را بپا کنند و عمه‌ها و خواهرانش را پیاده کرد، آنگاه رو به بشیر بن جذلم کرد و فرمود: «بشیر! خداوند پدرت را بیامرزد، او مرد شاعری بود، آیا تو هم بهره‌ای از شعر داری؟» عرض کرد: آری یا بن رسول الله! فرمود: وارد مدینه می‌شوی و خبر شهادت امام حسین علیه السلام را به مردم مدینه می‌رسانی.

(۱) بشیر حرکت کرد، وقتی که به مسجد پیغمبر (ص) رسید، صدای ناله و شیون بلند کرد و این اشعار را می‌خواند:

یا اهل یثرب لا مقام لکم قتل الحسین فادمعی مدرار

الجسم منه بکربلاء مضرّج والرأس منه علی القنّاء یدار - ای مردم مدینه! دیگر در مدینه اقامت نکنید، زیرا که حسین (ع) را کشتند و بدین جهت سیل اشک از چشمان من جاری است.

بدن مقدسش، در کربلا میان خاک و خون افتاده و سر مبارکش را روی نیزه‌ها شهر به شهر می‌گردانند.

مردم مدینه با شنیدن صدای بشیر به سمت مسجد پیامبر هجوم آوردند و همگی صدای گریه و شیون بلند کرده، اطراف بشیر را گرفتند و از او که بشدت گریه می‌کرد تقاضا می‌کردند که اطلاعات بیشتری از اهل بیت پیامبر (ص) بدهد، بشیر گفت:

«اینک علی بن حسین (ع) به همراه عمه‌ها و خواهرانش نزدیک شهر مدینه‌اند و من فرستاده ایشانم به سوی شما و شما را راهنمایی می‌کنم.» (۱)

عموم مردم به استقبال امام زین العابدین و همراهان شتافتند در حالی که صدای گریه و ناله‌شان بلند بود، و بطوری که مورخان گفته‌اند آن روز مثل روزی

(۱) حیاة الامام الحسین: ۳/۴۲۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۷۰

بود که پیامبر (ص) از دنیا رفته بود. «۱» مردم اطراف امام سجاد علیه السلام را گرفتند و به مصائب دردناکی که بر امام علیه السلام گذشته بود تسلیت می‌گفتند و خود را در غم و اندوه وی شریک می‌دانستند.

(۱)

خطابه امام زین العابدین

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام ج ۱ ۲۷۰ خطابه امام زین العابدین ص : ۲۷۰

ام علیه السلام تصمیم گرفت تا مصائب و بلاهایی را که بر اهل بیت گذشته است برای مردم مدینه بازگو کند در حالی که از شدت ناراحتی و بیماری قادر بر سر پا سخن گفتن نبود، غمهای فراوان آن حضرت را در هم فشرده بود، این بود که چهار پایه‌ای آوردند و امام نشست، رو به جمعیت مدینه کرد و گفت:

«الحمد لله رب العالمین، الرحمن الرحیم، مالک يوم الدين، بادئ الخلق أجمعین، الذی بعد فارتفع فی السماوات العلی، و قرب فشهد النجوى، نحمده علی عظام الأمور، و فجائع الدهور، و ألم الفجائع، و مضاضة اللواذع، و جلیل الرزء، و عظیم المصائب الفاطضة، الکاظه، الفاحه، الجائحه.»

«سپاس خداوندی را که پروردگار جهانیان، بخشنده و مهربان، فرمانده روز جزا و آفریدگار همه خلایق است، خداوندی که از ادراک عقول برتر و رازهای نهان در نزد او آشکار است. سپاس می‌گزارم آن خداوندی را بر این امور مهم و مصائب خفیه، و رویدادهای طاقت فرسا، و غمهای گدازنده و حادثه عظیم و مصائب جانسوز و سهمگین و کشنده.»

(۲) «أيها القوم إن الله تعالى ابتلانا بمصائب جلیه، و ثلمه فی الإسلام عظیمه، قتل أبو عبد الله الحسين و عترته، و سبیت نساؤه

(۱) لهوف: ص ۱۱۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۷۱

و صبیته، و داروا برأسه فی البلدان من فوق عامل السنان، و هذه الرزیه التي لا مثلها رزیه.

أيها الناس فأی رجالات منكم یسرون بعد قتله أم أی فؤاد لا یحزن من أجله أم أیه عین منكم تحبس دمعها، و تضن عن انهما لها، فلقد بکت السبع الشداد لقتله، و بکت البحار بأمواجها. و السماوات بأركانها، و الأرض بأرجائها و الأشجار بأغصانها، و الحیتان فی لجج البحار، و الملائكة المقربون، و أهل السماوات أجمعون.

(۱) أيها الناس أی قلب لا یصدع لقتله، أم أی فؤاد لا یحزن إلیه، أم أی سمع یسمع بهذه الثلمه التي ثلمت فی الإسلام و لا یصم.

أيها الناس أصبحنا مشردین، مطرودین، مذودین، شاسعین عن الأمصار كأننا أولاد ترك و کابل من غیر جرم اجترمانه، و لا مکروه ارتکبناه، و لا ثلمه فی الإسلام ثلمناها، ما سمعنا بهذا فی آبائنا الأولین، إن هذا إلا اختلاق، و الله لو أن النبی تقدم إلیهم فی قتالنا كما تقدم إلیهم فی الوصیه بنا لما زادوا علی ما فعلوا بنا، فإنا لله و إنا إلیه راجعون، من مصیبه ما أعظمها، و أفجعها، و أكظها، و أفضعها و أمرها، و أفدحها، فعنده نحتسب ما أصابنا، فإنه عزیز ذو انتقام...»

«ای مردم! خداوند ما را به مصائب سختی آزمود و رخنه بزرگی در اسلام اتفاق افتاد! ابو عبد الله الحسين و عترت او را کشتند و زنان و فرزندان او را به اسارت بردند و سر مقدسش را بر سر نیزه، در شهرها گرداندند، و این مصیبتی است که نظیر آن را کسی نشنیده است.»

ای مردم! کدام مردم از مردان شماس است که بعد از این مصیبت دلشاد باشد؟ و کدام چشم است که پس از دیدن این واقعه اشکبار نباشد و بتواند جلو اشک خود را بگیرد و از سیل اشک خود مانع شود، زیرا آسمانهای هفتگانه برای شهادت امام حسین علیه السلام گریستند و دریاها با امواج خروشان خود اشک باریدند و ارکان آسمانها به خروش آمدند و ماهیان

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۷۲

دریایها در اعماق اقیانوسها و فرشتگان مقرب خدا و تمام اهل آسمانها بر این مصیبت همدستان شده و گریه کردند. ای مردم! کدام دل است که از شهادت امام حسین (ع) شکافته نشود و کدام قلبی است که بر او نسوزد، و کدام گوش تاب شنیدن این مصیبت را دارد که بر اسلام وارد شد.

ای مردم! ما را از شهر و دیارمان بیرون کردند و پراکنده ساختند و چنان با ما رفتار کردند که با اسیران ترک و کابل کنند بدون آن که ما مرتکب جرمی باشیم و یا بدعتی و شکستی در اسلام به جا آورده باشیم، ما چنین چیزی را از نیاکان پیشین نیز نشنیده‌ایم، براستی که چنین فاجعه‌ای تازگی دارد. به خدا سوگند که اگر به جای آن سفارشها که پیامبر (ص) درباره ما فرمود، به قتل و غارت ما دستور می‌داد از آنچه کردند، بیشتر ممکن نبود! انا لله و انا الیه راجعون، این مصیبت ما چقدر بزرگ، دردناک، سوزنده و سخت و تلخ و دشوار است، از خدای تعالی در برابر این همه مصائب می‌خواهیم که اجر و مزد عنایت کند که او مقتدر و توانا و انتقام‌گیرنده داد مظلومان از ستمگران است...»

(۱) امام علیه السلام در این خطبه خویش به مصائب عظیمی اشاره فرموده است که بر خاندان نبوت گذشته و شداید و ظلمهایی که بر سر آنها آمده و هرگز رعایت حرمت پیامبر (ص)، درباره ایشان نشده است.

صعصعه «۱» با شنیدن این سخنان جانگداز به جانب امام علیه السلام شتافت و شروع به عذرخواهی کرد که او بیمار و زمین‌گیر بوده است، امام علیه السلام، بر او و پدرش رحمت فرستاد. سپس امام سجاد با عمه‌ها و خواهران حرکت کردند در حالی که انبوه جمعیت اطراف آنها را گرفته بودند و صدای گریه

(۱) - احتمالاً سهو القلم باشد، زیرا که در منابع دیگر از جمله در بحار الانوار، لواعج الاشجان ص ۲۰۹ و منتهی الآمال: ۱/ ۵۴۲ به جای صعصعه، صوحان بن صعصعه ذکر شده است - م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۷۳
و شیون از هر سو بلند بود تا این که به مسجد پیامبر - صلی الله علیه و آله - رسیدند و عقیده آل ابی طالب دو طرف در را گرفت و جدّ بزرگوارش را مخاطب قرار داد و عرض کرد:

«ای جد بزرگوار! برادرم حسین را کشتند و من خبر شهادت او را برای شما آورده‌ام!» «۱» بانوان و پرده‌نشینان وحی برای سید الشهداء علیه السلام عزاداری کردند و به سوک نشستند، همگی لباس سیاه پوشیدند و شروع به جانسوزترین شیون و افغان کردند.
(۱)

اندوه امام زین العابدین

امام زین العابدین علیه السلام تمام اوقات شبانه روزش را در غم و اندوه بر پدر و دیگران شهیدان اهل بیت می‌گذراند، امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«جدم علی بن حسین (ع) بیست سال تمام بر مصیبت پدر بزرگوارش گریست و هیچ‌گاه غذایی مقابل او نگذاشتند مگر این که با دیدن آن غذا به گریه در آمد. «۲»

یکی از موالیانش بر او خرده گرفت و عرض کرد:

«من بر حال شما بیم دارم و می‌ترسم که خود را هلاک کنید.»

امام علیه السلام در پاسخ او، با ملاطفت فرمود:

(۱) مقتل الحسین مقرر: ص ۴۷۲.

(۲) امام زین العابدین احمد فهمی، ص ۳۱. ملاحظه می‌فرمایید در این حدیث آمده است که مدّت گریه امام بیست سال بود و در بعضی منابع و کتب مقاتل (مانند منتهی الآمال: ۱/ ۵۴۲) از قول امام صادق (ع) چهل سال ذکر شده است که با توجه به مدت عمر امام سجاد (۵۷ سال به قول صحیح) و سی و پنج سال زندگانی آن حضرت پس از واقعه طف، چهل سال نمی‌تواند مقرون به صحت باشد! - م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۷۴

«ای بنده خدا! من غم و اندوهم را به پیشگاه خدا شکوه می‌برم، و من درباره خدا می‌دانم آنچه را که شما نمی‌دانید. یعقوب علیه السلام، پیامبر بود، خدای متعال یکی از پسرانش را از نظر او غایب کرد در حالی که دوازده پسر داشت و می‌دانست آن پسرش نیز زنده است با وجود این، آن قدر بر او گریه کرد که از گریه و اندوه زیاد هر دو چشمش سفید شد و حال این که من به چشم خود دیدم؛ پدر، برادران و عموها و اصحاب و یارانمان را که در اطرافم کشته و سر بریده‌اند، چگونه غم و اندوهم تمام شود؟ ممکن نیست که من شهادت فرزند فاطمه را به خاطر بیاورم و اشک از دیدگانم جاری نشود، و هرگاه چشمم به عمه‌ها و خواهران می‌افتد، به یاد فرار آنها از خیمه‌ای به خیمه‌ای می‌افتم.» (۱)

(۱) هر وقت چشم امام علیه السلام به آب می‌افتاد سوزش دل و ناراحتی و اندوهش چندین برابر می‌شد زیرا که او به یاد عطش پدر بزرگوار و اهل بیت آن حضرت می‌افتاد و یاران اخبار می‌گویند: موقعی که آن حضرت ظرف آبی را بر می‌داشت تا بنوشد، شروع به گریه می‌کرد، می‌پرسیدند: ای مولا چرا گریه می‌کنید؟ می‌فرمود:

«چگونه نگریم و حال آن که پدرم را از آبی که برای درندگان و حیوانات بیابانها آزاد بود، منع کردند.» (۲)

آری امام علیه السلام همواره بر مصایب پدر بزرگوارش گریه می‌کرد، بعضی عرض کردند: ای مولا! شما می‌خواهید تا آخر عمر همین طور گریه کنید.

اگر شما می‌خواستید خودتان را هلاک کنید، بیش از این ممکن نبود! فرمود:

(۱) مقتل الحسین، مقرر: ص ۴۷ و در حلیه الاولیاء: ۳/ ۱۳۸ نیز قریب به این مضمون آمده است.

(۲) بحار الانوار: ۴۶/ ۱۰۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۷۵

«من خود را کشته‌ام و بر کشته خود می‌گیرم.» (۱)

(۱) گروهی از دوستان و اهل بیتش به حال امام علیه السلام رقت کردند و از گریه زیاد امام بر مصائب پدرش، دلشان به حال او سوخت و عرض کردند:

«آیا وقت آن نرسیده است که اندوه شما پایان پذیرد؟» امام علیه السلام در پاسخ ایشان فرمود:

«وای بر شما! یعقوب پیامبر دوازده پسر داشت، خداوند یکی از پسرانش را از جلو چشم او دور کرد، یعقوب از بس که گریه کرد از غم او چشمانش سفید شد و پشتش خمیده گشت و حال آن که پسرش در دنیا زنده بود، اما من به چشم خود دیدم که پدر، برادر، عمو و هفده تن از اهل بیتم را در اطرافم سر بریده و کشتند، با این حال چگونه غم و اندوهم پایان پذیرد؟» (۲) برآستی که قلب مقدّس امام علیه السلام از غم مصیبت پدر و اهل بیت و یارانش گداخته بود زیرا که سرهای پاکشان را با چنان قساوتی به شمشیر ستم از تن جدا کردند که در تاریخ جنگها سابقه نداشت.

(۲)

پرداخت دیون پدر

امام حسین علیه السلام به جمعی از مردم مبلغی بالغ بر هفتاد هزار دینار بدهکار بود، امام زین العابدین علیه السلام اهتمام زیادی داشت که آنها را ادا کند به حدی که از خوردن و آشامیدن بازایستاد، و چون آن مبلغ را آماده کرد بسرعت

(۱) بحار الانوار: ۴۶/۱۰۹.

(۲) بحار الانوار: ۴۶/۱۰۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۷۶

اقدام به پرداخت آنها و بریء الذمه کردن پدر بزرگوارش نمود. «۱»

(۱)

همدردی امام با آل عقیل

امام زین العابدین علیه السلام نسبت به آل عقیل زیاد محبت می‌کرد و بیش از آنچه به دیگر عموزاده‌هایش محبت کند به ایشان می‌کرد، و این همه دلسوزی به خاطر حوادثی بود که در کربلا بر ایشان گذشته بود فرزندان عقیل و نوادگان والامقامش در خدمت امام حسین علیه السلام به قربانگاه شتافتند و شربت شهادت نوشیدند؛ بیشتر آنان در بهار عمر و روزگار کودکی بوده و هنوز به حد تکلیف نرسیده بودند، با این حال بشتاب تمام بر یکدیگر سبقت جستند و جان پاکشان را فدای دین خدا کردند و هیچ کدام از آن معرکه جان سالم به در نبردند.

امام زین العابدین علیه السلام به آنها توجه خاصی داشت و بازماندگان ایشان را بر دیگران مقدم می‌داشت، در این باره از آن حضرت پرسیدند: امام علیه السلام در پاسخ ایشان فرمود:

«هرگاه، من خاطره فداکاری آنها را با امام حسین علیه السلام به یاد می‌آورم دلم به حال ایشان می‌سوزد.» «۲»

از جمله نیکی امام به آل عقیل و همدردی با ایشان این بود که وقتی مختار بن یوسف ثقفی آن رهبر نهضت بزرگ، اموال فراوانی را به خدمت امام علیه السلام آورد امام با آن اموال قبل از هر چیز خانه‌های آل عقیل را که توسط حکومت اموی ویران شده بود، بازسازی کرد. «۳»

(۱) سِرِّ السَّلْسَلَةُ الْعُلُویَّة: ص ۳۲.

(۲) کامل الزیارات: ص ۱۰۷.

(۳) غایة الاختصار: ص ۱۶۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۷۷

(۱)

اقامت امام سجاد در مدینه

امام علیه السلام در مدینه اقامت کرد و از آنجا جز برای حج خانه خدا بیرون نشد، راویان اخبار نقل می‌کنند که آن حضرت سفری برای زیارت قبر جدش امام امیر المؤمنین علیه السلام به عراق رفت. «۱» و بطور قطع قبر مطهر پدر بزرگوارش امام حسین علیه السلام

را نیز در این سفر زیارت کرده است.

در اینجا سخن ما درباره مصائب کربلا و آنچه از شداید و بلاها که بر سر امام سجاد علیه السلام آمده بود، پایان گرفت.

(۱) غایه الاختصار: ص ۱۶۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۷۹

(۱)

عبادات امام سجاد علیه السلام

اشاره

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۸۱

عبادات امام سجاد علیه السلام تمام مسلمین بر آنند که امام سجاد از همه کس عابدتر بوده و بیش از همه خدا را اطاعت می کرد، و در عظمت ارتباط با خدا و عبادتش کسی نظیر او را ندیده است، به حدی که تمام پرهیزگاران و صالحان را متحیر ساخته و همین قدر در عظمت او بس که در تاریخ اسلام تنها اوست که به زین العابدین و سید الساجدین ملقب شده است.

اما عبادات امام علیه السلام از روی تقلید نبود بلکه از ایمان عمیق او به خدای تعالی و کمال معرفتش به ذات مقدس آفریدگاری سرچشمه گرفته بود براستی خدا را نه به طمع بهشت و نه از ترس آتش دوزخ می ستود بلکه او را شایسته عبادت دیده و عبادتش می کرد، درست نظیر جدش امیر المؤمنین و سید العارفین و امام المتقین علی علیه السلام که خدا را همچون آزادگان عبادت می کرد و در حقیقت نواده بزرگوارش امام زین العابدین علیه السلام نیز از او پیروی می کرده است. امام سجاد خود از عظمت عبادتش پرده برداشته و می گوید:

«من دوست ندارم که خدا را عبادت کنم و هدفی جز اجر و مزد او را نداشته باشم تا همچون بنده طمعکاری باشم که اگر طمع می داشت کار کند و اگر نه، کار نکند و دوست ندارم که خدا را از ترس عذابش عبادت کنم تا چون بنده بدرفتاری باشم که اگر از مولایش نترسد کار نکند...»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۸۲

یکی از حاضران با شنیدن این سخنان پرسید: «پس برای چه خدا را عبادت می کنید؟» امام علیه السلام از روی ایمان خالص فرمود:

«او را به خاطر نعمتهای ظاهری و باطنیش شایسته عبادت دیده و عبادتش می کنم...» (۱)

(۱) براستی که عبادت امام علیه السلام از روی معرفتی بود که هیچ گونه شائبه شک و تردید و وسوسه و گمان در آن دخالت نداشت و به خاطر طمع و یا ترس و بیم نبود بلکه برخاسته از ایمانی ژرف و ریشه دار بوده است، چنان که خود آن حضرت درباره انواع عبادت می فرماید:

«همانا گروهی خدای عزّ و جلّ را از روی ترس و بیم عبادت می کنند و این نوع عبادت، عبادت بردگان است، و گروهی دیگر خدا را از روی رغبت و میل به پاداش عبادت می کنند و این عبادت، عبادت بازرگانان است، و گروهی خدا را به خاطر سپاسگزاری عبادت می کند که این عبادت، عبادت آزادگان است...» (۲)

اینها، انواع عبادت و اطاعت است که سنگین تر از همه در میزان سنجش اعمال و محبوبتر از همه در پیشگاه خدای متعال همان عبادت آزادگان است که تنها برای سپاسگزاری از نعمتهای منعم والامقام است نه به طمع اجر و مزد او و نه از ترس عقاب و کیفر

او. امام علیه السلام در حدیث دیگری این مطلب را تأکید کرده، می‌گوید:
«عبادت آزادگان جز به قصد شکر الهی نمی‌باشد، نه به خاطر ترس و بیم

(۱) تفسیر عسکری: ص ۱۳۲.

(۲) صفة الصّفة: ۵۳/۲، شذرات الذهب: ۱/۱۰۵، حلیه: ۳/۱۳۴، البدایه و النهایه: ۹/۱۰۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاده علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۸۳

است و نه به دلیل اشتیاق و طمع.» (۱)

آری محبت خدا در دل و عواطف امام علیه السلام آمیخته و از جمله ذاتیات و عناصر وجودی او بوده است، راویان اخبار می‌گویند: امام علیه السلام، در تمام اوقات مشغول به عبادت و طاعت خدا بود، کسی از کنیز آن حضرت درباره عبادتش پرسید، وی در جواب گفت:

«مفصل بگویم و یا بطور اختصار و مجمل بیان کنم؟» گفتند: «مختصر بگو.»

کنیز گفت: «من هیچ وقت، روز برای او نهار نیاوردم و هیچ شبی برای او بستر پهن نکردم.» (۲)

آری امام علیه السلام بیشتر عمر خود را روزها به روزه و شبها را به عبادت می‌گذراند، گاهی مشغول به نماز و گاهی در دل‌های شب به دادن صدقه نهانی در خانه مستمندان مشغول بود قدر مسلم آن است که در تاریخ زاهدان مسلمان و عابدان اسلامی کسی همچون امام زین العابدین در عظمت اخلاص و طاعت الهی وجود نداشت و ما اینک به برخی از عبادت آن حضرت اشاره می‌کنیم:

(۱)

وضوی امام

اما وضوء، برآستی که نور و پاکیزگی از گناهان و اولین مقدمه نماز است، امام علیه السلام همیشه با طهارت و با وضو بود، راویان درباره خضوع و خشوع آن بزرگوار در پیشگاه خدا در حال وضو گرفتنش نقل کرده‌اند، و می‌گویند:
وقتی که می‌خواست وضو بگیرد رنگ مبارکش زرد می‌شد، کسانش می‌گفتند

(۱) الکواکب الدرّیه: ۲/۱۳۹.

(۲) خصال صدوق: ص ۴۸۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاده علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۸۴

«این چه حالی است که موضوع وضو گرفتن بر شما عارض می‌شود؟» در پاسخ ایشان راجع به خوف و خشیت خود در حضور پروردگار می‌فرمود:

«آیا می‌دانید که در حضور چه کسی ایستاده‌ام؟» (۱) امام علیه السلام اصرار داشت که مبادا کسی در وضو گرفتن به او کمک کند و خود شخصا آب برای وضویش تهیه می‌کرد و پیش از خواب وضو می‌ساخت، وقتی که نیمه شب از خواب برمی‌خاست، اول مسواک می‌کرد سپس به وضو گرفتن می‌پرداخت و بعد رو به نماز می‌آورد. (۲)

(۱)

نماز امام سجاد

اما نماز چنان که در حدیث آمده است، معراج مؤمن و وسیله تقرب هر پرهیزگاری است و نماز از مهمترین چیزهایی بود که امام علاقه قلبی زیادی داشت و آن را به عنوان معراج خود برگزیده بود که او را به خدا می‌رساند و تا مرحله اتصال به آفریدگار جهان و هستی بخش بالا می‌برد، و بهنگامی که قصد می‌کرد که نماز بخواند، بدن مقدّسش می‌لرزید، از علت آن پرسیدند، فرمود:

«آیا می‌دانید که در حضور چه کسی می‌ایستم و با چه کسی راز و نیاز می‌کنم؟» «۳»

(۱) درر الابکار: ص ۷۰، نهایة الادب: ۳۲۶/۲۱، سیر اعلام النبلاء: ۲۳۸/۴، الاتحاف بحب الأشراف: ص ۴۹ و اخبار الدول: ص ۱۰۹.

(۲) صفة الصفوة: ۵۳/۲.

(۳) وسیلة المآل: ص ۲۰۷، سیر اعلام النبلاء: ۳۸/۴، صفة الصفوة: ۵۲/۲، حلیة الاولیاء: ۱۳۲/۳ و عقد الفرید: ۱۰۳/۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۸۵

و ما اینک برخی از حالات آن حضرت و معطر کردن خویش را در وقت نماز بیان می‌کنیم:

(۱)

معطر کردن امام برای نماز

امام سجاد علیه السلام وقتی که آهنگ نماز می‌کرد خود را از شیشه عطری که در جانماز خود گذاشته بود معطر می‌کرد، «۱» در حالی که بوی مشک از آن برمی‌خاست.

(۲)

لباس امام در حال نماز

امام سجاد علیه السلام وقتی که می‌خواست نماز بخواند، لباس پشمینه‌ای می‌پوشید و جامه خشن بر تن می‌کرد، «۲» و تمام اینها به خاطر آن بود که هر چه بیشتر در پیشگاه خداوند بزرگ خود را کوچک و خوار جلوه دهد.

(۳)

خشوع امام در نماز

اما نماز امام علیه السلام، تجسم عینی انقطاع تام برای خدای تعالی و گسستن از عالم مادیات بود، بطوری که به هیچ چیز در پیرامون خود توجه نداشت بلکه وجود خود را نیز احساس نمی‌کرد و تنها دلش را به خدا سپرده و دلبسته او بود. راویان اخبار درباره وقت نماز آن حضرت گفته‌اند: وقتی که در محراب نماز

(۱) بحار الانوار: ۵۸/۴۶.

(۲) بحار الانوار: ۱۰۸/۴۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۸۶

می‌ایستاد رنگ مبارکش دگرگون می‌شد و از ترس خدا اعضای بدنش می‌لرزید و در نمازش همچون بنده ذلیل که در برابر پادشاهی مقتدر و بزرگ ایستاده باشد، می‌ایستاد و همواره نمازش را چون نماز وداع می‌خواند که می‌گفتی هرگز پس از آن، نمازی نخواهد خواند. امام باقر علیه السلام از خشوع پدر بزرگوارش در حال نماز چنین نقل می‌کند و می‌فرماید:

(۱) «امام علی بن حسین علیه السلام وقتی که در حال نماز بود گویی ساقه درختی است که هیچ حرکتی نداشت جز آن که باد شاخه‌ای از آن را به حرکت آورد...» (۱)

ابان بن تغلب می‌گوید، در خدمت امام صادق علیه السلام از نماز جدش امام زین العابدین علیه السلام صحبت کردم و عرض کردم:

«من خود علی بن حسین علیه السلام را دیدم وقتی که به نماز می‌ایستاد رنگ مبارکش تغییر می‌کرد...»

امام صادق علیه السلام، از روی تعجب فرمود:

«به خدا قسم که علی بن حسین می‌دانست که در حضور چه کسی ایستاده است!» (۲) آری و الله، امام سجاد معرفت کامل به عظمت پروردگار حکیم داشت و عبادتش از روی معرفت و اطاعتش از روی ایمان بود.

از جلوه‌های خشوع امام در حال نماز، آن بود که هرگاه به سجده می‌رفت سر از سجده بر نمی‌داشت تا این که عرق می‌ریخت، (۳) و یا آن که از زیادی اشک چشم و گریه، در آب دیدگان غرق می‌شد. (۴) راویان خبر از ابو حمزه ثمالی نقل

(۱) وسائل الشیعه: ۴/ ۶۸۵.

(۲) وسائل الشیعه: ۴/ ۶۸۵.

(۳) تهذیب الاحکام: ۲/ ۲۸۶، بحار الانوار: ۴۶/ ۷۹.

(۴) بحار الانوار: ۴۶/ ۱۰۸.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۸۷

کرده‌اند که او امام علیه السلام را در حال نماز دید که ردای مبارک از روی شانه‌اش افتاده و توجه ندارد، ابو حمزه، علت را می‌پرسد، امام می‌فرماید:

«وای بر تو آیا می‌دانی که در حضور چه کسی بودم؟ همانا از نماز بنده‌ای پذیرفته نمی‌شود مگر آن مقداری که توجه قلبی دارد.» (۱)

(۱) امام سجاد علیه السلام از دل‌بستگی زیاد به خدا در حال نماز به جایی رسید که یکی از کودکان آن حضرت در چاه افتاد و اهل منزل فریاد برآوردند و مردم مدینه آمدند و کودک را نجات دادند، امام علیه السلام همچنان در محراب نماز ایستاده بود و توجهی نداشت، همین که از نماز فارغ شد جریان را گفتند، فرمود:

«من متوجه نشدم، در حال مناجات با پروردگار بزرگ بودم.» (۲)

روزی در خانه امام حریق اتفاق افتاد و آن حضرت چنان سرگرم نماز بود که توجه نکرد، موقعی که از نماز فارغ شد به اطلاع آن حضرت رساندند، فرمود:

«یاد آتش بزرگ (آتش دوزخ) مرا از این آتش بازداشته بود.» (۳)

عبدالکریم قشیری، این حالت از خود بی‌خبری را که در حال نماز همیشه با امام بوده است از باب غیبت دل از ماجرای احوال خلق دانسته و می‌گوید به خاطر اشتغال حواس به حالات وارده چنین حالی دست می‌دهد، زیرا که گاهی دل از احساس خود و غیر خود به دلیل تذکر ثواب و یا اندیشه عقاب فراموش کرده و غافل می‌شود. (۴)

(۱) علل الشرایع: ص ۸۸، بحار الانوار: ۶۱ / ۴۶، وسائل الشیعه: ۴ / ۶۸۸.

(۲) اخبار الدول: ص ۱۱۰، بحار الانوار: ۹۹ / ۴۶.

(۳) صفه الصفوة: ۵۲ / ۲، المنتظم: ۱۴۱ / ۶، نهایه الأرب: ۳۲۵ / ۲۱، سیر اعلام النبلاء: ۲۳۸ / ۴.

(۴) رساله قشیری: ۲۱۴ / ۱، این رساله مشهورترین اثر ابو القاسم قشیری از مشاهیر صوفیه و عرفاست که

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۸۸

(۱)

هزار رکعت نماز

تمام مورخانی که شرح حال امام سجاد علیه السلام را نوشته‌اند بر آنند که آن حضرت در هر شبانه روزی هزار رکعت نماز می‌خواند «۱»، و آن حضرت پانصد درخت خرما داشت در کنار هر کدام دو رکعت نماز می‌خواند. «۲» و به دلیل نماز فراوانش بوده است که او را «ذو الثنات» گفته‌اند که در مواضع سجده‌اش پینه‌هایی چون پینه‌های زانوی شتر به وجود آمده بود و هر سال قسمتی از آنها را می‌چید و در کیسه‌ای قرار می‌داد تا موقعی که از دنیا رفت همراه بدن مقدسش دفن کردند. «۳»

(۲)

قضای نماز نافله

هیچ نماز نافله‌ای در طول مدت عمر امام علیه السلام از آن حضرت فوت نشد و اگر نافله‌ای از نوافل روز قضا می‌شد در شب قضای آن را به جا می‌آورد و

مشمول بر داستانهای عجیب از قبیل داستان ابو حفص حداد نیشابوری و شبلی با جنید بغدادی است و همچنین در این رساله برخی از اصطلاحات تصوف و عرفان تفسیر و توضیح شده است از جمله می‌گوید:

«این که می‌گویند صوفی فرزند وقت خویشتن است، یعنی او همواره آنچه را که برایش اولویت دارد انجام می‌دهد.» - م.

(۱) تهذیب التهذیب: ۳۰۶ / ۶، نور الابصار: ص ۱۳۶، الاتحاف بحب الاشراف: ص ۴۹، تذکره الحفاظ: ۷۱ / ۱، شذرات الذهب: ۱ / ۱۰۴

فصول المهمه: ص ۱۸۸، اخبار الدول: ص ۱۱۰، تاریخ دمشق: ۱۵۱ / ۳۶، الصراط السوی: ص ۱۹۳، اقامه الحجّه: ص ۱۷۱، العبر

فی خبر من غبر: ۱ / ۱۱۱، دائرة المعارف بستانی: ۳۵۵ / ۹، تاریخ یعقوبی: ۴۵ / ۳، المنتظم: ۱۴۳ / ۶، تاریخ اسلام ذهبی، الکواکب

الدریه: ۱۳۱ / ۲، البدایه و النهایه: ۱۰۵ / ۹.

(۲) بحار الانوار: ۶۱ / ۴۶، خصال: ص ۴۸۷.

(۳) خصال: ص ۴۸۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۸۹

پسرانش را به این عمل سفارش می‌کرد و می‌فرمود:

«پسران من! البته این عمل بر شما واجب نیست اما من دوست دارم که هر کدام از شما که به کار نیکی عادت کردید، آن را ادامه

دهید.» «۱»

(۱)

سجده‌های زیاد

براستی که نزدیکترین حالات بنده به پروردگارش - بطوری که در حدیث آمده - حالت سجده‌های اوست امام زین العابدین علیه السلام از باب خضوع و کوچکی در پیشگاه خدا سجده‌های فراوانی داشت و خدا را زیاد سجده می‌کرد. راویان نقل کرده‌اند: روزی امام علیه السلام از شهر بیرون شد و به صحرا رفت، یکی از غلامان پشت سر آن حضرت بود، دید آن حضرت روی سنگ سخت و مضرّسی به سجده رفت. غلام می‌گوید: شمردم، هزار مرتبه گفت: «لا إله إلا الله حقًا حقًا لا إله إلا الله تعبدًا و رقًا، لا إله إلا الله إيمانًا و صدقًا» (۲) و سجده شکر به جا می‌آورد و صد بار می‌گفت: «الحمد لله شکرًا» و پس از آن می‌گفت: «یا ذا لمنّ المذی لا یقطع ابدا و لا یحصیه غیره عددا و یا ذا المعروف الذی لا ینفذ ابدا، یا کریم، یا کریم...» و پس از آن همچنان (در حال سجده) گریه می‌کرد. (۳)

(۱) صفة الصّفوه: ۵۳ / ۲.

(۲) وسائل الشیعه: ۹۸۱ / ۴. یعنی خدایی جز تو نیست در حالی که تو حقّی، خدایی جز تو نیست از روی بندگی و رقیّت و خدایی جز تو نیست، از روی ایمان و صداقت.

(۳) وسائل الشیعه: ۱۰۷۹ / ۴، یعنی: ای صاحب احسان که هرگز احسانت قطع نگردد و جز تو کسی شمار نعمتهایت را نداند، و ای نیکوکاری که نیکوکاریت هرگز پایان نیابد، ای بخشنده! ای بخشنده ...

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۹۰

(۱)

تسبیح زیاد امام

امام علیه السلام پیوسته مشغول ذکر، تسبیح و حمد خدا بود، با این کلمات درخشان، خدا را تسبیح می‌گفت: «سبحان من اشرق نوره کلّ ظلمه، سبحان من قدّر بقدرته کلّ قدره، سبحان من احتجب عن العباد بطرائق نفوسهم، فلا شیء یحجبه، سبحان الله و بحمده.» (۱)

(۲)

مداومت امام بر نماز شب

از نوافلی که هرگز امام سجاد علیه السلام ترک نمی‌گفت، نماز شب بود که در سفر و حضر بر آن مواظبت می‌فرمود، (۲) تا آن که به عالم بقا شتافت و به پروردگار خود پیوست.

(۳)

دعای امام پس از نماز شب

امام سجاد علیه السلام وقتی که از نماز شب فارغ می‌شد این دعای

(۱) دعوات قطب راوندی: ص ۳۴ خطی موجود در کتابخانه آقای حکیم یعنی: پاک و منزله است آن خدایی که نورش هر تاریکی

را روشن کرده است و پاک و منزه است آن خدایی که به قدرت خود هر قدرتی را مقدر فرموده است پاک و منزه است خدایی که از بندگان به وسایط نفوس ایشان پوشیده است و اگر نه هیچ چیز او را پوشیده نمی‌دارد، پاک و منزه است خداوند و به ستایش او مشغولم.

(۲) صفة الصّفوه: ۵۳/۲، کشف الغمّه: ۲۶۳/۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۹۱

شریف را که از برجسته‌ترین دعاهاى ائمه اهل بیت علیهم السلام است، می‌خواند، به شرح ذیل.

(۱) «اللّهُمَّ يَا ذَا الْمَلِكِ الْمُتَأَيَّدِ بِالْخُلُودِ وَالسُّلْطَانِ، الْمَمْتَنِعِ بِغَيْرِ جُنُودٍ وَلَا أَعْوَانٍ، وَالْعَزَّ الْبَاقِي عَلَى مَرِّ الدَّهْورِ وَخَوَالِي الْأَعْوَامِ وَ مَوَاضِي الْأَزْمَانِ وَالْأَيَّامِ، عَزَّ سُلْطَانُكَ عَزًّا لَا حُدَّ لَهُ بِأَوْلِيَّيْهِ، وَلَا مَتْنَهِي لَهُ بِأَخْرِيَّيْهِ، وَاسْتَعْلَى مَلِكُكَ عَلَوًّا، سَقَطَتِ الْأَشْيَاءُ دُونَ بُلُوغِ أَمْدِهِ، وَلَا يَبْلُغُ ادْنَى مَا اسْتَأْثَرَتْ بِهِ مِنْ ذَلِكَ أَقْصَى نَعْتِ النَّاعِتِينَ، ضَلَّتْ فِيكَ الصِّفَاتُ، وَتَفَسَّخَتْ دُونَكَ النَّعُوتُ، وَحَارَتْ فِي كِبْرِيَاءِكَ لَطَائِفُ الْأَوْهَامِ، كَذَلِكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ فِي أَوْلِيَّتِكَ، وَ عَلَى ذَلِكَ أَنْتَ دَائِمٌ لَا تَزُولُ، وَ أَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ عَمَلًا، الْجَسِيمُ أَمَلًا، خَرَجْتُ مِنْ يَدَيِّ اسْبَابِ الْمَوَاصِلَاتِ إِلَّا مَا وَصَلَهُ رَحْمَتُكَ، وَ تَقَطَّعْتَ عَنِّي عَصَمَ الْأَمَالِ إِلَّا مَا أَنَا مَعْتَصِمٌ، بِهِ مِنْ عَفْوِكَ، قَلَّ عِنْدِي مَا اعْتَدَّ بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ، وَ كَثُرَ عَلَيَّ مَا ابْوَأَ بِهِ مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَ لَنْ يَضِيقَ عَلَيْكَ عَفْوٌ عَنِ عَبْدِكَ، وَ أَنْ أَسَاءَ فَاعْفُ عَنِّي ...

«ای خداوند صاحب ملک پاینده و جاودان و ای حکمران توانا که سلطنتت بدون حمایت هیچ سپاه و یاور ابدی است و عزتت پایدار است که با سر آمدن سالها و تغییر روزگاران کسی نتواند به پایندگی جلالت صدمه‌ای وارد کند، چنان که برای اولیت ذات مقدس تو و برای ابدیت و آخریت تو حد و نهایی نیست، از این رو حکومت تو جاودانه است و به قدری بلند است که تمامی اشیاء در مرتبه‌ای پایین‌تر از آن قرار گرفته‌اند و توصیف بلند عارفان نازلترین مرتبه اوصاف جلال تو را نمی‌تواند بیان کند و ذات مقدس تو چنان دور از حد ادراک و عقول است که هر کس حتی با اندیشه‌های لطیف از توصیف تو عاجز است چون چنین کاری او را به

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۹۲

گمراهی کشاند و صفات درباره تو نارسا و لطیف‌ترین اندیشه‌ها در برابر کبریائی تو سرگردانند، همچنین تو خدایی هستی که مبدأ آفرینش و فناپذیر و بی‌زوالی و من آن بنده ناتوانم که خواسته‌ها و آرزوهایم زیاد است و برای رسیدن به مقام قرب تو، در پیشگاهت جز رحمت و عنایت و وسیله دیگری ندارم و رشته هر گونه امید از دستم رفته جز رشته عفو و بخشش تو، در نزد من آن طاعت و عبادت واقعی کم و معصیت و نافرمانی که باعث دوریم شود فراوان است، اما مقام عفو تو نسبت به بنده‌ات هر چند گنهکار باشد وسیع است پس خداوند از گناهم در گذر.»

(۱) این بخش از دعای امام علیه السلام مشتمل بر تعظیم و توحید پروردگار و ذکر پاره‌ای از صفات والای اوست که عبادت از جاودانگی بی‌آغاز و بی‌انجام اوست و قدرت قاهره او که در سلطنتش نیازی به سپاهیان و مددکاران ندارد و تعریفها و توصیفها از بیان صفتی از اوصافش و کمالی از کمالات ذات مقدّسش قاصرند و خداوند بسی والا و برتر است.

امام علیه السلام در اظهار خواری و خضوع و بندگی بی‌چون و چرا در پیشگاه خدا تا آنجا به پیش می‌رود که تمامی آرمانها و آرزوهایش را به خدای تعالی واگذارده و به او چنگ زده و از غیر او می‌گسلد.

اینک به بخش دیگری از این دعای شریف گوش می‌سپاریم:

(۲) اللّهُمَّ: وَ قَدْ أَشْرَفَ عَلَيَّ خَفَايَا الْأَعْمَالِ عِلْمُكَ، وَ انْكَشَفَ كُلَّ مُسْتَوْرِدُونَ خَيْرِكَ، وَ لَا تَنْطَوِي عَنْكَ دَقَائِقُ الْأُمُورِ، وَ لَا تَعْزُبُ عَنْكَ غِيَابَاتُ السَّرَائِرِ، وَ قَدْ اسْتَحُوذَ عَلَيَّ عِدْوُكَ الَّذِي اسْتَنْظَرَكَ «۱» لِعَوَائِي فَانظُرْته وَ اسْتَمَهْلِكَ الی

(۱) امام علیه السلام، در این جمله اشاره به دشمنی ابلیس با انسان فرموده است که از خداوند مهلت خواست تا آدمیان را گمراه

سازد، بطوری که در آیه شریفه آمده، عرض کرد: «انظرنی الی یوم یبعثون».

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۹۳

یوم الدین لإضلالی فامهلت، فواقعنی، و قد هربت الیک من صغائر ذنوب موبقه، و کبائر اعمال مردیه، حتی اذا قارفت معصیتک، و استوجبت بسوء سعیی سختتک، فتل عنی عذار غدره و تلقانی بکلمه کفره «۱» و تولی البراءة منی، و ادبر مولیا عنی فاصحرنی لغضبک فریدا، و اخرجنی الی فناء نعمتک طریدا لا شفیع یشفع لی الیک، و لا خفیر یؤمننی علیک، و لا حصن یحجبنی عنک و لا ملاذ ألبأ الیه منک، فهذا مقام العائد بک، و محلّ المعترف لک فلا یضیقنّ عنی فضلک، و لا یقصرنّ دونی عفوک، و لا اکن اخیب عبادک التائبین، و لا اقنط و فودک الآملین، و اغفر لی انک خیر الغافرین ...

«خداوندا علم نامتناهی تو بر همه اعمال پنهان و آشکار من احاطه دارد و همه امور نهانی برای تو هویدا است و هیچ یک از اسرار نهانی و حقایق نهفته این عالم بر تو پوشیده نیست.

خداوندا دشمن تو (ابلیس)، که بر اساس حکمت او را برای (آزمایش انسانها) و بر این بنده ضعیف مسلط کرده‌ای - و از تو مهلت خواسته تا روز قیامت او را مهلت داده‌ای تا مرا در مهلکه افکند - مرا به مخاطره انداخته است، خداوندا از همه گناهان کوچک و بزرگم که موجب تباهی و هلاکت من شده‌اند به درگاه تو پناه آورده‌ام، آن دشمن نابکار مرا به معصیت و ادا نمود تا آن که با عمل بدم مستحق غضب تو گردم و سپس از من فاصله گرفت و سخنان کفرآمیز القا کرد و بعد هم از این ناسپاسی من براءت جست و اظهار نفرت کرد و به من پشت نمود و مرا در برابر غضب تو تنها گذاشت و در معرض عذاب و کيفرت گذاشت، نه شفاعت

(۱) این سخن امام علیه السلام اشاره دارد به آیه شریفه: کَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۹۴

کننده‌ای و نه یاوری که بتواند مرا از قهر تو ایمن سازد و نه حصار و دژی که در آنجا پنهان شوم و نه پناه گاهی که از عذاب تو به آنجا پناه ببرم، این است وضع کسی که به درگاه تو پناه آورده و به تقصیر خویش اعتراف دارد، پس خدایا فضل و کرمت را از من دریغ مدار و عفو و بخشش خود را از من دور مگردان و مرا ناامیدترین بندگانت قرار مده و مأیوس‌ترین کسانی که بر تو وارد شده‌اند مقرر مگردان و مرا بیامرز که تو بهترین آمرزندگان...

(۱) امام علیه السلام در این فراها از ضعف نفس بشری در برابر هواهای نفسانیش و ناتوانی انسان در مقابل شیطان رجیم سخن گفته است که شیطان تمام غرایز و وسایل بشری را که در نفس انسانی موجود است از قبیل طمع، حرص و خودخواهی و شهوت و نظایر اینها را به خدمت گرفته و زمام اختیار آدمی را در دست و بر تمام مشاعر و عواطفش مسلط گشته و او را در جولانگاههای گناه و مهلکه‌ها به هر طرف که می‌خواهد می‌راند و از هر راهی که آدمی را به خدا نزدیک می‌سازد، دور می‌کند و امام علیه السلام از خدای متعال درخواست کمک و یاری در برابر این دشمن فریبکار پلید می‌کند. اکنون به بخش دیگری از این دعا گوش فرا می‌دهیم:

(۲) اللَّهُمَّ أَنْكَ امْرَتِي فترکت، و نهیتنی فرکت، و سؤل لی الخطأ خاطر السوء ففرطت، و لا استشهد علی صیامی نهارا، و لا استجیر بتهجدی لیلًا و لا تثنی علیّ باحیائها سنّه، حاشا فروضک الّتی من ضیّعها هلک، و لست اتوسّل الیک بفضل نافله، مع کثیر ما اغفلت من وظائف فروضک، و تعدّیت عن مقامات حدودک الی حرّمات انتهکتها، و کبائر ذنوبک اجترحتها کانت عافیتک لی من فضائحها سترا، و هذا مقام من استحیی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۹۵

لنفسه منک و سخط علیها، و رضی عنک فتلقاک بنفس خاشعۀ، و رقبۀ خاضعۀ، و ظهر مثقل من الخطایا، واقفا بین الرغبۀ الیک، و

الرَّهْبَةُ مِنْكَ وَأَنْتَ أَوْلَى مِنْ رَجَاهِ، وَ أَحَقُّ مِنْ خَشِيهِ وَ اتَّقَاهُ، فَاعْطِنِي يَا رَبِّ مَا رَجَوْتُ، وَ آمَنِي مَا حَذَرْتُ، وَ عَدَّ عَلَيَّ بَعَائِدَةَ رَحْمَتِكَ، أَنْتَ أَكْرَمُ الْمَسْئُولِينَ ...

«خداوندا! اوامر تو را ترک کردم و از آنچه مرا نهی کردی خودداری نکردم و خیالات باطل نفس سرکشم گناهان را در نظرم جلوه داد و من هم راه تمرد از فرمان تو را پیش گرفتم؛ نه روزها را با روزه گرفتن گواه بندگی خویش قرار دادم و نه به راز و نیاز و عبادات شبانه خود پناه جستم و نه با سحرخیزی به احیای سنتهای تو پرداختم، خداوندا بیقین کسی که واجبات تو را به جا نیاورد هلاک است و من از آن کسانی نیستم که تنها با نمازهای نافله با وجود غفلت فراوان از انجام واجبات و تعدی از حدود تو و ارتکاب محرمات و گناهان کبیره، به تو تقرب جوید و عفو تو پوششی در برابر رسواییهای آنها برایم باشد. خداوندا! من در جای کسی ایستاده‌ام که در نزد خویش احساس شرمساری کرده و بر نفس خود خشمگین شده و از تو که همواره او را مورد لطف قرار داده‌ای کاملاً خشنود است، از این رو با نفسی ذلیل و گردنی کج و پشتی خمیده از سنگینی بار گناهان با تو ملاقات می‌کند در حالی که در میان امید و رغبت و از طرفی ترس و وحشت قرار دارد، زیرا تو از همه کس سزاوارتری برای امیدواری و شایسته‌تری برای ترس از عذاب و کیفر! پس ای پروردگار من بدانچه امیدوارم کرم کن و از آنچه بیمناکم ایمن گردان و مرا زیر پوششی از رحمت قرار ده، که تو از همه کسانی که مورد درخواست قرار می‌گیرند بخشنده‌تری! ...»

امام علیه السلام - امامی که بحق راهب اهل بیت علیهم السلام است -

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۹۶

تذلل و خضوع و خشوع خود را در پیشگاه خداوند اظهار می‌کند و تمام اعمال خود را با آن همه حسنات ارزنده؛ از قبیل شب‌زنده‌داری و روزه گرفتن‌های پیاپی و انجام تمام نوافل و مستحبات و احیای سنتهای اسلامی و انواع بشمار نیکبها، همه و همه را در برابر خدا اندک و ناچیز می‌بیند. آری کدام کس را یارای چنین توجه و ارتباط با خداست؟ و کدام دل‌بستگی تا به این مرحله می‌رسد؟ حقا که امام زین العابدین علیه السلام تنها نمونه برجسته‌ای است که عالم در دنیای پرهیزگاران و شایستگان به خود دیده است.

و اینک به بخش دیگری از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

(۱) اللَّهُمَّ وَ اذْ سَتَرْتَنِي بِعَفْوِكَ، وَ تَعَمَّدْتَنِي بِفَضْلِكَ فِي دَارِ الْفَنَاءِ، بِحَضْرَةِ الْأَكْفَاءِ، فَاجْرِنِي مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ الرُّسُلِ الْمَكْرُمِينَ، وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ، مِنْ جَارِ كُنْتَ أَكَاثِمَهُ سَيِّئَاتِي، وَ مِنْ ذِي رَحْمٍ كُنْتَ احْتَشِمُ مِنْهُ فِي سِرِّيَاتِي لَمْ اِثِقْ بِهِمْ رَبِّي فِي السَّيْرِ عَلَيَّ، وَ وَثَقْتُ بِكَ رَبِّي فِي الْمَغْفَرَةِ لِي، وَ أَنْتَ أَوْلَى مِنْ وَثِقَ بِهِ، وَ اعْطَى مِنْ رَغْبِ إِلَيْهِ، وَ ارَافَ مِنْ اسْتِرْحَامِ فَارْحَمْنِي ...

«خداوندا! حال که با عفو و گذشت در این دنیا روی گناهانم را پوشانده‌ای و عیبهایم را به لطف خود پنهان داشته‌ای و در برابر امثال و اقوام رسوا نکرده‌ای پس در آخرت هم در مقامی که فرشتگان مقرب و پیامبران گرامی و شهدا و صالحان همه ناظر اعمال من هستند و حتی بعضی از آنها بندگانی هستند که همسایه من بوده‌اند و من در دنیا عیبهایم را از ایشان پنهان می‌کردم و از خویشاوندانم که برای حفظ آبرویم از ایشان معايبم را می‌پوشاندم، از انظار همه آنها پنهان بدار. زیرا که ای پروردگار مهربان، تو هم پرده‌پوشی و هم گذشت و اغماض لازمه ذات مقدس توست و در بخشش و کرم تنها به تو می‌شود اعتماد کرد که تو سزاوارتر به اعتمادی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۹۷

و از همه کس بخشنده‌تر و مهربان‌ترین کسی هستی که چشم امید به رحمت تو داشت پس به من رحم کن و مرا ببخش!» (۱) امام سجاد علیه السلام در این فرازها از امید و اعتماد فراوانش به عفو و بخششهای خداوند پرده برداشته و از او در روز جزا طلب مغفرت

و رضوان کرده است و سخن از پرده‌پوشی خداوند که نسبت به گناهان بندگان گنهکار تنها نقطه امید است، به میان آورده، همچنان که از خداوند خواسته است تا در روز قیامت جایی که در دیدگاه فرشتگان مقرب و پیامبران گرامی و شهدا و صالحان است او را از رسواییها و بر ملا شدن عیبها پناه دهد و بدین وسیله درسی به تمام مسلمانان گنهکار داده تا این که در پیشگاه خدا توبه نصح کرده و برآستی پشیمان گردند و عمل صالح انجام دهند تا مشمول رضوان و رحمت الهی شوند و از رحمت واسعه پروردگار برخوردار گردند ...

دوباره بر می‌گردیم و در بخش دیگری از این دعای شریف می‌نگریم:

(۲) اللَّهُمَّ: و أنت حدرتنی ماء مهینا من صلب متضایق العظام حرج المسالك الی رحم ضیقہ سترتها بالحجب، تصرفنی حالا عن حال، حتی انتهیت بی الی تمام الصورة و اثبتت فی الجوارح کما نعتت فی کتابک «۱» نطفه، ثم علقه، ثم مضغه، ثم عظاما، ثم کسوت العظام لحما، ثم انشأتنی خلقا آخر کما شئت، حتی اذا احتجت الی رزقک، و لم استغن عن غیاث فضلک، جعلت لی قوتا من فضل طعام، و شراب اجریته لأمتک الی اسکتنی جوفها، و اودعتنی قرار رحمها، و لو تکلنی یا رب فی تلک

(۱) امام علیه السلام در این جمله به آیه شریفه: لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ، ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ، ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا، ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ اشاره فرموده است.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۹۸

(۱) الحالات الی حولی، او تضطرنی الی قوتی لکان الحول عتی معتزلا- و لکانت القوه منی بعیده، فغدوتنی بفضلک غذاء البر اللطیف، تفعل ذلک بی تطولا علی الی غایتی هذه، لا اعدم برک، و لا یبطئ بی حسن صنیعک، و لا تتأكد مع ذلک ثقتی فانفرغ لما هو احظی لی عندک، قد ملک الشیطان عنانی فی سوء الظن و ضعف الیقین، فانا اشکو سوء مجاورته لی، و طاعه نفسی له، و استعصمک من ملکته، و اتضرع الیک فی ان تسهل الی رزقی سیلا، فلک الحمد علی ابتدائك بالنعم الجسام، و إلهامک الشکر علی الإحسان و الإنعام، فصل علی محمد و آله و سهل علی رزقی، و ان تقنعنی بتقدیرک لی، و ان ترضینی بحصتی فی ما قسمت لی، و ان تجعل ما ذهب من جسمی و عمری فی سبیل طاعتک، انک خیر الزاقین ...

«خداوندا! تو آن کسی هستی که وقتی من یک نطفه پست و ناچیز در صلب پدرم بودم آن را به اراده خود در وقت معین از عروق و مجاری تنگ ستون فقرات بیرون آورده و در رحم تنگ مادر قرار دادی و به وسیله چندین حجاب پوشاندی و از صورتی به صورتی تغییر دادی تا این که به صورت کاملی در آوردی و اعضا و جوارحم را استوار ساختی، چنان که در قرآن مجید توصیف کرده‌ای؛ بتدریج از نطفه به علقه و از علقه به مضغه و از مضغه به استخوان تبدیل کردی و سپس روی استخوانها را با گوشتها پوشاندی و سرانجام همچنان که اراده فرموده بودی مرا به شکل انسان مجسم ساختی و به محض این که در رحم به غذا نیازمند شدم، غذای مرا از عصاره غذای مادرم تهیه فرمودی که در رحم او جا داده بودی. خداوندا اگر تو همان وقت مرا به خودم واگذاشته بودی هرگز چنین نیرویی از خود

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۹۹

نداشتم و آن همه کارها از توانایم به دور بود، اما تو با عنایت خود غذای بسیار متناسب به من عطا کردی تا به لطف تو به این مرحله برسم، احسان تو را فراموش نمی‌کنم و هیچ‌گاه از کرمتم محروم نبوده‌ام و تا کنون درباره من از احسان و کرمتم تأخیر و درنگ نفرموده‌ای، با وجود اینها جای تأسف است که این همه احسان تو اطمینان مرا نسبت به تو که آفریدگار منی محکمتر نمود و در نتیجه بواسطه غفلت و فریب دنیا از احسان تو رو گردان شدم، و باعث شد که شیطان زمام امور مرا در اختیار گیرد و مرا به

سوء ظن و ضعف ایمان وادارد. خداوندا اکنون دوباره به درگاہت رو آورده‌ام تا از فریب شیطان و اغوای نفس سرکشم شکایت کنم و از این دو همجوار بد به تو پناه آورم و درخواست کنم تا مرا از دست آنها نجات دهی، بازهم تضرع می‌کنم که روزی مرا از راه آسان عطا کنی تا دوباره فریب نخورم، تو را به خاطر نعمتهای اولیهات سپاس می‌گویم و هم مجدداً از این که شکر نعمتهایت را به من الهام کردی سپاسگزار باشم و همین سپاس از نعمتهایت احسان بزرگی است که خود باعث سپاس است.

خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و روزی مرا از راه آسان مقرر فرما و مرا به آنچه مقدر فرموده‌ای قانع و راضی کن و به من توفیق ده تا به اندازه‌ای که مقدر کرده‌ای راضی باشم خداوندا هر چه از جسم من به مرور زمان کاسته می‌شود و از عمرم می‌گذرد، موفق کن تا در طاعت و عبادت تو صرف کنم، زیرا که تو بهترین روزی‌دهندگانی...»

(۱) این بخش از دعای امام علیه السلام مشتمل بر محکمترین دلایل وجود آفریدگار بزرگ است که انسان را از آب پست و بی‌مقدار آفریده و در رحم تنگ قرار داده و سپس [آن نطفه] شروع به دگرگونی و تکامل از حالی به حالی تا به کمال مطلوب رسانده است که این خود از بزرگترین مخلوقات خداست؛ به دلیل آن که دارای تجهیزات عجیبی همچون سیستمهای فکری، بینایی، شنوایی و دیگر

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۰۰

تجهیزاتی که همگی دلیل بر وجود آفریدگار حکیمند. البته سخن امام علیه السلام برگرفته از قرآن مجید است که مراتب آفرینش انسان را به تفصیل بیان کرده است. شایان ذکر است که قرآن کریم کیفیت تکوین جنین را بطور دقیق بر ملا کرده و این حقیقت شگفت‌انگیز را به انسانیت تفهیم نموده است. سید قطب می‌گوید:

(۱) «انسان در برابر اکتشاف قرآن از حقیقت پیدایش جنین، مات و سرگردان می‌ماند زیرا کسی دقیقاً نمی‌دانست تا این که پس از پیشرفت علم تشریح در سالهای اخیر، معلوم شد که سلولهای استخوان غیر از سلولهای گوشت است و ثابت شد که نخست سلولهای استخوانی در جنین درست می‌شود و بعد سلولهای گوشت و هرگز سلولی از سلولهای گوشتی در آغاز مشاهده نمی‌شود مگر پس از آن که سلولهای استخوانی فراهم شده و ساختار استخوانی جنین کامل شود و این همان حقیقتی است که قرآن مجید به ثبوت رسانده است.» (۱)

به هر حال امام سجاد علیه السلام پس از بیان نعمت و احسان فوق العاده خداوند نسبت به خود، به درگاه خدا نالیده و با تضرع درخواست کرده است تا او را از مکر و فریب شیطان نجات بخشد زیرا که نخستین دشمن آدمی است. و اینک به بخش دیگری از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

اللَّهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِ تَغْلُظُ بِهَا عَلٰى مِنْ عَصَاكُ، (۲) وَ تَوَعَّدَتْ بِهَا مِنْ صَدْفِ عَنِ رِضَاكَ، وَ مِنْ نَارِ نَوْرَهَا ظَلَمَةٌ، وَ هَيْئَهَا اَلِيمٌ وَ بَعِيدَهَا قَرِيبٌ، وَ مِنْ نَارِ يَأْكُلُ بَعْضُهَا بَعْضًا، وَ يَصُولُ بَعْضُهَا عَلٰى بَعْضًا، وَ مِنْ نَارِ تَذَرُ الْعِظَامَ رَمِيمًا، وَ تَسْقِي اَهْلَهَا حَمِيمًا، وَ مِنْ نَارِ لَا تَبْقٰى عَلٰى مِنْ تَضَرَّعَ اِلَيْهَا، وَ لَا تَرْحَمُ مِنْ اسْتَعْظَفَهَا، وَ لَا تَقْدِرُ عَلٰى التَّخْفِيفِ عَمَّنْ خَشَعَ لَهَا، وَ اسْتَسَلَّمَ اِلَيْهَا، تَلْقٰى سَكَّانَهَا بِأَحْرِّ مَا

(۱) فی ظلال القرآن: ۱۶/۱۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۰۱

لديها من اليم النكال، و شديد الوبال، و اعوذ بك من عقاربها الفاغرة افواهها، و حياتها الصالفة بانياها، و شرابها المذی يقطع أمعاء سگانها، و ينزع قلوبهم و استهديك لما باعد منها، و آخر عنها ...

«خداوندا! من از آن آتش قهرت که گنهکاران در آن می‌اندازی و به کسانی که از راه رضای تو روی می‌گردانند وعده داده‌ای و از آن آتشی که روشنائیش تاریکی و سهل و ساده‌اش دردناک و دودش نزدیک است، به تو پناه می‌برم؛ چنان آتشی که بعضی از

شعله‌هایش بعضی دیگر را می‌خورند و به یکدیگر حمله می‌برند، از آن آتشی که استخوانهای گنهکاران را خاکستر می‌سازند و به جهنمیان از آن آب سوزاننده بسیار گرم می‌خورانند، آتش بس هولناکی که به زاری گنهکاران اعتنا نکند و با شدیدترین شعله‌هایش با دوزخیان روبرو شود و هرگز کاستی نگیرد.

خداوندا از عقربهای هولناک دوزخ که برای گزیدن دوزخیان دهان باز کرده و از مارهای سهمگین که با دندانهای زهر آلودشان به اهل جهنم حمله می‌برند، به تو پناه می‌برم، و همچنین از نوشیدنیها مسموم دوزخ که هر وقت دوزخیان از آنها می‌خورند تمامی اعضا و احشاء داخلی آنها را قطعه‌قطعه و جگرشان را پاره پاره می‌کند به تو پناه می‌برم، خداوندا از تو می‌طلبم که مرا از آتش دوزخ دور و از هر عذابی محفوظ بداری.

(۱) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْرِنِي مِنْهَا بِفَضْلِ رَحْمَتِكَ، وَاقْلِنِي عَثْرَاتِي بِحَسَنِ اِقَالَتِكَ، وَلا تَخْذَلْنِي يَا خَيْرَ الْمُجِيرِينَ، اِنَّكَ تَقِي الْكُرْبِيهَةَ، وَتَعْطِي الْحَسَنَةَ، وَتَفْعَلُ مَا تَرِيدُ، وَانْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اِذَا ذَكَرَ الْاَبْرَارَ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مَا اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ صَلَاةً لا يَنْقُطِعُ مَدَدُهَا، وَلا يَحْصِي عِدَدُهَا صَلَاةً تَشْحِنُ الْهَوَاءَ وَتَمَلُّا الْاَرْضَ وَالسَّمَاءَ، صَلِّ

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۰۲

اللَّهُ عَلَيْهِ حَتَّى يَرْضَى وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعْدَ الرِّضَا صَلَاةً لا حَدَّ لَهَا وَلا مَنْتَهَى يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. «(۱)»

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا به فضل و رحمتت از آن آتشی که قهرت آن را می‌افروزد نجات ده و لغزشهای مرا به عفو و کرم نیکویت ببخش و مرا ای بهترین پناه‌دهندگان در روز جزا محروم و خوار و ذلیل مکن. خداوندا چون تو قادری از هر عذابی بازداری و هر احسانی را به بندگانت ارزانی داری و آنچه خواهی انجام دهی و بر هر کاری توانایی (پس قادری تا همه درخواستهای مرا برآوری).

خداوندا هرگاه نام نیکان برده می‌شود، بر محمد و آل محمد درود فرست تا وقتی که شب و روز در گردش است، درودی بی‌نهایت و بی‌شمار، درودی که بوی خوشش فضای عالم را پر کرده و آوازش آسمان و زمین را فراگیرد. خداوندا آن قدر بر او درود فرست که راضی شود و پس از رضایت او بازهم به درود و رحمت خود ادامه بده، درودی بی‌حد و بی‌پایان، ای بخشنده‌ترین بخشایندهگان ...»

(۱) این فرازهای از دعای امام علیه السلام مشتمل بر توصیف هولناک و کشنده‌ای از آتش دوزخ است که خداوند برای تبهکاران و خودکامگان و بندگان سرکش و طاغوتها آفریده است برای آن کسانی که ظلم و فساد را در روی زمین اشاعه داده‌اند و آنان انواع عذابها را در آتش دوزخ می‌بینند به حدی که هول و هراس آن قابل توصیف نیست، خداوند ما را از آن عذابها بازدارد. در اینجا دعای شریف امام علیه السلام که پس از نماز شب آن را می‌خواند، پایان گرفت، دعایی که از برجسته‌ترین و عالیترین دعاها اهل بیت علیهم السلام است.

(۱) صحیفه سجادیّه: دعای سی و یکم.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۰۳

(۱)

امام زین العابدین علیه السلام از بس که نماز خوانده بود، بدنش لاغر و ضعیف گشته بود، زیرا عبادت بشدت آن بزرگوار را ناتوان کرده و تا آنجا اندامش ضعیف و لاغر شده بود که باد اندام او را همچون خوشه گندمی به سمت راست و چپ متمایل می‌کرد (۱) زیرا آن قدر توان نمانده بود که خود را نگهدارد، پسرش عبد الله می‌گوید:

پدرم، شب هنگام همواره نماز به جا می‌آورد، وقتی که از نماز فارغ می‌شد، همان طور نشسته به بسترش می‌خیزید (۲) و این بدان جهت بود که قدرت ایستادن روی پا- به دلیل شدت ضعف و رنج لاغری- را نداشت.

دل اعضای خانواده و دوستانش از بروز ضعف و خستگی زیاد به خاطر نماز و عبادت فراوان، بر او سوخت و از آن بیمناک شدند که مبادا به مرگ آن حضرت منتهی شود لذا موضوع را با آن حضرت در میان گذاشتند اما آن بزرگوار نپذیرفت و بر ملازمت خود به نوافل و عبادات پایداری کرد تا وقتی که به پدران گرامش ملحق شد، و ما در ذیل به بعضی از کسانی که در این باره با آن حضرت صحبت کرده‌اند اشاره می‌کنیم:

(۲)

۱- یکی از پسران امام

یکی از پسران امام سجاد به حال امام بیمناک شد و از روی دلسوزی و وحشت عرض کرد: «پدر جان، آخر چقدر نماز؟!» امام علیه السلام با مهربانی و ملاطفت فرمود:

(۱) ارشاد: ص ۲۷۲، روضه الواعظین: ۱/ ۲۳۷.

(۲) بحار: ۴۶/ ۹۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۰۴

«علاقه شدید به پروردگارم دارم.» (۱)

براستی که سخت دوستدار و دل بسته پروردگار بود و به هر وسیله و از هر راهی می‌خواست که به او نزدیک شود، در دنیای پرهیزگاران و صالحان کسی در توجه و دل بستگی شدید به خدا به پای آن حضرت نمی‌رسد.

(۱)

۲- جابر بن عبد الله انصاری

صحابی بزرگ پیامبر (ص)، جابر بن عبد الله انصاری، دلش به حال امام علیه السلام سوخت و از آن حضرت خواست تا اندکی عبادتش را کم کند و به خود این قدر زحمت ندهد، امام باقر علیه السلام این حدیث جابر را نقل کرده است، می‌فرماید:

«وقتی که فاطمه دختر امام امیر المؤمنین علیه السلام پایداری برادرزاده‌اش علی بن حسین علیهما السلام را در عبادت و رفتاری را که با خودش داشت، مشاهده کرد نزد جابر بن عبد الله انصاری رفت و گفت:

«ای جابر! تو از اصحاب رسول خدایی و ما اهل بیت بر تو حق بسیار داریم و از آن جمله این است که وقتی که بینی کسی از ما به خودش ستم می‌کند و از رنج زیاد خود را در معرض هلاک قرار داده است، به خاطر خدا از او بخواهی تا خود را نگهدارد، اینک این علی بن حسین یادگار پدرش امام حسین علیه السلام است که به نفس خود ستم روا داشته و از عبادت زیاد پیشانی و زانوهای کفهای دستش پینه بسته ...»

جابر، به خدمت امام زین العابدین علیه السلام رسید دید، در محراب عبادت نشسته در حالی که عبادت بدنش را نحیف و لاغر

کرده و از طاعت زیاد سخت رنجور است وقتی که چشم امام به جابر افتاد به استقبالش

(۱) بحار: ۴۶ / ۹۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۰۵

رفت و او را در کنار خود نشاند، و با صدای نحیف و آرام احوال جابر را پرسید، آنگاه جابر رو به آن حضرت کرد و گفت: «یا بن رسول الله! می‌دانید که خداوند عالم، بهشت را برای شما و دوستان شما آفریده و جهنم را برای دشمنان و مخالفان شما خلق کرده است پس چرا شما این قدر به خود رنج و زحمت می‌دهید؟!» امام علیه السلام، از روی لطف و محبت فرمود: (۱) «ای صحابی رسول خدا! آیا نمی‌دانی که جدّ ما رسول خدا- صلی الله علیه و آله- با آن که خدا هر نوع ترک اولای گذشته و آینده او را بخشید، با وجود این- پدر و مادرم فدایش باد- از تلاش و کوشش در عبادت فروگذار نکرد تا آنجا که ساق مبارکش متورّم شد و پاهایش ورم کرد، عرض کردند: یا رسول الله! شما چرا چنین زحمت عبادت را تحمل می‌کنید؛ و حال این که خداوند تمام ترک اولای گذشته و آینده شما را بخشیده است؟ فرمود: آیا من نباید بنده‌ای سپاسگزار باشم؟» وقتی که جابر دید که هیچ سخنی نمی‌تواند امام را قانع کند تا آن حضرت از آن همه رنج و تعب دست بردارد، عرض کرد: «یا بن رسول الله! به مسلمانان رحم کنید که خداوند به برکت وجود شما اهل بیت در این دنیا بلاها را از مردم دفع می‌کند و عذابها را از مردمان برطرف می‌سازد و از آسمان باران فرو می‌فرستد!» امام علیه السلام با صدای آرامی پاسخ داد: «ای جابر! من همواره به راه و روش پدرانم خواهم بود تا آنان را ملاقات کنم.» جابر با شنیدن این سخن، متحیر ماند و نگاهی به اطرافش کرد و گفت:

هرگز در بین پیامبرزادگان کسی همچون علی بن حسین علیهما السلام دیده نشده است مگر یوسف بن یعقوب، به خدا قسم اولاد امام حسین

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۰۶

علیه السلام بالاتر از اولاد یوسف بن یعقوبند!! حقا که از ایشان است آن کسی که به وسیله او زمین پر از عدل و داد خواهد شد، پس از آن که پر از ظلم و جور گشته باشد...» (۱)

آری به خدا سوگند که در بین تمام فرزندان انبیا همچون علی بن حسین کسی دیده نشده است در پارسایی و تقوا و دیگر فضایل و مناقبی که او را به بالاترین مقامی رسانده بود که پدران بزرگوارش رسیده بودند، جابر نیز اعلان کرد که ذریه امام حسین علیه السلام بالاتر از ذریه یوسف بن یعقوبند به این دلیل که در میان اینان مصلح بزرگ جهان قائم آل محمد (ص) وجود دارد که پیامبر- صلی الله علیه و آله- به آمدن او بشارت داد و فرمود که او زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد بعد از آن که پر از ظلم و جور گشته است و اینها در ایام حکومت و زمامداری آن حضرت خواهد شد.

(۱)

۳- عبد الملک

از جمله کسانی که به خاطر زیادی عبادت و طاعت دلش به حال امام سوخت، عبد الملک بن مروان بود، موقعی که امام علیه السلام برای شفاعت جمعی از مسلمانها که حکومت مروانی آنها را بازداشت کرده بود به نزد او رفت همین که چشم عبد الملک به امام افتاد از دیدن اثر سجود در پیشانی آن حضرت تعجب کرد و گفت:

«پسر پیغمبر! آثار زحمت و کوشش عبادت در شما هویدا است در حالی که شما در پیشگاه خداوند حسناتی دارید و پاره تن رسول

خدا و خویشاوند نزدیک او و وسیله و ارتباط محکمی دارید، و از همه اهل بیت افضل و از تمام مردم روزگار بالاترید، زیرا که به شما آن قدر فضیلت و دانش و دیانت و تقوا داده‌اند که به

(۱) مناقب ابن شهر اشوب، حیاة الإمام الباقر.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۰۷

هیچ کس نه در زمان حاضر و نه در گذشته نداده‌اند مگر به پدران و نیاکان بزرگوارت! عبد الملک همچنان امام علیه السلام را توصیف می‌کرد و فضایل و مناقب او را به زبان می‌آورد، همین که سخنانش پایان گرفت، امام علیه السلام فرمود:

(۱) «کل ما ذکرته من فضل الله سبحانه، و تأییده و توفیقه، فأین شکره علی ما أنعم؟ و لقد کان رسول الله (ص) یقف للصلاة حتی تتورم قدماه، و یظلمأ فی الصیام حتی یعصب فوه فقیل له یا رسول الله أ لم یغفر الله لک ما تقدم من ذنبک، و ما تأخر، فیقول صلی الله علیه و آله: أ فلا أکون عبدا شکورا.

الحمد لله علی ما أولی، و أبلی، و له الحمد فی الآخرة و الأولی، و الله لو تقطعت أعضائی، و سالت مقلتای علی صدري لن أقوم لله جلّ جلاله بشکر عشر العشر من نعمه واحده من جمیع نعمه التي لا یحصیها العادون، و لا یبلغ أحد نعمه منها، علی جمیع حمد الحامدين، لا و الله أو یرانی الله لا یشغلنی شیء عن شکره و ذکره فی لیل و لا نهار، و لا سر و لا علانیة، و لو لا أن لأهلی علی حقا، و لسائر الناس من خاصهم و عامهم علی حقوقا لا یسعی إلا القیام بها حسب الوسع و الطاقه حتی أؤدیها إلیهم لرمیت بطرفی إلی السماء، و بقلبی إلی الله، ثم لم أردهما حتی یقضی الله علی نفسی و هو خیر الحاکمین ...»

«آنچه تو درباره لطف و تأیید و توفیق خدای سبحان گفتی درست است، اما شکر و سپاس این همه نعمت چه می‌شود؟ رسول خدا- صلی الله علیه و آله- به قدری در نماز می‌ایستاد که پاهای مقدسش ورم می‌کرد و در وقتی که روزه‌دار بود، دهان مبارکش می‌خشکید، به آن حضرت عرض کردند: یا رسول الله! آیا خداوند ترک اولای گذشته و آینده شما را نبخشیده است؟ رسول خدا (ص) فرمود: آیا نباید من بنده سپاسگزاری

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۰۸

باشم؟

سپاس خدا را بر آزمون و بلاهای او، و سپاس او را در دنیا و آخرت. به خدا سوگند که اگر بند از بندم جدا کنند و اشک از دیدگان به سینه‌ام جاری گردد هرگز نتوانستم ام عשרی از معشار یکی از نعمتها الهی را که شمارشگران از شمردن آنها عاجزند و کسی را یارای توصیف یکی از آنها نیست، سپاسگزاری کرده و حق آن را به جا آورم و اگر تمام حمد و سپاس سپاسگزاران جمع شود یکی از آنها را سپاس نگفته است، نه به خدا قسم، آیا ممکن است خدا مرا در حالی ببیند که در شبانه‌روز و در نهان و آشکار چیزی مرا از سپاسگزاری و ذکر او بازداشته است! و اگر حقی که کسانم بر من و سایر مردم از خاص و عام حقوقی به گردن من دارند نبود و جز با ادای آن حقوق که به مقدار تاب و توانم باید ادا کنم، راه دیگری نیست هرآینه چشمانم را به آسمان می‌دوختم و دلم را متوجه خدا می‌کردم و چشم و دل از او بر نمی‌گرفتم تا وقتی که خداوند جان مرا بگیرد و او بهترین حاکمان است.»

(۱) امام علیه السلام ضمن گفتن این سخنان گریه شدیدی کرد و سخنانش و همچنین سیمای آسمانیش که هر بیننده را به تعظیم و تکریم وامی‌داشت چنان در روح طاغوت زمان، عبد الملک تأثیر کرد که از روی تأثر و تعجب گفت:

«چقدر فاصله است، بین آن بنده‌ای که طالب آخرت است و برای آخرتش می‌کوشد با آن بنده‌ای که در پی دنیا است که از کجا به دست آورده و از آخرت بی‌بهره است!» عبد الملک عرض ادب کرد و امام درباره آن کسانی که در بازداشت بودند شفاعت فرمود و او قبول کرد و دستور آزادی ایشان را داد. «۱»

(۱) بحار الانوار: ۴۶ / ۶۵.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۰۹

اینها بودند کسانی که از زیادی نماز و عبادت امام علیه السلام به حال آن حضرت رقت آوردند و با اصرار و خواهش درخواست کردند که کمتر عبادت کند و مقداری از رنج خود را بکاهد، اما امام علیه السلام نپذیرفت و در نماز آسایش روحی خود را چنان می‌دید که چیزی جای آن را بر نمی‌کرد.

(۱)

روزه امام

امام سجاد علیه السلام بیشتر عمر خود را روزه‌دار بود، هنگامی که از کنیز آن حضرت درباره عبادتش پرسیدند، گفت: من هرگز غذایی در طول روز برای آن حضرت نیاورده‌ام. او روزه را دوست می‌داشت و دیگران را تشویق به روزه‌داری می‌کرد و می‌فرمود: «همانا خدای تعالی و همه فرشتگان به روزه‌داران نظر دارند.» (۱)

امام علیه السلام هیچ روزی بدون روزه نبود جز دو روز عید (فطر و قربان) و روزهایی که عذری برای روزه داشتن است. اینک به اختصار از بعضی حالات آن حضرت در ماه رمضان المبارک یعنی ماه خدا و ماه طاعت سخن می‌گوییم.

(۲)

در ماه رمضان

امام سجاد علیه السلام در ماه رمضان حال مخصوصی داشت در این ماه

(۱) دعوات راوندی: ص ۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۱۰

هر کاری که باعث نزدیکی آن حضرت به خدا می‌شد، انجام می‌داد، راویان اخبار می‌گویند: آن بزرگوار هیچ نوعی از انواع خیر و نیکی را ترک نگفت مگر این که انجام داد و جز به تسبیح و استغفار و تکبیر لب نمی‌گشود و موقع افطار عرض می‌کرد:

«اللهم ان شئت ان تفعل فعلت.» (۱)

«خداوندا اگر اراده تو بر چیزی تعلق گرفت که انجام دهی، انجام آن قطعی است.»

(۱)

دعای امام وقت رؤیت هلال ماه رمضان

امام سجاد علیه السلام با شوق و علاقه به استقبال ماه رمضان می‌رفت زیرا که آن ماه نیکوکاران و صالحان است، و موقع رؤیت هلال ماه رمضان، این دعای شریف را که تجسم بخش روحانیت اسلام و هدایت اهل بیت علیهم السلام است قرائت می‌کرد:

«الحمد لله الذي هدانا لهذا الحمد، وجعلنا من اهله، لنكون لإحسانه من الشاكرين، وليجزينا على ذلك جزاء المحسنين، والحمد لله الذي جانا بدينه، واختصنا بملته، وسبنا في سبيل احسانه لنسلكها بمنه الى رضوانه، حمدا يتقبله منا، ويرضى به عنا، والحمد لله الذي جعل من تلك التَّيْبِلِ شهره رمضان شهر الصَّيَامِ، و شهر الإسلام، و شهر الطَّهْوَرِ، و شهر التَّمْحِيصِ، و شهر القيام، الذي أنزل فيه

القرآن هدی للناس، و بینات من الهدی و الفرقان، فأبان فضیلته علی سائر الشهور، بما جعل له من الحرمات الموفوره، و الفضائل المشهوره،

(۱) فروع کافی: ۴/ ۸۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۱۱

فحرم فيه ما احل فی غیره اعظاما، و حجز فيه المطاعم و المشارب اکراما، و جعل له وقتا بینا، لا یجیز جلّ و عزّ ان یقدم قبله، و لا یقبل ان یؤخر عنه، ثم فضل لیله واحده من لیلایه علی لیلای الف شهر، و سماها لیله القدر تنزل الملائکة و الروح فیها باذن ربهم من کل امر سلام، دائم البرکة الی طلوع الفجر علی من یشاء من عباده بما احکم من قضائه ...

«حمد و سپاس به پیشگاه خداوندی که ما را به حمد و ثنائش هدایت نمود و ما خانواده را از جمله سپاسگزاران نعمتش قرار داد تا ما نسبت به احسان او سپاسگزار باشیم، تا به خاطر این سپاسگزاری به ما پاداش نیکوکاران را مرحمت کند. و سپاس خداوندی را که ما را به دین خود هدایت کرد و ما را از جمله خواص ملت خود قرار داد و ما را به راه شناخت احسان خود رهبری کرد تا به لطف خویش ما را در بهشت جاودانه سکونت دهد، حمد و سپاسی که قابل پذیرش او و باعث خشنودی وی از ما گردد. حمد و سپاس سزاوار آن خدایی است که ماه مبارک رمضان، ماه روزه‌داری، ماه اسلام و ماه پاکیزه و ماه قیام را یکی از راههای رسیدن به بهشت قرار داد، ماهی که قرآن را در آن ماه برای هدایت مردم نازل کرد که این قرآن هدایت‌کننده و مشتمل بر آثار روشن رستگاری و جداکننده بین حق و باطل است، و بدین وسیله بر ماههای دیگر فضیلت آن ماه را آشکار ساخته است که در این ماه چیزهای زیادی را به مسلمانان حرام کرده و فضایل بسیاری نسبت به ماههای دیگر ارزانی داشته است و چیزهایی را که در ماههای دیگر حلال بوده، در این ماه حرام کرده و به پاس حرمت این ماه از خوردنیها و آشامیدنیها پرهیز داده و برای روزه گرفتن در این ماه وقت مقرری تعیین کرده و اجازه نداده کسی این وقت را به جلو، یا عقب بیندازد. علاوه بر اینها شبی از شبهای این ماه را بر شبهای هزار ماه برتری

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۱۲

داده و آن شب را لیله القدر نامیده است که فرشتگان و روح (جبرئیل) به امر خدای متعال برای تعیین سرنوشت و تقدیر امور به روی زمین می‌آیند و تا طلوع فجر آن شب تحیت و برکت بر کسی می‌فرستند که خداوند از میان بندگان به او نظر لطف داشته و در قضای الهی گذشته است.»

(۱) این سخنان نورانی امام علیه السلام مشتمل بر بزرگداشت و احترام ماه مبارک رمضان و تعریف این ماه به بهترین اوصاف است، از جمله:

۱- ماه اسلام است، بنا بر این، هر که در این ماه روزه بگیرد، در قلمرو اسلام وارد شده و هر که از روی علم و عمد روزه‌اش را بخورد، مسلمان نیست.

۲- این ماه، ماه پاکیزه است، زیرا که این ماه، ماه پاکی از گناهان و تزکیه نفس از پلیدیهاست.

۳- ماه خلوص است، در این ماه است که مسلمانان آزمایش می‌شوند و خالص می‌گردند و بدان وسیله، بنده فرمانبردار از گنجهار مشخص می‌گردد.

۴- ماه رمضان، ماه قیام است، زیرا که آن ماه، بهار نیکان و نیکوکاران است، از آن رو که ایشان شبهای این ماه را به عبادت و طاعت می‌گذرانند.

۵- از جمله امتیازات این ماه، آن است که در این ماه قرآن کریم نازل شده است؛ خداوند قرآن را در شب قدر نازل کرده است که

از مهمترین شبهای رمضان است و در آن شب، فرشتگان و جبرئیل به اذن پروردگار برای تقدیر امور و ابلاغ تحیت و درود بر مؤمنان تا طلوع فجر نازل می‌شوند.

۶- از جمله ویژگیهای این ماه شریف آن است که خدای تعالی در این ماه چیزهایی را به بندگانش حرام کرده است که در ماههای دیگر حرام نفرموده است؛ خداوند به پاس این ماه در مدت روزه‌داری هر نوع خوردن و آشامیدن را بر روزه‌داران حرام کرده است ... و اینک به بخش دیگری از این دعا گوش فرا می‌دهیم:

(۲) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَالْهَمْنَا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۱۳

و اجلال حرمته، و التَّحَفُّظُ بِمَا حَضَرَتْ فِيهِ، وَاعْتِنَا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيكَ، وَاسْتِعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا يَرْضِيكَ حَتَّى لَا نَصْغِيَ بِاسْمَاعِنَا إِلَى لَعْوٍ، وَلَا نَسْرِعَ بِابْصَارِنَا إِلَى لَهْوٍ، وَحَتَّى لَا نَبْسُطَ أَيْدِينَا إِلَى مُحْظُورٍ، وَ لَا نَخْطُو بِأَقْدَامِنَا إِلَى مُحْجُورٍ، وَحَتَّى لَا تَعَى بَطُونِنَا أَلَّا مَا أَحَلَلْتَ، وَ لَا تَنْتَقِ أَلْسِنَتُنَا أَلَّا بِمَا مَثَلْتَ، وَ لَا تَتَكَلَّفَ أَلَّا مَا يَدْنِي مِنْ ثَوَابِكَ، وَ لَا تَتَعَاطَى أَلَّا الَّذِي يَقِي مِنْ عِقَابِكَ، ثُمَّ خَلِّصْ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنْ رِئَاءِ الْمَرَاءِئِينَ، وَ سَمْعَةَ الْمَسْمُوعِينَ، لَا نَشْرُكَ فِيهِ أَحَدًا دُونَكَ، وَ لَا نَبْتَغِي فِيهِ مَرَادًا سِوَاكَ ...

«خداوندا بر محمد و آل محمد- صلوات الله علیه و علیهم اجمعین درود فرست و به ما توفیق شناخت فضیلت و پاس داشتن حرمت ماه مبارک رمضان را مرحمت فرما تا بتوانیم خود را از نزدیک شدن به محرمات حفظ کنیم و ما را بر روزه‌داری این ماه با حفظ اعضا و جوارحمان از گناهان، یاری فرما تا بتوانیم در آنچه رضای توست به کار اندازیم بطوری که با گوشهایمان سخن بیهوده نشنویم و با چشمانمان کارهای ناپسند و لهو و لعب را نبینیم و دستمان را به اموال حرام دراز نکنیم و با پایمان به راه خطا نرویم و شکمهایمان را جز با غذای حلال پر نکنیم و زبانهایمان جز سخن مجاز و ذکر تو را نگویند و کارهایی را انجام دهیم که ما را به اجر و ثواب نزدیک کند و در پی چیزی نرویم مگر آنکه از عذاب و کیفر تو بازدارد، خداوندا باز هم به ما توفیق بده تا اعمال و عبادات ما در این ماه مبارک از شائبه ریای ریاکاران و سمعه «۱» سمعه کاران به دور باشد و جز تو را در عبادت شریک قرار ندهیم و هدفی جز تو را نجوییم ...»

(۱) سمعه، همان ریاکاری است با این تفاوت که ریاکار سعی می‌کند تا مردم عمل نیک او را ببینند ولی در سمعه، می‌خواهد عملی را که دور از انظار انجام داده، به گوش مردم برساند- م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۱۴

(۱) امام علیه السلام، در این بخش از دعایش به آنچه که سزاوار بوده تا روزه‌دار آراسته باشد اشاره فرموده است؛ روزه‌دار در این ماه بزرگ باید اعضا و جوارحش را از محرمات الهی حفظ کند؛ زبانش را از دروغ، غیبت و بهتان، گوشش را از سخن بیهوده و ناروا و دستش را از دزدی و تجاوز به مال مردم بازدارد. و نباید به سوی چیزهایی بشتابد که خداوند او را منع کرده و بر حذر داشته است از قبیل رفتن به جاهایی که گناه در آنجا انجام می‌گیرد و نخوردن مال حرام، همچنین امام علیه السلام می‌فرماید روزه‌دار باید اعمالش شایسته و نیکباهش تنها برای خدا باشد بدون آلودگی به ریا و یا جاه طلبی و یا سمعه در بین مردم زیرا که تمام اینها باعث از بین رفتن عمل است. اینک به قسمت دیگری از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

(۲) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَفَقْنَا فِيهِ عَلَى مَوَاقِيتِ الصَّيْلَمَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِي حُدِّدْتَ، وَفَرُوضِهَا الَّتِي فَرَضْتَ، وَوِظَائِفِهَا الَّتِي وَظَّفْتَ، وَاَوْقَاتِهَا الَّتِي وَقَّتَ، وَانزَلْنَا فِيهَا مَنْزِلَةَ الْمُصَيِّبِينَ لِمَنَازِلِهَا، الْحَافِظِينَ لِأَرْكَانِهَا، الْمُؤَدِّينَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا، عَلَى مَا سَنَّهُ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي رُكُوعِهَا وَسُجُودِهَا، وَجَمِيعِ فَوَاضِلِهَا عَلَى أُمَّمِ الطُّهُورِ وَاسْبِغِهِ وَابْنِ الْخُشُوعِ وَابْلَغِهِ، وَفَقْنَا فِيهِ لِأَنَّ نَصْلَ أَرْحَامِنَا بِالْبَرِّ وَالصَّيْلَةَ وَان تَعَاهَدَ جِيرَانَنَا بِالْإِفْضَالِ وَالْعَطِيَّةِ، وَان نَخْلُصَ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّبْعَاتِ وَان نَطْهَرَهَا بِأَخْرَاجِ الزَّكَاةِ، وَ

ان تراجع من هاجرنا، و ان ن نصف من ظلمنا، و ان نسالم من عادانا، حاشا من عودی فیک و لک فانه العدو الّذی لا نوالیه، و الحزب الّذی لا ن صافیہ، و ان تقرب الیک فیہ من الأعمال الزّاکیة بما تطهّرنا به من الذّنوب، و تعصمنا فیہ ممّا نستأنف من العیوب، حتّی لا یورد علیک احد من ملائکتک الّا دون ما

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۱۵

نورد من ابواب الطّاعة لک، و انواع القربۃ الیک ...

«خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و در این ماه به ما توفیق بده تا بر اوقات پنج‌گانه نماز و به حدود نماز که تعیین کرده‌ای و واجباتی را که بر ما واجب فرموده‌ای و به وظایفی که ما را موظف نموده‌ای و بر اوقاتی که مقرر فرموده‌ای آشنا باشیم و ما را از آن نماز گزارانی قرار ده که جایگاه و ارکان نماز را حفظ کنیم و در وقت آن به جا آوریم؛ همان طوری که سنت پیامبر و رسول گرامیت- درود و تحیت تو بر او و آل او باد- در رکوع و سجود و تمام فصول آن است با کمال پاکی و طهارت و با خضوع و خشوع تمام می‌باشد. خداوندا در این ماه مبارک به ما توفیق مرحمت کن تا به خویشاوندان و بستگان خود نیکی و احسان کنیم و به همسایگانمان با احسان و بخشش برخورد نماییم و اموال و ثروتمان را از آلودگیها برکنار داریم و با دادن زکات و صدقات پاک سازیم و بتوانیم با کسانی که از ما دوری گزیده‌اند، ارتباط پیدا کنیم و با هر که به ما ستم کرده است به عدالت و نیکی رفتار نماییم و با کسانی که با ما دشمنی کرده و در ستیزند راه مسالمت، پیش گیریم جز با کسی که دشمن تو و دشمن دین توست زیرا که دشمنان تو دشمنانی هستند که ما هیچ‌گاه با آنان دوستی نخواهیم کرد و آنها را از دسته مخالف خواهیم شناخت تا وقتی که در مخالفت با تو پافشاری کنند. خداوندا به ما توفیق ده تا با انجام کارهای نیک که باعث پاک شدن ما از گناهان می‌شوند به تو نزدیک شویم و ما را از این که دوباره به سوی گناهان و خطاها برگردیم، باز می‌دارند، بطوری که هیچ یک از فرشتگان به مقام ما بندگان مطیع نرسند و در مرتبه‌ای پایین تر از ما قرار گیرند ...»

(۱) این قسمتهای از دعای امام علیه السلام مشتمل بر امور بسیار مهمی است، شایسته است که روزه‌دار آنها را مراعات کند و بدانها عمل نماید، به شرح زیر:

۱- مراقبت بر انجام نماز- که ستون دین است- در اوقاتی که خداوند مقرر

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۱۶

فرموده و به همراه آنچه که از سنن، آداب، اذکار، در رکوع، سجود، بلکه در تمام شئون نماز که روش پیامبر بزرگوارش بوده و انجام دادن تمام آنها به کاملترین و بهترین وجه از خضوع و خشوع در پیشگاه خداوند یکتا.

۲- نیکی و احسان به خویشاوندان و صله رحم که از بالاترین عبادتهاست.

۳- احسان به همسایگان و خوشرفتاری با ایشان.

۴- پاکیزه کردن اموال با پرداخت خمس و زکات واجب.

۵- برقرار ساختن ارتباط با دوستان و برادران دینی که از ما فاصله گرفته‌اند.

۶- عدالت و انصاف نسبت به ظالم و تجاوز نکردن در گفتار و رفتار در حق او، زیرا که این خود از مکارم اخلاق می‌باشد.

۷- مسالمت با دشمن و ستیز نکردن با او، مگر آن که دشمنی با او برای خاطر خدا و در راه خدا باشد که در این صورت باید از او برید و نباید با او به مسالمت رفتار کرد.

۸- تقرب به خدا به وسیله اعمال پاکیزه و رفتار خوش که در ماه مبارک رمضان به این اعمال تأکید شده است و استجاب آنها مؤکد است.

پس از آن بخش، اینک به فرازهای دیگری از این دعای شریف گوش می‌دهیم:

(۱) اللَّهُمَّ أَنْتَ إِسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الشَّهْرِ، وَ بِحَقِّ مَنْ تَعَبَدَ لَكَ فِيهِ مِنْ ابْتِدَائِهِ إِلَى وَقْتِ فَنَائِهِ: مِنْ مَلِكٍ قَرَّبْتَهُ أَوْ نَبِيٍّ أَرْسَلْتَهُ أَوْ عَبْدٍ صَالِحٍ اخْتَصَصْتَهُ، أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَهْلُنَا فِيهِ لَمَّا وَعَدْتَ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ كَرَامَتِكَ، وَ أَوْجِبْ لَنَا فِيهِ مَا أَوْجِبْتَ لِأَهْلِ الْمُبَالَغَةِ فِي طَاعَتِكَ، وَ اجْعَلْنَا فِي نِظْمٍ مِنْ اسْتِحْقَاقِ الرَّفِيعِ الْأَعْلَى بِرَحْمَتِكَ ...

«خداوندا! به مقامی که این ماه در نزد تو دارد و به حق کسانی که از اول تا

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۱۷

آخر این ماه به عبادت تو قیام کرده‌اند؛ از پیامبران، فرشتگان مقرب و انبیای مرسل و بندگان صالح که از خاصان درگاه تو، در خواست دارم که بر محمد و آلش درود فرستی و ما را هم، در این ماه مبارک، آن ثواب را عنایت کنی که بر اولیای وعده داده‌ای و آنچه را که بر کوشش کنندگان در راه طاعتت مقرر فرموده‌ای به لطف و کرمت نظیر آن را برای ما مقرر فرمایی و جزو آن بندگانی محسوب فرمایی که استحقاق عالیترین مقام را در پیشگاه تو دارند ...»

(۱) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ جَنِّبْنَا الْإِلْحَادَ فِي تَوْحِيدِكَ، وَ التَّقْصِيرَ فِي تَمَجِيدِكَ، وَ الشَّكَّ فِي دِينِكَ، وَ الْعَمَى عَنِ سَبِيلِكَ، وَ الْإِغْفَالَ لِحَرَمَتِكَ، وَ الْإِنْخِدَاعَ لِعِدْوِكَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ إِذَا كَانَ لَكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ لَيَالِي شَهْرِنَا هَذَا رِقَابٌ يَعْتَقُهَا عَفْوُكَ، أَوْ يَهْبِهَا صَفْحُكَ، فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ تِلْكَ الرِّقَابِ، وَ اجْعَلْنَا لِشَهْرِنَا مِنْ خَيْرِ أَهْلِ وَ أَصْحَابِ ...

«خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و ما را از شرک و الحاد به توحید و یکتاپرستی خود بازدار، و از کوتاهی و غفلت در شناخت و کوه نظری در معرفت عظمت و جلال خودت حفظ فرما، ما را از ابتلائی به شک در باره دینت و نادانی نسبت به شریعتت و غفلت از پاس داشتن حرمت نگهدار، و ما را از افتادن در دام دشمن (شیطان رجیم) مصون دار، خداوندا بر محمد و آلش رحمت و درود فرست و چون در هر شبی از شبهای این ماه بزرگ بسیاری از بندگان را به لطف خود از آتش دوزخ نجات می‌دهی ما را نیز جزو آن آزادشدگان قرار بده و ما را از بهترین کسانی که در این ماه زندگی می‌کنند و از اهل و اصحاب این ماه هستند محسوب فرما.»

(۲) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اَمْحَقْ ذُنُوبَنَا مَعَ اَمْحَاقِ

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۱۸

هَلَالِهِ، وَ اسْلُخِ عَنَّا تَبِعَاتِنَا مَعَ اِنْسِلَاحِ اَيَّامِهِ، حَتَّى يَنْقُضِيَ عَنَّا، وَ قَدْ صَفَيْتَنَا فِيهِ مِنَ الْخَطِيئَاتِ، وَ اَخْلَصْتَنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اِنْ مَلْنَا فِيهِ فَعَدَلْنَا، وَ اِنْ زَعْنَا فِيهِ فَقَوَّمْنَا، وَ اِنْ اَشْتَمَلْنَا عَلَيْنَا عِدْوُكَ الشَّيْطَانِ فَاسْتَنْقِذْنَا مِنْهُ.

«خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و با پایان گرفتن این ماه شریف گناهان ما را محو کن و با تمام شدن روزهای این ماه عواقب بد گناهان ما را از نامه عملمان زایل کن تا با تمام شدن ماه ما را نیز از گناهان پاک و پاکیزه کرده باشی و از خطاها و لغزشها خالص نموده باشی. خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و اگر در این ماه شریف غفلتی بر ما چیره شده است به راه صحیح بازگردان و اگر تیرگی در دل ما راه یافته است، استوار و خالص گردان و اگر در این ماه عزیز دشمن تو (شیطان) بر ما مسلط شده است ما را از شر او رها کن.»

(۱) اللَّهُمَّ اشْحَنهُ بَعَادَتِنَا اَيَّامَكَ، وَ زَيِّنْ اَوْقَاتَهُ بِطَاعَتِنَا لَكَ، وَ اعِنَّا فِي نَهَارِهِ عَلَيَّ صِيَامِهِ، وَ فِي لَيْلِهِ عَلَيَّ الصِّيَاةِ وَ التَّضَرُّعِ الْيَكِّ، وَ الْخُشُوعِ لَكَ، وَ الدَّلَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ، حَتَّى لَا يَشْهَدَ نَهَارُهُ عَلَيْنَا بِغَفْلَةٍ، وَ لَا لَيْلُهُ بِتَفْرِيطٍ، اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنَا فِي سَائِرِ الشُّهُورِ وَ الْاَيَّامِ، كَذَلِكَ مَا عَمَرْتَنَا، وَ اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ «۱»، وَ الَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ، أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ «۲» وَ مِنَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ، وَ هُمْ لَهَا سَابِقُونَ «۳» اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فِي كُلِّ وَقْتٍ وَ كُلِّ

(۲) مؤمنون / ۶۰.

(۳) مؤمنون / ۶۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۱۹

اوان، و علی کلّ حال عدد ما صلّیت علی من صلّیت علیه، و اضعاف ذلک بالأضعاف الّتی لا یحصیها غیرک، انّک فَعّال لما ترید...»
 (۱)

(۱) «خداوندا ما را در راه عبادت خودت یاری کن و تمامی ساعات و لحظات این ماه شریف را با عبادت و اطاعت ما جلوه گر ساز و یاری کن تا روزها را با روزه‌داری و شبهای این ماه شریف را با نماز و تضرّع به درگاهت و خضوع و خشوع در پیشگاه تو به پایان بریم، بطوری که هیچ روزی از این ماه با غفلت از تو نگذرد و شبهایش، به وقت گذرانی سپری نگردد، خداوندا نه تنها در این ماه بلکه در سایر ماهها و همه اوقات و تمام عمر ما را به طاعت خودت موفق بدار و ما را جزو بندگان صالح خودت قرار بده، آن بندگانی که به فرموده خودت: «وارث بهشت برینند و در آنجا جاودانه‌اند.» و آنهايي که هر چه از مال دنیا به آنها داده‌ای در راه تو می‌دهند و همواره دل‌هایشان ترسان است از این که چگونه به سوی پروردگارشان بازمی‌گردند.» و از جمله «آنهايي که در راه انجام خیر پیشدستی می‌کنند و از دیگران سبقت می‌گیرند.» خداوندا بر محمد و آلش درود و رحمت فرست در هر همه وقت و هر لحظه، به تعداد درودهایی که بر همه کس می‌فرستی و بلکه دو برابر آن درودها که جز تو کسی شمار آنها را ندادند، زیرا که تو به هر چیزی که اراده کنی قادر و توانایی...»

(۱) براستی که دعاهای امام سجاد علیه السلام، خود مدرسه‌ای است برای تعلیمات و آگاهیهای دینی که روح ایمان و جوهر اخلاص به خدا را به قلب شنونده افزای می‌کند. این جملات درخشان از نیایش امام، مشتمل بر نکات ذیل می‌باشد:
 ۱- امام علیه السلام خدا را به حرمت ماه رمضان و به حرمت کسانی که

(۱) صحیفه سجادیّه: دعای چهل و سوم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۲۰

از بندگان صالح در این ماه خدا را عبادت می‌کنند درخواست نموده است تا این که او را از جمله اولیای مقرب خود و در شمار کسانی قرار دهد که شایستگی مقام والایی در پیشگاه او را دارند.

۲- اعمال او را اعمال شایسته و نیکبها و خیرات او را خالص و تنها به خاطر خود بدون آمیختگی به ریا و امثال آن که عمل را فاسد می‌کنند، قرار دهد.

۳- از خداوند مسألت می‌کند تا او را از شک و اوهامی که باعث فساد در امور دینی هستند برکنار سازد.

۴- درخواست می‌کند که خداوند توفیق دهد تا مبادا به راهی جز راهی که خداوند مقرر کرده است، برود و مبادا از محرمات الهی غفلت ورزد.

۵- مبادا فریب شیطان رجیم را بخورد و تحت تسلط او قرار گیرد.

۶- خداوند بر او منت گذارد و او را از جمله آزادشدگان در این ماه بزرگ محسوب فرماید.

۷- خداوند او را به عبادت و طاعت در این ماه و تضرّع و خضوع و خشوع در این ماه موفق بدارد.

این بود بخشی از مطالب مهمی که از این جملات و این بخش از نیایش امام علیه السلام استفاده می‌شود.

(۱)

اشاره

امام سجاد علیه السلام در ماه مبارک رمضان کارهای خیر فراوانی داشت از جمله کارهای خیر آن حضرت از این قرار است:
(۲)

الف - اطعام به مستمندان

اسلام به غذا دادن بر روزه‌داران تشویق زیادی کرده و آن را مستحب

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۲۱

دانسته است، امام زین العابدین علیه السلام در هر روزی از ماه مبارک رمضان دستور می‌داد تا گوسفندی را ذبح کنند و گوشت آن را بپزند، و در شامگاه بر سر دیگها می‌آمد و بو می‌کشید، وقتی که می‌دید غذا آماده است، می‌فرمود: کاسه‌ها را بیاورید، و دستور می‌داد به مستمندان، بیوه‌زنان و یتیمان می‌دادند تا این که همه دیگها پایان می‌یافت و چیزی برای افطار آن حضرت باقی نمی‌ماند و خود با نان و خرما افطار می‌کرد. «۱»

(۱)

ب - آزادسازی بردگان

از جمله امور خیریه امام علیه السلام در ماه مبارک رمضان این بود که بردگان زیادی را آزاد می‌کرد و غلامانی را می‌خرید و از قید بردگی رها می‌نمود، با وجود این که در سایه محبت آن حضرت محترمانه زندگی می‌کردند و با آنان همچون فرزندان خود رفتار می‌کرد و اگر خلافی می‌کردند از بدی آنها چشم‌پوشی می‌کرد و هرگز مجازات نمی‌فرمود و همواره بندگانی که در طول سال خریداری کرده بود، در ماه رمضان آزاد می‌کرد، راویان اخبار نقل کرده‌اند که امام سجاد علیه السلام هیچ‌گاه غلام و کنیزی که مرتکب گناهی شده بودند مجازات نمی‌فرمود و تنها تاریخ آن روزی را که مرتکب خطایی شده بودند یادداشت می‌کرد و آخر ماه رمضان که می‌شد همه آنها را جمع می‌کرد و یادداشتهایی را که خطاهای آنها را ثبت کرده بود نشان می‌داد و می‌فرمود: همگی با صدای بلند بگویید:

«ای علی بن حسین: پروردگار تو تمام اعمال تو را بر شمرده است همان طوری که تو اعمال ما را ثبت کرده‌ای و نزد پروردگار نوشته‌ای است که حق را بیان می‌کند و هیچ گناه صغیره و کبیره را فروگذار نمی‌کند مگر این که تمام اعمال تو را می‌شمارد، و هر کاری که کرده باشی، در پیش

(۱) المحاسن: ص ۳۹۶، بحار الانوار: ۷۲ / ۴۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۲۲

روی خود، حاضر می‌بینی، «۱» همچنان که ما هر عملی را که انجام داده‌ایم در نزد تو حاضر می‌بینیم، پس بر ما ببخش و از ما درگذر چنان که از خداوند توانا امیدواری که بگذرد و همان طوری که دوست داری خدای توانا از تو بگذرد تو از ما بگذر خواهی دید که خداوند بخشاینده است و نسبت به تو مهربان بوده و تو را می‌آمرزد و پروردگارت نسبت به هیچ کس ستم روا نمی‌دارد ... همچنان که نزد تو نوشته‌ای است که حق و حقیقت را به ما بازگو می‌کند هیچ یک از اعمال خرد و کلان ما را فروگذار نکرده مگر آن که بر شمرده است پس ای علی بن حسین! به خاطر آور آن موقعی را که در برابر پروردگار داور دادگر

خود با خواری ایستاده‌ای و او به مقدار خردلی به کسی ستم نمی‌کند و آن مقدار ناچیز را نیز در روز قیامت می‌آورند و خدا را بس که حسابرس و گواه بر اعمال بندگان است.

بنا بر این از ما در گذر و ما را ببخش تا خدای توانا از تو در گذرد و تو را ببخشد، زیرا که او می‌فرماید:
وَلْيَغْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ. (۲)

«از بدیها در گذرند و آنها را ببخشند، آیا دوست نمی‌دارید که خدا هم از شما بگذرد؟» (۱) همواره، این قبیل کلمات را تلقین به ایشان می‌کرد، کلماتی که بر میزان توجه خاص آن حضرت و ارتباط خاصش به خدای متعال دلالت می‌کرد، و آنگاه شروع می‌کرد به گریه و از خوف و خشیت باری تعالی اشک می‌ریخت و می‌گفت:

«پروردگارا! تو به ما امر فرمودی تا از کسانی که به ما ستم کرده‌اند در گذریم و ما نیز از ستمگرانمان گذشتیم، همچنان که به ما امر کردی،

(۱) به آیه شریفه: يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُخَضَّرًا... اشاره دارد. (آل عمران / ۳۰).

(۲) نور / ۲۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۲۳

خود نیز از ما در گذر زیرا که تو سزاوارتر به گذشت و بخشش از ما و از همه کسانی که امر فرمودی هستی. خدایا به ما دستور دادی تا هیچ سائلی را از در خانه‌مان محروم بر نگردانیم و اینک ما درخواست کننده و مستمندانیم که در خانه تو آمده‌ایم و از تو درخواست احسان و بخشش داریم، خداوندا با عنایت خود بر ما منت بگذار و ناامیدمان مفرما! زیرا که تو از ما و از هر کسی که امر به احسان فرموده‌ای به بخشش و احسان سزاوارتری.

خداوندا! من احسان کردم، پس تو هم احسان کن، خدایا هر وقت از جمله درخواست کنندگان بودم از بزرگواری تو برخوردار شده‌ام، پس هم اکنون نیز، ای خدای بخشنده مرا در زمره کسانی قرار ده که از نعمتها و احسانت برخوردارند.»

(۱) آنگاه صورت مبارکش را به سمت آنان بر می‌گرداند، در حالی که قطرات اشک از دیدگانش جاری بود، می‌فرمود:

«من شما را بخشیدم، آیا شما هم از من گذشتید؟ و از این که بد سرپرستی کردم، مرا بخشیدید؟ زیرا که من سرپرست بد و خوار و پست و ستمگر، اما مملوک پادشاهی بزرگوار، بخشنده، دادگستر، نیکوکار و بخشاینده هستم...»

براستی که این روح ملکوتی چه روح بزرگی است که با صفات و اخلاق برجسته خود روحانیت انبیای الهی را تجسم می‌بخشد!! غلامان با شنیدن این قبیل سخنان از امام سجاد، عرض می‌کردند:

«ای مولا و ای سرور! ما از تو گذشتیم...»

می‌فرمود: بگویید:

«پروردگارا از علی بن حسین بگذر چنان که ما از او گذشتیم و او را از آتش دوزخ آزاد کن، همان طوری که او ما را از قید بردگی آزاد کرد.»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۲۴

غلامان نیز این جملات را می‌گفتند، و پس از گفتن ایشان، می‌گفت:

خداوندا اجابت کن ای پروردگار عالمیان!- و رو به ایشان می‌کرد و می‌فرمود:- بروید که من از شما گذشتم و شما را به امید عفو پروردگار و آزادی از آتش جهنم، آزاد کردم. وقتی که روز عید فطر فرا می‌رسید، جایزه ارزشمندی به غلامان می‌داد به قدری که بتواند زندگی کنند و از مال مردم بی‌نیاز شوند. (۱)

در دنیای پرهیزگاران و صالحان کسی همچون امام زین العابدین علیه السلام در تقوا و اخلاص فوق العاده و اطاعت خدا، وجود ندارد، برآستی که قلب شریفش آکنده از ایمان و معرفت خدا بوده است.

به هر حال امام علیه السلام در ماه مبارک رمضان انواع گوناگون احسان از نیکی به ضعیفان و درماندگان و محرومان و آزاد کردن بردگان و هر آنچه را که باعث نزدیک شدن به خدا بود انجام می‌داد.

(۱)

دعای امام سجاد در وقت سحر

امام زین العابدین علیه السلام در وقت سحر تمام شبهای ماه مبارک رمضان با خدای متعال مناجات می‌کرد و با زاری و تضرع و خالصانه دعا می‌کرد و دعایی را که معروف به دعای ابو حمزه ثمالی است می‌خواند، از این جهت معروف به دعای ابو حمزه گشته است که راوی این دعا اوست و این دعای شریف از مهمترین دعاهاى ائمه اهل بیت علیهم السلام است زیرا که این دعای شریف درجه توجه و ارتباط آن حضرت را با خدا تجسم می‌بخشد، همان طوری که مشتمل بر مواعظی است که باعث جلوگیری نفس از غرور و شهوات نفسانی می‌گردد. علاوه بر اینها به زیبایی اسلوب و سلاست و روانی بیان ممتاز است و دارای حالت تذلل و

(۱) بحار الانوار: ۴۶/۱۰۳-۱۰۵.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۲۵

خشوع در پیشگاه خداست تا آنجا که هیچ دعایی به پای آن نمی‌رسد و ما در اینجا قسمتهایی از آن را برگزیده‌ایم بدون این که تمام آن را نقل کنیم به خاطر آن که این دعای شریف در تمام کتابهای دعا آمده و در دسترس بیشتر قاریان و علاقه‌مندان می‌باشد. پیش از آن که قسمتی از فرازهای این دعای شریف را نقل کنیم مایلیم که به اطلاع خوانندگان عزیز برسانم که این دعا در دل نیکان و شایستگان جایگاه والایی دارد آن مسلمانان صالحی که در هنگام سحر شبهای ماه مبارک رمضان موفق به خواندن دعایند و بطوری که ملاحظه می‌فرمایید برخی از مؤمنان نیز آن را از بر دارند و از حفظ می‌خوانند. اینک فرازهایی از این دعای شریف:

(۱) «الهی: لا تؤدبني بعقوبتك، و لا تمکر بی فی حیلتك، من این لی الخیر یا رب و لا یوجد إلا من عندک، و من این لی النجاة و لا تستطاع إلا بک، لا الذی احسن استغنی عن عونک و رحمتک، و لا الذی أساء و اجترأ علیک و لم یرضک خرج عن قدرتك، یا رب بک عرفتک، و أنت دللتنی علیک و دعوتنی إلیک، و لو لا أنت لم أدر ما أنت ...»

«خداوند! مرا به کيفر و مجازات خود ادب مفرما و به مجازات عملم غافلگیر مکن، پروردگارا! کجا خیری توانم یافت در صورتی که جز پیش تو خیری نیست و از کجا راه نجاتی بجویم در صورتی که جز به لطف تو نجاتی میسر نیست؛ نه آن کس که نیکوکار است از یاری و لطف و رحمت تو بی‌نیاز است و نه آن که تبهکار است و گستاخی کرده و به راه رضای تو نرفته از قلمرو قدرت تو بیرون است ای پروردگارا! من تو را به وسیله خودت شناختم و تو مرا به وجود خودت رهنماییم فرمودی و اگر تو نبودی من نمی‌دانستم که تو چیستی و تو را نمی‌شناختم.»

آیا ملاحظه می‌کنید که پارسای اهل بیت چگونه با پروردگار خود راز و نیاز

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۲۶

می‌کند و در پیشگاه او می‌نالد، با سبک و روشی سخن می‌گوید که برخاسته از ژرفای ایمان و معرفت است ... و باز به بخش دیگری از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

(۱) «یا حبيب من تحب الیک، و یا قره عین من لاذ بک، و انقطع إلیک، أنت المحسن، و نحن المسیئون، فتجاوز یا رب عن قبیح ما

عندنا بجمیل ما عندک، و ای جهل یا رب لا یسهه جودک؟ و ای زمان أطول من أناتک؟ و ما قدر اعمالنا فی جنب نعمک، و کیف نستکثر أعمالا نقابل بها کرمک، بل کیف یضیق علی المذنبین ما وسعهم من رحمتک، یا واسع المغفرة، یا باسط الیدین بالرحمة، فوعزتک لو نهرتني ما برحت من بابک، و لا کففت عن تملقک لما انتهى إلى من المعرفة بجودک و کرمک ...»

«ای دوستدار کسی که با تو محبت ورزد و ای نور چشم و شادی بخش قلب کسی که رو به درگاه تو آورد و از همه کس بگسلد و به تو پیوندد، ای خدایی که تو نیکوکاری و ما بدکار پس تو ای پروردگار به نیکوکاری خود از زشتیهای ما در گذر، خداوند! کدامین نادانی و بدکاری است که لطف و بخشش تو آن را فرا نگیرد؟ و یا چه وقتی است که بیش از زمان حلم و شکیبایی تو باشد؟ اعمال نیک ما در برابر نعمتهای تو چه ارزشی دارد؟ و چگونه اعمال بدمان را با وجود لطف و کرم بی انتهایت بسیار شماریم؟ و چگونه با وجود رحمت و وسعه تو بر گناهکاران مجال تنگ خواهد بود، ای صاحب آموزش بی حساب، ای آن که دست قدرت تو به بخشندگی و رحمت باز است، باری سوگند به مقام عزتت که اگر مرا از درگاهت برانی هرگز به جای دیگری نروم و از التماس و تملق دست بر نمی دارم زیرا که تو را به بخشندگی و کرم می شناسم ...»

و همین طور امام علیه السلام به التماس و خواهش و زاریش در پیشگاه

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۲۷

آفریدگار بزرگ ادامه می دهد و از او طلب مغفرت و آمرزش و رضوان می کند، اکنون گوش فرا دهید و ببینید چگونه خواهش می کند:

(۱) «اللهم: انی کلمات: قد تهيأت، و تعيأت، و قمت للصلاة بين يديك، و ناجيتك القيت على ناعسا إذا أنا صليت، و سلبتني مناجاتك إذا أنا ناجيت ... مالی کلمات: قد صلحت سریرتی، و قرب من مجالس التوايين مجلسی، عرضت لی بلیة أزلت قدمی، و حالت بینی و بین خدمتک، سیدی: لعلک عن بابک طردتني و عن خدمتک نحیتني، أو لعلک رأيتني مستخفا بحرمتک فاقصیتني، أو لعلک رأيتني معرضا عنک فقلیتني، أو لعلک وجدتني فی مقام الکاذبين فرفضتني، أو لعلک رأيتني غیر شاکر لنعمائک فحرمتني، أو لعلک فقدتني من مجالس العلماء فخذلتني، أو لعلک رأيتني فی الغافلین فمن رحمتک أیستني، أو لعلک رأيتني الف مجالس البطالین فبینی و بینهم خلیتني، أو لعلک لم تحب أن تسمع دعائی فباعدتني، أو لعلک بجرمی و جریرتی کافیتني، أو لعلک بقله حیائی منک جازیتني فإن عفوت یا رب فطالما عفوت عن المذنبین قبلی، لأن کرمک أي ربّ یجل عن مکافأة المقصرین ...»

(۱) «خداوندا من چندان که تصمیم گرفتم و با خود گفتم و خود را آماده و مهیای طاعت تو کردم و در پیشگاه تو به نماز ایستادم و با تو به راز و نیاز ایستادم و در وقت نماز خواندن خواب را بر من مستولی کردی و حال راز و نیاز در وقت مناجات را از من باز گرفتی ... خداوندا! چه شد که هر چه با خود عهد کردم و گفتم که از این پس باطنم نیکو خواهد شد و به مجالس و مجامع توبه کاران نزدیک خواهم شد، بلیه و حادثه‌ای پیش آمد که به عهدم ثابت قدم و پایدار نماندم و آن حادثه بین من و محضر تو فاصله افکند؟! سرور من! شاید تو مرا از درگاه لطف خود رانده‌ای و از خدمت بندگی دور کرده‌ای و یا این که دیدی من حق بندگی تو را سبک

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۲۸

شمردم بدین جهت مرا از درگاهت راندی و یا آن که دیدی من از تو رو گرداندم به این سبب بر من خشم گرفتی یا آن که در مقام دروغگویم یافتی از نظر عنایت خود دور انداختی یا شاید دیدی که نسبت به نعمتهایت ناسپاسم مرا محروم ساختی و یا شاید مرا در مجالس اهل دانش نیافتی به خواری و ذلتم کشیدی و یا شاید مرا در میان اهل غفلت یافتی به این جرم از رحمت خودت مرا ناامید کردی و یا شاید مرا در مجالس اهل باطل دیدی که من با آنها انس دارم مرا در میان آنان واگذاشتی، گویا تو دوست نداشتی که دعا و درخواست مرا بشنوی مرا از درگاهت دور کردی و یا شاید به جرم گناهانم مکافات و کیفرم کردی و یا شاید به

کم حیایی در حضورت مرا مجازات کردی- به هر حال- خداوند! اگر مرا عفو کنی (که شایسته بزرگی توست) پیش از من چه بسیار از گنهکاران را عفو کرده‌ای چرا که لطف و کرمت بالاتر و برتر از آن است که مقصران را به کیفر رسانی...»

(۱) امام علیه السلام در این بخش از دعا، به اموری اشاره کرده است که در حال نماز و مناجات انسان را از توجه به خدا بازمی‌دارند، برخی از آن امور به شرح زیر است:

۱- سبک شمردن حقوق الهی، به نحوی که باعث خوار شمردن آنها گردد.

۲- رو گرداندن و غفلت از خدا.

۳- خودداری نکردن از دروغ که ریشه تمام رذایل و گناهان است. (۱)

۴- ناسپاسی نسبت به نعمتهایی که خداوند به بنده‌اش عطا فرموده است.

(۱) در حدیث آمده است: «الکذب مفتاح کل شر» دروغ کلید همه بدیهاست- م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۲۹

۵- همنشین نشدن با دانشمندان و علمای راستین که انسان را به یاد سرای آخرت می‌اندازند و به کارهای نیک وادار می‌نمایند.

۶- غفلت از یاد خدا و فراموش کردن مرگ که این دو باعث جلب انسان به شقاوت و هلاکت می‌شوند.

۷- همنشینی با اهل باطل که اوقات خود را به بیهودگی می‌گذرانند و عمر خود را در کارهای بیهوده و هرزگی تباہ می‌کنند، زیرا که مجالس آنان باعث رو بر تافتن از خدا می‌شود (۱).

این بود بخشی از اموری که مانع توفیق پیوستن به خدا گشته و آدمی را از انجام کار خیر بازمی‌دارند، خداوند ما را از این امور نگهدارد! و باز به بخش دیگری از این دعای شریف گوش می‌سپاریم:

(۱) «الهی و سیدی و عزتک و جلالک لئن طالبتنی بذنوبی لأطالبنک بعفوک، و لئن طالبتنی بلؤمی لأطالبنک بکرمک، و لئن ادخلتنی النار لأخبرن أهل النار، بحبی لک، الهی و سیدی إن كنت لا تغفر إلا لأولیائک، و أهل طاعتک فإلی من یفرع المذنبون، و إن كنت لا تکرّم إلا أهل الوفاء بک فبمن یتستغیث المستیثون الهی إن ادخلتنی النار ففی ذلک سرور عدوک- یعنی الشیطان الرجیم- و إن ادخلتنی الجنة ففی ذلک سرور نییک، و أنا و الله أعلم أن سرور نییک أحب إلیک من سرور عدوک...»

«خداوند ای مولای من به عزت و جلالت قسم که اگر مرا به گناهانم بازخواست کنی من هم به عفو و کرمت از تو بازخواست خواهم کرد و اگر از من به پستی و خواریم مؤاخذه کنی من هم به بزرگواریت از تو بازخواست خواهم کرد و اگر مرا به آتش دوزخ وارد کنی، اهل دوزخ را از محبت خودم نسبت به تو آگاه می‌سازم، ای خدای من و ای مولای من!

(۱) مصباح شیخ طوسی و مصباح کفعمی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۳۰

اگر تو بر غیر اولیا و بندگان فرمانبر خود نبخشایی پس گنهکاران به درگاه چه کسی تضرع و زاری کنند و اگر تو با غیر وفاداران، اکرام و احسان نکنی پس بدکاران به درگاه چه کسی پناه ببرند؟ خدای من! اگر مرا در آتش بیندازی دشمنت شیطان شاد می‌گردد و اگر به بهشت ببری پیامبرت (حضرت محمد- صلی الله علیه و آله-) شادمان می‌گردد، به خدا سوگند که من یقین دارم تو شادمانی پیامبرت را از شادی دشمنت دوست‌تر داری...»

(۱) برآستی که سرور و آقای پرهیزگاران و پیشوای عارفان امام سجاد علیه السلام از آفریدگار بزرگ که رحمتش همه چیز را فرا گرفته است درخواست عطف توجه کرده و از او برای گنهکاران و کسانی که در عبادت و بندگی او تقصیر کارند طلب آمرزش و

رضوان کرده است زیرا که فیض و بخشش او منحصر به مؤمنان و مطیعان نیست بلکه شامل حال تمام بندگان است. و با این مقدار از فرازهای گزیده از دعای شریف امام علیه السلام سخن ما درباره دعای سحر شبهای ماه مبارک رمضان آن حضرت پایان می‌پذیرد.

(۲)

دعای امام در وداع ماه رمضان

اشاره

امام زین العابدین علیه السلام موقعی که ایام ماه مبارک رمضان به آخر می‌رسید سخت ناراحت می‌شد زیرا که آن ایام بهار نیکوکاران می‌باشد، همواره امام علیه السلام با این دعای شریف ماه مبارک رمضان را وداع می‌گفت:

اللَّهُمَّ يَا مَنْ لَا يَرْغَبُ فِي الْجَزَاءِ، وَلَا يَنْدُمُ عَلَى الْعَطَاءِ، وَيَا مَنْ لَا يَكْفِي عِبْدَهُ عَلَى السَّوَاءِ، مَنَّكَ ابْتِدَاءً، وَ عَفْوَكَ تَفْضُّلاً، وَ عَقُوبَتَكَ عَدْلًا، وَ قَضَاؤَكَ

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۳۱

خیره ان اعطيت لم نشب عطاءك بمنّ، و ان منعت لم يكن منعك تعدّيًا تشكر من شكرك، و انت الهمته شكرك، و تكافؤي من حمدك، و انت علمته حمدك، تستر علي من لو شئت فضحتّه، و تجود علي من لو شئت منعتّه، و كلاهما اهل منك للفضيحة و المنع غير أنّك بنيت افعالك على التّفَضُّل، و اجريت قدرتك على التّجاوز، و تلقّيت من عصاك بالحلم، و امهلت من قصد لنفسه بالظلم تستنظرهم باناتك الى الإنباء، و تترك معاجلتهم الى التّوبه، لكيلا يهلك عليك هالكهم، و لا يشقى بنعمتك شقيهم الّا عن طول الإعذار إليه، و بعد ترادف الحجّة عليه، كرما من عفوك يا كريم، و عائده من عطفك يا حلیم ...

«خداوندا ای کسی که هیچ‌گاه در برابر عطا و بخشش خود پاداش نمی‌خواهی و ای آن که از بذل مرحمت و بزرگواری پشیمان نمی‌شوی، و ای خدایی که بر همه بندگان خوب و بد یکسان پاداش نمی‌دهی، احسان و محبت تو بر مخلوق در برابر طاعت نیست و عفو و بخشش صرف تفضل است و مجازات و کیفر گنهکاران نیز عین عدالت است و قضای تو بر اساس مصلحت و خیرخواهی است. خداوندا! اگر به بندگان چیزی عطا کنی هیچ‌گاه آن را با منت گذاشتن آمیخته نمی‌سازی و اگر چیزی را از کسی منع می‌کنی و به او نمی‌دهی نه از باب ظلم و تعدی است، تو آن بخشنده‌ای هستی که بر سپاسگزاران پاداش شکرگزاری می‌دهی در حالی که تو خود، آن سپاسگزاری را به او الهام کرده‌ای و به هر که حمد و سپاس تو را گوید پاداش می‌دهی در حالی که تو آن حمد و سپاس را به او آموخته‌ای، خداوندا! تو با این که می‌توانی بنده‌ات را رسوا کنی، بدیهای او را می‌پوشانی و با این که اگر بخواهی می‌توانی احسان نکنی با این همه

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۳۲

مورد لطف و کرمت قرار می‌دهی، در صورتی که هر دوی اینها شایسته رسوایی و ندادن نعمت بودند جز این که تو همه اعمال و رفتار خود را بر اساس لطف و بزرگواری انجام می‌دهی و همه قدرت خود را در مورد عفو و گذشت از بندگان به کار می‌بندی و با معصیت کاران با حلم و بردباری رفتار می‌کنی و به کسانی که به خود ستم می‌کنند فرصت می‌دهی تا با حلم و شکیبایی تو مجالی پیدا کرده از غفلت بیرون آیند و به سوی تو برگردند تا آنان که مستوجب عذابند، هلاک نشوند و کسانی که اهل شقاوتند از رحمت تو محروم نگردند- مگر آن که با همه حلم و صبر تو و حجت‌های پیاپی که بر او تمام کردی بازهم به شقاوت خود بمانند- و از کرم تو برخوردار شوند ای خدای بخشنده و به اقیانوس رحمت بازگردند ای خدای صبور! ...»

ناگزیریم که در اینجا توقفی کوتاه داشته باشیم تا درباره این فرازهای نورانی از سخنان امام علیه السلام دقت کنیم، این جملات ارزنده مشتمل بر مطالب ذیل است:

(۱)

۱- بخشندگی و کرم خدا

اما کرم و بزرگواری و بخشش خداوند بر بندگان آن طوری که امام علیه السلام فرموده به شرح زیر است:

الف- نعمت خداوند متعال بر بندگان به امید پاداشی از جانب ایشان نیست زیرا که خدای تعالی بی نیاز از بندگان اوست آنان نیازمند او هستند.

ب- خدای متعال هر چند نعمت بزرگی را شامل حال بنده‌ای از بندگانش بفرماید هرگز از احسان و لطف خود پشیمان نمی‌شود آن طوری که مخلوقات در بذل و بخششهای خود وقتی که فایده‌ای به حال آنها نداشته باشد، پشیمان می‌گردند.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۳۳

ج- همانا نعمتهای الهی همراه با منت نیست زیرا که خدای تعالی از باب لطف و از راه تفضل نعمت می‌دهد.

د- خدای تعالی بدون مقدمه و بی چشمداشت به بندگان احسان و کرم می‌کند.

(۱)

۲- عفو و مجازات خدا

اما عفو و گذشت پروردگار از گنهکاران و بدکاران، از باب لطف و رحمت است و اما مجازات و کیفر ایشان عین عدالت می‌باشد زیرا که جز به مقدار استحقاق گنهکار مجازات نمی‌فرماید.

(۲)

۳- قضای الهی

اما قضای الهی و صدور افعال از باری تعالی، از روی اختیار است و ذات مقدس او، چنان که بعضی از فلاسفه می‌گویند، در افعال خود مجبور نیست.

(۳)

۴- سپاس خدا از سپاسگزاران

خدای متعال از کسانی که شکر نعمت او را می‌گزارند، با عنایت بیشتر و افزون کردن الطاف و افزایش نعمتهای خود بر ایشان قدردانی می‌کند و مقصود از شکرگزاری خداوند از بنده، همین است همچنین بر کسی که حمد و سپاس او را بگوید پاداش می‌دهد و الطافش را به او ارزانی می‌دارد.

(۴)

۵- پرده‌پوشی از گناه

از جمله الطاف خداوندی بر بنده‌اش، پرده‌پوشی در هنگام ارتکاب معصیت اوست در صورتی که اگر اراده فرماید او را رسوا

می‌کند و در انظار مردم بی‌اعتبار می‌سازد، همچنان که الطاف خداوند بر گنهکار آن است که بر او کرم می‌کند و روزی می‌دهد در حالی که اگر بخواهد مانع می‌شود و او را از گرسنگی
تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۳۴

می‌میراند و لیکن اراده خداوند بر این تعلق گرفته است که از گناه گنهکاران بگذرد به امید این که فرصتی پیدا کنند و به راه حق و هدایت برگردند و کسی از آنان نگویند نگرند مگر آن که بر گنهکاری و دوری از حق پافشاری و اصرار ورزد ...
این بود قسمتی از محتوای کلمات امام علیه السلام و اینکه به فرازهای دیگری از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم.

(۱) انت الّذی فتحت لعبادک بابا الی عفوک، و سمّیته التّوبه، و جعلت علی ذلک الباب دلیلا. من وحیک لئلا یضلّوا عنه، فقلت تبارک اسمک: توبوا الی الله توبه نصحاً عسی ربکم ان ینکف عنکم سیئاتکم و یدخلکم جنات تجری من تحتها الأنهار یوم لا یحزی الله النبی و الذین آمنوا معهُ نورهم یشعی بین یدیهیم و بأیمانهم یقولون ربنا اتمم لنا نورنا و اغفر لنا انک علی کل شیء قدیّر «۱»
فما عذر من اغفل دخول ذلک المنزل بعد فتح الباب و اقامه الدلیل، و انت الّذی زدت فی السّوم علی نفسک لعبادک، ترید ربهم فی متاجرهم لک، و فوزهم بالوفاده علیک، و الزیاده منک، فقلت تبارک اسمک و تعالیت: من جاء بالحسنه فله عشر أمثالها و من جاء بالسئره فلا یجزی إلا مثلها «۲» و قلت: مثل الذین ینفقون أموالهم فی سبیل الله کمثل حبه أنبتت سبع سنبال فی کل سنبله مائه حبه و الله یضاعف لمن یشاء «۳» و قلت: من ذا الّذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاعفه له * «۴» اضعافاً کثیره، و ما انزلت من

(۱) تحریم / ۸

(۲) انعام / ۱۱۰

(۳) بقره / ۲۶۱

(۴) حدید / ۱۱

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۳۵

نظائرهنّ فی القرآن من تضاعیف الحسنات، (۱) و انت الّذی دللتهم بقولک من غیبک و ترغیبک، الّذی فیہ حظهم علی ما لو سترته عنهم، لم تدرکه ابصارهم، و لم تعه اسماعهم، و لم تلحقه اوهامهم، فقلت: فاذکرونی اذکوکم و اشکروا لی و لا تکفرونی «۱» و قلت: لئن شکرتکم لأزیدنکم و لئن کفرتکم إن عذابی لشدید «۲» و قلت:

ادعونی أستجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین «۳» فسّمیت دعائک عبادۀ و ترکه استکبارا، و توعدت علی ترکه دخول جهنم داخرین، فذکروک بمنک، و شکروک بفضلک، و دعوک بامرک، و تصدقوا لک طلباً لمزیدک، و فیها کانت نجاتهم من غضبک، و فوزهم برضاک، و لو دلّ مخلوق مخلوقاً من نفسه علی مثل الّذی دللت علیه عبادک منک کان موصوفاً بالاحسان، و منعوتاً بالامتنان، و محموداً بكلّ لسان فلک الحمد ما وجد فی حمدک مذهب، و ما بقی للحمد لفظ تحمد به، و معنی ینصرف الیه، یا من تحمد الی عبادۀ بالإحسان و الفضل، و غمرهم بالمنّ و الطول ما افشى فینا نعمتک، و اسبغ علینا منتک، و اخصنا ببرکک، هدیتنا لدینک الّذی اصطفیت، و ملّتک الّتی ارتضیت، و سیلک الّذی سهّلت و بصرتنا الزلفه لیدیک، و الوصول الی کرامتک

...

(۱) «خداوندا تویی که همیشه دری به روی بندگانت به سوی عفو و بخشش

(۱) بقره / ۱۵۲

(۲) ابراهیم / ۷

(۳) غافر / ۶۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۳۶

خود گشوده‌ای و آن را توبه نامیده‌ای و برای توبه راهنمایی از طریق وحی گمارده‌ای تا بندگان تو آن را گم نکنند و تو ای خداوند بزرگ فرموده‌ای:

(ای مؤمنان به درگاه خدا توبه نصوح کنید، باشد که خداوند از گناهان شما بگذرد و شما را در باغ بهشت جا دهد که زیر درختانش نهرها جاری است، در آن روزی که خداوند پیامبر و سایر گروندگان به او را خوار و ذلیل نمی‌سازد، در آن روز نور ایشان در پیش رو و سمت راست آنها می‌رود و در آن حال گویند پروردگارا تو نور ما را به حد کمال رسان و ما را ببخش که تنها تو بر هر چیز توانایی). پس خداوند با بانه گنهکارانی که در اثر غفلت خود توبه را به تأخیر اندازند با وجود باز بودن در توبه و اقامه دلیل، چیست؟! در صورتی که تو در معامله با بندگان، رعایت سود آنها را بر خود لازم دانسته‌ای و مایلی که آنها در معاملات خود با تو سود ببرند و هنگامی که پس از مرگ بر تو وارد می‌شوند سعادت‌مند شوند و علاوه بر مزدشان، پاداش عطا فرمایی، خداوند تو که نام مقدس گرامی است فرموده‌ای: (هر کس کار نیک انجام دهد، ده برابر پاداش می‌بیند و هر که عمل بدی به جا آورد کیفی معادل آن را می‌بیند). و نیز فرموده‌ای: (مثل کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند مانند دانه گندمی است که کاشته می‌شود و از هر دانه هفت خوشه می‌روید و در هر خوشه صد دانه دارد، و خداوند به هر که خواهد بیش از آن هم عطا می‌کند). و باز فرموده‌ای: (کیست که به خداوند قرض الحسنه دهد تا آن که خداوند چندین برابر آن را به وی پاداش مرحمت کند؟) و دیگر آیاتی را که نظیر اینها درباره چندین برابر بودن پاداش حسنات فرو فرستاده‌ای، و تو ای خداوند بزرگ با این سخنانی که از عالم غیب فرستاده‌ای بندگان را به نیکی و نیکوکاری ترغیب و تشویق کرده‌ای تا از دریای بیکران احسان تو بهره‌مند شوند که اگر تو اینها را از مردم پنهان می‌داشتی مردم آن حقایق را نه به چشم می‌دیدند و نه به گوش می‌شنیدند و نه فکرشان به آنها می‌رسید، و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۳۷

(۱) نیز فرمودی: (- ای بندگان من - مرا به یاد آورید تا من هم شما را یاد کنم و سپاسگزار نعمتهای من باشید و ناسپاسی نکنید). و باز فرموده‌ای:

(اگر سپاسگزاری کنید نعمتها را افزون کنم و اگر ناسپاسی کنید عذاب من دشوار خواهد بود) و فرموده‌ای: (مرا بخوانید تا دعای شما را بپذیرم و کسانی که از عبادت من رو گردان شوند بزودی با ذلت و خواری وارد جهنم خواهند شد). خداوند! تو دعا و درخواست بندگان را عبادت نامیده‌ای و ترک مناجات و تضرع را تکبر و استکبار خوانده‌ای و ترک دعا و تضرع به درگاهت را باعث عذاب توأم با ذلت و خواری شمرده‌ای. خداوند! اینک که به لطف تو، توفیق دعا را یافته و به دستور تو جرأت درخواست از تو را پیدا کرده‌اند و به خاطر تو به مستمندان صدقه می‌دهند و امیدوار افزایش احسان تو هستند، در حالی که همان دعا باعث نجات آنان از غضب تو شده و آنان را به مرحله رضا و خشنودی تو می‌رساند. اگر یکی از بندگان با دیگری چنین رفتار می‌کرد بطور یقین به احسان و نیکوکاری معروف می‌شد، پس خداوند! حمد و سپاس تو را به حدی که فهم و ادراک ما برسد به جا می‌آوریم، ای خدایی که با فضل و احسان بی‌انتهایت بندگان را غرق نعمت کرده و به حمد و ثنایت واداشته‌ای، چقدر عنایت خود را درباره ما ظاهر ساخته‌ای و نعمتهای خویش را بر ما ارزانی داشته‌ای و ما را به دینی که برگزیده توست هدایت نموده‌ای و ما را جزو ملتی قرار داده‌ای که آنها را پسندیده و راه هدایت خود را به آنان نشان داده‌ای و برای تقرب به پیشگاهت و پیوستن به دریای کرمیت به ما چشم بصیرت عطا کرده و به سوی خود دعوت فرموده‌ای - «(۱) امام علیه السلام در این بخش از سخنان خود، از لطف بیکران و فضل بی‌پایان پروردگار نسبت به گنهکاران از بندگان سخن گفته است که خداوند در توبه و آمرزش را برای نجات ایشان از

هلاکت و رهایی از عذاب در عالم

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۳۸

آخرت به روی ایشان گشوده است و توبه است که گناهان را زایل کرده و آدمی را از گردابه‌های هولناک نجات می‌دهد، با این شرط که انسان توبه کار واقعاً پشیمان شده و از گناهی که مرتکب شده است نادم باشد و دوباره تکرار نکند.

(۱) امام علیه السلام از لطف دیگر پروردگار نسبت به بندگانش سخن گفته است و آن عبارت از تشویق انسانها به احسان و نیکی به مردم و صدقه و انفاق بر فقرا و مستمندان است و در برابر این احسان و انفاق پاداش فراوانی را در سرای آخرت و جهان ابدی برای ایشان ضمانت فرموده است و تمامی اینها برای نجات و سعادت بندگان می‌باشد، برآستی که چقدر لطف او فراوان و فضل و احسانش نسبت به بندگان بی حساب است! امام علیه السلام در این بخش از دعا، به شکر و سپاس نعمتهای الهی اشاره فرموده است که خود باعث افزونی نعمت است، و همچنین دعا و تضرع به درگاه باری تعالی را مطرح کرده که خداوند متعال دعا را عبادت دانسته و ترک دعا و زاری را بر حسب بیان و اظهار قرآن مجید سرکشی و استکبار شمرده است. و اینک به بخش دیگری از این دعا شریف توجه می‌کنیم:

(۲) اللَّهُمَّ و انت جعلت من صفایا تلك الوظائف، و خصایص تلك الفروض، شهر رمضان الذي اختصته من سائر الشهور، و تخیرته من جميع الأزمنة و الدهور، و اثرته على كل اوقات السنة بما انزلت فيه من القرآن و التور، و ضاعفت فيه من الإيمان و فرضت فيه من الصيام، و رغبت فيه من القيام، و اجللت فيه من ليلة القدر التي هي خير من الف شهر، ثم آثرتنا به على سائر الأمم، و اصطفتنا بفضله دون اهل الملل فصمنا بامرک نهارة، و قمنا بعونک ليله، متعرضين بصيامه و قيامه لما عرضتنا له من رحمتک، و تسبنا اليه من ثوبتک. و انت الملىء بما رغب فيه اليك، الجواد بما سألت من فضلك،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۳۹

القريب الى من حاول قربك، و قد اقام فينا هذا الشهر مقام حمد، و صحبنا صحبة مبرور و اربحنا افضل ارباح العالمين، ثم قد فارقتنا عند تمام وقته، و انقطاع مدته و وفاء عدده، فنحن مودعوه وداع من عز فراقه علينا و غمنا، و اوحشنا انصرافه عنا، و لزمنا له الذمام المحفوظ، و الحرمة المرعية و الحق المقضى ...

«خداوندا تو به لطف و احسان خودت، یکی از بهترین وظایف و خصوصی‌ترین تکلیفها، فریضه‌های ماه مبارک رمضان را مقرر فرموده‌ای و به واسطه همین ویژگیها این ماه را نسبت به ماههای دیگر ممتاز کرده‌ای و از میان همه زمانها و روزگاران این ماه را برگزیده‌ای و بر تمام اوقات سال به واسطه نزول قرآن و نور هدایت ترجیح داده‌ای و در این ماه اجر و ثواب ایمان و کارهای نیک را چندین برابر فرموده و روزه گرفتن را به مردم واجب کرده‌ای و مردم را برای ادای نماز و شب‌زنده‌داری در شبهای این ماه، ترغیب و تحریص نموده‌ای و در این ماه شب قدر را گرامی داشته‌ای که فضیلت عبادت در آن شب از هزار ماه بالاتر است. وانگهی ما امت اسلامی را به واسطه روزه ماه رمضان و شب قدرش بر سایر امتها برتری داده‌ای، پس ما به فرمان تو روزهای آن را روزه دار و شبهایش را به یاری و توفیق تو به اقامه نماز می‌پردازیم و هدف ما از روزه و نماز در این ماه این است که مشمول رحمت و احسان تو گردیم و وسیله‌ای برای آن باشد که شایستگی ثواب و اجر تو را که در این ماه مقرر داشته‌ای، به دست آوریم، همان طوری که مقصود تو از واجب کردن روزه و مقرر داشتن اعمال شب قدر، آن است که بندگان خود را شایسته رحمت و سزاوار احسان خودسازی در صورتی که تو از این اطاعت و عبادت بی‌نیازی و هر چه می‌خواهند بلاعوض می‌بخشی و به هر بنده‌ای که به درگاهت تقرب جوید بسیار نزدیکی. خداوندا! تو مقام این ماه را در میان ما امت اسلامی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۴۰

پسندیده و گرامی داشته‌ای و برای ما هم مصاحب خوبی شده و عالیترین سود را در این ماه، از میان تمام مردم جهان به ما عطا

فرمودی. سپس موقعی که این ماه پایان گرفت و ما آن را وداع گفتیم، اما همچون کسی که فراقش بر ما گران است از آن جدا شدیم، عهد موّدت آن در دل‌های ما محفوظ است و ما خود را مدیون آن می‌دانیم و حق آن را رعایت کرده و حرمت آن را پاس می‌داریم ...»

(۱) امام علیه السلام با این عبارات به فضیلت ماه مبارک رمضان اشاره فرموده است که خداوند آن را بر سایر ماهها امتیاز داده و فضایل فراوانی را به این ماه شریف اختصاص داده است، روزه این ماه را واجب کرده و شب‌زنده‌داری و عبادت و اطاعت خود را در آن مستحب فرموده است و مزد و اجر اعمال نیک را در این ماه چندین برابر مقرر داشته و تنها در این ماه، شب قدر را که بهتر از هزار ماه است، قرار داده و مسلمانان را فقط به چنین افتخاری نایل کرده و به آنها چنین نعمتی را ارزانی داشته است نه بر سایر امتهای، به خاطر آن که در پیشگاه او به درجات بالاتر و مقامات عالیّه برسند ... و امام علیه السلام اندوه خود را در مورد جدایی از این ماه با عظمت که در هر ثانیه آن حسنات و اعمالی را به دست می‌آورد که هر چه بیشتر باعث نزدیکی او به درگاه الهی می‌گردید، ابراز می‌دارد.

و اینک به قسمت دیگری از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

(۲) فنحن قائلون: السلام عليك يا شهر الله الأكبر، و يا عيد اوليائه السّلام عليك يا اكرم مصحوب من الأوقات، و يا خير شهر في الأيام و السّاعات، السّلام عليك من شهر قربت فيه الآمال، و نشرت فيه الأعمال، السّلام عليك من قرين جلّ قدره موجودا، و افجع فقده مفقودا، و مرجوّ آلم فراقه، السّلام عليك من اليق انس مقبلا فسّر، و أوحش منقضيّا فمضّ، السّلام عليك من مجاور رقت فيه القلوب، و قلت فيه الذّنوب، السّلام عليك من ناصر اعان

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۴۱

على الشّيطان، و صاحب سهّل سبيل الإحسان، السّلام عليك ما اكثر عتقاء الله فيك! و ما اسعد من رعى حرمتك بك! (۱) السّلام عليك ما كان امحاك للذّنوب! و استرك لأنواع العيوب! السّلام عليك ما كان اطولك على المجرمين! و اهيك في صدور المؤمنين! السّلام عليك من شهر لا تنافسه الأيام، السّلام عليك من شهر هو من كلّ امر سلام، السّلام عليك غير كرهه المصاحبه، و لا ذميمه الملايسه، السّلام عليك كما وفدت علينا بالبركات و غسلت عنّا دنس الخطيئات، السّلام عليك غير مودّع برما، و لا متروك صيامه سأمًا، السّلام عليك من مطلوب قبل وقته، و محزون عليه قبل فوته، السّلام عليك كم من سوء صرف بك عنّا، و كم من خير افيض بك علينا، السّلام عليك و على ليله القدر التي هي خير من الف شهر، السّلام عليك ما كان احرصنا بالأمس عليك! و اشدّ شوقنا غدا اليك! السّلام عليك و على فضلک الذي حرمناه، و على ماض من برکاتک سلبناه ...»

«پس ما می‌گوییم: درود بر تو ای ماه بزرگ خدا و ای عید اولیای خدا! درود ای گرامیترین همدم و ای که در همه وقت بهترین مونس ما بودی. و درود بر تو ای ماهی که بهترین روزها و بهترین ساعتها را داشتی، درود بر تو ای ماهی که آمال و آرزوها را نزدیک می‌کردی و اعمال نیک در تو بیشتر از سایر ماهها انجام می‌گرفت، درود بر تو که همدم و همراه با عزت و جلال ما بودی و از فراق و دوری تو ما سخت نالانیم و مایه امید اهل ایمان بودی و دوریت دل آنان را به درد آورد. درود بر تو ای ماه عزیزی که با آمدن تو انس و نشاط آمد و با رفتن تو دلها را وحشت و غم فرا گرفت، درود

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۴۲

بر تو ای ماهی که در اثر همراهی با تو دل‌های ما رقت یافت و گناهان ما کمتر شد، درود بر تو ای ماه بزرگ که ما را در مبارزه با شیطان یاری کردی و راه احسان و نیکی را- که بر ما سخت و گران می‌آمد- سهل و آسان کردی، درود بر تو ای ماه عزیز، چقدر آزادشدگان از آتش دوزخ در تو فراوان بودند و چه خوشبخت شد آن که حرمت تو را پاس داشت درود بر تو که چقدر گناهان را که تو باعث از میان رفتن و انجام نگرستن آن شدی و چه عیبهایی که باعث پرده‌پوشی آنها گشتی! درود بر تو که چقدر احسانت بر

گنهکاران زیاد و هیبت و جلالت در دل اهل ایمان فراوان است، درود بر تو ای ماه عزیز که هیچ روزگاری در پاکی و زیبایی به پای تو نرسد، درود بر تو ای ماه خدا که خداوند به خاطر تو رحمت و سلام فرو فرستاد، درود بر تو، که مصاحبت تو هیچ سنگینی نداشت و هیچ گاه از بودن با تو احساس ناراحتی نکردیم، درود بر تو چنان که با رحمت و برکت بر ما نازل شدی ما را از بدی گناهان پاک و پاکیزه ساختی، درود بر تو نه خداحافظی از روی ملالت و نه آن که از روزه‌داری تو خسته شده و آن را ترک گفته‌ایم، درود بر تو ای ماهی که قبل از آمدن تو مشتاق دیدارت بودیم و هنگام رفتنت غمگینیم، درود بر تو که چه بسیار بديها به واسطه تو از ما برطرف شد و چه بسیار نیکیها که بر ما از طرف خداوند سرازیر گشت، درود بر تو و بر شب قدر تو که از هزار ماه بالاتر است، درود بر تو که چقدر به دیدار تو در گذشته اشتیاق داشتیم و چقدر به دیدار آینده‌ات علاقه‌مندیم! درود بر تو و بر فضیلت و شرف تو که با رفتنت از آن همه فضیلت محروم گشتیم و درود بر روزهای گذشته‌ات که از دست ما رفتند ...»

(۱) براستی که امام علیه السلام ماه مبارک رمضان را با این همه تحیات و درودهای گرم عطرآگین و با اشتیاقی آمیخته بر مرارت و تأسف از جدایی و فراق

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۴۳

آن، وداع می‌گوید، زیرا که این ماه شریف برای آن حضرت میدان کارهای خیر و اعمال پسندیده‌ای بود که باعث نزدیکی وی به خدای متعال می‌شد. امام علیه السلام ویژگیهای این ماه شریف و امتیازات آن را به ماههای دیگر بیان کرده است. و اینک به قسمت دیگری از این دعای شریف گوش می‌سپاریم:

(۱) «اللَّهُمَّ اَنَا اهل هذا الشَّهر الَّذِي شَرَفْتَنَا بِهِ، وَوَقَّعْتَنَا بِمَنِّكَ لَهُ، حِينَ جَهَلَ الْأَشْقِيَاءُ وَقْتَهُ، وَحَرَمُوا لَشِقَائِهِمْ فَضْلَهُ، اَنْتَ وَلِيٌّ مَا اَثَرْتَنَا بِهِ مِنْ مَعْرِفَتِهِ، وَهَدَيْتَنَا لَهُ مِنْ سُنَّتِهِ، وَقَدْ تَوَلَّيْنَا بِتَوْفِيقِكَ صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ عَلَيَّ تَقْصِيرًا، وَادِّينَا فِيهِ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ ...»

«خداوندا ما اهل و شایسته این ماه بزرگ تو بودیم که تو ما امت اسلامی را به این ماه شرافت دادی و ما را به لطف خود بر عبادت در این ماه موفق کردی در حالی که مردمان نگویند و اشقیای امت شرافت این ماه را نشناختند و به خاطر شقاوتشان از فضیلت این ماه محروم ماندند. خداوندا تو ولی نعمت مایی که ما را برای کسب فضیلت این ماه برگزیدی و به انجام وظایف و آدابش هدایت کردی و اینک ما با همه تقصیر خود به توفیق تو توانسته‌ایم روزه و نماز آن را به جا آوریم و اندکی از آداب فراوان این ماه شریف را انجام دهیم.

(۲) «اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ اِقْرَارًا بِالْاِسَاءَةِ، وَاعْتِرَافًا بِالْاِضَاعَةِ، وَ لَكَ مِنْ قُلُوبِنَا عَقْدُ التَّدَمُّمِ، وَ مِنْ اُلْسِنَتِنَا صَدَقُ الْاِعْتِذَارِ، فَاجْرِنَا عَلَيَّ مَا اَصَابْنَا فِيهِ مِنْ التَّفْرِيطِ اِجْرًا نَسْتَدْرِكُ بِهِ الْفَضْلَ الْمَرْغُوبَ فِيهِ، وَ نَعْتَاضُ بِهِ مِنْ اَنْوَاعِ الدَّخْرِ الْمَحْرُوصِ عَلَيْهِ، وَ اَوْجِبْ لَنَا عَذْرَكَ عَلَيَّ مَا قَصَّرْنَا فِيهِ مِنْ حَقِّكَ، وَ اَبْلِغْ بَاعِمَارِنَا مَا بَيْنَ اَيْدِينَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمَقْبَلِ، فَاِذَا بَلَغْتَنَاهُ فَاعْنًا عَلَيَّ تَنَاوُلَ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ مِنَ الْعِبَادَةِ، وَ اَدِّنَا اِلَى الْقِيَامِ بِمَا يَسْتَحِقُّهُ مِنَ الطَّاعَةِ، وَ اَجْرِنَا

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۴۴

من صالح العمل ما يكون در كا لحقك في الشهرين من شهر الدهر ...»

خداوندا! تو را سپاس می‌گویم و به بدکاری و نقص اعمالمان اعتراف داریم و برای این نقص و کاستی مان در دلهايمان احساس پشیمانی می‌کنیم و با زبانمان عذر و پوزش می‌طلبیم پس به عنایت خود در قبال این کاستیها اجر و پاداش کامل بر ما عطا فرما تا به لطف و رحمت تو بدان وسیله مشمول اجر اخروی گردیم، و عذر تقصیر ما را بپذیر و در مورد اعمالی که حق آنها را به جا نیاورده‌ایم از ما بگذر و عمرهای ما را تا ماه رمضان آینده طولانی فرما و چون عمر باقی دادی، توفیق بده تا به فیض عبادتی که شایسته در گاه توست نایل شویم و بر ادای نماز و طاعتی که سزاوار پیشگاه توست ما را موفق بدار و ما را به انجام اعمال شایسته و ادار تا بتوانیم حق طاعت تو را در دو ماه- رمضان گذشته و آینده- از ماهها ادا کنیم.

(۱) اللَّهُمَّ و ما الممنا به فی شهرنا هذا من لمم او اثم، او واقعنا فيه من ذنب و اكتسبنا فيه من خطيئة على تعمّد منّا، او انتهكنا به حرمة من غيرنا، فصلّ على محمّد و آله، و استرنا بسترک، و اعف عنّا بعفوک، و لا تنصبنا فيه لأعين الشّامتين، و لا تبسط علينا فيه السن الطّاعين، و استعملنا بما يكون حطّة و کفّارة لما انکرت منّا فيه برأفتک الّتی لا تنفد، و فضلک الّذی لا ینقص، اللَّهُمَّ صلّ علی محمّد و آله، و اجر مصیبتنا بشهرنا، و بارک فی یوم عیدنا و فطرنا، و اجعله من خیر یوم مرّ علینا، اجلبه لعفو، و امحاه لذنب، و اغفر لنا ما خفی من ذنوبنا و ما علن ...

پروردگارا در این ماه شریف هر گناه و لغزشی که از ما سرزده و یا از

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۴۵

روی عمد مرتکب خطایی شده‌ایم و یا از روی فراموشی به خودمان ستم روا داشته‌ایم و یا هتک حرمت دیگران را کرده‌ایم، اولاً بر محمد و آل محمد درود فرست و سپس همه آن گناهان را در پرده رحمت خود پوشیده دار و به عفو و کرم از ما درگذر و ما را در معرض سرزنش ملامتگران قرار مده و زبان طعنه‌گویان را بر ما بازگردان و ما را به راه خیری هدایت کن که باعث محو شدن و کفّاره گناهانمان باشد و به لطف و رحمت بی‌پایانت بر محمد و آل محمد درود فرست و مصیبت فراق این ماه عزیز را با لطف خودت جبران کن و روز عید را بر ما مبارک گردان و آن را از نظر عفو و گذشت بهترین روز ما قرار بده و آن را روز محو گناهان ما بگردان و تمام گناهان ظاهری و پنهانی ما را ببخش ...»

(۱) آیا به این همه تواضع و کرنش در برابر پروردگار بزرگ توجه دارید و ملاحظه می‌فرمایید که چگونه طلب مغفرت و بخشش می‌کند و در پیشگاه خداوند به تقصیر از انجام عبادت و طاعت چنان که شایسته ماه مبارک رمضان است، اعتراف دارد، این گوینده و وداع‌کننده امام زین العابدین علیه السلام است، الله اکبر!! حقاً که این امام بزرگوار تنها نمونه جهان پرهیزگاران و شایستگان است.

اینک به آخرین بخش این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

(۲) اللَّهُمَّ اسلخنا بانسلاخ هذا الشّهر من خطایانا، و اخرجنا بخروجه من سیئاتنا، و اجعلنا من اسعد اهله به، و اجزلهم قسما فيه، و اوفرهم حظّا منه، اللَّهُمَّ و من رعی حقّ هذا الشّهر حقّ رعایته، و حفظ حرمة حقّ حفظها، و قام بحدوده حقّ قیامها، و اتقى ذنوبه حقّ تقاها، او تقرب الیک بقربه اوجب رضاك له، و عطف رحمتك علیه، فهب لنا مثله من وجدك، و اعطنا اضعافه من فضلک،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۴۶

فانّ فضلک لا یغیض، و انّ خزائنک لا تنقص بل تفیض، و انّ معادن احسانک لا تنفی، و انّ عطاءک للعطاء المهنا ...

«خداوندا با تمام شدن این ماه، بین ما و خطاهایمان جدایی بینداز و با رفتن این ماه گناهان ما را از نامه اعمالمان محو گردان و ما را از جمله سعادت‌مندترین اشخاص در این ماه قرار بده و جزو کسانی محسوب بدار که بیشترین سهم و بهره را از این ماه شریف داشته‌اند، خداوندا هر کسی که بطور کامل رعایت حق این ماه را کرده و احترام آن را بطور شایسته نگهداشته و به شایستگی به حدود و وظایف این ماه قیام کرده و از ارتکاب گناهان کاملاً دوری جسته و یا به درگاه تو مقرب گشته و با کردار خود موجب رضای تو شده است، سهم ما را نیز از رحمت و کرم خود به اندازه سهم آن کس و چندین برابر بیشتر قرار بده، زیرا که لطف تو با بخشش و کرم کم نگردد و گنجینه‌های احسانت نه تنها کم نشود بلکه فزونتر گردد و معادن احسان تو بی‌پایانند و بخششهای تو گواراترین بخششهاست.

(۱) اللَّهُمَّ صلّ علی محمّد و آله، و اکتب لنا مثل اجور من صامه او تعیّد لک فی الی یوم القیامه، اللَّهُمَّ انا نتوب الیک فی یوم فطرنا الّذی جعلته للمؤمنین عیدا و سرورا، و لأهل ملّتک مجمعا و محتشدا من کلّ ذنب اذنبناه او سوء اسلفناه، او خاطر شرّ اضمرناه توبه من لا- ینطوی علی رجوع الی ذنب، و لا یعود بعدها فی خطیئة توبه نصحوا خلصت من الشّکّ و الارتیاب، فتقبلها منّا و ارض عنّا و

ثبتنا علیها ...

خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و همانند اجر و مزد تمام کسانی که روزه این ماه را گرفته و یا عبادت تو را تا روز قیامت به جا آورند به ما نیز مرحمت فرما، خدایا ما در روز عید فطری که تو آن را برای

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۴۷

مؤمنان عید و باعث خشنودی و سرور قرار داده‌ای و برای امت اسلامی محفل جشن و اجتماع با شکوه قرار داده‌ای از صمیم قلب از هر گناهی که قبلاً مرتکب شده‌ایم و یا عمل بدی که از ما سر زده است و یا هر فکر بدی که در دل ما خطور کرده است توبه می‌کنیم چنان توبه‌ای که دوباره به سوی گناه بر نگردیم و توبه نضوح که هرگز دوباره مرتکب گناه نشویم و توبه‌ای که هرگز آلوده به شک و تردید نباشد، پس خداوندا تو با لطف و کرمیت توبه ما را بپذیر و از ما راضی و خشنود باش و در این توبه ما را استوار بدار.

(۱) اللَّهُمَّ ارزقنا خوف عقاب الوعيد، و شوق ثواب الموعود حتى نجد لذة ما ندعوك به، و كآبة ما نستجيرك منه، و اجعلنا عندك من التوابين الذين اوجبت لهم محبتك، و قبلت منهم مراجعة طاعتك، يا اعدل العادلين. اللَّهُمَّ تجاوز عن آبائنا و أمهاتنا و اهل ديننا جميعا من سلف منهم، و من غير الی يوم القيامة. اللَّهُمَّ صلّ علی محمد نبينا و آله، كما صلّيت علی ملائكتك المقربين، و صلّ علیه و آله كما صلّيت علی انبيائك المرسلين، و صلّ علیه و آله كما صلّيت علی عبادك الصالحين، و افضل من ذلك يا رب العالمين، صلاة تبلغنا برکتها، و ينالنا نفعها، و يستجاب لها دعاؤنا، انك اكرم من رغب الیه، و اكفی من توكل علیه، و اعطى من سئل من فضله، و انت علی كلّ شیء قدير ... [«۱»].

پروردگارا به ما حالت ترس از مجازات و وعده عذاب و شوق ثواب و وعده پاداش مرحمت کن تا آن که لذت دعا و مناجات با تو، و دشواری عمل بدی را که باعث طلب عفو است در خود احساس کنیم و ما را از

(۱) صحیفه سجادیّه: دعای چهل و چهارم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۴۸

جمله توبه‌کنندگان قرار ده که محبت و دوستی خود را بر آنان لازم کرده‌ای و از آنان بازگشت به طاعت و بندگی را قبول کرده‌ای. ای عادلترین عادلان، خداوندا از گناهان پدران، مادران و همکیشان ما؛ همه آنهایی که از این دنیا رفته‌اند و کسانی که تا روز قیامت به دنیا می‌آیند، چشم‌پوشی کن و از همه در گذر. خداوندا بر پیامبر ما محمد و آل محمد درود فرست همان طوری که بر تمام فرشتگان مقرب درود و رحمت می‌فرستی و بر آن حضرت و خاندانش درود فرست چنان که بر پیامبران مرسلت درود و رحمت می‌فرستی و بر او و خاندان پاکش درود فرست همان طوری که بر بندگان شایسته‌ات درود و رحمت می‌فرستی و بلکه افضل و کاملتر از آنها، ای پروردگار جهان! چنان درود و رحمت کاملی که ما هم از آن بهره‌مند شویم و از برکات آن سود ببریم، و از آن رو دعاهای ما را مستجاب نما زیرا که تو بخشنده‌تر از هر کسی هستی که مردم اشتیاق بخشش او را دارند و از هر شخص مورد اعتماد موثوق‌تری و بخشنده‌ترین کسی هستی که مردم تقاضای بخشش کنند و تو بر هر کاری توانایی ...»

براستی این دعای شریف بلکه سایر دعاهای امام علیه السلام از کلماتی است که بر ژرفای دلها نشیند و قلبها را تکان می‌دهد و باعث نیروی تقوا و ایمان می‌گردد همچنان که گنهکاران را بر پشیمانی و حسرت و تأسف بر تقصیرات و نواقص اعمالش در برابر خدا وامی‌دارد.

(۱)

امام زین العابدین علیه السلام با دعا و تضرع در پیشگاه خدا به استقبال

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۴۹

عید فطر می‌رفت در حالی که از درگاه احدیت او قبولی روزه و سایر عبادات و اعمال نیکی را که در ماه رمضان انجام داده بود، درخواست می‌کرد و عفو و رضوان خدای متعال را مسألت می‌نمود، صبح زود به سراغ فقرا می‌رفت و زکات فطره خود و تمام کسانی را که نانخور او بودند به ایشان مرحمت می‌کرد و نماز عید را می‌خواند و پس از فراغت از نماز رو به قبله می‌ایستاد و این دعای شریف را می‌خواند:

(۱) «یا من یرحم من لا- یرحمه العباد، و یا من یقبل من لا تقبله البلاد، و یا من لا یحترق اهل الحاجه الیه، و یا من لا یخیب الملحین علیه، و یا من لا یجبه بالردّ اهل الدّالة علیه، و یا من یجتبی صغیر ما یتحف به، و یشکر سیر ما یعمل له، و یا من یشکر علی القلیل، و یجازی بالجلیل، و یا من یدنو الی من دنا منه، و یا من یدعو الی نفسه من ادبر عنه، و یا من لا یغیر النعمه، و لا یبادر بالنقمه، و یا من یثمر الحسنه حتّی ینمیها، و یتجاوز عن الشّیئنه حتّی یعفیها، انصرفت الآمال دون مدی کرمک بالحاجات، و امتلأت بفیض جودک اوعیه الطّلبات، و تفسّخت دون بلوغ نعتک الصّیفات، فلک العلوّ الأعلى فوق کلّ عال، و الجلال الأمجد فوق کلّ جلال، کلّ جلیل عندک صغیر، و کلّ شریف فی جنب شرفک حقیر، خاب الوافدون علی غیرک، و خسر المتعرّضون الّا لک، و ضاع الملمون الّا بک، و اجذب المتجعون الّا من انتجع فضلک، بابک مفتوح للزّاعین، و جودک مباح للسّائلین، و اغاثتک قریبه من المستغیثین، لا یخیب منک الآملون، و لا ییأس من عطائک المتعرّضون، و لا یشقی بنفمتک المستغفرون، رزقک مبسوط لمن عصاک، و حلمک معترض لمن

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۵۰

ناواک، عادتک الإحسان الی المسیئین، و سنّتک الإبقاء علی المعتدین، حتّی لقد غزتهم اناتک عن الزّجوع، و صدّهم امهالک عن التّزوع، و أنّما تأتیت بهم لیفیثوا الی امرک، و امهلتهم ثقّه بدوام ملکک، فمن کان من اهل السّیاده ختمت له بها، و من کان من اهل الشّقاوه خذلت له لها ...

«ای خدایی که رحم کننده بر کسی هستی که دیگران به او رحم نمی‌کنند و ای خدایی که پذیرای کسی هستی که هیچ شهر و دیاری او را پذیرا نیست، ای خدای مهربان که نیازمندان به درگاهت را به چشم حقارت نمی‌نگری و ای کسی که حاجتمندانی را که با اصرار از تو حاجت می‌طلبند، ناامید بر نمی‌گردانی و ای آن که دست رد به سینه بندگانی که با کبر و غرور به درگاهت می‌آیند نمی‌زنی، ای خداوندی که اعمال ناچیز بندگان را که به درگاهت هدیه می‌فرستند بر می‌گزینی و به اندک آنان سپاس می‌گویی و بر عمل ناچیز آنان اجر و مزد فراوان می‌دهی و ای خدایی که بر هر که به او تقرب جوید تو نیز به او نزدیک می‌شوی و از بندگانی که از روی طغیان از تو رو بر می‌گردانند با عنایت خود رفتار می‌کنی و ایشان را به سوی خود می‌خوانی، و ای آن که ناسپاسی بندگان باعث دگرگونی نعمت ایشان و اقدام به عذاب آنان نگردد، ای خداوندی که با مهربانی خود به ثمره نیکی نیکوکاران رشد و نمو بیشتر می‌دهی و به قدری از گناهان و بدیهای ایشان می‌گذری که گناهی در نامه عمل آنها نمی‌ماند، ای خدایی که آرزوهای بندگانت را- قبل از فرا رسیدن وقتش- به لطف خویش برآورده می‌کنی و تمام ظرفهای درخواست کنندگان را از فیض خود و کرمت پر می‌سازی، تو آن خداوندی هستی که توصیف همه توصیف کنندگان در پیش اوصاف جمال و جلال

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۵۱

تو بی‌ارزش است «۱» پس خدایا مقام والای تو برتر و بالاتر از همه مقامها و جلال و عظمت تو مافوق تمام بزرگیهاست، هر بزرگی در برابر تو کوچک، و هر شریفی در مقابل بزرگواری تو بی‌ارزش است، خداوندا هر که به غیر درگاه تو رو آورد ناامید و زیانکار

است و هر که از غیر تو حاجت طلبید محروم گشت و هر که به در خانه دیگری رفت عملش بیهوده و تباه است و هر که از جای دیگری جز از در خانه تو روزی طلبید دست خالی برگشت، در خانه تو به روی علاقه‌مندان باز و سفره احسانت برای مشتاقان گسترده و فریادرس تو نزدیک به فریادخواهان است و هیچ آرزومندی را ناامید بر نمی‌گردانی و هر کس به درگاه کرمت رو آورد نومید برنگشت و هر کس طلب آمرزش و مغفرت کرد، دچار قهر و غضب تو نگردید، خداوند روزی تو به گنهکاران ارزانی و حلم و بردباری تو نسبت به دشمنان فراوان است، رفتار تو نسبت به بندگان عاصی از روی کرم و احسان است و روش تو با تجاوزکاران مدارا کردن است و همین مدارا باعث غرور آنها شده و از بازگشت به درگاهت غافل گشته‌اند و مهلتی که برای بازگشت آنها داده‌ای آنها را مانع از بازگشتن به درگاه تو شده است در صورتی که تو به آنان مهلت داده‌ای تا دوباره به سوی تو بازگردند و از آن جهت مهلت داده‌ای که به جاودانگی ملکات اطمینان داشته‌ای و تو خواسته‌ای تا هر که شایسته سعادت است بتواند سعادت‌مند شود و هر که سزاوار شقاوت است (اتمام حجت شده) دچار خواری و ذلت گردد...»

(۱) امام سجاد علیه السلام در این بخش از دعای خود به الطاف الهی و فضل و کرم فراگیرش نسبت به بندگان توجه داده است که او خداوند مهربان است و

(۱) -

ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم‌وز هر چه گفته‌اند و شنیدیم و خوانده‌ایم
مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر ما همچنان در اول وصف تو مانده‌ایم (سعدی) م.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۵۲

نسبت به کسی که از غیر او بگسلد و جز او کسی را بخشنده نیابد، بخشنده و رحیم است همچنان که بخشش او شامل کسانی است که حکومتها او را طرد کرده‌اند و سراپای او را ترس و بیم فرا گرفته است. از جمله الطاف خداوند آن که نیازمندی را که به درگاهی او رو می‌آورند کوچک نمی‌شمارد و آن طوری که مردم به افراد محتاج به دیده حقارت می‌نگرند. و از بزرگی و رحمت اوست آرمانهای کسانی را که با پافشاری و اصرار از او درخواست و مسألت دارند ناامید نمی‌سازد، و از عظمت فضل و وسعت رحمت اوست که از بنده شایسته‌اش عمل ناچیز را می‌پذیرد و در مقابل به او پاداش فراوان می‌دهد و بندگان را دوست می‌دارد و به هر که به او نزدیک شود او نیز نزدیک می‌شود و کسانی را که به او پشت کرده‌اند دعوت می‌کند تا در سرای آخرت مقام و منزلت والایی مرحمت کند و آنان را از هلاکت نجات بخشد. و از جمله الطاف خدا بر بندگان آن که هر نعمتی را که به ایشان مرحمت کرده است دگرگون نمی‌سازد مگر آن که خود آنها باعث دگرگونی آن نعمت گردند، همچنان که خداوند تعالی به کار نیک نیکوکاران رشد و بالندگی می‌بخشد تا در عالم آخرت از آن برخوردار گردند ...

براستی که کرم و بخشندگی خداوند بی‌پایان است و اوصاف و تعریف از بیان آن ناتوان و قاصر. او بالاتر از همه چیز و فوق هر عظمت و جلال و برتر از هر بزرگ و بزرگواری است.

(۱) امام علیه السلام در دعای خود بر کسانی که به غیر خدا پناهنده می‌شوند و امید می‌بندند هشدار داده است که بدان وسیله رشته خیر از دست آنها بیرون رفته و آرزوهایشان نقش بر آب شده است و در معامله خود زیان برده‌اند همان طوری که هر کس به خدا امید بست سود برد و به رستگاری بزرگ نایل گشت. و نیز امام علیه السلام به حلم و بردباری خداوند متعال نسبت به تجاوزگران اشاره فرموده است که خداوند در مجازات ایشان شتاب نورزیده است بدان امید که شاید آنان بر سر عقل آمده و به فرمان خدا و به دامن پرمهر رحمت حق بازگردند ...

این بود برخی از اموری که این بخش از دعای امام علیه السلام مشتمل

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۵۳

بوده است و اینک به آخرین بخش از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

(۱) کَلِّهْم صائِرُونَ الی حَکْمِکَ، و امورهم آتله الی امرک، لم یهن علی طول مدّتهم سلطانک، و لم یدحض لترك معاجلتهم برهانک، حجّتک قائمه لا تدحض، و سلطانک ثابت لا یزول، فالویل الدائم لمن جنح عنک، و الخیئه الخاذله لمن خاب منک، و الشّقاء الأشقی لمن اغترّ بک، ما اکثر تصرّفه فی عذابک! و ما أطول تردّده فی عقابک! و ما ابعده غایته من الفرج! و ما اقتطه من سهوله المخرج! عدلا من قضائک لا- تجور فيه، و انصافا من حکمک لا تحیف علیه، فقد ظاهرت الحجج، و ابلیت الأعدار، و قد تقدّمت بالوعید، و تلطّفت فی التّریغیب، و ضربت الأمثال، و اطلت الإمهال، و اخرت و انت مستطیع للمعاجله، و تأنّیت و انت ملّی بالمبادره ...

«آری سرانجام، همه آنها به سوی فرمان تو بازمی‌گردند و عاقبت کار ایشان بازگشت به قدرت تو خواهد داشت چون هیچ‌گاه طول مدت سرکشی آنان به سلطنت جاودانه تو وضعی وارد نمی‌کند و این که تو در انتقام از سرکشان شتاب نمی‌ورزی، حجت بالغه تو بر آنها از بین نمی‌رود، پس بدبختی ابدی نصیب کسانی است که از تو رو برگردانند، خواری و ذلت شایسته و سزاوار آنهاست که از عطای فراگیر تو محروم باشند، بیچارگی از آن کسانی است که از رحمت و بخشش تو غافل باشند زیرا که آنها نمی‌دانند در اثر این غفلت چه مدت طولانی در آتش عذاب خواهند سوخت و چقدر در دوزخ کیفیت گرفتار می‌باشند! و چقدر سرانجام آنها از آسایش و راحتی بدور است! و چقدر از راه خلاص ناامیدکننده است! خداوندا تو عادلی که قضای تو درباره بندگان عدل محض است؛ به هیچ کس در آن ستم روا نمی‌داری و حکم تو، انصاف کامل

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۵۴

است که در اجرای آن به کسی ظلم نمی‌کنی، زیرا که تو در همه این کارهایت حجت و برهان را بر بندگان آشکار کرده‌ای و راه هر گونه عذر و بهانه را به روی آنان بسته‌ای، تو از پیش آنان را از عذاب گناهان ترسانده‌ای و با وعده و تشویق آنها را به ثواب و پاداش بندگیت لطف خود را به کمال رسانده‌ای و با مثلهای زیاد، عاقبت نیکوکاران را بیان کرده‌ای، مهلتهایی که بر ایشان طولانی کرده‌ای در حالی که تو می‌توانستی بسرعت در برابر گناهان ایشان انتقام بگیری، مجازات آنها را به تأخیر انداختی، و با تمام قدرت و توان، شتاب نورزیدی.

(۱) لم تکن اناتک عجزا، و لا امهالک وهنا، و لا امساکک غفله، و لا انتظارک مداراه، بل لتکون حجّتک ابلغ، و کرمک اکمل، و احسانک اوفی، و نعمتک أتم، کلّ ذلک کان و لم تزل، و هو کائن و لا تزال، حجّتک اجلّ من ان توصف بکلّها، و مجدک ارفع من ان تحدّ بکنهه، و نعمتک اکثر من ان تحصی باسرها، و احسانک اکثر من ان تشکر علی اقلّه، و قد قصّر بی السّیکوت عن تحمیدک، و فهنی الإمساک عن تمجیدک، و قصارای الإقرار بالحسور لا- رغبه- یا الهی- بل عجزا فها انا ذا أوّمک بالفاده، و اسالک حسن الزّفاده، فصلّ علی محمّد و آله، و اسمع نجوای، و استجب دعائی، و لا- تختم یومی بخبیتی، و لا تجبهنی بالردّ فی مسألتي، و اکرم من عندک منصرفی، و الیک منقلبی، انک غیر ضائق بما ترید، و لا عاجز عمّا تسأل، و انت علی کلّ شیء قدير، و لا حول و لا قوه الا باللّه العلیّ العظیم.» (۱)

(۱) صحیفه سجادیّه: دعای چهل و پنجم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۵۵

خداوندا این مدارای تو از روی عجز و ناتوانی نبوده و یا در اثر سهل‌انگاری در کار نمی‌باشد و این خودداری از کیفر آنان به خاطر غفلت از گناهان ایشان نبوده و یا نه برای آن که منتظر فرصت مناسب هستی، بلکه تنها به خاطر آن است که محبت خود را درباره

ایشان به حد کمال برسانی چه آن که حجت تو رساتر و بخشش تو کاملتر و احسان تو فراگیرتر و نعمت تو تمامتر است. و همه آنچه که گفته شد از ازل در حق مردم، مقرر فرموده‌ای و تا ابد هم مقرر خواهی داشت، حجت و برهان تو بالاتر از آن است که بتوان آن را توصیف کرد و بزرگواری و کرمیت بیش از آن است که کسی از عهده بیانش برآید و نعمتهای تو بیش از حد شمارش است و جود و احسان تو بیشتر از آن است که کسی بتواند در پایین‌ترین حد، آن را سپاس گوید، پس قاصر شدن و کوتاه آمدن از ادای شکر و سپاس تو مرا به سکوت واداشته و درماندگی از تمجید و تعظیمت مرا به خودداری از توصیف تو واداشته است «۱» این سکوت از حمد و ثنایت نه از آن جهت است که مایل و راغب نیستم بلکه با این سکوت می‌خواهم به منتهای عجز و ناتوانیم درباره حمد و سپاس تو اعتراف کنم. خداوندا با تمام وجودم با همه احساس عجز و ناتوانی به ستایش تو مشتاقم، و از درگاهت بهترین عطایا را درخواست می‌کنم، خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و از کرم و لطف این مناجات مرا بپذیر و دعایم را به اجابت برسان و عاقبت کارم را در این روز به ناامیدی مکشان، و دست رد بر پیشانیم مگذار و در ساحت قدس خود جایگاهم را گرمی دار و در بهشت برین جایم ده، چون تو به هر کاری اراده فرمایی توانایی و قدرت کامل تو در انجام هیچ کاری دچار تنگنا نگردد و قدرت لایزالی تو از درخواست

(۱)

– بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدا آورد

ور نه سزاوار خداوندیش کس نتواند که به جا آورد (گلستان سعدی) م

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۵۶

بندگان کاستی ندارد و هیچ نیرو و توانایی جز به قدرت خداوند یکتا، بلند پایه و بزرگ نیست.»

(۱) امام علیه السلام در این سخنان دربرابرش چنین می‌فرماید که تمام خلائق از مؤمن و فاسق، یکتاپرست و کافر همه و همه در قبضه قدرت خدای تعالی هستند؛ همگی در برابر فرمان او خاضع و سرانجام سر در خط فرمان اویند و اما سرکشی طاغیان و ادامه آنها در گمراهی و سرکشی و عصیان هیچ صدمه‌ای به قدرت و سلطنت پروردگار نمی‌رساند بلکه بدا به حال ایشان که دچار کیفر دائمی و عذاب همیشگی پروردگار می‌گردند و اگر خدای تعالی در این دنیا به آنان مهلت داده و نسبت به مجازات ایشان شتاب نمی‌ورزد تنها به خاطر محبت و لطفی است که به بندگان خود دارد و این عنایت را می‌فرماید که شاید به دامن محبت و دریای رحمتش باز گردند و در پیشگاه خداوند متعال توبه کنند و بدین وسیله کرم و بخشندگی او رساتر و نعمت و احسانش نسبت به بندگان کاملتر شود.

در اینجا سخن ما درباره روزه امام علیه السلام در ماه مبارک رمضان پایان می‌پذیرد که این بخش، مشتمل بر انواع عبادات و طاعات و خیرات و مبرات امام علیه السلام بود.

(۲)

حج امام

اما حج بیت الله الحرام، امام علیه السلام همواره به زیارت خانه خدا می‌رفت زیرا که آن بزرگوار در هر یک از اعمال حج، آرامش روحی و مرهمی برای جان و دل تفتیده‌اش می‌یافت که از مصائب و غمهای کربلا دلش کباب بود، امام سجاد علیه السلام دیگران را نیز بر اعمال حج و عمره تشویق می‌کرد به

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۵۷

خاطر فواید زیادی که بر این عمل عبادی مترتب است، می‌فرمود:

«اعمال حج و عمره به جا آورید تا تن درست باشید و روزیتان فراخ گردد و ایمان صالح پیدا کنید و بدین وسیله به هزینه زندگی مردم و خانواده‌تان کمک کنید.» (۱)

و نیز می‌فرمود:

«کسی که اعمال حج به جا آورد، آمرزیده است و بهشت بر او واجب می‌گردد و بدان وسیله بر گذشته اعمالش قلم عفو کشیده می‌شود و زن و فرزند و اموالش در امان است.» (۲)

و نیز می‌فرمود:

«کسی که بین صفا و مروه سعی کند، فرشتگان الهی از او شفاعت می‌کنند.» (۳)

همان طوری که آن حضرت بهنگام مراجعت حاجیان از بیت الله الحرام مردم را به تعظیم و بزرگداشت ایشان دعوت می‌کرد و می‌فرمود:

«وقتی که حاجیان از حج بر می‌گردند به آنها خوشامد بگویید و با ایشان مصافحه کنید و از ایشان تجلیل و احترام به عمل آورید تا شما هم در اجر و پاداش ایشان شریک باشید، پیش از آن که آنان دوباره، آلوده به گناه شوند!» (۴)

(۱) وسائل الشیعه: ۵/۸. تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام ج ۱ ۳۵۷ حج امام ص: ۳۵۶

(۲) من لا یحضره الفقیه: ص ۱۵۶، وسائل الشیعه: ۵/۸.

(۳) من لا یحضره الفقیه: ص ۱۵۹.

(۴) من لا یحضره الفقیه: ص ۱۵۵.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۵۸

اینک ما بطور اختصار به برخی از حالات و رفتار امام در وقت اعمال حج اشاره می‌کنیم:

(۱)

حج پیاده

امام سجاد علیه السلام همچون پدر بزرگوارش و عمویش امام حسن علیهما السلام بارها با پای پیاده به مکه رفت و در یکی از مسافرت‌هایش تا رسیدن به بیت الله، بیست روز طول کشید. (۱)

(۲)

حج سواره

امام علیه السلام بیست سفر با شتر به حج رفت و در این مسافرت‌ها عده زیادی به همراه آن حضرت بودند. مورخان می‌گویند: هرگز آن بزرگوار تازیانه‌ای به شترش نزد. (۲) ابراهیم بن علی می‌گوید: من سفری در خدمت علی بن حسین به مکه مشرف شدم، شتر آن حضرت مقداری درنگ کرد، امام علیه السلام با چوب‌دستیش اشاره‌ای به آن حیوان کرد اما دستش را رد کرد و او را نزد با این همه فرمود: «آه از قصاص!» و یک بار دیگر بین کوه‌های رضوی، شتر درنگ کرد، امام علیه السلام چوب‌دستیش را به او نشان داد و فرمود:

«باید حرکت کنی اگر نه من خواهم زد.»

(۱) بحار الانوار، و در عقد الفرید: ۳/ ۱۰۳ آمده است که آن حضرت بیست و پنج مرتبه با پای پیاده به مکه رفت.

(۲) حلیه الاولیاء: ۳/ ۱۳۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۵۹

سپس سوار شد و شتر به راه افتاد. «۱» آری آن بزرگوار خودش را تا به این اندازه از رحمت و محبت و مدارا با یک حیوان قرار داده بود که یک تازیانه به او نمی‌زند و او را نمی‌آزارد و به نظر آن حضرت ستم کردن بر یک حیوان نیز، قصاص و مسئولیت عالم آخرت را در پی دارد.

(۱)

همراهی قاریان با امام

وقتی که امام علیه السلام قصد مسافرت به بیت الله الحرام را می‌فرمود قاریان قرآن و دانشمندان اطراف آن حضرت را می‌گرفتند زیرا که آنان از دریای علوم و معارف و حکمتها و آداب آن بزرگوار بهره‌مند می‌شدند. سعید بن مسیب می‌گوید: قاریان قرآن به مکه نمی‌رفتند مگر این که ببینند امام علی بن حسین می‌رود، سالی آن حضرت راهی مکه شدند و ما هزار تن سوار بر مرکب به همراه آن حضرت حرکت کردیم. «۲» آنان مسائل حج و احکام دین و سایر امور شرعی خود را از آن حضرت فرا می‌گرفتند، زیرا که به اجماع تمام مورخان در آن روزگار کسی داناتر از آن بزرگوار به احکام قرآن و سنت نبود.

(۲)

توشه سفر حج

امام علیه السلام بهترین و کاملترین تدارکات را برای سفر حج و یا عمره آماده می‌ساخت و از خوبترین توشه و میوه از قبیل بادام و شکر و سویق (تلخان)

(۱) فصول المهمه: ص ۱۸۹.

(۲) حیاة الامام محمد الباقر: ۱/ ۱۳۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۶۰

ترش و شیرین به همراه بر می‌داشت. «۱» در یکی از مسافرتها خواهرش بانوی بزرگوار حضرت سکینه مقداری توشه گرانبها تهیه فرموده بود که هزار درهم برای آنها مصرف کرده بود، امام علیه السلام وقتی که به بالای «حره» رسید دستور داد تمام آنها را از بین فقرا و مستمندان توزیع کردند. «۲»

(۱)

نگرانی امام در وقت احرام

امام علیه السلام وقتی که به یکی از میقاتها مانند مسجد شجره می‌رسید که میقات مردم مدینه و کسانیه است که از آنجا می‌گذرند و می‌خواست احرام ببندد، شروع می‌کرد به انجام آداب احرام؛ از قبیل غسل و دیگر اعمال احرام را به جا می‌آورد و هنگامی که می‌خواست در وقت محرم شدن، تلبیه بگوید رنگ مبارکش دگرگون می‌شد و حالت ترس و بیم او را فرا می‌گرفت بطوری که

نمی‌توانست لبیک بگوید، عرض کردند:

«چرا تلبیه نمی‌گویید؟» در حالی که از عظمت خداوند ترس و لرز او را فرا گرفته بود، می‌فرمود:

«من از آن می‌ترسم که بگویم لبیک، و به من گفته شود: لا لبیک...»

و موقعی هم که لبیک می‌گفت از بیم و خشیت زیاد الهی از خود بی‌خود می‌شد و از مرکبش می‌افتاد و همواره چنین حالتی داشت

تا وقتی که اعمال حجش پایان می‌گرفت. «۳»

مالک نقل کرده است که امام زین العابدین علیه السلام وقتی که

(۱) بحار الانوار: ۷۱ / ۴۶.

(۲) صفة الصّفة: ۵۴ / ۲.

(۳) نهاية الارب: ۳۲۶ / ۲۱، خلاصة تهذيب الكمال: ص ۱۳۱، تهذيب التهذيب: ۳۰۶ / ۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۶۱

می‌خواست لبیک بگوید از خود بی‌خود می‌شد بطوری که از شتر می‌افتاد و مجروح می‌شد. «۱» براستی که او معرفت کامل به خداوند متعال داشت و غرق در محبت او بوده و از کیف و مجازات او بیمناک بود و با تمام احساسات و عواطفش متوجه خدا بود و درست همانند پدرانش بود که سادات و بزرگان اهل تقوا و دل‌بستگان به خدا بودند.

(۱)

دعای امام کنار حجر الاسود

امام علیه السلام در وقت طواف وقتی که به حجر الاسود می‌رسید سر به طرف آسمان می‌کرد و عرض می‌کرد:

«اللّهُمَّ ادخلني الجنّة برحمتك» «خداوندا به رحمت و کرمت مرا وارد بهشت برینت فرما.»

«و در حالی که به ناودان نگاه می‌کرد، می‌گفت:

«و أجرني برحمتك من النار و عافني من السّقم و أوسع عليّ من الرّزق الحلال، و ادرأ عني شرّ فسقة الجن و الإنس و شرّ فسقة العرب

و العجم.» «۲»

«خداوندا مرا به رحمت و لطف از آتش دوزخ بازدار و از بیماری و مریضی بهبود بخش و روزی حلالم را زیاد کن و مرا از شرّ

فاسقان جن و انس و عرب و عجم حفظ کن.»

(۱) تهذيب التهذيب: ۳۰۶ / ۷.

(۲) فروع کافی: ۴۰۷ / ۴.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۶۲

(۱)

نماز امام زیر ناودان رحمت

امام سجاد علیه السلام وقتی که مناسک حج خود از قبیل طواف و سعی بین صفا و مروه را انجام می‌داد زیر ناودان رحمت برای

ادای نماز می‌آمد، طاووس یمانی آن حضرت را در آن مکان مقدس دید ایستاده و خدا را می‌خواند و از خشیت خدا می‌گرید،

همین که از نمازش فارغ شد، طاووس رو به آن بزرگوار کرد و گفت:

«شما را با چنان خضوع و خشوعی دیدم در حالی که شما سه امتیاز دارید که امید است شما را از ترس و بیم ایمن دارند: یکی آن که شما پسر پیغمبر خداید، دوم آن که از شفاعت جدتان برخوردارید و سوم رحمت پروردگار شامل حال شماست...»
امام علیه السلام با محبت و لطف خاصی پاسخ داد:

«ای طاووس اما این که من پسر پیامبر خدایم مرا ایمن نمی‌دارد زیرا که من این سخن حق تعالی را شنیده‌ام که می‌فرماید:
فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ.» (۱)

– (آنگاه که صور قیامت دمیده شود) دیگر خویشاوندی در میان نماند و کسی از حال کسی نپرسد- و اما شفاعت جدم نیز مرا ایمن نمی‌دارد زیرا که خدای تعالی می‌فرماید:

وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى. (۲)

– و از کسی شفاعت نکنند مگر آن کسی که خدا از او راضی است-

(۱) مؤمنون / ۱۰۱.

(۲) انبیاء / ۲۸.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۶۳

و اما رحمت خدای تعالی نیز خداوند خود می‌فرماید:

إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ.» (۱)

– البته رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است- و من نمی‌دانم که نیکوکارم یا نه؟! «۲» برآستی که آیا شما چنین تواضع و خود فراموشی در برابر خدای متعال را در کسی سراغ دارید؟ حقا که این امام بزرگوار نسخه منحصر به فردی است که در میان فرزندان آدم و بشریت جز پدران بزرگوارش، همانندی ندارد!

(۱)

امام با هشام بن عبد الملک

سالی هشام بن عبد الملک به حج بیت الله الحرام رفت و مأموران زیادی همراهش بودند و جیره‌خواران و بزرگان و اعیان شام اطراف او را گرفته بودند و به زحمت می‌خواست حجر الاسود را استلام کند و به خاطر ازدحام جمعیت حاجیان نتوانست، مردم برای بوسیدن حجر الاسود یک دیگر را دور می‌کردند کسی به هشام اعتنا نکرد و راه نداد، چون در آن مکان مقدس امتیازات ملغاست. برای هشام منبری آراسته بودند، بالای آن نشسته و به طواف حاجیان تماشا می‌کرد، در آن میان امام زین العابدین علیه السلام برای انجام طواف آمد، یکی از حاجیان که چشمش به امام افتاد، او را شناخت و با صدای بلند فریاد زد:

«این بقیه الله در زمین است...»

«این یادگار نبوت است...»

«این امام المتقین و سید العابدین است.»

(۱) اعراف / ۵۶.

(۲) بقره / ۴۶ / ۱۰۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۶۴

حاجیان غرق در هیبت امام شدند آن هیبت و شکوهی که هر بیننده را به خود جذب می‌کرد و در برابرش سر تعظیم فرود می‌آوردند، شکوه و جلالی که هیبت و عظمت جدش رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - را به خاطر می‌آورد! از همه طرف مسجد الحرام صدای تهلیل و تکبیر بلند شد و مردم از دو طرف صف را باز کردند و خوشبخت آن کسی بود که بتواند دست امام را بوسد و لباس احرامش را لمس کند و تمام خانه خدا پر از نوای تکبیر شد، هوش از سر مردم شام پرید و از این منظره با شکوه مات و مبهوت شدند زیرا که آنان جز خاندان اموی کسی را شایسته این همه تکریم و تعظیم نمی‌دانستند و به نظر آنها خاندان اموی تنها وارث خلافت پیامبر (ص) و خویشاوند او بودند چنان که بزرگان بنی امیه بر این مطلب تأکید ورزیده و در اذهان مردم جا داده بودند! مردم شام با دیدن این صحنه رو به هشام کردند و گفتند:

(۱) «این شخص کیست که مردم این قدر از او تجلیل می‌کنند؟» هشام بر آشفت و رگهای گردنش از خشم ورم کرد و احوال (۱) بودن چشمش پیدا شد و بر سر مردم فریاد کشید و گفت:

«من او را نمی‌شناسم!» البته آشنایی و شناخت امام علیه السلام را از آن جهت منکر شد که بیم داشت مبادا مردم شام به آن حضرت بگردند و از بنی امیه روی بگردانند، فرزاد شاعر بزرگ عرب که در آنجا حاضر بود، وجدانش بیدار شد و حق و حقیقت سراسر فکر و اندیشه‌اش را به خود مشغول کرد و تمام بدنش لرزیدن گرفت و رو به

(۱) جاحظ در صفحه ۸۹ رسائل خود می‌نویسد: «به هشام بن عبد الملک احوال السیراق می‌گفتند»، و ابو النجم عجلی نیز در قصیده خودش درباره وی چنین می‌گوید: «الحمد لله الوهوب المجزل» - که هشام با شنیدن این مصرع شعر خوش حال شد و از خوش حالی دستهایش را بهم زد تا این که رسید به این مصرع که نام خورشید آمده است گفت: - «و الشمس في الأرض كعين الاحول»، دستور داد پشت گردنی زدند و از مجلس بیرون کردند» جاحظ اضافه می‌کند: که این نوع شعر گفتن دلیل ضعف فوق العاده و از نادانی زیاد است!

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۶۵

مردم شام کرد و با حالی انقلابی و روح حماسی گفت:

«من او را نمی‌شناسم.»

- «ای ابو فراس! او کیست؟» هشام نعره‌ای برآورد و عقل از سرش پرید که مبادا فرزاد امام علیه السلام را به مردم شام معرفی کند و بر سر او فریاد کشید:

«من او را نمی‌شناسم.»

اما صدای فرزاد بلند شد و با حالت اعتراض به هشام گفت:

«آری تو آری می‌شناسی.»

آنگاه فرزاد رو به مردم شام کرد و گفت:

(۱) «ای مردم شام! هر که می‌خواهد این سرور را بشناسد، باید توجه کند ...»

مردم شام و دیگران همه در حال سکوت متوجه شاعر بزرگ عرب شدند در حالی که گوشها را آماده شنیدن سخن او کرده بودند و فرزاد که تمام وجودش حماسه و آماده یاری حق بود بدون مقدمه و بالبداهه این قصیده بلند خود را که بیانگر صداقت بیان و زیبایی اسلوب است انشاد کرد و گفت:

هذا سليل حسين و ابن فاطمة بنت الرسول الذي انجابت به الظلم
 هذا الذي تعرف البطحاء وطأته و البيت يعرفه و الحل و الحرم
 هذا ابن خير عباد الله كلهم هذا التقى النقى الطاهر العلم
 إذا رأته قريش قال قائلها: إلى مكارم هذا ينتهي الكرم
 يرقى إلى ذروة العز الذي قصرت عن نيلها عرب الإسلام و العجم
 يكاد يمسكه عرفان راحته ركن الحطيم إذا ما جاء يستلم
 يغضى حياء و يغضى من مهابته فلا يكلم إلا حين يتسم
 بكفه خيزران ريحها عقب من كف اروغ فى عرنينه شمم
 من جده دان فضل الأنبياء له و فضل امته دانت له الأمم
 ينشق نور الهدى عن نور غرته كالشمس تنجاب عن إشراقها الظلم
 تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۶۶ مشتقاً من رسول الله نبعته طابت عناصرها و الخيم و الشيم
 هذا ابن فاطمة إن كنت جاهله بجده انبياء الله قد ختموا
 الله شرفه قدما و فضله جرى بذاك له فى لوحه القلم
 فليس قولك من هذا بضائره العرب تعرف من أنكرت و العجم
 كلتا يديه غياث عم نفعهما يستوكفان و لا يعرفهما عدم
 حمال أقال أقوام إذا فدحو احوالو الشمائل تحلو عنده نعم
 لا يخلف الوعد ميمون نقيبته ربح الفناء أريب حين يعترم
 من معشر حبههم دين و بغضهم كفر و قربهم منجى و معتصم
 إن عد أهل التقى كانوا ائمتهم او قيل من خير اهل الارض قيل هم
 لا يستطيع جواد بعد غايتهم و لا يدانيهم قوم و إن كرموا
 هم الغيوث إذا ما أزمه ازمته و الأسد أسد الشرى و البأس محتدم
 لا ينقص العسر بسطا من اكفهم سيان ذلك إن أثروا و إن عدموا
 يستدفع السوء و البلوى بحبهم و يسترد به الاحسان و النعم
 مقدم بعد ذكر الله ذكرهم فى كل امر و مختوم به الكلم
 يأبى لهم أن يحل الذل ساحتهم خيم كريم و أيد بالندى هضم
 أى الخلائق ليست فى رقابهم لأولىة هذا أوله نعم
 من يشكر الله يشكر أولية ذافالدين من بيت هذا ناله الأمم «۱» این فرزند امام حسین (ع) و پسر فاطمه (ع) دختر پیامبر (ص) است که
 ستمها بر او رفته است.

(۱) نهاية الارب: ۲۱/ ۳۲۷- ۳۳۱، این قصیده را بطور کامل نقل کرده و منابع و مآخذ ادبی، تاریخی و سیره‌ها قسمتی و یا بیشتر آن را نقل کرده‌اند که ما ذیلاً به بعضی از آن منابع اشاره می‌کنیم:
 زهر الآداب: ۱/ ۱۰۳، سرح العيون ابن نباته: ص ۳۰۹، فصول المهمة ابن صبّاغ: ص ۱۹۳، الاتحاف بمحب الاشراف: ص ۵۱، اخبار اللؤلؤ قرمانی: ص ۱۱۰ تاریخ دمشق: ۳۶/ ۱۶۱، روضة الواعظین:

۱/ ۲۳۹، دائرة المعارف بستانی: ۹/ ۳۵۶، انوار الزبیر: ۴/ ۳۵. البته با مقداری اختلاف در ترتیب ابیات.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۶۷

این کسی است که سرزمین بطحاء (حجاز) جای پای او را می‌شناسد و خانه خدا، حلّ و حرم او را می‌شناسد.

این پسر بهترین همه بندگان خداست، این همان انسان پاک و مطهر و با نام و نشان پاکیزه است، مردم قریش وقتی که او را ببینند، سخنشان این است که تمام فضایل به این سرور پایان گرفته و این است سرچشمه تمام کمالات، و به اوج عزتی رسیده است که کسی را در اسلام از عرب و عجم یارای رسیدن به آن مقام نیست.

وقتی که به استلام حجر می‌آید، رکن حطیم «۱» می‌خواهد- از روی اشتیاق- کف دست او را نگاهدارد.

(موقع نگاه کردن) از روی حیا چشم بر هم می‌نهد و هر که می‌خواهد بر او بنگرد از شکوه و هیبت او چشم می‌بندد و تا لبخند نزند کسی را یارای سخن گفتن با او نیست، عصای دست آن حضرت بوی خوشی دارد، و چه کف دست با شکوهی که در اصل و از آغاز بوی خوشی دارد! همه انبیا در فضیلت به جدّ او نمی‌رسند و فضیلت امت او نیز بالاتر از همه امتهاست، انوار هدایت از نور سیمای او جدا می‌شود، همچون خورشید که در اثر تابش آن تاریکیها پراکنده می‌شود، وجود او از وجود رسول خدا سرچشمه گرفته، و عناصر روحی و سجایای اخلاقی پاک و پاکیزه است، این پسر فاطمه (ع) است اگر تو او را نمی‌شناسی، (بدان که) به جدّ او نبوت انبیاء (ع) ختم می‌شود،

(۱) رکن حطیم یعنی دیوار حجر الاسود و به قولی ما بین رکن، زمزم و مقام ابراهیم است و از آن رو حطیم گفته‌اند که محل ازدحام مردم است- م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۶۸

خداوند از ازل او را شرافت و فضیلت داده است، و قلم قدرت بر لوحه تقدیر الهی چنین جاری گشته است، پس این سخن تو: «این کیست؟! زیان و ضرری به حال او ندارد، زیرا که عرب و عجم، که تو او را نمی‌شناسی! می‌شناسد، دستهای ابری است که برای همگان سودمند است و همه از بخشش او بهره‌مند می‌شوند و تنگدستی محرومان (هر چه از دست او بگیرند بازهم از ابر جود او) چیزی کم نمی‌کند، در وقت بیچارگی و فشار زندگی مردم، او بارهای سنگین مردمان را بر دوش می‌گیرد، شیرین خصلتی که بذل و بخشش در نظر او شیرین و گواراست، هرگز وعده خلافی نمی‌کند، مبارک طبع و بلند همت، و در وقت تصمیم‌کاردان و هوشمند است، (۱) جمعیتی که محبت و دوستی ایشان دیانت و دشمنی و عداوت ایشان کفر است و تقرب به ایشان باعث نجات و دستاویز است، اگر اهل تقوا را بشمارند، آنان پیشوایان اهل تقوایند، و یا اگر از بهترین مردم روی زمین بپرسند، گفته شود: آنان بهتر از همه‌اند، هیچ بخشنده‌ای به حد آنها نمی‌رسد و هیچ قومی بهنگام بخشش همتای آنان نیست، آنان ابرهای رحمتند وقتی که بحر آنها و شداید رو آورد چون شیرند، شیر حمله‌ور و دلیر خشمگین، از بس که سخاوتمند و دست و دل بازند، سختیها چیزی از بخشندگی آنها نمی‌کاهد چه ثروتمند باشند و چه تنگدست برای آنها بی تفاوت است، به وسیله دوستی و محبت ایشان بدی و گرفتاری را می‌شود برطرف کرد و اصل هر بذل و بخششی به او می‌رسد، پس از ذکر خدا، یاد ایشان در همه چیز مقدم است و تمام سخنها به او ختم می‌شود.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۶۹

ساحت قدس آنان بالاتر از این است که خواری و زبونی را بپذیرند، خو و خصلتشان بزرگواری و دستهایشان به بذل و بخشش عادت کرده است، کدام فرد از خلائق است که نعمت ولایت آنان در گردنشان نباشد زیرا این حقیقت مسلمی است (نیازی به برهان ندارد)، هر کس سپاسگزار خدا باشد، از این حقیقت مسلم سپاسگزار خواهد بود، زیرا که دین از خاندان این بزرگوار به تمام

مردم عالم رسیده است.

(۱) این قصیده بلند از دیگر اشعار عربی این امتیاز را یافت که به خاطر شوریدن بر باطل و یاری کردن حق، در طول تاریخ جاودانه ماند، زیرا که در زمانی فرزندق مناقب اهل بیت علیهم السلام را بر زبان آورده است که بر دهانها مهر زده بودند و زبانها لال شده بود، بطوری که هر کس سخنی درباره اخلاق و رفتار و یا فضایل ایشان می‌گفت از طرف حکومت ستمگر اموی که تمام نیروی خود را برای نابود کردن آثار اهل بیت از صفحه هستی به کار انداخته بود، به دست اعدام و نابودی سپرده می‌شد.

فرزدق در قصیده خود، در برابر مردم شام و دیگر حجاج سایر کشورها درباره امام بزرگوار سخنانی گفت که خود ضربت سهمگینی برای سیاست اموی شمرده می‌شود، بستانی در تعلیقات خود بر این قصیده می‌گوید: «و دانشمندان و مورخان درباره فرزدق گفته‌اند: همین یک قصیده کافی است که باعث رفتن فرزدق به بهشت گردد.» (۱)

علاوه بر همه اینها که قصیده دارای صراحت و صداقت تمام و پشتیبانی از حق و حقیقت است از زیبایی مخصوصی در انسجام و هماهنگی اشعار برخوردار می‌باشد. سید علی مدنی می‌گوید: اما انسجام اشعار این قصیده به قدری است که قابل درک نیست و در حدی است که دیگری را توان آن نمی‌باشد، برآستی که از هر گونه حشو و زواید برکنار و از زیباترین انسجام برخوردار است. و

(۱) دائرة المعارف بستانی: ۳۵۶/۹.

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۷۰

هر که این شعر فرزدق را ببیند و این قصیده را مشاهده کند، احساس تعجب و شگفتی نماید، زیرا که هیچ مناسبتی بین این اشعار و سایر گفته‌های او؛ از خصوصیت شعری، مدح و هجو وی نمی‌باشد هر چند که این قصیده را بالبداهه و بدون مقدمه سروده است، بدون تردید خداوند سبحان در سرودن این اشعار او را یاری کرده و بهنگام آغاز از پشتیبانی حق تعالی برخوردار بوده است. (۱)

تشکیک ابو الفرج اصفهانی

ابو الفرج در نسبت این قصیده به فرزدق تردید کرده است به این دلیل که سبک او در شعر گفتن چنین نبوده، زیرا فرزدق در سبک و الفاظ و عبارات و تخیلات شاعرانه خود سبک ناهنجاری داشته است! (۲) و شیخ محمد ابو زهره در ذیل نظریه ابو الفرج می‌گوید: «من دلیلی برای این تشکیک و تردید ابو الفرج نمی‌بینم و آیا ممکن است این نظریه با راه و روش درست بررسی روایات با وجود عوامل و اسباب ذیل سازگار باشد:

۱- روایات زیادی وجود دارد که تمام آنها این قصیده را به فرزدق نسبت داده و ابو الفرج اصفهانی راویان هیچ یک از این روایات را تکذیب نکرده است.

۲- ابو الفرج با ذکر دلیل و برهان، نام هیچ شاعر دیگری از شعرا را نبرده است که اهل بیت علیهم السلام را مدح گفته‌اند، و از طرفی درست نیست که انتساب این قصیده را به سراینده و گوینده‌اش مهمل گذاشت و آن را مجهول النسبه و یا بی‌دلیل به دیگری نسبت داد.

۳- شاعری که سبک ناهنجار و مشکلی دارد گاهی بر حسب مقام

(۱) انوار الزبج: ۳۵/۴.

(۲) اغانی، ابو الفرج اصفهانی.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۷۱

ممکن است، رقت به خرج دهد، بنابراین، شاعر بر حسب مقامی که شعر می گوید، (بطور مثال) بیابانی را با پشته‌هایش و دیگر چیزهایی که دارد توصیف می کند، قهرا طبع خشن و ناهنجاری خواهد داشت و طبیعت موضوعی که شاعر عهده‌دار بیان آن است چنین اقتضا می کند اما اگر موضوعی را که شاعر درصدد بیان آن است، اوصاف و خصصتهای خوب باشد بی تردید به نرمی و ملایمت بیان خواهد کرد، آری شاعر برانزده کسی است در هر مقامی، سخن مناسب با آن را برگزیند.

(۱) امرء القیس در آخر عمر پس از گرفتاریهایی که برایش پیش آمد رقت قلب پیدا کرد و اشعارش ملایم بود که ما در مقام نقل ادبیات و اشعار او نیستیم تا بیماری و گرفتاریهای او را شرح دهیم، و همچنین اعی و کعب بن زهیر موقعی که پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - را مدح گفتند، اشعارشان نرم و لطیف و موافق با اخلاق و مکارم پیامبر (ص) بود بنابراین رقت اشعار فرزددق در این قصیده آن قدر عجیب و دور از حقیقت نیست که باعث انکار و تردید شود.

در اینجا لازم است که توضیح دهیم؛ فرزددق علاقه قلبی فراوانی به اهل بیت علیهم السلام داشت و این که اشعار زیادی درباره آنان نگفته است از ترس اذیت و آزار امویان بوده است. «۱»

آری فرزددق گرایش و میل قلبی به علویان داشت و همین الهام قلبی بود که او را به ستایش امام علیه السلام واداشت، سید مرتضی می گوید: «فرزددق شیعه و علاقه‌مند به بنی هاشم بوده است و در آخر عمر، از فسق و فجور و گناهان خود دوری جست و به راه و روش دین بازگشت علاوه بر آن، در خلال عمرش نیز از دین، نبریده بود و بی‌اعتنای به امور دینی نبود.» «۲» به هر حال نسبت این قصیده بلند به فرزددق از جمله اموری است که شک و تردید بر نمی‌دارد و نقل و روایت در نسبت آن به فرزددق، در حد تواتر است.

(۱) امام زید: ص ۲۸ - ۲۹.

(۲) سرح العیون: ص ۳۹۰.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۷۲

(۱)

دستگیری فرزددق

هشام بن عبد الملک برآشفت و همین که قصیده فرزددق را شنید خشمگین از جا برخاست و آرزو داشت که زمین دهان باز کند و او را در خود فرو برد، زیرا که این قصیده واقعیت امام بزرگوار - حضرت سجاد - را بر ملا ساخت و آن حضرت را به مردم شام که او و نیاکانش را نمی‌شناختند، معرفی کرد؛ فرزددق مقام امام علیه السلام را بیان کرد و محبت و ولایت او را بخشی جدایی‌ناپذیر از اسلام شمرد و فهماند که او بالاترین انسانی است که در آن روزگار فضای عالم هستی در خود دارد.

هشام دستور داد، فرزددق را دستگیر کنند، فرزددق بازداشت شد و به زندان عسفان سپرده شد که ما بین مکه و مدینه قرار داشت، جریان به اطلاع امام زین العابدین علیه السلام، رسید. امام دوازده هزار درهم برای فرزددق فرستاد، فرزددق نپذیرفت و از پذیرش آن معذرت خواست و پیغام داد: من این قصیده را بدان جهت گفتم که خدا و پیامبر خدا بر هشام خشم گرفتند و او مغضوب ایشان بود. اما امام سجاد (ع) دوباره آن مبلغ را بازگرداند، این بار فرزددق قبول کرد و شروع کرد به هجو و بدگویی هشام از جمله هجویات وی اشعار ذیل است:

آیا او (هشام) گمان می‌برد که من در زندان بین راه مدینه‌ام، مدینه‌ای که دل‌های مردم برای آنجا پر می‌زند! او (روی گردنش) سری را می‌چرخاند که سر یک سرور نیست و همچنین چشمی را که کج بین است و عیب‌هایش بر ملاست. «۱»

(۱) نهایة الارب: ۲۱ / ۳۳۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاده علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۷۳
(۱)

مناجات امام در بیت الحرام

از امام زین العابدین علیه السلام مناجات فراوانی در بیت الحرام به یادگار مانده است که در دل‌های تاریک شب با خدای خود راز و نیاز می‌کرد، از جمله مناجات‌های زیر است:

(۲) ۱- محمد بن ابی حمزه نقل کرده، می‌گوید: علی بن حسین علیهما السلام را در صحن کعبه در حال نماز دیدم، آن قدر قیام را طولانی کرد که گاهی به پای راست و گاهی به پای چپش تکیه می‌کرد، آنگاه شنیدم که با صدای بلند می‌گریست و با پروردگارش مناجات می‌کرد و می‌گفت:

«یا سیدی تعذّبی و حبّک فی قلبی؟! أما و عزّتک لتجمعنّ بینی و بین قوم طالما عادیتهم فیک ...» (۱)

«ای مولای من، آیا با وجود محبت تو در دلم مرا عذاب می‌کنی؟! هر آینه به عزّت و جلالت سوگند که اگر چنان کنی و مرا با مردمی جمع کنی که از دیر زمانی به خاطر تو با آنان دشمنی ورزیده‌ام ...»

در این مناجات کوتاه امام علیه السلام از درجه توجه خاص خود و تضرع به درگاه خدای متعال پرده برداشته در حالی که از پیشگاه او درخواست عفو و رضوان می‌کند.

(۳) ۲- اصمعی نقل کرده است، می‌گوید: اطراف خانه کعبه طواف می‌کردم ناگاه جوانی را دیدم که به پرده کعبه آویخته و چنان با عبارات حزینی سخن می‌گوید که سراسر دلها را به خود جلب می‌کند؛ عرض می‌کند:

«نامت العیون، و علت النجوم، و أنت الملک الحی القیوم، غلقت

(۱) کافی: ۲ / ۵۷۹.

تحلیلی از زندگانی امام سجاده علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۷۴

الملوک ابوابها و أقامت علیها حراسها، و بابک مفتوح للسائلین، جتتک لتنظر إلی برحمتک یا أرحم الراحمین ...»
«خداوندا! چشمها در خوابند و ستارگان برآمده‌اند، و تو پادشاه حی و قیومی، تمام پادشاهان در به روی دیگران بسته‌اند و پاسبانان و دربانان بر در کاخهایشان ایستاده‌اند اما در خانه تو به روی مستمندان و گدایان باز است اینک من آمده‌ام تا نظر لطفی بفرمایی، ای بخشنده‌ترین بخشاینده‌گان ...»

(۱) سپس امام علیه السلام شروع کرد به خواندن این اشعار:

یا من یجیب دعا المضطر فی الظلم یا کاشف الضر و البلوی مع السقم

قد نام و فدک حول البیت قاطبه و أنت وحدک یا قیوم لم تنم

ادعوک رب دعاء قد أمرت به فارحم بکائی بحق البیت و الحرم

إن کان عفوک لا- یرجوه ذو سرف فمن یجود علی العاصین بالنعم ای کسی که دعای درماندگان را در تاریکیهای شب اجابت می‌کنی و ای برطرف کننده سختیها، گرفتاریها و بیماریها.

تمام حاجیانی که از سراسر عالم آمده‌اند، در اطراف خانه کعبه خوابیده‌اند و تو تنها ای پروردگار قیوم، نخوایده‌ای! خداوندا تو را

چنان می‌خوانم که تو خود دستور داده‌ای پس به اشک چشم من، به حق این خانه و این حرم، رحم کن، اگر بنده گنهکار به عفو و بخشش تو امیدوار نباشد پس چه کسی بر گنهکاران جود و احسان خواهد کرد!

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۷۵

اصمعی می‌گوید: پی بی آن جوان را گرفتم بینم کیست، ناگاه دیدم او زین العابدین علیه السلام است، «۱» خودم را به او رساندم و عرض کردم: شما علی بن حسین و پدرتان شهید کربلا و جدتان علی مرتضی و مادرتان فاطمه زهرا و جدتان خدیجه کبرا و جد بزرگتان محمد مصطفی است، با این همه چنین سخن می‌گویید؟

(۱) امام علیه السلام، پس از شنیدن سخنان من با کمال لطف و محبت فرمود:

«ألم تقرأ قوله تعالى: فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ» (۲) «ألم تسمع قول جدی: «خلقت الجنة للمطيع وإن كان حبشياً، و خلقت النار للعاصي وإن كان قرشياً...» (۳)»

«آیا این سخن خدای تعالی را نخوانده‌ای که «پس آنگاه که نفخه صور دمیده شود، دیگر نسب و خویشاوندی در میانشان نماند و کسی از کس دیگر حال نپرسد» و آیا این سخن جدم (پیامبر) را نشنیده‌ای که می‌فرماید: «بهشت برای اهل طاعت آفریده شده است اگر چه غلام حبشی باشد و آتش دوزخ برای گنهکار، خلق شده است، اگر چه سید قرشی باشد...»

آری امام بزرگوار به خدای تعالی متمسک بوده و از غیر او بریده و به او پیوسته بود و از روی معرفت، ایمان و اخلاص مطیع و فرمانبر او بود و او را ستایش

(۱) بحار الأنوار: ۴۶/ ۸۰، كشف الغمّة: ۴/ ۱۵۰-۱۵۱.

(۲) مؤمنون/ ۱۰۱.

(۳) روضات الجنات: ۵/ ۱۶۱، در ذیل این داستان چنین نوشته است: «این بود تمام حدیث اما با زمان و طبقه اصمعی مشهور نمی‌سازد و بعید است زیرا که ولادت او مدت زیادی پس از وفات امام سجاد علیه السلام بود، مگر این که این اصمعی، نام مرد دیگری از قدمای قبیله‌ای باشد که منسوب به جد اعلای اصمعی مشهور است.»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۷۶

و بندگی می‌کرد.

(۱) ۳- طاووس یمانی نقل کرده می‌گوید: از کنار حجر الاسود می‌گذشتم ناگاه مردی را دیدم که به رکوع و سجود مشغول است دقت کردم، دیدم علی بن حسین علیهما السلام است، با خود گفتم: این مردی شایسته از اهل بیت نبوت است به خدا سوگند که باید از دعای او بهره‌مند شوم و متوجه او بودم تا این که از نمازش فارغ شد و دستهایش را به طرف آسمان بلند کرد در حالی که خدا را مخاطب ساخته بود عرض می‌کرد:

(۲) «إلهی! سیدی، سیدی! هاتان یدای قد مددتهمای إلیک بالذنوب مملوءتین و عینای بالرجاء ممدوتین، و حق من دعاک بالندم تذللأ أن تجیهه بالکرم تفضلاً.

سیدی! أمن أهل الشقاء خلقتنی فأطیل بکائی؟ أم من أهل السعادة خلقتنی فأبشر رجائی؟

سیدی! الضرب المقامع خلقت اعضائی؟ أم لشرب الحمیم خلقت امعائی؟

سیدی! لو أن عبدا استطاع الهرب من مولاه لكنت أول الهاربين من مولاه لكنی أعلم أنى لا أفوتک.

سیدی! لو أن عذابی مما یزید فی ملکک سألتک الصبر علیه، غیر أنى أعلم أنه لا یزید فی ملکک طاعة المطیعین، و لا ینقص منه معصیة العاصین.

سیدی! ها انا و ما خطری؟ هب لی بفضلک، و جللی بسترک، و اعف عن توییخی بکرم وجهک.

إلهی! و سیدی، ارحمنی مصروعا علی الفراش تقلبني أیدی أحبتي، و ارحمنی مصروعا علی المغتسل یغسلنی صالح جیرتی، و

ارحمنی محمولاً قد تناول الأقرباء اطراف جنازتی، و ارحم فی ذلک البیت المظلم وحشتی و غربتی ...»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۷۷

«إلهی! آقای من، مولای من! اینک دستهای من است که پر از گناهان به جانب تو بلند کرده شده است و چشمان من است که به امید تو چشم دوخته‌اند و سزاوار است آن کسی را که از روی پشیمانی و با ذلت و خواری تو را می‌خواند به لطف و کرمیت پاسخ دهی.

سرور من! آیا مرا از جمله اشقیاء آفریده‌ای پس گریه طولانی خواهم کرد؟ و اگر از سعادت‌مندانم خلق کرده‌ای، پس به خود مژده امید می‌دهم؟

مولای من! آیا این اعضا و جوارح مرا برای درهم کوبیدن و مقهور ساختن آفریده‌ای؟ و یا اعضای درون بدنم را برای نوشیدن آبهای گدازنده جهنم آفریده‌ای؟

مولای من! اگر بنده‌ای از مولای خودش فرار کرده باشد من نخستین بنده‌ای هستم که از مولایش فرار کرده است اما من می‌دانم که تو را هرگز فراموش نکرده‌ام.

سرور من! اگر می‌دانستم که عذاب من باعث افزایش سلطنت توست، از تو درخواست می‌کردم که نسبت به آن صبر و شکیبایی کنی جز این که می‌دانم نه طاعت مطیعان چیزی بر سلطنت و قدرت تو می‌افزاید و نه نافرمانی گنهکاران چیزی را از سلطنت تو می‌کاهد.

مولای من! اینک این منم با این همه ترس و بیم، خداوندا به لطف خودت مرا ببخش و با پرده‌پوشی خود مرا گرمی دار و به بزرگواری خود از سرزنش کردن من در گذر.

الهی و سیدی! به من رحم کن آنگاه که در بستر مرگ افتاده‌ام و دست دوستانم مرا حرکت می‌دهد به من رحم کن آن وقت که در وقت غسل دادن، دست همسایگان خوبم مرا به راست و چپ می‌گردانند، به من ترحم کن آنگاه که خویشاوندانم اطراف جنازه‌ام را گرفته باشند، و به من در آن خانه تاریک و ترسناک، بر وحشت و غربتم رحم کن ...»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۷۸

(۱) طاووس یمانی همین که مناجات امام علیه السلام را - مناجاتی که دل هر شنونده را به درد می‌آورد و قلبها را می‌لرزاند شنید - نتوانست خودداری کند و شروع کرد به گریه کردن امام علیه السلام رو به او کرد و فرمود:

«یا یمانی ما بیکیک؟ أ و لیس هذا مقام المذنبین؟ ...»

«ای یمانی چرا گریه می‌کنی؟ مگر اینجا جایی نیست که گنهکاران باید بنالند؟» طاووس با کمال تواضع و احترام رو به امام علیه السلام کرد و گفت:

«بر خدای تعالی حق است که درخواست تو را رد نکند ...» (۱)

براستی که روح امام سجاد علیه السلام به ملاً اعلی پیوسته بود و تنها و تنها توجه به خدا داشت.

(۲) ۴- راویان خیر از حسن بصری نقل کرده‌اند که او امام علیه السلام را در اطراف کعبه دید در حالی که مشغول گریه و زاری بود و با عجز و الحاح دعا می‌کرد نزدیک امام رفت و شنید این ابیات حزین را می‌خواند:

«إلا أيها المأمول فی کل حاجة شکوت إليك الضر فارحم شکایتی

ألا یا رجائی أنت کاشف کربتی فهب لی ذنوبی کلها و اقض حاجتی

و إن إليك القصد في كل مطلب و أنت غياث الطالبين و غايتي
أتيت بأفعال قباح رديئة فما في الوري خلق جنى كجنايتي
فزادى قليل لا أراه مبلغى أ للزاد ابكى ام لبعده مسافتي

(۱) روضه الواعظين: ۱/ ۲۳۷.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۱۳۷۹ تجمعی و الظالمین مواقف فاین طوافی ثم این زیارتی
ا تحرقنی بالنار یا غایه المنی فاین رجائی ثم این مخافتی

فیا سیدی فامنن علی بتوبه فانک رب عالم بمقالتی» «ای خدایی که تنها مرجع برآوردن هر حاجت و نیاز، هستی از گرفتاری و بدحالیم به تو شکایت می‌کنم، پس به شکایت من رحم کن، ای مایه امید، ای کسی که اندوه و غم مرا برطرف می‌سازی، پس همه گناهان مرا ببخش و حاجتم را برآورده ساز، براستی که در مورد هر درخواست و هدفی، مرجع و مقصد تویی و تو فریادرس درخواست کنندگان و آخرین هدف منی، خداوندا با اعمال زشت و بدی به در خانه تو آمده‌ام و کسی در میان مخلوقات همچون جنایت مرا مرتکب نشده است، توشه سفرم اندک است، به نظر نمی‌رسد که مرا به مقصد برساند بنابراین (نمی‌دانم) برای زاد و توشه گریه کنم و یا برای دوری راه؟! خداوندا آیا مرا در مواقف آخرت با ستمگران یک جا نگه می‌داری؟ پس طواف من وانگهی زیارت من چه می‌شود؟

ای نهایت آرزوها! آیا مرا در آتش دوزخ می‌سوزانی؟ پس امیدواری من (به رحمت تو)، سپس خوف و خشیت من چه می‌شود؟ بنابراین ای مولای من، با پذیرش توبه‌ام بر من ممت بگذار زیرا که ای پروردگار من! تو از گفتارم، آگاهی.»
(۱) این اشعار در روح و روان حسن بصری تأثیر بسزایی گذاشت بطوری که خودش را روی پاهای امام علیه السلام انداخت و پاهای آن حضرت را می‌بوسید و

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۸۰
می‌گفت:

«ای فرزند پیامبر! این همه راز و نیاز و گریه چیست در حالی که شما از خاندان نبوتید؟ و خداوند درباره اهل بیت فرموده است:
لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً. (۱)»

«خداوند هر پلیدی را از شما خانواده نبوت برطرف کرده و از هر عیبی پاک و پاکیزه گردانید.»

(۱) امام علیه السلام با شنیدن این سخن شروع کرد به بیان واقعیت اسلام که اساس و معیار کار را اعمال شایسته می‌داند و برای فامیل و نسب ارزشی قائل نیست، فرمود:

«دع هذا خلقت الجنة لمن اطاع الله، و لو كان عبدا حبشيا، و خلقت النار لمن عصاه و لو كان حرا قرشيا. و قال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله: ايتوني باعمالکم لا بأنسابکم...» (۲)

«این سخن را مگو، خداوند بهشت را برای بندگان فرمانبر خود قرار داده است هر چند که غلام حبشی باشد و آتش دوزخ نیز برای گنهکاران آفریده شده است اگر چه آزاد و از قبیله قریش باشد. و رسول خدا- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله فرموده است: اعمال خویش را به من نشان دهید، نه انسابتان را...»

بعضی از نویسندگان درستی این روایت را دور از واقعیت شمرده‌اند به دلیل ضعیف بودن اشعار که نسبت آن به امام نادرست است! علاوه بر آن، بوسیدن حسن بصری پاهای امام علیه السلام را که شایسته مقام حسن بصری نیست! و خود امام نیز راضی به آن نمی‌شد! (۳) این سخن یک مناقشه واهی و

(۱) احزاب / ۳۲.

(۲) روضات الجنات: ۲۹ / ۳.

(۳) الصلوة بین التصوف و التشیع: ۱ / ۱۶۱.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۸۱

بی‌جاست به دلایلی که در ذیل نقل می‌کنیم:

اولاً: امام علیه السلام این اشعار را خوانده‌اند و سراینده آنها معلوم نیست که چه کسی است.

ثانیاً: ما در این اشعار نادرستی و ضعف و رکاکتی نمی‌بینیم بلکه از نظر لطافت و روانی، اشعار ارزنده‌ای است.

ثالثاً: بوسیدن حسن بصری پاهای امام علیه السلام را هیچ اهانتی برای او نیست بلکه شرافت و افتخاری برای اوست زیرا که امام علیه السلام بقیه الله روی زمین و در عصر خود، بزرگ عترت طاهره و پاره جگر رسول خدا- صلی الله علیه و آله- بوده است و حسن بصری از این نویسنده، به مقام آن حضرت آگاهتر بوده است.

(۱) ۵- از جمله مناجاتهای امام سجاد علیه السلام در بیت الحرام مناجاتی است که طاووس فقیه آن را روایت کرده، می‌گوید: علی بن حسین علیهما السلام را دیدم که از شامگاه تا سحر به طواف و عبادت مشغول بود و همین که کسی را در اطراف خود ندید، رو به طرف آسمان کرده و می‌گفت:

«خداوندا ستارگان آسمانت از انظار ناپدید شدند و چشم مردمان به خواب رفت و درهای رحمتت به روی گدایان و درخواست کنندگان گشوده شد، اینک من آمده‌ام تا مرا بیامری و مورد ترحم و بخشش خود قرار دهی، و سیمای جدم محمد- صلی الله علیه و آله- را در عرصات قیامت بر من بنمایانی.»

سپس گریه کرد و خدا را مخاطب قرار داده و عرض کرد:

«خداوندا! به عزت و جلالت سوگند، که من غرضم از معصیت، مخالفت تو نبوده است و هنگامی که به معصیت تو پرداختم، از راه سرکشی و به دلیل شک و تردید به خداوندی تو نبود و نه بدین جهت از کيفر و عقوبت تو ناآگاه بوده‌ام و نه آن که سینه در برابر مجازات تو سپر کرده باشم، بلکه نفس

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۸۲

من، امر را بر من مشتبه کرد و پرده پوشی تو به من در این راه کمک کرد و من هم اکنون نمی‌دانم چه کسی می‌تواند مرا از عذاب تو نجات بخشد؟ و اگر تو رشته محبت خودت را از من قطع کنی، به ریسمان که چنگ بزنم؟

وای به رسوایی من، فردای قیامت که در پیشگاه تو بازایستم، آن هنگامی که به سبکباران بگویند، بگذرید و به سنگین باران بگویند در آتش دوزخ فروریزید، آیا من با سبکباران می‌گذرم؟ و یا جزو سنگین باران در آتش فرود می‌آیم؟ وای بر من! که هر چه عمرم طولانی می‌شود، گناهانم زیاد می‌گردد و توبه نمی‌کنم آری هم اکنون وقت آن فرا رسیده است که از پروردگارم شرم کنم ...»

(۱) تا این که یک باره اشک از چشمان مبارکش باریدن گرفت و چنین گفت:

«ای نهایت آرزوها! آیا مرا در آتش دوزخ می‌سوزانی؟

پس امیدواریم (به رحمت تو) و سپس خوف و خشیتم چه می‌شود؟

خداوندا با اعمال زشت و پستی به در خانه تو آمده‌ام.

و هیچ کسی از مخلوقات تو همچون جنایت مرا مرتکب نشده است! «۱» خداوندا پاک و منزهی چنان تو را معصیت می‌کنند که گویا تو معصیت کاران را نمی‌بینی! و چنان صبر و شکیبایی داری که گویا کسی نافرمانی تو را نکرده است، با خوشرفتاریت به

قدری به بندگانت محبت می‌ورزی که گویی به آنها نیازمندی! و حال این که تو ای مولای من از ایشان بی‌نیازی...»
آنگاه به حال سجده روی زمین افتاد، نزدیک رفتم و سر مبارکش را از

(۱) این دو شعر در ضمن اشعار قبل گذشت - م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۸۳

زمین بلند کردم و بر دامنم گرفتم و چند قطره اشک از چشمانم به روی مبارکش جاری شد، از جا بلند شد و نشست و با صدای آهسته و به آرامی فرمود:

«کیست این که مرا از یاد پروردگارم بازداشت؟!» (۱) طاووس با تواضع و احترام عرض کرد:

«من طاووسم، ای فرزند رسول خدا این همه بی‌تابی و فغان برای چه؟ ما باید این چنین بنالیم در حالی که معصیت کار و جنایت پیشه‌ایم! اما شما که، پدرت حسین بن علی، مادرت فاطمه زهرا و جدت رسول خداست چرا؟! امام علیه السلام به آن همه نسبت و خویشاوندی درخشانی که داشت توجهی نکرد و فرمود:

«هیئات! هیئات ای طاووس! سخن از پدر، مادر و جدم مگو خداوند بهشت را برای مطیعان و نیکوکاران آفریده است هر چند که بنده حبشی باشند و آتش دوزخ را برای گنهکاران خلق کرده است اگر چه سید قرشی باشند، مگر این سخن خدا را نشنیده‌ای که می‌فرماید: فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ (۱) وقتی صور قیامت دمیده شود، دیگر نسبی در میانشان نماند و کسی از کسی نپرسد. به خدا سوگند که فردای قیامت هیچ چیز سودی به حال تو نمی‌بخشد مگر آن که عمل صالحی در این دنیا به جا آورده باشی.» (۲)

(۲) ۶- از جمله مناجات امام علیه السلام در بیت الله الحرام، مناجاتی است که طاووس نقل کرده، می‌گوید: «در تاریکی شب وارد حجر اسماعیل شدم، ناگاه علی بن حسین علیهما السلام را دیدم که وارد شد و سرپا ایستاد هر چه خدا بخواهد نماز خواند، سپس به سجده رفت و سجده طولانی کرد، من با خودم گفتم

(۱) مؤمنون / ۱۰۱.

(۲) کشف الغمه: ۴ / ۱۵۱، بحار الانوار: ۴۶ / ۸۱ و مجالس ثعلب: ۲ / ۴۶۲.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۸۴

مرد صالحی از خاندان نبوت است گوش بدهم بینم چه می‌گوید شنیدم که می‌گفت:

«خدایا! بنده‌ات در خانه تو آمده و درمانده و درمانده، گدا و نیازمند به تو در خانه تو ایستاده است...»

طاووس، این مناجات کوتاه را حفظ کرد، مناجاتی که از خود فراموشی و اقرار به بندگی بی‌قید و شرط خداوند متعال حکایت می‌کند، و همواره بهنگام حاجتی این دعا را می‌خواند و به گفته خودش، هر گرفتاری و اندوهی که برایش پیش می‌آمد، خداوند بدان وسیله برطرف می‌کرد. (۱)

این بود برخی از مناجاتهای امام علیه السلام در بیت الله الحرام که بیانگر نهایت توجه و ارتباط آن حضرت با خداست و مناجات دیگری دارد که در مبحث دعاها و مناجاتهای امام علیه السلام نقل خواهیم کرد.

(۱)

امام سجاد با مردی که طواف می‌کرد

امام علیه السلام شنید مردی در اثنای طواف خانه کعبه از خداوند درخواست صبر و شکیبایی می‌کند، رو به آن مرد کرد و فرمود: «تو درخواست بلا و گرفتاری داری چنین مگو بلکه بگو: خداوندا من از تو عافیت، و توفیق شکر و سپاس بر آن عافیت را درخواست دارم.» (۲)

امام علیه السلام چنان که شایسته بود آن مرد را ارشاد کرده است تا از

(۱) نور الابصار: ص ۱۲۷، نهج البلاغه: ۱۹۲ / ۶.

(۲) دعوات قطب راوندی (خطی): ص ۴۳.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۸۵

خداوند عافیت و شکر بر عافیت را بخواهد و او را از دعا برای درخواست صبر و شکیبایی بر حذر داشته است زیرا که ممکن است بلا و یا تنگدستی بر او نازل شود.

(۱)

اعتراض امام بر گدایان در عرفه

امام علیه السلام در روز عرفه چشمش به گروهی افتاد که از مردم چیزی می‌خواستند و از آنها تقاضای کمک می‌کردند، به ایشان برای این عملشان اعتراض کرد و فرمود:

«وای بر شما آیا در چنین روزی از غیر خدا چیزی می‌خواهید؟ براستی که در امروز امید می‌رود، کسانی که هنوز در رحم مادرانند، خوشبخت گردند ...» (۱)

(۲)

آزاد کردن بردگان در عرفات

امام علیه السلام غلامان سیاه را که هیچ نیازی هم به ایشان نداشت می‌خرید و آنها را به عرفات می‌آورد و اگر کمبود و مشکلی داشتند برطرف می‌کرد و چون از عرفات فارغ می‌شد، دستور می‌داد همه را آزاد کنند و مقداری جوایز مالی هم به ایشان مرحمت می‌کرد. (۲)

(۱) بحار الانوار: ۱۰۵ / ۴۶.

(۲) بحار الانوار: ۶۲ / ۴۶.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۸۶

(۱)

دعای امام در عرفات

امام سجاد علیه السلام در عرفات نماز می‌خواند و به دعا و تلاوت قرآن کریم مشغول می‌شد و این دعای شریف را که از جمله دعاهاى برجسته اهل بیت علیهم السلام است تلاوت می‌کرد که مشتمل بر امور بسیار با اهمیت است، به شرح ذیل:

«الحمد لله رب العالمين، اللهم لك الحمد بديع السماوات والأرض، ذا الجلال والإكرام، رب الأرباب، و اله كل مألوه، و خالق كل

مخلوق، و وارث کل شیء، لیس کمثله شیء، و لا یعزب عنه علم شیء، و هو بکل شیء محیط، و هو علی کل شیء رقیب ... «حمد و سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است، تو را سپاس ای خداوندی که پدیدآورنده آسمانها و زمین، و صاحب عزت و جلالی و بر صاحبان قدرت حاکم و معبود همه خدانشناسان و آفریدگار همه موجودات و وارث همه چیز عالمی و در همه موجودات نظیر و مانند نداشته و از علم نامتناهی او ذره‌ای پوشیده نیست و بر همه چیز مراقب و نگهبان است.

(۲) أنت الله لا اله الا انت، الأحد المتوحد الفرد المتفرد، و أنت الله لا اله الا انت الکریم المتکرم، و انت الله لا اله الا انت، العلی المتعال، الشدید المحال، و انت الله لا اله الا انت، الرحمن الرحیم، العلیم الحکیم، و انت الله لا اله الا انت، السميع البصیر، القدییم الخبیر، و انت الله لا اله الا انت، الکریم الاکرم، الدائم الأدوم، و انت الله لا اله الا انت، الأول قبل کل أحد، و الآخر بعد کل عدد، و انت الله لا اله الا انت، الدانی فی علوه، و العالی فی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۸۷

دنوه، و انت الله لا اله الا انت، ذو البهاء و المجد، و الکبریاء و الحمد، و انت الله لا اله الا انت، الذی أنشأت الأشياء من غیر سنخ، و صورت ما صورت من غیر مثال، و ابتدعت المبتدعات بلا احتذاء، انت الذی قدرت کل شیء تقدیرا، و یسیرت کل شیء تیسیرا، و دبّرت ما دونک تدبیرا، و انت الذی لم یعنک علی خلقک شریک، و لم یوازرک فی امرک وزیر، و لم یکن لک شاهد و لا نظیر، انت الذی اردت فکان حتما ما اردت، و قضیت فکان عدلا ما قضیت، و حکمت فکان نصفا ما حکمت، انت الذی لا یحویک مکان، و لم یقم لسلطانک سلطان، و لم یعیک برهان و لا بیان ...

خداوندا تو خداوند یکتایی، خدایی جز تو وجود ندارد، یکتای مطلق، و ذات بی‌همتایی و تو آن خداوندی که جز تو خدای بخشنده بنده‌نوازی نیست و تو ای آن خداوندی که جز تو خدایی با عظمت و قدرت بی‌انتها وجود ندارد و تو ای آن خداوند یکتایی که جز تو خدایی نیست، تو سمیع بصیر و قدیم و بر همه چیز آگاهی، و تو ای آن خدای یکتای کریمی که از همه بخشنندگان بخشنده‌تری و کرم و بخشش‌جاودانه و جاودانه‌تر است و تو آن خدای یکتایی که جز تو خدایی نیست که در عین برتری به همه چیز نزدیکی و در عین نزدیکی به آنان از همه بالاتری و تو آن یکتا خداوندی که جز تو خدایی نیست صاحب عظمت و مجد و کبریایی و ستایشی و تو خدای یگانه‌ای هستی که جز تو خدایی نیست همه چیز را بدون نقشه قبلی و این همه صورتها را بدون نمونه و مثالی ابداع کرده فراهم آورده‌ای و همه موجودات را بگونه بسیار سهل و آسان و بی‌رنج و زحمت قلم تقدیرت رقم زده و به صفحه گیتی در آوردی و تو ای آن آفریدگاری که در آفرینش کسی شریک و یاورت نبوده و مشاور و وزیری نداشتی و برای

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۸۸

ذات یگانه‌ات همتا و نظیری نیست، تو ای آن خداوند یکتایی که اراده‌ات به هر چه تعلق گیرد موجود شود و فرمان تو عین عدل و انصاف است.

خداوندا تویی آن که در هیچ مکانی نگنجی و در برابر قدرت و سلطنت تو هیچ قدرتی یارای مقاومت ندارد و هیچ دلیل و برهانی تو را عاجز و ناتوان نگرداند ...»

(۱) این سخنان تابناک مشتمل بر تعظیم و تکریم و ثنای پروردگار و بیان مهمترین صفات ثبوتیه ذات مقدس اوست و از آن جمله؛ خدای تعالی است که همه چیز را بدون سابقه ایجاد کرده و به قدرت بی‌انتهای خود ابداع نموده است و اراده اوست که همه چیز را کامل و در نهایت استواری آفریده و تمام موجودات عالم هستی از محسوسات گرفته تا عالم غیب، همه را روی حکمت آفریده و با قلم تقدیر خود رقم زده است و با حکمت بالغه خویش تدبیر نموده و چنان آنها را با اسرار شگفت‌آمیز آمیخته، که اندیشه و افکار را ربوده و عقول را سرگردان و متحیر ساخته است و چگونه انسان ممکن الوجود، با علم محدود و قدرت و اراده ناچیزش می‌تواند به معرفت و شناخت آفریدگار و بزرگی برسد که با عظمت او فوق تصور و ادراک است؛ و این همان مطلبی است که امام علیه

السلام در مقطع ذیل از این دعای شریف بر آن تأکید دارد:

(۲) انت الّذی احصیت کلّ شیء عددًا، و جعلت لكلّ شیء امداء، و قدّرت لكلّ شیء تقدیرًا، انت الّذی قصرت الأوہام عن ذاتیتک، و عجزت الأفہام عن کیفیتک، و لم تدرك الأبصار موضع ایتتک، انت الّذی لا تحدّ فتکون محدودًا، و لم تمثّل فتکون موجودًا، و لم تلد فتکون مولودًا، انت الّذی لا ضدّ معک فیعانک، و لا عدل فیکاکثرک، و لا نذّ لک فیعارضک، انت الّذی ابتداءً و اختراع، و استحدث و ابتدع، و احسن صنع ما صنع،

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۸۹

سبحانک ما اجلّ شأنک! و اسنی فی الأماكن مکانک!! و اصدع بالحقّ فرقانک ...

(۱) «خداوند! تو ای آن کسی که شمار همه چیز را بطور دقیق می‌دانی و برای هر چیزی مدتی را تعیین کرده‌ای و هر چیزی را به اندازه لازم مقدر فرموده‌ای. خداوند! تو ای آن ذات یگانه‌ای که اندیشه‌ها و اوهام از شناخت ذات مقدس تو قاصر و عقل و ادراک از معرفت چگونگی تو ناتوان است، و چشمها نمی‌توانند در هیچ مکانی تو را ببینند و تو ای آن که هیچ حدی تو را محدود نسازد و تو بی‌مانندی و ذات یگانه تو، موجودی است که از کسی زاییده نشده تا از تو چیزی تولّد یابد. خداوند! تویی که در جهان هستی ضدی نداری تا با تو به دشمنی برخیزد و نظیر و مانندی نداری تا بخواهد بر تو غلبه کند و همتایی نداری که با تو معارضه نماید، تو ای آن خدایی که از آغاز جهان را آفریده و اختراع نموده‌ای و پدیدار ساخته و ابداع کرده‌ای و هر آنچه ساخته‌ای بس زیبا و نیکو ساخته‌ای، پروردگارا منزهی تو و چقدر مقام والا و منزلت و قدرتت بالاست و برهان جدایی‌بخش بین حق و باطل (قرآن مجید) تو روشن و آشکار است ...»

(۲) امام و پیشوای یکتاپرستان، در این فرازهای از دعای شریفش به علم بی‌حد خدای تعالی اشاره دارد و بیان می‌کند که تمام موجودات عالم هستی را بطور دقیق بر شمرده و از علم بی‌منت‌های او هیچ ذره‌ای در آسمانها و زمین پوشیده نیست زیرا که علم او به همه چیز احاطه دارد همچنان که امام علیه السلام به ناتوانی اندیشه و ادراک از رسیدن به حقیقت ذات مقدس او، و بر ناممکن بودن این امر اشاره فرموده است، زیرا که چگونه می‌تواند ممکن الوجود به حقیقت واجب الوجودی پی ببرد که نه نوع دارد و نه جنس و فصل تا از این طریق به معرفت آن ذات مقدس برسد «۱» و چگونه می‌تواند این انسان ناتوان به ادراک

(۱) فلاسفه می‌گویند چیزی را می‌شود تعریف به حد (چه حد تام و چه حد ناقص) نمود که مرکب از

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۹۰

حقیقت ذات او برسد، در حالی که جان و تن آدمی با اعضای پیکری که دستخوش نابودی و فنا و در عین حال شکفت و عجیب است، حقیقت آفریدگار بزرگی را بشناسد که تمام زمان و مکان و ستارگان و کهکشانهایی را که جز خدا کسی از شمار ستارگانش آگاه نیست، همه را او آفریده است.

(۱) براستی که این بخشهای از دعای شریف امام به بحثهای فلسفی مهمی اشاره دارد، همچون نفی حدّ و تعریف ذات مقدس خدا و داشتن مثل و ضد و نظایر اینها از ذات کبریایی او که کتابهای فلسفه و کلام به تفصیل آنها را بیان کرده‌اند.

اینک به قسمتهای دیگری از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

(۲) سبحانک من لطیف ما الطفک، و رؤف ما أرفک، و حکیم ما اعرفک، سبحانک من ملیک ما امنک، و جواد ما اوسعک، و رفیع ما ارفعک، ذو البهاء و المجد و الکبریاء و الحمد، سبحانک بسطت بالخیرات یدک، و عرفت الهدایة من عندک، فمن التمسک لدین او دنیا وجدک، سبحانک خضع لک من جری فی علمک، و خشع لعظمتک ما دون عرشک، و انقاد للتسليم لک کلّ خلقک، سبحانک لا تجسّ و لا تحسّ، و لا تمسّ و لا تکاد، و لا تماط و لا تتازع، و لا تجاری و لا تماری و لا تخادع، و لا تماکر، سبحانک

سیلک جدد و امرک رشد، و انت حی صمد، سبحانک قولک حکم، و قضاؤک حتم،

جنس و فصل باشد و چون ذات مقدس خداوند بسیط من جمیع الجهات است تعریف او غیر ممکن است، لذا حاج ملا-هادی سبزواری می گوید

«معرف الوجود شرح الاسم و لیس بالحد و لا بالرسم

مفهومه من اعرف الاشیاء و کنهه فی غایة الخفاء» - شرح منظومه، بخش فلسفه- م.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۹۱

و ارادتک عزم، سبحانک لا رادّ لمشيئتک، و لا مبدّل لکلماتک، سبحانک قاهر الأرباب، باهر الآیات، فاطر السّموات، باری السّمات ...»

«ای خداوند منزّه و پاک که لطف و مهربانی تو بیش از حد تصور است و تو چقدر مهربان و رؤوفی و ای حکیم که پایه علم تو به موقعیت اشیاء از همه کس بیشتر است و ای خدای سبحان که پادشاهی تو چقدر مقتدر و همراه با قدرت است و بخشندگی تو چقدر گسترده است، تو آن خداوند بزرگ و با عظمت و کبریایی و همه حمد و سپاسها تو را سزاست، پاک و منزّهی تو که دست جود و بخشش به خیرات گشوده و هدایت و رستگاری از جانب تو به بندگان رسیده است، بنا بر این هر کس در کار دنیا و آخرت از تو کمک بخواهد، خواهد رسید. پروردگارا منزّهی تو، هر چه در علم تو تجلی کرده است در برابر ارادهات خاضع و خاشع است و تمام آنچه در زیر عرش تو قرار گرفته در برابر عظمت تو فروتن است و همه مخلوقات سر تسلیم در پیشگاه تو فرود آورده‌اند. منزّهی تو که با هیچ حواسی احساس نشوی و کسی از ذات مقدس تو آگاهی نیابد و لمس نگردی و دست کسی به هیچ حیل و مکرری به تو نرسد تو لایزالی و در حد کسی نیست که با تو در آویزد و بر تو ستم کند و مجادله نماید و یا تو را بفریبد و مغلوب سازد، ای خدای سبحان، راه تو مستقیم و همواره و امر و فرمانت واضح و روشن است، تو تا ابد زنده و از همه کس بی‌نیازی و همگان به تو نیازمندند، خداوند پاک تو را سزاست که گفتارت استوار و فرمانت حتمی و ارادهات راسخ و پابرجاست، ای خداوند پاک هیچ کس را قدرت تغییر اراده تو نباشد و کسی را یارای دگرگون ساختن کلمات نیست، ای خداوند پاک، تو آشکار کننده نشانه‌های خلقت و آفریدگار آسمانها و به وجود آورنده تمام نیروهای حیاتی ...»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۹۲

(۱) این بخش از دعای امام علیه السلام مشتمل بر زیباترین تسیحاتی است که اولیای خدا و پرهیزگاران بدان وسیله خدا را تسبیح گویند و پاکترین ستایشهایی که آنان پروردگارش را به بزرگی می‌ستایند، برآستی که در نزد امام (ع) چقدر خداوند متعال بزرگ، والا و بلند مقام است، آری او نسبت به بندگانش مهربان و رؤوف و در عین حال پادشاه مقتدر است، هر کسی به او پناه برد به دژ و حصار محکم و استواری پناه برده است. امام علیه السلام عظمت خدا را چنین بیان کرده است که تمام آنچه در جهان هستی وجود دارد در برابر او خاضع و همه موجودات در پیشگاهش خاشعند و همه مخلوقات به درگاه او سر تسلیم فرود آورده‌اند، همچنان که از نشانه‌های عظمت اوست که از جسم و جسمانیات منزّه است تا آنجا که به هیچ یک از حواس پنج‌گانه درک نشود، در حالی که او روشنی‌بخش آسمانها و زمین است و از عظمت اوست که در حد توان هیچ کسی نیست که در صدد حیل و مکر با او درآید و یا با او به مجادله و نزاع برخیزد بلکه همه چیز در تحت قدرت و سلطنت و فرمان اوست، سخن او استوار و قضای او حتم و اراده‌اش راسخ است.

اینک به بخش دیگری از این دعای شریف گوش می‌سپاریم:

(۲) «لک الحمد حمدا یدوم بدوامک، و لک الحمد حمدا خالدا بنعمتک، و لک الحمد حمدا یوازی صنعک، و لک الحمد حمدا

یزید علی رضاك، و لك الحمد حمدا مع حمد كلّ حامد، و شكرا يقصر عنه شكر كلّ شاكِر، حمدا لا ينبغي الّا لك، و لا يتقرّب به الّا اليك حمدا يستدام به الأوّل، و يستدعى به دوام الآخر، حمدا يتضاعف على كرور الأزمنة، و يتزايد اضعافا مترادفة، حمدا يعجز عن احصائه الحفظه، و يزيد على ما احصته في كتابك الكتبه، حمدا يوازن عرشك المجيد، و يعادل كرسيتك الزّفيح، حمدا يكمل لديك ثوابه، و يستغرق كلّ جزاء

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۹۳

جزاؤه، حمدا ظاهره وفق لباطنه، و باطنه وفق لصدق التّيه فيه، حمدا لم يحمدك خلق مثله، و لا يعرف احد سواك فضله، حمدا يعان من اجتهد في تعديده، و يؤيد من اغرق نزعا في توفيته، حمدا يجمع ما خلقت من الحمد، و ينتظم ما انت خالقه من بعد، حمدا لا حمد اقرب الي قولك منه، و لا احمد ممن يحمدك به، حمدا يوجب بكرمك المزيّد بوفوره، و تصله بمزيد بعد مزيد طولاً منك، حمدا يجب لكرم وجهك، و يقابل عزّ جلالك ...

«حمد و سپاس جاودانه تا ابدیت تو را سزاست و سپاس همیشگی به خاطر نعمتهایت زبینه دوست، سپاسی که بتواند با احسان تو برابری کند و حمد و سپاس تو را به قدری که افزونتر از خشنودی و رضای تو باشد و حمد و سپاس همراه با حمد و سپاس هر سپاسگزار از آن دوست و شکر و سپاسی که شکرگزاری کسی به پایه او نرسد، و چنان حمد و سپاسی که جز تو را نزیّد و تنها به وسیله آن شکر به سوی تو تقرب حاصل شود؛ حمد و سپاسی که از آغاز آفرینش ادامه داشته و تا پایان استمرار خواهد داشت. حمد و سپاسی که در گردش روزگار چندین برابر شود و پشت سر هم روزافزون گردد، حمد و سپاسی که فرشتگان حسابگر از شمار آن ناتوان و بر همه آنچه در کتاب محفوظ تو نوشته‌اند فزونی یابد حمد و سپاسی که با عرش بلند پایه‌ات برابر و با کرسی بر فرازت هم پایه باشد حمد و سپاسی که ثوابش در پیشگاه تو کامل بوده و هر نوع پاداشی را فراگیرد، حمد و سپاسی که ظاهر و باطنش (از نظر صدق و اخلاص) یکی بوده و باطن آن با صدق تبت و همراه با خلوص باشد، حمد و سپاسی که هیچ یک از بندگانت تو را آن چنان نستوده و جز تو کسی فضیلت آن را نداند. حمد و سپاسی که هر کس در شمارش آن بکوشد او را یاری داده و کسی را که

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۹۴

غرق در خصوصیات آن شود پشتیبانی کند، حمد و سپاسی که جامع تمام سپاسهایی باشد که تا کنون آفریده‌ای و یا بعدها خلق خواهی کرد، حمد و سپاسی که در علم بی‌کران تو نزدیکتر از آن چیزی نباشد و بهتر از آن کسی حمد و سپاس تو را آن چنان نگفته باشد که سزاوار ثواب بیشتر از آن گردد و او را از رحمت و احسانت بیشتر برخوردار سازد، سپاسی که برای ذات پاک تو سزاوار و با عزت و جلال تو برابر باشد ...».

(۱) آری در قاموس حمد و سپاس کلمه‌ای نمانده است مگر آن که امام علیه السلام به پیشگاه بزرگترین محبوبش، آفریدگار بزرگ تقدیم داشته، شکر و سپاسی بی‌کران به خاطر نعمتهای عظیم و الطاف بی‌پایانش تقدیم داشته است.

و اینک به صفحه دیگری از این دعای شریف گوش می‌سپاریم:

ربّ صلّ علی محمّد و آل محمّد، المنتجب المصطفى المکرّم المقربّ، افضل صلواتک، و بارک علی أتمّ برکاتک، و ترخّم علی امتع رحمتک، ربّ صلّ علی محمّد و آلّه، صلاة زاکیه لا تكون صلاة ازکی منها، و صلّ علیّه صلاة نامیه لا تكون صلاة انمی منها، و صلّ علیّه صلاة راضیه لا تكون صلاة فوقها، ربّ صلّ علی محمّد و آلّه، صلاة رضیه، و تزید علی رضاه، و صلّ علیّه صلاة ترضیک و تزید علی رضاك له، و صلّ علیّه صلاة لا ترضی له الّا بها، و لا تری غیره لها اهلا ...

«خداوند! بر محمد و آل محمد درود فرست که آن بزرگوار برگزیده و مختار و گرامی و مقرب درگاه دوست، بهترین درودت را شامل حال او گردان و کاملترین برکات را نصیب او فرما و از بالاترین رحمتهای خود او را بهره‌مند ساز.

پروردگارا بر محمد و آلش درودی پاکیزه بفرست که پاکیزه‌تر از آن

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۹۵

ممکن نباشد و درودی بالنده نصیب او گردان که بالنده‌تر از آن درودی نباشد و چنان درودی بفرست که پسندیده تو باشد و بالاتر از آن درودی وجود نداشته باشد، خداوندا درودی بر او بفرست که موجب خشنودی تو گردد و فزونتر از رضای او بوده و بر خشنودی از او بیفزاید و درودی بر او بفرست چنان که جز آن درودی برایش نپسندی و کسی جز او را شایسته آن ندانی.

(۱) رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَجَاوِزُ رِضْوَانَكَ، وَ يَتَّصِلُ اتِّصَالَهَا بِبِقَائِكَ، وَ لَا يَنْفَدُ كَمَا لَا تَنْفَدُ كَلِمَاتُكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رَسَلِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ، وَ تَشْتَمِلُ عَلَيَّ صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنَّكَ وَ أَنْسِكَ وَ أَهْلِ اجَابَتِكَ، وَ تَجْتَمِعُ عَلَيَّ صَلَاةُ كُلِّ مَنْ ذَرَاتٍ وَ بَرَاتٍ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ وَ آلِهِ صَلَاةً تَحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ سَالِفَةٍ وَ مُسْتَأْنَفَةٍ، وَ صَلِّ عَلَيَّ وَ آلِهِ صَلَاةً مَرَضِيَّةً لَكَ وَ لِمَنْ دُونِكَ، وَ تَنْشِئْ مَعَ ذَلِكَ صَلَوَاتٍ تَضَاعَفَ مَعَهَا تِلْكَ الصَّلَوَاتُ، عِنْدَهَا وَ تَزِيدُهَا عَلَيَّ كَرُورَ الْأَيَّامِ زِيَادَةً فِي تَضَاعِيفٍ لَا يَعْدُهَا غَيْرُكَ ...

پروردگارا! بر محمد و آل محمد درود فرست، درودی که از حد رضای تو افزونتر و با جاودانگی تو ابدی باشد و نابود نگردد همان طوری که کلمات تو جاودانه است آن درود نیز فنا نپذیرد. خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست چنان درودی که با درود فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و فرمانبرداران فرمان تو همراه باشد و درودهای بندگانت را از جن و انس و پذیرندگان دعوت فراگیرد و درودی که تمام درودهای خلاق و آفریدگانت از انواع مخلوقات را شامل گردد. پروردگارا بر محمد و آلش درود فرست درودی که شامل درودهای گذشته و حال به بعد از این

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۹۶

باشد، و درودی بر او و آل او بفرست که مورد رضای تو و مقربانت باشد و آن درود خود منشأ درودهایی باشد که با وجود آنها چندین برابر گردند و با گردش روزگاران چنان روزافزون گردد که جز تو کسی را یارای شمارش آنها نباشد...» امام علیه السلام با این کلمات به جد بزرگوارش رسول گرامی - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - اشاره کرده و از خداوند متعال طلب درود و رحمت نموده و از خداوند خواسته است تا بر او درودی پاک و بالنده و پسندیده فرستد چنان درودی که با گردش شبها و روزها برقرار باشد و به جاودانگی بی‌منت‌های خداوند متعال پیوندد و همچون کلمات خدا پایان‌ناپذیر باشد.

اینکه به قسمت دیگری از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

(۱) رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ خِزْنَةَ عِلْمِكَ، وَ حَفْظَةَ دِينِكَ، وَ خَلْفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَ حُجَجَكَ عَلَيَّ عِبَادِكَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِيرًا بَارَادَتِكَ، وَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، وَ الْمَسْلُوكَ إِلَيَّ جَنَّتِكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً تَجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ تَحْفِكَ وَ كَرَامَتِكَ، وَ تَكْمِلُ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ وَ نَوَافِلِكَ وَ تَوْفَّرَ عَلَيْهِمُ الْحَظُّ مِنْ عَوَائِدِكَ، وَ فَوَائِدِكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ وَ عَلَيْهِمُ صَلَاةً لَا أَمِدُ فِي أَوَّلِهَا، وَ لَا غَايَةَ لِأَمْدِهَا، وَ لَا نِهَائَةَ لِآخِرِهَا، رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زِنَةَ عَرْشِكَ، وَ مَا دُونِهِ، وَ مَلَأْ سَمَوَاتِكَ وَ مَا فَوْقَهُنَّ وَ عِدَدَ أَرْضِيكَ، وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ صَلَاةً تَقْرَبُهُمْ مِنْكَ زَلْفِي، وَ تَكُونَ لَكَ وَ لَهُمْ رِضَى، وَ مُتَّصِلَةً بِنِظَائِرِهِنَّ أَبَدًا ...

«پروردگارا! بر محمد و آلش که جزو پاکان عالمند درود فرست که تو آنها

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۹۷

را برای هدایت و ارشاد مردم برگزیده‌ای و گنجینه‌های علم و نگهبانان دین خود و جانشینان حکومت خود در زمین و حجت‌های بالغه بر بندگانت قرار داده‌ای و به اراده خویش از هر نوع ناپاکی و پلیدی آنان را پاکیزه ساخته‌ای و ایشان را وسیله هدایت و ارشاد مردم کرده‌ای و راهنمای مردم جهت سلوک به سوی بهشت رضوانت قرار داده‌ای.

پروردگارا بر محمد و آلش درود و رحمتی بفرست که موهبت و کرامت خود را بر آن بیفزایی و بدان وسیله بهترین و عالیترین عطا و بخشش خود را بر آنان به حد کمال برسانی و بهره آنان را از الطاف و احسانت بی حساب سازی.

خداوندا بر او و بر خاندان پاکش درود و رحمتی بفرست که بی حد و بی نهایت باشد و هرگز منقطع نگردد. پروردگارا بر ایشان درودی بفرست که با عرش اعظمت و هر چه در زیر عرش است برابری کند و همه آسمانها و زمینها را و آنچه در بالای آسمانها و در زیر زمینها و ما بین آسمان و زمین است پر کند، درودی که باعث تقرب بیشتر آنان به مقام قربت گردد و مورد رضا و خشنودی تو باشد در حالی که به درود و رحمتهای دیگری همانند خود پیوسته باشند...»

(۱) امام علیه السلام در این بخش از کلمات گرانقدر خویش از مقام والا و جایگاه عظیم اهل بیت علیهم السلام و فضائلی را که خداوند به ایشان مرحمت کرده است پرده برداشته است که از جمله بیانگر مطالب زیر است:

الف- خدای تعالی آنان را برای تبلیغ و نشر دین خود و ادای رسالت خویش به بندگانش برگزیده است.

ب- خدای متعال ایشان را گنجینه داران علم و دانش و مراکز حکمت خویش قرار داده است.

ج- براستی که آنان پاسداران دین از تحریف و زیاده و نقصانند.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۹۸

د- آنان جانشینان خدا در زمین و حجت‌های بالغه او بر بندگان او هستند.

ه- خداوند متعال آنان را از هر رجس و پلیدی پاک و پاکیزه قرار داده است همان طوری که آیه مبارکه بیان می کند:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا. (۱)

و- خدای تعالی ایشان را وسیله ارشاد و هدایت مردم به درگاه خود و سلوک آنان به بهشت رضوانش قرار داده است، بنا بر این هر کس به سوی ایشان آمد نجات یافت و هر کس از ایشان رو برتافت، غرق و نابود شد.

این بود برخی از فضایل و مناقب ایشان، که امام علیه السلام درباره آنها سخن گفته و از خداوند متعال خواسته است که درود و مغفرت خویش را بر ایشان ارزانی بدارد و رحمتهای فراوانش شامل آنان گرداند.

(۱) و اینک به بخش دیگری از این دعای شریف گوش فرا می دهیم:

اللَّهُمَّ اِنَّكَ اَيَّدت دِينَكَ فِي كُلِّ اَوَانٍ يَا مُمَامٍ اَقَمْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ، وَ مَنَارًا فِي بِلَادِكَ، بَعْدَ اَنْ وَصَلت حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَ جَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ اِلَى رِضْوَانِكَ وَ اِفْتَرَضت طَاعَتَهُ، وَ حَذَرت مَعْصِيَتَهُ، وَ اَمَرت بِاِمْتِثَالِ اَمْرِهِ، وَ اِلْتِمَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ، وَ اَلَّا يَتَقَدَّمَهُ مَتَقَدَّمٌ وَ لَا يَتَأَخَّرَ عَنْهُ مَتَأَخَّرٌ، فَهَوِ عَصْمَةَ اللّٰئِذِينَ، وَ كَهْفَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ عَرْوَةَ الْمُتَمَسِّكِينَ وَ بَهَاءِ الْعَالَمِينَ ...

«خداوندا تو دین و شریعت خود را در هر عصر و زمانی به وسیله امام عادل تأیید کردی و آنان را به عنوان شاخصها و مشعلداران بندگان، در همه جا قرار دادی و آن امام عادل را با خود مرتبط کردی و او را وسیله سلوک به بهشت رضوان و رسیدن خلق به مقام رضا و خشنودیت قرار دادی

(۱) احزاب/ ۳۳: همانا خداوند می خواهد که رجس و پلیدی را از شما اهل بیت پیامبر (ص) ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزه گرداند.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۹۹

و اطاعت او را بر خلق واجب گردانیدی و مردم را از مخالفت با دستورهای او منع کردی و دستور دادی تا همه کس از او امر او اطاعت کنند و از آنچه نهی کرده، خودداری نمایند و مبدا فردی بر او تقدم بجوید و یا از پیروی و همراهی با او عقب بماند پس او نگهبان خلق و پناه کسانی است که به درگاه تو پناهنده‌اند و پشتیبان مؤمنان و حلقه ارتباط میان مسلمانان و نور هدایت و

روشنی بخش عالمیان است ...»

(۱) اللَّهُمَّ فَاوْزِعْ لَوْلِيكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ، وَ أَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَ آتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَ اعْنِهِ بِرُكْنِكَ الْإِعْزَّ، وَ اشْدُدْ أَرْزَهُ، وَ قَوِّ عَضُدَهُ، وَ رَاعِهِ بِعَيْنِكَ، وَ احْمِهِ بِحِفْظِكَ، وَ انصُرْهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَ امدده بجنودك الأغلِب، وَ اقم به كتابك، وَ حدودك وَ شرائعك، وَ سنن رسولك صلواتك اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ احی به ما اياته الظالمون من معالم دينك، وَ اجل به صدأ الجور عن طريقتك، وَ ابن به الضراء من سيلك، وَ ازل به الناكبين عن صراطك، وَ امحق به بغاء قصدك عوجا، وَ الن جانبه لأوليائك، وَ ابسط يده على اعدائك، وَ هب لنا رأفته، وَ رحمة وَ تعطفه وَ تحننه، وَ اجعلنا له سامعين مطيعين، وَ فى رضاه ساعين، وَ الى نصرته وَ المدافعة عنه مكفين وَ اليك وَ الى رسولك صلواتك اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ ...

«خداوندا! پس شکر و سپاس نعمتهایی را که به وی عطا کرده‌ای بر او الهام فرما و مانند همان را نیز بر ما الهام کن و از جانب خود سلطنت و یاری بر او مرحمت فرما و او را به پیروزی شایان برسان و این پیروزی را به آسانی نصیب او کن و با عزت کامل خود او را یاری کن و پیروانش را نیرومند ساز و بازویش را قوی گردان، و با چشم عنایت خود او را مراقبت

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۰۰

فرما و در سایه حمایت خود او را نگهدار، و به وسیله فرشتگانت او را یاری کن و با سپاه برتر خویش او را مدد فرما و به وسیله او حقایق کتاب آسمانی و حدود شریعت و سنتهای رسول گرامیت را- درود تو ای خدا بر او و خاندانش باد- استوار گردان، و آنچه را که ستمگران از تعالیم دینت نابود کرده‌اند به وسیله او دوباره زنده کن و بدان وسیله زنگار ظلم و ستم را از آئینه دینت پاک کن و همه سختیها و مشکلات را به وسیله او زایل گردان و به وسیله او سرکشان و گمراهان بداندیش را که راه راست دین تو را کج معرفی کرده‌اند خوار و نابود گردان و دل آن بزرگوار را نسبت به دوستانت مهربان و او را بر دشمنانت پیروز فرما، و رأفت و محبت او را شامل حال ما (شیعیان و دوستانش) بفرما، و ما را از جمله شنوندگان سخن آن حضرت و فرمانبرداران او قرار بده، و از جمله کسانی مقرر فرما که در راه رضا و خشنودی خودت و در راه حمایت و یاری او و برای دفاع از هدفهای او کوشا باشیم در حالی که این یاری و حمایت ما وسیله تقرب به درگاه تو و نزدیکی به رسول گرامیت باشد که درود تو ای خدای بزرگ بر او و خاندان او باد ...»

(۱) امام علیه السلام در این فراز از دعای شریف خویش از مقام والای امام قائم و اهمیت زیاد او در دنیای اسلام سخن گفته است که او پاسدار دین خدا و راهنمون به راه راست و هدایت است و وسیله‌ای برای جلب رضا و خشنودی خدا می‌باشد، از این رو لازم است که از او اطاعت کنیم و مخالفت با او روا نیست زیرا که او پناه کسانی است که به درگاه خدا پناه می‌برند و پشتیبان مؤمنان و دستاویز مستمسکان و روشنی‌بخش عالمیان است. آنگاه امام علیه السلام برای پیروزی و نصرت شایان آن بزرگوار دعا کرده است تا آن که سنت اسلام را استوار سازد و آنچه را که از آثار شریعت و احکام دیانت به وسیله ستمگران از میان رفته، دوباره زنده کند. و اینک به قسمت دیگری از این دعای شریف گوش

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۰۱

می‌سپاریم:

(۱) اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمْ، الْمُعْتَرِّفِينَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَّبِعِينَ مِنْهُمْ، الْمُقْتَفِينَ آثَارَهُمْ، الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمْ، الْمُؤْتَمِّينَ بِإِمَامَتِهِمْ، الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ، الْمُنتَظِرِينَ أَيَّامَهُمْ، الْمَادِّينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنَهُمْ، الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الرَّاكَيَاتِ النَّامِيَاتِ الْغَادِيَاتِ، وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ، وَ اجْمَعْ عَلَى التَّقْوَى أَمْرَهُمْ، وَ اصْلِحْ لَهُمْ شُؤْنَهُمْ، وَ تَبِّ عَلَيْهِمْ أَنْتَ الْتَوَّابِ الرَّحِيمِ، وَ خَيْرِ الْغَافِرِينَ، وَ اجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ...

«خداوندا! بر دوستان و موالیان ایشان درود فرست؛ آن کسانی که به مقام ولایت و امامت ایشان معترفند و از راه ایشان پیروی

می‌کنند و به آثار علمی و دستوره‌های ایشان پابندند و به ریسمان محکم ولایت ایشان متمسکند و پیرو امامت و پیشوایی آنانند و تسلیم اوامر ایشان بوده و در اطاعت از فرمان ایشان کوشایند، منتظر فرا رسیدن دوران حکومت ایشان و چشم به راه ظهور آن بزرگوارانند، بر این گروه دوستان و شیعیان درودها و رحمت‌های پربرکت و بسیار پاکیزه و خوشبو و روزافزون بفرست، بر ایشان و بر ارواح پاکشان رحمت فرست و امور ایشان را بر اساس تقوا گردآور و همه شئون ایشان را اصلاح فرما و توبه آنان را بپذیر که تو بسیار توبه‌پذیر و بهترین آمرزنده گناهمانی و با رحمت واسعه خود ما را نیز با آنان در بهشت جاودانه قرین فرما ای بخشنده‌ترین بخشایندگان ...»

(۲) امام علیه السلام از خداوند متعال درخواست کرده است تا بر شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم السلام درود و رحمت فرستد، کسانی که تجسم عینی تابش

تعلیلی از زندگانی امام سجاده علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۰۲

فکری اسلام بوده و پیروان راستین راه و روش ائمه طاهرین و دنباله‌روان آثار ایشان و متمسک‌کان به ولایت و معتقدان به امامت آنان می‌باشند و در راه اطاعت از ایشان می‌کوشند و منتظر فرا رسیدن روزگار حکومت حقّه آنانند. و ایشان هستند که به تمام اصول اسلام پایبند بوده و از همه گفته‌ها و اعمال پیامبر (ص) متابعت می‌کنند که از جمله دستوره‌های پیامبر، پیروی و تمسک به اهل بیت علیهم السلام و عمل به آثار علمی و آنچه در عالم تشریح از ایشان رسیده، می‌باشد. امام علیه السلام درخواست دارد که خداوند امر ایشان را بر اساس تقوا فراهم آورد و شئون و اموال ایشان را اصلاح کند و توبه ایشان را بپذیرد و با رحمت واسعه خود در بهشت جاودان همنشین و همراه ایشان قرار دهد.

(۱) و باز به قسمت دیگری از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

اللّهُمَّ هذا يوم عرفه، يوم شرفته و كرمته، و عظمته، نشرت فيه رحمتك، و مننت فيه بعفوك، و اجزلت فيه عطيتك، و تفضلت به علي عبادك، اللهم و انا عبدك الذي انعمت عليه قبل خلقك له، و بعد خلقك اياه، فجعلته ممن هديته لدينك، و وفقته لحقك، و عصمته بحبلك، و ادخلته في حزبك، و ارشدته لمواالاه اوليائك، و معاداة اعدائك، ثم امرته فلم يأتمر، و زجرته فلم ينزجر، و نهيته عن معصيتك فخالف امرك الي نهيك، لا معانده لك، و استكبارا عليك، بل دعاه هواه الي ما زيلته، و الي ما حدّرته و اعانه علي ذلك عدوك و عدوه، فاقدم عليه، عارفا بوعيدك، راجيا لعفوك، واثقا بتجاوزك، و كان احق عبادك مع ما مننت عليه الا يفعل، و ها انا ذا بين يديك صاغرا ذليلا- خاضعا خاشعا خائفا، معترفا بعظيم من الذنوب تحمّلتها، و جليل من الخطايا اجترمتها، مستجيرا بصفحك، لا ائذا برحمتك، موقنا انه

تعلیلی از زندگانی امام سجاده علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۰۳

لا يجيرني منك مجير، و لا يمنعي منك مانع، فعد عليّ بما تعود به علي من اقترف من تغمّدك، (۱) و جد عليّ بما تجود به علي من القى بيده اليك من عفوك، و امنن عليّ بما لا- يتعاطمك ان تمنّ به علي من املك من غفرانك، و اجعل لي في هذا اليوم نصيبا، انال به حظا من رضوانك، و لا تردني صفرًا ممّا ينقلب به المتعبدون لك من عبادك، و اني و ان لم اقدم ما قدموه من الصّالحات، فقد قدّمت توحيدك و نفى الأضداد و الأنداد و الاشباه عنك، و اتيتك من الأبواب التي امرت ان تؤتي منها، و تقربت اليك بما لا يقرب احد منك الا بالتقرب به، ثم اتبعت ذلك بالانابه اليك، و التذللّ و الاستكانه لك، و حسن الظنّ بك و الثقة بما عندك، و شفعتك برجائك الذي قلّ ما يخيب عليه راجيك، و سألتك مسأله الحقيّر الذليل، البائس الفقير، الخائف المستجير، و مع ذلك خيفه و تضرعا و تعودا و تلودا، لا مستطيلا بتكبر المتكبرين، و لا متعاليا بدالّه المطيعين، و لا مستظلا بشفاعه الشّافعين، و انا بعد اقلّ الأقلين، و اذلّ الأذلين، و مثل الدرّة او دونها ...

«خداوند! امروز، روز عرفه است، روزی است که توبه آن شرافت و کرامت بخشیده‌ای و خوان رحمت خود را در این روز برای

بندگان گسترده‌ای و با عفو و بخشش خود بر خلق منت نهاده و عنایت زیادی بر ایشان کرده‌ای و به واسطه امروز شریف بندگان را مشمول فضل و رحمت خود قرار داده‌ای. خداوند اینک من همان بنده‌ام که پیش از آفرینش و پس از خلقت او درباره‌اش احسان کرده‌ای و او را از جمله هدایت یافتگان به دین خود و موفق به ادای حق خویش قرار داده‌ای و به

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۰۴

وسیله تمسک به رشته رحمت خود او را از گمراهی حفظ کرده‌ای و در زمره حزب خود در آورده‌ای و به دوستی و محبت اولیایت و دشمنی با دشمنان ارشاد فرموده‌ای و بازهم به او امر کرده‌ای اما او به امر تو اطاعت نکرده و نهی فرموده‌ای و او خودداری نکرده و از نافرمانی خود او را بازداشته‌ای اما او به جای انجام دستور تو مرتکب گناه شده است لیکن نه از باب مخالفت و دشمنی با تو و نه به خاطر سرکشی از فرمانت بلکه هوای نفس بر وی غالب گشته و به انجام نواهی تو دعوت کرده است و دشمن او و تو (شیطان) او را در مخالفت با تو کمک کرده است و با وجود این که به وعده عذابت درباره معصیت آگاه بوده اما به امید عفو تو و با اطمینان به بخشایندگی مرتکب گناه شده است، در صورتی که با این همه احسان و لطف که بر او روا داشتی بهتر آن بود که نافرمانی تو را نکند. خداوند (۱) اینک این منم آن بنده خوار و ذلیل، ناچیز خاضع و ترسان که بار سنگین گناهانم را بر دوش دارم و خطاهای بزرگی مرتکب شده‌ام، به رحمت و عفو پناه آورده‌ام و یقین کامل دارم که هیچ کس نمی‌تواند جز تو مرا پناه دهد و اگر تو بخواهی مرا عذاب کنی هیچ قدرتی نمی‌تواند جلوگیری کند، پس تمنا می‌کنم که در این حال به عفو و کرمت بنگر همان طوری که به بندگان گنهکارت به لطف و احسان می‌نگری و آنان را مشمول عفو و گذشت خود قرار می‌دهی مرا هم ببخش، همچنان که آنها دست به دامن عفو شدند و بر آنان کرم کردی بر من نیز به غفران و احسان رفتار کن و امروز به من نصیبی عطا کن که بدان وسیله از رضا و خشنودی تو بهره‌مند شوم و مرا از درگاه کرمت محروم مفرما و از آنچه به بندگان که در اطاعت تو خالصند عطا کرده‌ای به من عطا کن هر چند که من اعمال شایسته آنها را انجام نداده‌ام اما هدیه‌ای به نام یکتاپرستی و توحید را به محضر تو تقدیم می‌دارم و ذات پاکت را از هر ضد، مثل و شبیه منزّه می‌دانم. خداوند من هم از آن درهایی آمده‌ام که تو خود دستور داده‌ای و به وسیله چیزی تقرب

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۰۵

جسته‌ام که کسی بدون آن وسیله نمی‌تواند به درگاهت تقرب جوید، و پس از همه اینها با توبه و زاری و عجز و لابه به سویت آمده‌ام و با حسن نیت و اطمینان بر آنچه در نزد توست به درگاهت می‌نالم و با امیدواری که به رحمت تو دارم به درگاه تو آمده‌ام آن امیدواری که کمتر کسی یافت می‌شود که به پیشگاه تو رو آورد و محروم برگردد و از تو با حال خواری و درماندگی و بیچارگی و ترس و پریشانی درخواست امان دارم و با قلبی مملوّ از بیم و وحشت و ناله و زاری به درگاهت پناه آورده‌ام نه با سرکشی و غرور متکبران و نه با ناز و کرشمه مطیعان و نه به خاطر این که تنها به شفاعت شافعان متوسل گشته‌ام زیرا که من از ناچیزترین و خوارترین بندگان ناچیز و خوارم و همچون ذره بی‌مقدار و یا پست‌تر از آنم...»

(۱) امام علیه السلام در این بخش از دعای خود، از تعظیم و تقدیس خود نسبت به روز عرفه پرده برداشته است روزی که از بزرگترین و والاترین روزهای خداست که خداوند رحمت خود را در آن روز بر بندگان گسترده و عفو و بخشش خویش را بر حجاج بیت الله الحرام ارزانی داشته است. همچنان که امام علیه السلام تذلل و خواری و عبودیت بی‌چون و چرای خود را نسبت به پروردگار با اعتراف به تقصیر و اطمینان به لطف و امید به بخشش و عفو پروردگار ابراز داشته که در پیشاپیش آن، توحید و نفی اضداد و نظایر و اشباه برای خدا را تقدیم نموده و از راهها و دروازه‌هایی به درگاه خدا رو آورده است که خداوند خود دستور داده است تا بندگان از آن دروازه‌ها وارد شوند یعنی راهها و درهای رحمت، ائمه طاهرين عليهم السلام، در این سخن امام درس آموزنده‌ای برای مقصران و کسانی است که از رحمت خدا دور افتاده‌اند تا بدان وسیله از این راه بروند و خود را در سرای آخرت

از عذاب الهی نجات بخشند. و باز به بخش دیگری از این دعای شریف بر می گردیم و گوش دل می سپاریم:

(۲) فیا من لم يعاجل المسيئين، و لا ينده المترفين، و یا

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۰۶

من یمن باقاله العاثرین، و یتفصل بانظار الخاطئین، انا المسیء المعترف الخاطيء العاثر، انا الذی اقدم علیک مجترئا، انا الذی عصاک متعمدا، انا الذی استخفی من عبادک و بارزک، انا الذی هاب عبادک و امنک، انا الذی لم یرهب سطوتک و لم یخف بأسک، انا الجانی علی نفسہ، انا المرتهن ببلیتہ، انا القلیل الحیاء، انا الطویل العناء، فبحق من انتجت من خلقک، و بمن اصطفیتہ لنفسک، بحق من اخترت من بریتک، و من اجتبت لشأنک، بحق من وصلت طاعته بطاعتک، و من جعلت معصیتہ کمعصیتک، بحق من قرنت موالاته بموالاتک، و من نطت معاداته بمعاداتک، تغمدنی فی یومی هذا بما تتغمد به من جار الیک متصیلا، و عاذ باستغفارک تائبا، و تولئی بما تولئی به اهل طاعتک، و الزلفی لیدیک، و المکانه منک، و توخدی بما توخدی به من وفی بعهدک، و اتعب نفسه فی ذاتک، و اجهدها فی مرضاتک، و لا- توأخذنی بتفریطی فی جنبک، و تعدی طوری فی حدودک، و مجاوزة احکامک، و لا تستدرجنی باملائک لی استدراج من منعی خیر ما عنده، و لم یشرکک فی حلول نعمته بی، و نبهنی من رقدة الغافلین، و سنه المسرفین، و نعسه المخدولین، و خذ بقلبی ما استعملت به القانتین، و استعبدت به المتعبدین، و استنقذت به المتهاونین، و اعذنی مما یباعدنی عنک، و یحول بینی و بین حظی منک، و یصدنی عما احاول لیدیک، و سهّل لی مسلک الخیرات الیک، و المسابقه الیها من حیث امرت، و المشاحه فیها

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۰۷

علی ما اردت، و لا- تمحقنی فی من تمحق من المستخفین بما اوعدت، و لاب تهلکنی مع من تهلک من المتعرضین لمقتک، و لا تبترنی فی من تتبر من المنحرفین عن سبلک، و نجنی من غمرات الفتنة، و خلصنی من لهوات البلوی، و اجرنی من اخذ الإملاء... «ای خداوندی که در مجازات گنهکاران شتاب نمی ورزی و اسراف کنندگان مغرور را از درگاه کرمت نمی رانی، ای خدایی که به بازگشت گنهکاران منت گذاشته و احسان می کنی و خطاکاران را به فضل و کرمت مهلت می دهی! خداوندا! منم آن بنده گنهکار که به گناه و لغزش خود معترفم و با این که از روی اراده نافرمانی تو را کرده ام با جرأت به سوی تو آمده ام. منم آن بنده ای که نهان از نظر بندگانت ولی آشکارا در نظر تو بر تو معصیت و نافرمانی کرده ام. خداوندا منم آن بنده ای که از هیبت بندگانت ترسیدم ولی از تو در معصیت و نافرمانی نترسیدم و منم آن که از سطوت و غلبه تو نهراسیدم و از خشم و غضب تو خائف نشدم.

خداوندا منم آن که بر خود ستم کرده ام و منم آن کسی که به نتیجه اعمال خود گرفتار شدم، منم آن که شرم و حیایم اندک و رنج و مشقتم طولانی است! خداوندا به حق آن کسی که تو او را از همه کس برتر می دانی و او را برای خودت پسندیدی و به حق آن که از همه خلق برگزیدی و برای امور دین خود انتخاب کردی و به حق آن که طاعت او را به طاعت خود پیوند دادی و معصیتش را همانند نافرمانی خود به حساب آوری، به حق کسی که دوستی او را با دوستی خودت قرین و دشمنی با او را با دشمنی خودت مربوط ساختی، مرا در این روز بزرگ به لباس رحمت و مغفرت خویش ملبّس گردان، با همان لباس مغفرتی که تن کسانی را می پوشانی که با آه و زاری به تو پناه می آورند و با توبه و استغفار رو به درگاه تو می آورند. و مرا در حصار ولایت خود قرار ده همان طوری که بندگان مقرب و صاحب

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۰۸

منزلت و مقام و اهل طاعت خویش را از هر رنج و بلا محافظت می کنی، مرا نیز در نزد خود به چنان مقامی برسان، مانند وفاداران به عهد تو و کسانی که در راه دین تو رنج و زحمت کشیده و در جلب رضا و خشنودی تو کوشیده اند، و مرا به خاطر تقصیری که در مورد تو و به سبب تجاوز از حدود احکام تو و کوتاهی در اجرای اوامرت مؤاخذه مفرما. خداوندا مرا به عذاب تدریجی در اثر

نعمتهای دنیوی که باعث طغیان من می‌شوند، مبتلا-مکن و با وجود عصیان مرا از احسان خود دریغ مفرما. خداوندا مرا گرفتار خواب غفلت مردمان غافل و آن غفلتی که روش مسرفین و مطرودین است، مگردان، بلکه توجه قلبی مرا به سوی معطوف کن که دل بندگان مطیع و بندگان خاصیت بدان سو متوجه است، چنان کن که خداپرستان کامل را به عبادات شائقانه برگماشتی و سهل‌انگاران را به کرم و لطف خود از هلاکت نجات دادی. خداوندا مرا از آنچه باعث دوری از درگاهت می‌شود نگهدار و بین من و نصیبم از رحمت خودت جدایی مینداز و از آنچه که مرا از رسیدن به مقصود نهائیم مانع می‌شود حفظ کن. و انجام کارهای نیک را که مرا به سوی تو رهنمونند، آسان گردان و مرا برای انجام کارهای خیر از طریقی که امر فرموده‌ای و رضای تو بر آنها تعلق گرفته، شتابان گردان و مرا در زمره کسانی قرار مده که مستحق عذاب بوده و در معرض نابودی و هلاکتند، و با کسانی که بی‌باکانه خود را در معرض خشم و غضب تو قرار داده‌اند هلاک مکن و با کسانی که از راه راست تو منحرف شده‌اند نابودم مگردان و مرا از آشوب و فتنه‌های عالم نجات ده و از مشکلات آزمون خلاصی بخش و مرا به واسطه مهلتی که داده‌ای از مؤاخذه حفظ فرما ...»

(۱) امام علیه السلام در این فرازهای از دعای خود درباره الطاف الهی بر بندگانش سخن گفته است که از آن جمله خداوند نسبت به کیفر و انتقام از

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۰۹

تبهکاران و عاصیان، شتاب نمی‌ورزد و به ایشان مهلت می‌دهد تا این که شاید به راه صحیح برگردند و به اجر و ثواب برسند، همچنان که امام علیه السلام به ندبه و زاری و تذلل و خواری خود، و خود را در پیشگاه آفریدگار بزرگ به حساب نیوردن اشاره دارد در حالی که از او درخواست می‌کند و متوسل به اوست که مشمول عفو و رضوان خویش قرار دهد و از خواب غفلتی که غافلان مبتلایند و روش اسرافکاران است بیدار کند و او را به راه نیکان و صالحان هدایت کند. و اینکه به قسمت دیگری از این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

(۱) «و حل بینی و بین عدو یضلنی، و هوی یوبقنی، و منقصه ترهقنی، و لا تعرض عنی اعراض من لا ترضی عنه بعد غضبک، و لا تؤیسنی من الامل فیک، فیغلب علی القنوط من رحمتک، و لا تمتحنی بما لا طاقه لی به، فتهظنی ممّا تحمّلنی من فضل محبتک، و لا ترسلنی من یدک ارسال من لا خیر فیه، و لا حاجه بک الیه، و لا انا به له و لا ترم بی رمی من سقط من عین رعایتک، و من اشتمل علیه الخزی من عندک، بل خذ بیدی من سقطه المترددین، و وهله المتعسفین، و زلّه المغرورین، و ورطه الهالکین، و عافنی ممّا ابتلیت به طبقات عبیدک و امائک، و بلغنی مبالغ من عنیت به، و انعمت علیه، و رضیت عنه فأعشته حمیدا، و توفیته سعیدا، و طوّقنی طوق الإقلاع عمّا یحبط الحسنات، و یذهب بالبرکات، و اشعر قلبی الازدجار عن قبائح السيئات، و فواضح الحویات، و لا تشغلنی بما لا ادركه الا بک عمّا لا یرضیک عنی غیره، و انزع من قلبی حبّ دنیا دنیة تنهی عمّا عندک، و تصدّ عن ابتغاء الوسیلة الیک، و تذهل عن التّقرّب منک، و زین لی التّفرد بمناجاتک باللیل و النهار،

تعلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۱۰

و هب لی عصمه تدینی من خشیتک، و تقطعنی عن رکوب محارمک، و تفکنی من اسر العظام، و هب لی التّطهیر من دنس العصیان، و اذهب عنی درن الخطایا، و سربلنی بسربال عافیتک، و ردنی رداء معافاتک، و جلّلی سوابغ نعمائک، و ظاهر لدی فضلک و طولک، و ایدنی بتوفیقک و تسدیدک، و اعنی علی صالح النیة، و مرضی القول و مستحسن العمل، و لا تکنی الی حولی و قوتی دون حولک و قوتک، و لا تخزنی یوم تبعثنی للقاءک، و لا تفضحنی بین یدی اولیائک، و لا تنسني ذکرک، و لا تذهب عنی شکرک، بل ألزمنیه فی احوال السیهو عند غفلات الجاهلین لآلائک، و اوزعنی ان اثنی بما اولیتیه، و اعترف بما اسدیته الی، و اجعل رغبتی الیک، فوق رغبه الراغبین، و حمدی ایاک فوق حمد الحامدین، و لا تخذلنی عند فاقتی الیک، و لا تهلکنی بما اسدیته

الیک ...

«خداوندا میان من و دشمنی که باعث گمراهی من است و هوای نفسی که جانم را به تباهی کشد و نقص و عیبی که تمام وجودم را فراگیرد جدایی بیفکن و در همه حال از من همانند کسی که از او ناراضی هستی، و پس از خشم و غضب بر او، دیگر خشنود نخواهی شد، رو بر مگردان، خداوندا مرا از امیدی که بر تو دارم ناامیدم مکن بطوری که یأس و ناامیدی از رحمتت بر من غلبه کند، و بار سنگینی را که از حد طاقت من بیشتر است برای امتحان بر دوش من مگذار تا آن بار مرا خسته و ناتوان کند بلکه از راه فضل و کرمات امتحان را بر من آسان گیر. خداوندا از عنایت و لطفت با من مانند کسی که هیچ خیر در وجود آنها نیست و هیچ توجهی به او نداری و او نیز هیچ گاه به درگاه تو بر نمی‌گردد رفتار مکن، و مرا مانند

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۱۱

کسی که هرگز چشم عنایت به او نداری و او را با ذلت و خواری از درگاهت می‌رانی از نظر لطف دور مکن و مرا از سقوط رانندگان درگاهت و از ترس و بیم خطاکاران گمراه بازدار بلکه دست مرا از سقوط مردمان رانده شده از درگاهت بگیر و از خوف خطاکاران گمراه و لغزش افراد مغرور و از گرفتاری هلاک‌شدگان در گمراهی نگهدار و از گرفتاریهایی که بندگانت را از مرد و زن مبتلا می‌گردانی مرا معاف دار و به آن مقامی برسان که بندگان خاصت را رسانده‌ای و مشمول احسانت قرار داده و از او خشنود و راضی هستی که دوران عمرش را به نیکی گذرانده و در وقت مردن هم خوشبخت و مقرون به سعادت فرموده‌ای، به گردنم طوقی بینداز که اعمال نیکم را باطل نگرداند و برکات اعمال نیکم را از بین نبرد. و (۱) قلبم را پر از نفرت و انزجار نسبت به اعمال بد و رسوایی گناهان فرما و فکرم را از آنچه که موجب رضای توست به چیز دیگری مشغول مگردان زیرا که اعمال جلب کننده رضای تو را بدون لطف و عنایت تو نمی‌توانم تشخیص دهم. و محبت دنیای پست را که مرا از رسیدن به نعمتهای ابدی باز می‌دارد و از جستن وسیله تقرب به تو محروم می‌سازد، از دل و جانم ریشه کن فرما و در نظر من تنهایی و خلوت و مناجات و راز و نیاز با خودت را در شب و روز بیارای و به من عصمتی مرحمت کن که مرا به مقام خشیت و خداترسی نزدیک کند و از ارتکاب معاصی بازدارد، و گردنم را از زنجیر اسارت گناهان بزرگ برهاند. خداوندا مرا از پلیدی و ناپاکی گناه پاک نما و لکه خطاکاری را از من بزدا و بر تن و جانم لباس عافیت و جامه عفو و عنایت خودت را بپوشان و در نعمتهای کامل مرا مستغرق ساز و فضل و احسان خودت را بر من آشکار کن و با توفیق و تأیید خودت مرا نصرت و قوت عطا فرما و در نیت خالص برای انجام کارهای خیر و شایسته مرا یاری کن و سخنم را دلپسند و عملم را نیکو گردان و کارهایم را به قدرت و توانایی خودم وامگذار بلکه با نیرو و قدرت

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۱۲

بی‌انتهای خودت کارهایم را اصلاح کن و مرا در روز قیامت خوار و ذلیل مگردان و در بین اولیا و دوستانت رسوا و مفتضح مکن و هیچ گاه یاد خودت را از خاطر من مبر و شکر و سپاس خودت را از من محو مکن، بلکه در همه احوالی که مردمان غافل نعمتهایت فراموش کرده‌اند مرا به شکر نعمتها ملزم کن و در برابر انواع نعمتهایی که به من مرحمت کرده‌ای به قلبم الهام کن و میل و رغبتم را به خودت بالاتر از اشتیاق مشتاقان قرار ده و حمد و ثنای مرا فوق همه حمد و ثنای ثناگویان برگردان و بهنگام نیاز مندمیم به لطف و عنایتت مرا خوار و بی‌کس مگذار و به خاطر اعمال زشتم که در اثر غفلت مرتکب شده‌ام هلاکم مکن ...»

(۱) آیا ملاحظه می‌کنید؛ که این توجه به خدا و اخلاص در فرمانبرداری و اطاعت او تا چه حد است؟ آیا می‌بینید که چگونه امام علیه السلام از پروردگار خود با تذلل و خواری و خضوع و خشوع درخواست می‌کند؟ از او می‌خواهد تا از شر شیطان رجیم دشمن شماره یک انسان نگهدارد و درخواست می‌کند تا او را از هر هوا و هوس که از حق منحرف می‌سازد بازدارد و مشمول عنایت و توجه خود قرار دهد و دست او را بگیرد تا همچون رانندگان از درگاهش دچار سقوط و هلاکت نشود و مانند خطاکاران گمراه در

گرداب ترس و بیم گرفتار نگردد و چون لغزش مردمان مغرور نلغزد و موانع نفسانی برای جلوگیری از هر نوع گناه و خطا و دل بستگی به دنیا را که ریشه همه خطاهاست در وجود او فراهم آورد. و طاعت و عبادت خودش را در نظر او جلوه دهد تا از اطاعت و بندگی و تقرب به او لذت ببرد ...

(۲) این بود برخی از مطالبی که مورد درخواست امام علیه السلام از پروردگارش بوده است. و اینکه به بخش دیگری از این دعای شریف گوش فرامی‌دهیم:

و لا تجبهنی بما جبهت به المعاندين لک، فآئی لک

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۱۳

مسلم، اعلم انّ الحیة لک، و أنّک اولى بالفضل، و اعود بالاحسان، و اهل التقوی و اهل المغفرة، و أنّک بان تعفو اولى منك بان تعاقب، و أنّک بان تستر اقرب منك الی ان تشهر، فاحینی حیاة طیبة، تنتظم بما ارید، و تبلغ ما احبّ من حیث لا آتی ما تکره، و لا ارتکب ما نهیت عنه، و امتنی میده من یسعی نوره بین یدیه و عن یمینه، و ذلّنی بین یدیک، و اعزّنی عند خلقک، وضعنی اذا خلوت بک، و ارفعنی بین عبادک، و اغننی عمّن هو غنیّ عتی، و زدنی الیک فاقه و فقرا، و اعزّنی من شماتة الأعداء، و من حلول البلاء، و من الدّلّ و العناء، و تغمدنی فی ما اطّلت علیه منی بما یتغمد به القادر علی البطش لو لا حلمه، و الاخذ علی الجریره لو لا اناته، و اذا اردت بقوم فتنة او سوء فنجنی منها لو اذا بک، و اذ لم تقمنی مقام فضیحة فی دنیاک، فلا تقمنی مثله فی آخرتک، و اشفع لی اوائل مننک باواخرها، و قدیم فوائدک بحوادثها، و لا تمدد لی مدّا یقسو معه قلبی، و لا تفرعنی قارعة یدهب لها بهائی، و لا تسمنی خسیسة یدصر لها قدری، و لا نقیصة یجهل من اجلها مکانی، و لا ترعنی روعة ابلس بها، و لا خيفة اوجس دونها ...

«خداوندا! با من مانند دشمنان و معاندان رفتار مکن و دست رد بر پیشانیم مگذار زیرا که من تسلیم امر و فرمان توأم، می‌دانم که حجت و برهان تو بر همه خلق روشن و تو به فضل و کرم بر بندگانت سزوارتر و به احسان و بخشش از همه کس افزونتری، تو اهل تقوا و آمرزشی تو هستی که بر عفو و گذشت از بندگان شایسته‌تری تا عذاب و کیفر ایشان و به پوشاندن عیب و خطای بندگان نزدیکتری تا رسوا کردن ایشان. پس

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۱۴

خداوندا به من حیات پاکیزه مرحمت کن تا بر طبق اراده و خواست خود کارهایم را انتظام بخشم و به هر چیزی که دوست دارم مرا برساند تا نه عملی که پسند تو نیست از من سرزند و نه کاری را که تو نهی فرموده‌ای مرتکب شوم. خداوندا مرا مانند کسانی بمیران که در پیش روی آنها و سمت راستشان نور است و آن نور ایشان را در محشر هدایت می‌کند، و مرا در پیشگاه خودت ذلیل و خوار و در نزد خلق عزیز و محترم بدار و در خلوت با خودت متواضع و فروتن اما در میان خلق سربلند گردان و از کسی که به من نیازی ندارد بی‌نیاز کن و به کرم و احسان خودت هر چه بیشتر محتاج و نیازمند ساز، مرا از شماتت دشمنان و از نزول بلا و از رنج و مشقت دنیا نگهدار و از اعمال بدی که مرتکب شده‌ام و تو بر همه آنها آگاهی از روی کرم و احسانت پرده‌پوشی کن، چنان که شخص قادر به انتقام اگر حلم و بردباری نداشته باشد و بر آن کس مهلت ندهد، آن خطاکار رسوا می‌شود.

خداوندا هرگاه بخواهی کسانی را که به تو سرکشی و عناد ورزیده‌اند، دچار عذاب کنی مرا که به در گاهت رو آورده‌ام از آن فتنه و عذاب نجاتم ده. حال که مرا در دنیا رسوایم نکردی پس کرم کن، در جهان آخرت نیز رسوا و مفتضح مکن و نعمتهای آخرت را که باقی و ابدی هستند به این نعمتها ضمیمه فرما و مرا تا مدت طولانی به حال خودم وامگذار تا از نافرمانی تو قلبم تیره و ظلمانی شود و مرا چنان سرکوب مکن که آبرویم بر باد رود. هیچ اثر و نشانی از فرومایگی و لثامت در من مگذار که مقام و منزلتم بی‌ارزش و بی‌مقدار شود و عیب و نقصی در من قرار مده تا مقام و ارزش من به خاطر آن بر مردم پوشیده بماند و مرا آن چنان از غضب هراسان مکن که باعث ناامیدیم از لطف تو گردد، و دلم را دچار ترس شدید مفرما، تا از این راه مرتکب گناه شده و دچار

غضبت کردم.

(۱) و اجعل هیتتی فی وعیدک، و حذری من اعدارک و انذارک، و رهبتی عند تلاوة آیاتک، و اعمر لیلی بایقازی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۱۵

فیه لعبادتک، و تفزّدی بالتّهجد لک، و تجرّدی بسکونی الیک، و انزال حوائجی بک، و منازلتی ایاک فی فکاک رقبتی من نارک، و اجارتی ممّا فیه اهلها من عذابک، و لا تذرنی فی طغیانی عامها، و لا فی غمرتی ساهیا، حتّی حین و لا تجعلنی عظه لمن اتّعظ، و لا نکالا لمن اعتبر، و لا فتنه لمن نظر، و لا تمکر بی فی من تمکر به، و لا تستبدل بی غیری، و لا تغیر لی اسما و لا تبدّل لی جسما، و لا تتخذنی هزوا لخلقک، و لا سخریا لک، و لا تبعنا الا لمرضاتک، و لا ممتھنا الا بالانتقام لک ...

خداوندا از وعده‌های عذابی که به گنهکاران داده‌ای و از هشدار و بیمی که به عاصیان فرموده‌ای دلم را خائف و هراسان کن و بهنگام تلاوت قرآن قلبم را بیمناک گردان و شبم را با بیداری و ذکر عبادت خود آباد کن و به شب‌زنده‌داری و نماز علاقه‌مند ساز و از میل به هر چه که غیر از توجه به درگاه توست بی‌نیاز کن تا تنها روی نیازم را به سوی تو گردانم و برای رجوع به درگاهت و عرض نیاز برای نجات از آتش قهرت به من توفیق بده تا همیشه از رنج و عذاب اهل عذاب به درگاهت پناه آورم، دلم را به وسیله طغیان در ارتکاب معصیت در حیرت و سرگردانی قرار مده و مگذار من تا مدت زیادی در تبهکاری بمانم و مرا مایه عبرت مردم قرار مده و عذاب مرا وسیله موعظه و پند دیگران مگردان و حال مرا مایه آزمون مردم مکن و مرا مورد مکر خود قرار مده تا مانند گرفتارشدگان به مکر هلاک شوم، و نظر لطفت را از من بر مدار و اسم مرا از دفتر سعادت‌مندان محو مکن و جسم مرا به صورت حیوانات مبدل مساز و مرا به وسیله مسخره کردن مردم خوار و ذلیل مگردان و در پیشگاه خودت نیز مرا به صورت مسخره منگر و بجز راه خشنودی و رضای خودت به راه دیگری مبر و جز برای انتقام از دشمنان و مبارزه با اعدای دین مرا به خدمت حاکمان جور مگمار ...»

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۱۶

(۱) امام علیه السلام مشکلات و خواسته‌های خود را در پیشگاه آفریدگار بزرگ مطرح کرده و از او می‌خواهد تا بر آورده سازد و دست رد بر پیشانی وی نزند؛ درخواست می‌کند تا او را از زندگی پاک و پاکیزه‌ای برخوردار سازد بطوری که تمام آرمانها و خواسته‌هایش بر آورده گردد و مرتکب معصیت و یا نافرمانی و گناهی نگردد و مرگ او را نیز همچون مردن شایستگانی قرار دهد که نور ایشان در پیشاپیش و از طرف راست آنان در رستاخیز راهنمای ایشان باشد، همین طور درخواست می‌کند تا بهنگام مناجات و عبادت در درگاه او ذلیل و خوار باشد و در پیشگاه وی برای خودش هیچ گونه ارزش وجودی قائل نباشد و نیز درخواست دارد که او را در نزد خلق عزیز و گرامی بدارد و مقامش را در میان مردم بالا ببرد و از ایشان بی‌نیاز سازد و از شماتت دشمنان - که خود از بزرگترین بدبختیها و گرفتاریهای انسان است - نگهدارد و از نزول بلا و رنج و ذلت نجات بخشد و مبادا وقتی که اراده می‌فرماید تا عاصیان و بندگان گنهکارش را عذاب کند، بر او بلا و بدی و عذاب خود را فرو فرستد و دیگر امور مهم و مشکلاتی را که امام علیه السلام از درگاه خداوند بر آوردن آنها را درخواست می‌کند بیان شده است. و (۲) اینک به آخرین فرازهای این دعای شریف گوش فرا می‌دهیم:

و اوجدنی برد عفوک، و حلاوة رحمتک، و روحک و ریحانک، و جنة نعیمک، و اذقنی طعم الفراغ لما تحبّ بسعة من سعته، و الاجتهاد فی ما یزلف لدیک و عندک، و اتحننی بتحنه من تحفاتک، و اجعل تجارتی رابحة و کزتی غیر خاسرة، و اخفنی مقامک، و شوّقی لقاءک، و تب علیّ توبه نصوحا، لا تبقی معها ذنوبا صغیرة و لا کبیرة، و لا تذر معها علانیة و لا سریره، و انزع الغلّ من صدري للمؤمنین، و اعطف بقلبی علی الخاشعین، و کن لی کما تكون للّصالحین، و حلّنی حلیة المتّقین، و اجعل لی لسان صدق فی الغابین، و ذکرنا نامیا

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۱۷

فی الآخِرین، و واف بی عرصه الأولین، و تمم سبوغ نعمتک علیّی، و ظاهر کراماتها لدیّی، و املاً من فوائدک یدیّی، و سق کرائم مواهبک الیّی، و جاور بی الطّیّین من اولیائک فی الجنان، الّتی زیتها لأصفیائک، و جلّلتی شرائف نحلک فی المقامات المعدّه لأحَبائک، و اجعل لی عندک مقیلاً آوی الیه مطمئناً، و مثابۀ أتبوّؤها، و اقرّ عینا، و لا تقایسنی عظیّیات الجرائر، و لا تهلکنی یوم تبلی السّیرائر، و ازل عنی کلّ شکّ و شبهۀ، و اجعل لی فی الحقّ طریقاً من کلّ رحمۀ، و اجزل لی قسم المواهب من نوالک، و وفر علیّ حظوظ الإحسان من افضالک، و اجعل قلبی واثقاً بما عندک، و همّی مستفرغاً لما هو لک، و استعملنی بما تستعمل به خالصتک، و اشرب قلبی عند ذهول العقول طاعتک، و اجمع لی الغنی و العفاف و الدّعة و المعافاة و الصّیحة و السّیعة و الطّمانیة و العافیة، و لا تحبط حسناتی بما یشوبها من معصیتک، و لا خلواتی بما یرض لی من نزغات فتنک، و صن وجهی عن الطّلب الی احد من العالمین، و ذبّنی عن التماس ما عند الفاسقین، و لا تجعلنی للطّالمین ظهیراً، و لا لهم علی محو کتابک یدا و نصیراً، و حطنی من حیث لا-اعلم، حیاطۀ تقینی بها، و افتح لی ابواب توبتک و رحمتک، و رأفتک و رزقک الواسع، آتی الیک من الرّاغبین، و اتمم لی انعامک، أنّک خیر المنعمین، و اجعل باقی عمری فی الحجّ و العمرة، ابتغاء وجهک یا ربّ العالمین، و صلّی الله علی محمّد و آله الطّیّین الطّاهرین، و السّلام علیهم

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۱۸

ابد الابدین. [۱]

«خداوندا! لذت عفو و بخشش خودت را در دلم پدید آور و آسایش و نشاط بهشت جاودانهات را نصیبم فرما و با فراغت از هر کار، لذت و خوشی کارهای خوب را بر من بچشان و به رحمت و اسعه خود کوشش مرا در راه تقرب و لذت حضورت قرار بده و از الطاف خاص خودت تحفه‌ای نصیبم گردان و تجارت مرا سودمند کن و بازگشت مرا به سوی خودت زیانبار مگردان و مرا از مقام قهر و جلالت خائف گردان و اشتیاق دیدارت را در قلبم افزون کن و به من توفیق بده تا توبه نصوح کنم بطوری که هیچ گناه بزرگ و کوچک، آشکار و پنهان در نامه عملم باقی نماند و بطور کلی کینه مردمان با ایمان را از سینه‌ام بیرون کن و محبت کسانی را که در درگاهت خاضع و خاشعند در دلم قرار بده. خداوندا با من آنگونه رفتار کن که با شایستگان رفتار می‌کنی و لباس زیبای تقوا را بر پیکر من بپوشان و ذکر خیر و نام نیک مرا در زبان آیندگان جاری کن و آوازه‌ام را بلند گردان. و مرا در جرگه اولین وارد کن و انواع نعمتت را بر من کامل گردان و در کرامات و فواید آن بهره‌مند فرما و مواهب گران‌بهایت را به سوی من سوق بده و با بهترین دوستانت مرا در بهشتی که برای خاصان درگاهت آراسته‌ای همسایه و همنشین گردان و خلعت نیکوترین عطایت را در آن جایگاههایی که برای دوستانت آماده کرده‌ای، بر من بپوشان و در نزد خود پناهگاه و منزلی برای من منظور کن تا با آرامش قلب در آنجا منزل و مأوا بگیرم و باعث روشنی دل و دیده‌ام باشد. خداوندا (در روز محشر) مرا با گناهان بزرگم مؤاخذه مکن و روزی که باطنها آشکار می‌شوند مرا دچار قهر و غضب مگردان و هم اکنون هر گونه شک و ریب را از دلم پاک کن و راه روشم را به سوی حق و حقیقت هدایت فرما و در تقسیم بخششهای خود

(۱) صحیفه سجادیّه: دعای چهل و ششم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۱۹

سهم بزرگی به من عطا فرما و از بهره‌هایی که به فضل و کرمت بر بندگان ارزانی می‌داری به من هم مرحمت کن و قلبم را نسبت به نعمتهای اخروی استوار گردان و توجه و اهتمام مرا به آن اعمالی جلب کن که مخصوص توست و بر آن کارهایی بگمار که بندگان خالصت را می‌گماری. خداوندا در آن هنگامی که عقلهای مردم از کار می‌افتد در قلبم نور هدایت را پدید آور و هم

اکنون بی‌نیازی و پاکدامنی، آسایش و سلامتی و تندرستی و وسعت روزی و اطمینان خاطر و حسن عاقبت را برای من فراهم فرما و اعمال نیکم را که با معصیت آلوده است بدین جهت محو مفرما و بهنگام خلوت با تو از وسوسه‌ها و فتنه‌های عالم که به دلم رو می‌آورد محفوظ بدار و آبرویم را از التماس و درخواست چیزی از دیگران حفظ کن و دل مرا از درخواست آنچه در دست تبهاران است بازدار و مرا یار و یاور ستمگران و ظالمان قرار مده و در محو احکام خودت مرا همدست ایشان مگردان. خداوندا بدون این که من بدانم با رحمت واسعه خودت از شرّ و بدی نگاه دار و درهای توبه را به روی من بگشای و رحمت و رأفت خودت و روزی فراخ را شامل حال من بگردان، که دل من از مشتاقان نعمت و کرم توست؛ نعمتهایت را بر من کامل گردان زیرا تو بهترین نعمت‌دهندگان و هر چه از عمرم باقی مانده است به انجام حج و عمره به خاطر کسب رضا و خشنودی ذات مقدّست، موفق بدار ای پروردگار جهان! و درود خدا بر محمد و خاندان پاک و پاکیزه‌اش باد، و سلام و تحیت بر آن بزرگوار و بر اهل بیت اطهارش تا ابد الآبدین ...»

(۱) در اینجا دعای شریف عرفه که از برجسته‌ترین ادعیه ائمه اهل بیت علیهم السلام است پایان می‌پذیرد دعایی که مشتمل بر بالاترین درسهای حکمت، عرفان، توبه و انابه به سوی خدای تعالی است علاوه بر آن که در منتهای زیبایی و شگفتی از نظر بلاغت، فصاحت و سبک جالب می‌باشد.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۲۰

(۱)

روز عید قربان

امام زین العابدین علیه السلام روز عید قربان را با زاری و تضرّع به درگاه خدا استقبال می‌کرد با این درخواست که خداوند با قبول مناسک حج و سایر طاعات و عباداتش او را مشمول فضل و کرم خود فرماید و مغفرت و رضوانش را بر او ارزانی دارد، و این دعای شریف را همواره می‌خواند:

(۲) «اللّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ مَبَارَكٌ مِمُّونٌ، وَ الْمُسْلِمُونَ فِيهِ مُجْتَمِعُونَ فِي أَقْطَارِ أَرْضِكَ، يَشْهَدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ، وَ الطَّالِبُ وَ الرَّاعِبُ وَ الرَّاهِبُ، وَ أَنْتَ النَّاطِرُ فِي حَوَائِجِهِمْ، فَاسْأَلْكَ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ، وَ هَوَانِ مَا سَأَلْتُكَ عَلَيْكَ، أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَ آلِهِ، وَ اسْأَلْكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا بَانَ لَكَ الْمَلِكُ، وَ لَكَ الْحَمْدُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ، ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ، مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ بَرَكَهٍ أَوْ هَدًى أَوْ عَمَلٍ بِطَاعَتِكَ، أَوْ خَيْرٍ تَمَنَّيَ بِهِ عَلَيْهِمْ، تَهْدِيهِمْ بِهِ إِلَيْكَ، أَوْ تَرْفَعَ لَهُمْ عِنْدَكَ دَرَجَةً، أَوْ تَعْطِيَهُمْ بِهِ خَيْرًا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ أَنْ تَوْفَّرَ حَظِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ ...»

(۲) «خداوندا! امروز روز مبارکی است و مسلمانان در همه جای عالم در پیشگاهت حاضرند، بعضی از ایشان از تو طلب حاجت می‌کنند و بعضی خواستار رحمت تو هستند و بعضی مشتاق لطف و کرم و بعضی ترسان از قهر و غضب، و تو ناظر بر تمام حوایج ایشان هستی، پس خداوندا از درگاه با عظمت درخواست می‌کنم که به جود و کرم خود بر حاجت ناچیز من توجه کنی؛ بر محمد و آل محمد درود و تحیت بفرستی و ای خداوند بزرگ که پروردگار همه جهانیان و تنها پادشاه ملک و جود تویی و حمد و ثنا

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۲۱

مخصوص ذات مقدس توست و خدایی جز تو در جهان هستی وجود ندارد و تویی که به صفت حلم و بخشندگی و مهربانی و عطا و بخشش مّصنّفی و دارای عظمت و جلال می‌باشی و پدیدآورنده آسمانها و زمین هستی، از تو درخواست می‌کنم هرگاه خواستی که در میان بندگانت خیر، نیکویی، سلامتی، عافیت، برکت، هدایت و توفیق عمل و طاعت خودت را تقسیم کنی و یا هر خوبی که به ایشان عطا می‌کنی تا بدان وسیله به سوی تو هدایت شوند و یا آن که درجه و مقام آنان را در نزد خود بالا ببری و یا آن که بدان

وسيله خیر دنیا و آخرت را به ایشان مرحمت کنی، از همه آنها به من بهره کافی و نصیبم را مرحمت فرما.

(۱) اسالک اللهم بان لك الحمد، لا اله الا انت ان تصلي علي محمد، عبدك و رسولك، و حبيبك و صفوتك، و خيرتك من خلقك، و علي آل محمد الأبرار، الطاهرين الأخيار، صلاة لا يقوى علي احصائها الا انت، و ان تشركننا في صالح من دعاك، في هذا اليوم من عبادك المؤمنين، يا رب العالمين، و ان تغفر لنا و لهم، انك علي كل شيء قدير. اللهم اليك تعبدت بحاجتي، و بك انزلت اليوم فقري و فاقتي و مسكنتي، و اني بمغفرتك و رحمتك اوثق مني بعملی، و لمغفرتك و رحمتك اوسع من ذنوبي، فصل علي محمد و آل محمد، و تول قضاء كل حاجة هي لي بقدرتك عليها، و تيسير ذلك عليك، و بفقري اليك و غناك عني، فاني لم اصب خيرا قط الا منك، و لم يصرف عني سوءا قط احد غيرك، و لا ارجو لأمر آخرتي و دنياي سواك ...

(۲) اللهم من تهيا و تعبأ و أعد و استعد لوفادة الي مخلوق رجاء رفته و نوافله و طلب نيله و جائزته، فاليك يا مولاي

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۲۲

كانت اليوم تهيتي و تعبتني و اعدادي و استعدادي رجاء عفوك و رفقك و طلب نيلك و جائزتك. اللهم فصل علي محمد و آل محمد، و لا- تخيب اليوم ذلك من رجائي، يا من لا يحفيه سائل، و لا ينقصه نائل، فاني لم آتك ثقة مني بعمل قدمته، و لا شفاعه مخلوق رجوته، الا شفاعه محمد و اهل بيته عليه و عليهم سلامك، اتيتك مقرا بالجرم و الإساءة الي نفسي، اتيتك ارجو عظيم عفوك الذي عفوت به عن الخاطئين، ثم لم يمنعك طول عكوفهم علي عظيم الجرم ان عدت عليهم بالرحمة و المغفرة، فيا من رحمته واسعة، و عفوه عظيم، يا عظيم، يا كريم، يا كريم، صل علي محمد و آل محمد، وعد علي برحمتك، و تعطف علي بفضلك، و توسع علي بمغفرتك ...

خداوندا! من بدان جهت از تو درخواست می‌کنم که تو یگانه مالک آفرینش هستی و همه حمدها و ثناها مخصوص ذات پاک تو می‌باشد و خدایی جز تو وجود ندارد؛ که بر محمد- بنده و فرستاده‌ات و حیب و برگزیده و گلچین از میان خلقت- و بر آل پاک و نیکوکارش درود فرستی، درود و تحیتی که از نظر عظمت کسی جز تو قادر بر شمارش آن نباشد و ما را هم در اجر و ثواب دعای بندگان مؤمنان که امروز به درگاہت دعا می‌کنند شریک سازی، ای پروردگار جهانیان، و این که از گناهان ما و ایشان درگذری که تو بر هر کاری توانایی. خداوندا من با اعتمادی که به تو دارم، حاجتم را به درگاه تو آورده‌ام و امروز فقر و بیچارگی و درماندگیم را به تو عرضه می‌کنم چون من به آمرزش و بخشش و رحمت تو بیش از عمل خودم اطمینان و یقین دارم و آمرزش و بخشش تو بیشتر از گناهان من است، پس خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و با کرم خود بر آوردن

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۲۳

تمام حاجتم را که در برابر قدرت تو سهل است، تعهد فرما، خداوندا در اثر فقر و نیازی که من به درگاه تو دارم و بی‌نیازی تو از بندگان، هرگز خیری جز از جانب تو به من نرسیده و جز تو کسی درد و رنجی را از من برطرف نکرده و من در امور دنیا و آخرتم بجز از تو به کسی امیدوار نیستم.

(۱) خداوندا! هر کسی خود را برای امید به صله و بخششهای مخلوقی آماده می‌سازد و به زحمت و رنج مهیای رفتن به نزد او می‌شود، پس مولای من در این روز عید، من هم مهیا و آماده شده و به درگاهت آمده‌ام تا از عفو و بخشش و لطف و احسانت برخوردار شوم، پس ای پروردگار بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا در این روز عید از لطف و کرم نامید مفرما.

ای خدایی که اصرار و پافشاری محتاجان عالم تو را از بخشش و عطا باز نمی‌دارد و کرم و احسانت چیزی از گنجینه جودت نمی‌کاهد، خداوندا من اکنون با اطمینان به عمل صالحی که قبلا انجام داده باشم به درگاه تو نیامده‌ام و امیدی هم به شفاعت مخلوقی جز شفاعت محمد و اهل بیتش- درود تو بر او و بر ایشان باد- ندارم، بلکه در حالی برای عرض نیاز به درگاهت آمده‌ام که به گناه خود و ستمی که بر نفسم روا داشته‌ام اقرار دارم، در حالی آمده‌ام که به عفو و بخشش امید بسته‌ام، عفوی که شامل

حال همه خطاکاران می‌شود و از جرم و گناه همه گناهکاران جهان بیشتر و فراگیرتر است و پایداری آنان بر ارتکاب گناهان بزرگ، تو را از لطف و عنایت بر ایشان باز نمی‌دارد پس ای خداوندی که رحمت تو گسترده و عفو و بخشش بزرگ است ای خدای بزرگ، بخشنده و کریم بر محمد و آل محمد درود فرست و به رحمت و کرمیت به من توجه فرما و با گذشت و مغفرت خود به من وسعت عطا کن ...»

امام علیه السلام، در آغاز دعایش درباره عید قربان و از اهمیت زیاد آن در نزد مسلمین سخن گفته است که در همه جای عالم چه آنهایی که در موسم

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۲۴

حج حضور دارند و چه کسانی که در قربانگاه حضور ندارند نیازمندیها و گرفتاریهای خود را به پیشگاه خداوند عرضه می‌کنند و برآورده شدن آنها را از خداوند مسألت دارند، امام سجاد علیه السلام از خدای متعال می‌خواهد تا آنچه را که برای بندگانش از خیر و عافیت و هدایت در این روز مبارک مقرر فرموده است، نصیب او نیز بگرداند و امام علیه السلام در درگاه خدای تعالی که همه بخششها و عطا کردن و نکردن به دست اوست، به زاری و تضرع می‌پردازد و از او می‌خواهد تا به لطف و کرمش مغفرت و رحمت و رضوانش را شامل حال او گرداند. و اینک به بخش دیگری از این دعای شریف گوش دل می‌سپاریم:

(۱) اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لَخَلْفَانِكَ وَاصْفِيَانِكَ، وَ مَوَاضِعَ امْنَانِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا قَد ابْتَرَوْهَا، وَ اَنْتَ الْمَقْدَرُ لِذَلِكَ لَا يَغَالِبُ امْرُوكَ، وَ لَا يَجَاوِزُ الْمَحْتَمُومَ مِنْ تَدْبِيرِكَ، كَيْفَ شِئْتَ وَ اَنْتَ شِئْتَ، وَ لِمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ غَيْرَ مَتَّهَمٍ عَلَيَّ خَلْقِكَ، وَ لَا لِرَادَتِكَ، حَتَّى عَادَ صَفْوَتُكَ وَ خَلْفَاؤُكَ مَغْلُوبِينَ، مَقْهُورِينَ، مَبْتَرِينَ، يَرُونَ حَكْمَكَ مَبْدَلًا، وَ كِتَابَكَ مَنبُذًا، وَ فَرَائِضَكَ مَحْرَفَةً عَنِ جِهَاتِ اِشْرَاعِكَ، وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ مَتْرُوكَةً اللَّهُمَّ الْعِنَ اَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَ الْاٰخِرِينَ، وَ مِنْ رَضِيَ بِفَعَالِهِمْ، وَ اَشْيَاعِهِمْ، وَ اتَّبَاعِهِمْ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، اِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ، كَصَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ تَحِيَّاتِكَ عَلَيَّ اَصْفِيَانِكَ اِبْرَاهِيمَ وَ آلِ اِبْرَاهِيمَ وَ عَجَلِ الْفَرَجِ وَ الرُّوحِ وَ النَّصْرَةِ وَ التَّمَكِينِ وَ التَّأْيِيدِ لَهُمْ ...

«خداوند! این مقام (نماز عید) مخصوص رسولان و خلفاء و برگزیدگان توست و آنانی که امانتداران تو می‌باشند و به واسطه دارا بودن این درجه عالی که تو به آنان اختصاص دادی و آنان به خاطر عشق و محبت به تو این مقام را کسب کردند و تو بر ایشان مقدر ساختی و هر کسی نمی‌تواند بر

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۲۵

فرمان قطعی تو غالب آید و فضای حتمی تو قابل تغییر و تبدیل نمی‌باشد و هر طور و هر کجا مشیت تو به چیزی تعلق گیرد آن چیز موجود شود و چون تو بر حکمت همه چیز داناتری و در کیفیت آفرینش کسی نمی‌تواند تو را بر خلاف حکمت متهم سازد و بر اراده تو ایراد بگیرد، تا آنجا که برگزیدگان و خلفای تو در زمین به حکم مشیت و اراده تو مغلوب دشمنان شده و مقام خلافت تو را ناهلان ربودند در حالی که می‌بینند فرمان تو را چگونه تغییر و تبدیل داده‌اند؛ کتاب و شریعت تو را پشت سر انداخته و واجبات تو را از راه شریعت بکلی دگرگون ساخته‌اند و سنتهای پیامبرت، رها شده است، خداوند! بر دشمنان ایشان از اولین و آخرین لعنت فرست و بر هر کسی که به عمل بد آنان راضی بوده و از آنها پیروی کرده و با آنان همراهی نموده همه آنها را از رحمت دور کن خداوند! بر محمد و آل محمد درود فرست که تو ستوده و بزرگی، چنان درود، برکات و تحیاتی که بر برگزیدگانت؛ ابراهیم و آل ابراهیم می‌فرستی و فرج عاجل و آسایش و نصرت و اقتدار کامل به ایشان عطا فرما.»

(۱) امام علیه السلام در این بخش از دعای خود به شئون حساس سیاسی زمان خودش پرداخته و مطالبی به شرح زیر بیان داشته است:

۱- مقام نماز عید و دیگر امور مربوط به شئون عامه مخصوص ائمه هدی است که آنان خلفا و اوصیای پیامبر - صلی الله علیه و آله -

می‌باشند و آنانند که در میان مردم عدل محض و حق و حقیقت ناب را اجرا می‌کنند و امور مردم را به عدل و داد کامل تدبیر می‌نمایند.

۲- زمامداران جور و ضلالت از قبیل پادشاهان اموی مراکز حساس دولتی را ربوده بودند که از هیچ کوشش و تلاشی برای مبارزه با حقایق اسلامی و برچیدن عقیده دینی از واقعیت زندگی مردم کوتاهی نمی‌کردند.

۳- ائمه هدی علیهم السلام و زمامداران حق و حقیقت در دوران سیاه

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۲۶

حکومت بنی امیه مقهور و مغلوب شدند و آن ظالمان حقوق حقّه ایشان را ربودند.

(۱) ۴- سیاست اموی بر دگرگون ساختن احکام الهی و پشت سر انداختن قرآن مجید و منحرف ساختن واجبات و ترک سنت رسول خدا- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- مبتنی بود.

و اینک به صفحه دیگری از این دعای شریف بر می‌گردیم و گوش جان می‌سپاریم:

(۲) اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ التَّوْحِيدِ وَالْإِيمَانِ بِكَ، وَالتَّصَدِيقِ بِرَسُولِكَ، وَالْأُتْمَةَ الَّذِينَ حَتَمْتَ طَاعَتَهُمْ، مَمَّنْ يَجْرِي ذَلِكُ بِهِ وَاعْلَى يَدِيهِ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ لَيْسَ يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلَّا حَلْمُكَ، وَلَا يَرُدُّ سَخَطَكَ إِلَّا عَفْوُكَ، وَلَا يَجْبِرُ مِنْ عِقَابِكَ إِلَّا رَحْمَتُكَ، وَلَا يَنْجِينِي مِنْكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ وَبَيْنَ يَدَيْكَ. فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَهَبْ لَنَا يَا اللَّهُ مِنْ لَدُنْكَ فِرْجًا بِالْقُدْرَةِ الَّتِي بَهَا تَحْيِي أَمْوَاتَ الْعِبَادِ، وَبَهَا تَنْشُرُ مِيتَ الْبِلَادِ، وَلَا تَهْلِكُنِي يَا اللَّهُ غَمًّا حَتَّى تَسْتَجِيبَ لِي، وَتَعْرِفَنِي الْإِجَابَةَ فِي دَعَائِي، وَاذْقِنِي طَعْمَ الْعَافِيَةِ إِلَى مَنْتَهَى اجْلِي، وَلَا تَشْمِتْ عَدُوِّي، وَلَا تَمَكِّنْهُ مِنْ عُنُقِي، وَلَا تَسَلِّطْهُ عَلَيَّ ...

(۲) «خداوندا! مرا از اهل توحید و ایمان به خودت و تصدیق به پیامبر و ائمه که طاعتشان را بر همه مسلمانان فرض کرده‌ای- آن کسانی که امر اطاعت خودت را به دست آنان جاری ساخته‌ای- قرار بده! ای پروردگار جهانیان این دعای مرا اجابت کن. خداوندا! غضب تو را جز حلم و بردباریت و قهر و خشم را جز عفو و بخشش چیزی فرو نماند و از کیفر و عذابت جز به رحمت تو پناهی نیست و از قهر و سطوتت مرا جز تضرع و زاری به درگاهت راه نجاتی نیست، پس خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست و از جانب خود در کار من فرج و گشایشی عطا فرما با همان

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۲۷

قدرتی که مردگان را دوباره زنده می‌کنی و سرزمینهای خشک و مرده را سبز و خرم می‌سازی، ای خدای مهربان مرا با غم دنیا و آخرت هلاک مساز، دعایم مستجاب فرما و اجابت آن را به من الهام کن و طعم عافیت را تا آخر عمر به من بچشان و مرا به شماتت دشمنان مبتلا مکن و دست دشمنان را از من کوتاه کن و هیچ دشمنی را بر من مسلط مگردان.

(۱) الهی ان رفعتنی فمن ذا الذی یضعنی؟ و ان وضعتنی فمن ذا الذی یرفعنی؟ و ان اکرمتنی فمن ذا الذی یهیننی؟ و ان اهنتنی فمن ذا الذی یکرمنی؟ و ان عطبتنی فمن ذا الذی یرحمنی؟ و ان اهلکتنی فمن ذا الذی یرض لک فی عبدک او یسألک عن امره؟ و قد علمت انه لیس فی حکمک ظلم و لا فی نعمتک عجله و انما یعجل من یخاف الفوت و انما یحتاج الی الظلم الضعیف و قد تعالیت یا الهی عن ذلک علوا کبیرا ...

خداوندا! تو اگر مرا بلند کنی و رفعت مقام بدهی چه کسی می‌تواند مرا خوار و ذلیل سازد؟ و اگر تو مرا خوار و ذلیل گردانی چه کسی می‌تواند عزیز و گرامی بدارد؟ و اگر تو مرا گرامی بداری کیست که بتواند مرا خوار و ذلیل کند؟ و اگر تو مرا ضعیف و زبون کنی چه کسی قدرت دارد که مرا قوی و گرامی گرداند؟ و اگر تو مرا عذاب کنی چه کسی بر من ترحم می‌کند؟ و اگر بخواهی تو مرا هلاک کنی چه کسی قادر است که بر حکم نافذ تو نسبت به بنده‌ات اعتراض نماید؟ و یا درباره آن از تو سؤال نماید؟ البته این را می‌دانم که در حکم تو ستم و ظلمی وجود ندارد و در انتقام تو شتاب و عجله‌ای نیست، چون کسی در کار انتقام

تعجیل می‌کند که بترسد از این که قدرتش را از دست بدهد و کسی ستم می‌کند که ضعیف و ناتوان باشد در صورتی که تو خداوندا بالاتر از همه اینها هستی.

(۲) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلا تَجْعَلْنِي

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۲۸

للبلاء غرضاً، و لا لنقمتك نصباً، و مهلني، و نفسني، و أقلني عثرتي، و لا تبتلني ببلاء علي اثر بلاء، فقد تری ضعفي و قلبه حيلتي و تضرعي اليك، اعوذ بك اللهم اليوم من غضبك، فصل علي محمداً و آله، و أعذني، و أستجير بك اليوم من سخطك، فصل علي محمد و آله، و أجرني و أسألك أمناً من عذابك، فصل علي محمد و آله و آمنني، و استهديك، فصل علي محمد و آله، و اهدني، و أستصرك فصل علي محمداً و آل محمداً، و انصرني، و أسترحمك فصل علي محمداً و آله، و ارحمني، و أستكفيك فصل علي محمد و آله، و اكفني، و أسترزقك فصل علي محمد و آله، و ارزقني، و أستعينك فصل علي محمد و آله، و أعني، و أستغفرك لما سلف من ذنوبي، فصل علي محمداً و آله و اغفر لي، و أستعصمك فصل علي محمد و آله، و اعصمني، فأني لن اعود لشيء كرهته متى ان شئت ذلك، يا رب، يا رب، يا حنان، يا منان، يا ذا الجلال و الإكرام، صل علي محمد و آله، و استجب لي جميع ما سألتك، و طلبت منك، و رغبت فيه اليك، و ارده، و قدره، و اقضه، و امضه، و خر لي في ما تقضى منه، و بارك لي في ذلك، و تفضل علي به، و اسعدني بما تعطيني منه، و زدني من فضلك و سعة ما عندك، فأنك واسع كريم، و صل ذلك بخير الآخرة و نعيمها، يا ارحم الراحمين. (۱)

[و كان عليه الصلاة و السلام يدعو بعد ذلك بما بدا له

(۱) صحیفه سجادیه: دعای چهل و هفتم.

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۲۹

و یصلی ألف مرة علی محمد و آله علیهم الصلاة و السلام أبدأ بالبدین.].

خداوندا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا هدف تیر بلا- مگردان و به من فرصت و مهلتی عطا فرما و غمهایم را زایل کن و لغزشهایم را کم کن و مرا به بلایی در پی بلایی مبتلا- مگردان، خداوندا تو ضعف و بیچارگی مرا می‌بینی، ناله و زاریم را به درگاہت می‌شنوی، خداوندا من امروز از شرار قهت به لطف و کرمت پناه آورده‌ام، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا در سایه رحمت پناه بده و امروز من از خشم و انتقامت به مغفرت و گذشت تو پناه آورده‌ام پس بر محمد و آل محمد، درود فرست و مرا پناه بده و از درگاہت ایمنی از عذاب را درخواست دارم، به لطف و کرمت مرا ایمن گردان، خداوندا! من از تو هدایت می‌طلبم، بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا هدایت فرما و از تو یاری می‌طلبم، بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا یاری و نصرت فرما، خداوندا من از پیشگاه تو رأفت و مهربانی درخواست می‌کنم، بر محمد و آل محمد درود فرست و بر حالم رحمت فرما خداوندا من از درگاہت روزی و یاری و کمک می‌خواهم بر محمد و آل محمد درود فرست و به من کمک کن. و از گناهان گذشته خود طلب آمرزش می‌کنم، پس خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و از گناهانم در گذر و از تو عصمت و ترک معصیت می‌طلبم، خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا توفیق ترک معصیت مرحمت فرما، که من هرگز به کاری که مورد رضای تو نباشد بر نگردم، اگر مصلحت بدانی و اراده فرمایی. ای پروردگارا! ای پروردگارا، ای که منتهای مهربانی و احسان و لطف نسبت به مخلوق خود داری ای صاحب جلال و احسان، بر محمد و آل محمد درود فرست و همه آنچه را که از تو درخواست کردم و با شوق و امید از درگاہت طلبیدم اجابت کن و با اراده حتمی و قضا و قدر خود مقدر فرما و آنچه را که از مقدرات نصیب من فرمودی مایه سعادت و خوش حالیم

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص: ۴۳۰

قرار بده و از فضل و کرم و رحمت و بزرگواریت مقرون به خیر و نیکی فرما و از لطف خود افزونتر مرحمت کن و از رحمت واسعه خود برخوردارم ساز که تو گشایش دهنده و بخشاینده‌ای و خیرات این دنیا را به نعمتهای ابدی متصل گردان ای بخشنده‌ترین بخشاینندگان ...

(۱) امام سجاد علیه السلام پس از این دعای شریف هر درخواست و دعای مهمی که داشت معروض می‌داشت سپس هزار مرتبه صلوات بر پیامبر گرامی (ص) می‌فرستاد.

در اینجا، دعای شریف عید قربان تمام شد دعایی که مشتمل بر خضوع و تذلل و زاری در پیشگاه خداوند بزرگ و درخواست خیر دنیا و آخرت از درگاه اوست؛ امام علیه السلام از خداوند متعال درخواست ایمان به ذات مقدس او و تصدیق به پیامبر و ائمه اطهار و اوصیا و خلفای پیامبر در میان امت را نموده است و بدون شک و تردید شخص امام علیه السلام در بالاترین مرتبه ایمان به خدا و تصدیق به پیامبر (ص) و معرفت به اوصیای آن حضرت که خود یکی از آنان است، بوده و بطور مسلم این دعا را به خاطر ارشاد و هدایت امت برای پیروی از راه و روش صحیح در زندگی عقیدتی خود، بیان فرموده است.

الحمد لله اولاً و آخراً اللهم اجعل هذا ذخراً لیوم فقری و فاقتی یوم لا ینفع مال و لا بنون الا من اتى الله بقلب سلیم.

مشهد مقدس - ۲۸ رجب المرجب ۱۴۱۳ هـ.

محمد رضا عطائی

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص: ۷

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به

محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

